



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

ریشه‌ها و جلوه‌های

شش‌م

خوزه‌علی‌اصفهان

در طول تاریخ

جلد اول

تألیف میرزا یحیی قزوینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

دفتر تبلیغات المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ جلد ۱
۱۸	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۰	إهداء
۲۲	پیش گفتار
۲۴	روش ما در مباحث کتاب
۲۶	۱- نامها و امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان در طول تاریخ
۲۶	اشاره
۲۸	اسامی شهر اصفهان در طول تاریخ
۲۸	امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان
۲۸	سی مستجاب الدعوه در اصفهان ، در طول تاریخ
۲۹	طهمورت، برای حفظ کتب علمی اصفهان را برگزید
۳۰	اصفهان ، سخنگوی زمین
۳۱	اصفهان و فارس ، از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَّمَ
۳۶	اشاره ای به تاریخ اصفهان
۳۸	ورود جمعی از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ وَ سَلَّمَ به اصفهان
۴۰	۲- عظمت علمی و دینی اصفهان در آئینه افکار صاحب نظران
۴۰	اشاره
۴۲	عظمت علمی و دینی اصفهان در آئینه افکار صاحب نظران
۴۲	۱- حکیم رومی
۴۳	۲- مقدسی
۴۳	۳- عَمَّالُ بن سعد ... مَأْرُوحِي اصفهانی
۴۵	۴- شمعی
۴۵	۵- یاقوت حموی
۴۶	۶- أبوالفداء، عماد الدین اسماعیل
۴۷	۷- حمد الله مستوفی قزوینی
۴۷	۸- ابن بطوطه
۴۸	۹- شوالیه شاردن فرانسوی
۵۰	آماري جالب و مهم
۵۰	۱۰- زین العابدین شیروانی
۵۱	۱۱- صاحب روضات الجنّات
۵۴	۱۲- میرزا حسین خان تحویلدار
۵۸	صفات زندهای اصفهانی
۵۹	۱۳- محمد مهدی اصفهانی
۶۰	۱۴- داتره المعارف الإسلامیة
۶۱	۱۵- سید محسن امین عاملی
۶۱	۱۶- محمد فرید وجدی
۶۲	۱۷- جابری انصاری
۶۲	۱۸- علی اکبر دهخدا

۶۴	۱۹-حسین نور صادقی
۶۴	۲۰-رفیعی مهر آبادی
۶۵	۲۱-نشریه اداره اوقاف اصفهان
۶۶	۲۲-دکتر محمّد معین
۶۶	۲۳-غلامحسین مصاحب
۶۷	۲۴-دائرة المعارف الإسلامیة الشیعیة
۶۹	۲۵-دکتر لطف الله هنرفر
۷۰	اظهار نظری دیگر
۷۱	اصفهان ، ستار [جهان اسلام
۷۲	۲۶-دکتر فضل الله صلواتی
۷۳	۲۷-دائرة المعارف تشیع
۷۴	۲۸-عبد الغفور یوشی
۷۶	۲۹-سخاوی
۷۷	۳۰-سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی
۷۷	نگرشی دیگر
۷۸	توضیعی دیگر
۷۹	۳۱-محتبی ایمانیه
۸۱	۳۲-عباس نصر
۸۲	۳۳-منوچهر قدسی
۸۶	۲- ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان
۸۶	اشاره
۸۸	ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان
۸۸	نقش حیاتی امیر المؤمنین علی علیه السلام در فتح اصفهان
۹۰	ورود امام حسین علیه السلام به اصفهان !
۹۱	سلمان فارسی ، افتخار اسلام و مکتب أهل البيت عليهم السلام و آبروی ایران و اصفهان
۹۸	سلمان فارسی اصفهانی است
۱۰۰	سلمان مجدداً به اصفهان آمده است
۱۰۰	دختری از سلمان ، در شهر اصفهان
۱۰۰	یک بانوی اصفهانی ، راهنمای سلمان فارسی به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهی و سلم از سلمان فارسی نقل گردیده ، که در هنگامی که در باغستانهای مدینه به صورت غلامی، کار می کرده، و در صدد راه یافتن به پیامبر اسلام علییونه بوده ، یک بانوی اصفهانی را می بیند و از او
۱۰۲	بزید بن قیس ارضی اولین نماینده امام علی علیه السلام در اصفهان
۱۰۴	میخلف بن سُلَیْم، والی اصفهان از طرف امام علی علیه السلام
۱۰۵	حارث بن اَبی الحارث بن ربیع، نماینده والی اصفهان
۱۰۶	عمر بن سلفه، والی یا نماینده والی اصفهان
۱۰۶	تذکر قابل توجه
۱۰۷	ورود مالک اشتر نخعی به اصفهان
۱۰۷	مسجد شعیای نبی علیه السلام اولین مسجد بزرگ اصفهان مربوط به دوره خلافت علی علیه السلام
۱۰۸	جامع خوشینان و احتمال اتحاد با مسجد شعیای نبی صلی الله علیه و آلهی و سلم
۱۰۹	نایفه جدی ، تبعیدی معلومه به اصفهان
۱۱۲	شش سال نفوذ حکومت مختار بر اصفهان
۱۱۲	اقامت سعید بن جبیر (مفتقر قرآن و شهید راه امام علی علیه السلام) در اصفهان
۱۱۵	قاسم بن اَبی آیوب اصفهانی (أعرج)، پناه دهنده سعید بن جبیر

۱۱۵ شتردار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در سفر خراسان، اصفهانی بوده است
۱۱۶ عبد الرحمن اصفهانی، و تشیع او با عنایت امام علی التقی علیه السلام
۱۱۸ ابن بادشاه اصفهانی و ملاقات امام زمان (عج)
۱۱۸ محدثین اصفهانی ، از اصحاب ائمه علیهم السلام
۱۱۹ عبد الله بن محمد کتانی ، شکنجه دیده راه تشیع
۱۲۰ اسحاق بن سعد قَطْر بَلّی ، فرماندار اصفهان، و عاشق دلباخته امام زمان علیه السلام
۱۲۱ فقهاء بزرگ شیعه ، در اصفهان مشهور به تعصب و تستن
۱۲۱ جریان‌ی جالب و کشف حقیقی آرزومند
۱۲۲ شیخ ابومسعود رازی اصفهانی، مدافع حریم امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۱۲۴ نقی شیخ ابومسعود ، در جلوگیری از سب امیر المؤمنین علی علیه السلام
۱۲۷ نقی خاندان علمی تقی، در نشر احادیث اهل بیت علیهم السلام در اصفهان
۱۲۷ سلیمان بن أحمد طبرانی اصفهانی
۱۲۹ اصفهان و عزاداری بر امام حسین علیه السلام در دوره آل بویه و ...
۱۳۰ عزاداری بر امام حسین علیه السلام در اوج قدرت اهل تستن در اصفهان
۱۳۲ نشر احادیث فضائل علی علیه السلام و اهل بیت، از اصفهان
۱۳۳ اثری بزرگ و قابل توجه در تشیع، در اصفهان، در اوائل قرن هشتم
۱۳۶ سنگ قبر تاریخی میر علی شهیدداز نشانه های تشیع در اصفهان
۱۳۸ دومساره جویباره، مژین به نام مقدس پنج تن اثری از تشیع در قرن هشتم اصفهان
۱۳۹ مسجد جامع کاج و نام پنج نور مقدس، اثری از قرن هشتم
۱۴۰ مسجد جامع اشترجان و نام اهل بیت علیهم السلام
۱۴۲ آثار و نشانه های تشیع ، در بقعه پیر بکران
۱۴۳ تاج الدین حسین صاعدی اصفهانی، مذهب تشیع را می پذیرد
۱۴۴ استشفای یک زمین گیر اصفهانی، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۱۴۵ یک اصفهانی از اصحاب خاتم امام زمان (عج)، در هنگام ظهور
۱۴۸ ۴- جلوه های ولایت اهل بیت علیهم السلام در شهر اصفهان
۱۴۸ اشاره
۱۵۰ اصفهان، شهر جود و ایثار، در راه دین و اهل بیت علیهم السلام
۱۵۲ اصفهان ، شهر تعظیم شعائر مکتب ولایت و امامت در دوره معاصر
۱۵۶ اصفهان و ضریح سازی و کاشی کاری و دیگر هنرهای مذهبی
۱۵۷ خاطره های تاریخی و به یاد ماندنی در مورد ضریح حضرت ابوالفضل علیه السلام
۱۶۰ ۵- زندگی و مزار امامزادگان از ریشه های رشد تشیع در منطقه اصفهان
۱۶۰ اشاره
۱۶۲ پیش گفتار
۱۶۲ امامزادگان ، و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها
۱۶۳ بارگاههای ملکوتی و باشکوه
۱۶۵ پاسخ به سوالی قابل توجه
۱۶۵ تأکید خداوند متعال ، و رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم بر محبت اهل بیت علیهم السلام
۱۷۰ سخنی شیوا ، از علامه مجلسی
۱۷۱ ۲- فضائل و کمالات، بو خدمات دینی و علمی و اجتماعی امامزادگان علیهم السلام
۱۷۱ ۱- علم و دانش
۱۷۲ ۲- مقامات معنوی

۱۷۳ آثار و خدمات اجتماعی
۱۷۳ مبارزه با ظلم
۱۷۴ ورود امامزادگان و ذراری رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصفهان
۱۷۵ الف- نام امام زادگان اصفهان، در کتب تراجم و اسباب
۱۷۶ ب- مزارهای امامزادگان ، در اصفهان
۱۷۷ ۱- امامزاده ابراهیم علیه السلام
۱۷۸ ۲- امامزاده ابراهیم علیه السلام (امامزاده نرعی)
۱۸۰ ۳- امامزاده أحمد علیه السلام
۱۸۲ بقعه و بارگاه امامزاده أحمد علیه السلام
۱۸۴ ۴- امامزاده اسحاق علیه السلام
۱۸۶ ۵- امامزاده اسماعیل علیه السلام
۱۹۰ ۶- امامزاده حمزه علیه السلام (شاه میر حمزه)
۱۹۱ ۷- امامزاده زید علیه السلام (شاهزید)
۱۹۳ آخرین تعمیرات امامزاده زید
۱۹۴ ۸- امامزاده زینب علیها السلام (زینبیه)
۱۹۵ نسب حضرت زینب علیها السلام
۲۰۰ بقعه و مزار و حرم زینبیه
۲۰۱ تشکیل هیئت اُمتاء، و توسعه اُستانه مقدسه
۲۰۲ اُستانه زینبیه، از بقعه های علمی اصفهان
۲۰۲ ۹- امامزاده علی علیه السلام (درب امام)
۲۰۳ بقعه و بارگاه امام زاده درب امام
۲۰۵ ۱۰- امامزاده سیدعلی علیه السلام
۲۰۶ ۱۱- امامزاده محسن علیه السلام
۲۰۷ ۱۲- امامزاده محمّد علیه السلام
۲۰۸ ۱۳- امامزاده ابوالعباس علیه السلام (محمّد)
۲۰۹ ساختمان قدیمی امامزاده ابو العباس علیه السلام
۲۱۰ ساختمان مفضل و باشکوه فعلی
۲۱۲ کرامتی بزرگ ، از امامزاده ابوالعباس
۲۱۳ دفن مرحوم آیه الله امامی ، در جوار امامزاده ابوالعباس، و تحویلی بزرگ
۲۱۴ سنگ نوشته قبر آیه الله امامی
۲۱۵ حرم امامزاده ابوالعباس ، مدفن علماء و مؤمنین
۲۱۵ ۱۴- امامزاده هارون ولایت علیه السلام
۲۱۶ ساختمان صحن و سرای هارونیه
۲۱۸ آخرین تعمیرات
۲۱۹ بیش از چهارصد و پنجاه امامزاده در استان اصفهان
۲۲۸ شرح حال اجمالی از سایر امامزادگان اصفهان و حومه
۲۳۰ ۶- محدثین شیعه اصفهان، از ریشه های تشیع در اصفهان
۲۳۰ اشاره
۲۳۲ محدثین شیعه اصفهان، از ریشه های تشیع اصفهان
۲۳۲ ۱- آمنه بنت عتاد طباطبائی علوی
۲۳۳ ۲- ابراهیم ابن اسماعیل طباطبایا

- ٢٣٤-٣-ابراهيم بن شيبه اصفهاني
- ٢٣٤-٤-ابراهيم بن قتيبة اصفهاني
- ٢٣٤-٥-ابراهيم بن محمد بن سعيد...تقفي اصفهاني
- ٢٣٥-٦-أحمد بن أبي الترقى ، الغزاه الإصفهاني .
- ٢٣٥-أحمد بن أحمد بن فضل اصفهاني
- ٢٣٥-٧-أحمد بن عبد الرحمن...بن قدامه الشعدي
- ٢٣٦-٨-أحمد بن علي اصفهاني
- ٢٣٨-٩-أحمد بن محمد سياري
- ٢٣٩-١٠-أحمد بن محمد بن أسيد اصفهاني
- ٢٤٠-١١-أحمد بن محمد (ابن فاذشاه)
- ٢٤٠-١٢-أحمد بن محمد بن يثبته اصفهاني
- ٢٤١-١٣-أحمد بن مفضل،أبوسلمة اصفهاني،بابأحمد بن أحمد بن فضل اصفهاني
- ٢٤٢-١٤-أحمد بن يعقوب اصفهاني
- ٢٤٣-١٥-ادريس بن عبد الله اصفهاني
- ٢٤٣-١٦-أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهاني
- ٢٤٤-١٧-بدران بن شريف اصفهاني
- ٢٤٤-١٨-براقه اصفهاني
- ٢٤٤-١٩-جعفر بن سلمة اصفهاني
- ٢٤٥-٢٠-جعفر بن محمد بن سعيد تقفي
- ٢٤٥-٢١-حسن بن عطاء بن ... شاذويه
- ٢٤٥-٢٢-حسن بن علوية اصفهاني
- ٢٤٦-٢٣-سرى بن سلامة اصفهاني
- ٢٤٧-٢٤-سعيد بن أبي الزجاء، صيرفي اصفهاني
- ٢٤٧-٢٥-سليمان بن داود منقري اصفهاني
- ٢٤٨-٢٦-عتاد بن عباس طالقاني اصفهاني
- ٢٤٩-٢٨-عبد السلام الإصفهاني
- ٢٤٩-٢٩-عبد الله بن أحمد...بن خشنام اصفهاني
- ٢٥٠-٣٠-عبد الله بن راشد اصفهاني
- ٢٥٠-٣١-عبد الله بن محمد اصفهاني
- ٢٥١-٣٢-عبدالله بن محمد بن عبد الوهاب اصفهاني
- ٢٥٢-٣٣-عبد الواحد اصفهاني
- ٢٥٢-٣٤-عثمان اصفهاني
- ٢٥٣-٣٥-علي بن أحمد بن عبد الله اصفهاني أسواري
- ٢٥٣-٣٦-علي بن حسن بن محمد بن منته
- ٢٥٤-٣٧-علي بن عبد الله بن أحمد، أبو الحسن اصفهاني أسواري
- ٢٥٤-٣٨-علي بن عبدالله بن أسد اصفهاني
- ٢٥٦-٣٩-علي بن عبدالله بن كوشيد اصفهاني
- ٢٥٧-٤٠-علي بن فرات اصفهاني
- ٢٥٧-٤١-علي بن محمد بن...تقفي اصفهاني
- ٢٥٧-٤٢-علي بن محمد بن شيرة اصفهاني
- ٢٥٨-٤٣-عمر الإصفهاني

۲۵۸	۴۴-قسم بن محمد اصفهانی
۲۵۹	۴۵-محمد الأصفهانی
۲۶۰	۴۶-محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی
۲۶۰	۴۷-محمد بن الحسن الأسدق ، القاضي الإصفهانی
۲۶۰	۴۸-محمد بن الحسين بن عبد الزحمان الإصفهانی
۲۶۱	۴۹-محمد بن سعيد اصفهانی
۲۶۲	۵۰-محمد بن سليمان اصفهانی
۲۶۳	۵۱-محمد بن عبد الرشيد اصفهانی
۲۶۴	۵۲-محمد بن عبد الله (ابن مُتَمَك اصفهانی)
۲۶۵	۵۳-محمد بن علي كاتب اصفهانی
۲۶۶	۵۴-محمد بن غالب اصفهانی
۲۶۷	۵۵-محمد بن مَنَدَة اصفهانی
۲۶۸	۵۶-محمد بن مهران اصفهانی
۲۶۹	۵۷-منصور بن عبد الله اصفهانی
۲۷۱	۵۸-هبة الله بن داود اصفهانی
۲۷۲	۶۰-أبو اسحق بن بحير اصفهانی
۲۷۲	۶۱-أبو الحسن اصفهانی
۲۷۳	۶۲-أبو شيبَة اصفهانی
۲۷۴	۶۳-أبو اللطيف بن أحمد اصفهانی
۲۷۵	۶۴-أبو نصر بن أبي مسعود اصفهانی
۲۷۵	۶۵-الإصفهانی
۲۷۶	۷- نامداری از مفاخر علمی و ادبی شیعة اصفهان از قرن سوم تا دهم
۲۷۶	اشاره
۲۷۸	نامداری از مفاخر علمی و ادبی شیعة اصفهان از قرن سوم تا دهم
۲۷۸	۱- ابراهیم بن محمد بن سعید ... تقی اصفهانی
۲۸۱	۲- أحمد بن أبي يعقوب...اصفهانی (يعقوبي)
۲۸۴	۳- أحمد بن علوية اصفهانی
۲۸۶	۴- حمزة اصفهانی
۲۸۷	۵- أبو الفرج اصفهانی
۲۹۰	تألیفات أبو الفرج اصفهانی
۲۹۱	تشع أبو الفرج اصفهانی، نشانه ای از رشد فرهنگ تشیع در تاریخ گذشته اصفهان
۲۹۲	نقش أبو الفرج اصفهانی در نشر روایات فضائل و مصائب أهل البيت عليهم السلام
۲۹۳	خاندان علمی أبو الفرج اصفهانی
۲۹۳	۶- اسماعیل بن عتاد « صاحب بن عتاد »
۲۹۸	نقش صاحب بن عتاد در ترویج علم و ادب
۲۹۹	جود و بخشش صاحب بن عتاد
۳۰۰	نقش صاحب بن عتاد در ترویج تشیع
۳۰۰	تألیفات صاحب بن عتاد
۳۰۱	حوزة درسی صاحب بن عتاد
۳۰۱	اهمیت معنوی علم و حدیث در دیدگاه صاحب بن عتاد
۳۰۲	علوم و دانشهای صاحب بن عتاد

۳۰۳	أساتيد صاحب بن عتاد
۳۰۳	شاگردان و مصاحبين علمي و ادبي صاحب بن عتاد
۳۰۴	قلب و زبان و علم و ادب صاحب ، در خدمت أهل البيت عليهم السلام
۳۰۹	کتابخانه عظيم صاحب بن عتاد
۳۰۹	آتش زدن کتابخانه صاحب
۳۱۰	درگذشت و مراسم تشييع و دفن صاحب
۳۱۰	بقعه و مقبره صاحب بن عتاد
۳۱۱	مرثيه های سروده شده در نثای صاحب
۳۱۲	مرثيه ای جالب با تأييد و إلهامي إلهي
۳۱۳	۷-أحمد بن ابراهيم (أبو العتاس شني)
۳۱۶	۸-أحمد بن محمد بن يعقوب (ابن مسكويه)
۳۱۹	نمونه ای از شاگردان ابن مسكويه
۳۱۹	ابن مسكويه اولين نویسنده كتاب مُدَوَّن أخلاقي
۳۱۹	تألیفات و آثار قلمی ابن مسكويه
۳۲۰	۹-شيخ الزبير أبو علي سينا
۳۲۳	تشيع، مذهب و مكتب بوعلی سينا
۳۲۴	حالات روحي و معنوی بوعلی سينا
۳۲۴	بوعلی سينا و علاقه و ايمان به اميرالمؤمنين علي عليه السلام
۳۲۵	بوعلی سينا در كتب تراجم و تاريخ و دايره المعارفها
۳۲۶	بوعلی سينا و اصفهان
۳۲۶	۱۰-حافظ أبو نعیم اصفهانی
۳۲۸	خاندان حافظ أبو نعیم اصفهانی
۳۲۹	۱۱-مفضل بن سعد (مافزوخی) اصفهانی
۳۳۰	۱۲-راغب اصفهانی
۳۳۲	تألیفات راغب اصفهانی
۳۳۳	مذهب راغب اصفهانی
۳۳۴	۱۳-حسين بن علي بن عبد الصمد (طغراني)
۳۳۵	طغراني از دیدگاه صاحب نظران
۳۳۷	أشعارى از طغراني درباره أهل البيت عليهم السلام
۳۳۹	کتابها و تألیفات طغراني
۳۴۰	۱۴-عبد الرحيم بن أحمد (ابن الإخوه)
۳۴۰	چهل سال فعالیت علمی ابن اخوه در اصفهان
۳۴۳	۱۵-جمال الدين، محمد بن عبدالرزاق اصفهانی
۳۴۵	۱۶-كمال الدين اسماعيل اصفهانی
۳۴۶	كمال الدين ، در يك نگاه
۳۴۶	۱۷-شيخ أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی
۳۴۸	۱۸-صانن الدين، علي بن محمد (تُركه)
۳۵۰	مظلوميت و سختيهای زندگي صانن الدين
۳۵۱	تألیفات صانن اصفهانی
۳۵۲	۱۹-شيخ علي بن عبد العالي (محقق كركلا) اصفهانی
۳۵۵	آثار اجتماعي محقق كركلا

۳۵۶	آثار قلمی و تألیفات محقق کرکی
۳۵۶	مشایخ و اساتید ، و شاگردان و روایان از محقق کرکی
۳۵۷	حکمی تاریخی و بی نظیر، برای محقق کرکی
۳۵۷	نقش محقق کرکی در تأسیس حوزه علمیه اصفهان
۳۵۸	شهادت محقق کرکی در روز عید غدیر ، در شهر نجف اشرف
۳۵۹	۲۰- شیخ عبد العالی کرکلا اصفهانی
۳۶۲	۸- چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم
۳۶۲	اشاره
۳۶۴	چهره های علمی و ادبی شیعه اصفهان از قرن سوم تا دهم
۳۶۴	عدم امکان آشنایی کامل با بزرگان شیعه اصفهان در دوره حاکمیت مخالفین
۳۶۵	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در قرن سوم
۳۶۵	۱-بندار بن عبد الحمید کرخی اصفهانی
۳۶۷	۲-موسی بن عبدالملک اصفهانی
۳۶۸	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در قرن چهارم
۳۶۸	۱-أبو الحسن، محمد بن أحمد...بن طباطبای علوی
۳۶۹	۲-محمد بن بحر اصفهانی
۳۷۰	۳-علی بن حمزه اصفهانی
۳۷۰	۴-أبو محمد بن عبد الله اصفهانی
۳۷۱	۵-عتاد بن عباس طالقانی اصفهانی
۳۷۲	۶-عبد الله بن محمد اصفهانی (خان)
۳۷۴	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن پنجم
۳۷۴	۱-أحمد بن محمد بن حسن اصفهانی (امام مرزوقی)
۳۷۵	۲-أحمد بن محمد بن ذر الإصفهانی
۳۷۶	۳-زید بن علی حسینی
۳۷۶	۴-أبو عبد الله معصومی (محمد بن أحمد)
۳۷۷	۵-أبو مسلم، محمد بن علی نحوی اصفهانی
۳۷۷	۶-بدران بن شریف اصفهانی
۳۷۸	۷-حسن بن عباس رستمی اصفهانی
۳۷۸	۸-آمنه بنت عتاد ، طباطبای علوی
۳۷۹	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان
۳۷۹	۱-أبو الحسن علی(ضریب نحوی)
۳۸۰	۲-هبه الله بن أحمد...أسدی اصفهانی
۳۸۰	۳-شرفشاه بن عبد المطلب اصفهانی
۳۸۱	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن هفتم
۳۸۱	۱-قاضی نظام الدین، محمد بن اسحق بن مطهر اصفهانی
۳۸۲	۲-شیخ فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی
۳۸۲	۳-نظام الشرف بن قوام الشرف اصفهانی
۳۸۳	۴-مولی عبد الله (حاسب)
۳۸۳	۵-کمال الدین، محمد بن عبدالرشید اصفهانی
۳۸۴	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن هشتم
۳۸۴	۱-أفضل الدین ، محمد بن حبیب الله اصفهانی (ترکیه)

۳۸۵	۲-عباد بن أحمد بن...شرفشاه(گلستانه)
۳۸۶	۳-سید حیدر بن محمد بن...شرفشاه (گلستانه)
۳۸۷	۴-عباد بن یحیی بن...شرفشاه(گلستانه)
۳۸۸	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه دراصفهان در قرن نهم
۳۸۸	۱-خواجه افضل الدین محمّد صدر(تُرکّه)
۳۸۸	۲-طاهر بن عرب اصفهانی
۳۹۰	۳-عماد بن محمّد ، منجم اصفهانی
۳۹۰	۴-محمّد بن علی تُرکّه
۳۹۱	۵-غیاث الدّین،علی ایران اصفهانی حسینی
۳۹۱	نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه دراصفهان در قرن دهم
۳۹۱	۱-محمّد حافظ (مخترع اصفهانی)
۳۹۲	۲-میر قوام الدّین ، حسن نقیب اصفهانی
۳۹۳	۳-شیخ کمال الدّین بن محمّد اصفهانی
۳۹۳	۴-شمس الدّین محمّد اصفهانی
۳۹۴	۵-کمال الدّین ، درویش محمّد اصفهانی عاملی
۳۹۵	۶-أفضل الدّین ، محمّد (تُرکّه) اصفهانی
۳۹۷	۷-شیخ علی منشار عاملی اصفهانی
۳۹۸	۸-میر محمّد اصفهانی (معزّ الدّین)
۴۰۰	داستانی جالب از مقام معنوی میر معزالدّین و شیخ بهائی
۴۰۰	۹-ملک محمّد اصفهانی
۴۰۱	۱۰-ملاّ مختار أعمی ، قاری اصفهانی
۴۰۲	۱۱-محمّد بن حیدر اصفهانی (میرکی)
۴۰۲	۱۲-شیخ یونس مفتی
۴۰۳	۱۳-شیخ ابراهیم بن علی خوانساری اصفهانی
۴۰۳	۱۴-أبو القاسم اصفهانی
۴۰۴	۱۵-محمّد بن صدرالدّین اصفهانی
۴۰۴	۱۶-شیخ رشید الدّین بن ابراهیم اصفهانی
۴۰۴	۱۷-رشید الدّین اصفهانی
۴۰۵	۱۸-شیخ عنایت الله اصفهانی
۴۰۵	۱۹-علی بن حسن زوّارهای اصفهانی (مقتر)
۴۰۷	۲۰-کمال الدّین حسین (ضمیری اصفهانی)
۴۱۰	۹- خاندانهای علمی شیعه در طول تاریخ اصفهان
۴۱۰	اشاره
۴۱۲	خاندانهای علمی اصفهان
۴۱۲	۱-خاندان علمی ابطحی سیدی
۴۱۴	۲-خاندان علمی ازه ای
۴۱۵	۳-خاندان علمی اِمّامی
۴۱۹	۴-خاندان علمی که (آل ترکه)
۴۲۲	۵-خاندان علمی توسرکانی
۴۲۴	۶-خاندان علمی جزائری
۴۲۷	۷-خاندان علمی حافظ أبو نعیم اصفهانی

۴۳۸	۸-خاندان علمی حسین آبادی (آقا میرزا محمد جواد)
۴۳۲	۹-خاندان علمی خاتون آبادی
۴۳۹	۱۰-خاندان علمی خادمی (خادم الشریعه)
۴۴۳	۱۱-خاندان علمی خراسانی
۴۴۵	۱۲-خاندان علمی خوانساری (ملا علی اکبر)
۴۴۶	۱۳-خاندان علمی رضوی خوانساری
۴۴۷	۱۴-خاندان علمی روضاتی
۴۵۴	۱۵-خاندان علمی سلطان العلماء (خلیفه سلطان ، مرعشی های اصفهان)
۴۵۸	۱۶-خاندان علمی سید العراقین (میر عمادی)
۴۵۹	۱۷-خاندان علمی شفتی
۴۶۱	۱۸-خاندان علمی شَرَوَه
۴۶۲	۱۹-خاندان علمی شمس آبادی(آل رسول)
۴۶۳	۲۰-خاندان علمی شهرستانی
۴۶۴	۲۱-خاندان علمی شهبانی
۴۶۶	۲۲-خاندان علمی شیخ الإسلام سبزواری
۴۷۱	۲۳-خاندان علمی صدرالذین عاملی
۴۷۸	خاندان علمی طباطبائی
۴۷۹	۲۴-خاندان علمی طباطبائی های اصفهان
۴۸۴	۲۵-خاندان علمی طباطبائی نائینی اصفهانی
۴۸۶	۲۶-خاندان علمی طباطبائی بروجردی اصفهانی
۴۸۷	۲۷-خاندان علمی فاضل سراب و جویبارهای
۴۹۰	۲۸-خاندان علمی فقیه أحمد آبادی
۴۹۳	۲۹-خاندان علمی قزوینی
۴۹۳	۳۰-خاندان علمی کتابی (کتابفروش)
۴۹۵	۳۱-خاندان علمی کلباسی (کرباسی)
۵۰۰	۳۲-خاندان علمی گلستانه
۵۰۳	۳۳-خاندان علمی مازندرانی (ملا صالح)
۵۰۷	افتخاراتی بزرگ
۵۰۹	۳۴-خاندان علمی مجلسی
۵۱۹	چهار داماد برجسته
۵۲۰	الف-ملا محمد صالح مازندرانی
۵۲۰	ب-ملا محمد علی استرآبادی
۵۲۰	ج-ملا میرزای شیروانی
۵۲۱	د-میرزا کمال الذین محمد فسانی
۵۲۱	۳۵-خاندان علمی مسجد شاهی (نجفی)
۵۲۸	۳۶-خاندان علمی مشایخ بید آباد
۵۳۲	۳۷-خاندان علمی موحد ابطحی
۵۳۴	عنايات الهی ، و تشویق های مؤثر
۵۴۱	عنايتی الهی
۵۴۲	۳۸-خاندان علمی موسوی (حاج میرزا بدیع)
۵۴۳	۳۹-خاندان علمی موسوی درجهای اصفهانی

۵۴۶	۴۰- خاندان علمی موسوی زنجانی
۵۴۷	۴۱- خاندان علمی مهدوی (نحوی)
۵۵۱	۴۲- خاندان علمی میرداماد(میردامادی)
۵۵۶	۴۳- خاندان علمی میر محمد صادقی و « مدرس »
۵۶۲	۴۴- خاندان علمی نواب الصدر
۵۶۳	۴۵- خاندان علمی نواب لاهیجی
۵۶۴	۴۶- خاندان هزار جریبی اصفهانی
۵۶۸	۱۰- آثاری بزرگ از حوزه علمیه اصفهان
۵۶۸	اشاره
۵۷۰	آثاری بزرگ از حوزه علمیه اصفهان
۵۷۰	نقش حوزه علمیه اصفهان ، در اجازات حدیث
۵۷۲	حضور شصت مجتهد جامع الشرائط در یک مجالس علمی
۵۷۳	جمعیت حوزه علمیه اصفهان در زمان علامه مجلسی
۵۷۴	انتشار بسیار گسترده صحیفه سجادیّه از اصفهان با عنایت امام زمان (عج)
۵۷۷	قاضی امیر حسین اصفهانی و آشنائی با فقه الرضا علیه السلام
۵۷۸	حادثه ای شگفت ، و کشف حقیقتی ارزشمند درباره فقه الرضا علیه السلام
۵۷۹	انتشار وسیع کتاب فقه الرضا علیه السلام از اصفهان و نقش مجلسین
۵۷۹	حوزه علمیه اصفهان و تلاش برای حفظ میراثهای علمی
۵۸۰	نمونه ای جالب
۵۸۰	شهریه مختصر برای طلاب حوزه علمیه مانع رشد علمی و اجتماعی آنها نمی شود
۵۸۲	۱۱- اصفهان خاستگاه و محل پرورش چهره های بزرگ مرجعیت و زعامت علمی و دینی جهان تشیع
۵۸۲	اشاره
	اصفهان خاستگاه و محل پرورش چهره های بزرگ مرجعیت و زعامت علمی و دینی شیعه یکی از مفاخر بزرگ علمی و اجتماعی اصفهان ، این است که در طول چندین قرن ، خاستگاه و یا محل تربیت و پرورش بزرگترین چهره های عالم مرجعیت تقلید و زعامت علمی و دینی جهان تشیع
۵۸۵	۱- وحید اصفهانی ، مشهور به بهیهای (استاد الكل)
۵۹۲	داستانهایی جالب و شیرین
۵۹۷	۲- آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (صاحب فصول)
۵۹۹	۳- صاحب جواهر الکلام (فقیه نامدار شیعه)
۶۰۲	۴- میرزای بزرگ شیرازی (امام مجدد)
۶۰۵	انگیزه هجرت میرزای شیرازی به اصفهان ، اساتید او
۶۰۸	۵- آیه الله ، آقا سید محمد فشارکی
۶۰۹	۶- آیه الله العظمی ، آقا سید محمد کاظم یزدی
۶۱۲	۷- آیه الله العظمی ، شیخ التریعه اصفهانی
۶۱۳	۸- آیه الله العظمی نائینی
۶۱۵	۹- آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی
۶۱۷	۱۰- آیه الله العظمی ، آقا سید ابو الحسن اصفهانی
۶۲۰	۱۱- آیه الله العظمی بروجردی
۶۲۳	۱۲- آیه الله العظمی خوانساری
۶۲۶	۱۲- چهره های علمی اصفهان در دورتاخیز
۶۲۶	اشاره
۶۲۸	چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر
۶۲۸	۱- آیه الله العظمی بهیهای

۶۳۰	آیه الله شهید شمس آبادی
۶۳۲	آیه الله خراسانی
۶۳۲	آیه الله خادمی
۶۳۳	آیه الله لنگرانی
۶۳۴	آیه الله قیاض
۶۳۵	آیه الله علامه فانی
۶۳۷	آیه الله مهدوی هرسنانی
۶۳۸	آیه الله طبیب
۶۴۰	آیه الله ادیب
۶۴۲	آیه الله موحد ایطحی
۶۴۳	علامه میرجهانی
۶۴۶	آیه الله امامی
۶۴۷	آیه الله صافی اصفهانی
۶۴۸	آیه الله صادقی
۶۵۰	آیه الله اردکانی
۶۵۱	چند چهره دیگر
۶۵۵	اعتنار
۶۵۶	۱۲- حوزه علمیه اصفهان و تربیت زنیهای عالمه و مجتهده
۶۵۶	اشاره
۶۵۸	حوزه علمیه اصفهان و تربیت زنیهای عالمه و مجتهده
۶۵۸	۱- دختر صاحب بن عباد
۶۵۹	۲- آمنه بنت عباد
۶۵۹	۳- آمنه بنت عبد الکریم
۶۶۰	۴- همسر شیخ بهائی
۶۶۰	۹ تا ۱۱- چند بانوی دانشمند از خاندان مجلسی
۶۶۰	الف- آمنه بنت المجلسی
۶۶۱	ب- زینب بیگم
۶۶۱	ج- مریم بیگم
۶۶۱	د- دختر ملاً عزیز الله مجلسی
۶۶۲	ه- مادر میرزا حیدر علی ، دختر آقا بزرگ مازندرانی
۶۶۲	۱۰- حمیده رویدشتی اصفهانی
۶۶۳	۱۱- فاطمه رویدشتی
۶۶۳	۱۲- خواهر ملاً رحیم
۶۶۳	۱۳- شهربانو
۶۶۳	۱۴- مریم بیگم
۶۶۴	۱۵- آغا سلطان
۶۶۴	۱۶- سلطان بیگم
۶۶۴	۱۷- نسیمه خاتون
۶۶۵	۱۸- فاطمه بیگم
۶۶۵	۱۹- بانو عفت لزمان امین
۶۶۶	۲۰- بانوی مجتهدة ایرانی

۶۶۶	شخصیت و روش و آثار بانوی امین ایرانی
۶۶۸	بانوی ایرانی از دیدگاه فقهاء و اعلام دین
۶۷۲	خلاصه ای از صفات و روحیات بانوی امین
۶۷۴	جمله هائی برجسته و راهگشا، از بانوی مجتهدة امین
۶۷۷	ملاقات علمای بزرگ ، با ، بانوی ایرانی
۶۷۷	تألیفات بانوی ایرانی
۶۷۸	بانوی امین از مشایخ اجازه حدیث
۶۷۹	مکتب فاطمه علیها السلام ، از آثار بانوی ایرانی
۶۸۰	دعوت رسمی برای همکاری
۶۸۰	سروده های شعراء ، درباره بانوی امین
۶۸۶	شخصیت بانوی ایرانی ، در منابع و مأخذ گوناگون
۶۸۸	بانوان دانشمند ، در دوره معاصر
۶۹۰	فهرست مطالب
۷۱۲	تشکر و قدردانی
۷۱۴	درباره مرکز

ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ جلد ۱

مشخصات کتاب

نام کتاب : ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان - جلد اول

مؤلف: میر سید حجّه موحد أبطحی موسوی اصفهانی

حروفچینی و صفحه آرائی: محبّ الزّهراء علیها السلام اصفهان

لیتوگرافی و چاپ : امیر - قم

تاریخ انتشار : عید سعید غدیر خم ۱۴۱۸ قمری

ناشر : دفتر تبلیغات ألمهدی (عج) اصفهان

قیمت : ۲۰۰۰ تومان

اصفهان - حوزه علمیه - مدرسه صدر و مدرسه ذوالفقار

میر سید حجّه موحد أبطحی

ص: ۱

اشاره

به پیشگاه خاتم رسولان و أشرف أنبياء ، حضرت محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پایه گذار مکتب تشیع ، و گوینده کلام تاریخی و نورانی

يا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ الْفَائِزُونَ

و به آستان مقدس أمير المؤمنين عليه السلام ، امام و پیشوای بزرگ مکتب تشیع و به محضر منور صدیقۀ کبری ، فاطمۀ زهراء عليها السلام، اولین شهیده ، در راه دفاع و حمایت از مکتب تشیع .

و به درگاه مبارک همه امامان معصوم عليهم السلام ، پرچمداران و مشعلداران بزرگ تاریخ درخشان و سراسر افتخار مکتب تشیع .

و به آستان ملك دربان بقیه الله الأعظم ، حجة بن الحسن العسكري (عج) مصلح بزرگ و حقیقی جهان بشریت ، و منتقم خون امامان مظلوم و شهید ، و شهیدان بزرگ از چهره های علمی و ادبی مکتب تشیع، این اثر ناقابل إهداء می گردد .

میر سید حجة موحد ابطحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى آلِهِ وَعِترتهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ لَا سَمِيْمًا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ، الْحُجَّهٖ بِنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ، عَجَّلَ اللَّهُ فَوْجَهُ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْيَادِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ
الآنِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

ص: ٤

در سال ۱۴۰۰ قمری برای افتتاح حوزه علمیه ای در شهر نور آباد ممسنی ، در استان فارس، با حضور جمعی از علماء و طلاب و مردم با ایمان ، و به همراهی مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی قُدسُ سرّه ، مسافرت نمودیم و در روز هفدهم ربیع الأوّل ، سالروز میلاد مقدّس پیامبر اکرم حضرت محمّد بن عبد الله صِلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و رئیس مذهب تشیّع ، حضرت امام جعفر بن محمّد الصادق علیه السلام در جشن با شکوهی شرکت جستیم ، و در آن جشن بزرگ ، این نویسنده کمترین ، سخنرانی مراسم را بر عهده داشتیم، و در یک بررسی فشرده ، از حوزه علمیه و ریشه های آن ، و بیان نمونه هائی برجسته از حوزه های علمیه اسلام و جهان تشیّع ، همانند حوزه و مدرسه عظیم پیامبر اکرم صِلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مدینه منوره ، و حوزه و مجمع علمی بزرگ امام علی علیه السلام در مسجد کوفه ، و حوزه علمیه و مرکز بزرگ علمی امام صادق علیه السلام در مدینه ، و نیز حوزه علمیه شیعه در بغداد با زعامت شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی (رضوان الله علیهم) و حوزه علمیه شیعه در نجف ، با زعامت شیخ طوسی قُدسُ سرّه و نیز حوزه های بزرگ قم و اصفهان و...، یاد نمودم، که شدیداً آیه الله امامی قُدسُ سرّه از تشویق های بزرگوارانه خود، دریغ نفرمودند.

همین جریان محدود،مقدمه ای شد برای یک سلسله تحقیقات بعدی درباره مدارس علمیه و حوزه های کوچک و بزرگ شیعه،در شهرهای ایران و خارج،و برای این منظور،در طول هفده سال،متجاوز از بیست مسافرت،به نقاط مختلف و استانهای کشور انجام دادم،و در هر سفر از چندین شهر بزرگ و کوچک،و از مدارس علمیه و کتابخانه ها و سایر مراکز علمی و دینی مربوط

به حوزه های علمیّه در هر شهر، دیدار کردم، و درباره تاریخ و سیر تحولات و رشد و رکورد آنها تحقیق نمودم، و با بررسی وضعیّت آن مدارس و کتابخانه ها، و آشنائی با علماء و بزرگان آن شهرها، با سابقه حوزه ای در آن بلاد، آشنا شدم. تاکنون، مجموعه بسیار جالبی از یادداشتها و عکس و تصویرها، راجع به هر حوزه ای تهیه گردیده، و بسیاری از آنها منظم شده و آماده چاپ گردیده است.

اولین جلد از مجموعه یاد شده، به عنوان پیش درآمدی برای آن بررسی، با نام « آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه، در طول تاریخ » به چاپ رسیده، و چندین مجلد دیگر نیز، آماده چاپ می باشد.

در ضمن این بررسی گسترده، اهمیت حوزه علمیّه اصفهان، و سوابق درخشان آن، بیش از پیش، جلب توجه نموده، و تصمیم گرفتم، در یک بررسی مفصل تر، سوابق علمی و تشیع اصفهان را، مورد ارزیابی نسبتاً کامل قرار دهم، و ریشه های عمیق عشق مردم اصفهان را نسبت به مکتب ولایت و مذهب تشیع، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم، تا معلوم گردد که، گرچه اصفهان در طول چند قرن، در اثر قدرت و سلطه جائرانه و جابرانه عده ای از دشمنان تشیع و اهل البیت علیهم السلام، رنگ و نمای حکومت اموی و عباسی و... داشته و به عنوان شهر دشمنی با ائمه و اهل البیت علیهم السلام شناخته شده، ولی در همان زمانها نیز، در میان مردم اصفهان، ریشه های تشیع، و عشق نسبت به اهل البیت علیهم السلام، شدیداً مطرح بوده است.

در بخشهای: « محدّثین اصفهان »، « چهره های علمی و بزرگ اصفهان از قرن سوم تا دهم »، « امامزادگان اصفهان »، « خاندانهای علمی اصفهان »، « مدارس علمیّه اصفهان در دوره های قبل از صفویه »، « مساجدی که در اصفهان، مرکز

فَعَالِيَّتِ علمی بوده»، «ریشه‌ها و مظاهر تشیع اصفهان در گذشته زمان» و...، مطالب سودمندی برای اثبات سابقه قوی و ارزشمند تشیع در اصفهان، عرضه نموده ایم. و هم چنین، در بخش‌های گوناگون کتاب، عظمت علمی و فرهنگ غنی و دیرینه اصفهان، و اهمیت حوزه علمیّه شیعه و مظاهر و پایگاه‌های آن، در معرض افکار پژوهشگران و علاقه‌مندان، قرار گرفته است.

روش ما در مباحث کتاب

برای نشان دادن عظمت علمی اصفهان، و سوابق تشیع، و مظاهر درخشان اعتقاد پاک مردم این شهر، نسبت به مکتب ولایت و امامت، و مذهب اهل البیت علیهم السلام مراکز و نهادهای مهمی را، موضوع بحث قرار داده ایم و تحت عناوین: «مدارس علمیّه»، «مساجدی که مرکز علمی بوده اند»، «کتابخانه‌ها»، «بقعه‌های علمی»، «خاندانهای علمی» و...، علاوه بر معرفی آنها، از شخصیت‌های برجسته و شایسته‌ای که در رابطه با آن مراکز بوده، و به عنوان مؤسس یا مدرّس یا مؤلف یا...، به آن مرکز و مجمع ارزشمند، وابسته بوده اند یاد نموده، و به عظمت شخصیت و آثار و برکات علمی - اجتماعی آنها اشاره نموده، و بدین وسیله، عمق و گسترش علمی و دینی اصفهان را، به نمایش گزارده ایم. و هم چنین با مطرح ساختن مباحثی از قبیل:

۱- نقش حیاتی امیر المومنین علی علیه السلام، در فتح اصفهان

۲- ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان

۳- سلمان فارسی، افتخار اسلام و تشیع، و آبروی ایران و اصفهان

۴- نماینده‌های امیر المومنین علی علیه السلام در اصفهان

۵- شش سال حاکمیت قدرت مختار ثقفی بر اصفهان

۶- عبد الله بن محمد کنانی اصفهانی ، شکنجه دیده راه تشیع

۷- اسحاق بن سعد قَطْرُبَلِي ، فرماندار اصفهان، وعاشق دلباخته امام زمان (عج)

۸- نقش خاندان علمی ثقفی در نشر احادیث أهل البيت عليهم السلام در اصفهان

۹- عزاداری بر امام حسین علیه السلام ، در اوج قدرت أهل تسنن در اصفهان

۱۰- نشر احادیث فضائل علی علیه السلام از اصفهان

۱۱- چهره های بزرگ و نامدار علمی شیعه ، از قرن سوم تا دهم

۱۲- مدارس علمیّه اصفهان قبل از صفویّه

۱۳- ریشه ها و نشانه های تشیع اصفهان در گذشته زمان

۱۴- معرّفی خاندانهای علمی شیعه در قرنهای اوّلیه و ... ، ریشه های تشیع را در اصفهان ، مورد توجه قرار داده ، و عظمت این شهر را در زمینه سابقه فداکاری در راه ولایت أهل البيت عليهم السلام به اثبات رسانده ایم ، و نیز با طرح مباحثی از قبیل :

۱- آسامی شهر اصفهان در طول تاریخ

۲- امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان

۳- اصفهان (فارس) از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

۴- اشاره ای به تاریخ اصفهان

۵- اصفهان ، در آئینه افکار صاحب نظران

۶- اصفهان ، در آئینه شعر و ادب ، و سروده های شعراء بزرگ

و ... ، به شکلی عام ، فرهنگ عمومی ، و روحیات اجتماعی مردم این شهر را مورد معرّفی و تمجید قرار داده ایم .

۱- نامها و امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان در طول تاریخ

اشاره

ص: ۹

اسامی شهر اصفهان در طول تاریخ

نام شهر اصفهان، در دوره های مختلف به اشکال و صور گوناگون، مطرح گردیده، که ذیلاً اشاره می نمائیم:

۱- آنزان ۲- گابیان ۳- گابیه ۴- جی ۵- اسپاهان ۶- سپاهان ۷- اسپهان ۸- صفاهان ۹- اسفاهان

۱۰- اصبهان ۱۱- اسپهان ۱۲- اسفهان ۱۳- اسباهان ۱۴- اصفهان.

و نیز در گذشته زمان، به نامهای: گابایاکی، اسپادانا، اسپدان، آپادان، آپادانا، یهودیه، دار الیهودی، اصیدانه مینامیده اند.

امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان

حافظ ابونعیم اصفهانی، و حافظ أبو الشَّیخ، و مفضل بن سعد (مافزوخی اصفهانی)

و دیگر بزرگانی که در باره اصفهان، کتاب یا مقاله ای نوشته اند (از متقدمین و متأخرین) فضیلت های گوناگونی درباره اصفهان ثبت کرده اند، که مقداری از آنها جنبه معنوی دارد، و بخشی از آن، از مزایای طبیعی به شمار می رود، و ما در ضمن بخش های گوناگون این کتاب، به بسیاری از آنها اشاره نموده ایم، و در این قسمت نیز، به برخی دیگر، اشاره می نمائیم، و کسانی که مایل باشند به تفصیل بیشتر دست یابند، به کتب یاد شده و امثال آنها، از تألیفات متأخرین، مراجعه نمایند.

سی مستجاب الدعوه در اصفهان، در طول تاریخ

حافظ أبو نعیم، و نیز حافظ أبو الشَّیخ أنصاری، حدیثی را نقل نموده اند، با این

مضمون ، که وقتی نمود در صدد برآمد که با خدای آسمانها به جنگد، به همهٔ مردم شهرها دستور فرستاد که با او همکاری کنند و نیرو به فرستند ، و همه، به فرمان او گردن نهادند ، جز شهر اصفهان ، و به همین جهت ، سی نفر از مردم شهر را با غل و زنجیر بستند ، و به حضور ابراهیم خلیل علیه السلام و نمود آوردند ، آن سی نفر با دیدار ابراهیم علیه السلام ، به آن حضرت ایمان آوردند ، و لذا ابراهیم خلیل علیه السلام به آنها دعا نمود و در پیشگاه الهی عرضه داشت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَهُمْ بِأَصْبَهَانَ ثَلَاثِينَ رَجُلًا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ

یعنی خدایا! همیشه در اصفهان ، سی نفر را مستجاب الدعوه قرار بده (۱)

طهمورث، برای حفظ کتب علمی، اصفهان را برگزید

نقل کرده اند که ، طهمورث دستور داد ، در کشور پهناور ایران (که زیر نفوذ او بود) محلی را برگزینند ، که از نظر آب و خاک ، سالم و مناسب باشد ، و پس از بررسی های کامل ، جایی را مناسب تر از اصفهان نیافتند ، آنگاه دستور داد نوشته های علمی را در پوست هائی قرار دهند و در بهترین و سالم ترین نقطهٔ اصفهان نگهداری نمایند ، و شاهد این مطلب ، نوشته هائی است که در منطقهٔ جی پیدا شده است (۲).

حافظ ابونعیم اصفهانی نیز ، دربارهٔ این که اصفهان به عنوان مرکز نگهداری کتب و اسنایر علمی، برگزیده شده بوده است، می نویسد:

برخی از پادشاهان ، در گذشتهٔ تاریخ و در زمانهای دور، در صدد برآمدند که سرزمینی را پیدا کنند که برای نگهداری کتب علمی و اسناد ارزشمند

ص: ۱۲

۱- ذکر أخبار أصبهان ، جلد ۱، صفحه ۴۰ و طبقات المحدثین یاصبهان ، ج ۱ ص ۱۴۸ - ۱۴۹

۲- بحار الأنوار ، جلد ۶۰، صفحه ۲۳۸

دانش ها و تحقیقات اندیشمندان ، مناسب باشد ، و آن اسناد و مدارک ، در مدّت زمان طولانی تری باقی بماند، و از پوسیدگی و آندراس در امان بماند ، و از خطر زلزله ها و خسف ها و نیز از رطوبت زمین دور باشد ، و دوره های طولانی تری باقی بماند ، و برای این منظور ، تحقیقی گسترده انجام دادند، و شهرها و سرزمین های گوناگونی را مورد مطالعه قرار دادند، و محلی را مناسب تر و جامع تر از اصفهان و مدینه جی ، برای خصوصیات مورد نظر نیافتند ، و لذا ساختمانی محکم و مورد اطمینان ساختند ، و آن کتب و اسناد و مدارک علمی را در آن قرار دادند ، و آن ساختمان تا زمان ما (دوره حافظ ابونعیم) باقی مانده ، و به نام (سارویه) نامیده می شود، و قسمتی از این ساختمان محکم ، در سالهای گذشته ویران گردید ، و قسمت زیادی از کتابها و آثار علمی گذشتگان ، که در زمینه اصناف علوم و دانش های قدیم بود، و به زبان و خط فارسی قدیم نوشته شده بود ، به دست آمد (۱).

اصفهان ، سخنگوی زمین

مورّخین و محدّثین و نویسندگان بزرگ ، در اکثر کتابهایی که درباره اصفهان نوشته اند ، به این مطلب اشاره نموده اند که ، در هنگامی که به آسمان و زمین دستور الهی داده شد که :

إِنِّي طَوْعاً أَوْ كَرْهًا (۲) زمین اصفهان جواب داد و اعلام اطاعت نمود .

بنا بر این ، اصفهان دهان زمین و زبان گویای آن است ، و بنا بر نقل مشهور

« فَمِ الْأَرْضِ وَلِسَانُهَا » یا « فَمِ الدُّنْيَا وَلِسَانُهَا »

ص: ۱۳

۱- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷ - ۳۸

۲- سوره فصلت، آیه ۱۱

می باشد، و به همین جهت، قسمتی از سرزمین تخت فولاد را (لسان الأرض، یعنی زبان زمین) می نامند (۱).

اصفهان و فارس، از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

روایات متعددی از حضرت خاتم الأنبياء، محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، نقل شده، که در آنها، از مردم فارس (ملت ایران = مردم فارسی زبان) به نحو عموم، و از مردم اصفهان، تحت عنوان سلمان فارسی و قوم او (۲) تجلیل شده، و به عنوان طالبین دین و ایمان و علم و نیکوکاری، و هم چنین به پیروی از آثار و سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و رقیق القلب بودن، معرفی گردیده اند، که ذیلاً، با تفصیل نسبی، روایاتی را در این زمینه، نقل می نمایم.

۱- اصفهانیا، طالب و به دست آورنده ایمانند

در هنگامی که سوره جمعه نازل شد، و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به این آیه را قرائت فرمودند: وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ (۳)، برخی از اصحاب، در حضور پیامبر قوازه عرضه داشتند، کسانی که مشمول این آیه اند، و هنوز به مؤمنین ملحق نشده اند، کیانند؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ توجهی نفرمودند، تا این که اصحاب، دو یا سه بار، سؤال را تکرار نمودند، در این هنگام، رسول خدا دست مبارکش را بر روی بدن سلمان گذاردند و فرمودند: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثَّرِيَا (۴) لَنَالَهُ رِجَالٌ

ص: ۱۴

- ۱- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱، صفحه ۴۱ و محاسن اصفهان، صفحه ۴ - ۵ و روضات الجنات، جلد ۱، صفحه ۷، و سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۷، و بسیاری از کتب و مقالاتی که درباره اصفهان، نوشته شده است
- ۲- سلمان فارسی، أهل اصفهان (جی) بوده، و در بخش مربوط به سلمان، اثبات نموده ایم
- ۳- سور □ جمعه، آیه ۳
- ۴- ثریا = پروین، شش ستاره کوچک در کوهان ثور (لغتنامه دهخدا)

مِنْ هَؤُلَاءِ ، وَبِنَابِرِ نَقْلِ دِيْغَرِي ، فَرَمُودَنْد: لَنَا لَهُ هَذَا وَ أَصْحَابُهُ (۱)(۲) .

۲- سلمان و قوم او ، جوینده و پابند دین می باشند

در هنگامی که رسول خدا، آیه (وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ) (۳) را تلاوت نمودند ، اصحاب آن حضرت عرضه داشتند : یا رسول الله ، چه کسانی هستند که اگر ما از اسلام روگردان شویم ، خداوند آنها را به جای ما قرار میدهد ،

فَضْرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلَى فِخْدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ثُمَّ قَالَ: هَذَا وَقَوْمُهُ، لَوْ كَانَ الدِّينَ مُعْلَقًا بِالثُّرَيَّا ، لَنَا لَهُ رِجَالٌ مِنَ الْفَرَسِ (۴) .

۳- ایرانی ها طالب علم اند ، گرچه از کنار ستار ثریا باشد

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : قَالَ : إِقْتَرَبُوا يَا بَنِي فَرَوَخَ ، إِلَى الذِّكْرِ، وَ اللَّهُ إِنَّ مِنْكُمْ لَرِجَالًا، لَوْ أَنَّ الْعِلْمَ مُعْلَقٌ بِالثُّرَيَّا، لَتَنَاوَلُوهُ (۵) یعنی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود: نزدیک شوید ای

ص: ۱۵

۱- طبقات المحدثین یاصیهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹ و ذکر اخبار اصبهان جلد ۱ ، صفحه ۲ ، این حدیث به نحو متعدّد نقل گردیده ، و حافظ ابونعیم، می گوید: و الحدیث صحیح متفق علیه . و در صفحه ۸ ذکر اخبار اصبهان ، همین مضمون از امام علی علیه السلام ، نقل شده است

۲- یعنی اگر ایمان در نزد ستار ثریا باشد ، مردانی از این دسته (اهل فارس) به آن دست می یابند، و در روایت دیگر نقل شده که این مرد (سلمان فارسی) و اصحاب او ، به آن ، دست می یابند

۳- سوره محمد ، آیه ۳۸

۴- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳. یعنی، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در جواب سؤال اصحاب، دست زدند به ران سلمان فارسی ، و فرمودند: (آن جانشین ها) این مرد و قوم او هستند ، همانا اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد، مردانی از فارس ، به آن دست می یابند

۵- ذکر اخبار اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۴

بنی فَرّوخ (۱) به سوی ذکر (قرآن) ، به خدا قسم ، از شما مردانی هستند که ، اگر علم و دانش به ستارهٔ ثریا بسته باشد ، به آن دست می یابند .

۴-بیشترین بهرهٔ اسلام ، نصیب ایرانی ها است

رسول گرامی اسلام صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود: **أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيْبًا فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارَسَ ، لَوْ كَانَ الْإِسْلَامُ فِي الثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أَهْلِ فَارَسَ (۲)** .

یعنی بیشترین بهرهٔ مردم از اسلام ، نصیب اهل فارس است، و اگر اسلام در ثریا باشد ، مردانی از فارس، به آن دست می یابند .

۵- سلمان و قوم او ، یابندگان بَرّ و نیکوکاری اند

در هنگامی که آیه (و إن تولّوا يستبدل قوماً غیرکم) نازل گردید ، از رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سؤال شد، که مقصود از آیه ، چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اشاره به سلمان نمودند ، و فرمودند : این مرد و قوم او هستند ، قسم به خدائی که جانم در دست قدرت او است ، اگر نیکوکاری و بَرّ، به ستارهٔ ثریا بسته باشد ، مردانی از فارس، به آن دست می یابند (۳).

۶- اگر ایمان ، به عرش معلق باشد، مردانی از عجم به آن دست می یابند

رسول خدا فرمود: ای گروه موالی (عجم) نزدیک شوید به ذکر (قرآن) ، زیرا عرب ، روگردان شده‌اند، و همانا اگر ایمان معلق به عرش (الهی) باشد،

ص: ۱۶

۱- منظور از بنی فَرّوخ ، ایرانیان می باشند

۲- ذکر أخبار إصبهان، جلد ۱، صفحه ۴

۳- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۵... هذا و قومه و الدّی نفسی بیده ، لو كان البرّ منوطاً بالثّریا، لنالَهُ رَجُلٌ من فارس

کسانی از شما پیدا می شوند که آن را طلب کنند(وبه دست آورند) (۱).

۷- رقت قلب ایرانیان ، آنها را به دین و ایمان می رساند

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ أَوْ الإِسْلَامُ عِنْدَ الثَّرِيَا (مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا) لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ ، بِرِقَّةِ قُلُوبِهِمْ (۲) .

و قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : لَوْ كَانَ هَذَا الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالنَّجْمِ ، لَتَمَسَّكَ بِهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ فَارِسٍ ، لِرِقَّةِ قُلُوبِهِمْ (۳) .

۸- پیروی از سنت و آثار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و صلوات بر آن حضرت

از صفات ایرانیان است

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا سِلْمَانُ ! لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ فَارِسٍ ، يَتَّبِعُونَ سُنَّتِي وَيَتَّبِعُونَ آثَارِي وَ يُكْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ... (۴) .

۹- فَاوَسُّ عَصَبَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

سعید بن جبیر ، از ابن عباس ، نقل می نماید که : در نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، از

ص: ۱۷

۱- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ صفحه ۶. اُذْنُوا يَا مَعْشَرَ الْمَوَالِي، أَلِي الدُّكْر ، فَإِنَّ الْعَرَبَ قَدْ أَعْرَضَتْ، وَإِنَّ الْإِيمَانَ لَوْ كَانَ مُعَلَّقًا بِالْعَرْشِ، كَانَ مِنْكُمْ مَنْ يَطْلُبُهُ

۲- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۶ رسول خدا فرمود: اگر دین یا اسلام ، نزد ستار [ثریا] (یا معلق به ثریا) باشد ، مردانی از فارس به آن دست می یابند، زیرا دلهایی رقیق دارند (وقسی القلب نیستند)

۳- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷ سلمان از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل نموده که فرمودند : اگر این دین (اسلام) به ستارهای معلق باشد ، گروهی از اهل فارس، به آن متمسک می شوند، زیرا ، دلهایشان نرم است(وازقساوت قلب، دورند)

۴- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷ رسول خدا فرمود: ای سلمان ! اگر دین به ستار [ثریا] بسته شده باشد مردمی از اهل فارس به آن دست می یابند ، که پیرو سنت من و تابع آثار من هستند، و بر من ، بسیار صلوات می فرستند

فارس یاد شد ، آن حضرت فرمودند : فارس عصبتنا (۱) أهل البيت ، و از سعید بن جبیر سؤال شد ، که مقصود از این سخن (عصبه بودن فارس) چیست ؟ در جواب گفت که : مردم فارس ، فرزندان اسحق نبی علیه السلام، عموی فرزندان اسماعیل نبی علیه السلام می باشند (۲) .

۱۰- رؤیائی عجیب از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

حدیفه می گوید : رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : دیشب در عالم خواب دیدم ، گویا گوسفندانی سیاه ، به دنبال من می آیند ، سپس گوسفندانی سفید به دنبال آنها ، به پیروی از من در آمدند ، و (آنقدر زیاد شدند) که دیگر، گوسفندان سیاه را نمی دیدم ، یکی از حاضرین به عنوان تعبیر خواب، عرضه داشت:

آن گوسفندان سیاه، عربها هستند، و گوسفندان سفید، مردم عجم می باشند ، که پیروی از شما می نمایند و آنقدر زیاد می شوند ، که عربها در میان آنها، دیده نمی شوند (و به حساب نمی آیند) . رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : مَلَكٌ هُمْ ، همینطور تعبیر نموده است (۳) .

و این بود نمونه هائی ، از احادیث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دربارهٔ أهل فارس،

ص: ۱۸

۱- عَصَبَةٌ، به معنی یک گروه و جمعیت قوی و بهم پیوسته است ، و عَصَبَةٌ به معنی خویشان پدری است ، و مقصود در اینجا (با توجه به کلام سعید بن جبیر ، که در دنبالهٔ حدیث نقل گردیده) عَصَبَةٌ است ، به فتح عین ، و احتمال هم داده می شود که مقصود این باشد که ، نیروی منسجم و بهم پیوستهٔ أهل البيت، ملت فارس هستند

۲- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱، صفحه ۱۱

۳- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱، صفحه ۰۹ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اِنِّي رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ كَأَنَّ غَنَمًا سُودًا تَتَّبِعُنِي ، ثُمَّ أَرْدَفَتْهَا غَنَمٌ بَيْضٌ ، حَتَّى لَمْ أَرَ السُّودَ فِيهَا، فقال... يا رسول الله، هذه الغنم السود، العرب تَتَّبِعُكَ و هذه الغنم ألبيض هي العجم تَتَّبِعُكَ، فَتَكْثُرُ حَتَّى لَا تُرَى الْعَرَبُ فِيهَا، فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، هكذا عَبَّرَهَا الْمَلَكُ

(سلمان و قوم او) و در این زمینه ، دهها حدیث با عبارت های گوناگون ، نقل گردیده ، که حافظ ابونعیم ، در جلد ۱ ، از ذکر اخبار اصبهان ، از صفحه ۱ تا ۱۴ ، نقل نموده است .

ستایش هائی دیگر

علاوه بر احادیثی که نقل نمودیم ، عبارتهائی از قبیل : **انَّ اُسَیْعَدَ اَلْعَجَمَ بِاَلْاِسْلَامِ** ، **اَهْلُ فَاِرْسِ (۱)** و مضمونی عجیب ، دربارهٔ اعتماد پیامبر صلی الله علیه و آلهی و سلم و به موالی و عجم ، با این عبارت : **وَ اَللّٰهُ لَآنَا اَوْثَقُ بِهِمْ مِنْكُمْ اَوْ مِنْ بَعْضَةِ كُمْ (۲)** و عبارت **نَزَلَتْ هَذِهِ الْاٰیَةُ (سوره بقره ، آیه ۶۲) فِی اَصْحَابِ سَیْلَمَانَ الْفَاِرْسِ** ، و **كَانَ مِنْ اَشْرَافِهِمْ (۳)** و اینکه سلمان از کسانی است که : **عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴)** نقل گردیده است ، که نشان میدهد ، لیاقت و شایستگی ایرانی های با ایمان ، و مخصوصاً اصفهانیها ، (هم شهری های سلمان فارسی) مورد عنایت و توجه خاص رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم بوده است .

اشاره ای به تاریخ اصفهان

اصفهان ، در دورهٔ هخامنشی ، به نام (کی) شناخته میشده ، که به (جی) تبدیل گشته است ، و در هنگام فتح اصفهان ، با نام (جی) خوانده می شده است، و (پاراتیکا) که آن را منطقهٔ فریدن می دانند، از نواحی مشهور و آباد آن، بوده است.

ص: ۱۹

- ۱- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۲
- ۲- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۲
- ۳- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳
- ۴- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

در دوره اشکانیان ، اصفهان قلمرو یکی از پادشاهان جزء (ساتراپ) بوده است . در دوره ساسانیان ، اصفهان محل سکونت هفت خانواده بزرگ ایرانی که مشاغل عمده و مناصب سلطنتی داشته اند ، بوده ، و جزء قلمرو حکمرانی آنان محسوب می شده است .

اصفهان در دوره خلافت دومین خلیفه غاصب ، به وسیله مسلمانان ، و با استفاده از راهنمایی های امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، فتح گردید ، و حدود سه قرن ، فرمانروایانی از طرف مرکز حکومت و خلافت ، در این شهر ، حکومت و فرمانروائی داشتند . رکن الدوله دیلمی ، دو محله شهرستان و یهودیه را متحد نمود ، و دیوار بین دو محله را برداشت .

اصفهان ، در دوره آل بویه و سلجوقیان و صفویه ، به خاطر عنایت و توجه زیاد ، به رشد چشم گیری نائل گردید و مدارس و مساجد و ساختمانهای مهم دیگری در آن ساخته شد ، و مخصوصاً در عهد صفویه ، آنقدر رشد یافت ، که جمعیت آن را تا یک میلیون نفر نوشته اند (۱).

حمله مغول ، و تهاجم تیمور ، و غلبه افغانها بر اصفهان ، از تلخ ترین و زیانبارترین حوادث تاریخ اصفهان می باشد ، که تلفات انسانی و خسارات فرهنگی و اقتصادی ، و زیانهای اجتماعی آن ، قابل احصاء نیست .

در نیم قرن اخیر ، توجه به اصفهان و تعمیر و ترمیم خرابیها ، و حفظ و نگهداری میراثهای فرهنگی و آثار باستانی ، و نیز تأسیس مراکز مهم اقتصادی و نظامی و فرهنگی ، موجب رشد مجدد و توسعه و آبادی چشم گیر

ص: ۲۰

اصفهان گردیده، و فقط جمعیت شهر اصفهان، طبق برآوردی که در سال ۱۳۶۶ شمسی انجام شده، ۱۱۰۸۰۰۹ می باشد (۱)، و با توجه به کیفیت اجراء برنامه های عمرانی و اقتصادی جاری، که در حال انجام می باشد، و وجود عوامل مهم و حیاتی، همانند: آب و هوای ممتاز، وجود زاینده رود، ذوب آهن و صنایع فولاد مبارکه، صنایع نظامی، حوزه علمی و دانشگاههای بزرگ، معادن متنوع، و هم چنین مزایای فراوان معنوی و انسانی، که در این شهر وجود دارد، از جاذبه های بزرگ به شمار می رود، که موجب افزایش روز افزون جمعیت اصفهان و شهرهای تابعه آن می باشد.

در حال حاضر، شهر اصفهان من حیث المجموع، پس از تهران، (که پایتخت کشور و مرکز همه مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور است) در ردیف مهم ترین شهرهای کشور می باشد، و در بعضی از ابعاد، برجسته ترین و ممتاز ترین شهر ایران به شمار می رود.

ورود جمعی از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصفهان

حافظ أبونعیم، در جلد اول ذکر أخبار اصفهان، صفحه ۴۳ به بعد، از جمعی از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یاد می کند، که وارد اصفهان شده اند، و احياناً دارای شخصیت برجسته، و دارای آثار و برکاتی بوده اند، که ما در این کتاب، به چندین چهره آنها که از مفاخر اسلام و تشیع بوده اند، در جاهای مناسب، توجه نموده، و از آنها یاد کرده ایم، و درباره حضور و برکاتشان، در حد امکان و با رعایت اهداف کتاب حاضر، بحث نموده ایم.

ص: ۲۱

۱- جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، صفحه ۳۰۷، و با محاسبه جمعیت حومه نزدیک شهر، که در اصفهان، به کارهای علمی و فنی و اقتصادی اشتغال دارند، رقم بسیار بالاتری به دست می آید

هو سبحان الله

گلمایه اصفهان ز آبی دگراست

اینخاک خمیر با گلابی دگراست

خورشید که بر زمین بتابد یکسان

اینجا چو دمید آفتابی دگراست

(صاعد)

ص: ۲۲

۲- عظمت علمی و دینی اصفهان در آئینه افکار صاحب نظران

اشاره

ص: ۲۳

از دیرزمان، نظریه های جالبی درباره اصفهان، از نظر علمی، دینی، اخلاقی و ...، اظهار شده است که بسیاری از آنها، در برگیرنده نکات ارزشمند و جالبی می باشد، که در میان هزاران اظهار نظر، به چند نمونه اشاره می نمائیم، و این فصل را به علاقمندان آشنائی با عظمت علمی و دینی این شهر تاریخی و ملت آن، تقدیم می نمائیم:

۱- حکیم رومی

فیروز بن یزدجرد، از بعض پادشاهان روم درخواست نمود که حکیمی بزرگ و طیبی حاذق، انتخاب کند و او را برای ارزیابی شهرها و بلاد محل حکومت فیروز، و معرفی مزایای آن شهرها اعزام نماید. یک حکیم رومی، برای این منظور انتخاب و معرفی گردید، فیروز به او مأموریت داد که به شهرها سفر کند و نظریه های خودش را درباره بهترین شهرها و مزایای آنها، اعلام دارد، پس از آن که حکیم و دانشمند رومی در ضمن مسافرت به شهرها، ارزیابی علمی و دقیق خود را انجام داد، اصفهان را برگزید (۱)، و در ادامه ارزیابی و اظهار

ص: ۲۵

۱- ذکر اخبار اصبهان، جلد ۱، صفحه ۳۴ ... و وقع اختیاره علی اصبهان فأقام بها یعنی ... اصفهان را برگزید و در آن اقامت جست ...

نظر درباره شهرها، اظهار داشت: ...وَوَجَدْنَا أَعْقَلَ أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ إِصْبَهَانَ و... (۱) و بدین وسیله ، حکیم رومی ، هوش و ذکاوت ، و عقل و اندیشه اصفهانی ها را ، به عنوان برترین مردم ، مورد تأیید قرار داد.

۲- مقدسی

محمد بن احمد مقدسی ، از دانشمندان و جغرافی دانهای اواخر قرن چهارم ، در کتاب ارزشمند خود به نام ، (أحسن التقاسیم) در ضمن صفات و خصوصیات مثبت و منفی اصفهان و مردم آن، می نویسد : یهودیه: قصبه اصفهان ، بزرگ و آباد و پرجمعیت و پربرکت و شهر بازرگانی است . چاههای شیرین ، میوه های گوارا ، هوایش خوب ، آبش سبک ، خاکش شگفت انگیز ، جایش خوب است. بازرگانان بزرگ ، هنرمندان ماهر دارد...، جامعشان با نمازگزاران ، آباد است ... من پس از جامع مصر ، نماز آبادتر از جامع ایشان ندیده ، و شهری پرجمعیت تر از شهر ایشان نشنیده و در همه کشور اسلام ، خاکی بدین خوبی نیافته ام . مردمش اهل سنت و جماعت و ادب و بلاغتند. چقدرقاری و ادیب و صاحبدل که این شهر بیرون داده است ... (۲) .

۳- مفضل بن سعد ... مافروخی اصفهانی

این دانشمند و محقق بزرگ ، که از مفاخر علمی قرن پنجم هجری میباشد ، در کتاب گرانقدر خود، به نام (محاسن اصفهان)، در تمجید و تجلیل از اصفهان ، و آب و هوا و محاسن و زیبایی های آن ، گامی برجسته برداشته ، و به شکل

ص: ۲۶

۱- ذکر أخبار اصبهان جلد ۱ ، صفحه ۳۶ ، یعنی : یافتیم که عاقل ترین أهل مملکت وی (فیروز) مردم اصفهان هستند

۲- أحسن التقاسیم ، جلد ۲ ، صفحه ۵۷۹ - ۵۸۰

محققانه ای ، برتری اصفهان را بر سایر بلاد ، از نظر مزایای طبیعی و عقلی و علمی ، اثبات نموده و نوشته است :

وَمِنْ أَقْوَى الْقَوَاعِدِ وَالْأَسَاسِ فِي تَبْيِينِ عُقُولِهِمْ عَلَى عُقُولِ سَائِرِ النَّاسِ، وَأَنَّهَمْ أَحْضَرُوهُمْ جَوَاباً وَ أَكْثَرُوهُمْ صَوَاباً ، حِكَايَاتُ رَشِيقَةٍ وَ نَوَادِرُ أُنَيْقَةٍ مِنْ أَقَلِّ أَهْلِهَا حِجِّيٍّ وَ أَنْزَرِهِمْ نُهْيٍّ وَ أَعْجَزِهِمْ عَنِ الْجِدَالِ وَ النَّظَارِ وَأَعْيَاهُمْ بِالسَّجَالِ وَ الْفَخَارِ، وَ أَضْيَعَرِهِمْ خَطَرًا فِي ذَوِي الْأَخْطَارِ ، وَ أَحْطَرِهِمْ قَدْرًا بَيْنَ أَوْلَى الْأَقْدَارِ... (۱).

و با عبارت فوق ، برای اثبات برتری عقلی و ذهنی اصفهانی ها، از داستانهای مربوط به طبقات ضعیف العقل بهره جسته ، که در ضمن ضعف عقلانی ، دارای سرعت انتقال و تیزهوشی و حاضر جوابی هستند، و این همه نشان می دهد ، که قدرت تعقل و تفکر و هوشمندی اصفهانی ها ، در چه حدی از کمال و برتری می باشد .

مافزوخی ، در مجموع کتاب ، علاوه بر معرفی مزایای اصفهان از نظر طبیعی ، در نشان دادن چهره های علمی و ادبی و مفاخر گوناگون انسانی اصفهان کوشیده و این شهر را جایگاه عقل و اندیشه ، علم و دانش ، ایمان و فضیلت معرفی نموده و با ذکر مساجد و معابد ، کتابخانه ها و مراکز علمی ، شهر اصفهان را از نظر علمی و دینی ، در قلّه رفیع عظمت و إعتلاء نشان داده ، و این شهر تاریخی را جامع محاسن ، و مجمع فضائل ، و مجتمع مفاخر ، به شمار آورده است (۲).

و در یک کلام ، اصفهان را ، قُبَّةُ الْإِسْلَامِ (۳) و سَيِّدُ الْبِلْدَانِ (۴) خوانده ،

ص: ۲۷

۱- محاسن اصفهان ، صفحه ۴۳

۲- برای آشنائی بیشتر ، مطالعه کتاب (محاسن اصفهان) لازم می باشد

۳- محاسن اصفهان ، صفحه ۶

۴- محاسن اصفهان ، صفحه ۴

و حدیثی از امام حسن علیه السلام نقل نموده ، که فرمودند : تَدَاوُوا بِمَاءِ زَرْزَرٍ وَذُ(۱) فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً كُلِّ دَاءٍ (۲) یعنی : با آب زاینده رود بیماری هایتان را معالجه کنید ، که در او شفاء هر دردی است.

۴-سمعانی

سمعانی که از دانشمندان بزرگ قرن ششم هجری است ، دربارهٔ اصفهان می نویسد : از این شهر جماعتی از علماء در هر رشته و فنّ علمی ، چه در گذشته و چه در زمان حال برخاسته اند ، و دربارهٔ تاریخ این شهر ، کتابهای زیادی در دوره های قدیم و جدید نوشته شده است (۳) ، و آنگاه ، جمعی از علماء بزرگ اصفهان را یاد می نماید.

۵-یاقوت حموی

یاقوت حموی ، که از دانشمندان اوائل قرن هفتم میباشد ، در کتاب ارزشمند مُعْجَمُ الْبُلْدَانِ می نویسد : اصفهان شهری است عظیم و مشهور ، و از اعلام و اعیان شهرها ... ، از شهر اصفهان علماء و پیشوایان و ائمهٔ هر رشته و فنّی برخاسته اند ، تا آنجا که از هیچ شهری ، این شمار از دانشمندان و چهره های علمی ، بر نخوایسته است ، مخصوصاً در زمینهٔ علوّ اَسْنَادِ (۴) ، زیرا که عمر اهل اصفهان طولانی می شود ، و ضمناً عنایت فراوانی به شنیدن حدیث دارند ، و در اصفهان ،

ص: ۲۸

۱- زَرْزَرٍ ، همان زاینده رود است که در لهجهٔ قدیم چنین تلفظ می شده است

۲- محاسن اصفهان ، صفحه ۵

۳- الْأَنْسَابِ سَمْعَانِي ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۰ - ۲۹۱

۴- علوّ اَسْنَادِ ، اصطلاحی است مربوط به علم (درایه الحدیث) ، و به معنی کمی تعداد وسائط رجال حدیث ، تا امام و پیغمبر علیهم السلام میباشد

شمار زیادی از حُفَاطِ حَدِيثِ (۱) هستند ، که به شمار و إحصاء در نمی آیند ، وعده ای از کتابهای تاریخی ، درباره آن نوشته شده است... (۲).

وَمِنْ نَسَبٍ إِلَى إِصْبَهَانَ مِنَ الْعُلَمَاءِ، لِأَيْحُصُونَ إِلَّا أَنَّنِي أَذْكَرُ مِنْ أَعْيَانِ أُمَّتِهِمْ جَمَاعَةً عَلَيَّتْ عَلَيَّ نَسَبٌ بِهِمْ فَلَا يُعْرَفُونَ إِلَّا بِالْإِصْبَهَانِيِّ، مِنْهُمْ الْحَافِظُ الْإِمَامُ أَبُو نَعِيمٍ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ... (۳).

یعنی کسانی که از دانشمندان ، نسبت به اصفهان داده شده اند و اصفهانی خوانده می شوند ، به شمار در نمی آیند ، جز این که من از شخصیت‌های پیشوایانشان ، جماعتی را که عنوان اصفهانی ، بر نسبت آنها غالب شده و شناخته نمی‌شوند جز به عنوان اصفهانی یاد میکنم ، که از آنها است ، حافظ ، امام ، ابونعیم ، أحمد بن عبد الله ...

۶- أبو الفداء، عماد الدین اسماعیل

نابغه و جغرافی دان مشهور در کتاب ارزشمند « تَقْوِيمُ الْبُلْدَانِ » ، که در سال ۷۲۱ تألیف آن پایان یافته (۴) به نقل از این حَوْقِل ، اصفهان را از پر نعمت ترین و وسیع ترین بلاد دانسته است (۵).

ص: ۲۹

۱- حافظ ، اصطلاحی است مربوط به علم الحدیث ، و به کسی گفته که بقیه در صفحه بعد بقیه از صفحه قبل حدیث شناس و مدافع و نگهدارنده آن باشد ، یا به کسی که ، یکصد هزار حدیث از حفظ داشته باشد و... (لغتنامه دهخدا، و کتب مربوط به درایه الحدیث)

۲- معجم البلدان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۶ و ۲۰۹

۳- معجم البلدان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۰

۴- ترجمه تقویم البلدان (مقدمه) ، صفحه هشت

۵- ترجمه تقویم البلدان ، صفحه ۴۸۹

۷- حمد الله مستوفی قزوینی

محقق و مورخ و جغرافی دان مشهور و نامدار نیمه اول قرن هشتم هجری ، حمد الله مستوفی ، در کتاب نُزْهَةُ الْقُلُوبِ ، از شهر اصفهان و آب و هوا و خاک و میوه جات بسیار خوب آن، و نیز ، از دوری آن از زلزله و بیماریهای سخت و مُزمن، (همانند ویا و ...) و فراوانی و خوبی نعمتها و میوه های آن تمجید نموده، و سپس نوشته است: در آن شهر ، مدارس و خانقاهات و أبواب خیر بسیار است ، از جمله مدرسه...و در طاعت ، درجه تمام دارند... (۱).

۸- ابن بطوطه

سیاح بزرگ و نامدار ، و دانشمند محقق نیمه دوم قرن هشتم ، (ابن بطوطه) در سفرنامه مشهور و گرانقدر خود ، که یادگاری است بسیار ارزشمند ، از مسافرتها بسیار ، به بلاد و کشورهای گوناگون ، درباره اصفهان و دیدار و خاطره جالبش از این شهر ، می نویسد :

اصفهان که از شهرهای عراق عجم است ، شهری بزرگ و زیبا است ، ولی اکنون قسمت زیادی از آن، در نتیجه اختلافاتی که بین سنیان و شیعیان آن شهر، به وقوع می پیوندد ، به ویرانی افتاده (۲) ... مردم اصفهان ، مردمی زیبارویاند ، رنگ آنان سفید و روشن و متمایل به سرخی است و شجاعت و نترسی ، از

ص: ۳۰

۱- نزّه القلوب ، صفحه ۴۸- ۴۹

۲- از نکته هائی که عموم مورخین در مورد شهر اصفهان ، متعرض شده اند ، اختلافات دامنه داری است که هر چند وقت یک بار ، تحت عنوانی ، شعله ور میشده ، و زیانهای زیادی به بار می آورده است ، گاهی تحت عنوان نزاع شافعیان و حنبلیان ، گاهی تحت عنوان دسته حیدری و نعمتی و ...

صفات بارز ایشان می باشد. اصفهانیان مردمانی گشاده دست اند. هم چشمی و تفاخری که میان آنان در مورد اِطعام و مهمان نوازی وجود دارد، منشاء حکایات غریبی شده است، مثلاً- اتفاق می افتد که یک اصفهانی، رفیق خود را دعوت میکند و می گوید (بیا برویم نان و ماس « ماست » با هم بخوریم) ولی وقتی او را به خانه می برد، انواع غذاهای گوناگون پیش او می آورد، و اصفهانی ها به این روئے خود مباهات زیاد می کنند ...

در این شهر، در زاویه منسوب به شیخ علی بن سهل که شاگرد جنید بوده است منزل کردم، این زاویه، مورد احترام و زیارتگاه مردم اصفهان است، و در آن برای مسافرین غذا داده می شود، و گرمابه ای عالی، مفروش به رخام دارد، که دیوارهایش از کاشی است، این حمام وقف است، و از مراجعه کنندگان پولی مطالبه نمی شود... (۱).

۹-شوالیه شاردن فرانسوی

سیاح دانشمند و محقق فرانسوی، که در قرن یازدهم هجری، دو نوبت و هر بار چندین سال، در اصفهان اقامت جسته و خصوصیات و چگونگی شهر و مردم اصفهان را ثبت نموده، و سپس منتشر ساخته (۲)، درباره شهر اصفهان و مزایای آن، عباراتی دارد که ذیلاً به برخی از آنها، اشاره می نمائیم:

شهر اصفهان با حومه آن، یکی از بزرگترین شهرهای دنیا است. اطراف آن کمتر از دوازده لیو یا بیست و چهار میل نیست (لیو، چهار کیلومتر است،

ص: ۳۱

۱- سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، جلد ۱، صفحه ۲۱۱ - ۲۱۲

۲- سفرنامه شاردن، قسمت شهر اصفهان، ترجمه حسین عریضی، (مقدمه) صفحه « الف » و « ب »

بنابراین دوازده لیو، چهل و هشت کیلومتر، یا هشت فرسخ می شود - مترجم).

ایرانیان، به عنوان مبالغه، از عظمت آن می گویند (اصفهان نصف جهان) .. به زعم بعضی، جمعیت شهر اصفهان، بالغ بر یک میلیون و صد هزار نفر است، برخی دیگر، ساکنین آن را، ششصد هزار می دانند(۱).

... خلاصه، به عقیده من (اصفهان به اندازه شهر لندن که پرجمعیت ترین شهرهای اروپا است، جمعیت دارد)، در بازارها، آنبوه جمعیت چنان است که جلو هر سواری، خادمی میدود تا معبری برای او باز کند، زیرا در صدها محل، جمعیت آنقدر زیاد است که گوئی روی هم ریخته اند (۲).... به هر حال، شهر اصفهان یکی از پرجمعیت ترین بلاد است(۳)

... چون از طرفی هم هوای ایران خشک است، و هم مردم آن همه روزه، صبح و عصر، جلوی خانه خود را رفته (۴) و آب می پاشند، سرگین و کثافت و گرد و غبار، به اندازه کوچه های شهرهای ممالک اروپائی ندارد (۵).

از هر سو شهر اصفهان را تماشا کنیم، آن را مانند جنگل یا بیشه ای می بینیم که فقط از خلال اشجار، گنبدهای کبود و مناره های بلندی که برای اذان ساخته شده اند، دیده می شود (۶).

ص: ۳۲

۱- سفرنامه شاردن، صفحه ۱

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۲

۳- سفرنامه شاردن، صفحه ۲

۴- رفتن، روفتن = رویدن، پاک کردن خاک و خاشاک (فرهنگ معین)

۵- سفرنامه، صفحه ۴، مقایسه جالبی است. نظافت شهر در مقایسه با اروپا، در زمان حاکمیت فرهنگ شیعه در اصفهان، جلب توجه می نماید

۶- سفرنامه شاردن، صفحه ۵

... این است شرح مفصل شهر اصفهان که بزرگترین و زیباترین شهرهای مشرق زمین می باشد. برای آن که عظمت و بزرگی آن بیشتر معلوم گردد، ایرانیان افسانه کوچکی نقل میکنند... (۱).

اصفهان دارالعلم شرق است، و علم و دانش، از آن، به بلاد و اقطاع مختلف، مخصوصاً هندوستان، پراکنده می شود

آماري جالب و مهم

شاردن، در ادامه می نویسد: نتیجه یادداشتهای من این است که: در داخل حصار شهر اصفهان، بناهای زیر وجود دارد: ۱۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه و ۱۰۸۲ کاروانسرا و ۲۷۳ حمام و ۱۲ قبرستان... (۲) (۳).

... آب و هوای آن (شهر اصفهان)، سالم ترین نقاطی است که من در دنیا دیده ام، مثل معروفی است که: هر که سالم به اصفهان وارد شود، هرگز بیمار نخواهد شد...، و علت آن، همانا خشکی و لطافت بی نهایت آن است (۴).

۱۰- زین العابدین شیروانی

حاجی زین العابدین شیروانی، که از دانشمندان قرن سیزدهم می باشد، در کتاب (بُستانُ السَّیَّاحه)، ضمن ذکر جنبه های مثبت و منفی مردم اصفهان، و بیان عقائد دینی مردم آن در طول تاریخ، می نویسد: أهل اصفهان، نزد آبنای زمان،

ص: ۳۳

۱- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۷۰

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۷۰

۳- عدد ۱۶۲ مسجد و ۴۸ مدرسه و ۲۷۳ حمام، حاکی از شدت توجه مردم شیعه اصفهان، به ایمان و علم و بهداشت است

۴- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۷۱

فَطْنٍ وَ زِيرَكٍ ، چنانچه لفظ زیرک و اصفهانی در عدد جُمل یکی است (۱).

۱۱- صاحب روضات الجنات

فقیه اصولی ، و رجالی نامدار و محقق ، آقا سید محمد باقر چهارسوقی خوانساری ، در کتاب شریف روضات الجنات ، به مناسبت شرح حال ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی ، بررسی و بحث مفصّلی ، راجع به شهر اصفهان و عظمت آن می نماید ، که فرازهایی از آن را نقل می نمائیم : ... اصفهان شهری است عظیم ... و از بزرگترین شهرهای اسلام ، که به جز شهر بغداد (که مرکز علم و حدیث است) در میان تمام بلاد اسلامی ، بالاترین مرتبه را ، در علم الحدیث ، و درس و نشر آن دارد (۲). قیلَ وَ مِنْ جَلِيّ الْمَنَاقِبِ أَنَّهَا لَمْ يُتَسَمَّ بِهَا مِصْرٌ (۳).

و از کتاب محاسن اصفهان ، تألیف مافروخی ، نقل می نماید : إِصْفَهَانُ بِلَادَةٌ قَدِ اشْرَفَ اللهُ مِنْ أَيْدِيهِ الْبَيْضِ قِسْمَهَا وَ وَفَّرَ مِنْ مَوَاهِبِ الْغُرَسِ هَمَهَا ، وَ صَدَّرَ فِي جَرِيدِهِ الْبِلَادِ إِشِيمَهَا ، وَ الْحَقَّ بِرُسُومِ الْجَنَانِ رَسَمَهَا ، فَلَا مَزِيدَ عَلَيْهَا ، طَيْبٌ بَقَعَهُ وَسَعَهُ رُقَعَهُ وَ زَكَاءٌ تَزَيَّ وَ صَفَاءٌ طِينَهُ وَ أَعْتَدَالِ هَوَاءٍ وَ عُذُوبَةَ مَاءٍ وَ نِظَافَةَ أُوطَانٍ وَ ظَرَافَةَ قِطَانٍ لِكُونِهَا فِي نَقْطَةِ الْإِعْتِدَالِ وَ حَيَّرَ الْكَمَالَ مِنَ الْإِقْلِيمِ الزَّابِجِ الْأَوْسَيْطِ مِنَ الْأَقَالِيمِ السَّبْعَةِ ، الْمَجْمَعُ عَلَى وَفُورِ حَظِّهَا مِنَ النَّبِيلِ وَ كَثْرَةِ خَلَاقِهَا مِنَ الْفَضْلِ ، وَ هِيَ بِالْمِغْيَارِ الْبِزْهَانِي وَ الْإِعْتِبَارِ الْقِيَاسِي ، سُرَّةُ الْأَرْضِ وَ عَرَّتُهَا وَ سَيِّدَةُ الْبُلْدَانِ وَ حَرَّتُهَا (۴).

ص: ۳۴

۱- بستان الشياحه ، صفحه ۱۱۰

۲- روضات الجنات ، جلد ۱ ، صفحه ۵ ، هی من أكبر مُدن الإسلام و أكثرها حديثاً ، ما خلا بغداد

۳- روضات الجنات ، جلد ۱ ، صفحه ۵ ، یعنی از مناقب آشکار این است که ، به نام آن (اصفهان) هیچ شهری نامیده نشده است

۴- روضات الجنات ، جلد ۱ ، صفحه ۷

و از حافظ ابونعیم نقل می نماید که : هنگامی که دستور الهی به زمین و آسمان صادر شد که : إِنْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا (۱) ، زمین اصفهان به عنوان زبان زمین (فَمِ الْأَرْضِ لِسَانُهَا) اجابت نمود و اطاعت خود را اعلام داشت (۲) .

و از حسین بن خوانسار جرباذقانی ، نقل می نماید که : أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند : تَدَاوُّو بِمَاءِ زَنْدِهِ زُودَ ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءَ كُلِّ دَاءٍ (۳)

و سپس می نویسد: اصفهان قبه الإسلام و همتای مدینه السلام (بغداد) است و چنین قبه و سرزمینی ، در میان قبه ها و سرزمین ها ، عجیب و شگفت آور است ، و لقب و عنوان او در میان لقیها ، برتری خاص دارد (۴) .

فضائل مشهور و مشهود اصفهان ، و خصال پسندیده و به شمار آمده آن ، به مرتبه ای شریف و جایگاهی برجسته رسیده است ، که هیچ کس از عقلاء ، آن را انکار نمی کند ، و هیچ دستی توان دفع آن را ندارد (۵) .

امام حسن بن علی علیه السلام ، در راه سفر به جرجان (گرگان) وارد اصفهان گردیدند ... و همیشه ، چهره هائی از ابدال و ابرار و صلحاء و اخیار ، در اصفهان اقامت داشته اند ، و به نقلی ، همیشه سی نفر مستجاب الدعوه ، در میان آنها بوده

ص: ۳۵

۱- سورة فَصَّلَتْ ، آیه ۱۱

۲- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۷

۳- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۷ ، یعنی با آب زاینده رود ، دردهای خود را مداوا کنید ، زیرا در آن ، شفاء هر دردی است

۴- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۸ قبه الإسلام و ضَرَّه مدینه السلام فاعجَبَ بها من قبه فی آلقباب و أحسن بلقبها بین الألقاب

۵- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۸

است (۱). آنگاه از جامع جورجیر ، که به وسیله صاحب بن عبّاد ساخته شده ، یاد میکند (۲) و فضیلت های فراوانی را در قالب شعر و نثر ، برای اصفهان ذکر می نماید و می نویسد :

أَقُولُ : إِنَّ الْحَقَّ أَنَّهَا أَرْفَعُ مِنْ كُلِّ هَذِهِ الْأَوْصَافِ بَكْتِيرٍ ، وَ كَفَاهَا مُنْقَبَةً أَنَّ جُلَّ أَرْبَابِ الْحِكْمِ وَالْأَدَابِ إِزْتَقَوْا إِلَى مِيدَارِ جِهَمٍ وَ اسْتَوْفَوْا نَصَائِبَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ، فِيهَا (۳)

یعنی : همانا حق این است که ، اصفهان از همه اوصاف یاد شده ، بسیار بالاتر است ، و همین بس برای منقبت اصفهان ، که عمده صاحبان علم و حکمت و ادب ، در این شهر بزرگ ، به قلّه های رفیع کمال و درجات بالای علمی ، صعود نموده ، و بهره های خود را از دانش و بینش ، در این شهر (آرزوشمند و با عظمت) به دست آورده اند ، (و به عنوان چهره های درخشان ، در عالم علم و تحقیق ، درخشیده اند).

آنگاه صاحب روضات ، روایاتی را که در مذمت اهل اصفهان رسیده نقل نموده ، و می فرماید : اینها ، به دورهای مربوط است ، که قدرت و نفوذ و سیطره امویان ، بر شهر اصفهان ، جوّ عمومی این شهر را ، گرفتار دشمنی و عداوت با اهل البیت علیهم السلام عموماً ، و امیرالمؤمنین علی علیه السلام خصوصاً ، نموده بوده است (۴)

و در پایان ، از منارجنبان و عظمت مُحَيَّرِ الْعُقُولِ آن ، یاد نموده و می نویسد :

من بارها و بارها ، با جمعی زیاد ، از این دو مناره ، دیدن نموده ام ، که وقتی یکی از آنها را حرکت دهند ، هر دو مناره و بقعه و تمام ساختمان ، شدیداً

ص: ۳۶

۱- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۰

۲- در بخش « مساجد مرکز علمی اصفهان » ، از جامع جورجیر ، به تفصیل بحث کرده ایم

۳- روضات لجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸

۴- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸ - ۱۹

به حرکت می آید، و به شکل عجیبی، متمایل به راست و چپ می شود، و هیچکس سرّ این مطلب را نفهمیده، و معمارهای ماهر، همه یقین دارند که این حرکت عجیب، در این ساختمانی که با گچ و آجر ساخته شده، و حرکت یک مناره، موجب حرکت مناره دیگر و بقعه و ساختمان می شود، با قواعد معماری، هماهنگی ندارد، و حتی خارجی ها و فرنگی ها، که مرتباً به دیدن این اثر عجیب می آیند، حیرت زده می شوند، و هیچ توجیهی نیافته اند (۱).

و از نکته های جالب، درباره منارجنبان اصفهان این است که، این دو مناره و بقعه مجاور آن، بر روی قبر کسی ساخته شده، که بارها در حوادث مختلف، تر و تازه دیده شده، و هیچ گونه تغییری نیافته بوده، و این مطلب را، بسیاری از موثّقین دیده و شهادت داده اند (۲).

۱۲- میرزا حسین خان تحویلدار

یکی از دانشمندان محقق و متّبع، به نام میرزا حسین، فرزند محمّد ابراهیم خان، تحویلدار اصفهان در اواخر قرن سیزدهم (۳)، کتابی را به نام «جغرافیای اصفهان» تألیف نموده، که مطالب بسیار سودمندی در آن گرد آورده، و در معرفی جغرافیای طبیعی و انسانی، و آمار اصناف شهر، قدم مثبتی برداشته است

در بخشی از کتاب، در ضمن معرفی ۱۹۹ نوع از اصناف مردم اصفهان، چنین می نویسد:

ص: ۳۷

۱- روضات الجنّات، جلد ۱، صفحه ۱۹ - ۲۰

۲- روضات الجنّات، جلد ۳، صفحه ۳۰۶، در ذیل شرح حال داود بن عمر بن ابراهیم شاذلی اسکندری

۳- شروع در تألیف کتاب (جغرافیای اصفهان) سال ۱۲۹۴ هجری قمری بوده است (جغرافیای اصفهان - مقدمه، صفحه ۱)

نوع یک نوع مجتهدین و فضلاء ، در اصفهان بسیارند ، و به شماره در نمی آیند

هیچ ولایت در روی زمین ، مانند این بلد ، فقیه و عالم ندارد ...

چون مقتضیات موجود ، و موانع مفقود ، و در هر فن ، استادِ فاضلِ کامل ، زیاد است ، لذا محصلین علوم از بلاد ، در اینجا اجتماع میکنند ، و فارغ التحصیل می شوند ، و برای ریاست بلدان ، به اوطان (خویش) معاودت می کنند ، و برخی ... اقامت را ترجیح می دهند .

قریب آلِ اجتهاد ، فراوان و مجتهدِ مُجاز ، از صد نفر متجاوز

مُفتیِ جایز الفتوی و جامع الشرائط متعدّد

نوع دوّم : نوع فضلاء و علمای صاحب مسند و منصب ...

نوع سوّم : نوع طلاب و محصلین علوم . در اصفهان کلیه تحصیل کننده ها

بی حساب است . مدارس بسیار است که از قدیم ، موقوفات برای آنها باقی مانده ، به مصارف طلاب و محصّلین می رسد ، بدین جهت همه مدرسه ها مملو از ملّا ، در خانه ها هم علاوه بر اینها ، مکان و سکنی دارند .

بعضی خانواده های علماء ، که الان هر کدام ، سلسله محسوب می شوند ، از قرار تفصیل است : خانواده مرحوم حاجی محمّد ابراهیم کلباسی ... - خانواده مرحوم حاجی محمّد جعفر آبادهای ... - خانواده مرحوم حاجی محمّد ابراهیم قزوینی ... ، خانواده مرحوم آقا سیّد صدرالدین - خانواده مرحوم ملّا علی اکبر خوانساری ، خانواده مرحوم ملّا علی اکبر و ملّا عبدالله اژیّه ... خانواده مرحوم ملّا صالح مازندرانی و سایر علماء ، که صاحب محراب و منبر و احکام شرعیّه هستند ، در این شهر بسیارند .

عادت خلق اصفهان بر آن است که ، اغلب پنج وقت فریضه را نماز فرادی نمی کنند ، و اکثر به جماعت حاضر می شوند ،

نوع چهارم: نوع حکمای الهی. کَمَلین و محصّیلین این فن، در اصفهان زیاد بودند، بسیار از بلاد بعیده آمده، بعد از تکمیل باز معاودت نمودند. اسامی استادان علم و خانواده های ایشان که در این شهر است: مرحوم ملا علی نوری، که ثانی ملا صدراى شیرازی بود، و در عصر خود، استاد کل...، مرحوم میرزا محمّد حسن چینی، استادی بود در علم، قریب الدرجه مرحوم میرزا حسن نوری، و در تقریر، اکمل، و بحر وجودش بسیار با وسعت...، مرحوم آقا سیّد رضی لاریجانی، از اعظم علماء این فن بوده، که مقابلی با مرحوم ملا علی نوری می نمود...، مرحوم حاجی محمّد جعفر لاهیجی، کهنه استاد بوده...، مرحوم آقا سیّد یوسف اعمی، استاد کاملی بود...، مرحوم ملا حسن نائینی، مردی بود از اوتاد، در علوم دین و دنیا یگانه، و در عالم توحید، مردانه...، در همه علوم، استاد و فرید دهر بود، خاصه حکمت الهی و انواع علوم ریاضی، از صبح تا به شام، طلاب علوم مختلفه، دسته دسته، پیوسته به مدرّسش حاضر می شدند، و استفاده می کردند...، مرحوم آقا علی اصغر همدانی، آن هم در همه چیز فرد بود...، مرحوم میرزا مهدی رشتی...، جناب آقای میرزا أبو الحسن (۱)...، در علوم ادبیه و ریاضی و غیره، کامل، و در حکمت الهی، وحید دوران، سی سال است مجرّدانه، در تهران تدریس می نماید، و در این فنّ شریف، استاد کامل بی نظیر...، جناب آقای آقا محمّد رضا قمشه ای، از عظماء علماء این فن، و خدمت غالب استادان بزرگ را درک نموده، و تحصیل فرموده...، سالها است در اصفهان تدریس می نماید...

ص: ۳۹

نوع پنجم: سادات عالی درجات و سلاسل ایشان. سلسله سادات امام جمعه ...، سلسله سادات پاقلعه، معروف به سادات مدرّس ...، سلسله سادات خواجه‌ئی، سلسله سنگینی است ...، سلسله سادات طباطبائی، در همه جا هستند سلسله سادات بید آبادی، اولاد مرحوم حاجی سید محمد باقر حجه الاسلام (شفتی) ... سلسله سادات امامی، که زیاد و فراوانند، سلسله سادات تکمه چین ...، سلسله سادات چهارسوق شیرازیها (سادات روضاتی - خوانساری)، سلسله سادات کلشادی ...، سلسله سادات قاضی عسکر ...، سلسله سادات میر محمد صادقی ... سلسله سادات سید منصوری ...، سلسله سادات یزد آبادی ...، سلسله سادات گلستانه ...، سلسله سادات شاهشاهانی (شهبهانی) (۱) (۲).

میرزا حسین خان، در دنباله مطالب یاد شده، از نوع میرزایان استیفاء، و سلاسل (سلسله های) ایشان، که از قدیم در جزو ارباب قلم اصفهان، صاحبان منصب و مسند بوده اند (۳)، و هم چنین، از نوع اطباء و نوع روضه خوانان، که طبیبان روحانند (۴)، و نیز، از نوع علماء هیئت و نجوم و رمل و جفر و عدد و هندسه و جبر و مقابله و جزّ اثقال و مناظر و مرایا و سایر فنون ریاضی، از علوم غربیه و غیره، که در زمان صفویه شیوع تمام داشته، بلکه همه علوم ایران در آن عهد، به حدّ کمال رسیده (۵) یاد نموده، و معرفی کرده،

ص: ۴۰

۱- جغرافیای اصفهان، از صفحه ۶۶ تا ۷۰

۲- در بخش (خاندهای علمی اصفهان)، بسیاری از این خاندان های علم و سیادت را، مورد بحث و معرفی قرار داده ایم

۳- جغرافیای اصفهان، از صفحه ۷۶ تا ۷۹

۴- جغرافیای اصفهان، صفحه ۸۰

۵- جغرافیای اصفهان، صفحه ۸۰ تا ۸۳

و سپس از نوع خوشنویسان و نوع شعراء یاد کرده^(۱)، و بدین وسیله ، اصفهان را مرکز علم و دانش و هنر و ذوق و سلیقه و ابتکار و قریحه معرفی نموده است

نویسنده یاد شده ، علاوه بر مطالب فوق ، در بخش معرفّی و بیان صفات و حالات و عادات مردم اصفهان ، اقلّیت آنها را ، گرفتار صفات بد ، از قبیل : ریاکاری و فساد و نفاق و ... ، دانسته ، و اکثریت آنها را ، گروه مقلّدین و مقدّسین و محسنین ، از عامی و عالم ، که محاسن واقعی دارند ، تقریباً هفت عُشر از مردم اصفهان دانسته و نوشته است :

غالباً مروج آداب شریعت و مرید مجتهدین و واعظین و مواظب نماز جماعت و اذکار ، و مراقب مسائل دین و قرآن و پرهیزکار و خالص العقیده ، و حلال خور و صادق القول ، و متواضع و مهمان پذیر ، و آبرو دوست و میانه رو و با عصمت ، و غیور و حلیم و ظریف و با شرم ، و با حقوق و با حساب

و دورانیش و مآل بین و محتاط ، می باشند ^(۲)

صفات زنهای اصفهانی

نویسنده یاد شده ، اکثریت زنهای اصفهانی را ، با چنین اوصافی ستوده است : ... بعد از فراغت از خانه داری ، مشغول خیاطی و چرخ ریزی و سایر هنرها و کسب های یدی (دستی) و أخذ مسائل شرعیّه (هستند) ، و مواظب نماز و روزه ، و معتقد به ختم و ادعیه (می باشند) . تکاهل و تعیش و بطالت ، میان آنها ننگ است ... ، چندین سبب دارد که غالب زنهای این شهر ، خود سر و بدهوا

ص: ۴۱

۱- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۸۴

۲- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۱۲۹

نیستند ، یکی از اوامر و نواهی و مواعظ علماء و فضلاء ، که کوچه به کوچه ، ملاً و مجتهد سکنی دارند ، و در اجرای حدود شرعیّه ، دائم سعی و جاهد می باشند ، و یکی مواظبت خویشان و شوهران بر ایشان، و یکی کثرت عیال باری و زحمت خانه داری ... (۱).

۱۳- محمد مهدی اصفهانی

نویسنده محقق ، محمد مهدی اصفهانی ، در کتاب (نصف جهان) تحقیق مفصل و جالبی درباره اصفهان نموده ، و در ضمن بخشهای کتاب ، چنین توصیفی دارد

از جمله ممکنه معروفه اصفهان ، یکی تخت فولاد است ...، و قبور جمعی از اجمعه علماء و عرفاء و حکماء در آن است ، و اکثری مقبره دارند، و عماراتی که در اینجا است ، تکیه می نامند، و از جمله : تکیه میر ابوالقاسم فندرسکی استر آبادی است ، که به تکیه میر معروف است ، مشارالیه ، حکیمی فاضل ، و عارفی کامل بوده است ...، و دیگر قبر آقا محمّد بید آبادی اصفهانی است ، که حکیمی عارف و دانائی کاشف اسرار بوده ، و از قدماء ، بابا رکن الدین است ، صاحب تکیه و دستگاه ، که مرحوم محمّد تقی مجلسی ، کرامت غربی از او نقل می کند ... و دیگر از علماء ، آقا حسین و آقا جمال خوانساری ، و میر اسماعیل خاتون آبادی ، و میرزا محمّد علی ، مشهور به میرزا مظفر ، و فاضل هندی و ملاً مهرباب مازندرانی ، و مرحوم شیخ محمد تقی و جمعی کثیر ، که شمار آن ممکن نیست ، در آنجا می باشند (۲) ... در اصفهان ، چهارصد مسجد جامع

ص: ۴۲

۱- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۱۳۰

۲- نصف جهان ، صفحه ۴۵ - ۴۶

بزرگ، و یک مسجد قابل ذکر هست (۱)، و از جمله آن چهارصد مسجد، یکی مسجد جامع عتیق است، که مخصوصاً به مسجد جامع موسوم است ... دوّم از مساجد بزرگ معتبر، مسجد جامع عبّاسی است، که به مسجد شاه معروف و در سمت جنوب میدان نقش جهان است ... ، مسجد جامع سوّم، مسجد موسوم و مشهور به مسجد حکیم است ... مسجد جامع چهارم، مسجدی است که مرحوم حاجی سیّد محمّد باقر مجتهد رشتی در محله بید آباد ساخته است ... ، أمّا مسجد دیگر، که قابل بیان و تعریف است، مسجد مشهور به شیخ لطف الله است ... (۲).

أمّا مدارس این شهر ... (نویسنده یاد شده، از صفحه ۶۹ تا ۷۳ کتاب خود، به معرّفی آنها پرداخته است).

۱۴-دائرة المعارف الإسلامیة

در این دائرة المعارف، که به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی، منتشر شده، و سپس به زبان عربی ترجمه گردیده، در جلد ۲، از صفحه ۲۵۸ تا ۲۶۳، به بحث درباره اصفهان و عظمت آن پرداخته شده، و این شهر، با عبارت جامع:

هِيَ الآنَ أَهْمُ مَدْنِ الْعِرَاقِ الْعَجَمِيِّ (۳) مهمترین شهر در تمامی عراق عجم، معرّفی گردیده است، و مسجد شاه (مسجد امام = جامع عبّاسی) در اصفهان، از زیباترین ساختمانهای عالم

ص: ۴۳

۱- منظور از مسجد قابل ذکر، که جامع نیست مسجد شیخ لطف الله است، که از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد، ولی جزء مساجد جامع به شمار نمی رود و عمدتاً خاندان سلطنتی، از آن استفاده می نموده اند، و مسجد بزرگ عبّاسی (مسجد شاه = مسجد امام) مسجد جامع بوده است

۲- نصف جهان فی تعریف الإصفهان، صفحه ۶۰ به بعد

۳- دائرة المعارف الإسلامیة، جلد ۲، صفحه ۲۵۸

دانسته شده (۱) و نیز ، در آن کتاب ، آثاری از هنر و معماری اصفهان ، تشریح

شده است .

۱۵- سید محسن امین عاملی

عَلَّامَةٌ مُحَقِّقٌ ، آیه الله ، آقا سید محسن امین شامی عاملی ، در کتاب شریف أعیان الشَّیعه ، می نویسد : اصفهان ، شهری است بزرگ و مشهور ، که از أعلام و أعیان بلاد می باشد ... ، از این شهر ، بسیاری از علماء مسلمین برخاسته اند ، و أهل آن در زمان قدیم ، منحرف از مسیر مکتب أهل البیت علیهم السلام بوده اند ... ،

و لکن در زمان حکومت صفویّه ، دار الملک و دار العلم گردید

و همهٔ اهل آن ، شیعه شدند، تا به امروز . أهل اصفهان ، معروف به تیز هوشی و حذاقت و خوش فکری ، و صنعتهای ارزشمند و ریشه دار ، می باشند (۲).

۱۶- محمد فرید وجدی

دانشمند بزرگ عرب ، محمد فرید وجدی ، در دائره المعارف مشهور خود می نویسد : اصفهان ، شهری است از مشهورترین شهرهای فارسی ... که در گذشته ، پایتخت بلاد فارسی بوده، و هم اکنون از بزرگترین بلاد عجم ، به شمار

ص: ۴۴

۱- أمّیا مسجد الشّاه الذی لا یزال قائماً فهو مُغَطّی تماماً بالأجر المَطْلَیّ بالمیناء ... وهذا المسجد من أجمل بنایات العالم (ص ۲۶۱) یعنی : أمّیا مسجد شاه که همیشه برپا است ، پس همه اش پوشیده شده به آجر لعاب دار (کاشی) می باشد... و این مسجد از زیباترین ساختمانهای عالم می باشد

۲- أعیان الشَّیعه ، چاپ قدیم ، جلد ۱ ، قسم دوّم ، صفحه ۲۳۰ ، چاپ جدید جلد ۱ ، صفحه ۱۹۵

۱۷- جابری انصاری

دانشمند محقق و متتبع ، حاج میرزا حسن خان انصاری ، در کتاب (تاریخ اصفهان و ری) می نویسد : ... مردمش عموماً دانش پژوهند . هر یک خواندن و نبشتن نیکو میدانند ، صنعتگران و دگان داران ، أشعار بزرگانی از شعرای پارسی زبان را محفوظ دارند ، و تجارشان حاذق و دانا و أصحاب نشاط و خوش گذرانند (۲)(۳).

عدد (اصفهانی) را با (زیرک) « ۲۳۷ » مطابق یافته اند ، و بزرگ دلیل بر زیرکی اصفهانیان ، گردش حضرت سلمان به گرد جهان ، در پیدایش حق ، چون از روایات صحیحه ، به یقین رسیده ، که حضرتش از دهقان زادگان جی اصفهان ، بوده است (۴).

۱۸- علی اکبر دهخدا

دانشمند محقق و متتبع ، و چهره نامدار فرهنگ و ادب فارسی ، علی اکبر دهخدا ، در لغتنامه دهخدا ، در یک بررسی بسیار مفصل و جامع در جلد هفتم ، از صفحه ۲۷۷۴ تا ۲۸۰۸ ، درباره تمام مشخصات تاریخی ، معماری ، علمی

ص: ۴۵

۱- دائرة المعارف فرید وجدی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۸۴

۲- منظور ، خوش گذرانی نامشروع نیست ، بلکه انتخاب روش هائی در گفتار و رفتار و معاشرت است ، که موجب انبساط روح و شادی روان می باشد ، که نمونه آن ، استفاده از شوخی های ملیح و نمکین و نشاط آور است

۳- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴

۴- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۵ - ۶ (پاورقی)

و فرهنگی و آثار بزرگ تاریخی اصفهان بحث نموده ، و ستایش هائی از این شهر دارد ، که ذیلاً به برخی از آنها توجه می نمائیم : ... هوای لطیف دارد و أهل وی زیرک باشند در صناعتها ... (۱)، أغلب ، شجاع و مبتکر و کریم و مهمان نوازند ، و در این باره اخبار عجیبی از آنان نقل شده است ... و در علوم و صناعت ، ماهرند (۲) ، مدارس قدیم ، بحمد الله هنوز دائر است ، و طلاب علوم قدیم ، عده ای در دوره مقدمات و عده ای در علوم شرعی اشتغال به فقه و اصول و حکمت دارند ، درس خارج هم در اصفهان معمول است ، طب قدیم نیز تدریس می شود ... ، در مدارس عمده ، از قبیل : مدرسه صدر و چهارباغ و جدّه بزرگ و جدّه کوچک و مدرسه نیم آورد و مدرسه ملا عبد الله ، طلابی اشتغال به تحصیل و مباحثه دارند ... ، کتب درسی ... از قبیل : معالم و شرایع و شرح لمعه و ریاض و مکاسب و کفایه و قوانین و کتب طبّی از قبیل : شرح نفیسی و شرح اسباب و قانون شیخ الرئیس و کتب چگمی و کلامی ، از شرح منظومه و شرح تجرید و شرح اشارات و شوارق و أسفار تدریس می گردد (۳) .

... شهر زیبای اصفهان ، از قدیم ترین روزگاران ، مرکز صنایع و هنرهای زیبا بوده و شاهکارهای هنری هنرمندان آن ، هم اکنون نیز در بناهای باشکوه تاریخی آن شهر ، متجلی است و دیده هر بیننده را خیره می سازد . در این بناها هنرنمایی هائی به چشم می خورد که نشانه چیره دستی هنرمندان این شهر در

ص: ۴۶

-
- ۱- جلد ۷، صفحه ۲۷۷۴ ، ستون دوّم
 - ۲- جلد ۷، صفحه ۲۸۰۲ ستون اوّل ، البته باید دانست که درباره صفات مردم اصفهان در کتابها ، به نحو متناقض ، قضاوت شده و ممکن است ، مربوط به دروه های مختلف ، یا محله های گوناگون و شرائط متفاوت بوده است
 - ۳- جلد ۷، صفحه ۲۸۰۲ ، ستون اوّل

صنایع معماری، بنائی، محراب سازی، مناره سازی، گنبد سازی، کاشی کاری و جز اینها است ... (۱).

۱۹- حسین نور صادقی

وی در کتاب (اصفهان) می نویسد: یگانه شهر بزرگ ایران، اصفهان است، که از قدیم ترین آزمون تاریخی بجا مانده، و در تمام تواریخ، نام آن دیده می شود، حتی اگر به کتیبه های میخی، که متعلق به دو یا سه هزار سال پیش از میلاد است مراجعه شود، می بینیم (آنزان) که شامل ناحیه اصفهان بوده، حد شرقی ممالکی است که بابلی ها از آن اطلاع داشته اند، و قبل از کورش، مرکز اقتدار هخامنشیان، در اصفهان بوده، و پس از کورش، اسم آنزان، تبدیل به گابیان شده، و استرابن هم، آن را به این اسم نامیده است. لفظ گابیان کم کم تبدیل به گابید و آن، به جی، تغییر یافت.

مورخین، نامش را به صور مختلفه، اسپهان، اسپهان، اسپهان، اسپهان، اسپدان و آپادانا نوشته اند ...، در تمام دوره ساسانیان، شهر اصفهان، مقر حاکم آن ولایت، و یکی از ضرابخانه های بزرگ بوده، و حتی در صدر اسلام هم، ضرابخانه بزرگی بوده است (۲).

۲۰- رفیعی مهر آبادی

نویسنده متتبع، مرحوم أبو القاسم رفیعی مهر آبادی، در مقدمه کتاب ارزشمند (آثار ملی اصفهان) می نویسد:

ص: ۴۷

۱- جلد ۷، صفحه ۲۸۰۵، ستون دوم

۲- اصفهان، از حسین نور صادقی، صفحه ۱ و ۲

قدر مسلم این است که اصفهان در گذشته ، اهمیت تاریخی بسزائی داشته ... و رجال و علماء و محدثان و عرفاء و شعراء و ادباء و ... و مردمانی هنرمند و حرفت آندوز و بصیر ، از آنجا بر خاسته اند ، و در آزمون پیش از اسلام و بعد از آن ، حوادثی بزرگ و تحولاتی سترگ ، در آن روی داده است (۱).

۲۱- نشریه اداره اوقاف اصفهان

اصفهان از آغاز ظهور و نشر اسلام در ایران ، دارای سوابق ممتد و مشعشع تاریخی می باشد، و با داشتن مساجد بسیار کهن و اماکن مقدسه ، تاریخچه وقف آن اعصار ، فوق العاده مهم و شایان توجه است .

مسجد جمعه اصفهان ، که قسمتهای مختلف آن ، نمودار فن معماری و سلیقه و ذوق هنرمندان ایران ، طی قرون متمادی است و تحولات ساختمانی و گچ بری و آجرکاری و کاشی سازی و اقسام هنرهای جالب در حجاری و مثبت کاری و غیره ، از قرون اولیه اسلام را نشان می دهد و از نودار شاهکارهای باستانشناسی ایران، در دوره های دیلمی، سلجوقی و صفوی می باشد .

میدان شاه (منظور میدان امام است) مسجد شاه (منظور مسجد امام است)، مسجد شیخ لطف الله ، عالی قاپو ، چهلستون ، مدرسه چهارباغ ، مساجد و مدارس و مناره ها و امامزاده ها و بقعه ها و کاروانسراهائی که در کلیه نواحی اصفهان و اطراف شهر وسیع ، وجود دارد ، این منطقه را شهری تاریخی به دنیا معرفی کرده و مجموعه ای از آثار معماری و هنری ایران ، طی مدتی قریب ده قرن گذشته ، می باشد .

ص: ۴۸

و به موازات همین اهمیت تاریخی و باستانشناسی ، اصفهان از لحاظ توسعه اوقاف و کثرت موقوفات ، شایان اهمیت و مطالعه است ، و با داشتن مساجد و ابنیه خیریه قدیمی ، تاریخچه وقف آن ، از اعصار قدیم ، به دوران آل بویه و سلجوقیان و دیلمیان ، می رسد (۱).

۲۲- دکتر محمد معین

در بخش اعلام فرهنگ معین ، از آبادی گسترده اصفهان در زمان صفویه یاد شده ، تا آنجا که نقل نموده ، آن را نصف جهان دانسته اند ، و جمعیت اصفهان را در ردیف اول شهرهای جمعیت کشور ، پس از تهران دانسته و در پایان گفتار ، بیان نموده است :

اکنون ، از حیث آثار تاریخی ، از معروف ترین شهرهای ایرانست (۲).

۲۳- غلامحسین مصاحب

دانشمند محقق ، غلامحسین مصاحب ، در دائرة المعارف خود ، که به نام (دائرة المعارف فارسی) نامیده شده ، می نویسد:
... پایتخت چند سلسله از سلاطین سابق ایران ، سومین شهر بزرگ و از شهرهای تاریخی کشور، در ۴۲۰ کیلومتری تهران دارای آب و هوای معتدل و فصول منظم است . اصفهان مملو از آثار هنری و اماکن تاریخی است ، از جمله ، مسجد جمعه ، مسجد شاه ، و مساجد دیگر ... مدرسه ها ... امکان زیارتی

ص: ۴۹

۱- سپاسگزاری از مردم ، نشریه اوقاف اصفهان مربوط به سال ۵ - ۱۳۴۶ شمسی ص ۱۰

۲- فرهنگ معین ، جلد ۵، صفحه ۱۵۴

و مقبره ها و بقعه ها... مناره ها ... کاخها و میدانها و خیابانها و باغها و پلها(۱).

۲۴-دائرة المعارف الإسلامیه الشیعیه

در این دائرة المعارف ، در تحت عنوان اصفهان ، در جلد ۶ از صفحه ۲۳ تا ۳۲، به شکل مبسوطی شرح و تفصیل داده شده ، و زیبایی های این شهر از نظر طبیعی و مناظر دل انگیز ، مورد معرّفی قرار گرفته ، و از زاینده رود و ساختمانها و آثار تاریخی مهم اصفهان ، همانند : مسجد جامع ، مسجد شاه (مسجد امام فعلی)، مسجد شیخ لطف الله ، مسجد و مدرسه چهارباغ ، مناره های مهم و تاریخی و ... معرّفی گردیده ، و عظمت علمی و دینی شهر ، با ذکر نمونه هائی از

خاندانهای علمی ، همانند : خاندان صدر ، مجلسی ، خوانساری ، طباطبائی ، تویسرکانی ، کلباسی ، شفتی ، مدرّس ، خاتون آبادی ، فشارکی ، روضاتی و ...، و ذکر چهره هائی از شخصیت های علمی و معرّفی بانوی بزرگ و مجتهدة ایرانی ، مورد توجه قرار داده شده ، و شعرای نامدار و عرب زبانی که از اصفهان درخشیده اند و در عالم ادب عربی و اسلامی ، نام و عنوان یافته اند، همانند : عبدان اصفهانی ، أبو سعید رستمی ، أبو محمّد خازن ، أبو العلاء أسدی ، أبو الحسین غویری و ... ، شاهد کمال ادبی اصفهان ، حتی در ادب عربی ، به شمار آمده ، و سپس چنین توضیح داده شده است : وَعَدَا عَنِ الشُّعْرِ وَالْأَدَبِ ، فَصَدَّ أَخْرَجَتْ إِصْفَهَانَ أَغْلَامَ الْفُقَهَاءِ وَالْمُجِدِّثِينَ ... وَبَعِيدَ أَنْ سَادَ التَّشْيِيعُ فِيهَا ، أَصِيحْبَتْ ذَاتَ حَوْزِهِ عِلْمِيَّةٍ شِيعِيَّةٍ مِنْ أَكْبَرِ الْحَوَازَاتِ الْعِلْمِيَّةِ، وَتَتَالَى فِيهَا ، كِبَارُ عُلَمَاءِ الشَّيْعَةِ ، حَتَّى الْيَوْمِ (۲).

ص: ۵۰

۱- دائرة المعارف مصاحب ، جلد ۱، صفحه ۱۶۲

۲- دائرة المعارف الإسلامیه الشیعیه ، جلد ۶، صفحه ۲۵

و در جای دیگری نوشته است :

وَلَا تَزَالُ إِصْفَهَانُ، حَتَّى الْيَوْمِ مَقَرًّا لِلدِّرَاسَاتِ الدِّيْنِيَّةِ وَيَبْلُغُ عَدَدُ طُلَابِهَا مَا يَزِيدُ عَلَي

خَمْسِمِائِ طَالِبٍ تَأْوِيهِمُ الْمَدَارِسُ الْأَتِيَّةُ...، و آنگاه هجده مدرسه علمیه دینیه را ، اسم برده است (۱).

و هم چنین در معرفی شهر اصفهان ، از مزار و بقعه علامه مجلسی و اجتماع زائرین برای زیارت آن بزرگمرد ، و نیز از مقبره صاحب بن عباد، یاد نموده و مهاجرت علماء بزرگ را از دیگر بلاد اسلامی ، همانند جبل عامل ، نشانه علم دوستی و دین داری و قدر شناسی مردم اصفهان شمرده ، و بیان داشته است که ، مسجد شیخ لطف الله عاملی ، که برای یک دانشمند عاملی ساخته شده ، نشانه وفاداری و علاقمندی اصفهان به علم و دانش می باشد (۲). و در یک عبارت کوتاه ، از مرکزیت علمی و دینی و تشیع اصفهان ، چنین یاد شده است :

... وَ لَكِنَّ إِصْفَهَانَ صَارَتْ فِي دَوْلَةِ الصَّفَوِيِّينَ دَارَ الْمُلْكِ وَ دَارَ الْعِلْمِ ، وَ صَارَ جَمِيعُ أَهْلِهَا الْمُسْلِمِينَ ، شِيعَةً إِلَى الْيَوْمِ (۳).

ص: ۵۱

۱- عدد ۵۰۰ طلبة و شمار ۱۸ مدرسه علمیه (در عبارت فوق)، مربوط به زمان تنظیم مقاله ، به وسیله نویسنده آن ، سید حسن امین ، فرزند علامه ، سید محسن امین ، صاحب کتاب اعیان الشیعه است ، و گرنه ، در حال حاضر ، اصفهان بیش از دو هزار و پانصد طلبة و بیش از سی عدد مدرسه آباد و مورد استفاده و مسکونی و محل درس دارد

۲- در عبارت دائره المعارف یاد شده، آمده است : مسجد الشیخ لطف الله العاملی ، هذا اثر من جبل عامل فی اصفهان ، اثر لعالم عاملی ، سلیل علماء عاملین ، احتضنتهم اصفهان فکانوا أكفاء هذا الإحتضان بما بذلوه من علم و عمل و اخلاص ، و كانت اصفهان وفيه لهم بما یسیرت لهم من سبل و ما مهدت لهم من وسائل ، ثم حفظت ذکراهم فی هذا المسجد العظیم الذی إذا کان یحمل اسم واحد منهم ، فأنما هو رمز لهم جميعاً... (صفحه ۳۱)

۳- دائره المعارف الإسلامیه الشیعیه ، جلد ۶ ، صفحه ۲۵

استاد باستان شناس معروف، آقای دکتر هنرفر، در کتاب (راهنمای اصفهان) می نویسد: اصفهان از جمله شهرهائی است که، شاید تاریخ و سابقه آن، به سابقه و قدمت کشور ایران، برسد، و در عموم دوره های تاریخی، از شهرهای بزرگ و مشهور ایران، به شمار می رفته است. نویسندگان قدیم، بنای اصفهان را به طهمورث دیوبند، سومین پادشاه از سلسله پیشدادیان، نسبت داده اند. از جمله، صاحب نسب نامه، که در ابتدای سلطنت سلجوقیان، می زیسته، و رساله ای در آنساب ملوک پارس نوشته، در این مورد تصریح نموده و می گوید: که طهمورث، ابتداءً دو بنا و آبادی، در این محل نزدیک به یکدیگر طرح نموده و بساخت، و یکی را، سارویه و دیگری را مهرین، نام نهاد و به مرور زمان، جمعیت و آبادی آنجا زیاد شده به یکدیگر پیوست، و شهری معتبر گردید.

آنچه مسلم است، بانی این شهر، هر که بوده از اهل علم و حکمت و با کمال دانش و حذاقت و مهارت بوده، و با دقت زیاد و ملاحظه کیفیت خاک و خوبی آب و هوا، و نزدیکی آب به سطح زمین، و دسترسی به رودخانه و سایر محاسن در این محل بنای شهری نموده، چه هیچ موضعی از اطراف دور و نزدیک جلگه ای که شهر اصفهان در آن واقع شده، متصف به این صفات نیست (۱).

اصفهان پیوسته مهد علم و ادب ایران بوده، و در رشته های مختلف علم و ادب و تاریخ و فلسفه، مردان بزرگی از آن برخاسته اند...، در بعضی فنون شعر و ادب، مانند قصیده سرائی و ترجیع بند، اصفهان سخنوران بزرگی مانند:

ص: ۵۲

جمال الدّین عبد الرزاق و کمال الدّین اسماعیل و هاتف ، داشته است (۱).

مدارس قدیمه اصفهان ، محلّ تدریس و تحصیل علوم مذهبی و الهیات و حکمت و ادبیات بوده است ... ، معمولاً زندگی طلبگی ، بسیار ساده و بی پیرایه بوده ، اطاق طلبه ، با فرشی بسیار ساده مفروش می شده ، و غذای او ، ساده ترین مأكولات بوده است ، از این جهت ، تمام حواس آنها متوجه تحصیل و فراگرفتن معارف زمان می شده ، و أغلب ، در بین آنها نوابغی به ظهور می رسیده اند .

کلیه دانشمندان و رجال علمی و سیاسی قدیم ایران ، مانند : خواجه نظام الملک و ابن سینا و ابوریحان بیرونی و امام غزالی و خواجه نصیر طوسی و سایرین از علماء و ادباء و روحانیون طراز اول و حکماء و فلاسفه ، مدارج تحصیلی را ، در همین نوع از مدارس طلبه نشین ، پیموده اند (۲) .

اظهار نظری دیگر

باستان شناس یاد شده ، در کتاب اصفهان ، (در مقدمه) نوشته است :

اصفهان از شهرهای بسیار قدیمی ایران است . حُسن موقع جغرافیائی و طبیعی آن در مرکز فلات ایران و خاک حاصلخیز و وجود زاینده رود ، در همه دروانهای گذشته ، به آن امکان داده است که ، از مراکز مهم فعالیت‌های نژاد آریائی ساکن این مرز و بوم باشد . همیشه آب و هوای آن در خوبی ، ضرب المثل نویسندگان و شعرا بوده ، و مردم آن ، به داشتن هوش و ذکاوت فوق العاده ، و ابتکار و هنرمندی ، ممتاز بوده اند .

خاک اصفهان را ، از دیرباز هنر پرور ، و مردم آن را ، هنر آفرین ، معرفی

ص: ۵۳

۱- راهنمای اصفهان ، نشریه سازمان جلب سیاحان ، چاپ ۱۳۴۵ شمسی ، صفحه ۴۱

۲- راهنمای اصفهان ، از دکتر هنر فر ، صفحه ۱۲۴ - ۱۲۵

کرده اند ... ، در دوره های اسلامی تاریخ ایران ، و طی چهارده قرن اخیر ، پیوسته از شهرهای مهم ایران به شمار رفته ، و چند دوره پایتخت بوده ، بخصوص در دوران سلاجقه ، پایتخت امپراتوری پهنآوری بوده ، که یک مرز آن ، رود جیحون ، و مرز دیگرش دریای مدیترانه بوده است ، و در دوران صفویّه ، که پایتخت این سلسله بوده ، شهرت جهانی داشته است . درباره تاریخ و جغرافیا و رجال و نویسندگان و شعراء و آثار تاریخی و اماکن مقدّسه و سنن و آداب و رسوم و شعائر محلی آن ، از قرن سوّم هجری تا زمان حاضر ، کتب متعدّدی به وسیله مورّخان و نویسندگان ، تدوین شده است (۱)(۲).

اصفهان ، ستارۀ جهان اسلام

هم چنین باستان شناس نامی و محقق یاد شده (دکتر هنرفر) در کتاب (آشنائی با شهر تاریخی اصفهان) ، توصیفی جالب ، از اصفهان و عظمت تاریخی و طبیعی و علمی آن نموده ، که ذیلاً نقل می گردد :

اصفهان از شهرهای بسیار قدیمی است ، و موجودیّت تاریخی آن ، به هزاره سوّم قبل از میلاد هم ، می رسد . حُسن موقع طبیعی و جغرافیائی آن ، در مرکز فلات ایران ، و خاک حاصلخیز و مصون بودن از آفات ارضی و سماوی ، و وجود زاینده رود ، در همه دوره های گذشته ، به آن امکان داده است که از

ص: ۵۴

۱- اصفهان از دکتر هنرفر ، (مقدمه)

۲- دکتر لطف الله هنرفر ، در معرفی آثار برجسته اصفهان ، و شناساندن آثار هنر و ذوق و ابتکار و علم و دانش مردم اصفهان ، نقش بسیار مهمی ایفاء نموده ، و کتاب مشهور او (گنجینه آثار تاریخی اصفهان) ، در یک هزار و چهل صفحه ، به راستی ، نقش اساسی در این زمینه ، ایفاء نموده است

مراکز مهمّ فعالیت های اقوام آریائی ساکن این مرز و بوم باشد .

در دوره های اسلامی تاریخ ایران ، و طیّ پانزده قرن اخیر ، پیوسته از شهرهای مهمّ ایران محسوب می شده ، و در دوره های آل زیار و آل بویه و سلاجقه و صفویّه ، پایتخت ایران بوده است ، و بخصوص ، در دوران سلجوقیان ، پایتخت امپراطوری گسترده ای بوده ، که یک مرز آن رود سیحون ، و مرز دیگرش سواحل شرقی دریای مدیترانه بوده است ، و از سال ۱۰۰۶ هجری به بعد ، که پایتخت شاه عباس اوّل از قزوین به اصفهان انتقال یافت ، در مدّتی قریب به یک قرن و نیم ، پایتخت سلسله صفویّه بوده ، و شهرت جهانی داشته است . مورّخین و باستان شناسان و ایران شناسان خارجی یک قرن اخیر اروپا ، اصفهان را در ردیف شهرهای مهمّ درجه اوّل تاریخی دنیا ، مانند پکن و ونیز و رم و فلورانس ، معرّفی کرده اند ، و

از نظر نفاست و اهمّیت تاریخی - اسلامی آن ، ستاره جهان اسلام

لقب گرفته است (۱)

۲۶- دکتر فضل الله صلواتی

دبیر کنگره بزرگداشت اصفهان ، آقای دکتر صلواتی ، در مقدمه ای بر کتاب (الإصفهان) از (سیّد علی جناب) می نویسد :

اصفهان ، در طول اعصار و قرون ، مرکز تلاش و فعالیت و هنر و صنعت بوده است . چه بسیار شایستگی که توانستند در این شهر بزرگ ، منشأ خدمات و آثار ارزنده ای برای مردم باشند ، و چه بسیار گامهای مفید و مؤثّری که برای اعتلای انسانیت برداشتند و در دوران پرشکوه پیروزی انقلاب اسلامی نیز ،

ص: ۵۵

۱- آشنائی با شهر تاریخی اصفهان ، صفحه پنج و شش

مردم اصفهان نقش سازنده خود را به نحو احسن ایفاء نمودند و با تربیت عالمانی شایسته، فقیهانی با تقوی، هنرمندانی متعهد، شاعرانی متبحر، به تاریخ خود جلای بیشتری بخشیدند.

کنگره بزرگداشت اصفهان، بهانه ای بود تا اندیشمندان کشور، گوشه هائی از این ارزشها را به جهانیان و به نسل آینده، نشان دهند و نوشته ها و کتابهائی را در زمینه فرهنگ و تاریخ این مرز و بوم، عرضه نمایند (۱).

۲۷-دائرة المعارف تشیع

در دائرة المعارف تشیع، جلد ۲، از صفحه ۲۱۵ تا ۲۲۰، درباره عظمت علمی و ادبی و تاریخی و هنری اصفهان، و تا صفحه ۲۲۸، در معرفی جمعی از چهره های برجسته علمی و ادبی شیعه، که از مفاخر اصفهان می باشند، بحث و بررسی شده است. در این بررسی، علاوه بر بیان مزایای طبیعی و اجتماعی اصفهان، از آثار تاریخی و معماری های هنرمندان آن، بحث شده و نقش برجسته علماء و رهبران اصفهان، در مسائل علمی و دینی و اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته، و در ضمن این بررسی، آمده است:

اصفهان در دوره اسلامی، فقهاء، دانشمندان، فیلسوفان، تاریخ نگاران، عرفاء، شاعران و هنرمندان بسیاری، در دامان خود پرورده است، و شمار زیادی از علمای اسلامی، در این شهر، به تحصیل علوم پرداختند.

پاره ای از علماء، در جاهای دیگر، تولد یافتند و بر آمدند، اما به واسطه طول اقامتشان در اصفهان، به اصفهانی شهرت یافتند، و برخی نیز در اصفهان

ص: ۵۶

تولد و پرورش یافتند ، اما از این شهر بیرون رفته ، و در جاهای دیگر سکونت گزیدند .

از علمای شیعی اصفهان ، أبو الفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) أبوعلی مسکویه (م ۴۲۱ ق) أبونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) شاه علاء الدین محمد اصفهانی (م ۸۵۰ ق) ملا محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق) ملا محمد باقر، مجلسی دوم (م ۱۱۱۱ ق) آقا محمد بید آبادی (م ۱۱۹۸ ق) محمد ابراهیم کلباسی (م ۱۲۶۱ ق) شیخ محمد حسن اصفهانی ، معروف به صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق) أبو المعالی کلباسی (م ۱۳۱۵ ق) سید ابوالحسن اصفهانی ...، و از گویندگان نامی این شهر : شفائی اصفهانی ، شیخ محمد حزین، آذر بیگدلی ، هاتف اصفهانی ، مجمر اصفهانی ، واله اصفهانی ، سروش اصفهانی و ... را می توان نام برد (۱).

۲۸- عبد الغفور بلوشی

دانشمند محقق ، عبد الغفور بلوشی ، در مقدمه کتاب طبقات المحدثین بإصبهان ، جمله هائی جالب درباره سابقه علمی اصفهان آورده ، که ذیلاً به برخی از آنها ، اشاره می نمائیم : ... اصفهان از قرون اولیه اسلامی محلّ مهاجرت علماء ، برای به دست آوردن حدیث بوده ، و طالبین حدیث ، در این شهر ، بار می انداخته اند ، تا آنجا که شهر اصفهان ، در کثرت حدیث ، و علوّ سند (۲) با شهر بغداد (که مرکز

ص: ۵۷

۱- دائره المعارف تشیع ، جلد ۲ ، صفحه ۲۱۹

۲- علوّ سند ، اصطلاحی است مربوط به علم درایه الحدیث ، و به معنی کم بودن واسطه های نقل حدیث است ، که در اثر طولانی بودن عمر محدثین ، با شمار کمتری از وسائط ، سلسله راویان ، حدیث را به پیامبر و امام ، متصل می نموده اند

علوم اسلامی بوده (مشابهت داشته (و پهلو به پهلو می زده است) (۱).

... أهل اصفهان در نو آوری ، در صناعات دستی محلی و دقیق ، بی نظیرند ، و در این زمینه ، همانند ندارند ... ، در هر فنی ، صنعت گران اصفهانی ، بر دیگر صنعتگران برتری دارند، تا جایی که یک روسری به اندازه چهار زرع می بافند ، که فقط وزن آن چهار مثقال است (و با موادی بسیار کم ، محصولی بزرگ و دقیق عرضه می نمایند) و نیز ، کوزه گری هنرمند ، کوزه ای می سازد ، به وزن چهار مثقال ، که هشت رطل آب در آن جای می گیرد، و بر همین مقیاس ، هنرمندان (مبتکر و ظریف کار اصفهانی) در همه زمینه ها ، آثار هنری خود را عرضه می نمایند (۲).

اصفهان شهری است عظیم ، از برجسته ترین و پر آوازه ترین شهرها ، که در برگیرنده اقسام صفات شایسته ، از قبیل خاک پاکیزه ، هوای سالم ، گوارائی آب ، جو با صفا ، بدنهای سالم ، صورت زیبای مردم ، مهارت و حذاقت در علوم و صنایع ، می باشد (۳).

... به خاطر اهمیت و برجستگی های اصفهان بوده ، که همیشه مردم دیگر شهرها ، با دید شگفتی و إعجاب به اصفهان می نگریسته اند، و مایل بوده اند که به اصفهان هجرت کنند ، و اثر این توجه ، همانا دانشمندان بزرگ و پیشوایان علوم و صنعتگران ماهر و تجار حاذقی هستند ، که از این سرزمین ارزشمند برخاسته اند ، و در عالم علم و صنعت درخشیده اند ، و گواه این علاقه شدید به

ص: ۵۸

۱- طبقات المحدثین یاصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵ (مقدمه)

۲- طبقات المحدثین یاصبهان ، صفحه ۳۶

۳- طبقات المحدثین یاصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷ به نقل از قزوینی

شهر اصفهان ، یکی گفتار سعید بن مسیب (که از تابعین بزرگ است) می باشد ، که گفته است : اگر من مردی از قریش نباشم ، دوست می دارم از اهل فارس یا اصفهان باشم(۱) ، و نیز گفتار او است که اظهار داشته : اگر آرزو داشته باشم که اهل شهری باشم ، آرزویم این است که از اهل اصفهان باشم (۲) .

... تعجب و شگفتی نیست اگر اصفهان ، خانه سنت پیامبر صلی الله علیه و آلهی و سلم ، و محل مهاجرت علماء ، و بار انداز سفر آنها باشد ، و مساجد و مدارس آن ، جایگاه شور و نشاط علماء و دانشمندان قرار گیرد ، تا جائی که نظام الملک ، در قرن پنجم ، یکی از مدارس بزرگ خود را ، در شهر اصفهان ، تأسیس نموده است (۳)

فَصَارَتْ حَقًّا ، دَارَ هِجْرِهِ لِلْعُلَمَاءِ وَ مَحَلَّ نَشَاطِهِمْ حَتَّى أَقْبَلَ بَعْضُ الرُّؤَسَاءِ وَ الْعُمَالِ يَتَنَشَّطُونَ إِمَّا فِي تَلْقَى الْحَدِيثِ أَوْ إِكْرَامِ الْمُحَدِّثِينَ (۴) .

كَانَ لِإِصْبَهَانَ مَكَانَهُ عِلْمِيَّةً مَرْمُوقَةً بِحَيْثُ صَارَتْ مَقْصِدَ الْقَاصِي وَالِدَانِي وَ لِأَسِيْمَا بَعِيدَ مَا اسْتَوْطَنَهَا عَيْدٌ مِنْ كِبَارِ الْحِفَاطِ الْمُحَدِّثِينَ (۵)

۲۹- سخاوی

كَانَتْ إِصْفَهَانُ تَضَاهِي بَعْدَادَ فِي الْعُلُوِّ وَ الْكَثْرَةِ (۶) .

ص: ۵۹

۱- لو لم اكن رجلا- من قریش ، لاحتبب أن أكون من أهل فارس أو إصبهان (ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، ص ۳۹ ، و طبقات المحدثين بإصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹)

۲- لو تمنيت أن أكون من أهل اصبهان ، (طبقات المحدثين بإصبهان جلد ۱ ، صفحه ۳۹ و ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹)

۳- طبقات المحدثين بإصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۴۱

۴- طبقات المحدثين ، جلد ۱ ، صفحه ۶۸

۵- طبقات المحدثين ، جلد ۱ ، صفحه ۶۷ - ۶۸

۶- طبقات المحدثين باصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۶۸

یعنی: اصفهان همانند بغداد بود در علو اسناد و فراوانی حدیث و نشر آن

۳۰- سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی

نویسندهٔ متتبع و مشهور، مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی، متوفای: ۱۴۱۶ قمری، در مقدمهٔ تذکره القبور مرحوم آخوند گزی، که به نام رجال اصفهان منتشر نموده، نوشته است: شهر اصفهان از قدیم ترین ازمینه تاریخی، مجمع آرباب فضل و کمال و مرکز أصحاب وجد و حال بوده، و همیشه علماء بسیار و فضلاء و دانشمندان بی شمار، از آن برخوردارند، و چون در مرکز

عراق عجم (طبق تقسیمات قدیم) و بالنتیجه در مرکز مملکت، واقع بوده است اور چندین دوره، پایتخت سلاطین واقع شده است، که مهمترین آنها در زمان سلاجقه، و بعداً در زمان صفویّه بوده، پادشاهان بزرگ، در آبادی ظاهری آن کوشیده، و علماء، بر اهمیت واقعی آن افزوده اند. علی هذا، در هر زمانی عدّه ای از بزرگان، همّت نموده، و کتبی در تاریخ و جغرافیا و رجال اصفهان، نگاشته اند، که از آن جمله است ... (۱).

نگرشی دیگر

و نیز، دانشمند محقق و متتبع، یاد شده، که دربارهٔ شرح حال علماء و بزرگان اصفهان، تألیفات زیاد از خود بجای گذارده و در حدود هشتاد اثر قلمی دارد، در مقدمهٔ کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، می نویسد:

اصفهان از قرون اولیهٔ اسلام، مرکز علم و دانش بوده، علماء و عرفاء و حکماء و شعراء و محدّثین و رؤاه و وعّاظ و گویندگان زیادی از آنجا

ص: ۶۰

بر خاسته اند، که جهت اخذ علم و حدیث به این شهر و آن شهر مسافرت نموده، و به خدمت بزرگان علم و رواه احادیث رسیده، و از هر یک، نکته ای آموخته، تا خود عالمی بزرگ و حافظی ثقه، یا فیلسوفی عالیقدر و عارفی گرانمایه، و شاعری نامدار شده اند، سپس به مؤلّد خود مراجعت نموده یا برای خدمت بیشتری به علم و دانش، در غربت، زندگانی را به سر برده اند. برای نمونه، کتاب ذکر اخبار اصفهان، تألیف حافظ ابونعیم اصفهانی، در حدود دو هزار نفر از آنان را نام می برد.

در کتاب حاضر، از هر بیست نفر از این مردان، (که در طول تاریخ علمی اصفهان، درخشیده اند) شاید به نام یک نفر اشاره شده باشد، آنهم بیشتر از علماء شیعه، از عهد صفویّه تا قرن حاضر (۱).

توصیفی دیگر

و هم چنین نویسنده مذکور، در مقدمه کتاب دار العلم شرق (مخطوط) به مناسبت بحث درباره مدارس فراوان اصفهان، می نویسد:

... می توان بطور حتم و یقین، اظهار نظر کرد که در قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری، مهمترین پایگاه علمی شیعه، و مرکز تجمّع هزاران نفر عالم و فقیه و حکیم و فیلسوف و ادیب و شاعر و مورّخ و گوینده و نویسنده بوده است (۲).

و همین بزرگمرد، در مقاله ای که در کتاب (محیط ادب) (۳) به چاپ

ص: ۶۱

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، (مقدمه) صفحه (و)

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲

۳- کتاب محیط ادب، مجموعه ای است از مقالات گوناگون (سی مقاله) از دانشمندان و نویسندگان عالیقدر، که به عنوان تجلیل و بزرگداشت مرحوم استاد سید محمّد محیط طباطبائی، در سال ۱۳۵۷ شمسی، به چاپ رسیده است

رسیده، پس از اشاره به تحقیقات و تألیفات زیادی که دربارهٔ اصفهان انجام شده، نوشته اند: ... لکن به صراحت باید اقرار کرد که، آنچه تا کنون دربارهٔ اصفهان گفته و نوشته اند، نیمی از وصف اصفهان بیش نیست، و هنوز نکات تاریک و مبهم، در تاریخ این شهر باستانی که

همیشه یکی از مراکز مهم علم و ادب و فقه و حدیث بوده

و سالها دارالملک و دار السلطنه و پایتخت با عظمت مملکت ایران بوده است، فراوان است (۱). می توان به طور یقین گفت:

اصفهان همیشه مجمع فضلاء و نویسندگان و محط رحال فقهاء و محدثین

و مرکز تدریس ادباء و مفسرین بوده، و از روی حق و انصاف

آنجا را دار العلم لقب داده اند (۲).

۳۱- مجتبی ایمانیه

نویسنده گرامی (تاریخ فرهنگ اصفهان) با استفاده از تحقیقات وسیع خود، و بهره مندی از تحقیقات مرحوم صدر هاشمی، و محقق نامدار، استاد جلال الدین همائی و ...، بحث و بررسی و معرفی جالبی در مورد فرهنگ غنی و ریشه دار اصفهان نموده، که فرازهایی از آن را نقل می نمائیم:

... از این زمان (اواخر قرن سوم) به بعد، فرهنگ اصفهان رو به تکامل نهاد، و هر زمان به پیشرفت بیشتری نائل گردید، و در حقیقت مرکزی بود برای کسب علم، چنان که بالاخره به این شهر، دار العلم اطلاق گردید، و این لقب از زمانهای قدیم، و در کتب تاریخ، همراه نام اصفهان بوده است، و اگر بیشتر

ص: ۶۲

۱- محیط ادب، صفحه ۹۵

۲- محیط ادب، صفحه ۹۹

ترقیات علمی و ادبی و صنعتی ایران را، از تجلیات روح اصفهان و رهین قریحه و ذوق سرشار مردم این سرزمین بدانیم، چندان دور نرفته، و سخنی به گزاف نگفته ایم.

ایران، مهد ذوق و ادب، و سرزمین هنر و صنعت است و بیشتر مایه این گونه موهبت های طبیعی خدا داده را، باید در ساحل زاینده رود، یا در اعماق روح لطیف و ذهن کنجکاو مردم اصفهان، و سرانگشتان هنر آفرین پروردگان این آب و خاک، جستجو کرد. یکی از دانشمندان می گوید:

هر جا شعری لطیف می شنوم، یا صنعتی ظریف می بینم

قلبم آسوده نمی شود، تا آنگاه که در روح سخنور، و بازوی کارگر

پیوندی از نژاد مردم اصفهان می یابم

این سخن چندان گزاف نیست، زیرا اگر به تاریخ ادبی و صنعتی ایران رجوع کنیم، می بینیم که: در اغلب نهضت های ادبی و صنعتی، اگر اصفهان پیشوا و پیشقدم نبوده

باری، دستی در کار داشته است.

آب و هوای اصفهان را، در تربیت و نمو ادب و صنعت، خاصیتی است که در هیچ کجا نظیر آن را نتوان یافت. مردم این سرزمین هم دارای طبع سلیم و ذوق لطیف هستند و هم روح ابتکار و اختراع در آنها به حد کمال موجود است. اگر خود مخترع چیزی نبوده اند، آن را از دیگران گرفته و چنان سر و صورت داده، و به سر حد کمالش رسانیده اند، که زاد فکر خود آنها محسوب شده است.

احیاناً می بینیم که یک جنبش ادبی یا صنعتی، از جای دیگر آغاز می شود، اما چون به محیط سراسر ذوق و هوش اصفهان می رسد و یک چند (مدت) زیر دست استادان چابک اندیشه، پرورش می یابد، در مدت اندک، یکی از مظاهر

بر جستهٔ آدب و هنر را، نمایان می‌سازد. این خاصیت، در تمام دوره‌های تاریخی، در محیط ذوق پرور اصفهان، وجود داشته است (۱).

در عهد صفویّه، بازار علم و دانش هم در اصفهان رواج و رونق یافت.

علماء و دانشمندان از هر ناحیه، روی به اصفهان آورده، و اهالی شهر هم، به تعلیم و تعلم گرائیدند، و تحصیل علوم و معارف عقلی و نقلی شایع گردید، و بالنتیجه، قرن یازدهم هجری، یعنی دورهٔ شیخ بهائی، میرداماد، ملا صدرا، میرفندرسکی، شیخ علینقی کمره‌ای، و أمثال آن نوابغ را به وجود آورد، که از دوره‌های برجستهٔ نهضت علمی ایران محسوب می‌شود، در این قسمت هم مردم اصفهان سهمی وافر داشتند، و محیط اصفهان در ایجاد این نهضت، بی‌اندازه مؤثر افتاد، چرا که می‌دانیم پرورش محیط و اقلیم و استعداد اهالی هر ناحیه، در تربیت فکر و قریحه مؤثر است (۲).

۳۲-عباس نصر

آقای عباس نصر، در مقدمه‌ای بر کتاب «الأصفهان» از مرحوم سید علی جناب می‌نویسد: اصفهان، که یکی از شهرهای مبنائی برای کشور ایران در تمام دوران تاریخ بوده و هست، بسی قابل تحقیق و مطالعه است. توجه مستشرقین، طی چندین قرن گذشته، به این شهر، و مطالعات ظریف و عمیق آنها در این باره، بدون دلیل نیست، و سخن از این نقش بنیادی می‌گوید. اگر از تاریخ آن سخن به میان آید، سرگذشت آن تا اعماق اساطیر و افسانه‌ها ریشه دارد، از یک سو به سلیمان و نوح متصل، و از سوی دیگر، پایگاه نهضت کاوه

ص: ۶۴

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲ - ۱۴

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۷

آهنگر بر علیه ضحاک خونخوار، معرفی می گردد.

اگر از فرهنگ و اسلام، سخن به میان آید، سیمای سلمان فارسی که تا معراج «منا أهل البيت» عروج نمود، مجسم، و نظامیه ها و حوزه های علمیه این شهر، که قرنهای معادگاه عاشقان علم و معارف اسلامی بوده است، ترسیم می شود. اگر از هنر، سخن گوئیم، که آوازه آن، تا ماوراء بحار پیچیده است...، به هر تقدیر شهر اصفهان، از شهرهای کلیدی ایران، و همواره مؤثر بر اطراف و اکناف بوده است.

بنابر این، شناخت اصفهان، به عنوان شناخت بخشی از یک مجموعه، که نام ایران بر آن است، ضروری و قابل تجزیه و تحلیل است (۱).

۳۳- منوچهر قدسی

استاد و ادیب بزرگوار، آقای منوچهر قدسی، در ضمن مقاله ای جالب، که برای درج در کتاب «اصفهان در شعر شعراء» (مخطوط) ارسال نموده، چنین نوشته اند: اصفهان، آئینه تمدن و فرهنگ و موزه جاودانی ایران است...، در کجای مشرق زمین، مجموعه ای چون مسجد جامع اصفهان را می توان سراغ کرد که: آئینه تمام نمای هفت قرن فرهنگ و تمدن باشد، از قرن ششم تا قرن سیزدهم، از عهد ملکشاه سلجوقی تا دوران فتحعلی شاه قاجار. و مجموعه ای بهم پیوسته، چون مجموعه نقش جهان (۲) را، کجا می توان یافت، که این گونه مشحون از جواهر آثار، در مهندسی و معماری و نقاشی و خطاطی و کاشی

ص: ۶۵

۱- اصفهان، از مرحوم جناب، چاپ دوم، مقدمه، صفحه ده و یازده

۲- مقصود، میدان امام، و مسجد امام، و مسجد شیخ لطف الله، و عالی قاپو، و قیصریه، و...، می باشد

کاری و زرگری و حجاری و دهها هنر دیگر بوده، و هر هنر، در حدّ اعلای دل انگیزی و کمال، عرضه شده باشد.

اینجا، جادوی هنر روح و روان آدمی را، افسون و تسخیر می کند. اینجا دستهای آفریننده و عبقریت و نبوغ هنرمندانی اصفهانی، در هر زمینه، چنان نقش بدیعی در برابر دیدگان می گشاید و آدمی را مسحور و مجذوب میکند، که هنر بر ظرف ادراک بیننده، فزونی می گیرد...

چند سال پیش که در فراغتی، به بوسیدن آستان معلای ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام توفیق یافتم، در تماشای موزه آن آستان قدس، نخستین مطلبی که جلب نظر کرد این بود که در بین آن همه اشیاء فاخر، به جز یک منبر خاتم از صنعتگران چیره دست شیرازی، به تقریب، مابقی همه آثار، همه ساخته و پرداخته دست سحر آفرین هنرمندان اصفهانی بود.

آری! نه تنها در زمینه هنر، که در مسائل علمی نیز،

همواره اصفهان از درخششی خیره کننده، برخوردار بوده است

در طول قرنها، مکتب اصفهان به قدری پر بار بوده که طالبان علم، از اقصی بلاد ایران، بدین سامان شدّ رحال می نمودند. ختّام به منظور کسب فیض از استادان مکتب سینوی، سالیان دراز در این شهر زیست، آخوند ملا صدرا، معلومات نفیس خود را در این دیار تکمیل کرد(1).

آنگاه، نویسنده مقاله، در زمینه شعر و ادب (و سبک های گوناگون شعر)، نقّاشی، خطاطی (و اقسام آن، از قبیل ثلث، نستعلیق، شکسته، نسخ) بحث کرده، و نقش اصلی و استادی اصفهانی ها را در همه موارد، به نظر رسانده

ص: ۶۶

و سپس از هنرهای دیگر، از قبیل تذهیب و تشعیر، سوخت معرق، کاشی کاری، معماری، صحافی و قطّاعی، آینه بندی، حجّاری، قطار بندی و...، یاد نموده، و پیش کسوتی و استاد اصفهانی ها را مطرح ساخته، و نوشته است:

حق مطلب را در باره اصفهان أداء کردن میسر نیست

و آنگاه، مقاله را با رباعی ذیل، به پایان رسانده است:

یارب! کدام روز مبارک بنا نهاد

معمار آفرینش و، بانئ کُن فکان

شهری که عقل خیره شود از ره قیاس

« جان جهان » لقب نهادش، یا « جهان جان »

یکجهان جانی دهم جان جهان ای اصفهان

در جهان مانی همواره جاودان ای اصفهان

قرنها باشد که تاریخ وطن را زیوری

بلکه باشی زیب تاریخ جهان ای اصفهان

از منار و مسجد و محرابهایت میرسد

قرنها بر گوش آوای اذان ای اصفهان

تخت فولادت چو رضوانت از آیات حق

بس بهشتی اندر او دارد مکان ای اصفهان

مهر گردون مات روحانیت ذیشان توست

کاخترانشان هشته سر بر آستان ای اصفهان

هو الحقّ

سپاهان که شهریست بس دل پذیر

نه مانند دارد نه شبه و نظیر

مخوانش سپاهان بهشتیش خوان

به از کوثر آن زنده رودش بدان

بُود دور از مردم آن ملال

که صاحب جمالند و صاحب کمال

به شهری چنین هست یک انجمن

در آن گرد آیند اهل سخن

همه شعر گوی و سخن آفرین

که بر طبع هر یک هزار آفرین

(داوود صفا)

ص: ۶۸

۳- ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان

اشاره

ص: ۶۹

ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان

با یک سیر مطالعاتی، در تاریخ اصفهان، در قرون اولیه اسلامی، با یک سلسله مطالب جالب و نقطه های درخشان دینی و اجتماعی، و نیز با چهره های برجسته و گرانقدری مواجه می شویم، که به عنوان ریشه های تشیع در اصفهان، و از نشانه های ورود اعتقاد و وابستگی به مکتب اهل بیت علیهم السلام، به شهر اصفهان (از همان قرنهای اول و دوم و سوم هجری) به شمار می رود و به خوبی روشن می سازد که علیرغم سیاست مخالفین مکتب امامت و تشیع، در همه ادوار تاریخ اصفهان، ارتباط با پیشوایان شیعه و اهل بیت علیهم السلام و حمایت و پشتیبانی از این مذهب الهی و مکتب انسان ساز، (با درجات متفاوت) وجود داشته است.

در این بخش، به نمونه هایی از مباحث یاد شده، از قرن اول تا دهم هجرت،

توجه می نمائیم، و اشاره می کنیم که در بخشهای دیگر کتاب نیز، همانند: بخش «امامزادگان در اصفهان» و بخش «محدثین اصفهان» و بخش «چهره های علمی شیعه از قرن سوم تا دهم» و ...، در این زمینه، به نمونه های جالب دیگری، می پردازیم.

نقش حیاتی امیر المؤمنین علی علیه السلام در فتح اصفهان

در هنگامی که خلیفه غاصب (خلیفه دوم) خبردار شد که لشکری عظیم و منسجم و بی نظیر (۱) از شهرهای: ماه، اصفهان، همدان، ری، قومس، آذربایجان و نهاوند، به سوی مسلمانها حمله ور شده اند و مسلمانها و شخص

ص: ۷۱

۱- زَحَفَ لِلْمُسْلِمِينَ زَحْفًا لَمْ يُزَحَفْ لَهُمْ بِمِثْلِهِ . یعنی: پیش تاختند برای جنگ با مسلمین، لشکری که همانند آن، برای حمله به سوی مسلمین، سابقه نداشت

خلیفه ، احساس خطر شدید نمودند ، خلیفه ، جلسه ای تشکیل داد و از مسلمانها نظر خواهی نمود ، برای چگونگی عکس العمل در برابر این تهاجم بزرگ ، و هر کدام از حاضرین ، نظریه ای دادند ، ولی مولای متقیان علی علیه السلام نظریه بسیار جالبی ارائه نمودند ، که به پیروزی مسلمانها بر لشکر مهاجم ، انجامید و آن راهنمایی تاریخی چنین بود: ... ثُمَّ قَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، فَحَمَدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ، فَقَالَ ... وَ لَكِنِّي أَرَى أَنْ تَبْعَثَ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ فَتَسِيرَ ثَلَاثِيهِمْ وَ تَدَعَ ثَلَاثًا فِي حِفْظِ ذُرَارِيهِمْ وَ جَمْعِ جَزِيَّتِهِمْ وَ تَبْعَثَ إِلَى أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَلْيُورُوا بِبِعْثِ (۱) و خلیفه ، نظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام را پذیرفت .

راهنمایی امیر المؤمنین علیه السلام و عنایت آن حضرت، و فرستادن امام حسن مجتبی علیه السلام همراه لشکر اسلام ، به پیروزی مسلمانها انجامید و اصفهان و سایر بلاد ، فتح گردید و این فتح تاریخی و بزرگ ، از آثار و برکات وجود مقدس علی علیه السلام و فرزندشان امام مجتبی علیه السلام ، و آنفاس ملکوتی آن بزرگواران به شمار می رود .

ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان

از مفاخر دینی و تاریخی اصفهان ، ورود سبط اکبر ، پیشوای دوّم ، حضرت امام حسن بن علی علیهما السلام ، به این شهر می باشد .

بسیاری از مورّخین و صاحبان تراجم، نوشته اند که در جریان لشکرکشی

ص: ۷۲

۱- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱، صفحه ۱۹ - ۲۰، یعنی : ... سپس علی بن ابی طالب علیه السلام بپا خواستند و پس از حمد و ثنای خداوند فرمودند : ... لکن من نظر می دهم که بفرستی به سوی اهل کوفه و دو سوّم آنها را حرکت دهی ، و یک سوم آنها را برای نگهداری از فرزندانشان و جمع آوری مالیاتهایشان باقی بگذاری ، و بفرستی به سوی اهل بصره ، پس آنها توریه کنند (و وانمود نمایند که لشکری اعزام می کنند، در حالی که لشکرکشی واقعی نداشته باشند)

مسلمانها به سوی گرگان برای فتح آن ، حضرت امام حسن علیه السلام در آن لشکر حضور داشتند ، و در سر راهشان وارد اصفهان گردیدند(۱).

علامه و محدث بزرگوار ، ملا محمد تقی مجلسی ، از بزرگان اساتید خود نقل نموده ، که در جریان جنگ مسلمانها با ایرانیان ، أمير المؤمنين علی علیه السلام موافقت نمودند که امام حسن مجتبی علیه السلام همراه لشکریان باشند، و به برکت آن حضرت ، فتوح مختلف انجام گرفت، و در هنگامی که در اولین برخورد لشکر اسلام با لشکر رستم (سپهسالار لشکر یزدجرد) مسلمانها شکست خوردند ، امام حسن علیه السلام دعائی نوشتند و بر علم بستند ، و مسلمانها فاتح شدند و بدین وسیله ، برکت حضور امام مجتبی علیه السلام آشکار گردید . در ضمن این سفر، امام حسن علیه السلام وارد اصفهان گردیدند ، و در مسجد لُنبان ، نماز خواندند و در حمامی که محاذی در مسجد جامع عتیق بوده ، (آن دری که به نام در پیزربافان خوانده می شده) وارد شدند و غسل نمودند ، و آن حمام به نام امام حسن علیه السلام شهرت داشته است . مرحوم ملا محمد تقی مجلسی می نویسد : جدم آن حمام را در زمان طفولیت ، به من نشان داد، و آن حمام خراب بود و سپس به جایش کاروانسرائی ساختند . (۲) .

ورود امام حسین علیه السلام به اصفهان !

با این که در جائی تصریح به تشریف فرمائی امام حسین علیه السلام به اصفهان

ص: ۷۳

-
- ۱- ذکر أخبار اصفهان جلد ۱ ، صفحه ۴۴ ، طبقات المحدثین یا صبهان جلد ۱ ، صفحه ۱۹۱ ، محاسن اصفهان ، صفحه ۳۵
 - ۲- شرح فارسی من لایحضره الفقیه ، باب الخمس ، صفحه ۴۴ - ۴۵ و روضه المتقین (شرح عربی من لایحضره الفقیه) جلد ۳ ، صفحه ۱۵۶ (با تلخیص)

نشده ، ولی با توجه به اینکه برخی از مورّخین ، همانند : بلاذری (۱) و خاتون آبادی (۲) و حمزه بن یوسف سهمی (۳) نوشته اند ، در لشکرکشی مسلمانها به جرجان و طبرستان (گرگان و مازندران) ، امام حسن و امام حسین علیهما السلام حضور داشته اند ، و با توجه به اینکه سفر به اصفهان و ورود به آن ، در مسیر جرجان بوده ، پس بعضی نتیجه گرفته اند ، که امام حسین علیه السلام نیز ، به شهر اصفهان وارد گردیده اند (۴) . ولی با توجه به اختلافات موجود دربارهٔ حوادث تاریخی دوران فتوح اسلامی ، اثبات این مطلب ، مشکل به نظر می رسد ، زیرا با توجه به عظمت شخصیت امام حسین علیه السلام و نبودن هیچ گونه اثری از ورود آن حضرت به اصفهان ، این مطلب کاملاً دور از واقع می نماید .

سلمان فارسی ، افتخار اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السلام و آبروی ایران و اصفهان

اولین چهرهٔ برجستهٔ اصفهانی (۵) که به شرف اسلام نائل آمد ، و نه تنها از برجسته ترین چهره های اسلامی قلمداد گردید ، بلکه از مفاخر عالم اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السلام (مذهب تشیع) محسوب شد ، و موجب آبروی ایران و اصفهان گردید ، سلمان فارسی می باشد ، که چهرهٔ درخشان او در طول تاریخ

ص: ۷۴

-
- ۱- فتوح البلدان ، صفحهٔ ۳۴۳
 - ۲- وقایع السنین و الأعوام ، صفحهٔ ۸۶
 - ۳- تاریخ جرجان سهمی ، صفحهٔ ۷
 - ۴- به تاریخ تشیع اصفهان ، صفحهٔ ۹۸ ، مراجعه شود
 - ۵- قبل از آنکه سلمان فارسی مشرف به اسلام شود ، زنی اصفهانی ، در محضر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ مسلمان گردیده بود، و همو بود که سلمان را به محلّ پیامبر راهنمایی نمود (محاسن اصفهان، صفحهٔ ۲۴، و ذکر أخبار اصفهان، جلد ۱، صفحهٔ ۷۶-۷۷)

اسلام و ایران ، مورد توجه عموم دانشمندان و صاحبان تألیف و تصنیف و تحقیق بوده، و در عالم حدیث و رجال و تراجم و تفسیر و کلام و تاریخ و ...، به عنوان یکی از میزترین شخصیت های اسلامی و بارزترین چهره های دینی و علمی ، مورد توجه گسترده و عمیق قرار گرفته است . و علاوه بر معرفی گسترده شخصیت علمی و ایمانی او ، در لابلای احادیث وارده از معصومین علیهم السلام ، و در میان رجال حدیث، و نیز در ضمن تراجم بزرگان اسلامی و ایرانی ، و هم چنین ، در ضمن مباحث تفسیری و کلامی و اعتقادی ، و به مناسبت مطالب تاریخی و جغرافیائی ، عده ای از محققان و نویسندگان ، مقاله های مستقل ، و کتابهای اختصاصی درباره شخصیت و زندگی و ایمان و علم و فضیلت آن بزرگمرد نوشته اند ، همانند :

۱- أخبار سلمان محمدی ، از عبد العزیز جلودی ، متوفای ۳۰۲ (۱).

۲- أخبار سلمان و زهده و فضائله، از شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ (۲).

۳- سلمان الفارسی ، از شیخ عبد الله سبیتی ، از علماء قرن پانزدهم (۳).

۴ و ۵- سلمان پاک ، به زبان فرانسوی ، از لوئیس ماسینیون فرانسوی ، متوفای ۱۹۶۲ میلادی ، و ترجمه آن به زبان عربی ، از عبدالرحمن بدوی مصری (۴) (از علمای نیمه دوم قرن پانزدهم).

۶- سلمان محمدی ، از سید شوکت علی (۵).

ص: ۷۵

۱- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۲

۲- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۳

۳- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۱۹

۴- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۱۹

۵- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۱۹

۷- سلمائیه ، در فضائل سلمان و ابوذر و عمار و مقداد ، از شیخ محمد کاظم هزار جریبی ، از علماء قرن سیزدهم (۱).

۸- نَفْسُ الرَّحْمَانِ فِي فَضَائِلِ سَلْمَانَ ، از حاج میرزا حسین نوری طبرسی ، متوفای ۱۳۲۰ (۲).

۹- وفات سلمان فارسی ، موجود در کتابخانه مرحوم خوانساری (۳).

آری ، در مشهورترین و معتبرترین کتابهای چهارده قرن تاریخ درخشان اسلام و ایران ، اعم از تألیفات شیعی و سنی ، در زمینه های گوناگون علمی و دینی (که احصاء آنها به نحو کامل میسر نیست ، ولی آنچه در دسترس همگان می باشد ، به صدها کتاب حدیث و رجال و تراجم و تفسیر و کلام و تاریخ و دیوان شعر و ... می رسد) ، به خوبی می توان عظمت این چهره بزرگ عالم تشیع و افتخار ایران و اصفهان را شناخت ، و دریافت که او نه تنها عالمی بزرگ ، و مؤمنی والامقام ، و پارسائی عظیم الشان و ... بوده ، بلکه از جانب

خداوند مورد تأیید غیبی ، و در پیشگاه رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، و در محضر امیرالمؤمنین علی علیه السلام صاحب سرّی امین ، و در نزد ائمه معصومین علیه السلام . چهره ای دلباخته و پاکباخته ، و مفتخر به مقام « سَلْمَانٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ » بوده است

به عنوان نمونه ، برای روشن شدن گستردگی مطالب و فضائل گوناگون ، در ارتباط با سلمان فارسی ، می توان به اعیان الشیعه ، جلد ۷ ، چاپ جدید ، با صفحات بزرگ ، از صفحه ۲۷۹ تا ۲۸۷ و بحار الأنوار علامه مجلسی ، جلد

ص: ۷۶

۱- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۲۰

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۳۹۰

۳- الذریعه ، جلد ۲۵ ، صفحه ۱۱۹

۲۲، از صفحه ۳۱۵ تا ۳۹۲، و ذکر أخبار إصبهان، از حافظ أبي نعيم اصفهانی، جلد ۱، صفحه ۴۸ تا ۵۷، و طبقات المحدثين بأصبهان، از حافظ أبي الشيخ أنصاری، جلد ۱، صفحه ۲۰۳ تا ۲۳۶ مراجعه نمود.

و در این بررسی، تنها به ذکر جمله هائی نورانی، از منبع أنوار الهی، پیامبر أكرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و امامان معصوم عليهم السلام و برخی از بزرگان و علماء دین، درباره عظمت علم و ایمان سلمان، اکتفا می نمایم.

۱- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: سلمان از ما اهل بیت است (۱).

۲- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: ای سلمان! اگر علم تو بر مقدار عرضه شود، همانا او کافر میگردد (۲).

۳- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: همانا خداوند مرا مأمور ساخته به دوستی چهار نفر ... علی بن ابی طالب و مقدار بن أسود و أبوذر غفاری و سلمان فارسی (۳).

۴- أمير المؤمنين علی علیه السلام: ای أباذر! اگر سلمان برای تو بازگو می نمود آنچه را می داند، همانا میگفتی، خدای رحمت کند قاتل سلمان را (۴).

۵- أمير المؤمنين علی علیه السلام: ای أباذر، همانا سلمان، در (رحمت) الهی است

ص: ۷۷

۱- سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، طبقات المحدثين بأصبهان، جلد ۱، صفحه ۲۰۵

۲- يَا سَلْمَانُ! لَوْ عُرِضَ عِلْمُكَ عَلَى مِقْدَادٍ لَكَفَرَ. یعنی ظرفیت روحی و توان تحمل مقدار (با همه عظمتی که داشته) به درجه سلمان نمی رسد، و او نمی تواند با عقل و اندیشه خود، معلومات سلمان را تحمل نماید

۳- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ... عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُوذَرَّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانَ الْفَارَسِيَّ

۴- يَا أَبَاذَرَّ! إِنَّ سَلْمَانَ لَوْ حَدَّثَكَ بِمَا يَعْلَمُ، لَقُلْتَ رَحِمَ اللَّهُ قَاتِلَ سَلْمَانَ. این جمله نشان دهنده اندازه قدرت تحمل سلمان، نسبت به معارف بلند و علوم عجیبه است

در زمین ، هر که او را بشناسد مؤمن ، و هر کس او را انکار کند کافر است (۱).

۶- أمير المؤمنين علي عليه السلام : همانا سلمان از ما اهل بیت است (۲) . ۷- أمير المؤمنين علي عليه السلام: سلمان فارسی مثل لقمان حکیم است (۳) .

۸- امام باقر عليه السلام : او ، سلمان محمدی است ، همانا سلمان از ما اهل بیت است (۴) .

۹- امام باقر عليه السلام : همه پس از پیامبر مرتد شدند جز سه نفر... مقداد بن أسود و أبوذر غفاری و سلمان فارسی (۵) .

۱۰- امام باقر عليه السلام : آنها (مقداد ، أبوذر و سلمان) هستند که آسیا (ی ولایت) بر آنها دُور می زند ، و خودداری کردند از این که بیعت کنند با ابي بکر... (۶) .

۱۱- امام باقر ، از پدرانشان ، از علی عليهم السلام : تنگ شد زمین برای هفت نفری که به وسیله آنها روزی می خوردید و به وسیله آنها یاری می شوید و به وسیله آنها باران بر شما می بارد ، از آنها است سلمان فارسی و مقداد و أبوذر و عمار و حذیفه ... و آنها هستند که بر (جنازه) فاطمه زهراء عليها السلام نماز خواندند (۷) .

ص: ۷۸

۱- يا أَبَدْرَ إِنَّ سَلْمَانَ بَابُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ ، مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا

۲- إِنَّ سَلْمَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ

۳- سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ مِثْلُ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ (أعيان الشيعة ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۶) چاپ جدید

۴- ... ذَلِكَ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِي ، إِنَّ سَلْمَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ

۵- كَانَ النَّاسُ أَهْلَ الرَّذَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً ... الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُوذَرَّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ

۶- هُوَ لِأَيِّ الدِّينِ دَارَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحَى وَ أَبَوْا أَنْ يُبَايَعُوا لِأَبِي بَكْرٍ...

۷- ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِسَبْعِهِ ، بِهِمْ تُرْزَقُونَ وَ بِهِمْ تُنْصَرُونَ وَ بِهِمْ تُمَطَّرُونَ ، مِنْهُمْ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ الْمِقْدَادُ وَ أَبُوذَرُّ وَ عَمَارٌ وَ حَذِيفَةُ

... وَهُمْ الَّذِينَ صَلَّوْا عَلَيَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ (رجال كشي ، صفحه ۲۰۱۲)

۱۲- امام باقر علیه السلام: در هنگامی که مهاجرین و انصار، اعلام آمادگی کردند که در راه علی علیه السلام و بیعت با آن حضرت، تاحد جان ایستادگی کنند و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر راست می گوئید، فردا با سر تراشیده نزد من بیائید، و در دو نوبت، فقط علی علیه السلام و سلمان و مقداد و ابوذر سر تراشیدند (و حاضر شدند) (۱).

۱۳- امام باقر علیه السلام: نگوئید سلمان فارسی، بلکه بگوئید سلمان محمدی، او مردی از ما اهل بیت است (۲).

۱۴- امام باقر علیه السلام: سلمان مَحَدَّث بود (۳).

۱۵- امام باقر علیه السلام: سلمان از متوسمین بوده است (که آگاه و موعظه پذیر و عبرت گیرنده اند) (۴).

۱۶- امام صادق علیه السلام: سلمان علم اول و آخر را درک کرده، و او دریائی است پایان ناپذیر، و او از ما اهل بیت است (۵).

۱۷- امام صادق علیه السلام: سلمان مَحَدَّث بود... خداوند به سوی او ملکی را

ص: ۷۹

۱- جاء المهاجرون والأنصار و غيرهم بعيد ذلك إلى علي عليه السلام فقالوا... فوالله لئنموتن قدامك فقال علي عليه السلام إن كنتم صادقين، فأغدوا غداً عليّ محلقين، فخلق أمير المؤمنين و خلق سلمان و خلق مقداد و خلق أبوذر و لم يخلق غيرهم، ثم أنصرفوا، فجاءوا مرة أخرى... فما خلق إلا هؤلاء الثلاثة... (رجال كشي، صفحه ۱۴)

۲- مه، لا تقولوا سلمان الفارسي و لكن قولوا سلمان المحمدي، ذلك رجل من أهل البيت

۳- كان سلمان مَحَدَّثاً

۴- كان سلمان من المتوسمين

۵- أدرك سلمان علم الأول و العلم الآخر، و هو بحر ينرح و هو من أهل البيت

می فرستاد، که در گوش او می خواند، و چنین و چنان می گفت (۱).

۱۸ - ... به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم که آیا سلمان ، مُحَدَّث بود؟ فرمودند

بله ، گفتم چه کسی برای او حدیث میکرد ؟ فرمود: ملکی بزرگوار (۲).

۱۹ - امام صادق علیه السلام : به سلمان اسم أعظم آموخته شده بود (۳).

۲۰ - امام موسی بن جعفر علیه السلام : در هنگامی که روز قیامت میشود ، ندائی داده می شود که کجایند حواریین رسول خدا ، حضرت محمد بن عبد الله ، آنهایی که عهد پیامبر را نشکستند و بر آن عهد باقی ماندند ؟ پس سلمان و مقداد و ابوذر ، بر می خیزند (۴).

۲۱ - سلمان فارسی : ... همانا علم فراوانی به من عطا شده ، و اگر همه آنچه را میدانم ، برای شما بازگو کنم ، گروهی میگویند او دیوانه است و گروهی دیگر می گویند، خدایا قاتل سلمان را بیا مرز ... (۵).

۲۲ - فضل بن شاذان : در میان مردم، مردی فقیه تر از سلمان پیدا نشد (۶).

ص: ۸۰

۱- كَانَ سَلْمَانُ مُحَدَّثًا ... يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَنْفِرُ فِي أُذُنِهِ يَقُولُ : كَيْتَ وَكَيْتَ

۲- ... قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أكَانَ سَلْمَانُ مُحَدَّثًا ؟ قَالَ نَعَمْ ، قُلْتُ مَنْ يُحَدِّثُهُ ؟ قَالَ مَلَكٌ كَرِيمٌ

۳- سَلْمَانُ عَلَّمَ إِسْمَ الْأَعْظَمِ (أَعْيَانُ الشَّيْعَةِ ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۷ ، و معجم رجال الحديث ، جلد ۸ ، صفحه ۱۹۱)

۴- إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ حَوَارِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، رَسُولِ اللَّهِ ، الَّذِينَ لَمْ يَنْقُضُوا الْعَهْدَ وَ مَضَوْا عَلَيْهِ ؟ فَيَقُومُ سَلْمَانُ وَ الْمُقَدَّادُ وَ أَبُوذَرٍّ ...

۵- قَدْ أَتَيْتُ الْعِلْمَ كَثِيرًا ، وَ لَوْ أُخْبِرْتُكُمْ بِكُلِّ مَا أَعْلَمُ ، لَقَالَتْ طَائِفَةٌ لِمَجْنُونٍ ، وَقَالَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَاتِلِ سَلْمَانَ ... (

بخشی از خطبه سلمان ، در دفاع از خلافت علی علیه السلام ، و در دفاع از حق آل محمد علیهم السلام)

۶- مَا نَسَأَ فِي الْإِسْلَامِ رَجُلٌ مِنْ كَافَّةِ النَّاسِ كَانَ أَفْقَهَ مِنْ سَلْمَانَ

۲۳ - كعب الأحبار : سلمان از علم و حکمه پر بود (۱).

۲۴ - ابن شهر آشوب : سلمان اول کسی است که در اسلام تصنیف نموده ، و (کتاب نوشته) پس از جمع نمودن علی علیه السلام قرآن را (۲) .

۲۵ - علامه حلی : سلمان فرزند اسلام است (۳) (۴) .

و همین بس در مفاخر سلمان ، که روایات مربوط به ستایش سلمان و بیان عظمت و جلالت او ، به حدّ تواتر رسیده است (۵) .

سلمان فارسی اصفهانی است

ابن عباس ، حدیث مفصلی را از زبان سلمان نقل می کند که در برگزیده حوادث زندگی و شرح مسافرت های او ، و کشیش ها و راهب هائی که با آنها ملاقات داشته ، و در نزد آنها به کسب کمال و علم پرداخته ، می باشد که آخرین نفر آنها ، در عُمُورِ روم بوده ، و او سلمان را به سوی پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آٰلِہٖ وَسَلَّمَ هدایت کرده ، و سلمان با نشانه هائی که از آن راهب دریافت کرده بود ، پیامبر گرامی عه را شناخت و اسلام اختیار نمود .

در ابتدای این حدیث ، سلمان می گوید: من مردی از اهل اصفهان بودم ، از قریه ای که آن را (جی) می نامیدند (۶) .

ص: ۸۱

۱- سَلْمَانُ حُشِيَّ عِلْمًا وَ حِكْمَةً

۲- إِنَّ سَلْمَانَ ، أَوَّلَ مَنْ صَنَّفَ فِي الْإِسْلَامِ بَعْدَ جَمْعِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

۳- ... سَلْمَانُ بَنُ الْإِسْلَامِ ...

۴- برای دستیابی به مدارک مطالب یاد شده ، می توان از رجال کشی ، تنقیح المقال ، معجم رجال الحدیث ، بحار الأنوار ، أعیان الشیعه ، بهره گیری نمود

۵- معجم رجال الحدیث ، جلد ۸ ، صفحه ۱۹۸

۶- بحار الأنوار ، ج ۲۲ ، ص ۳۶۲ و طبقات المحدثین یاصبهان ، ج ۱ ، ص ۲۰۹

چنانچه در حدیث دیگری ، سلمان از اهل جی (۱) معرّفی شده (۲) و در حدیثی دیگر، به صراحت ، (جی) شهر اصفهان معرّفی گردیده است (۳).

البته در برخی از منابع تاریخی و تراجم، أصل سلمان از فارس و از رامهرمز معرّفی گردیده ، با ذکر احتمال اصفهانی بودن او (۴) و در برخی دیگر از احادیث آمده است که ، تولّد و نشو و نمای سلمان ، در رامهرمز بوده ولی پدرش اهل اصفهان بوده است (۵) .

بنابراین حدیث ، سلمان هم رامهریزی و هم اصفهانی است (به دو مناسبت) و شاهد این احتمال ، حدیث دیگری است ، در کتاب طبقات المحدثین یاصبهان ، که در ضمن آن آمده است : سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ يُكْنَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَاهُزْمَرٍ ، مِنْ أَهْلِ إِصْبَهَانَ ، مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا جِي ... (۶) و هم چنانکه ملاحظه می نمائید ، در یک عبارت ، سلمان هم اصفهانی و از قریه جی معرّفی شده ، و هم

از اهل رامهرمز .

و در هر صورت ، انتساب سلمان به اصفهان ، مسلم می باشد و حافظان بزرگی ، همانند : حافظ ابونعیم و حافظ ابو الشیخ ، سلمان را از مفاخر اصفهان

به شمار آورده اند .

ص: ۸۲

۱- جی نام قدیم اصفهان و سپس نام بخشی از اصفهان بوده است

۲- طبقات المحدثین یاصبهان ، ج ۱ ص ۲۲۲ و ذکر أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۵۰

۳- إِنَّ سَلْمَانَ الْخَيْرِ قَالَ كُنْتُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ جِي مَدِينَةِ إِصْبَهَانَ (ذکر أخبار اصبهان ج ۱، ص ۵۰)

۴- الاستيعاب جلد ۲، صفحه ۶۳۴ و بحار الأنوار جلد ۲۲ ص ۳۹۰، به نقل از ابن أبي الحديد

۵- عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ، قَالَ إِنِّي كُنْتُ فِيمَنْ وُلِدَ بِرَاهُزْمَرٍ وَبِهَا نَشَأْتُ وَ أَمَا أَبِي فَمِنْ أَهْلِ إِصْبَهَانَ ... (ذکر أخبار اصبهان جلد

۱، صفحه ۵۰ و طبقات المحدثین یاصبهان جلد ۱، صفحه ۲۱۸)

۶- طبقات المحدثین یاصبهان ، جلد ۱، صفحه ۲۳۴

سلمان مجدداً به اصفهان آمده است

شخصی به نام ابی الحجاج آزدی ، سلمان را در اصفهان دیده و درباره قَدَر ، بحث و سؤال نموده ، و سلمان برای او پاسخ و توضیح داده است(۱) که از این حدیث استفاده می شود که سلمان در دوره اسلامی، به اصفهان وارد شده و از عبارت همین حدیث ، در کتاب طبقات المحدثین ، استفاده می شود که اصل او هم از اصفهان بوده است ، زیرا أبو الحجاج آزدی می گوید : لَقِيتُ سَلْمَانَ بِإِصْبَهَانَ وَكَانَ فِي قَرْيَتِهِ (۲) و با این عبارت ، اقامت سلمان را در شهر و دیار خودش، معرفی نموده است .

دختری از سلمان ، در شهر اصفهان

سلمان فارسی ، سه دختر داشته ، که یکی از آنها در اصفهان بوده ، و جماعتی ، خود را از فرزندان و نسل او می دانسته اند و دو دختر دیگر، در کشور مصر ، اقامت اختیار نموده بوده اند (۳) .

یک بانوی اصفهانی ، راهنمای سلمان فارسی به سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از سلمان فارسی نقل گردیده ، که در هنگامی که در باغستانهای مدینه به صورت غلامی، کار می کرده، و در صدد راه یافتن به پیامبر اسلام علیونه بوده ، یک بانوی اصفهانی را می بیند و از او سراغ پیامبر را می گیرد و آن زن، سلمان را

از سلمان فارسی نقل گردیده ، که در هنگامی که در باغستانهای مدینه به صورت غلامی ، کار می کرده ، و در صدد راه یافتن به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بوده ، یک بانوی اصفهانی را می بیند و از او سراغ پیامبر را می گیرد و آن زن ، سلمان را

ص: ۸۳

-
- ۱- ذکر أخبار إصبهان ج ۱، ص ۵۵ و طبقات المحدثین یاصبهان، ج ۱ صفحه ۲۸۸
 - ۲- به طبقات المحدثین جلد ۱ ، صفحه ۲۲۹ مراجعه شود
 - ۳- ذکر أخبار إصبهان ج ۱، صفحه ۵۲ و طبقات المحدثین ، جلد ۱ ، صفحه ۲۲۸

به سوی آن حضرت ، راهنمایی می نماید (۱).

حافظ أبو نُعَيْمِ إصفهانی ، چندین حدیث نقل میکند درباره زنی اصفهانی ، که قبل از سلمان فارسی مسلمان شده بود، و همو ، راهنمای سلمان به سوی پیامبر گردید (۲) و در یکی از این احادیث آمده است که ، نه تنها آن زن، اسلام اختیار کرده بود ، بلکه دوستان و خانواده او ، همه به دین اسلام ، مشرف شده بودند .

حَدَّثَنِي سَلْمَانُ ، قَالَ : كُنْتُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ جَيْ ، فَذَكَرْتُ إِسْلَامَهُ ، قَالَ : فَطُفْتُ

فِي مَكَّةَ فَإِذَا امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِ بِلَادِي فَسَأَلْتُهَا وَكَلَّمْتُهَا

فَإِذَا بِمَوَالِيهَا وَ أَهْلِ بَيْتِهَا قَدْ أُسْلِمُوا كُلُّهُمْ وَ سَأَلْتُهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، فَقَالَتْ : يَجْلِسُ فِي الْحِجْرِ إِذَا صَاحَ عَضْفُورُ مَكَّةَ

مَعَ أَصْحَابِهِ حَتَّى إِذَا أَضَاءَ لَهُ الْفَجْرُ تَفَرَّقُوا (۳).

و در حدیث دیگری آمده است:

كُنْتُ مِنْ إصْبَهَانَ مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا (جِي) ، فَلَمَّا قَدِمْتُ يَثْرِبَ أُرِيدُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ رَأَيْتُ امْرَأَةً إصْبَهَانِيَّةً قَدْ سَبَقَتْنِي إِلَى الْإِسْلَامِ فَسَأَلْتُهَا عَنِ خَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَدَلَّتْنِي عَلَيْهِ (۴) .

ص: ۸۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۸

۲- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱، صفحه ۷۶

۳- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱، صفحه ۷۷ یعنی ... حدیث گفت برای من سلمان و فرمود: من مردی از اهل جی بودم ، سپس داستان مسلمان شدن خود را ذکر نمود و گفت : پس در مکه گردش کردم ، پس ناگاه زنی از اهل شهرهای خودم را دیدم و از او سؤال نمودم و با او گفتگو کردم، در آن هنگام متوجه شدم که دوستان و خاندان او ، همه مسلمان شده اند ، و در باره پیامبر از او سؤال نمودم ، گفت : در آن هنگام که مرغ شب مکه به فریاد می آید، او و یارانش ، در حجر گرد هم می آیند (و به گفتگو می پردازند) تا اینکه روشنی صبح می دمَد و آنها متفرق می گردند

۴- محاسن اصفهان ، صفحه ۲۴

یکی از چهره های شایسته از اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام، که مدتی از طرف آن حضرت حاکم شهرهای اصفهان و ری و همدان بوده، یزید بن قیس ارحبی است (۱). وی از تبعیدیهای حکومت عثمان بن عفان بوده (۲) و در جریان جنگ صفین، یکی از چند نفری است که از طرف امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای بحث و مناظره، به سوی معاویه اعزام گردیدند و هر کدام سخنانی در دفاع از حقانیت راه علی علیه السلام و فضائل آن حضرت، ایراد نمودند (۳).

او در جریان جنگ صفین، سخنرانی کوبنده و پرشوری در ترغیب و تحریص بر جهاد و مبارزه با لشکر معاویه و یاران او، ایراد نمود (۴).

یزید بن قیس، از شهود وصیت نامه علی علیه السلام است که شرح آن در کتاب کافی نقل گردیده و تاریخ آن، دهم جمادی الأولى ۳۷ هجری میباشد، و به دست آن حضرت نوشته شده (۵)، و در تاریخ یعقوبی، نامه ای از امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به او، نقل گردیده است (۶).

ابن حجر عسقلانی و زرکلی، او را رئیسی بزرگ و رهبر قزاق کوفه در جریان

ص: ۸۵

۱- رجال شیخ طوسی، صفحه ۶۲، جامع الزواه، جلد ۲، صفحه ۳۴۴ و معجم رجال الحدیث، جلد ۲۰، صفحه ۱۱۹

۲- وقعه صفین، نصر بن مزاحم، صفحه ۱۲۱

۳- وقعه صفین ص ۱۹۷ - ۱۹۸ و تاریخ طبری ج ۴، صفحه ۲ (حوادث سال ۳۷)

۴- رقعه صفین، صفحه ۲۴۷

۵- فروع کافی، جلد ۷، صفحه ۴۹ - ۵۱ (کتاب الوصایا، باب صدقات النبی و ...)

۶- تاریخ یعقوبی جلد ۲، صفحه ۱۱۱ (چاپ مرکز انتشارات علمی و فرهنگی با ترجمه آیتی)

شورش بر علیه سعید بن عاص (نماینده عثمان در کوفه) و رئیس پلیس (شرطه) کوفه ، و از یاران علی علیه السلام در جنگها، دانسته اند(۱).

از داستانهای زندگی یزید بن قیس ، به خوبی معلوم می شود که ، او مردی فصیح و بلیغ و شجاع و پرجوش و خروش ، و مدیر و مدبر بوده است .

وی از شهدای جنگ صفین بوده(۲) و در هنگامی که به زمین افتاد و أصحاب امیر المؤمنین علیه السلام او را به سوی معشکر (لشکرگاه) می بردند ، مالک اشتر بر او عبور کرد و این جمله را فرمود:

هذا والله الصبر الجمیل و الفعل الکریم(۳).

مرحوم مامقانی، رجالی محقق و نامدار ، از مجموع قضایائی که درباره یزید بن قیس نقل گردید ، نتیجه گیری نموده و می فرماید :

وَ لِيَزِيدَ هَذَا مَوَاقِفُ مَشْكُورَةٌ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِصِفَتَيْنِ وَ خُطْبُ مَشْهُورَةٌ تَدُلُّ عَلَى ثُبَاتِهِ وَ قُوَّةِ إِيْمَانِهِ ... وَ قَوْلُ الشَّيْخِ بُولَائِيْتِهِ عَمَلَ الرَّيِّ وَ غَيْرِهِ هُوَ شَهَادَةٌ بِعَدَالَةِ الرَّجُلِ وَ ضَبْطِهِ ، لِمَا تَبَهَّنَا عَلَيْهِ غَيْرَ مَرَّةٍ ، مِنْ عَدَمِ تَعَقُّلِ تَسْلِيْطِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيْرِ الْعَدْلِ الضَّابِطِ عَلَى أَمْوَالِ الشَّيْعَةِ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أَعْرَاضِهِمْ ، وَ يُمَكِّنُ اسْتِفَادَةَ وَثَاقَتِهِ وَ عَدَالَتِهِ مِنْ جَعْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِيَّاهُ مِنْ شُهُودِ وَصِيَّتِهِ الْمَنْقُولَةِ فِي ... (۴) .

با توجه به مطالب بالا ، به خوبی روشن می شود که حاکم بودن یزید بن قیس بر اصفهان و ری و همدان ، که در بسیاری از منابع معتبر تاریخی ذکر گردیده (۵)

ص: ۸۶

۱- الإصابه ج ۶، صفحه ۳۶۰، شماره ۹۴۰۹ و الأعلام زرکلی، ج ۹، صفحه ۲۴۱

۲- الأعلام زرکلی ، جلد ۱، صفحه ۲۴۲

۳- أعيان الشيعه، چاپ جديد ، جلد ۱۰، صفحه ۳۰۵

۴- تنقيح المقال، جلد ۳، صفحه ۳۲۸

۵- ذکر أخبار إصبهان، جلد ۲، صفحه ۳۴۳ و طبقات المحدثين بإصبهان، جلد ۱، صفحه ۲۷۸ (در ذیل عنوان مِخْتَفِ بْنِ سُلَيْمِ) و صفحه ۳۱۱ و شرح من لا يحضره الفقيه فارسی ، باب الخمس، صفحه ۴۵، و نیز اکثر مدارکی که در این قسمت ، مورد استفاده قرار گرفت

مِخْنَفِ بْنِ سَلِيمٍ، وَالِيِ اصفهان از طرف امام علی علیه السلام

مخنف بن سلیم غامدی ، که به اعتقاد ابن عبد البر و ابن مندّه و أبو نُعَیم ، از صحابه رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ بوده ، و مرحوم شیخ طوسی قُدَّسُ سِرُّهُ او را از أصحاب امیر المؤمنین علیه السلام شمرده ، و در رجال برقی ، او را جزء أصحاب یَمَنِ آن حضرت دانسته ، و ابن داود ، در رجال خود، او را از خواص أصحاب علی علیه السلام و کوفی دانسته ، و دارای شخصیّتی مبرّز بوده است(۱) ، از طرف امیر المؤمنین علیه السلام به حکومت اصفهان گمارده شده ، و مدّتی پس از یزید بن قیس ، والی و حاکم اصفهان بوده است (۲).

در جریان جنگ صفین ، امیر المؤمنین علیه السلام نامه ای جالب برای او نوشتند ، و او را دعوت به شرکت در جهاد بر علیه معاویه نمودند ، و او حارث بن اَبی الحارث بن ربیع را به جای خود نصب کرد، و به محضر علی علیه السلام شتافت و در جنگ صفین شرکت جست (۳) و بر بخشی از لشکر صفین ، همانند : قبیلۀ (اَزْد و بجیله و خثعم و ...) امارت یافت(۴) .

هنگامی که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در زمان بازگشت از بصره ،

ص: ۸۷

۱- به کتب رجال مورد اشاره ، مراجعه شود

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۲ ، صفحه ۳۵۷ و طبقات المحدثین ، یاصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۷ و ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷۲

۳- بحار الأنوار، ج ۳۲، صفحه ۳۹۹ - ۴۰۰، وقعه صفین ، از نصر بن مزاحم صفحه ۱۰۴ - ۱۰۵

۴- وقعه صفین ، صفحه ۱۱۷

جمعی از مسلمانها را بر کوتاهی نمودن در میدان جنگ سرزنش می فرمودند ، نگاهی به مخنف نمودند ، و فرمودند :

لَكِنَّ مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمٍ وَ قَوْمَهُ لَمْ يَتَّخِذُوا (۱) و بدین وسیله او را مورد تجلیل و تکریم قرار دادند .

مرحوم مامقانی ، از مجموع برنامه های امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به وی ، و اقدامات او در اطاعت و حمایت از علی علیه السلام ، نتیجه گیری نموده که ، او نه تنها از چهره های مُوثَّق بوده ، بلکه مرتبه ای فوق عدالت داشته است (۲) .

حارث بن ابی الحارث بن ربیع، نماینده والی اصفهان

پس از آنکه امیر المؤمنین علی علیه السلام مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمٍ (حاکم منصوب خود) را طغی نامه ای ، به سوی میدان صفین فرا خواندند، در همان نامه دستور دادند که

فَإِذَا أَتَيْتَ بِكِتَابِي هَذَا فَاسْتَخْلِفْ عَلَيَّ عَمَلِكَ أَوْ تَقَّ أَصْحَابِكَ فِي نَفْسِكَ وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا

و او ، حارث بن ابی الحارث بن ربیع را (که از قوم او بود) بر اصفهان گمارد و خود ، به میدان صفین حاضر گردید (۳) .

حافظ ابونعیم ، در أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷۳ ، از شخصی یاد می کند به نام حارث بن عبد الله بن عبد عوف بن أصرم ، که از طرف امیر المؤمنین علی علیه السلام والی اصفهان بوده ، و نابغه جعدی (شاعر شیعه و نامدار عرب و اسلام) در دوره

ص: ۸۸

۱- وقعه صفین ، ص ۸ ، یعنی : لکن مخنف بن سلیم و قوم او ، از مسئولیت جنگ تخلف ننمودند

۲- تنقیح المقال ، جلد ۳ ، صفحه ۲۰۷

۳- وقعه صفین ، صفحه ۱۰۴ - ۱۰۵ و بحار الأنوار ، جلد ۳۲ صفحه ۴۰۰

معاویه که تبعید به اصفهان گردید ، به همراهی حارث بن عبد الله ، (که قبلاً حاکم از طرف علی علیه السلام بود) وارد اصفهان گردید .

عمرو بن سلمه، والی یا نماینده والی اصفهان

به نوشته شیخ طوسی ، عمرو بن سلمه جرمی ، از أصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد (۱) و حافظ ابونعیم ، در قضیه انتصاب مخنف بن سلیم به حکومت اصفهان ، درباره او می نویسد :

كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ اسْتَعْمَلَ يَزِيدَ بْنَ قَيْسِ عَلِي الرُّيِّ ، ثُمَّ اسْتَعْمَلَ مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمِ عَلِي إِصْبَهَانَ ، وَ اسْتَعْمَلَ عَلِي إِصْبَهَانَ عَمْرُو بْنَ سَلْمَةَ ... (۲) که عبارت یاد شده دو احتمال دارد ، اول این که ضمیر در (استعمل) دوّم به مخنف بن سلیم برگردد ، پس عمرو بن سلمه نماینده ای است از طرف مخنف در اصفهان و دوّم این که ضمیر یاد شده ، به علی علیه السلام برگردد ، که مفاد آن این است که عمرو بن سلمه نیز ، از طرف امیر المؤمنین علیه السلام منصوب به حکومت اصفهان گردیده است ، ولی در تاریخ ابن اثیر ، به صراحت آمده است :

اسْتَعْمَلَ عَلِيُّ عَمْرُو بْنَ سَلْمَةَ عَلِي إِصْبَهَانَ ،

فَقَدِمَ وَ مَعَهُ مَالٌ وَ زُقَاقٌ ، فِيهَا عَسَلٌ وَ سَمْنٌ (۳)

تذکر قابل توجه

درباره حاکم هائی که از طرف امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر اصفهان منصوب

ص: ۸۹

۱- رجال شیخ طوسی ، صفحه ۳۲ ، معجم رجال الحدیث ، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۰۵

۲- ذکر أخبار إصبهان ، ج ۱ ، ص ۷۲ ، طبقات المحدثین بإصبهان ، ج ۱ ، ص ۲۷۸

۳- الکامل فی التّاریخ ، جلد ۳ ، صفحه ۴۰۰

گردیده اند ، اختلاف وجود دارد، و اظهار نظر قطعی ، آسان به نظر نمی رسد ، و احتیاج به بررسی های وسیع تری دارد .

ورود مالک اشتر نخعی به اصفهان

از افتخاراتی که برای اصفهان ذکر شده، ورود مالک اشتر نخعی (یاور پاکبخته و فداکار امیر المؤمنین علی علیه السلام) به این شهر می باشد .

حافظ ابونعیم می نویسد:

مَالِكُ الْأَشْطَرِ بْنِ الْحَارِثِ ... بْنِ النَّخَعِ ، كَانَ بِإِصْبَهَانَ أَيَّامَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، فِيمَا ذُكِرَ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : دَخَلْتُ عَلِيَّ الْأَشْطَرِ بِإِصْبَهَانَ فِي أَنْاسٍ مِنَ النَّخَعِ نَعُوذُهُ ، مَاتَ مَسْمُومًا بِالْقُلْزُومِ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ (۱).

مضمون عبارت بالا این است که ، مالک اشتر در ایام خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام در اصفهان بوده ، و شخصی به نام عمیر بن سعید بر او وارد شده ، در حالی که جمعی از قبیله نخع همراه او بوده اند، و سپس می نویسد : مالک ، در سال ۳۷، در محل قُلزوم ، در اثر مسمومیت در گذشت .

با توجه به قضایای تاریخی جنگ صفین ، و اعزام مالک به سوی مصر و شهادت او در میان راه ، در محلی به نام قُلزوم ، اثبات ورود مالک اشتر به اصفهان ، مشکل می باشد ، گرچه احتمال می رود ، که مالک اشتر ، در یک مأموریت مخصوص ، از طرف امام علی علیه السلام مسافرتی به اصفهان نموده است .

مسجد شعیای نبی علیه السلام، اولین مسجد بزرگ اصفهان مربوط به دوره خلافت علی علیه السلام

بر جانب شمالی مرقد شعیای نبی علیه السلام ، کتیبه ای به خط نستعلیق برجسته از

ص: ۹۰

دوره سلطان حسین صفوی موجود بوده ، که نشان می داده ، اولین مسجد بزرگی که در اصفهان ساخته شده ، مسجد شعیبا علیه السلام بوده است و آن را أبو العباس مفتی ، در زمان خلافت امام علی بن ابی طالب علیه السلام بنا کرده و الب ارسال آن را تعمیر کرده است .

متن کتیبه که به خط علی نقی امامی در سال ۱۱۱۲ هجری نوشته شده ، به این شرح می باشد : وَجَدْنَا فِي كِتَابِ أَصْفَا (۱) ، أَنَّ أَوَّلَ مَسْجِدٍ كَبِيرٍ بُنِيَ بِأَصْفَهَانَ مَسْجِدُ شُعَيْبَا، وَبَنَاهُ أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُفْتَى فِي زَمَنِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَمَرُهُ أَلْبُ أَرْسِلَانَ بَعْدَ تَيْفٍ وَخَمْسِمِائَةٍ، بَعْدَ مَا غَلَبَهَا بِقُوَّةٍ وَقَدْ أُمِرَ بِعِمَارَتِهِ فِي عَامِ أَحَدِ عَشَرَ وَمِائَةٍ وَأَلْفٍ وَبِعِبَارِهِ أُخْرَى هِيَ مَرْقُودُ شُعَيْبِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ، عَلِي نَقِيِّ الْإِمَامِيِّ ۱۱۱۲ (۲) .

از این عبارت ، اهمیت مسجد شیعیان و سابقه تاریخی آن ، و انتسابش به شیعه ، و امام اول آنها ، (امام علی علیه السلام) به خوبی استفاده می شود (۳) .

جامع خوشینان و احتمال اتحاد با مسجد شعیبای نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد : قول صحیح این است که مسجد خوشینان

ص: ۹۱

- ۱- کتاب اصففا ، تفسیر قرآن متوسطی است ، که ملا محسن فیض کاشانی (حکیم و فقیه و مفسر و نابغه نامدار) نوشته است (الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۲ ، صفحه ۱۲۴)
- ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۲ ، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۵۲ البته باید توجه داشت ، در تعمیراتی که در سالهای اخیر انجام گرفته ، این کتیبه از بین رفته است ، فقط در کتیبه اطراف محراب مسجد شیعیان علیه السلام ، قسمت اول عبارات کتیبه یاد شده موجود است (به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۳۳ مراجعه شود)
- ۳- البته در کتاب مجمل التواریخ و القصص ، که در سال ۵۲۰ هجری تألیف شده ، و با تصحیح ملک الشعراء بهار ، به چاپ رسیده ، در صفحه ۵۲۴ آمده است : جامع خوشینان ، نخستین مسجد بود که به اصفهان کردند در اسلام ، و بناء آن أبوختاس ... کرد در خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام ... و به نظر دکتر لطف الله هنرفر ، محل خوشینان ، همین محلی است که ، مسجد شعیبای نبی در آن است ، ولی از جامع خوشینان اثری باقی نیست (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۱)

اول مسجد بزرگی است که در اصفهان ساخته شده و شخصی به نام ابوحنّاس ، در زمان خلافت امام علی بن ابی طالب علیه السلام آن را بنا نموده است (۱).

هم چنان که در پاورقی بخش مسجد شعیای نبی علیه السلام یاد آور شدیم ، دکتر لطف الله هنرفر ، استاد و متخصص باستانشناسی ، و صاحب نظر در تاریخ آثار باستانی اصفهان ، عقیده دارد که ، محله خوشینان ، همین محلی است که مسجد شعیای نبی علیه السلام در آن واقع است . بنابراین احتمال دارد که مسجد محله مذکور، همان مسجد شعیای نبی علیه السلام باشد و ابوحنّاس ، کنیه دیگری برای ابو العباس مفتی باشد ، و یا این که ، ابوحنّاس معمار و بنای مسجد ، و ابو العباس مفتی ، کارفرما و بانی آن بوده است .

نابغه جعدی ، تبعیدی معاویه به اصفهان

یکی از شعراء برجسته تاریخ عرب و اسلام و تشیع ، قیس بن عبد الله ، یا قیس بن کعب بن عبد الله ، یا عبد الله بن قیس ، می باشد که کنیه او ابولیلی است و به نابغه جعدی، شهرت دارد . وی، از چهره های مشهور اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، و در زمرة مُحَضَّرَمین (۲) میباشد و در هر دو دوره جاهلیت و اسلام ، شعر سروده است .

از مزایای برجسته نابغه جعدی ، این است که ، در دوره جاهلیت نیز ، به

ص: ۹۲

۱- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱، صفحه ۱۷، طبقات المحدثین یاصبهان ، جلد ۱، صفحه ۵۶. وَالصَّحِيحُ : أَنَّ مَسْجِدَ خَشِينَانَ ، أَوَّلَ مَسْجِدٍ كَبِيرٍ بُنِيَ بِإِصْبَهَانَ ، بِنَاءِ أَبُوْحَنَّاسٍ ... فِي خِلَافَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...

۲- مُحَضَّرَمٌ ، یعنی کسی که جاهلیت و اسلام را درک نموده ، و شاعری که هر دو دوره را دیده باشد (همانند حسان بن ثابت ، کعب بن زهیر ، عمرو بن معدیکرب ، نابغه جعدی و ...)

یگانگی خدا معتقد بوده، و از مسکرات و أنصاب و أزلام، پرهیز می کرده و به حکم عقل فطری خود، از یک ستری منہیات دینی، دوری می جسته است (۱) و به عبارت دیگر: پیرو دین ابراهیم خلیل علیه السلام بوده (۲) و در همان دوره، به حمد و تسبیح و ثنای پروردگار، اشتغال داشته است، و از جمله اشعار او در دوره قبل از اسلام این است: (۳)

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ *** مَنْ لَمْ يَقْلُهَا ، فَنَفْسُهُ ظَلَمًا

نابغه جعدیه، در هنگامی که شرفیاب محضر حضرت محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گردید، اشعاری سرود که مورد تحسین آن حضرت واقع شد، و به او فرمودند: أجدت (۴)، و مشمول دعای آن حضرت گردید که فرمودند:

لَا يُفْضُضُ اللَّهُ فَاكٌ يَا لَا يُفْضُضُ فُوكٌ

یعنی: خدا دهنش را نشکنند یا دهنش شکسته مباد

نابغه جعدیه، از رفتارهای عثمان بن عفان، در دروان خلافت جائزانه او، رنجیده شد (۵)، و به بهانه زیارت فامیل و شوق به بادیه و صحرا، از مدینه خارج گردید.

معاویه به مروان نامه نوشت، و دستور داد (که به بهانه ای) أهل و خانواده نابغه را دستگیر کند و به زندان بیندازد و اموال او را غارت نماید، و دلیلش این بود که نابغه، در جریان جنگ صفین، در رکاب علی علیه السلام حاضر بود، و از

ص: ۹۳

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۸۵

۲- أعيان الشيعة، چاپ جدید، جلد ۸، صفحه ۶۶

۳- أسد الغابه، جلد ۵، صفحه ۲۹۲، الاستيعاب، جلد ۴، صفحه ۱۵۱۵

۴- یعنی: نیکو گفتمی

۵- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۸۵

دوستاناران امیر المؤمنین علیه السلام و ستایش گران آن حضرت و سرایندگان شعر در حمایت از امیرالمؤمنین علیه السلام ، به شمار می رفت (۱).

و نیز معاویه ، نابغه جعدی را به اصفهان تبعید نمود ، و او به همراهی حارث بن عبد الله بن عبد عوف (که پیش از آن ، از طرف امیر المؤمنین علی علیه السلام والی اصفهان بود) وارد اصفهان گردید (۲) و نابغه ، پس از مدتی اقامت در این شهر ، در گذشت .

نابغه جعدی ، در دوره قبل از اسلام اشعاری ممتاز سروده ، بنابراین از شعراء ممتاز عرب و جاهلیت محسوب می گردد ، و در دوره اسلام ، سروده هایش از برجستگی برخوردار بوده ، از این جهت از مفاخر شعراء عالم اسلامی به حساب می آید ، و در حمایت از علی علیه السلام و حقانیت آن حضرت شعر گفته ، بنابراین از شعراء مکتب اهل البيت عليهم السلام و جهان شیعه ، به شمار آمده است .

روح پاک و اندیشه متعالی ، تدبیر در آیات قرآن ، دقت در آیات الهی ، تفکر در عالم خلقت و نشانه های صنیع پروردگار و ... ، از اشعار نابغه جعدی ، آشکار می باشد . درباره عمر نابغه جعدی ، نظرات متفاوت ، اظهار گردیده ، از قبیل :

۱۱۲ - ۱۲۰ - ۱۸۰ - ۲۰۰ - ۲۲۰ - ۲۳۰ - ۲۴۰ و نوشته اند که ، دندانهایش ، در تمام عمر سالم و سفید بوده ، و هر کدام از آنها می افتاده ، به جایش دندان نو ، در می آمده است ، و این ، در اثر دعای پیامبر صلی الله علیه و آلهی و سلم بوده ، که فرمودند :

لَا يَفْضُضُ اللَّهُ فَاكًا (۳)

ص: ۹۴

۱- أعيان الشَّيْخَة ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، صفحه ۲۶۳

۲- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷۲

۳- ریحانه الأدب ، به نقل از ناسخ التواریخ ، الاستیعاب جلد ۴ ، صفحه ۱۵۱۶

وفات نابغه جعدی ، در حدود سال ۶۵-۷۰ در اصفهان واقع گردیده است .

نابغه جعدی در کتب تاریخ ، تراجم ، ادبیات ، دائره المعارف ها و ... ، مورد توجه می باشد و عموماً شرح حال مفصّلی از او نوشته اند ، و علامه امین ، در دو مورد (یکی تحت عنوان حَبان بن قیس ، نابغه جعدی ، در جلد ۶ ، چاپ جدید ، صفحه ۲۵۹ ، به بعد و دیگری تحت عنوان عبد الله بن قیس ... النَّابغه الجعدی ، جلد ۸ ، صفحه ۶۵ به بعد) به نحو بسیار مفصّل ، و در مورد سوّم (تحت عنوان نابغه جعدی ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۹۹) به نحو مختصر ، در باره این شاعر بزرگوار ، بحث کرده اند ، و ما در این کتاب ، به خاطر اقامت اجباری او (به عنوان تبعید) در اصفهان ، (آن هم به خاطر دوستی و دفاع از مکتب و ولایت علی علیه السلام) از او یاد نموده ایم .

شش سال نفوذ حکومت مختار بر اصفهان

پس از شهادت امام حسین علیه السلام ، و قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی ، مدّت شش سال ، دامنه حکومت او ، بر کوفه و بصره تا شهرهای ری و خراسان و نهاوند و حدود اصفهان و حدود آذربایجان ، گسترش داشته و به نام او خطبه می خوانده اند ، و سکه به نام او می زده اند ، و والیان و شحنگان و نواب او ، در شهرهای مسلمان نشین ، قدرت و نفوذ و تسلط داشته اند (۱).

اقامت سعید بن جبیر (مفسر قرآن و شهید راه امام علی علیه السلام) در اصفهان

سعید بن جبیر ، یکی از چهره های برجسته شیعه ، و از مفاخر عالم اسلام میباشد ، که در تفسیر قرآن و فقه و حدیث ، مقامی بس أرجمند داشته ، و اولین

ص: ۹۵

نویسنده کتاب درباره تفسیر قرآن به حساب آمده (۱) و امام صادق علیه السلام در باره او فرموده اند: او پیروی از علی بن الحسین علیهما السلام می نمود و علی علیه السلام او را ستوده اند، و به همین جهت حجّاج بن یوسف، او را به شهادت رسانده است (۲)

فضل بن شاذان، که خود از چهره های برجسته علمی و دینی شیعه است، درباره سعید بن جبیر فرموده: لَمْ يَكُنْ فِي زَمَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي أَوَّلِ أَمْرِهِ إِلَّا خَمْسَةٌ أَنْفُسٍ، سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ وَ... (۳) و با این بیان، او را، یکی از پنج چهره بزرگ شیعه، که در اول امامت امام زین العابدین علیه السلام، پیشوائی آن حضرت را پذیرفتند، به شمار آورده است.

صاحب مناقب، او را جَهْبَدُ (۴) العلماء (نکته سنج دانشمندان) دانسته، و نوشته است، که او در دو رکعت نماز، تمامی قرآن را تلاوت میکرد، و فرموده: در روی زمین کسی نبوده است که محتاج علم او نباشد (۵). مَقْدِسِي او را، فقيه وَرِع، و از اعلام تابعین دانسته، و ابن حجر، او را (ثقة ثبت فقيه) خوانده است (۶). سعید بن جبیر، در هنگام دستگیری مناظره ای کوبنده با حجّاج بن یوسف داشته، که با استناد به آیات قرآن، او را خوار و ذلیل نموده، و در نهایت، به دستور حجّاج، به شهادت رسیده است.

ص: ۹۶

-
- ۱- تأسیس الشیعه لعلوم الإسلام، صفحه ۳۲۲
 - ۲- رجال کشی، صفحه ۱۱۰ و جامع الزّواہ، جلد ۱، صفحه ۳۵۹
 - ۳- رجال کشی، صفحه ۱۰۷، ذیل عنوان سعید بن مسیب و جامع الزّواہ جلد ۱، صفحه ۳۵۹
 - ۴- جَهْبَدُ و جِهْبَدُ، هر دو ضبط شده است
 - ۵- مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۴، صفحه ۱۷۶ و تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۲۵ ما عَلَى الْأَرْضِ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَى عِلْمِهِ
 - ۶- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۲۶

وی پس از شهادت ، در هنگامی که سر مقدّس او به زمین افتاد ، کلمه طیبه لا إله إلا الله را بر زبان جاری ساخت (۱).

سعید بن جبیر ، مدّتی در اصفهان در محله سنبلان (۲) اقامت داشته ، و در مسجدی به نام جُلجُلَه بن یَدیل تمیمی ، نماز می خوانده است . این مسجد در حال حاضر ، در کنار صحن و بقعه امام زاده درب امام واقع است و درب خیلی قدیمی دارد که به سوی صحن امامزاده باز می شود (۳) .

آن بزرگوار ، در اصفهان وارد بر قاسم بن ابی اُیوب (أعرج) بوده ، و مدّت دو سال در این شهر ، اقامت داشته است (۴) .

سعید بن جبیر ، در سنّ ۴۹ سالگی ، در سال ۹۵ هجری ، به دست خون آشام مشهور ، حجاج بن یوسف ثقفی ، دشمن سرسخت امیر المؤمنین علی علیه السلام به شهادت رسید ، و پس از شهادت او ، حجاج ، به کرمهائی مبتلا شد و به درک واصل گردید و در اثر دعای سعید بن جبیر ، دیگر موفّق به کشتن کسی نگردید ، و پس از مرگ ، در عالم خواب گفته بود ، که برای هر قتلی یک بار مرا کشتند ولی برای قتل سعید بن جبیر ، مرا هفتاد بار کشتند (۵) . از نسل این شهید سعید ، سه پسر به نامهای : عبد الله و محمّد و عبد الملک ، مورد ذکر قرار گرفته اند (۶) .

ص: ۹۷

-
- ۱- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۲۶
 - ۲- محله سُبُلان ، گاهی سُبُلستان و چُمَلان ، چُلّمان و ... ، نیز ، خوانده می شده ، و در نزدیکی بقعه و امامزاده درب امام می باشد ، و در حال حاضر، در حاشیه خیابان ابن سینا قرار گرفته است
 - ۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۵۲ و تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۸
 - ۴- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۲، صفحه ۱۵۹
 - ۵- تنقیح المقال ، جلد ۲، صفحه ۲۶
 - ۶- طبقات المحدثین یا صبهان ، جلد ۱، صفحه ۳۱۵

قاسم بن ابی ایوب اصفهانی (أعرج)، پناه دهنده سعید بن جبیر

یکی از مفاخر محدثین و علماء اصفهان ، قاسم بن ابی ایوب می باشد ، که کنیه او ابن بهرام بوده، و به او (أعرج) گفته می شده است .

همچنان که در بخش مربوط به « سعید بن جبیر » اشاره نمودیم ، حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد : دو سال سعید بن جبیر (عالم و مفسّر بزرگ شیعه و شهید راه ولایت) بر خاندان قاسم بن ایوب وارد گردید و در محله سنبلان ، در نزد آنها سکونت داشت (۱) .

از این قضیه به خوبی معلوم می گردد ، که نه تنها قاسم اصفهانی (أعرج) شیعه بوده ، بلکه با پذیرائی دو ساله ، از سعید بن جبیر و پناه دادن به او (در حالی که سعید بن جبیر تحت تعقیب حکومت اموی و حجاج بن یوسف ثقفی خونخوار ، بوده است) جهادی بزرگ در راه مکتب تشیع نموده و این قضیه از مفاخر اصفهان ، و نشانه ای از ریشه های ولایت ، در مردم این شهر به شمار می رود .

شتردار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در سفر خراسان، اصفهانی بوده است

مردی از اهل کرمند (از روستاهای ناحیه اصفهان)

شتردار حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در سفر به سوی خراسان بوده است ، و در هنگامی که می خواست مراجعت کند ، عرضه داشت یابن رسول الله ، مرا به چیزی از دستخط مبارکتان مفتخر سازید ، که به وسیله آن تبرک بجویم ، (و آن مرد از

ص: ۹۸

عامه بود) ، و امام هشتم علیهم السلام ، این حدیث را برای او نوشتند :

كُنْ مُجِبًّا لِّاَلِ مُحَمَّدٍ وَ اِنْ كُنْتَ فاسِقًا ، وَ مُجِبًّا لِّمُحِبِّيهِمْ وَ اِنْ كَانُوا فاسِقِينَ

یعنی دوستدار آل محمد باش ، گرچه فاسق باشی ، و دوستدار دوستان آنها باش ، گرچه آنها ، فاسق باشند(۱).

عبد الرحمن اصفهانی، و تشیع او با عنایت امام علی النقی علیه السلام

فقیه و محدث و مفسر نامدار ، قطب الدین راوندی ، در کتاب نفیس الخرائج و الجرائح داستان عجیبی را نقل می نماید که گوشه ای از ریشه های تشیع در شهر اصفهان را ، روشن می سازد و از معجزاتی از امام هادی علیه السلام ، پرده بر میدارد و شرح آن چنین است :

جماعتی از اهل اصفهان ، همانند : أبو العباس أحمد بن نصر ، و أبو جعفر محمد بن علویّه ، نقل نمودند که در اصفهان مردی بوده به نام عبد الرحمن و شیعه بوده است . به او گفته شد سبب تشیع تو و اعتقادت به امامت امام علی نقی علیه السلام و نفی دیگران چیست ؟ گفت من قضیه ای را مشاهده نمودم که مرا به این اعتقاد کشانید ، به این شرح :

من مرد فقیری بودم ، ولی با جرأت و زبان آور ، در سالی از سالها مردم اصفهان مرا با جمعی دیگر رهسپار دربار متوکل عباسی نمودند ، برای دادخواهی و تظلم - ما ، در دربار متوکل بودیم که امر شد به إحضار علی بن محمد (ابن الرضا) علیه السلام ، من به یکی از حاضرین گفتم این مرد کیست که او را

ص: ۹۹

۱- بحار الأنوار، چاپ اسلامیّه ، جلد ۶۹ ، صفحه ۲۵۳ و مستدرک الوسائل ، چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، جلد ۱۲ ،

إحضار نموده اند؟ گفت: مردی است علوی که رافضیان او را امام خود میدانند، و سپس گفت، برنامه قتل او در کار است.

پس من تصمیم گرفتم که بررسی کنم این مرد کیست؟ پس او در حالیکه سوار بر اسبی بود آمد و مردم در طرف راست و چپ راه ایستاده بودند و او را تماشا می کردند. در هنگامی که چشم من به او افتاد، محبت او در دلم قرار گرفت و شروع کردم به دعا نمودن برای دفع بلاء، و شرّ متوکل از او، پس در میان مردم عبور مینمود، و به یال اسب خود چشم دوخته بود، و به راست و چپ نگاه نمیکرد، و من هم در حال دعای به او بودم، وقتی در برابر من قرار گرفت، رو به من نمود و فرمود: خدا دعایت را مستجاب کند، و عمرت را طولانی نماید، و مال و فرزندان را فراوان قرار دهد (۱).

عبد الرحمن گفت، پس من به خود لرزیدم، و در میان همراهانم افتادم، و آنها از من می پرسیدند چه شد؟ گفتم خیر است، و به آنها خبر ندادم، سپس به اصفهان بازگشتیم، و خداوند راههایی از مال به سوی من گشود، تا آنجا که امروز در خانه ام را بر اموالی میندم، که قیمتش هزار هزار درهم است، و این غیر از اموال من در خارج خانه می باشد، و ده فرزند نصیبم شده، و در حال حاضر هفتاد و چند سال دارم، و من معتقد به امامت آن حضرت شده ام، زیرا خبر از درون من داشت، و خداوند دعای آن بزرگوار را درباره من و برای من، مستجاب فرمود (۲).

ص: ۱۰۰

۱- در عبارت حدیث آمده است: إِسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَائَكَ وَ طَوَّلَ عُمْرَكَ وَ كَثَّرَ مَالَكَ وَ وَاوَدَّكَ

۲- الخرائج و الجرائح، چاپ مؤسسه الإمام المهدي، جلد ۱، صفحه ۳۹۲ و إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، جلد ۶، صفحه ۲۳۶، و بحار الأنوار، جلد ۵۰، صفحه ۱۴۱

ابن بادشاله اصفهانی و ملاقات امام زمان (عج)

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب اکمال الدین، در شمار کسانی که به شرف ملاقات حضرت بقیه الله الأعظم، حجه بن الحسن العسکری (عج) نائل گردیده، و معجزه ای از آن حضرت مشاهده نموده اند، ابن بادشاله، یا، ابن پادشاکه، را ذکر نموده اند^(۱) که نشان می‌دهد شخصیت یاد شده نه تنها شیعه بوده، بلکه از نخبگان و برجستگان شیعه اصفهانی بوده است.

مرحوم امین شامی، در اعیان الشیعه از او یاد نموده است^(۲).

محدثین اصفهانی، از اصحاب ائمه علیهم السلام

چنانچه به تفصیل، در بخش محدثین اصفهانی، بررسی نموده و توضیح داده ایم، روشن می‌گردد، که جمعی از محدثین شیعه اصفهانی، از اصحاب ائمه معصومین علیهم السلام بوده اند. ذیلاً با ذکر نام، از آنها یاد می‌نمائیم:

۱- عبد السلام اصفهانی از اصحاب امام باقر علیه السلام

۲- أبو الحسن اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۳- ابراهیم طباطبا از اصحاب امام صادق علیه السلام به نقل شیخ طوسی

۴- ادریس بن عبد الله اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۵- عثمان اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۶- عمر اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۷- محمد بن سلیمان اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۸- ابراهیم بن شیبیه اصفهانی از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام

ص: ۱۰۱

۱- اکمال الدین صدوق، چاپ دار الکتب الإسلامیه، ص ۴۴۳، باب ۴۳ حدیث ۱۶

۲- اعیان الشیعه، جلد ۲، چاپ جدید، صفحه ۲۶۱

۹- اَبی شَبِیْه اصفهانی از اصحاب امام جواد علیه السلام

۱۰- مُحَمَّد بن مُنَدَّه اصفهانی از اصحاب امام جواد علیه السلام

۱۱- سُرّی بن سَلَامَه اصفهانی از اصحاب امام هادی علیه السلام

۱۲- عبد الله بن مُحَمَّد اصفهانی از خواص اصحاب امام هادی علیه السلام

۱۳- علی بن مُحَمَّد بن شیره اصفهانی کاشانی از اصحاب امام هادی علیه السلام به نقل از شیخ طوسی .

۱۴- أحمد بن مُحَمَّد بن سیّاری اصفهانی از معاصرین امام حسن عسکری علیه السلام

و دارای تصنیفات فراوان .

۱۵- شیخ مُحَمَّد بن غالب اصفهانی از نزدیکان امام حسن عسکری علیه السلام و واسطه نقل زیارت شهدای کربلاء .

۱۶- شخصی با عنوان الإصفهانی ، از راویان از امام صادق علیه السلام که در کتاب کافی ذکر شده ، و احتمال دارد یکی از روات بالا باشد .

وجود محدّثین یاد شده ، در میان اصحاب ائمه علیهم السلام ، از ریشه های تشیع ، در شهر اصفهان به شمار می رود .

عبد الله بن محمد کِنانی ، شکنجه دیده راه تشیع

محدّث عظیم الشّان ، عبد الله بن محمّد کِنانی ، مُکَنّی به أبو الولید ، که از ابن ادریس و اَبی داود ، نقل حدیث نموده ، و بر اَحادیث بسیاری احاطه داشته ، و در طلب حدیث و نوشتن آن ، مشهور بوده است .

حافظ ابونعیم درباره او می نویسد :

كَانَ كَثِيرَ الْحَدِيثِ ، مَشْهُورًا بِالطَّلَبِ وَ الْكِتَابَةِ

این محدّث بزرگوار ، علناً اعتقاد شیعی خود را مطرح می ساخته و خلافت

أبی بکر را، آشکارا انکار می نموده است (۱).

حاکم اصفهان، جمعی از علماء و مشایخ حدیث اصفهان، همانند: أبومسعود رازی و محمّد بن بکار و محمّد بن الفرج و زید بن خَرشَه و برخی دیگر را جمع نمود، که با او مباحثه نمایند، ولی آن بزرگمرد، بر اعتقاد خود پافشاری نمود، و لذا او را چهل تازیانه زدند، و مردم را از اطراف او پراکنده کردند، و حدیث او را ترک نمودند.

اسحاق بن سعد قَطْر بَلّی، فرماندار اصفهان، وعاشق دلباخته امام زمان علیه السلام

اسحاق بن سعد قطر بلی، در حدود دوره متوکل (در نیمه اول قرن سوم) فرماندار و حاکم اصفهان بوده، و ابراهیم بن ممشاد اصفهانی (شاعر متعصب دربار متوکل) او را هجو کرده، به وسیله اشعاری، که یکی از آنها این است:

بِاللّهِ مَا اتَّخَذَ الْإِمَامَةَ مَذْهَبًا *** إِلَّا، لِكَيْ يَبْهَتَ لِدِكْرِ الْقَائِمِ

یعنی: به خدا قسم (اسحاق بن سعد) مذهب امامت (و تشیع) را مذهب خود قرار نداده، جز این که با یاد قائم (آل محمّد) علیه السلام بگریزد (۲).

از این شعر بر می آید، که اسحاق بن سعد، به طور آشکار، مذهب امامت را پذیرفته بوده، و در یاد حضرت قائم (عجل الله فرجه الشریف) میگریسته، و ابراهیم بن ممشاد، ندیم متوکل عباسی، از این گریستن به عنوان نقطه ضعف او یاد نموده است (۳).

ص: ۱۰۳

۱- ذکر أخبار أصبهان، جلد ۲، صفحه ۴۹

۲- معجم الأدباء، جلد ۲، صفحه ۲۰

۳- به أعيان الشيعة، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۲۷۰ نیز، مراجعه شود

فقهاء بزرگ شیعه ، در اصفهان مشهور به تعصب و تسنن

یکی از مطالب اشتباه ، ولی جا گرفته در اذهان عمومی خواص و عوام ، این است که اصفهان قدیم را منحصرأ محل سکونت و فعالیت اهل تسنن ، و بالأخص متعصبین آنها ، میدانند ، در حالی که حقیقت امر غیر از این است ، بلکه هم چنان که از بخش های مربوط به معرفی بزرگان محدثین و علماء و ادباء شیعه اصفهانی ، استفاده می نمائیم ، در اصفهان قدیم ، بسیاری از فقهاء و علماء عالیقدر شیعه ، زندگی و فعالیت علمی داشته اند که به خاطر جو عمومی حاکم در اصفهان ، و قدرت سیاسی و حکومتی اهل تسنن ، عظمت شخصیت علمی و دینی آنها ، از نظرها دور مانده است و برای روشن شدن مطلب ، به این جریان توجه نمائید .

جریانی جالب و کشف حقیقتی ارزشمند

از جعفر بن ابی السری ، نقل شده که گفت: از ابن عقده (۱) با اصرار خواستم احادیثی را برای من نقل کند ، که از من فوت شده است ، ابن عقده ، سؤال نمود از کجائی ؟ گفتم از اصفهان ، گفت : شهر ناصبی ها (و محل دشمنان علی و فرزندان او علیهم السلام) ؟ گفتم : چنین نگوئید ، در میان مردم اصفهان فقهاء شیعه

ص: ۱۰۴

۱- وی ، حافظ نامدار شیعه ، أبو العباس ، أحمد بن محمد بن سعید بن عقده (مشهور به ابن عقده) ، متوفای ۲۰۲ یا ۳۰۳ می باشد ، که از ارکان علم حدیث و از بزرگترین حفاظ و ضبط کنندگان حدیث بوده ، که دارقطنی درباره اش می گوید : بعد از ابن مسعود (صحابی رسول خدا) محدثی اَحْفَظ از ابن عقده دیده نشده ، و خود او فرموده : که یکصد و بیست هزار حدیث با سند آنها در حفظ داشته است ، و سیصد هزار حدیث در تحت مذاکره و بررسی و تکمیل شرائط روایت ، داشته است . ابن عقده همان است که ، شمار شاگردان امام صادق علیه السلام را به چهار هزار رسانده ، با ذکر حدیث از آنها (به کتب رجال رجوع شود)

هستند و گفت: شیعه معاویه؟ گفتیم نه، بلکه شیعه علی علیه السلام و در میان آن همه شیعه، علی علیه السلام را عزیز تر از چشم و فرزندان و اهل خود می دانند (۱).

(وَمَا فِيهِمْ إِلَّا - مَيْنَ عَلِيٍّ أَعَزُّ عَلَيْهِ مِنْ عَيْنِهِ وَ أَهْلِهِ) و از این جریان به خوبی معلوم می گردد که قدرت رسمی و سیاسی و حکومتی اهل تسنن در اصفهان، مانع از مجاهدت و کوشش علمی اصفهانی های شیعه مذهب، نگردیده، بلکه بسیاری از اصفهانی های قدیم، در اثر حق طلبی و حق جوئی، راه معرفت و ارادت نسبت به امیر المؤمنین علی علیه السلام را پیموده، و در این راه مقدس فداکاریها نموده اند، گرچه زحمات آنها، مورد تبلیغ و تشویق نیروهای حاکم نبوده است.

شیخ ابومسعود رازی اصفهانی، مدافع حریم امیرالمؤمنین علی علیه السلام

از شخصیت های برجسته ای که در شهر اصفهان نقش بسیار مهمی در دفاع از حریم مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی علیه السلام ایفاء نموده اند، شیخ حافظ، ابومسعود، احمد بن فرات بن خالد بن مسعود رازی اصفهانی، متوفّا و یا شهید سال ۲۵۸ هجری، می باشد. وی، از پیشوایان و حفاظ حدیث است، که کتابهایی تصنیف نموده و از مشایخ بزرگ حدیث، استفاده کرده، و بزرگان علم حدیث، از او بهره برده اند و خود او گفته، از ۱۷۵۰ نفر حدیث نوشتم ولی در کتابهایم، فقط از ۳۱۰ نفر حدیث ضبط نمودم، و بقیه را رها ساختم (۲).

ص: ۱۰۵

۱- الکنی و الألقاب، مرحوم قمی، جلد ۲، صفحه ۴۴۳

۲- تهذیب التهذیب، جلد ۱، صفحه ۶۶ - شیخ ابومسعود گفته: هزار هزار حدیث و پانصد هزار (یک میلیون و پانصد هزار حدیث) از هزار و هفتصد استاد نوشتم، و در کتابهایم پانصد هزار از آن را ثبت نمودم (تذکره الحفاظ ذهبی، جلد ۲ ص

مجموعاً ، مدّت ۴۵ سال در اصفهان اقامت داشته و حدیث گفته است (۱) .

برخی او را برای فتوی دادن برای نصف دنیا ، کافی دانسته اند و برخی دیگر اظهار داشته اند که : زیر آسمان ، حافظ تر از او در مورد احادیث رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِہِی وَ سَلَّم یافت نمی شود .

و هم چنین ، برخی او را با تعبیر تَقَّہُ دُو تَصَانِیْف ، ستوده ، و برخی دیگر نوشته اند ، که او هر حدیثی را پانصد بار تکرار میکرده ، تا بر حفظ آن مسلط شود ، و عموماً ، او را از ائمه حَقَّاز حدیث ، به شمار آورده اند (۲) .

ولی باید دانست که شخصیت اعتقادی شیخ ابو مسعود ، در هاله ای از ابهام گرفتار است .

برخی او را سنّی صوفی میدانند ، و برخی دیگر او را ، شیعه ای بزرگ و مجاهد و شهید راه دفاع از امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، برشمرده اند .

با توجه به این که عموماً ، در کتب تراجم و رجال اهل سنّت ، مورد تجلیل قرار گرفته ، و در زمان حاکمیت اهل سنّت ، قبر او بقعه و مزاری مورد توجه داشته و در کنار مزار او خانقاه بوده ، احتمال سنّی بودن او تقویت می شود ، ولی از طرف دیگر ، در دوره صفویّه که عنایت و قاطعیتی ویژه ، در محو آثار اهل سنّت داشته اند ، و با وجود علماء بزرگی ، همانند : مجلسین و ... ، که پرچمدار حفظ آثار شیعه بوده اند ، بقعه و مزار شیخ ابومسعود ، باقی مانده و مورد توجه و زیارت بوده ، احتمال تشیع او تقویت می گردد .

ص: ۱۰۶

۱- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۸۳

۲- به تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی و تذکره الحفاظ ذهبی و طبقات المحدثین یا صبهان و ذکر اخبار اصبهان و تقریب التهذیب و سایر کتب رجال و تراجم ، مراجعه شود

نقش شیخ أبو مسعود، در جلوگیری از سبّ أمير المؤمنين علی علیه السلام

ولی در هر حال، خدمتی بزرگ از این محدّث و فقیه و خطیب نامدار، نسبت به ساحت مقدّس أمير المؤمنين علی علیه السلام، صادر شده که در بررسی ریشه های تشیع در شهر اصفهان، جایگاهی بزرگ دارد، که ذیلاً بیان می داریم:

شیخ أبو مسعود رازی در مسیر سفر حجّ بیت الله، وارد اصفهان گردید و در آن هنگام متوجه شد، که جمع زیادی از مردم اصفهان، تحت تأثیر حکومت دشمنان اهل البيت عليهم السلام در سبّ أمير المؤمنين علیه السلام کوشش دارند و گویندگان رسمی، در بالای منبرها، به مقام منبع آن حضرت جسارت مینمایند، لذا هدایت مردم را، بر حجّ بیت الله، ترجیح داد و تصمیم گرفت آنها را از این گناه و انحراف بزرگ، رهائی بخشد، و چهار سال در شهر اصفهان اقامت جست، و همه روزه در جامع عتیق در بازار رنگرزان مینشست، و مردم حاضر می شدند، و او در هر روزی، چهار حدیث در فضائل و مناقب یکی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آلهی و سلم، برای آنها بیان مینمود، ولی مشخص نمی کرد که آن شخصی که دارای آن فضائل و مناقب است، کدام یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم می باشد، تا این که مردم تشنه و شائق شدند، که نام آن صحابی را بدانند و لذا اصرار فراوان نمودند، و او در ضمن خطبهای مفصّل (۱) و با بیانی بسیار کوبنده و رسا، پس از توصیف فراوان گفت:

ص: ۱۰۷

۱- این خطبه مفصّل را که داراری فصاحت و بلاغت عجیبی است، و مشتمل بر حدود سیصد فضیلت و منقبت و صفت ممتاز، برای علی علیه السلام است، مرحوم بیان آلواعظین در کتاب خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، جلد ۱، صفحه ۱۹۲ تا ۱۹۵، نقل نموده است

و در این هنگام ، همه از رفتار زشت خود توبه نمودند ، و جماعتی در اثر غصه برای عمل زشت و ننگین خود ، مُردند ، و برخی گفته اند که رقم آنها به چهارصد نفر رسید(۱).

علامه محقق ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، این جریان را نقل نموده ، و سند آن را چنین بیان کرده است :

رَأَيْتُ النُّسَيْحَةَ ضِمْنَ مَجْمُوعِهِ ... مِنْ كُتُبِ السَّيِّدِ مُحَمَّدِ خَلِيفِهِ ، أَوَّلُ سَنَدِهِ ، أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الرَّشِيدُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمَدَنِيُّ ، ثُمَّ الإِصْفَهَانِيُّ ، إِجَازَةً قَالَ : حَدَّثَنِي الصَّدْرُ الْإِمَامُ ، صَدْرُ الدِّينِ ، عَبْدُ الصَّمَدِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي وَالِدِي الصَّدْرُ السَّعِيدُ ، صَدْرُ الدِّينِ ، أَبُو شُجَاعٍ ، مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللطيفِ الخُجَنْدِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الْإِمَامُ فَضْلُ اللَّهِ ، مُحَمَّدُ الدِّيَنَوْرِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ، الْحَسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مَنْصُورِ الْقَرْوِينِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الصَّهْرِ الإِصْفَهَانِيُّ الشَّهْرِسْتَانِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الْإِمَامُ الْحَافِظُ (۲) قَالَ : كُنْتُ فِي صُحْبَةِ الْإِمَامِ الشَّهِيدِ ، أَبِي مَسْعُودٍ ، أَحْمَدَ بْنِ الْفَرَاتِ الرَّازِيِّ ، خَرَجْنَا لِطَلَبِ الْحَجِّ فَلَمَّا وَصَلْنَا إِلَى إِصْفَهَانَ ، فَرَأَيْنَا أَهْلَهَا مُظْهِرِينَ سَبَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ الْمَنَابِرِ فَقَالَ : أَصِيحَابًا ! رَأَيْتُ الْأَشْتِغَالَ بِهِدَايَةِ هَؤُلَاءِ أَهَمَّ مِنَ الْحَجِّ ، فَأَقَامَ أَرْبَعَ سَنَوَاتٍ ... (۳) .

از عبارت بالا استفاده میشود که ، شیخ ابومسعود شهید شده ، و مرحوم ملا احمد بیان را عقیده بر این است که ، آن بزرگمرد ، در اثر تحریک ناصبی ها

ص: ۱۰۸

۱- خلد برین ، صفحه ۱۹۵

۲- مقصود از ، الإمام الحافظ ، حافظ بزرگ اصفهان ، ابوصالح ، عبدالرحمن بن سعید اصفهانی است، که ساکن بغداد گردیده، و از روایان از شیخ أبو مسعود رازی بوده است (خلد برین ، ص ۱۹۰)

۳- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۲۱ ، صفحه ۴۰۵ - ۴۰۶

به دست مردم جاهل ، در راه دفاع از علی علیه السلام ، به شهادت رسیده است(۱).

پس از ماجرای قتل او ، بقعه و بارگاهی برای او ساخته شد ، که به مرور زمان موقوفاتی بر آن وقف گردید ، و خانقاه و بازار و چهارسو و حمام و باغی (برای کورها و عاجزهایی که به زیارت می آیند) و دیگر متعلقات ، در کنار بقعه او به وجود آمد ، و در دوره سلطان یعقوب آق قویونلو ، در سال ۸۹۵ ساختمان باشکوهی با تزیینات فراوان ، برای مزار او ، به وسیله محمد بن جلال الدین عربشاه ، ساخته شد که بخشی از آن هنوز باقی است (۲).

در حدود یکصد و پنجاه سال قبل ، مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی (داماد شیخ جعفر کبیر ، کاشف الغطاء) که مقیم اصفهان گردیده بودند ، در اثر نظریه خاصی که در مورد سنی و صوفی بودن شیخ ابو مسعود داشتند ، دستور برهم زدن دستگاه بقعه و مزار او را دادند و از زیارت او جلوگیری نمودند ، ولی مرحوم ملا احمد بیان می نویسد: کسانی که به تشکیلات و مزار شیخ ابومسعود خیانت کردند ، عده ای به زودی تلف شدند و کسانی که نقش کمتری داشتند ، به فقر و گرفتاری مبتلا گردیدند (۳).

در هر حال ، برنامه یاد شده ، و جلوگیری شیخ ابومسعود رازی از سب و شتم و جسارت نسبت به ساحت مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام ، از مفاخر و حسنات برجسته عمر او می باشد ، و به همین دلیل ، مرقد و مزار او ، در طول زمان ، مورد توجه مردم بوده است .

ص: ۱۰۹

-
- ۱- خلد برین ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹۵
 - ۲- شرح مفصل بقعه و بارگاه شیخ ابومسعود را ، در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از صفحه ۳۵۳ تا ۳۵۸ و نیز در کتاب آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۸۰۵ تا ۸۰۸ مطالعه نمائید
 - ۳- خلد برین ، صفحه ۱۹۷-۱۹۸

نقش خاندان علمی ثقفی، در نشر احادیث اهل البیت علیهم السلام در اصفهان

چنانچه در بخش معرفی چهره علمی ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی، و برادران او (جعفر بن محمد بن سعید و علی بن محمد بن سعید ثقفی) بیان نموده ایم، روشن می شود که این خاندان (۱) مخصوصاً ابراهیم بن محمد سعید، نقش برجسته ای در نشر احادیث اهل البیت علیهم السلام در اصفهان داشته اند.

و جالب ترین صحنه کوشش علمی او، در راه نشر فضائل اهل البیت علیهم السلام داستان کتاب (المعرفه) او است، که آنقدر در زمینه فضائل اهل بیت و مثالب و زشتی های دشمنان خاندان رسالت، صراحت و قاطعیت داشت، که شیعیان کوفه، به او پیشنهاد نمودند که این کتاب را در معرض افکار دیگران قرار ندهد، به خاطر اینکه ممکن است مطالب آن را قبول نکنند، ولی، ابراهیم بن محمد ثقفی، اصفهان را که از نظر تعصب شدید بر علیه اهل بیت علیهم السلام، شهرت فراوانی داشت، انتخاب نمود و در این شهر، احادیث کتاب را منتشر ساخت.

تفصیل مطلب را در قسمت معرفی ابراهیم بن محمد ثقفی، در بخش «نامداران علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم» مطالعه فرمائید.

سلیمان بن أحمد طبرانی اصفهانی

أبو القاسم، سلیمان بن أحمد بن أيوب بن مطير لخمی طبرانی، مشهور به «مُسْنَدُ الدُّنْيَا» متولد ۲۶۰ و متوفای ۳۶۰ (۲).

وی، در طبریة شام متولد شده، و برای کسب علم و شنیدن حدیث، از آن

ص: ۱۱۰

۱- نسب این خاندان، به خاندان مختار بن ابی عیبه ثقفی می رسد

۲- ذکر أخبار أصفهان، جلد ۱، صفحه ۳۳۵

سرزمین به سوی عراق و حجاز و مصر و شهرهای جزیره مسافرت نموده، و سی و سه سال گردش علمی کرده و در آخر، در اصفهان توطن نموده است (۱).

او در همین شهر وفات یافته و در جوار قبر حَمَمَه (که یکی از صحابه بوده و در جنگ مسلمانها با ایرانیها، وارد اصفهان شده و از دنیا رفته و در همین شهر مدفون گشته (۲)) به خاک سپرده شده است.

طبرانی، هزار استاد و شیخ حدیث داشته (۳)، و سی سال بر روی حصیر خوابیده، و به جمع و حفظ حدیث مشغول بوده است (۴).

تصنیفات مهمی انجام داده، و شاگردان زیادی داشته، که از او نقل حدیث نموده‌اند، و از آثار او معجم کبیر و معجم اوسط و معجم صغیر می باشد، و از شاگردان و راویان از او، حافظ ابونعیم اصفهانی و أبو العباس أحمد بن عَقدَه، می باشند و به نقل مرحوم قمی در الکنی و الألقاب، ابن عَقدَه، برای طبرانی اهمیّت زیادی قائل بوده است.

طبرانی، گرچه از علماء و مشایخ حدیث أهل سنّت است، ولی روایات بسیاری در فضائل أمير المؤمنين و خاندان رسالت عليهم السلام، نقل نموده که در کتب شیعه مورد استفاده می باشد.

ص: ۱۱۱

۱- ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۳۱

۲- آقای سید مصلح الدین مهدوی در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۷ می نویسد: در محلّه طوقچی، مجاور قبر صاحب بن عباد، مقبره قدیمی با گنبدی خشتی بود، که اخیراً آن را خراب کرده و حسیّتیّه بنا کردند، معروف در بین عوام آن بود که نام مدفون در بقعه، تبردار است، و ظاهراً تبردار، تصحیف شده طبرانی است

۳- الکنی و الألقاب، جلد ۲، صفحه ۴۴۳

۴- ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۳۱

صاحبان کتب تراجم و رجال (أعمّ از شیعه و سنی) شرح حال او را نوشته اند، که به عنوان نمونه از کتابهای: ذکر أخبار إصبهان، مرآة الجنان، میزان الاعتدال، وفيات الأعیان، لسان المیزان، روضات الجنّات، ریحانه الأدب، أکنی و الألقاب قمی، یاد می نمائیم.

اصفهان و عزاداری بر امام حسین علیه السلام در دورۀ آل بویه و ...

عزاداری بر سید الشهداء، امام حسین علیه السلام، سابقه دیرینه دارد که از نظر فکری و اعتقادی، به راهنمائیها و عمل انبیاء عظام، مخصوصاً حضرت خاتم الأنبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آلهی و سلم، و ائمه معصومین علیهم السلام، منتهی می گردد، و از نظر تاریخی، از هنگام شهادت آن حضرت، در میان دوستان و هواداران أهل البیت علیهم السلام مطرح بوده، و گاهی با مقداری آزادی، و در برخی از زمانها، در شدت تقیه و ترس، و همراه با آزار و شکنجه دشمنان، انجام می گرفته است.

در دوره آل بویه، که مردمانی دوستدار اهل بیت و طرفدار شیعه بوده اند، عزاداری بر مظلومین أهل البیت علیهم السلام، بالأخص سید الشهداء، امام حسین علیه السلام علنی گردید، و در شکلی وسیع در شهرهای گوناگون رواج یافت، و شیعیان با پرچمهای عزا و دستجات بزرگ، در بازارها و معابر عمومی و مجامع مردمی، به عزاداری می پرداختند.

در شهرهای اصفهان و ساوه و همدان، و دیگر بلاد ایران و عراق، جمع زیادی از پیروان تشیع، و دوستان اهل البیت علیهم السلام زندگی می نمودند، تا آنجا که در قرنهای پنجم و ششم هجری، در پاره ای از این شهرها، از جمله، اصفهان و همدان و ساوه، تعداد شیعه به قدری زیاد بوده، که مراسم عاشوراء را

عزاداری بر امام حسین علیه السلام در اوج قدرت اهل تسنن در اصفهان

خواجه أبو منصور، محمود بن أحمد بن عبد المنعم بن ماشاذة اصفهانی، معروف به ابن ماشاذة (۲) فقیه و واعظ و مفسر بوده، و در یازدهم ربیع الثانی ۵۳۶ هجری، در اصفهان فوت شده (۳) و از علماء و پیشوایان دینی، در نیمه اول قرن ششم بوده است. وی از شخصیت‌های بزرگ علمی شافعیه می باشد، که، سبکی، در طبقات الشافعیه، او را چنین توصیف کرده است:

... مِنْ أَعْيَانِ الْعُلَمَاءِ وَ مَشَاهِيرِ الْفُضَلَاءِ، ذَوِي الْحِشْمَةِ وَ الْجَاهِ . تَفَقَّهَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ الْخُجَنْدِيِّ وَ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَامِي، وَ سَمِعَ مِنْهُمْ الْحَدِيثَ وَ مِنَ الْإِمَامِ أَبِي الْمُظَفَّرِ السَّمْعَانِيِّ وَ مِنْ خَلْقٍ، وَ حَدَّثَ وَ أَمْلَى عِدَّةَ مَجَالِسٍ . رَوَى عَنْهُ الْحَافِظُ ابْنُ عَسَاكِرٍ فِي مُعْجَمِ شُيُوخِهِ، تُوْفِيَ فُجْأَةً، لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ ثَانِي عَشَرَ رَبِيعِ الْأَخْرِ، سَنَةَ سِتِّ وَثَلَاثِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ (۴).

و در طبقات الشافعیه عبد الرحیم اسنوی آمده است:

ص: ۱۱۳

۱- آل بویه و اوضاع زمان ایشان، صفحه ۴۵۲. برای آشنائی بیشتر، با وضعیت عزاداری و سائر شعائر دینی شیعه و بزرگداشت مراسم غدیر و عاشوراء، در قرنهای چهارم و پنجم و ششم، در بلاد گوناگون، به کتاب یاد شده، از صفحه ۴۵۰ تا ۴۸۲ مراجعه شود

۲- این ماشاذة، کنیه چندین نفر از علماء و محدثین و فقهاء قدیم اصفهان میباشد. (دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۶۰)

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۰

۴- تعلیقات کتاب نقض، جلد ۲، صفحه ۱۰۹۲ از محدث ارموی، به نقل از طبقات الشافعیه سبکی، جلد ۴، صفحه ۳۰۳

كَانَ إِمَامًا مُفَسِّرًا ، تَفَقَّهَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ الْخُجَنِدِيِّ ، فَازَ تَفَعَّ شَأْنَهُ وَبَعِيدَ صَيْتَهُ وَصَارَ أَوْحِيدَ وَقْتِهِ وَ الْمَرْجُوعَ إِلَيْهِ فِي بَلَدِهِ ، وَ أُمَّلَى عِدَّةَ مَجَالِسٍ ، وَ كَانَ وَاِعْظًا فَصِيحًا مُفَوِّهًا حُلُوَ الْعِبَارَةِ (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، سبکی در طبقات الشافعیه ، او را از اعیان علماء و از مشاهیر فضلاء و صاحب حشمت و جاه و آبرو ، معرّفی نموده ، و اسنوی نیز در کتاب خود، او را امام و پیشوا و مفسّری معرّفی نموده ، که شأن و مقامش بالا-رفته و آوازه اش به همه جا رسیده است ، و در زمان خود ، چهرهٔ یگانه گردیده (صَارَ أَوْحِيدَ وَقْتِهِ) و مرجع دینی مردم بوده ، و واعظی فصیح و خوش بیان و شیرین سخن ، شمرده شده است .

مرحوم عبد الجلیل قزوینی ، که از بزرگان علماء شیعه در قرن ششم بوده ، می نویسد : خواجه بو منصور ماشاده ، به اصفهان که در مذهب سنّت در عهد خود مقتدا بوده است ، هر سال این روز (روز عاشوراء)

این تعزیت به آشوب و نوحه و غریو داشته اند و هر که رسیده باشد ، دیده و دانسته باشد و انکار نکند (۲). چنانچه ملاحظه می نمائید در قرن ششم ، و در اوج قدرت اهل تسنّن، در شهر اصفهان ، عزاداری بر امام حسین علیه السلام و مراسم عاشوراء ، به صورت آشوب و نوحه و غریو (و فریاد) بر پا می گردیده و رهبری این عزاداری را ، چهرهٔ بزرگ علمی و مشهور آن زمان ، خواجه أبو منصور، ابن ماشاده (ماشاده)، بر عهده داشته است .

ص: ۱۱۴

۱- طبقات الشافعیه اسنوی ، جلد اوّل ، صفحهٔ ۱۰۵ - ۱۰۶

۲- کتاب نقض ، صفحهٔ ۳۷۱ ، از انتشارات انجمن آثار ملی

در میان داستانهای جالب درباره دوستی و حمایت چهره های برجسته ای از مردم اصفهان ، نسبت به علی علیه السلام در گذشته تاریخ ، قصه حدیثی بسیار مفصل (در حدود شش صفحه) می باشد ، که سلیمان بن أحمد بن ایوب لخمی (طبرانی اصفهانی) ، آن را در اصفهان نوشته و منتشر ساخته است (۱) که در این حدیث ، سلیمان بن مهران اعمش می گوید: در دل شبی ، منصور دوانیقی مرا احضار کرد، و من متوجه شدم که در این دل شب ، منصور دوانیقی مرا نخواست ، مگر به خاطر سئوالی درباره فضائل علی علیه السلام ، و اگر من از آن فضائل یاد کنم ، مرا خواهد کشت ، و لذا وصیت نمودم و کفن پوشیدم و بر او وارد شدم ، مرا نزدیک خود خواند و هنگامی که بوی حنوط از من استشمام کرد، گفت : راست بگو و گرنه ترا به دار میزنم ، بگو این بوی حنوط از چیست ؟ گفتم من فکر کردم راجع به فضائل علی علیه السلام مرا احضار کرده ای ، و اگر در این باره سخن بگویم مرا میکشی ، لذا کفن پوشیدم و حنوط کردم و وصیت نمودم و آمدم . منصور گفت:

ای سلیمان چند حدیث در فضائل علی علیه السلام نقل می کنی ؟

گفتم مقدار کمی ، گفت چه مقدار ؟ گفتم :

ده هزار حدیث و بیشتر

گفت : به خدا برایت حدیثی در فضائل علی علیه السلام نقل می کنم ، که تمام حدیثهایی که شنیده‌ای فراموش کنی ! و آنگاه داستان مفصّلی را نقل نمود ، و دو

ص: ۱۱۵

۱- وَ أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ اللَّخْمِيُّ ، فِيمَا كَتَبَ إِلَيْنَا مِنْ إِصْبَهَانَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُسَاوِرِ الْجَوْهَرِيِّ ، سَنَةَ سِتِّ وَ ثَمَانِينَ وَمِائَتَيْنِ ، قَالَ : ... ، كَمَا أَنَّ عِبْرَةَ ، بِاتِّجَاهِ إِلَى تَارِيخِ يَوْمِ ، اسْتَفَادَهُ مِنْهُ ، كَمَا أَنَّ تَارِيخَ نَامَةِ نُوَيْسِي ، أَوَّلَ قَرْنِ سَوِّمِ بُوْدَةَ اسْتِ

فضیلت بزرگ از علی علیه السلام بیان کرد و در آخر، گفت :

اهْدَانِ الْحَدِيثَانِ فِي يَدِكَ؟ فَقُلْتُ: لَا، فَقَالَ يَا سَلِيمَانُ: حُبُّ عَلِيٍّ اِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ نِفَاقٌ

وَ اللّٰهُ لَا يُحِبُّهُ اِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُهُ اِلَّا مُنَافِقٌ

سلیمان بن مهران اعمش می گوید: گفتم آیا در امان هستم؟ منصور گفت: لک الأمان، گفتم: چه میگوئی درباره قائل حسین علیه السلام؟ گفت: بسوی آتش و در آتش (جهنم) است، گفتم هر کس بکشد فرزند رسول خدا را، به سوی آتش و در آتش است؟ (۱).

قَالَ: الْمَلِكُ عَقِيمٌ يَا سَلِيمَانُ

سپس منصور گفت خارج شو و آنچه را شنیدی برای مردم نقل کن (۲).

آثری بزرگ و قابل توجه از تشیع، در اصفهان، در اوائل قرن هشتم

در مسجد جامع عتیق اصفهان (مسجد جمعه)، که آثار گوناگونی از دوره های مختلف تاریخ اصفهان را در بر دارد و نمایشگاهی از فرهنگ و هنر چهارده قرن اسلامی است، و آثاری از دوره های سلجوقی، مغولی، صفوی و ... را در خود حفظ نموده، مسجد او لجائتو و محراب محمد ساوی، نشان دهنده فرهنگ و اعتقاد شیعی، در دوره قبل از صفویه است، و به خوبی نمایانگر

ص: ۱۱۶

۱- سلیمان بن مهران، با این عبارت، اشاره نموده، به کشتار وسیع منصور دوانیقی، از سادات و ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، در زندانها و در درگیریهای مختلف

۲- تمام این حدیث مفصل، در امالی صدوق، چاپ مؤسسه علمی (بیروت) از صفحه ۳۵۳ تا ۳۵۸ و در بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۸۸ تا ۹۳، نقل گردیده است

حاکمیت شیعه و فرهنگ آن ، در اصفهان در قرن هشتم ، می باشد .

در شبستان اولجایتو ، طاقهای آجری متنوع و زیباترین محراب گچ بری مسجد جامع واقع شده ، و شبستان یاد شده ، به نام مسجد اولجایتو مشهور است و محراب زیبای آن نام سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) و وزیر دانشمند او ، محمد ساوی (خواجه سعد الدین محمد مستوفی ساوجی) و تاریخ ساختمان آن (۷۱۰) هجری را ، در بردارد .

کتیبه تاریخی این محراب ، که در صفحه وسط آن ، به خط ثلث بسیار زیبا ، گچ بری شده ، به شرح زیر است :

سلطان محمد (۱)

هَذَا الْمِحْرَابُ الْمُسَيَّطُ مِنْ مِصَافَاتِ الْعِمَارَاتِ الَّتِي إِتَّفَقَتْ إِعَادَتُهَا ، فِي أَيَّامِ مَعْدِلَةِ السُّلْطَانِ ، حَامِي حُوزَةِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ ،
غِيَاثِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ ، حَرَسَ اللَّهَ بِبَقَائِهِ الْإِسْلَامَ ، مِنْ فَوَاضِلِ صَدَقَاتِ الْعَمِيمَةِ الصَّاحِبِيَّةِ الْأَعْظَمِيَّةِ ، صَاحِبِ
دِيَوَانِ الْمَمَالِكِ شَرْقًا وَغَرْبًا ، بُعْدًا وَقُرْبًا ، سَعِدِ الْحَقِّ وَالْدِّينِ ، الْمَخْصُوصِ بِعِنَايَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، مُحَمَّدِ السَّوَوِيِّ ، أَعَزَّ اللَّهُ أَنْصَارَهُ
وَضَاعَفَ آفِيئَتَهُ ، تَوَلَّاهُ الْعَبِيدُ الضَّعِيفُ الرَّجِيُّ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَغُفْرَانِهِ ، عَضُدُ بَنِي عَلِيٍّ الْمَاسْتَرِيِّ ، أَحْسَنَ اللَّهُ عَاقِبَتَهُ فِي
صَفَرِ سَنَةِ عَشْرٍ وَسَبْعِمِائَةٍ ، حَتَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْخَيْرِ وَالظَّفَرِ

که از عبارت بالا تاریخ ۷۱۰ استفاده می شود .

در حاشیه اطراف این کتیبه ، به خط ثلث ، عبارات زیر گچ بری شده است ، که نشانه روشنی از تشیع و مذهب شیعه دوازده امامی ، می باشد .

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ ، قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ ، يَقُولُ : لَمَّا أُنزِلَ

ص: ۱۱۷

۱- به جهت احترام ، نام سلطان محمد ، در بالای کتیبه قرار داده شده است

اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَطَاعَةَ رَسُولِهِ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (در آخرین قسمت از کتیبه ، بعد از کلمه (السَّلَام) نام استاد کار محراب ، به شرح زیر گچ بری شده (عمل حیدر) و سپس دنباله حدیث در حاشیه فرورفتگی محراب ، در دو ردیف ، نوشته شده است این چنین :

هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي ، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، ثُمَّ الْحَسَنُ ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرِيهِ بِالْبَاقِرِ ، وَ سَيِّدُ تَدْرِكِهِ يَا جَابِرُ ، فَإِذَا لَقَيْتَهُ قَافِرْتَهُ مِنْي السَّلَامَ ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ سَيِّدِي وَ كَتَيْبِي ، حُجَّهَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتَهُ فِي عِبَادِهِ ، بِنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ،

ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ ، عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَ بِهِ خَطُّ كُوفِي مَشْبُوكٍ ، در بالای فرورفتگی محراب ، نوشته شده است :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ

و در حاشیه بزرگ محراب ، کتیبه زیر گچ بری شده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ الصَّادِقُ الْمُضَيَّقُ ، رَسُولُ الرَّحْمَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قَطَاهِ ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ وَ مَلَائِكَتُهُ ، مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ : أَحْمًا مُسِيئًا فِي اللَّهِ ، أَوْ عَلِيمًا مُسِيئًا تَطْرَفًا ، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً ، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً ، أَوْ كَلِمَةً رَدَّةً (تَرُدُّهُ) عَنْ رَدَى ، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تُدَلُّ عَلَى هُدَى ، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ

همچنانکه ملاحظه نمودید ، حدیث خلافت و وصایت دوازده امام معصوم ، و جمله « علیّ ولیّ الله » و نیز جمله « علیه سلام الله و رسوله و ملائکته » ، به دنبال

حدیث أميرالمؤمنین علی علیه السلام ، از صریحترین نشانه های تشیع حاکم بر سلطان و وزیر او ، و فرهنگ و اعتقاد موجود در آن تاریخ (۷۱۰) در اصفهان می باشد

سنگ قبر تاریخی میر علی شهید، از نشانه های تشیع در اصفهان

یکی از قسمتهای محله احمد آباد، کوی دار البطیخ می باشد که در زبان مردم ، محله دالبطی (دالبتی) یا دالبیطی (دالبیتی) تلفظ می شود ، و در این محل ، مقبره خواجه نظام الملک طوسی ، یا تربت نظام ، قرار گرفته است .

در مقبره خواجه نظام الملک ، قبر چندین نفر از پادشاهان یا وزراء و شاهزادگان سلجوقی ، و نیز عده ای از علماء ، قرار گرفته است .

یکی از سنگ قبرهایی که در مقبره خواجه نظام الملک وجود دارد ، متعلق به میر علی شهید است ، که نوشته های روی سنگ ، نشان دهنده تشیع او و نیز مقام دینی و پست و مقام ظاهری او می باشد . در حاشیه سنگ قبر مرمری قرمز رنگ (به طول ۴۵ / ۱ متر و عرض ۲۵ سانتی متر) به خط ثلث ، عبارات زیر حجاری شده است :

هذا قبر المرحوم الشّهِيد ، افتخار الزّمان ، سلاله الوزراء فی الأوان ، آلواصل الی رحمة الله ، الملك الولیّ ، خواجه جمال الملّه و المدین ، میر علی الصّیاحب الأعظم المرحوم خواجه ... و توقی فی یوم الثّلاثاء ثالث شوال سنه تسع و خمسين و ثمانمأه الهجریه النبویه صلعم .

و در یک لوحه فوقانی این سنگ ، به خط بنائی برجسته نوشته شده است :

لا- إله إلا الله ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ (۱) از نوشته های فوق ، معلوم می شود که صاحب قبر ، مقام وزارت داشته و به شهادت رسیده ، و از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام بوده ، و از چهره های دینی به شمار می رفته (۲) ، و به لقب «جمال الملّه و الدّین» ملقب بوده ، و شهادت او در سال ۸۵۹ ، در نیمه قرن هشتم ، واقع گردیده است .

از نکته های جالب در تربت نظام (مقبره خواجه نظام الملک) این است که در میان نوشته های سنگ قبر خواجه نظام الملک ، که از مرمر می باشد و طول آن بیش از دو متر و عرض آن ۴۵ سانتی متر و ارتفاع آن ۳۸ سانتی متر است ، و مشتمل می باشد بر آیات قرآنی ، همانند : آیه : قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ... و آیه شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... و قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ ... ، این جمله های نورانی نوشته شده ، و حجاری گردیده است :

لا- إله إلا الله ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ (۳) و هم چنین در تربت نظام ، سنگ مرمری دیگری هست ، متعلق به قبر شخصی به نام محمد مؤمن ، که در حاشیه سنگ قبر ، به خط ثلث ، آسامی

ص: ۱۲۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از دکتر هنرفر، صفحه ۲۴۴ آثار ملی اصفهان صفحه ۷۹۱

۲- در رجال اصفهان ، ص ۱۹۴ ، او را از بزرگان علماء زمان خودش دانسته است

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۳۷ ، این نوشته ، هماهنگ است با آنچه مرحوم علامه سید محسن امین عاملی ، صاحب اعیان الشیعه ، نوشته و خواجه نظام الملک را در زمرة وزراء شیعه مذهب سلجوقیان ، به شمار آورده و در جلد پنجم (چاپ جدید) از صفحه ۱۶۵ تا ۱۶۹ ، در پنج صفحه بسیار بزرگ ، شرح حال مفصّلی از او نوشته و او را در شمار اعیان و بزرگان شیعه ، بر شمرده است

چهارده معصوم علیهم السلام حجاری شده ، و در جانب زیرین سنگ ، به خط ثلث نوشته شده ، فی سابع عشرین رمضان المبارک سنه ثلاث و عشرين و تسعماء (۱) که نشان دهنده تاریخ ۹۲۳ (اوائل قرن دهم) می باشد و از نشانه های تشیع اصفهان در قرون گذشته ، محسوب می گردد .

و نیز سنگ قبر دیگری است به طول ۸۰ و عرض ۲۲ سانتی متر ، که با خط نستعلیق بر آن نوشته شده : وفات مرحمت پناه ، جمال الدین ابن محمد بن عالیحضرت شهریار ، خاجه (خواجه) صفی الدین محمد ، بتاریخ شهر رمضان سنه ثلاث و خمسين و تسعماء ، و در میان نوشته های سنگ قبر یاد شده ، این دو بیت زیبا و نورانی ، جلب توجه می کند :

نَادِعِلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ *** تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَابِ

كُلُّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَيَنْجَلِي *** بَوْلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ (۲)

که از نوشته های فوق بر می آید ، صاحب قبر شیعه بوده ، و در سال ۹۵۳ ، از دنیا رفته است.

دومناره جویباره، مزین به نام مقدس پنج تن انری از تشیع در قرن هشتم اصفهان

در محله جویباره (جوباره) در مسیر یکی از کوچه های آن، آثار سر در مجللی ، که بر فراز آن دو مناره دار الضیافه ، واقع شده (۳) ، مشاهده می شود ،

ص: ۱۲۱

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۴۳

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۴۴

۳- این سر در و دو مناره آن ، در حال حاضر ، در حاشیه جنوبی خیابان کمال واقع گردیده است

و به طوری که از نام آن استنباط می گردد، این اثر تاریخی، سر در یک مهمانسرای مجلل بوده است. در داخل مقرنسهای مناره ها، هر (سوسن) یا (طاس) شامل یک کلمه است، و کلمات موجود، به خط ثلث سفید معرق، بر زمینه کاشی لاجوردی به شرح زیر است:

محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين

پوشش تزئیناتی مناره های مزبور، به خط بنائی فیروزه ای، بر زمینه شطرنجی آجری، در هفت رنگ به شرح زیر است:

ردیف اول کلمه الله *** ردیف دوم تکرار کلمه اکبر

ردیف سوم تکرار کلمه الله *** ردیف چهارم تکرار کلمه محمد

ردیف پنجم تکرار کلمه و علی *** ردیف ششم تکرار کلمه و حسن

ردیف هفتم تکرار کلمه و حسین (۱). پروفیسور پوپ، بنای این مناره را اواخر قرن هشتم هجری میدانند، و آقای (سمیث) تاریخ آن را، در ربع اول قرن هشتم هجری بیان نموده است (۲).

مسجد جامع کاج و نام پنج نور مقدس، اثری از قرن هشتم

در ۲۴ کیلومتری مشرق اصفهان، در شمال بستر زاینده رود، محلی به نام کاج می باشد، که جزء بلوک برآ آن شمالی به شمار می رود.

گنبد مسجد جامع کاج، که در این محل ساخته شده، مانند بیشتر بناهای برج

ص: ۱۲۲

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۲۸۹ - ۲۹۱

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۲۹۱ به نقل از آثار ایران جلد اول جزء دوم (ترجمه فارسی)، صفحه ۱۸۱

مانند آن دوره (قرن هشتم) ، به شکل (کلاه خود) ساخته شده است . گنبد مذکور در وسط صحن متناسبی قرار داشته ، و در اطراف آن ملحقاتی بوده که از بین رفته است .

در پوشش داخلی گنبد، چهار شکل مربع به خط بنائی با آجر قرمز، بر زمینه سفید آجری که دو به دو ، قرینه اند وجود دارد، که در دو مربع متقابل ، نام (محمد) و در دو مربع دیگر نام (علی) نوشته شده است .

در قسمت پائین گنبد و روی جرزها ، به خط بنائی با گچ ، در فاصله آجرها ، آسامی ، الله . محمد . علی . حسن . و حسین ، خوانده می شود و کلمات دیگری هم نقش بوده است که فعلاً وجود ندارد (۱).

پروفسور پوپ، تاریخ ساختمان این مسجد را اواخر قرن هشتم میداند (۲).

در مجاورت مسجد کاج ، امامزاده ابراهیم علیه السلام وجود دارد که تاریخ بنای آن ۱۰۰۲ (دوره حکومت شاه عباس کبیر صفوی) می باشد (۳) .

مسجد جامع اشترجان و نام اهل البیت علیهم السلام

اشترجان (اشترگان) در جنوب غربی اصفهان و در ۱۲ کیلومتری (پیر بکران) می باشد و در منطقه لنجان قرار دارد .

مسجد جامعی در این محل ساخته شده ، در اواخر سلطنت ایلخان مسلمان

ص: ۱۲۳

۱- ظاهراً نام فاطمه علیها السلام نیز ، همراه کلمات یاد شده ، بوده است

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۸۳ - ۲۸۴ و نیز ارجاع به کتاب (بررسی هنرهای ایران) ، جلد ۲ ، صفحه ۱۳۱ -

۹۳۲ تألیف پروفسور پوپ، به زبان انگلیسی

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۸۵ - ۲۸۶

مغول ، سلطان محمد خدابنده (اولجایتو)، که یکی از ابنیه نفیس و بسیار جالب استان تاریخی اصفهان می باشد .

این مسجد دارای دو سر در تاریخی در سمت شمال و مشرق است . سر در شمالی که متجاوز از ۱۲ متر ارتفاع دارد ، دارای مقرنس عالی و کاشی کاری و خطوط و کتیبه هائی است، و در طرفین آن، دو مناره موجود است که بیش از دو سوّم آن به مرور زمان خراب شده (۱) ولی بقایای آنها هنوز ، از عظمت سابق و نفاست بنای مذکور ، حکایت می کند .

نکته قابل توجه در مناره های سر در شمالی مسجد اشترجان ، آن است که مناره های یاد شده ، مانند مناره های بنای تاریخی اصفهان (منار جنبان) متحرک هستند (۲) .

بانی مسجد ، فخرالدین محمد بن محمود بن علی اشترجانی ، ملک الوزراء زمان سلطان ابوسعید بهادرخان ، می باشد و مترجم کتاب محاسن اصفهان ، حسین بن محمد بن ابی الرضا، علوی آوی ، از او تجلیل نموده ، و جمله (طاب ثراه) ، برای او نوشته ، و او را غم خوار زبردستان ، و دل بسته احوال بیچارگان ، معرفی نموده است (۳) .

در یک شکل چهار ضلعی در زیر مقرنسه های مسجد جامع اشترجان ، در جهت مقابل سر در ، به خط بنائی آجری بر زمينه فیروزه ای ، اسامی چهارده معصوم علیهم السلام ذکر شده است (۴) .

ص: ۱۲۴

-
- ۱- در آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۳، ارتفاع مناره ها را بیست متر دانسته است
 - ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۶۷
 - ۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۰
 - ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۱ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۸۲۳

و هم چنین ، در زیر پنجره های اطراف گنبد مسجد ، به خط بنائی بر زمینه شطرنجی ، کلمه (الله) به طور مکرر گچ بری شده ، و بر روی جرزهای داخل گنبد و بر روی جرزهای داخل ایران ، به خط بنائی بر زمینه شطرنجی در مربع های بزرگ ، اسامی (محمد) و (علی) و (حسن) و (حسین) به نحو مکرر ، گچ بری شده است (۱). تاریخ بنای این مسجد ، ۷۱۵ می باشد (۲).

آثار و نشانه های تشیع ، در بقعه پیر بکران

یکی از آثار باستانی و تاریخی اصفهان ، که متعلق به اوائل قرن هشتم است و تاریخ آن از ۷۰۳ تا ۷۱۲ می باشد ، بقعه پیر بکران است که در سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان واقع گردیده ، و مقبره یکی از مدرسین و علماء و عرفاء آن زمان ، به نام محمد بن بکران ، متوفای ۷۰۳ ، می باشد و در میان نوشته های ساختمان بقعه ، صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام ، گچ بری شده است بدین شرح:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُضِيَّطَفَى وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ الْمُزَنُّصِيِّ وَ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ صَلِّ عَلَى خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَ صَلِّ عَلَى
حَسَنِ مُجْتَبَا (الْمُجْتَبَى) وَ صَلِّ عَلَى

حَسَنِ شَهِيدِ كَرْبَلَا وَ صَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بَاقِر ، وَ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ صَادِق ، وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى الْكَاطِمِ وَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ تَقِيِّ ، وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ نَقِيِّ

وَ صَلِّ عَلَى حَسَنِ الْعَشْكَرِيِّ ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ مَهْدِيِّ (۳) از این اثر تاریخی ، به خوبی استفاده میشود که در آن زمان ، فرهنگ و مذهب تشیع نه تنها در اصفهان ، بلکه در اطراف آن نیز ، حاکم گردیده بوده

ص: ۱۲۵

- ۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۳ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۴
- ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۲ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۳
- ۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۵۷

است ، و از عبارت فوق (که گرچه عربی است ، ولی رعایت قواعد عربیت در آن نگردیده ، و در جاهائی که باید ألف و لام به کار رود ، همانند : الحسن المجتبی و الحسین الشّهد بکربلا و ... ، به صورت ساده نوشته شده) مشخص می گردد که :

این عبارت و این اظهار علاقه ، از فکر و اعتقاد عمومی ، سرچشمه گرفته ،

و مستند به یک شخص عالم یا والی متنفذ نمی باشد .

تاج الدّین حسین صاعدی اصفهانی، مذهب تشیع را می پذیرد

عالم واعظ ، تاج الدّین ، حسین بن شمس الدّین محمّد واعظ ، که از معاصرین با شیخ بهائی بوده ، و از خاندان علمی صاعدیان میباشد (۱)، از مذهب آباء و اجداد خود (که حنفی بوده اند) دست برداشت ، و در زمره علماء شیعه قرار گرفت .

وی ، شاگرد شیخ منصور بن عبد الله شیرازی ، و مشهور و معروف به (راستگو) شارح تهذیب الاصول بوده (۲)، و از او اجازه داشته است (۳) .

ص: ۱۲۶

۱- خاندان صاعدیان (یا آل صاعد) یکی از خاندانهای علمی و معروف اصفهان بوده ، که ریاست علمی و دینی، در این شهر داشته، و پیرو مذهب حنفی بوده اند، و چندین قرن، در زمینه های علمی و اجتماعی ، منشأ حرکات و اقداماتی بوده اند که در تاریخ گذشته اصفهان ، نقش اساسی داشته است و جدال هائی که بین خاندان صاعدیان و خجندیان (که آنها هم خاندان علمی بوده و ریاست شافعیان را داشته اند) به طور مستمر وجود داشته ، و شرح آن ، در کتب تاریخ نقل گردیده است

۲- الدرّیعه، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۷۰

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵

استشفای یک زمین گیر اصفهانی، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام

ابن بطوطه، سیاح مشهور و نامدار نیمه اول قرن هشتم هجری، در سفرنامه خود، از سفر به مشهد مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام (نجف اشرف) یاد میکند، و از چگونگی اعتقاد شیعیان به مرقد مطهر امام علی علیه السلام، و کراماتی که از حرم و قبر مطهر آن حضرت ظاهر می شود یاد نموده، و می نویسد:

از شهرهای عراق هرکس بیمار شود، نذری برای روضه علی علیه السلام می کند... و نقیب این نذرها را در خزانه حرم می گذارد... خزانه مزبور بسیار بزرگ و موجودی آن به قدری هنگفت است که قابل ضبط نمی باشد (۱).

و نیز می نویسد: همه مردم این شهر (نجف)، رافضی مذهب اند و از این روضه (حرم امام علی علیه السلام)، کرامت ها ظاهر می شود که منشأ عقیده مردم بر اینکه قبر علی علیه السلام در آن است، همان کرامت ها می باشد. از جمله آن که، در شب بیست و هفتم رجب که «لَيْلَةُ الْمَحْيَا» (۲) می نامند، عراقیان و خراسانیان و فارسیان و رومیان، گروه گروه، سی تن و چهل تن، بعد از نماز خفتن، در آنجا گرد می آیند و بیماران افلیج و زمین گیر را روی ضریح مقدس می گذارند، و خود به نماز و ذکر و قرآن و زیارت مشغول می شوند، و چون پاسی از شب گذشت، همه مریضها که شفا یافته و صحیح و سالم گشته اند برخاسته، ذکر:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ می گویند، و این حکایت در میان آنان، به حد استفاضه (۳) رسیده، و گرچه

ص: ۱۲۷

۱- سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، صفحه ۱۸۶

۲- مَحْيَا = زندگی - ليله المحيا، یعنی شبی که انسانهای گرفتار و محروم به زندگی بر میگردند

۳- استفاضه = شهره داشتن خبر را گویند و خبر مستفیض آن است که نقل کننده های متعدد دارد و مشهور است

من، خود آن شب را درک نکردم، داستان آن را از اشخاص مورد اعتماد شنیدم و در مدرسه حرم، سه تن از این اشخاص را دیدم که هر سه زمین گیر بودند، یکی از روم آمده بود، و دیگری از اصفهان و سومی از خراسان، از حالشان جويا شدم، گفتند امسال به « ليله المحيا » نرسیده اند، و منتظرند که سال آینده آن شب را درک کنند.

در این شب مردم از شهرهای مختلف در نجف جمع می شوند، و بازار بزرگی در آن شهر برپا می شود، که تا مدت ده روز بر قرار می ماند (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید، شخص اصفهانی یاد شده، تا آن حدّ به أمير المؤمنين عليه السلام و مقام بالای معنوی و کرامت های آن حضرت اعتقاد داشته، که برای بهره مندی از عنایت آن حضرت، عازم بوده که یک سال در نجف اشرف بماند، تا آن که از فیض و برکت آن امام بزرگوار استفاده نماید.

یک اصفهانی از اصحاب خاصّ امام زمان (عج) در هنگام ظهور

در روایات متعدده، اصحاب خاصّ امام زمان، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) در هنگام ظهور، از همه شهرها معرفی گردیده اند، چنانچه در روایتی از امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه السلام آمده است:

وَ اللَّهُ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ (۲).

و در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است:

... فَيَقُومُ ثَلَاثَ مِائَةٍ أَوْ تَيْفٌ عَلَى الثَّلَاثِمِائَةِ، خَمْسُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ سَائِرُهُمْ مِنْ

ص: ۱۲۸

۱- سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، صفحه ۱۸۵-۱۸۶

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، صفحه ۲۹۱، الزام الناصب، صفحه ۱۸ و ... یعنی به خدا قسم، هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان او را به سوی او (میخواند) و جمع می نماید، از همه شهرها

أَفْنَاءِ النَّاسِ، لَا يُعْرِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، إِجْتَمَعُوا عَلَيَّ غَيْرِ مِيعَادٍ (۱).

ولی در یک روایت ، به تفصیل کامل ، نام شهرهائی که أصحاب حضرت بقیه الله الأعظم (عج) از آنها می باشند ، ذکر شده و در ضمن آن ، از شهر اصفهان یک نفر به نام (یونس) معرّفی گردیده است (۲).

و در همین زمینه ، شاعر نامدار معاصر ، آقای محمّد علی مردانی در ضمن قصیده ای غزّاء ، راجع به اصفهان ، چنین سروده است:

در طلوع دولت مهدی امام منتظر *** تا شود عالم سراسر گلستان ، ای اصفهان

عدّه یاران آن مولا به هنگام قیام *** سیصد است و سیزده پاکیزه جان ، ای اصفهان

زان گروه حق طلب ، جمعی ز فرزندان توست *** در رکاب حضرت صاحب زمان ، ای اصفهان (۳)

ص: ۱۲۹

۱- الزام النَّاصِبِ صَفْحَةُ ۲۲۶ و بحار الأنوار ، جلد ۵۲ ، صَفْحَةُ ۳۰۶ یعنی : ... پس به پا می خیزند سیصد نفر و یا مقداری بیشتر ، پس حمله دشمن را از او دفع میکنند و از آنها ، پنجاه نفر از کوفه و بقیه از مردمی هستند که شناخته نیستند و بعض آنها ، بعضی دیگر را نمی شناسند و بدون وعده قبلی ، همه جمع شده اند

۲- الزام النَّاصِبِ ، صَفْحَةُ ۲۰۰

۳- فرازهای دیگری از همین قصیده را ، در بخش « اصفهان از دیدگاه ، شعراء و أهل أدب » نقل نموده ایم

هو الحقّ

اگر چه خوش نبود سیر بوستان تنها

گرفته ایم اجازت ز باغبان تنها

من و دوچشم تر و خاک کربلا صائب

ز عافیت طلبان سیر اصفهان تنها

ص: ۱۳۰

۴- جلوه های ولایت اهل البیت علیهم السلام در شهر اصفهان

اشاره

ص: ۱۳۱

اصفهان، شهر جود و ایثار، در راه دین و أهل البيت عليهم السلام

از فرازهای جالب در خصوصیات اخلاقی و دینی مردم اصفهان، وسعت و عظمت فعالیت های آنها در زمینه خدمات دینی و اجتماعی، با رنگ و عطر وابستگی به أهل البيت عليهم السلام می باشد که از یک طرف، نشانه جود و بخشش متکی به اندیشه و تعقل و محاسبات اجتماعی، و از طرف دیگر، نشان دهنده روح ایمان و اعتقاد اسلامی و از طرف سوم، علامت دل بستگی کامل به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین عليهم السلام و ذراری آنها می باشد.

ساختن هزاران مسجد بزرگ و کوچک، که بعضی از آنها در هر دوره ای، از مهمترین آثار معماری و کاشی کاری و خطاطی و گچ بری و حجاری و ... می باشد، ساختن بقعه ها و مزارهای چشمگیر و جالب برای امامزادگان عليهم السلام و علماء بزرگ، (در داخل اصفهان)، و کمک به ساختمان و توسعه و ترمیم و تزیین حریمهای ائمه معصومین عليهم السلام (در عتبات مقدسه)، تأسیس دهها مرکز بزرگ درمانی و بیمارستانی و آزمایشگاهی و ...، همانند: بیمارستان عسکریه علیه السلام، و زایشگاه نرجس خاتون علیها السلام و آزمایشگاه و رادیولوژی مهدیه علیه السلام و دار الشفاء حضرت زهرا مرضیه علیها السلام و ...، تأسیس صدها صندوق

قرض الحسنه (۱) که در سطح وسیع ، به کمک نیازمندان به وام می شتابند ، تأسیس دهها مؤسسه خیریه ، که در کمک به ایتام ، معلولین و سالخوردگان ، و نیازمندان جامعه ، (در زمینه های امور درمانی ، در بخش های گوناگون) ، تهیه تجهیزیه ، کمک به ازدواج جوانها ، تهیه و تعمیر مسکن ، تأمین هزینه تحصیل علم (تا حد دانشگاه) ، کمک به پرداخت وام ، تأمین سرمایه کسب ، تهیه لباس و پوشاک برای مستمندان و ... ، تلاش و کوششی تحسین برانگیز و موجب إعجاب دارند ، که در سطح کشور پهناور ایران ، از اهمیت برجسته و فوق العاده ممتازی برخوردار است ، و با توجه به خصوصیات و کیفیت دینی و معنوی آن ، خدمات یاد شده در درجه اول می باشد .

و نیز ، تأمین بودجه های لازمه برای اداره حوزه های علمیه ، از طریق پرداخت وجوهات شرعیّه و تبرّعات ، که (چنانچه در بالا اشاره نمودیم) از یک طرف ، نیاز به گذشت و جود و بخشش دارد ، و از طرف دیگر ، بینش و اندیشه و دقت نظر می طلبد ، که بودجه ها ، به اهداف مقدّس دینی و اجتماعی و گشودن گره های پیچیده اجتماعی کمک کند ، و از طرف سوم ، برای بهره برداری از آثار روحی و اجتماعی آن بخشش و ایثارها ، در راه نشر فرهنگ دینی و رشد اخلاق اسلامی ، احتیاج به پشتکار و فعالیت تبلیغی و ارشادی دارد ، که خوشبختانه مردم اصفهان در همه موارد یاد شده ، در اثر عنایات الهی و توجهات صاحبان ولایت علیهم السلام ، به موفقیت های بسیار

ص: ۱۳۴

۱- در شهر اصفهان متجاوز از یکصد صندوق قرض الحسنه ، و در سطح استان اصفهان ، در حدود پانصد صندوق ، مشغول به فعالیت می باشد ، و در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور ، مردم اصفهان اقدام به تأسیس صندوق قرض الحسنه و خیریه نموده اند ، و جالب است بدانیم . تأسیس اولین صندوقهای قرض الحسنه در کشور ایران ، در شهر اصفهان انجام گرفته است ،

اصفهان ، شهر تعظیم شعائر مکتب ولایت و امامت در دوره معاصر

از درخشان ترین جلوه های تشیع مردم اصفهان ، تعظیم شعائر مکتب أهل البيت عليهم السلام می باشد ، که در قالب های گوناگون به نمایش گذارده می شود

و در این مبحث به چندین سرفصل اشاره می نمائیم :

۱- تشکیل بزرگترین جشنها و مراسم شادمانی ، در مناسبت های مربوط به میلاد ائمه معصومین عليهم السلام و عید سعید غدیر ، و عید الزهراء عليها السلام ، که در این جشنهای بسیار گسترده ، مسجدها ، حسینیه ها ، مدرسه ها و (حتی در بعضی از مناسبت ها ، « همانند جشن میلاد امام زمان عجل الله فرجه » خیابانها و کوی و برزن ها) با انواع و اقسام چراغانی ، و نصب تابلوهای پلاکاردها ، و فرشهای قیمتی و زینتی ، تزئین می گردد ، و با نشر پوسترها و اطلاعاتیه ها و کارتهای تبریک ، اظهار شادمانی و سرور می گردد ، و توزیع انواع و اقسام شیرینی و میوه ، در مجالس جشن و نیز در گذرها و خیابانها ، به شکلی جالب و در سطحی گسترده انجام می گیرد ، و نیز در موارد متعدد ، مردم متمکن و با ایمان و ولایت ، به إطعام و إحسان عمومی می پردازند .

۲- تشکیل بزرگترین مراسم عزاداری و سوگواری ، به مناسبت شهادت معصومین عليهم السلام و برخی از امامزادگان عظیم الشان ، همانند : حضرت زینب و حضرت معصومه و حضرت رقیه و ... عليهم السلام که به شکل حرکت دادن دستجات عزاداری در روز شهادت هر یک از امامان معصوم عليهم السلام و تشکیل مجالس سوگواری در سطحی بسیار گسترده ، مخصوصاً در ایام عاشوراء و ایام فاطمیه

انجام میشود، و در بسیاری از مناسبت ها، شمار آن مجالس به بیش از یک هزار مجلس می رسد، که هر مجلسی مرکب از ده شب یا ده روز صبح یا ده روز عصر می باشد، و در هر مجلس، چندین گوینده و مدّاح و مرثیه سرای، به سوگواری و ذکر فضائل و مصائب می پردازند، و در مجالس شب و صبح، علاوه بر پذیرائی ساده، اِطعام عمومی انجام می شود، و بالخصوص در مناسبت عاشورای حسینی و ایّام فاطمیّه، حرکت دستجات عزاداری در سطحی بسیار وسیع انجام می گیرد، و شمار دستجات عزای حسینی، به متجاوز از یکصد عدد، و شماره دستجات عزای فاطمی به دهها دسته عزاداری بالغ می گردد، که در شبها و روزهای دهه عاشوراء و دهه فاطمیّه اوّل و دوّم، به حرکت در می آیند.

۳- تشکیل مجالس دینی، با نام اهل البیت علیهم السلام و تحت عنوان سوگواری ائمه معصومین علیهم السلام در تمامی دوره سال انجام می شود، و هیچ ماه و دهه ای، شهر اصفهان خالی از مجالس فراوان برای اهل البیت علی نیست، و در این جلسات، تفسیر قرآن، بحثهای تربیتی و اخلاقی، و عموم مطالب دینی و اجتماعی، توسط علماء و خطباء عالقدر، بیان می گردد.

۴- احیاء مراسم فاطمیّه علیها السلام (جشنها و عزاداری ها) بالخصوص، در سطحی بسیار وسیع، از یک هزار و چهار صدمین سال شهادت فاطمه زهراء علیها السلام (در سال ۱۴۱۱ قمری) تا کنون، که در قالب توسعه و گسترش بسیار چشمگیر سوگواری و حرکت دستجات عزاداری (با شمار زیاد) و نصب پلاکاردهای عزا در تمام فلکه ها و میدانها و بازارها و خیابانهای شهر، و سیاه پوش کردن مسجدها و حسینیه ها و نصب پوسترهای متعدّد و متنوّع در سطح مدارس، مساجد، ادارات، مغازه ها و ... انجام گرفته، و به تدریج به سطح کشور

و رسانه های عمومی نیز ، شدیداً سرایت کرده است (۱) و شرح فشرده ای از این مراسم را در کتاب « یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء عليها السلام » نوشته و منتشر نموده ام .

و هم چنین جشنها و مراسم سرور میلاد فاطمه زهراء عليها السلام ، به شکلی بسیار جالب و گسترده توسعه یافته ، و محافل بسیار عظیمی در اصفهان تشکیل می شود، و چراغانی های پرشکوهی انجام می گردد .

۵- تشکیل جلسات هفتگی بسیار وسیعی به عنوان : جلسه دعای ندبه ، جلسه دعای توسل ، جلسه زیارت جامعه ، جلسه زیارت آل یس ، جلسه زیارت عاشوراء ، جلسه دعای کمیل ، جلسه مداحی و مرثیه سرایی ، جلسه بحث و سؤال و جواب دینی و ... ، که شمار اینها در هر هفته ، به صدها مجلس می رسد ، و بسیاری از این جلسات با حضور صدها تا هزاران نفر، تشکیل می گردد و از شکوه و جلوه جالبی برخوردار می باشد .

۶- سفرهای زیارتی همانند : مسافرت به مکه معظمه و مدینه منوره (۲) مشهد مقدس ، سوریه (حرم حضرت زینب و حضرت رقیه و سایر

ص: ۱۳۷

۱- نویسنده کمترین ، از اولین سال این حرکت پربرکت و اثر معنوی و تبلیغی ، تاکنون (در سال ۱۴۱۷ قمری) در جریان این اقدام دینی و ولایی بوده ام ، و به عنوان یک خدمتگزار کوچک در آستان مقدس فاطمه زهراء عليها السلام عرض ادب داشته ، و در سامان دادن و ایجاد حرکت در زمینه های گوناگون ، به خدمتگذاری مشغول بوده ام ، امید است مقبول درگاه آن حضرت واقع گردد

۲- در حال حاضر ، ملت شریف ایران ، از زیارت عتبات عالیات عراق (نجف اشرف و کربلائی معلی و کاظمین و سامراء) در اثر سلسله حوادث تلخی که به دنبال تسلط حکومت کافر بعثی عراق رخ داده ، محروم می باشند

أهل البيت عليهم السلام) قم، و مسجد جمکران و ... که در بسیاری از موارد، به شکل کاروانهای زیارتی و در مواردی به صورت فردی و خانوادگی، انجام می‌گیرد و شمار این سفرهای زیارتی، در مقایسه با دیگر شهرها، از افزایش و برتری بسیار بالایی برخوردار می‌باشد، که به عنوان نمونه، در روز تولد حضرت بقیه الله الأعظم (عج) در سال ۱۴۱۷ قمری، علاوه بر کاروانهای متعدّد و زائران شخصی، فقط یک کاروان زیارتی با ۱۲۱ عدد اتوبوس مسافری (مطابق کلمه یا علی که به حرف اُ بجد ۱۲۱ می‌باشد) به سوی شهر مقدّس قم و مسجد جمکران، با شکوه فراوان حرکت کردند و چشم همه زائران مسجد جمکران و علاقمندان امام زمان (عج) را، روشن و قلب دوستداران آن حضرت را شاد نمودند.

۷- تأسیس خیریه‌ها و مراکز مهم و گسترده دینی و علمی و اجتماعی، به نام نامی چهارده معصوم و فرزندان و الامقام آنها عليهم السلام که نشان دهنده عشق عمیق و ارادت آگاهانه مردم اصفهان نسبت به أهل البيت عليهم السلام می‌باشد و با توجه به این که شمار این مؤسسه‌های علمی و دینی و خیریه و مراکز اجتماعی، به هزاران عدد می‌رسد، به خوبی، ظهور و تجلی عشق و ارادت عمومی مردم نسبت به مکتب امامت و ولایت عليهم السلام به نمایش در می‌آید.

۸- اطعام و احسان و پخش جوایز در سطحی گسترده، در دوره سال و در مناسبت‌های گوناگون، به نام نامی أهل البيت (أئمة معصومین و فرزندان آنها عليهم السلام) و به خصوص اطعام عمومی در اکثر مجالس دینی، که شمار آنها در تمامی سال و در سطوح مختلف، غیر قابل شمارش می‌باشد.

۹- تأسیس بناهای بسیار و باشکوه فراوان، با زیربنای وسیع و معماری و حجاری و کاشی کاری زیبا، بانام: حسینیّه، بیت العلیّ، فاطمیّه،

دار الزهراء ، بيت الزهراء ، مهدیه ، بيت الزینب ، بيت العباس و ... ، که شمار آنها (مخصوصاً تحت عنوان حسینیّه) بسیار می باشد ، و بخشی از آنها در شهرهای دیگر همانند : کربلای معلی و مشهد مقدّس ، ساخته شده است .

۱۰ - نشر کتابها و مقاله ها و پوستره‌های مربوط به خاندان رسالت ، در فرصت های و مناسبت های گوناگون ، مخصوصاً در ایام شهادت صدیقۀ طاهره ، فاطمه زهراء علیها السلام .

اصفهان و ضریح سازی و کاشی کاری و دیگر هنرهای مذهبی

ضریح های زیبایی که بر روی قبر امامان علیهم السلام و امامزاده ها علیهم السلام نصب می شود ، و نیز درهای حرمها و رواقها ، که در آنها از روکش یا آب طلا و نقره استفاده می شود ، و با خطاطی و مینیاتور و قلمزنی ، و هنرهای ظریفه ای که مربوط به درودگری و صنایع چوب می باشد ، تزئین می گردد ، و در شمار تزئینات مذهبی برجسته محسوب می شود ، عموماً در شهر مذهبی اصفهان و به دست هنرمندان اصفهانی ساخته میشود ، و هم چنین ، زیباترین منبرها ، با استفاده از تراش های زیبا ، و خطاطی و طراحی جالب و هنرمندانه ، در این شهر ولایت ساخته می شود .

و نیز ، کاشی کاریهای حرم های ائمه علیهم السلام و امامزادگان علیهم السلام در سراسر کشور و خارج آن ، که با بهره گیری از بهترین خطاطی و طراحی و نقاشی و رنگ آمیزی ، جلوه ای روحانی و ملکوتی دارد ، و یکی از آثار برجسته هنری و خلاقیت روح با ایمان بشر ، در طول قرون به شمار آمده ، همه و همه از آثار هنرمندان و خطاطان و طراحان و نقاشان با ایمان و ولایت اصفهان می باشد ، که جلوه های برجسته آن ، در کشور عراق ، در حرم ائمه معصومین علیهم السلام و بسیاری

از امامزادگان علیهم السلام مدفون در شهرهای گوناگون آن، و نیز در شام (سوریه) در حرم حضرت زینب و حضرت رقیه علیها السلام، و در ایران، در حرم امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام و عموم امامزادگان علیهم السلام، که بی شمارند، و هم چنین مساجد کشورهای مختلف، همانند: ایران، عراق، پاکستان، هند، کویت و ... دیده می شود، همه و همه از ذوق سرشار و ابتکار و خلاقیت و روح لطیف و هنرمند اصفهانی های با ایمان و ولایت، نشأت می گیرد (۱). و هم چنین معماری مذهبی، حجاریهای هنرمندانه، با رنگ و آب، و حال و هوای دینی، در همه مراکز اسلامی، در جای جای جامعه بزرگ اسلامی، در کشورهای مختلف، از آثار خلاقیت روح ایمانی اصفهانی ها، به خوبی نمایان می باشد.

خاطره‌های تاریخی و به یاد ماندنی در مورد ضریح حضرت ابوالفضل علیه السلام

یکی از آثار هنری - مذهبی اصفهان، که عظمت ویژه تاریخی یافت، ضریح مقدس حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام می باشد، که به دستور مرجع عالیقدر شیعه، حضرت آیه الله العظمی، آقا سید محسن طباطبائی حکیم قدس سره در شهر اصفهان، و با همت و همکاری مردم این سامان، و به دست هنرمندان اصفهانی، ساخته شد، که حمل و نقل آن از اصفهان به شهر مقدس کربلا، بیش از یک هفته

ص: ۱۴۰

۱- جالب توجه است که، سازندگان ضریح ها و درها و منبرها و ... با تمام ابعاد هنری که دارند و هنرمندان کاشی ساز، با درج آیات و احادیث و اشعار مناسب، در متن ضریح ها و ... و نیز لوحه های کاشی و صفحات درخشان آن، به شکلی ظریف و لطیف، فرهنگ و معارف شیعه را ترویج می نمایند و بینندگان فراوان آثار هنری خود را متوجه نشانه های عظمت خاندان رسالت می نمایند و محتوای اعتقادی و اخلاقی ارزشمندی را در قالب هنرهای زیبا، عرضه می دارند

به طول انجامید، و در تمامی شهرها و روستاهای مسیر طولانی بین دو شهر، استقبال عجیب و پرشور و بی سابقه ای از ضریح مقدّس، انجام گرفت، و هزاران گاو و گوسفند قربانی گردید، و زنها، طلاهای خود را بر روی ماشین های حامل قطعات ضریح، و اتوبوس های همراهان ضریح، می انداختند، و عظمت حضرت ابا الفضل علیه السلام و ایمان و اعتقاد قلبی و بی نظیر مردم، نسبت به آن حضرت، در دو کشور ایران و عراق، و در شهرها و روستاهای مسیر راه، آن چنان به نمایش گذارده شد، که دوست و دشمن را به حیرت و تعجب واداشت.

در میان اشعار فراوانی که به مناسبت ساخت ضریح مقدّس حضرت ابا الفضل علیه السلام سروده شده، این چند بیت را که مربوط به مادّه تاریخ ساخت ضریح می باشد، به عنوان نمونه نقل می نمائیم (۱).

بر طبق امر آیت حق (حضرت حکیم) *** آن کس که حکم او به همه شیعیان رواست

شد این ضریح، ساخته در شهر اصفهان *** شهری که گر جهان هنر خوانمش سزااست

تاریخ این ضریح (طلائی) چنین سرود *** (عبّاس میر جنگ و علمدار نینواست)

و هم چنین از سروده ارزشمند مرحوم استاد جلال الدین همائی (سنا) که به ضریح مقدّس حضرت ابا الفضل العبّاس علیه السلام نوشته شده، شعر آخر آن را که

ص: ۱۴۱

۱- تاریخ ساخت ضریح ۱۳۸۴ قمری برابر با سال ۱۳۴۴ شمسی میباشد، و اشعار یاد شده، در کتاب آئینه ایثار، صفحه ۱۴۰ - ۱۴۲ نقل گردیده است

مادّه تاریخ می باشد ، ذکر می نمائیم .

بهر تاریخ ، همائی «سنا» گفت (بین *** کایت صنّع پدیدار شد از حُکم حکیم)

عکس



۵- زندگی و مزار امامزادگان از ریشه های رشد تشیع در منطقه اصفهان

اشاره

ص: ۱۴۳

قبل از آن که به معرفی برخی از امامزادگان مدفون در منطقه اصفهان بپردازیم، و اشاره ای به شمار فراوان آنها، در مجموع شهر و حومه این شهر تاریخی بنمائیم، مقدمه ای را درباره نقش امامزادگان در طول زمان، و در عموم بلاد، و نیز علل و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها، تقدیم خوانندگان عزیز می‌نمائیم، امید است برای آگاهی نسبت به عظمت و آثار و برکات آن عزیزان خدا و رسول مفید باشد، و برای این کمترین (نویسنده حقیر و نیازمند شفاعت رسول الله و ائمه معصومین و خاندانشان علیهم السلام) ذخیره ای باشد، برای روزی که در باره آن گفته شده:

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

امامزادگان، و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها

با مطالعه تاریخ اسلام و مسلمین، و بررسی تاریخ بلاد و مراکز بزرگ تمدن و قدرت مسلمین، می‌یابیم که فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امامزادگان علیهم السلام، از نفوذ معنوی و اجتماعی فراوانی برخوردار بوده‌اند، و با این که قدرتهای طاغوتی بسیار خطرناکی، همانند: امویان و عباسیان، در طول چندین قرن، و در عموم بلاد اسلامی، در سرکوبی علویان و فاطمیان (سادات و ذراری رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهراء علیهم السلام) از هیچ گونه وسیله ای (اعم از نظامی و سیاسی و اقتصادی و تبلیغی) صرف نظر نمی‌کرده‌اند، و همیشه در میدانهای نبرد و در زندانها، و نیز در صحنه های اجتماعی، به قلع و قمع و منزوی ساختن آنها، همت می‌گماشته‌اند، ولی با این حال در کشورهای حجاز، مصر، عراق، ایران، سوریه، لبنان و...، هزاران هزار بقعه مورد توجه، و صحن و سرای باشکوه،

و گنبد و مناره جالب توجه ، با عنوان : « إمامزاده » یا « آستانه » یا « مقام » یا « مقبره » یا « بقعه » ملاحظه می شود که گروه گروه ، و دسته دسته ، زائرین را از راههای دور و نزدیک ، به خود جذب می نماید ، و محلّ اجتماع دلهای با ایمان ، و قلبهای با صفا ، و عاطفه های دینی ، می باشد .

بارگاههای ملکوتی و باشکوه

آستانه مقدسه بانوی بزرگ تاریخ اسلام و اهل البیت علیهم السلام ، حضرت زینب علیها السلام در مصر ، و نیز آستانه مقدسه نفیسه خاتون، در همان کشور، و صحن و بارگاه عظیم دیگری ، به نام حضرت زینب علیها السلام در شام (سوریّه)، و هم چنین ، حرم و مقام بسیار مجلل حضرت رقیه علیها السلام در شام ، و مقامات متعلّق به اهل البیت علیهم السلام در باب الصغیر شام (دمشق ، مرکز حکومت امویان) و زیارتگاههای بسیار فراوان سادات و امامزادگان ، در کشور عراق ، و صحن و سرای بسیار عجیب و شگفت انگیز حضرت معصومه علیها السلام در قم، و بارگاه چشم گیر و بزرگ حضرت عبد العظیم علیه السلام در شهر ری ، و صحن و بارگاه مجلل حضرت أحمد بن موسی (شاه چراغ) در شیراز ، که هر کدام از این زیارتگاههای باشرافت ، نمایشگاهی است بزرگ از هنر ، ابتکار ، سلیقه ، صنعت ، ایمان و اعتقاد و عواطف پاک هزاران هزار معمار ، خطاط ، استاد کار بنا ، حجّار ، گچ بُر ، نقّاش ، کاشی کار، طوّاح و ... و اثری است بزرگ ، از روح ایثار ، جود و بخشش و فداکاری مردان و زنان با ایمانی که ، در راه حفظ آثار عزیزان خدا و رسول صِلَمَی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَ سَلَمَ ، از هیچ گونه انفاق و نیکوکاری ، دریغ نکرده اند، و سرمایه و ثروت غیرقابل احصائی را ، در راه حفظ و نگهداری این مکانهای مقدّس ، و تجلّی و شکوه این بارگاههای ملکوتی ، به مصرف رسانیده و خرج کرده اند .

آری ، در هر شهر بزرگ و کوچک ، یا هر روستا و ده ، و هر دشت و صحرائی قدم بگذاری ، امامزاده هائی می بینی که نه تنها صحن و سرای مورد توجه ، و زائر و هوادار فراوان دارند، بلکه در بعضی از شهرها ، رقم این امامزاده ها به دهها می رسد ، و در بعضی موارد، صحن و سرا ، و گنبد و مناره و ضریح و رواق یک امامزاده ، از دیدنی ترین آثار و بناهای آن شهر ، و شکوه و جلال آن ، در آن شهر ، بی نظیر و بی مانند است ، و اجتماع مردم در آن صحن و سرا ، از بزرگترین اجتماعات آن شهر و دیار می باشد ، و

باصفا ترین دلها ، و شیفته ترین قلبها ، در آن اجتماعات بزرگ ،

گرد هم می آیند ، و پاکترین زمزمه ها ، و عمیق ترین ناله ها ،

و پرسوز ترین مناجاتها را ، در جوار آن امامزاده سر میدهند ،

و به پرستش حق و انس با اولیای او ، می پردازند .

چه بسیار لذت بخش و روح افزاست ، ساعتی زیارت و دعا و سوز و گداز در حرم حضرت أبا الفضل العباس علیه السلام در کربلا ، و حرم حضرت زینب و حضرت رقیه علیهما السلام در سوریه ، و حرم حضرت معصومه علیها السلام در قم ، و حرم حضرت عبد العظیم علیه السلام در شهر ری ، و حرم حضرت أحمد بن موسی علیه السلام در شیراز ، و نیز هر کدام از حرمهای یادگارهای رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ ، در گوشه و کنار بلاد اسلام ، که در هر کدام از آنها ، ستاره های فروزان به خاک افتاده ، و در زمین فرو رفته است ، چنانچه دعبل خزاعی در اشعار (مدارس آیات) خود اشاره نموده ، و در محضر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام خوانده است که :

أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا بَنَّةَ الْخَيْرِ فَأَنْدُبِي *** نَجُومَ سَمَاوَاتٍ بِأَرْضِ فَلَاتٍ

یعنی : ای فاطمه زهراء علیها السلام وای دختر بهترین ها ، برخیز و ندبه و گریه کن ،

بر ستاره های آسمان (فضیلت) که در زمین بی آب و علف و صحرای خشک ،

افتاده اند .

پاسخ به سؤالی قابل توجه

در اینجا سؤالی را مطرح مینمائیم که ، دلیل این مطالب چیست ؟ چرا آن همه دشمنی ، امامزادگان را از صفحه تاریخ حذف نموده ؟ و چرا اینهمه عظمت ، در طول چهارده قرن ، به نمایش در آمده است ؟ و جواب این سؤال را در دو قسمت خلاصه مینمائیم .

تأکید خداوند متعال ، و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر محبت أهل البيت عليهم السلام

اولین دلیل این همه عظمت ، دستورهای اکید و توصیه های مکرری است که ، در قرآن مجید و کلمات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، برای مودت ذوی القربی ، و محبت نسبت به أهل البيت عليهم السلام و حمایت از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عموماً ، و نیکان آنها بالخصوص ، وارد شده است ، که ذیلاً به چهارده مورد از آنها ، اشاره می نمائیم :

۱- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۱) .

یعنی : ای پیامبر ! بگو از شما اجر و مزدی نمی خواهم ، جز اظهار دوستی درباره نزدیکانم .

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ أُجْرَتِي عَلَيْكُمْ ، الْمَوَدَّةَ فِي أَهْلِ بَيْتِي

ص: ۱۴۸

۱- سوره شوری ، آیه ۲۳

وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ غَدًا عَنْهُمْ ، فَمَخِئْ بِكُمْ فِي الْمَسْأَلَةِ (۱).

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: همانا ، خداوند مزد مرا بر شما ، دوستی أهل بیت من قرار داده ، و من فردای قیامت ، در باره آنها از شما سؤال میکنم ، و در این سؤال ، اصرار و إلحاح خواهم نمود .

۳- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَيُّمَا رَجُلٍ صَنَعَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي صَنِيعَةً ، فَلَمْ يُكَافِئْهُ عَلَيْهَا ، فَأَنَا الْمُكَافِيءُ لَهُ عَلَيْهَا (۲) .

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر مردی که به یکی از فرزندان من خدمتی نیکو نمود ، و آن فرزند ، پاداش آن را نداد ، من پاداش آن عمل نیک را (به آن مرد نیکوکار) خواهم داد ، و جبران خواهم نمود .

۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَكْرَمُوا ذُرِّيَّتِي ، الصَّالِحِ اللَّهِ وَالطَّالِحِ لِي (۳) .

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: گرامی دارید ذرّیه مرا ، صالح (آنها) را برای خدا ، و بد (آنها) را ، برای خاطر من .

۵- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَكْرَمُوا أَوْلَادِي ، الصَّالِحُونَ لِلَّهِ ، وَالطَّالِحُونَ لِي (۴) .

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند : گرامی دارید اولاد مرا ، شایستگان آنها را برای خدا ، و ناشایستگان آنها را ، برای من .

۶- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي مِنْ بَعْدِي ، وَالْقَاضِي

ص: ۱۴۹

۱- شرف النبی از ابوسعید خردگوشی ، صفحه ۲۵۲

۲- أمالی شیخ طوسی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۶۵ و بحار الأنوار ، جلد ۶ ، صفحه ۲۲۵

۳- جامع الأنساب روضاتی ، صفحه ۵۴ ، به نقل از سراج الأنساب

۴- جامع السعادات ، جلد ۲ ، صفحه ۲۱۴ ، و جامع الأخبار ، صفحه ۱۶۶ ، و جامع الأنساب ، صفحه ۵۴

لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ ، وَ السَّاعِ لَّهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ ، وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ (۱).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : چهار دسته و گروهند ، که من در روز قیامت شفاعت آنها را می‌نمایم ، یکی آنکه ذرّیّه مرا پس از من اِکرام نماید ، و دوّم آنکه حاجت ذرّیّه مرا روا نماید ، و سوّم آنکه کوشش نماید در کارهای ذرّیّه من ، در وقتی که آنها نیاز به همکاری دارند ، و چهارم آنکه ذرّیّه مرا با قلب و زبان خود دوست بدارد .

أبوسعید واعظ خرگوشی ، که از علماء و حَفَظ حدیث اهل سنّت است ، همین روایت را با کمی اختلاف نقل نموده ، که ذیلاً بیان میداریم .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ وَ لَوْ أَتَوْا بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ ، الضَّارِبُ بِسَیْفِهِ أَمَامَ ذُرِّيَّتِي ، وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ ، وَ السَّاعِي لَهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ عِنْدَمَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ ، وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ (۲).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : چهار دسته اند ، که من شفیع آنها خواهم بود ، گرچه گناهان اهل زمین را مرتکب شده باشند ، اوّل ، کسی که در جلو ذرّیّه من شمشیر بزند (و با شمشیر در راه آنها بجنگد) و ... ، و علامه حلّی ، در ضمن وصایای خود به فرزندش ، فخرالمحقّقین ، سفارش اکید در مورد ذرّیّه رسول خدا و علویّین می‌نماید ، و حدیثی را مشابه حدیث فوق نقل نموده با مقداری تفاوت ، که جالب توجه می‌باشد (۳).

ص: ۱۵۰

۱- عیون أخبار الرضا، جلد ۱، ص ۲۵۳ ، و أمالی شیخ طوسی، جلد ۱، ص ۳۷۶

۲- شرف النبی ، صفحه ۲۷۴

۳- قواعد الأحكام، علامه حلّی ، صفحه آخر، بخش وصیت علامه به فرزندش ، و جامع الأنساب ، صفحه ۶۰

۷- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَحْتَقَرَ أَوْلَادِي أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ السَّمْعَ وَالبَصَرَ (۱).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر کس حقیر بشمارد اولاد مرا، خدا گوش و چشم او را می گیرد (و گوش شنوا و چشم بینا ، از او سلب می شود) .

۸- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ ، حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ... (۲).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : ادب کنید فرزندان خود را بر سه خصلت و رفتار، دوستی پیامبرتان ، و دوستی اهل بیت او ، و قرائت قرآن ...

۹- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اجْبُونِي لِحُبِّ اللَّهِ وَاجْبُوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي (۳).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : دوست بدارید مرا، به خاطر دوستی خدا ، و دوست بدارید اهل بیت مرا ، به خاطر دوستی من .

۱۰- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَعَّ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَدًا كَافَيْتُهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ (۴).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : هر کس که ، نیکی کند با یکی از اهل بیت من ، در روز قیامت ، من مکافات خواهم نمود .

۱۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ زَارَ وَاحِدًا مِنْ أَوْلَادِي فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ ، فَكَأَنَّمَا زَارَنِي (۵).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : هر کس یکی از اولاد مرا در زمان حیات ، یا پس از مرگ او ، زیارت کند ، گویا مرا زیارت کرده است .

ص: ۱۵۱

۱- میزان الأنساب ، صفحه ۸ ، به نقل از فضائل السادات

۲- الجامع الصغیر ، سیوطی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

۳- شرف النبی ، خرگوشی ، صفحه ۲۵۹

۴- شرف النبی ، صفحه ۲۷۰

۵- یادداشهای سید مصلح الدین مهدوی ، به نقل از مشاهد العتره و جامع الأخبار

۱۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرُّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا (۱).

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر کس مرا زیارت کند، یا یکی از ذریّه مرا زیارت کند، من او را در روز قیامت زیارت می کنم ، و او را از هولها و ترسهای قیامت ، می رهانم .

۱۳- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي دَارِ الدُّنْيَا بِقِيْرَاطٍ ، كَأَفْتِيْتُهُ بِقِنْطَارٍ (۲).

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند : هر کس به یکی از اهل بیت من صله کند در دنیا به یک قیراط (۳)، پاداش و مکافات می دهم او را به یک قنطار (۴) .

۱۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، فَلْيَصِلْ (فَلْيَصِلْ) عَلَى أَهْلِ بَيْتِي وَ يَدْخُلِ الشُّرُورَ عَلَيْهِمْ (۵) .

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند : هر کسی قصد دارد که متوسل شود به من، و بخواهد که دستی در نزد من داشته باشد ، که به خاطر آن، در روز قیامت او را شفاعت کنم ، پس درود بفرستد بر اهل بیت من (یا صله کند بر اهل بیت من)

ص: ۱۵۲

۱- یادداشتهای آقای سید مصلح الدین مهدوی ، به نقل از کتاب مشاهد العتره ، و نیز ، ثواب الأعمال مرحوم شیخ صدوق

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۱ ، صفحه ۵۵۸ (کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر)

۳- یک قیراط ، مساوی است با چهار جو و چهار حبه ، و به اندازه های دیگر هم تعریف شده است ، ولی در هر صورت، اندازه کمی است

۴- یک قنطار ، مساوی است با ، یک صد و بیست رطل ، یا پوست گاوی که پر از طلا کنند، و با اندازه های دیگر ، ولی در هر صورت ، اندازه بزرگی است

۵- وسائل الشیعه، جلد ۱۱ ، صفحه ۵۵۸ (کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر)

و آنها را مسرور نماید .

این بود ، چهارده کلام نورانی ، از قرآن مجید ، و احادیث پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره تشویق و ترغیب مردم ، در امر محبت و نیکوکاری نسبت به ذرّیة رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و احسان و نیکی به آنها ، و محبت و دوستی و اظهار علاقه در برابر آنها ، و نیز درباره زیارت قبور و تجلیل از مزارهایشان . و اگر بخواهیم مجموع روایاتی که از پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این زمینه رسیده ، و در کتب شیعه و سنی نقل گردیده ، و هم چنین روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام درباره سادات و ذراری پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وارد شده ، نقل نمائیم ، خود کتاب مفصلی خواهد شد ، و از هدف این کتاب دور میباشد ، و لذا به همین مقدار اکتفا می نمائیم .

سخنی شیوا ، از علامه مجلسی

و هم اکنون ، این قسمت مهم را ، با سخنی از علامه مجلسی قُدسُ سِرُّهُ درباره زیارت امامزادگان به پایان می بریم ، که عبارتی کوتاه و مضمونی بلند و ارزشمند دارد ، و راهنمای گرانبهائی در این زمینه به شمار می رود:

ثُمَّ اعْلَمَنَّ أَنَّ الْمَشَاهِدَ الْمُنْسُوبَةَ إِلَى أَوْلَادِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِيَةِ وَالْعِزَّةِ الطَّاهِرَةِ وَأَقَارِبِهِمْ (صلوات الله عليهم) يُسْتَحَبُّ زِيَارَتُهَا وَالْإِلْمَامُ بِهَا ، فَإِنَّ فِي تَعْظِيمِهِمْ ، تَعْظِيمَ الْأَئِمَّةِ وَتَكْرِيمَهُمْ ... (۱).

یعنی : بدان که ، مشهدها (و مزارها)ئی که نسبت داده شده است به اولاد امامان و پیشوایان ، و عترت پاکیزه (پیامبر) و نزدیکان و خویشان ائمه معصومین (صلوات الله عليهم) ، همانا مستحب است زیارت کردن آنها ، و توجه و قصد آنها ، زیرا تعظیم آن امامزادگان ، تعظیم ائمه ، و تکریم امامان

ص: ۱۵۳

معصوم علیهم السلام می باشد (و هرگونه تجلیلی درباره آن زادگانِ امام، تجلیل و بزرگداشت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمَ و امامان معصوم علیهم السلام ، به شمار می رود).

۲- فضائل و کمالات، و خدمات دینی و علمی و اجتماعی امامزادگان علیهم السلام

دومین دلیل عظمت و نفوذ معنوی و اجتماعی امامزادگان ، فضائل اخلاقی و معنوی و کمالات نفسانی آنها ، و خدمات های دینی و اجتماعی آنان ، به ملت مسلمان و دوستان اهل بیت علیهم السلام ، می باشد .

با مطالعه در تاریخ اسلام و مسلمین و امامان و امامزادگان ، به خوبی واضح می شود که فضائل نفسانی و کوشش ها و خدمات عملی فرزندان ائمه ، نقش بسیار زیادی ، در توجه دلها به سوی اهل بیت علیهم السلام و فرزندان عزیز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمَ و ائمه معصومین عالیهم السلام داشته است ، که مجموع آن فضائل را در چند قسمت ، خلاصه می نمائیم :

۱- علم و دانش

با یک مطالعه سریع و فراگیر ، می یابیم که علم و دانشی که از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمَ در اختیار جامعه قرار گرفته، اعم از :

۱- علم لدنی ، همانند : علوم بی پایان ائمه علیهم السلام و امام زادگانی که ، (لَهُمْ شَأْنٌ مِنَ الشَّأْنِ) و شمه ای از علم لدنی ، داشته اند ، همانند : حضرت زینب علیها السلام که امام سجّاد علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند : أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ

۲- علم اکتسابی ، همانند علم و دانش خیره کننده سید مرتضی و سید رضی و سید بن طاووس و سید مهدی بحر العلوم و تمامی محققین بزرگ و مراجع تقلیدی که ، از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمَ بوده اند ، و شمار آنها به هزاران هزار

می رسد ، و علم و دانش ، و بینش و اندیشه ، و تحقیقات علمی آنها ، چراغی فرا راه زندگی انسانها بوده است .

۲- مقامات معنوی

یک سیر مطالعاتی در تاریخ ائمه معصومین علیهم السلام و امامزادگان علیهم السلام ، بررسی آثار وجودی آنها در زمان حیاتشان و پس از مرگ یا شهادتشان ، نشان می دهد که مقام معنوی آنها در پیشگاه خداوند متعال تا چه اندازه رفیع و برجسته است . معجزات و کرامات آنها ، که در زمان حیاتشان رخ داده ، و نیز کراماتی که از قبر آنها ظاهر گردیده ، و مردم در طول تاریخ چهارده قرن ، در اثر توسل به آن بزرگواران دریافته اند ، همه و همه ، نشان دهنده مقامات ماوراء الطبیعه آن انسانهای الهی است .

بسیاری از قبور امامزادگان ، در اثر ظهور معجزه یا معجزاتی ، شناسائی شده و یا حفظ گردیده ، و یا تعمیر اساسی و تجدید بنا شده ، و مورد توجه زائرین و علاقه مندان قرار گرفته است .

نویسنده این سطور ، تا کنون معجزات و کراماتی که خودم در جریان وقوع آنها قرار گرفته ام ، یا به نحو معتبر و اطمینان بخش شنیده و باور کرده ام ، درباره حضرت ابا الفضل علیه السلام ، حضرت زینب علیها السلام حضرت رقیه علیها السلام ، حضرت علی اکبر علیه السلام حضرت معصومه علیها السلام ، حضرت علی بن محمد الباقر علیه السلام (در مشهد اردهال) و ... ، رقم بسیار بالائی را تشکیل می دهد ، و هر کدام از مردم ، چه بسیار کراماتی که از یک یک امامزادگان ، در گوشه و کنار شهرها ، و در پهنه صحراها و بیابانها دیده اند ، و باور کرده اند که :

آن بزرگواران ، برگزیدگان خداوند متعال هستند ، و از اولیاء الله به شمار می آیند

۳- آثار و خدمات اجتماعی

شخصیت علمی و دینی و لیاقت و کفایت روحی، و نیز قدرت تدبیر و تفکر و میراث‌های ذاتی، که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام در وجود امامزادگان بوده، آنها را منشاء بزرگترین خدمات اجتماعی و برکات گوناگون، قرار داده است. سادات و ذراری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، در هر شهر و دیاری که رفتند، به صورت تبعید، یا به منظور دوری از دسترس طاغوت‌های ستمگر، و یا به عناوین دیگر، آنقدر آثار و برکات وجودی از خود به جای گذارده‌اند، و در دستگیری از مردم نیازمند کوشیده‌اند، و با عقل و تدبیر خود، در حل مشکلات مسلمانها اقدام نموده‌اند، که از عزیزترین مردم به شمار آمده، و طبق سنت:

(الْأَنْسَاءُ عِبَادُ الْإِحْسَانِ) و (الْإِنْسَانُ مَجْبُولٌ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهِ) (۱) مردم را به سوی خود جذب نموده‌اند.

۴- مبارزه با ظلم

روح آزاد و ایمان و اعتقاد امامزادگان، و خصلت ستم ستیزی و عدالت خواهی آنها، عامل بسیار مهمی در نفوذ اجتماعی و عظمت شخصیتشان بوده، زیرا، مردمی که از ستمگری امویان و عباسیان، و دیگر طاغوتها به ستوه می‌آمدند، و تشنه فریادی عدالت خواهانه و ستم ستیز، میگردیدند، این امامزادگان پاک سرشت و عدالت طلب بودند، که به سوز دل مظلومان، و آتش درون مردم زجر کشیده، توجه می‌نمودند، و تا پای جان، و با تحمل زندانها و آوارگی‌ها، و پذیرفتن شکنجه‌ها و آزارها، برای رساندن فریاد ستمدیدگان،

ص: ۱۵۶

۱- یعنی: «مردم بنده احسان هستند» و «انسان، به نحو طبیعی و جبلی، دوست می‌دارد کسی را که به او نیکی کند»

به گوش جهانیان ، مقاومت می نمودند .

آری ، این پاکان و پاکیزگان ، در راه مبارزه با ستم و ستمگران ، با مال و جان و آبرو ، قدم بر می داشتند ، و در نتیجه ، در اعماق دل مظلومان و حق طلبان ، جای می گرفتند ، و هم چنانکه ستمگران ، خانه خود را در دل مردم از دست می دادند ، و خانه خراب می شدند ، آنها خانه هائی آباد ، در دل های مؤمنین پیدا می کردند که :

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ، سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۱) . در اینجا دلایل عظمت اجتماعی و تاریخی و عوامل نفوذ امامزادگان را در دلها ، به پایان می بریم ، و به بحث و بررسی فشرده ای راجع به امامزادگان اصفهان ، می پردازیم .

ورود امامزادگان و ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصفهان

پس از آن که حکومت ستمگران اموی و عباسی ، موجب پراکندگی سادات و ذراری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گردید ، و هر کدام از آنها به شهر و کشوری روانه گردیدند ، و هر ده یا روستائی را به عنوان محل زندگی و یا مبارزات و فعالیت های اجتماعی خود برگزیدند ، برخی از شهرها ، شمار بیشتری از سادات و امامزادگان را (اعم از آنان که با واسطه کم به امام معصوم علیه السلام منسوب می شدند ، یا با واسطه بیشتری ، انتساب به امام و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می یافتند ، مثل امامزادگانی که مربوط به قرنهای پنجم و ششم و ... بوده اند ، و طبعاً انتساب آنها به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام ، با چندین واسطه بوده است) به سوی خود جذب نموده است .

ص: ۱۵۷

۱- سورۀ مریم ، آیه ۹۶ ، یعنی : همانا ، آنان که ایمان آورده ، و عمل صالح انجام داده اند زود باشد که خداوند برای آنها ، دوستی (در دلها) قرار دهد

شهر اصفهان ، از جمله شهرهائی است که شمار بسیاری از سادات را به سوی خود جذب نموده ، و بسیاری از ذراری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمَ در آن زندگی نموده اند، و برای اثبات این مطلب ، دو دلیل روشن اقامه مینمائیم :

الف- نام امام زادگان اصفهان، در کتب تراجم و أنساب

آشنائی با امامزادگانی که در کتب تراجم و أنساب ، مورد توجه قرار گرفته اند ، و از هجرت آنها به اصفهان یاد شده است ، و به عنوان نمونه ، از ساداتی که در کتاب نفیس مُتَقَلَّهَ الطَّالِبِيَّةِ ، مورد ذکر قرار گرفته اند، و نویسنده کتاب یاد شده، از هجرت و اقامت آنها در اصفهان ، بحث نموده ، یاد می نمائیم .

نویسنده کتاب ، شریف نَسَابَه ، أبو اسماعیل ، ابراهیم بن ناصر طباطبا ، از علماء بزرگ قرن پنجم هجری ، و از مفاخر علمی خاندان بزرگ طباطبائی ، و خود ساکن اصفهان بوده (۱) و با تألیف کتاب منتقله الطالبيّه ، خدمتی بزرگ به أنساب آل ابی طالب ، و حفظ تاریخ درخشان آنها ، و روشن ساختن سوابق تشیع و ولایت مردم اصفهان نموده (۲) ، و نشان داده است که تا چه اندازه ، مهر و محبت مردم اصفهان نسبت به أهل البيت عليهم السلام ریشه دار و قوی بوده ، که شمار بسیاری از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمَ و أمير المؤمنين عليه السلام و فاطمه زهراء عليها السلام را ، در میان خود جای داده اند .

ص: ۱۵۸

- ۱- به صفحه ۳۲ و ۳۵ و ۳۷ از مقدمه ، و صفحه ۳۹ و ۴۵ و ۳۴۵ از متن منتقله الطالبيّه ، چاپ نجف ، مراجعه شود .
- ۲- برخلاف شهرت سنّی گری اصفهان در گذشته ، نشانه های بزرگی از سوابق فداکاری بسیاری از مردم اصفهان ، در گذشته تاریخ ، در راه تشیع و ولایت أهل البيت عليهم السلام ، در دست است ، که در بخشهای گوناگون همین کتاب ، مورد بحث و بررسی قرار داده ایم

در این کتاب ، شمار زیادی از سادات و علویین ، مورد معرفی قرار گرفته اند که از شهرهای دیگر، به اصفهان منتقل شده اند، و عدّه ای از آنها ، اولاد و اُحفادشان در اصفهان اقامت نموده ، و هرکدام سلسله ای از سادات و خاندانی گسترده را ، تشکیل داده اند (که تاکنون در قرن پانزدهم ، عدّه زیادی از آنها ، در اصفهان باقی می باشند) .

و در یک کلام ، گستردگی شمار سادات و اِمامزادگانی که به اصفهان هجرت نموده و اقامت جسته ، و دودمان و خاندانی را تشکیل داده اند ، نشانهٔ زمینهٔ فرهنگ و اعتقادی است که در اصفهان وجود داشته ، و از ریشه های تشیع و وابستگی و ارتباط مردم به مذهب و مکتب اهل البیت علیهم السلام در بسیاری از قرون ، می باشد (۱).

ب- مزارهای امامزادگان ، در اصفهان

اصفهان ، یکی از شهرهایی است که شمار اِمامزادگان آن زیاد می باشد ، و در حدود یکصد مزار ، تحت عنوان اِمامزاده ، در محدودهٔ اصفهان و روستاها و بخشهای نزدیک آن، وجود دارد که شیعیان و دوستان اهل البیت علیهم السلام به زیارت آنها می روند ، و متوسّل می شوند ، و عرض ادب می نمایند ، و ما به عنوان نمونه ، از چهارده اِمامزاده ، با شرح و تفصیل نسبی، و از سی اِمامزاده ،

ص: ۱۵۹

۱- حاکمیتِ قدرتهای متعصّبِ در برابر شیعه و اهل البیت علیهم السلام را ، در برخی از دوره ها همانند: دورهٔ اُمویان ، و قسمتی از دورهٔ عباسیان ، و بخشی از دورهٔ سلجوقیان ، که بیشترین فشار را بر شیعه و مذهب اهل البیت علیهم السلام ، وارد می کردند، نباید با اصل زمینه های روحی ، که در اکثر دوره ها ، در مردم اصفهان وجود داشته ، اشتباه گرفت و به هم آمیخت

با اجمال و به نحو اشاره ، یاد می نمائیم :

۱- امامزاده ابراهیم علیه السلام

مزار امامزاده ابراهیم ، که معروف به شاهزاده ابراهیم است ، بین خیابان شیخ بهائی و خیابان عباس آباد ، در محله قدیمی مستهلک ، در کوچه ای به نام همین امامزاده ، واقع گردیده است .

در زمان صفویّه ، اطراف و حوالی امامزاده ابراهیم علیه السلام ، بسیار آباد بوده ، و در دوره های بعد ، به باغ و صحرا و ویرانه تبدیل گردیده ، ولی مجدداً به صورت یکی از محله های آباد و مورد توجه ، درآمده است ، و ساختمان امامزاده تجدید گردیده ، و صحن و بارگاه و گنبد و حرم باشکوهی را شکل بخشیده است .

گنبد امامزاده ابراهیم علیه السلام کاشی کاری شده ، و در کتیبه دور آن ، سوره جمعه نوشته شده ، و در آخر آن آمده است : مؤسس این بنا ، محمد بصیری ۰ به کمک صاحبان خیر و همت ، در سال ۱۳۴۷ ساختمان امامزاده ابراهیم به اتمام رسید .

نوسازی و کاشی گنبد ، در سال ۱۳۶۶ شمسی .

داخل حرم ، به وسیله آئینه کاری و گچ بری و نقاشی ، تزئین گشته ، و ضریحی زیبا دارد ، که تاریخ ساخت آن ، ۱۳۵۲ شمسی می باشد .

زائرین (مخصوصاً در اوقات و مناسبت های ویژه مذهبی) از راه دور و نزدیک ، به زیارت این امامزاده بزرگوار مشرف می شوند .

در کتابهای : آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۴۱ و دانشمندان و بزرگان اصفهان (مقدمه) صفحه (ی) و دائره المعارف تشیع ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۲ - ۴۰۳ ، از این امامزاده بزرگوار ، یاد شده است .

ص: ۱۶۰

۲- امامزاده ابراهیم علیه السلام (امامزاده نر می)

امامزاده ای است واقع در روستای نر می ، از توابع شهر دولت آباد، و متصل به شهرک امام حسین علیه السلام ، که با فاصله ۵۰ کیلومتر ، در شمال اصفهان بزرگ ، قرار گرفته است .

فقیه بزرگ و مجتهد عالی مقام ، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، او را یکی از امامزاده های معتبر شمرده ، و نسب وی را ، ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام دانسته است (۱).

و محقق و مجتهد و رجالی نامدار ، آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی ، در کتاب روضات الجنّات ، به نقل از یکی از کتب أنساب (که دارای اعتباری بوده) ، امامزاده یاد شده را ، فرزند بلا واسطه امام موسی بن جعفر علیه السلام دانسته است (۲) .

و هم چنین حاج ملاّ- محمد هاشم خراسانی ، در منتخب التّواریخ، باب یازدهم، در ذکر مدفونین در اصفهان ، و نیز مجتهد نامدار، مرحوم آخوند گزی ، این بزرگوار را ، فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به شمار آورده اند .

این امامزاده ، در قدیم آلائیم ، بقعه و بارگاهی نسبتاً متوسط داشته ، ولی در حال حاضر توسعه بسیار جالبی یافته ، که بیان می داریم :

در شمال حرم، یک صحن قدیمی وجود دارد، که در سالهای اخیر کاشی کاری شده و تزیین یافته ، و شروع آن تزیینات ، از حدود سال ۱۳۴۲ شمسی بوده ، و آخرین قسمت آن ، لوح بزرگی کاشی کاری است ، که در آن

ص: ۱۶۱

۱- میزان الأنساب ، صفحه ۴۹

۲- روضات الجنّات ، در قسمت شرح حال امامزاده عظیم الشان ، حضرت عبدالعظیم حسنی ، صفحه ۳۵۷

تاریخ ولادت و شهادت معصومین علیهم السلام با خط سفید بر زمینه لاجوردی نوشته شده ، و مورخ به تاریخ ۱۴۰۸ قمری (برابر ۱۳۶۷ شمسی) می باشد .

در طرف جنوب حرم ، یک صحن بسیار بزرگ در قطعه زمینی به مساحت تقریبی شش هزار متر تأسیس گشته ، که در اطراف آن اطاقهای زیادی برای سکونت زائرین در نظر گرفته شده ، و ایوان و سردر باشکوهی به سوی حرم ساخته شده ، که در آینده در نظر دارند دو مناره بلند برای حرم امامزاده در دو طرف آن بسازند ، و در دو طرف ایوان ، رواقها و لوازم گسترده یک حرم مجلل ، در نظر گرفته شده است . ساختمان این صحن و سردر ، آماده گردیده ، ولی تزئینات آن (از قبیل آینه کاری و کاشی کاری و ...) انجام نگرفته است .

ایوان حرم در صحن قدیم ، آینه کاری شده ، و در داخل حرم ، از سنگهای مرمر و نقاشی استفاده گردیده ، و در طرف غرب حرم یک رواق ساخته اند ، که در سقف آن از گچ بری و آینه کاری و نقاشی ، بهره گیری شده است .

در تزئین ضریح مطهر ، از طلا و نقره استفاده نموده اند ، و تاریخ ساختن آن ، ۱۴۰۸ قمری میباشد . گنبد امامزاده ، قدیمی و کوچک می باشد ، و کاشی کاری شده است . جمعی از صلحاء و مؤمنین ، در جوار امامزاده ، و در صحن و اطاقهای آن ، دفن گردیده اند ، که عده ای از آنها ، از علماء بزرگوار و دارای شخصیت علمی و اجتماعی بوده اند ، همانند :

۱- مرحوم آقا میرزا علی اصغر نوری ، متوفای ۱۳۳۳ قمری (مدفون در حرم)

۲- مرحوم حاج میرزا محمد علی فرقانی آذرمناباد ، متوفای ۱۳۵۹ قمری .

۳- مرحوم حاج ملا حسن دولت آبادی ، متوفای ۱۳۶۰ قمری .

۴- مرحوم آقا سید عبدالوهاب سهل آبادی ، متوفای ۱۳۷۳ قمری .

۵- مرحوم آقا شیخ حبیب الله محقق ، متوفای ۱۳۷۸ قمری .

۶- مرحوم آقا سید حسن نوری ، متوفای ۱۳۸۳ قمری . که همه ، از علماء مورد توجّه و احترام بوده اند .

۳- امامزاده أحمد علیه السلام

از امامزاده های معتبر اصفهان ، و ساختمان بقعه و مزار آن ، از قدیمی ترین مزارات اصفهان می باشد .

صاحب ریاض العلماء ، به مناسبت بیان شخصیت امامزاده عظیم الشان ، حضرت علی بن محمد الباقر علیه السلام ، که در مشهد آردمال (در حوالی کاشان) مدفون می باشند، و از امامزاده های مهم و مشهور ایران ، به شمار می روند ، فرموده است :

وَاعْلَمَنَّ أَنَّ السَّيِّدَ الْجَلِيلَ، أَلْسَيْدَ أَحْمَدَ، أَلْمَعْرُوفَ بِإِمَامِ زَادِهِ أَحْمَدَ، أَلْمَقْبُورَ فِي مَحَلَّةِ بَاغَاتِ، بِإِصْفَهَانَ (۱) قَدْ كَانَ وَلَدَ هَذَا السَّيِّدِ الْجَلِيلِ (۲) .

و بدین طریق ، امامزاده احمد علیه السلام را ، سبط امام باقر علیه السلام و فرزند امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام ، به شمار آورده است .

فقیه و رجالی نامدار ، مرحوم صاحب روضات الجنّات ، در شرح حال امامزاده عظیم الشان ، عبدالعظیم حسنی علیه السلام (به مناسبت) امامزاده أحمد را ،

ص: ۱۶۳

۱- محله باغات ، محله ای است واقع در کنار جاده محله خواجه ، که در آن امامزاده أحمد بن علی بن محمد باقر علیه السلام ، حسینی ، مدفون است (آثار ملی اصفهان ، صفحه ۱۸۷)

۲- ریاض العلماء ، جلد ۴ ، صفحه ۲۱۷ یعنی : بدان که سید جلیل القدر ، سید أحمد ، معروف به امامزاده احمد ، که در محله باغات اصفهان به خاک سپرده شده ، به تحقیق ، فرزند این سید جلیل (امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام) بوده است

یکی از چند امامزاده معتبر در ایران ، به شمار آورده است (۱).

و محقق و فقیه عالی مقام ، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی نیز ، امامزاده أحمد را ، یکی از چهار امامزاده معتبر اصفهان به شمار آورده و نوشته است : چهارم از امامزاده های معتبر النسب ، امام زاده أحمد می باشد ، که در طریق محله خاجوی اصفهان ، بقعه و مزار معروفی دارد ، چنانچه فاضل أفندی ، از بزرگان تلامذه علامه مجلسی ، در کتاب خود ، (ریاض العلماء) ، متعرض حال آن شده و به همین طریق ، مرقد آن بزرگوار را نموده ، و آن جناب ، أحمد بن علی بن الإمام حضرت محمد باقر علیه الصلوه والسلام می باشد ، و آثار صدق و صفا از مرقد او لائح می باشد (۲) .

و محدث بزرگوار ، مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی قُدسُ سِتْرُه ، به نقل از ریاض العلماء فرموده: در اصفهان ، نزدیک مسجد شاه ، بقعه و مزاری است به نام أحمد بن علی بن محمد الباقر علیه السلام ، و سنگی در آنجاست به خط کوفی بر آن نوشته است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَهُ ، هَذَا قَبْرُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَ
الْحَقُّهُ بِالصَّالِحِينَ (۳) .

و جابری انصاری ، در باره این امامزاده می نویسد :

دیگر از مبانی کهن ، امامزاده احمد است که نبیر حضرت امام محمد باقر علیه السلام ، و دارای مقام علم و تقوی بوده ... و پشت دیوار ضریح و رو به اُرسی ، منظر این محل ، قطعه سنگ دیگری هم بود ، نوشته : تجدید عمارت امامزاده سید أحمد

ص: ۱۶۴

۱- روضات الجنات ، صفحه ۳۵۷

۲- میزان الأنساب ، صفحه ۴۸

۳- منتهی الامال ، بخش مربوط به اولاد حضرت امام محمد باقر علیه السلام

بْنِ سَيِّدِ عَلِيِّ بْنِ سَيِّدِ مَعْصُومٍ ، از اولادِ إمامِ مُحَمَّدِ باقرِ عليه السلام ، كمتريِنِ خادمانِ ، شاهِ قَلِيِّ بْنِ عَلِيْقَلِيِّ بْنِ عَلِيِّ بَرَزِيِّ ، به سالِ ۵۳۷ نمود با سالِ رحلتِ (۱).

با توجّه به مطالبِ بالا ، اهمّيّتِ إمامزادهِ أحمدِ عليه السلام به خوبيِ روشنِ ميِ گردد ، و معلومِ ميِ شود كه از ديرِ زماني ، قبرِ مطهّرِ آن بزرگوار ، مزارِ و موردِ توجّهِ بوده ، كه در سالِ ۵۳۷ (أوائلِ قرنِ ششم) تجديدِ بنا گردیده است .

بقعه و بارگاهِ امامزادهِ أحمدِ عليه السلام

چنانچه اشاره شد ، سابقهٔ بقعه و مزارِ امامزادهِ أحمدِ عليه السلام به قبل از قرنِ ششمِ ميِ رسد ، زيرا طبقِ كتيبهٔ سنگِ گرانِ قيمتِ مذکور در بالا ، در سالِ ۵۳۷ ، ساختمانِ بقعه تجديدِ گردیده است ، چنانچه مشابهِ همينِ مطلبِ از سنگِ نوشتهٔ ديگري كه هم اكنون موجود است و جلوِ ايوانِ غربيِ بقعه نصب شده ، استفاده ميِ شود . عينِ نوشته چنين است : آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ فِي تَارِيخِ الْخَامِسِ عَشْرَةَ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَ سِتِّينَ وَ خَمْسَ مِائَةٍ (۲) كه سالِ ۵۶۳ را نشان ميِ دهد .

نوشتهٔ ياد شده ، در قطعهٔ سنگيِ يكپارچه و سياه رنگ و شفاف ، به طول سه متر ، حجّاري شده و در آستانهٔ إمامزاه ، در زيرِ پنجرهٔ اي مشبّك و چوبي و مشرف به جاده ، نصب گردیده و ميگويند : اين قطعه سنگِ بخشي از بت سومنات است ، كه سلطان محمود غزنوي آن را از هند آورده است (به تاريخ

ص: ۱۶۵

۱- تاريخِ اصفهان و ري ، صفحهٔ ۲۵۱ - ۲۵۲ ، در دنبالهٔ عبارت ، شرحِ اندازهٔ سنگ و دزديدنِ آن را نوشته است ، با اين عبارت : و بلنديِ آن سنگِ منصوبِ سياه به ديوار ، عشري كمتري از يك متر ، و عرضش نيم ذرع ، و آن را بعضيِ ألماسِ سياه مي دانستند و در سالِ ۱۳۰۷ شمسي ، شبانهٔ آن سنگ را كنده و دزديده و برده و فروخته شده ، و راه اروپا گرفت ... و آنچه مسلم است آن سنگِ گرانها ، حكمِ جواهر را داشت

۲- تاريخِ اصفهان و ري ، صفحهٔ ۲۵۳ و گنجينهٔ آثارِ تاريخيِ اصفهان ، صفحهٔ ۶۶۸

ولی ساختمان موجود امامزاده أحمد ، متعلق به دوره صفویّه است ، و در دوره حاکمیت سلطان حسین صفوی ، به وسیله محمد شرف شریف منجم ، بنا شده ، چنانچه از کتیبه سردر صحن امامزاده ، که به خط علی نقی امامی ، و مورخ به سال ۱۱۱۵ قمری هجری میباشد معلوم می گردد ، و در آن از کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی ، استفاده شده است .

چنانچه مشابه همین مطلب ، از کتیبه دیگری در ایوان ورودی حرم ، که به صورت گچ بری می باشد ، و به خط سید احمد حسینی و مورخ به سال ۱۱۱۵ است ، استفاده میگردد .

صحن امامزاده أحمد بزرگ می باشد ، و حرم امامزاده ، در طرف جنوب و بقعه آقاجنفی (۱) ، در شمال آن قرار دارد ، و در سال ۱۴۰۵ قمری ، در طرف شرق صحن امامزاده ، سالی به عنوان حسینیّه ، به وسیله مردم علاقمند شروع به ساختمان گردیده ، که در سال ۱۴۱۱ قمری ، مقارن با چهاردهمین قرن شهادت صدیقه کبری ، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام تکمیل شده ، و بهره برداری از آن ، با تشکیل مجلس عزاداری بر آن مظلومه شهیده ، به وسیله هیئت حسینی امامزاده أحمد علیه السلام ، شروع گردیده است .

ضریح امامزاده أحمد علیه السلام ، چوبی قدیمی ، با شبکه های برنجی ، و داخل حرم ، مزین به گچ بری و خطاطی و نقاشی ، و سردر و صحن امامزاده ، به کاشی کاری ، تزئین شده است .

در سال ۱۲۹۰ قمری ، تعمیرات عمده ای در بقعه و مزار امامزاده انجام

ص: ۱۶۶

گرفته ، که از نوشته های اطراف ضریح استفاده می شود، و هم چنین تعمیراتی در سال ۱۳۲۲ شمسی (حدود ۱۳۶۲ قمری)، انجام یافته است ، که از لوح سنگی منصوب بر دیوار شرقی ایوان شمالی بقعه امامزاده ، استفاده می گردد ، و در سالهای اخیر نیز ، در صحن امامزاده تعمیراتی شده است .

در جوار امامزاده احمد علیه السلام ، علاوه بر بقعه آقانجفی ، مزار همای شیرازی ، متوفای ۱۲۹۰ (۱) ، که از شعراء و نویسندگان و شخصیت های مشهور قرن سیزدهم هجری است ، و نیز مزار شاعر ادیب و نکته سنج یگانه ، میرزا أبو القاسم طرب ، متوفای ۱۳۳۰ (۲) فرزند همای شیرازی ، و جمعی دیگر از دانشمندان و مؤمنین و صلحاء ، قرار گرفته است . و نیز ، در نزدیکی امامزاده احمد علیه السلام ، مدرسه عربان ، که در سالهای اخیر به نام مدرسه آیه الله خادمی نامیده شده ، قرار دارد ، که در حال حاضر از مدارس آباد و فعال اصفهان می باشد ، و شرح آن را در بخش « مدارس علمیّه اصفهان » ذکر کرده ایم .

۴- امامزاده اسحاق علیه السلام

امامزاده ای است در محله قدیمی آسنجان ، که در حال حاضر خیابان بسیار عریضی به نام « پروین » ، از آن می گذرد، و موقعیت مهمی یافته است . این

ص: ۱۶۷

-
- ۱- ماده تاریخ فوت همای شیرازی را ، سید بقاء ، چنین سروده است: چو از بهر سرای جاودانی *** هما را زین سرا برچیده شد فرش «بقا» گفت از پی تاریخ فوتش *** (هما شد بال زن در سایه عرش) گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۷۶
 - ۲- ماده تاریخش (طرب افسوس کز این انجمن رفت) می باشد (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۷۶)

امامزاده در حال حاضر، در حاشیه شرقی « خیابان پروین » قرار گرفته، و با همت اهل محل و هیئت امناء، دارای صحن بزرگ و حرم و گنبد و مناره و ضریح و شبستان حسینی و سالن بزرگ مهمان سرا شده، و به وسیله تزئینات گسترده و کاشیکاری جالب، منظره شکوهمندی یافته، و مورد توجه زائرین می باشد. صحن امامزاده اسحاق علیه السلام، کاشی کاری جالب و مفصّلی دارد، که زیارت وارث و زیارت عاشوراء و سُورِ قرآنی و اشعار دینی در آن کتیبه شده، و تاریخهای ۱۴۱۰ و ۱۴۱۲ (قمری)، در آخر کتیبه ها دیده می شود.

ضریح جالب و زیبای امامزاده، در تاریخ ۱۴۰۹ قمری ساخته شده، و در داخل حرم، کاشی کاری و گچ بری زیبایی انجام گرفته، که تاریخ آن ۱۳۶۰ شمسی (برابر ۱۴۰۱ قمری) می باشد، و دَرَبِ حرم چوبی، و بسیار زیبا و با اُبّهت می باشد. در مناسبت های مذهبی، مجالس مفصّل و پرجمعیت، در جوار امامزاده تشکیل می شود، و همیشه نماز جماعت و برنامه های دینی منظمی در این مجموعه مذهبی، برگزار می گردد.

جابری انصاری نقل نموده، که امامزاده اسحاق علیه السلام را با امامزاده اسماعیل علیه السلام (واقع در خیابان هاتف) خویش و نزدیک می دانند (۱). بنابر این، او از سادات حسنی است، ولی مرحوم آقا سید مصلح الدین مهدوی، در یادداشتهای خود، نوشته است: ظاهراً موسوی، و احتمالاً حسنی می باشد.

در هر حال، از آثار و علامتها (که نویسنده کمترین، در جریان برخی از آنها قرار گرفته ام) استفاده می شود که این امامزاده بزرگوار، در پیشگاه پروردگاو، قرب و مقامی دارد، و از شایستگان و عزیزان خدا می باشد.

ص: ۱۶۸

امامزاده اسماعیل علیه السلام، یکی از امامزاده های معتبر، و از معروفترین امامزاده های اصفهان است.

مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که از علماء و فقهاء بزرگ اوائل قرن چهاردهم هجری در اصفهان بوده، در کتاب ارزشمند میزان الأنساب، در باره امامزاده اسماعیل علیه السلام می نویسد:

سوم از آن چهار امامزاده معتبر، امامزاده اسماعیل، مشهور به دیباج می باشد، که در محله باغ همایون اصفهان مدفون است، و بقعه معروفه دارد و قدری از آن محله، بالفعل معروف است به درب امامزاده اسماعیل، و آن امامزاده از اولاد زید بن الحسن می باشد، که از احفاد حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوه والسلام بوده... چنانچه حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله علیه در ری، از احفاد همین زید می باشد (۱).

نسب امامزاده اسماعیل، در کتیبه سرسرای بقعه امامزاده، که به سوی حرم منتهی می شود، به این شرح نوشته شده است:

هَذَا الْمَشْهُدُ وَالرَّوَضَةُ الْمُنَوَّرَةُ الْمُقَدَّسَةُ، الْإِمَامِ سَيِّدِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ الْإِمَامِ زَيْدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (۲)

و همین نسبت، در اطراف پنجره چوبی که به طرف ایوان غربی امامزاده باز

ص: ۱۶۹

۱- میزان الأنساب، صفحه ۴۷-۴۸

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۵۲۸، عبارت یاد شده هنوز باقی است، و جزء آثار تاریخی ارزشمند می باشد، ولی خالی از اشتباه ادبی نیست

می شود، نوشته شده است (۱).

ولی در برابر این مطلب، در برخی از تواریخ آمده، که اسماعیل دیباج بن ابراهیم غمر بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی علیه السلام در اصفهان بمرد، و در گلبهار آن شهر خاکسپار شد، آنگاه فرزندش ابراهیم طباطبا بن اسماعیل دیباج، نیز در جمیلان اصفهان درگذشت ... (۲).

در هر حال، انتساب امامزاده اسماعیل علیه السلام، به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام با دو واسطه، مسلم می باشد، و مرقد مطهر این امامزاده بزرگوار، از همان زمان مورد توجه بوده، زیرا در تاریخ آمده است:

اولین مسجدی که در اصفهان ساخته شده در زمان خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام در محله گلبهار، آنجا که مرقد شیعیان نبی علیه السلام بوده، و مقبره امامزاده اسماعیل، به آن ملحق و ملصق شده است (۳) و در کتیبه جانب شمالی مرقد شیعیان نبی علیه السلام نوشته شده: وَحَدَّثَنَا فِي كِتَابِ أَصْفَهَا، أَنَّ أَوَّلَ مَسْجِدٍ كَبِيرٍ بُنِيَ بِأَصْفَهَانَ مَسْجِدُ شُعْبَا وَبَنَاهُ أَبُو عَبَّاسٍ الْمُفْتَى فِي زَمَنِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَمْرُهُ الْبُ أَرْسَلَانَ بَعْدَ تَيْفٍ وَخَمْسَ مِائَةٍ بَعْدَ مَا غَلَبَهَا بِقُوَّةٍ وَقَدْ أَمَرَ بِعِمَارَتِهِ فِي عَامِ أَحَدَ عَشَرَ وَمِائَةٍ وَأَلْفٍ،

ص: ۱۷۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۵۳۴، این عبارت نیز، هنوز باقی می باشد. ولی در کتیبه سر در صحن امامزاده اسماعیل علیه السلام که متعلق به سال ۱۱۱۵ می باشد و حاج محمد ابراهیم بیگ یوزباشی، در زمان سلطان حسین صفوی آن را نصب نموده، اشتباهاً چنین آمده است: ...، أَلْسَيْدُ الْجَلِيلِ، اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ... (گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۵۴۰)

۲- دایره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۴۲، و نیز به بخش (خاندانهای علمی اصفهان، خاندان طباطبائیان اصفهان) در همین کتاب، مراجعه شود

۳- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۱۸۵ - ۱۸۶

وَبِعِبَارِهِ أُخْرَى ، هِيَ مَرْقَدُ شَعْبَا النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ، عَلَى نَقْيِ الْإِمَامِي ۱۱۱۲ (۱) (۲) که از این عبارت ، که در اوائل قرن دوازدهم نوشته شده ، استفاده میشود که در کتاب أَصْفَا (۳) آمده است که أَبُو الْعَبَّاسِ مَفْتِي ، در زمان خلافت أمير المؤمنين علی علیه السلام ، این مسجد را ساخته ، و در زمان الب أرسلان، در اوائل قرن ششم، تعمیر گردیده و در اوائل قرن دوازدهم نیز ، تعمیر یافته است .

از مطالب بالا ، نتیجه گیری می شود که مجموعه قبر شعبای نبی علیه السلام ، و مسجد مجاور او ، و مرقد امامزاده اسماعیل علیه السلام ، از دیر زمانی مورد توجه بوده ، و یک مجموعه دینی را تشکیل می داده است .

ساختمان فعلی بقعه و حرم امامزاده اسماعیل علیه السلام و مسجد شعبای نبی علیه السلام ، بخشی مربوط به دوره سلجوقی ها، و برخی مربوط به دوره آل مظفر ، (در قرن هشتم) و عمده مربوط به دوره صفویه است ، مثلاً مناره آجری و طاقهای مجاور مسجد شعیاء، مربوط به دوره سلجوقی ها (۴) و درب نفیسی که بین راهرو و حرم امامزاده اسماعیل علیه السلام و حرم شعبای نبی علیه السلام است و مثبت کاری می باشد، و از لحاظ صنعت مثبت کاری ، یکی از درهای ممتاز تاریخی اصفهان می باشد و در اطراف لنگه های راست و چپ در ، صلوات بر چهارده

ص: ۱۷۱

-
- ۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۲ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۵۲
 - ۲- در تعمیرات سالهای اخیر ، این کتیبه از بین رفته ، فقط در گچ بری اطراف محراب مسجد شعیاء علیه السلام قسمت اول این عبارات نوشته شده و موجود می باشد (به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۳۳، نیز مراجعه شود .)
 - ۳- تفسیر متوسطی است که، ملاً محسن فیض کاشانی نوشته است . الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۲، صفحه ۱۲۴
 - ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۲

معصوم علیهم السلام کنده کاری شده، (و نشان می دهد که تجلی تشیع اصفهان در قرن هشتم تا چه اندازه روشن بوده است)، از آثار دور □ آل مظفر است، و به دستور سلطان محمود آل مظفر ساخته شده، و قسمتهای عمده ساختمان حرم و نیز صحن بزرگ امامزاده (که مدرسه علمی می باشد) و کاشی کاریها و تزیینات گسترده، متعلق به دوره صفویه است، و در جای جای این مجموعه تاریخی مذهبی، تاریخهای: ۱۰۴۱ - ۱۰۴۹ - ۱۱۰۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ - ۱۱۱۴ - ۱۱۱۵، دیده می شود، و مجموعاً، در دوره های شاه عباس اول و شاه صفی و سلطان حسین صفوی، این مجموعه تاریخی و ارزشمند، شکل گرفته است.

در قدیم آلائیم، امام زاده اسماعیل علیه السلام زیارتگاه بزرگ و پر رونقی بوده، تا جائی که مرحوم جابری انصاری می نویسد: دستگاه امامزاده اسماعیل بسیار عالی بوده، خانه های اطراف داشته، که در آن شمع مومی ریختندی و مخصوصاً دو شمع مومی، شبهای جمعه روشن می کردند در شمعدان طلا که بلندی شمع به حدی بوده که با نردبان آن را روشن می کردند (۱).

و در یک نتیجه گیری فشرده، امامزاده اسماعیل علیه السلام از نظر اعتبار نسب، از مهمترین امامزاده های اصفهان می باشد، و از نظر سابقه حرم و مزار داشتن و مورد توجه بودن، در رتبه اول و با سابقه دیرین، و منتهی به همان اوائل دفن آن بزرگوار محسوب گردیده، و از نظر صحن و بارگاه و گنبد و رواق و کارهای معماری و هنری (کاشیکاری، حجاری، مثبت کاری، خطاطی و ...)، موقعیت بسیار ارزشمندی را دارا می باشد، و مجموعه بسیار نفیس و ارزشمندی به نام امامزاده اسماعیل علیه السلام در شهر بزرگ تاریخی و مذهبی و هنری اصفهان،

ص: ۱۷۲

۶- امامزاده حمزه علیه السلام (شاه میر حمزه)

بقعه و مزاری است ، که قبلاً در یک قبرستان قدیمی بوده ، متعلق به دوره سلجوقیان (۲) ، و در دوره حکومت پهلوی ، آن قبرستان از بین رفته و به جای قسمتی از آن ، دانشسرای کشاورزی ساخته شده ، و قسمت دیگری از آن ، جزء خیابان سروش قرار گرفته است .

در همین قبرستان ، قبر حکیم و طبیب و شاعر نامدار دوره صفویه ، حکیم شفائی قرار داشته ، که در جریان نابودی قبرستان ، آثار آن محو شده است (۳).

در هنگام نابود کردن قبرستان شاه میرحمزه (در دوره حکومت پهلوی) مسئولین امور مربوطه ، تصمیم گرفتند که بقعه و حرم شاه میرحمزه را نیز تخریب نمایند ، و آثار آن را به طور کلی از بین ببرند ، ولی در اثر کرامت امامزاده بزرگوار ، آتش سوزی عجیبی اتفاق افتاد ، و وسائل و تجهیزات کارهای ساختمانی و مهندسی را از بین برد ، و در نتیجه ، دست اندرکاران امر ، از ویران کردن بقعه امامزاده منصرف گردیدند ، و این قضیه در سطح جامعه و شهر اصفهان ، منتشر گردید ، و موجب جلب توجه بیشتر مردم به سوی اهل البیت علیهم السلام ، و این امامزاده عظیم الشان گردید .

ص: ۱۷۳

۱- برای آشنایی بیشتر در این زمینه ، به بخش (بقعه های علمی) و (بخش مدارس علمیه) در همین کتاب ، و نیز به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از صفحه ۵۲۱ تا ۵۴۰ ، و آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۷۵۰ تا ۷۶۲ ، مراجعه شود

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، مقدمه ، صفحه (یو)

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۷۵

طبق آنچه در لوحه ای که در حرم امامزاده میرحمزه علیه السلام منصوب است ، آن بزرگوار ، از جمله فرزندان بلا- واسطه حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد ، که در جریان ولایت عهدی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به سوی طوس حرکت کردند، ولی در میان راه ، وقتی خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام را شنیدند ، و متوجه شدند که خطر متوجه سادات و علویین گردیده ، پراکنده شدند ، و میرحمزه علیه السلام به این سامان حرکت کرد ، و در سن ۳۵ یا ۴۵ سالگی ، به دست شخصی به نام (شاهک طوسی) شهید شد و در این مکان مدفون گردید (و العلم عند الله) در حال حاضر ، مزار میرحمزه علیه السلام ، که به نام شاه میرحمزه مشهور است ، در حاشیه شرقی خیابان سروش ، در کنار بیمارستان و درمانگاه عسکریه علیه السلام (که یکی از مهم ترین مراکز درمانی و بهداشتی خیریه ای اصفهان می باشد ، و با نام مقدس حضرت عسکریین و نرجس خاتون علیهم السلام ، خدمات ارزشمند و گسترده ای به مردم عرضه می شود) قرار گرفته است . ساختمان بقعه، قدیمی است و ضریحی چوبی دارد ، و داخل حرم در زیر گنبد ، نقاشی های متعدّد از صحنه های جنگ و شهادت کربلا، دیده می شود . صحن امامزاده ، جدید البناء می باشد ، و با نمائی از آجر و کاشی ، تزیین گردیده است.

۷- امامزاده زید علیه السلام (شاهزید)

وی ، نسب به امام علی بن الحسین علیه السلام می رساند(۱) و نویسنده متتبع ، مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی ، می فرمودند که : ظاهراً امامزاده زید ،

ص: ۱۷۴

۱- اگرچه در زبان عوام ، امامزاده یاد شده، زید بن علی بن الحسین علیه السلام خوانده می شود ، ولی حتماً او ، زید، فرزند امام زین العابدین علیه السلام نیست ، بلکه با واسطه ، نسبت به امام سجّاد علیه السلام می برد

همان است که مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی در طبقات خود (الأنابس فی القرن الخامس)، از او یاد نموده، باین شرح:

زید بن علی بن محمد بن یحیی، ابویعلی حسینی از آل زبارة، که در فزویومید فرود آمده بود و در اصفهان در سال ۴۴۷، از دنیا رفت ... (۱).

مرحوم مهدوی، نسب امامزاده را در یادداشتهای خود، به این شرح تکمیل نموده اند: ابویعلی، زید بن علی بن محمد بن یحیی بن ابی الحسین، محمد بن ابی جعفر احمد بن محمد زبارة، بن عبدالله المفقود، بن الحسن المکفوف، بن الحسین الأقطس، بن علی الأصغر، بن الإمام علی بن الحسین علیه السلام (۲).

و در هر حال، امامزاده زید «شاهزید»، یکی از امامزاده های مشهور اصفهان، و مورد توجه می باشد، و در اطراف آن، قبرستان قدیمی بوده (۳) که در حال حاضر از بین رفته است، و محل آن، در شرق خیابان بزرگمهر، اول خیابان شاهزید می باشد.

ساختمان حرم، و گنبد امامزاده، متعلق به دوره صفویّه است، و معماری و تزئینات و کاشی کاری جالبی دارد، که از آثار تاریخی و میراثهای فرهنگی اصفهان به شمار می رود.

برلنگه چپ در بقعه شاهزید، به خط ثلث برجسته نوشته شده است: (بر آستانه مقدس منور شاهزید بن الإمام علی بن الحسین، رقم صحیفی

ص: ۱۷۵

-
- ۱- الأنابس فی القرن الخامس، صفحه ۸۴، و نیز به تاریخ بیهق، صفحه ۵۸، مراجعه شود
 - ۲- یاد داشتهای مرحوم آقا سید مصلح الدین مهدوی، و نیز برای آشنایی کاملتر، به (الأنابس فی القرن الخامس) صفحه ۱۸۶، و تاریخ بیهق، صفحه ۵۵ - ۵۸، مراجعه شود
 - ۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، (مقدمه) صفحه (ید)

جویمری ۹۹۴)، البته قسمت اول کتیبه موجود نیست (۱). و در یک سنگ نوشته تاریخی به خط محسن امامی، از تعمیرات بقعه شاهزید در زمان شاه سلیمان صفوی یاد شده، که شخصی به نام معز الدین محمد، مشهور به باغاتی، عهده دار انجام آن بوده است، و تاریخ آن ۱۰۹۷ هجری می باشد (۲).

در قبرستان مجاور بقعه شاهزید، و نیز در داخل بقعه، عده ای از علماء و بزرگان مدفون گردیده بوده اند، که از آن جمله است، شیخ خلیل الله، که از علماء اواخر دوره صفویّه بوده، و در سال ۱۱۱۰ از دنیا رفته، و قبر او در مجاورت بقعه چهل دختران (که در نزدیکی شاهزید و در وسط قبرستان قدیمی بوده) واقع گردیده است (۳).

آخرین تعمیرات امامزاده زید

در سالهای اخیر، تعمیرات اساسی و شایان توجهی، با کمک مردم نیکوکار و علاقمند اصفهان، زیر نظر اداره اوقاف، در بقعه و حرم و صحن امامزاده زید انجام گرفته، که شایان توجه می باشد.

در داخل حرم، تعمیراتی انجام شده و نقاشی های قدیمی، بازسازی و اصلاح و تعمیر گردیده، و ضریح جدیدی با پوشش طلا و نقره، برای امامزاده ساخته شده، که تاریخ اتمام آن ۱۳۷۱ شمسی است، و در داخل ضریح، بر روی قبر مطهر، سنگ مرمر نفیسی نصب گردیده، و هم چنین سر در حرم کلاً بازسازی شده، و تعمیر اساسی یافته، و کاشی کاری گردیده، که در کتیبه آن،

ص: ۱۷۶

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۸۹

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۹۰

۳- تاریخچه محله خواجه، صفحه ۶۳ و ۶۴ و ۶۱

تاریخ ۱۳۶۰ شمسی ، قید گردیده است ، و مجموعاً سر درِ مجلل و شکوهمندی می باشد . صحن امامزاده ، نماسازی شده ، و در تزیین آن از آجرکاری و کاشیکاری بهره گیری شده است . مجموعاً ، در حال حاضر ، حرم و صحن و بقعه و بارگاه امام زاده زید علیه السلام ، از زیارتگاههای باشکوه و جالب است ، و مورد توجه زائرین دور و نزدیک می باشد .

مسجدی به نام امام حسن عسکری علیه السلام ، در جوار امامزاده زید میباشد ، که تاریخ ساختمان آن به حدود ۳۰ الی ۴۰ سال قبل می رسد .

۸- امامزاده زینب علیها السلام (زینبیه)

امامزاده مشهور و مورد توجهی است ، که قبلاً در روستائی به نام آرزنان (۱) در یک فرسخی شمال شهر اصفهان قرار گرفته بود ، ولی با توسعه و گسترش عجیبی که در بیست ساله اخیر برای شهر اصفهان حاصل شده ، محل امامزاده کاملاً در داخل شهر بزرگ اصفهان واقع گردیده ، و خیابانها و ساختمانهای شهری ، تا چند کیلومتر بالاتر از بارگاه زینبیه ، گسترش یافته است .

خیابان بزرگ و عریضی که به نام اتوبان زینبیه نامیده می شود ، و از فلکه

ص: ۱۷۷

۱- یاقوت حموی، در معجم البلدان ، در تحت عنوان آرزنان ، مطالبی بیان داشته که خلاصه آن این است : آرزنان ، از قریه های اصفهان است ، و جمعی از علماء ، منسوب به آن هستند، همانند : أبو القاسم، حسن بن أحمد بن محمد آرزنانی (معلّم أعمی)، متوفای ۴۵۳ ، و أبو جعفر ، محمد بن عبدالرحمن بن زیاد اصفهانی ، که از حفاظ برجسته بوده ، و در سال ۳۱۷ وفات یافته، و جدّ او زیاد اصفهانی آرزنانی ، برای طلب علم به شهرهای شام ، صور ، مصر ، خوزستان ، اصفهان، ری ، مکه ، عراق ، دامغان و طرطوس سفر کرده ، و از دانشمندان آن شهرها، به نامهای بهره گرفته ، و دارای مقام وثاقت و زهد و علم و ورع بوده است

طوقچی تا میدان زینیه ادامه دارد، و فلکه بزرگی به نام آن حضرت، در نزدیکی صحن و مزار این امامزاده بزرگوار ایجاد گردیده، و مجموعاً محله بزرگی با تمام امکانات و تجهیزات شهری، به نام زینیه نامیده می شود، و بسیاری از مدرسه ها و مؤسسات بهداشتی و اجتماعی و مراکز تجاری و اقتصادی منطقه، به نام آن حضرت، نام گذاری شده است.

در حال حاضر، پرجمعیت ترین زیارتگاه های اصفهان، همین بقعه و مزار شریف است که در همه ایام، بالأخص روزهای جمعه و مناسبت های مذهبی، همانند: ایام میلادها و شهادت های معصومین علیهم السلام، جمعیت های فراوانی را به سوی خود جذب می نماید، و در مناسبت های ویژه، همانند روز عاشورا، دهها هزار زائر از راه دور و نزدیک به زیارت این امامزاده بزرگوار نائل می شوند، و علاقمندانی از خارج کشور نیز، به سوی این زیارتگاه بزرگ، رهسپار می شوند، و در بعضی از اوقات، موج جمعیت زائرین، حرم و صحن بسیار بزرگ و خیابانهای مجاور و میدان بزرگ زینیه را، زیر پوشش خود قرار می دهد، و شکوه این اجتماع دینی، هر بیننده علاقمندی را به شوق شدید و هیجان روحی، وا می دارد.

نسب حضرت زینب علیها السلام

محدث محقق و عالیقدر، مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره فرموده است: در نسخه ای از أنساب مَجْدی (۱) دیدم (و محتمل است که ملحق شده باشد)

ص: ۱۷۸

۱- المَجْدی فی أنساب الطَّالِبِین، تألیف سید شریف نسابه، أبو الحسن علی بن أبی الغنائم، محمد بن علی علوی عمری (از معاصرین سید مرتضی، علم الهدی) می باشد که تا سال ۴۴۳ هجری، زنده بوده است. این کتاب، از معتبر ترین کتب علم أنساب به شمار آمده است. (به الذریعه، جلد ۲۰، صفحه ۲ مراجعه شود)

مکتوب بود ، که شنیدم از امیر محمد هادی بن میرلوحی مورّخ ، که این زینب ، مدفونۀ در قریۀ ارزنان ، (از قرای اصفهان) ، دختر بلافاصله حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است (۱).

محقق متّبع ، مرحوم آقا میرزا محمّد علی معلّم حبیب آبادی (صاحب کتاب مکارم الاثار) در کتاب (كشْفُ الخَيْيَةِ عَنْ مَقْبَرِهِ الزَّيْنَبِيَّةِ) پس از بحثی مفصّل درباره عبارت یاد شده (که مرحوم محدّث قمی، از نسخه المجدی نقل فرموده) و اثبات این که این عبارت ، از صاحب المجدی نیست ، بلکه در حاشیۀ آن کتاب نوشته شده بوده ، و در نسخه ای ، در متن قرار گرفته است ، می فرماید : مضمون این که این نسبت (انتساب حضرت زینب ، به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) درست باشد، زیرا که ظاهراً چنانچه از پیش اشاره کردیم ، این امیر محمّد هادی خود اهل تاریخ ، و پسر میرلوحی معروف است ، و چنانچه از عبارات روی قبر او بر می آید (۲) از علماء و معاصر مجلسی بوده ، و پیش از او و در زمان او ، این قبر در قریۀ ارزنان ، موجود بوده ، زیرا که او می گوید:

زینب ، که مدفون در قریۀ ارزنان از قرای اصفهان است ، دختر موسی کاظم علیه السلام ، بلاواسطه می باشد . و این تصریح به بلاواسطه بودن او ، بیشتر سبب صحّت نسبت می باشد . پس استبعادی ندارد ، که زینب نامی ، دختر حضرت کاظم علیه السلام ، وقتی به جهاتی که مذکور شد ، به اصفهان آمده و وفات نموده ، در

ص: ۱۷۹

-
- ۱- منتهی الامال ، فصل مربوط به اولاد و أعقاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
 - ۲- میر محمد هادی میرلوحی ، قبرش در جوار امامزاده اسماعیل علیه السلام می باشد و بر روی آن نوشته شده : وفات مرحوم مغفور حضرت سیادت پناه ، علامی فهامی مجتهد الزّمانی ، میر محمّد هادی ابن سیادت پناه میرلوحی ، بتاريخ چهارم شهر جمیدی الثّانی ۱۱۱۳ (کشف الخیّیه ، صفحه ۳۵)

این زمین دفن شده باشد ... (۱).

و دانشمند محقق و متتبع ، و خطیب نامدار ، مرحوم آقا سید محمد علی مبارکه ای (۲) در رساله (نور الأنوار فی کشف أحوال زینب بنت موسی بن جعفر علیه السلام) به نقل از کتاب (نور الهدی فی نسب آل المصطفی) ، که در سال ۱۰۴۱ به وسیله عزالدین محمد بن محمود (از سادات گلستانه) تألیف گردیده ، در ضمن شرح داستان حرکت فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام از مدینه به سوی ایران ، و پراکنده شدن آنها در بلاد ، می نویسد :

و بَعْضُ مِنْهُمْ تَقَدَّمُوا مِنْهَا إِلَى إِصْفَهَانَ ، وَكَانَ الْعَامِلُ بِهَا مِنْ مُحِبِّهِمْ ، فَلَمَّا وَصَلُوا بِهَا تَغَيَّرَ الْأَمْرُ بِتَغْيِيرِ الْأَمِيرِ وَالْعَامِلِ عَلَيْهَا ، وَكَانَ مِنْهُمْ هُرُونُ بْنُ مُوسَى ، وَابْرَاهِيمُ بْنُ مُوسَى ، وَ مِنْ بَنَاتِهِ ، الزَّيْنَبُ وَالْفَاطِمَةُ الْكُبْرَى ، وَ عِنْدَ ذَلِكَ وَصَلَ الْخَبْرُ مِنْهُمْ إِلَى الْمَأْمُونِ ... ، وَمَاتَتِ الزَّيْنَبُ الْكُبْرَى ، يَأْزُرَنَّ نَانَ ، مِنْ قُرَى إِصْفَهَانَ ، بِسَيْنِهِ ، بِعِيدِ أُخِيهَا هُرُونَ ، وَبُنَى عَلَيْهِ أَيْضاً بِقَعَّةٍ صَاحِبَةَ غَيْرَةٍ فِي زَمَنِ عَضُدِ الدَّوْلَةِ ، وَ أُمَّا الْفَاطِمَةُ وَ هِيَ مَاتَتْ بِسَنَتَيْنِ بَعْدَ أُخِيهَا ، وَ دُفِنَتْ عَلَى قُرْبِ قَصَبِهِ لُنْبَانٍ (۳).

یعنی : بعضی از آنها به سوی اصفهان آمدند ، و حاکم و فرماندار آن شهر ، از دوستان آن خاندان (و از علاقمندان أهل البيت عليهم السلام) بود ، پس وقتی به اصفهان رسیدند ، اوضاع (به خاطر عوض شدن حاکم) دگرگون گردیده بود . و از آنها (که وارد اصفهان شدند) هرون بن موسی و ابراهیم بن موسی ، و از

ص: ۱۸۰

۱- کشف الخبیة عن مقبره الزینبیه ، صفحه ۴۴ - ۴۵

۲- مرحوم مبارکه ای ، آثار علمی متعددی (در حدود بیست و پنج اثر ، که برخی از آنها چندین مجلد می باشد) داشته ، همانند : جامع العلوم و دانشوران اصفهان و کتاب تاریخ اصفهان که یکی از مجلدات آن ، مربوط به بقاع متبرکه اصفهان است . و در مجموع دانشمندی فرزانه و خطیبی محقق بوده است

۳- رساله نورالانوار ، صفحه ۸-۷

دختران آن حضرت زینب کبری و فاطمه کبری بودند، و در این هنگام خبر آنها به مأمون رسید...، و حضرت زینب کبری در محلّ آرزن نان (۱)، از روستاهای اصفهان، یکسال پس از برادرش هرون (بن موسی بن جعفر علیه السلام)، از دنیا رفت و در زمان عضد الدّوله (دیلمی) بقعه ای کوچک بر قبر او ساخته شده، و اما فاطمه، پس از گذشت دو سال از (شهادت برادرش هرون) از دنیا رفت، و نزدیک قصبه لبنان (۲)، دفن گردید (۳).

و نیز، مرحوم آقا سید محمّد علی مبارکه ای می نویسد:

بنده چند وقف نامه، از زمان شاه سلطان حسین و شاه سلیمان، و زمان فتحعلی شاه، به مهر مرحوم مجلسی، و مرحوم حاجی کلباسی، و حاجی سید محمّد باقر رشتی دیدم، که بعضی از زمینها و بعضی از اشیاء ظروفی، وقف بر مقبره زینب بنت امام موسی الکاظم علیه السلام (مدفون در آرزنان) نموده بودن، و مسلم در عهد صفویّه، این مقام، مانند سیت فاطمه (سّتی فاطمه) خواهرش، بقعه عالیّه و دستگاہ و عنوان شایان داشته، و در تسلط افغان ویران شده، و به واسطه ضدّیت مذهبی، آنچه توانستند این بقاع متبرکه عالیّه را ویران نمودند، چنانچه در جزء یادداشتهای تاریخیّه مرحوم میر محمّد حسین خاتون آبادی است، که

در تسلط افغان، بیش از سیصد بقعه

ص: ۱۸۱

- ۱- روستای آرزنان، گاهی آرزن نان تعبیر شده است که مقلوب نان آرزن می باشد
- ۲- محلّه لبنان، یکی از قدیمی ترین محلات اصفهان است که مسجد لبنان هم در آن واقع شده، و جمعی از علماء و شعراء، به آن منسوب می باشند
- ۳- مقصود، محلّه سّتی فاطمه علیها السلام است، که فاطمه کبری، دختر موسی بن جعفر علیه السلام دفن گردیده، و به نام سّتی فاطمه و در زبان عوام (سیت فاطمه) خوانده می شود، و در حال حاضر در شرق خیابان کاشانی، و در نزدیکی محلّه چهارسوق شیرازیها می باشد

از بقاع إمامزادگان و علمای بزرگ ، منهدم و ویران شد(۱). و مرحوم جابری انصاری می نویسد:

در ولایت عهد حضرت رضا علیه السلام و تشریف آوردن به خراسان ، و تبدیل جامه سیاه شعار عباسیان ، به سبز ، نشان علویین ، و تحویل خلافت از نژاد عباس ، بسیاری از علویین ، خاصه اولاد حضرت امام کاظم ، از مدینه روانه خراسان شده ، و از پارس و عراق عجم گذشته ، همانا که خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام به آنها رسید ، از علویین ، هر کدام در محلی از بلاد ایران متوقف گشته ، و به عراق عرب و حجاز برنگشته ، و در کتاب أنساب ، اولاد حضرت امام کاظم را سی و شش ذکور و اناث ، می نگارند، یکی از آنها مُسَمَّاه به زینب ، شاید از راه اسپهان روانه خراسان بوده ، در آن هنگام، چنانچه حضرت فاطمه معصومه بقم مانده ، و از دنیا رفته ، حضرت زینب علیها السلام نیز به اصفهان و حدود پائین شهر (۲) مانده و رحلت کرده ...، و اما جهتی که شهرتش مانند بقعه معصومه علیها السلام نشده ، از آن رو بوده ، که مردم قم از پیشین ایام ، شیعه بوده اند، و به احترام حضرت فاطمه علیها السلام نیز، در خاک قم علمای شیعه بسیار دفن شده ، و شیعیان اهمیتی بدان دادند ، خاصه که بزرگان دیگر از أسباط رسالت و اتباع إمامت و علماء در قم مدفونند، و آن زمان ، أهل اسپهان (اصفهان) بعضی سنی ، و پاره ای از نژاد خوارج و نواصب بودند، و چندان اهمیتی به علویین نداده ، جنگ سنیان اسپهان و شیعیان قمی ، به تواریخ نوشته شده ، زمان سلاجقه هم اگر شیعه در آن بود، بیشتر اسماعیلی بودند ، و با اولاد إمام کاظم ، ارادتی نداشتند ، و این ایام سواد مرقومه ، از مرحوم آقای حاج میرزا حسن امام جمعه اصفهان ، مدفون در سر

ص: ۱۸۲

۱- رساله نورالأنوار ، صفحه ۱۳ - ۱۴

۲- محل أرزنان ، در شمال شهر و پائین آن محسوب می شود

قبر آقا، با امضای مرحوم آقای حاج سید اسد الله (۱)، به بنده نمایانند که، دو محل قلعه زینبی کرارج و سوارچی را، وقف بر بقعه بی بی زینب، دانسته اند، از اوائل عهد صفویه و بعد از آن ...، که نام و نشان بقعه زینبیه را از قدیم گواهی می دهد، و پیران کهن و خود بنده، از چهل سال قبل، این بقعه را که می گذشتم می دیدم (۲).

از مطالب بالا، انتساب حضرت زینب (مدفونه در بقعه زینبیه) به امام موسی بن جعفر علیه السلام به خوبی استفاده می شود، و ظهور کرامات و اجابت دعوات، در جوار آن حضرت، شاهد شایسته ای، بر این انتساب مبارک می باشد.

بقعه و مزار و حرم زینبیه

در قدیم آلائیم، ساختمان زینبیه محدود بوده، و به صورت بقعه ای مختصر، در درون صحنی کوچک و زیر گنبد آجری کوچکی، قرار داشته است (۳)، ولی در سال ۱۳۲۱ شمسی (۱۳۶۱ قمری) بوسیله آقایان کازرونی (۴)، حرم و گنبد و بقعه باشکوهی، برای این مزار شریف تأسیس شده، که در ضمن اشعاری در ایوان ورودی حرم، ذکر گردیده، و در دو شعر آخر آن، ماده تاریخ شروع و پایان ساختمان، بیان شده است، به این ترتیب:

ص: ۱۸۳

-
- ۱- منظور، فقیه و مجتهد عالی مقام، مرحوم حاج سید اسدالله شفتی، فرزند برومند مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی (سید شفتی = حجه الاسلام) می باشد
 - ۲- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۲۸-۳۲۹
 - ۳- کشف الخبیه عن مقبره الزینبیه، صفحه ۲۸
 - ۴- چند نفر از خاندان کازرونی، از ثروتمندان متدین اصفهان بودند، که آثار باقیه دینی متعددی از خود به یادگار گذاردند، که تاکنون باقی است و مورد استفاده برای برنامه های دینی می باشد

الغرض ، تاریخ آغازش به شمسی سال گفت *** بارگاه زینبی یا جَنه الماوستی

(۱۳۲۱)

وز برای سال اتمامش سرود از روی صدق *** از محمّد ماند بنیانی ، که باتقواستی

(۱۳۲۳)

تشکیل هیئت اُمّاء، و توسعه آستانه مقدّسه

در سال ۱۳۴۵ شمسی ، هیئت امنائی زیر نظر اداره اوقاف اصفهان تشکیل گردید ، و فعالیت های عمرانی برای توسعه و یا تأسیس ساختمانهایی که مورد نیاز زائرین میباشد ، سرعت و شتاب گرفت ، و کوششهای مناسب برای تأمین نیازمندیهای زوّار و بهره گیری های دینی ادامه یافت ، که تاکنون مستمر و جاری می باشد .

در حال حاضر، دو صحن بسیار بزرگ (که یکی اصلی است و حرم و بقعه حضرت زینب ، در وسط آن قرار گرفته و دیگری در شرق آن است) با اطاقهای فراوان و نماسازی جالب ، با کاشی کاری (عمده معرّق) و گنبد و مناره های شکوهمند و زیبا و کاشی کاری شده ، و حرم مجلّل و رواقها و ایوانهای اطراف حرم ، مجموعه آستانه زینبیه را تشکیل میدهد ، که با استفاده از آینه کاری و گچ بری و کاشی کاری و نقّاشی ، و نیز نصب سنگهای مرمر اعلی (به رنگ سبز) و ضریح زیبا (با استفاده از پوشش طلا و نقره و بهره گیری از قسمتهائی از ضریح چوبی قدیمی) ، زیبایی و شکوهی جالب توجه یافته ، و با ضمیمه شدنِ ملحقاتی ، همانند : مسجد ، درمانگاه ، کتابخانه ، حَمّام و ...، مجموعه دینی بسیار مفصّل و جالبی را شکل بخشیده ، که بهره های دینی و علمی و خدماتی

ص: ۱۸۴

فراوانی را در اختیار مردم با ایمان قرار می‌دهد، و علاقمندان به أهل البیت علیهم السلام، از آن بهره مند می‌شوند.

آستانه زینبیه، از بقعه های علمی اصفهان

جمعی از علماء و صلحاء و مؤمنین، در جوار حضرت زینب علیها السلام (زینبیه) مدفون گردیده اند، همانند: فقیه و مجتهد عالی مقام مرحوم آیه الله، آقا سید أبو القاسم موسوی دهکردی، متوفای ۱۳۵۳ قمری، که در اطافی در ضلع جنوب غربی صحن اصلی، مدفون می‌باشند.

و هم چنین، علماء بزرگوار، همچون: آقا سید محمّد حسین مهدوی اردکانی، و حاج آقا میرزا دهکردی، و حاج آقا ضیاء الدین تجویدی، و حاج شیخ علی یزدی، و حاج سید مهدی علامه فانی، و حاج سید محمّد باقر موسوی زاده، در این مزار شریف و در جوار یادگار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شده اند، که مجموعاً، این آستانه مقدسه را در زمره بقاع علمی اصفهان، قرار داده است.

۹- امامزاده علی علیه السلام (درب امام)

بنا بر مشهور، در این مزار و مرقد مطهر، دو نفر از امامزادگان عظیم الشان، مدفونند که به شرح آن می‌پردازیم:

۱- سید ابو الحسن، زین العابدین، علی بن نظام الدین أحمد الأبیج، بن شمس الدین عیسی الرّومی، بن جمال الدین محمّد بن علی العریضی، بن الإمام جعفر الصادق علیه السلام.

نسب این امامزاده لازم التّکریم، چنانچه مرقوم شد، با چهار واسطه به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌رسد، و آن بزرگوار، جدّ خاندان امامی (که)

از خاندان های علمی و مشهور و با سابقه اصفهان می باشند) به شمار می رود .

صاحب روضات الجنّات ، و هم چنین مرحوم آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی ، که هر دو از اعلام فقه و تحقیق می باشند ، مزار این بزرگوار را ، از امامزاده های معتبر اصفهان به شمار آورده اند (۱). و هم چنین در کتابهای تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۹ ، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶۵ ، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۴۱ ، و زندگانی آیه الله چهارسوقی ، صفحه ۱۷۴ و یادواره آیه الله فقیه امامی (به قلم نگارنده) صفحه ۱۸ - ۱۹ ، و دائره المعارف تشیع جلد ۱ ، صفحه ۴۲۶ و ... ، درباره نسب این امامزاده ، بحث شده است .

۲ - امامزاده ابراهیم طباطبائی ، که نسب آن بزرگوار، به سبط اکبر ، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام میرسد (۲)، و در یکی از کتیبه های کاشی کاری شده امامزاده درب امام « امام زاده ابراهیم بطحاء » خوانده شده است (۳) ، ولی کیفیت انتساب این امامزاده ، به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نیازمند به بحث و بررسی جامعتری می باشد .

بقعه و بارگاه امام زاده درب امام

محل دفن این دو امامزاده ، که در زبان مردم ، درب امام خوانده می شود ، واقع در محل چملان = چنبلان = چملون = سنبلان = سنبلستان می باشد ، که در قدیم آلیام سنبلان نامیده می شده و سپس با تغییرهائی ، به شکل های دیگر در آمده است ، و در این محله قدیمی ، قبرستانی کهن وجود داشته ، که مرحوم

ص: ۱۸۶

۱- روضات الجنّات صفحه ۳۵۷ - ۳۵۸ و میزان الأنساب ، صفحه ۴۶

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۹

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۴۵ و آثار ملی اصفهان ، ۷۶۵ و ۷۶۷

آیه الله العظمی ، آقای مرعشی نجفی، آن را أقدم مقابر اصفهان شمرده اند ، زیرا که در آن سنگی دیده شده ، که تاریخ آن متجاوز از ششصد سال بوده است (۱) و در جنب این قبرستان ، مقبره امام زاده درب امام ، واقع گردیده ، که از آثار تاریخی و میراثهای بزرگ فرهنگی و هنری اصفهان ، به شمار می رود .

آقای دکتر لطف الله هنرفر ، باستان شناس محقق و نامداری درباره بنای تاریخی عظیم بقعه و گنبد و صحن این امامزاده می نویسد:

بنای تاریخی درب امام ، از دو گنبد بزرگ و کوچک و یک سر در بزرگ کاشی کاری از دوره جهانشاه قراقویونلو ، که در ضلع شمالی آن واقع است و سه صحن ، در سه جانب شمالی و شرقی و غربی آن ، تشکیل شده است . نمای خارجی این بناء ، به جانب هر سه صحن ، دارای تزیینات کاشی کاری و گچ بری است و هر دو گنبد آن ، مخصوصاً گنبد بزرگتر ، از کاشی های نفیس پوشیده شده است . در ورودی فعلی بقعه ، به صحن شرقی باز میشود ولی سر در آن ، در قرن نهم هجری که ساختمان آن به اتمام رسیده ، در جانب شمالی بوده است ، که فعلاً در جای خود باقی می باشد ، ولی دهلیزی که این سر در را به داخل بقعه مربوط می کرده است ، از طرف سر در اصلی آن مسدود شده و به جای در ورودی ، پنجره ای نصب شده است .

سر در اصلی درب امام ، که در ضلع شمالی و مشرف به صحن شمالی آن است ، از شاهکارهای تزیینات رنگین ایرانی است ، که از لحاظ ظرافت صنعت کاشیکاری ، نظیر آن را کمتر سراغ داریم ، و شاید کاشی کاری مسجد کبود تبریز ، که آنهم در

ص: ۱۸۷

دوره جهان‌شاه قراقویونلو ، بنا شده ، همانند آن باشد ... (۱).

ساختمان مهم و زیبای درب امام ، در زمان شاه عباس اول صفوی ، در حدود سال ۱۰۱۰، و نیز در سال ۱۰۱۸، و نیز در دوره سلطان حسین صفوی ، تغییرات و تعمیرات یافته است، و در بخش‌های مختلف کتیبه های این مجموعه معماری و نفیس ، تاریخهای ۸۶۷ (دوره جهان‌شاه قراقویونلو ، مؤسس و بانی اصلی بناء) و ۱۰۸۱ و نیز ۱۱۲۷ و ۱۱۲۹ (دوره سلطان حسین صفوی) دیده می شود، و نیز در دوره شاه عباس اول صفوی ، پوشش کاشی کاری گنبد بزرگ درب امام ، تعمیر یا تجدید شده و شخصی به نام غیاث الدین محمود حسینی ، عهده دار آن بوده است (۲) .

۱۰- امامزاده سیدعلی علیه السلام

این بزرگوار، مشهور به شاه سید علی می باشد ، و گفته می شود که از اولاد و نسل امام زین العابدین علیه السلام بوده، و از سادات حسینی است، و مشهور است که برادر امامزاده زید (شاهزید) می باشد (۳) .

بقعه او قبلاً در میان یک قبرستان قدیمی ، متعلق به دوره صفویه ، در محله

ص: ۱۸۸

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۴۲-۳۴۳

۲- برای آشنایی کاملتر با این مجموعه دینی و تاریخی ، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان از صفحه ۳۴۱ تا ۳۵۳ و آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۷۶۵ تا ۷۷۲ و رجال اصفهان ، صفحه ۱۸۷، و تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۹، و دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۴۲۶، و یادواره آیه الله فقه امامی (به قلم نگارنده) از صفحه ۱۸ تا ۲۲، مراجعه شود

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۷۵

خواجوی قدیم بوده (۱)، ولی در حال حاضر، آن قبرستان تبدیل به خانه و مدرسه شده است. مزار امامزاده سید علی، در حال حاضر در خیابان شریف واقفی، کوچه امامزاده سید علی، واقع است و با همت و همیاری مردم علاقمند، حرم و گنبد بزرگ و جالب و ایوان و صحنی کوچک برایش ساخته شده، و مسجدی در جوار این امامزاده است، که محل برگزاری جلسات دینی و نماز جماعت می باشد. کاشی کاری و تزیینات داخل حرم و ایوان و دیوار کوچه، تکمیل گردیده و کاشی کاری گنبد، در حال اتمام می باشد.

ساختمان و تزیینات امامزاده، از حدود سال ۱۳۴۵ شمسی شروع گردیده، و در سال ۱۳۷۵ شمسی (سال جاری) نزدیک به اتمام می باشد. در صحن امامزاده علیه السلام، سنگابی قدیمی وجود دارد که تاریخ ۱۱۱۹ را نشان می دهد.

۱۱- امامزاده محسن علیه السلام

در حاشیه خیابان رودکی، در نزدیکی خیابان وحید، امامزاده ای است که ساختمان قدیمی و محدود آن، در هنگام احداث خیابان رودکی، تخریب گردیده و تجدید بنا شده است.

ساختمان فعلی، بسیار مجلل می باشد و حرمی باشکوه و گنبدی بسیار بلند و دوازده تزیینی، و رواقی بزرگ و جالب توجه دارد، و در تزیینات داخل حرم و زیر گنبد، از آینه کاری، کاشیکاری، نقاشی جالب و خطاطی زیبا، با استفاده از آیات قرآنی و کلمات دینی و أسماء مقدسه، بهره گیری شده است.

تاریخ ساخت ضریح، ۱۳۶۴ شمسی (۱۴۰۵ قمری) می باشد، و در کاشی کاری سردر امامزاده، چنین آمده است:

ص: ۱۸۹

امامزاده محسن علیه السلام ، عمل مهندس عبد الحسین سیف اللّهی ، و هیئت امناء، تاریخ ۱۴۱۵ هجری قمری ، کاشی سازی موسوی زاده .

مجموعه ساختمان امامزاده ، با شکوه ، زیبا، با ابهت و جالب می باشد در یادداشتهای نویسنده متتبع ، آقای سید مصلح الدّین مهدوی ، راجع به این امامزاده ، آمده است : در قریه مارنان اصفهان ، از بلوک اصفهان(۱) مقبرهای است معروف به امامزاده غریب ، که روی سنگ لوح آن نوشته است:

جناب محسن بن موسی بن جعفر علیه السلام

۱۲- امامزاده محمد علیه السلام

معروف به شاهزاده محمد می باشد و بقعه و مزار آن ، در خیابان وحید قرار گرفته است . ساختمان قدیمی این امامزاده ، نسبتاً مختصر و ساده بوده ، ولی در دوره اخیر تجدید بنا گردیده است . در حال حاضر ، حرم مجللی دارد که در داخل حرم ، از آینه کاری و گچ بری و نقاشی جالبی ، استفاده شده ، و نمای ایوان حرم ، کاشی کاری گردیده ، و در کتیبه اطراف آن ، سورس جمع روی کاشی خشت ، با خط ثلث سفید ، جلب نظر می نماید ، و در آخر آن نوشته شده : سنه ۱۳۹۹ قمری ، کاشی سازی ایلیا اصفهان

در کتیبه گنبد جالب و زیبای امامزاده ، با خط ثلث سفید ، آیاتی از قرآن نوشته شده ، و تاریخ ۱۴۱۲ در آخر آن ، ذکر گردیده است .

در طرف شرق ساختمان امامزاده ، سالی زیبا برای اقامه نماز جماعت و مراسم مذهبی و مجالس دینی به سبک جدید ساخته شده ، و در تزئین آن ، از گچ بری و کاشی کاری (در محراب) استفاده شده است . بالای درب ورودی

ص: ۱۹۰

۱- همین محلی که در حال حاضر، خیابانهای وحید و رودکی از آن می گذرد

حرم ، روی کاشی خشت آبی با خط سفید نستعلیق ، نوشته شده :

امامزاده محمد بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب

۱۳- امامزاده ابوالعباس علیه السلام (محمد)

امامزاده ای است مورد توجه واقع در خوراسگان (۱) که از اولاد و أحفاد : علمدار بزرگ کربلا ، باب الحوائج الی الله ، أبا الفضل العباس علیه السلام

به شمار آمده است . در یک قطعه سنگ مرمری جالب ، که در دیوار حرم امامزاده أبو العباس ، (ساختمان قدیمی) نصب گردیده بوده ، و فعلاً در محل ویژه ای نگهداری می شود ، این جمله ها با خط ثلث برجسته ، حجاری شده است : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، فَهَذَا النَّسَبُ مُقَابِلُ مُطَابِقٍ بِالْجَامِعِ الْمُنْسُوبِ إِلَى أَبِي الشَّيْخِ الْحَزْبِ مُحَمَّدِ الدِّينَوْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ ، وَالنَّسَبُ هَذَا:

أَبُو الْعَبَّاسِ ، مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ ، بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، بْنِ جَعْفَرٍ ، بْنِ قَاسِمٍ ، بْنِ حَسَنِ ، بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ ، بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ ، وَ يَعْسُوبِ الدِّينِ ، أَسَدِ اللَّهِ الْغَالِبِ ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ .

بنابر این نوشته ، امامزاده أبو العباس ، نام او محمد ، و کنیه او أبو العباس ، و نسب او با شش واسطه ، به حضرت أبا الفضل العباس علیه السلام ، و با هفت واسطه ، به أمير المؤمنين علی علیه السلام می رسد ، و با استفاده از همین سنگ نوشته ، بالای در ضریح مطهر ، نسب این بزرگوار به همین شکل یاد شده ، ثبت شده است ، ولی در

ص: ۱۹۱

۱- خوراسگان ، در قدیم الأیام ، از روستاهای مجاور اصفهان ، و در ۱۰ کیلومتری شرق آن بوده است ، ولی در حال حاضر ، به علت توسعه شهرها و روستاها ، تبدیل به شهر شده ، و کاملاً به شهر اصفهان ، متصل گردیده است

سنگ لوحه دیگری ، که به دیوار سر در و ایوان ورودی قدیمی امامزاده ، نصب گردیده ، و در حال حاضر مقداری از سطح صحن جنوبی امامزاده ، پائین تر است (و در گودی قرار دارد، و با پنجره شیشه ای ، محافظت می شود) چنین آمده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُضِيَّطَفِيِّ ، وَعَلَى الْمُزْتَضِيِّ ، وَحَسَنِ الرُّضَا ، وَحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَا وَعَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرِ الصَّادِقِ وَ مُوسَى الْكَاطِمِ وَعَلَى بَنِي مُوسَى الرُّضَا وَ مُحَمَّدِ التَّقِيِّ وَ عَلِيِّ النَّقِيِّ وَ حَسَنِ الْعَسِي كَرِيِّ وَ مُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، هَذَا مَزَارٌ مُتَبَرِّكٌ حَضَرَتْ إِمَامُزَادَةُ مَعْصُوم ، الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ ، تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِغُفْرَانِهِ وَ أَشِي كَنَّهُ فِي رِيَاضِ جَنَانِهِ ، أَبُو الْعَبَّاسِ عَلِيُّ ، بِسَعَى وَ عِمَارَتِهَا كَدَخْدَايِ مُحْتَرَمٍ ، وَ عَزِيزِ وَ صَالِحٍ ، مُحَمَّدِ شَاهِ بْنِ شَمْسِ الدِّينِ ، عَلِيِّ بْنِ رَكْنِشَاهِ الْمَشْتَهَرِ ... خوراسجانی ، فی تاریخِ مُحَرَّمِ الْحَرَامِ ، سَنَةِ عِشْرِينَ وَ تِسْعِمَاتٍ ... (۱).

از عبارت یاد شده ، که ظاهراً در سال نهصد و بیست هجری قمری ، حجاری و نصب گردیده ، استفاده می شود که نام امامزاده ، علی ، و کنیه او ، أبو العباس است (که مشهور می باشد) .

ساختمان قدیمی امامزاده أبو العباس علیه السلام

حرم و بقعه امامزاده أبو العباس ، یک ساختمان قدیمی داشته ، که متعلق به قرن دهم هجری بوده ، و مخروبه گردیده ، و در سالهای اخیر تجدید و توسعه یافته ، و فقط یک ایران و سردرِ جالب و زیبا ، که دارای قطار بندی هشت ترک گچ بری می باشد ، از آن ساختمان قدیمی باقی مانده ، که از میراثهای فرهنگی

ص: ۱۹۲

۱- در محلّ نقطه چین ها ، کلماتی بود که خوانده نشد، و ضمناً عبارات یاد شده ، از نظر رعایت قواعد ادبی عرب ، اشکالاتی دارد که بر اهل فن پوشیده نیست

و امام زادگان مدفون در منطقه اصفهان به ۱۹۳۰ به شمار می رود . در طرف راست ایوان یاد شده ، سنگ لوحه ای وجود دارد، که بر روی آن جمله های زیر حجاری شده است : هو الباقی و کلّ شی هالک ، وفات مرحومه شهر بانو خانم ، بنت مرحمت پناه ، میرزا محمد نظیر ، شهر رجب ۱۱۶۰ ، و در طرف چپ ایوان ، سنگ لوحه دیگری است ، که بر روی آن ، این عبارتها حجاری شده : ألحکم لله ، وفات مرحمت پناه ، مولانا محمد بن علی شاه خوراسگانی ، شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۵۹هـ ، و در وسط صحن جنوبی، پای یک درخت ، سنگ قبری است ، که روی آن حوضچه ای حجاری شده ، و در اطراف آن حوضچه ، اشعاری نوشته شده ، و در بالای آن سنگ ، این جمله ها حجاری گردیده است : ألحکم لله ، وفات مرحوم المغفور روح الله (۱) مولانا نور الله .. (۲) فی تاریخ جمادی الأولى ۱۰۸۹.

از تاریخ های موجود در سنگ نوشته های متعلق به امامزاده أبو العباس علیه السلام که قدیمی ترین آنها تاریخ ۹۲۰ می باشد ، به خوبی روشن می شود که ساختمان و بنای امامزاده ، متعلق به قرن دهم به بعد بوده ، و نشانه ای که از پیش از این تاریخ حکایت کند، به دست نیامد .

ساختمان مفصل و باشکوه فعلی

از سال ۱۳۸۵ قمری ، علاقمندان به آستان مقدس أهل البیت علیهم السلام شروع به تجدید بناء و توسعه حرم و آستان مقدس حضرت أبو العباس نمودند ، که تا کنون فعالیت آنها ادامه دارد، و مرتباً در حال اقدام برای توسعه صحن مقدس و تکمیل ساختمان و تزیینات گسترده ، می باشند .

ص: ۱۹۳

۱- خواننده نشد

۲- خواننده نشد.

در ساختمان فعلی، حرم مجللی وجود دارد، که اطراف آن را، رواقی مفصل و به سبک باستانی (با استفاده از طاق چشمه متعدد) احاطه کرده است، و دو صحن بزرگ جنوبی و شمالی، و گنبدی باشکوه، و دو مناره جالب، و ضریحی زیبا (با استفاده از طلا- و نقره) موجب جلب توجه زائرین و عابرین می باشد، و یک سردر ورودی مجلل به داخل حرم (از طرف صحن شمالی، که مشرف بر جاده اصلی اصفهان - نائین می باشد) و یک سردر ورودی دیگر، در همان طرف، به داخل صحن جنوبی، بر عظمت این مجموعه دینی می افزاید.

در تزئین گنبد و مناره ها و دیوارهای دو صحن و سردرها، از کاشی های معرق (و مقداری کاشی خشت) و آجرهای تزئینی، استفاده شده، و نمای بسیار جالبی را شکل بخشیده است.

در داخل حرم و رواق بزرگی که محیط بر حرم می باشد، از بهترین گچ بریها و آینه کاری ها و خطاطی ها و نقاشی های هنرمندانه استفاده شده، و مجموعه آثار هنری و تزئینی به کار گرفته شده، در این بارگاه مقدس، از یادگارهای این دوره می باشد، و استاد کارانی که در این مجموعه زحمت کشیده اند، ذوق و ابتکار سلیقه و حوصله و تجربه خود را در راه شکوهمند ساختن این مجموعه بزرگ دینی، به کار گرفته اند، و ایمان قلبی و علاقه خود را به آستان مقدس أهل البيت عليهم السلام بالأخص حضرت أبا الفضل علیه السلام (جد بزرگوار این امامزاده عظیم الشأن)، به نمایش گذارده اند.

در کتیبه های داخل گنبد، و بیرون آن، و نیز در کتیبه های کاشی کاری های سردرها و صحن ها، از آیات قرآن و کلمات دینی و احادیث شریفه، استفاده شده، و جلوه دینی و ولایتی یافته است.

در پایه گنبد امامزاده (از خارج) سوره مبارکه جمعه کتیبه شده، و در یک

لوح کاشی نوشته شده است: به همت اهالی، ساختمان امامزاده ابوالعباس (محمد) ۱۳۸۵ و خاتمه ۱۳۹۷ قمری، سرپرست حاج عباس قدر خواه، معمار، استاد محمد و استاد مهدی بدیع الصنایع.

البته این تاریخ ها، مربوط به قسمتهای اولیه ساختمان است، و گرنه، هنوز توسعه صحن جنوبی، و کاشی کاری ها و نقاشی و آینه کاری داخل رواق و حرم مطهر، در حال انجام می باشد.

کرامتی بزرگ، از امامزاده ابوالعباس

در حدود سال ۱۳۷۳ قمری (چهل و سه سال قبل) شبی، جمعیتی از متدینین و علاقمندان به أهل البيت عليهم السلام، در حدود سی نفر، به همراهی مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید علی علامه فانی قدس سره، متوفای ۱۴۰۹ قمری، به قصد زیارت امامزاده ابوالعباس، (پیاده) عازم خوراسگان می شوند، ولی در میان راه اتومبیلی می رسد و آنها را به مقصد می رساند، و شب را در جوار امامزاده ابوالعباس، بیتوته مینمایند، و در هنگام سحر (در نزدیکی اذان صبح)، چند نفر از زائرین که مشغول نماز شب و دعا بوده اند، ناگاه مشاهده می نمایند، گلوله نوری از طرف قبله نمایان گردید، و دو، دور، بالای سر حرم، دور زد و سپس روی گنبد و حرم و صحن منتشر گردید، و تا حدود ۷-۸ دقیقه، فضا روشن بود. وقتی مرحوم آیه الله فانی، چنین کرامت بزرگی را مشاهده نمودند (۱) مدت زیادی به ضریح امامزاده چسبیدند، و به شدت گریستند، و مجموعاً

ص: ۱۹۵

۱- مرحوم آیه الله فانی، قبل از حرکت به سوی امامزاده، فرموده بودند، دلم می خواهد که این امامزاده مقام خودش را در نزد پروردگار، به ما بنمایاند، و با معرفت کامل تری نسبت به مقام او، وی را زیارت کنیم

هفت هشت نفر از آن جمعیت ، که بیدار بودند، و به نماز و دعا اشتغال داشتند ، این صحنه نور را مشاهده نمودند (۱).

مرحوم آیه الله فانی قُدسُ سِتْرُه ، وقتی هوا روشن گردید ، به جستجو پرداختند و سنگ لوحه ای که نسب امامزاده را به حضرت ابا الفضل علیه السلام می رساند ، پیدا نمودند ، و متوجه گردیدند که این بزرگوار، از نسل آن بزرگ پرچمدار رشید امام حسین علیه السلام در کربلا، می باشند .

دفن مرحوم آیه الله امامی ، در جوار امامزاده ابوالعباس، و تحویلی بزرگ

در سال ۱۴۱۴ قمری (دهم جمادی الثانیه) در آخرین روز از دهه فاطمیّه دوّم ، استاد بزرگ حوزه علمیه اصفهان ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی قُدسُ سِتْرُه ، دعوت حق را لبیک گفتند، و پیکر مطهر آن بزرگوار (طبق وصیت خودشان) به خوراسگان ، و جوار امامزاده ابوالعباس علیه السلام انتقال یافت و در میان فریاد و ناله ، و سیل اشک عزاداران و مردم داغدیده ، در حرم مطهر

ص: ۱۹۶

۱- این قضیه را ، یک نفر از موثّقین که کاملاً مورد اعتماد می باشد، یعنی آقای حاج عبدالرّسول شعرباف دام عزّه ، که خود در صحنه بوده اند و نور را مشاهده کرده اند، برای نویسنده نقل نمودند و دو نفر از دوستان کاملاً مورد اعتماد ، یعنی حضرت حجّه الاسلام آقای حاج شیخ جعفر آزادمنش و آقای حاج مرشد عباس تولّا ، دام عزّهما ، از قول مرحوم آیه الله علامه فانی نقل نمودند و از حاضرین در آن صحنه معنوی ، آقای حاج آقا رسول باطنی و حاج محمّد علی حاج شفیعی و آقای شعرباف دام عزّهم ، در قید حیات هستند

آن امامزاده عظیم الشان ، دفن گردید (۱).

از آن تاریخ ، علاقمندان به آن بزرگمرد ، به شکل عجیب و بی سابقه ای ، برای زیارت مزار شریف امامزاده أبو العباس علیه السلام و مرقد مرحوم آیه الله امامی ، به خوراسگان می روند ، و مشتاقان فراوانی ، برای دفن در جوار امامزاده ، پیدا شده است ، تا جائی که قیمت قبرهای داخل حرم و رواق امامزاده ، به ده الی پانزده برابر رسیده است ، و کسانی که مایلند در آن مزار متبرک ، قبری تهیه نمایند ، نیاز به کوشش و تلاش فراوان دارند .

و در یک کلام ، مزار شریف امامزاده أبو العباس علیه السلام شهرتی عجیب یافته ، و از سراسر کشور و خارج آن ، بالأخص از شهر و حومه اصفهان ، به قصد زیارت امامزاده أبو العباس علیه السلام مرحوم آیه الله امامی قُدس سِزّه ، حرکت نموده ، و کسب فیض می نمایند .

سنگ نوشته قبر آیه الله امامی

بر روی قبر مطهر مرحوم آیه الله امامی ، سنگ مرمر زیبایی نصب گردیده ، و جمله های جالبی با خط ثلث استاد حبیب الله فضائی ، بر روی آن نوشته

ص: ۱۹۷

۱- مردم با ولایت اصفهان ، و بسیاری از شهرها و روستاهای دور و نزدیک ، با حضوری یک پارچه و جمعیتی میلیونی ، تمامی طول مسیر را (ده کیلومتر) در زیر باران شدید ، تشییع جنازه نمودند ، و یکی از صحنه های پرشور و با معنویت اجتماعی تاریخ اصفهان را شکل بخشیدند ، که در رسانه های جمعی داخل و خارج کشور ، انعکاسی شدید و عجیب داشت ، و به عنوان یک حادثه بزرگ و به یاد ماندنی ، در محافل گوناگون و رسانه های خبری ، مورد توجه و ذکر قرار گرفت (برای تفصیل بیشتر به « یادواره آیه الله فقیه امامی » به قلم نویسنده ، مراجعه فرمائید)

شده ، و حجاری گردیده ، که ذیلاً نقل می نمائیم .

قَدَارٌ تَحَلَّ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةَ إِلَى ذُرُوفِ الدَّرَجَاتِ الْعَالِيَةِ الْآخِرِيِّهِ ، الْعَالِمُ الْكَامِلُ ، الْفَقِيهُ الْمُجَاهِدُ ، الْأَسْتَاذُ فِي الْحُوزَةِ الْعِلْمِيَّةِ ، الْمُحْيِي لِأَثَارِ الشَّرِيعَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ ، الْمُدَافِعُ عَنْ حَرِيمِ الْوِلَايَةِ الْعَلَوِيَّةِ ، الْمُقَاسِي لِلسُّجُونِ وَالشَّدَائِدِ لِلذَّبِّ عَنِ الطَّرِيقَةِ الْجَعْفَرِيَّةِ ، آيَةُ اللَّهِ ، أَلْحَاجُ سَيِّدُ أَحْمَدَ الْفَقِيهِ الْإِمَامِيِّ ، تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ ، الْمُتَوَفَّى فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ ، عَاشِرِ شَهْرِ جُمَادَى الثَّانِيَةِ ، ١٤١٤ مِنْ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ .

حرم امامزاده أبوالعباس ، مدفن علماء و مؤمنين

عدده زيادی از مؤمنين و صلحاء و بالأخص از علماء و روحانیين (إمام جماعت ، مدرس ، واعظ ...) در جوار امامزاده أبو العباس عليه السلام و مرقد مرحوم آیه الله امامی قُدُسُ سِرِّهِ ، مدفون گردیده اند ، و لذا در حرم و صحن امامزاده ، قبرستانی از قبور علماء و صلحاء و مردم با ایمان ، تشکیل شده است .

١٤- امامزاده هارون ولایت عليه السلام

یکی از امامزاده های مشهور و مورد توجه اصفهان می باشد ، که گاهی با عنوان هارونیه ، مورد ذکر قرار می گیرد . در نسب این امامزاده بحث و گفتگوی فراوانی انجام گرفته ، که ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می نمائیم .

١- مرحوم آقا سید محمد باقر چهارسوقی (صاحب کتاب روضات الجنّات) در حاشیه کتاب روضات ، تحت عنوان إمامزاده عظیم الشان ، عبدالعظیم حسنی عليه السلام ، به نقل از یکی از کتب أنساب ، إمامزاده هارون را ، از اولاد إمام علی التّقی عليه السلام دانسته اند (١) و همین نظریه را مرحوم آقا میرزا محمد هاشم

ص: ١٩٨

١- روضات الجنّات ، چاپ قدیم ، صفحه ٣٥٤

چهارسوقی پذیرفته اند (۱).

۲- نظریه دوم این است که ، نسب این بزرگوار، به امام محمد تقی علیه السلام می رسد ، به این شرح : هارون بن محمد بن زید بن حسن بن جعفر بن امام محمد تقی علیه السلام ، که در زمان معتصم عباسی ، در اصفهان شهید شده است (البته باید دانست برای امام محمد تقی علیه السلام فرزندی به نام جعفر ذکر نشده است) (۲).

۳- برخی از صاحبان کتب أنساب ، نسب ایشان را ، به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسانند ، به این شرح: هرون بن محمد بن زید بن الحسن ، که در اصفهان شهید شده است (۳).

۴- برخی، ایشان را از اولاد و أعقاب حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام میدانند ، چنانچه در کتاب تاریخ سلطانی آمده ، که نسب این بزرگوار ، هارون بن محمد بن أحمد بن جعفر بن هارون بن الإمام موسی بن جعفر علیه السلام است (۴).

۵- و بعضی ، به صورت مبهم ، هارون بن الإمام، خوانده اند (۵).

ساختمان صحن و سرای هارونیه

محل این بنای دینی ، در کنار بازار بزرگ اصفهان ، و نزدیک میدان کهنه (قدیم) و در مجاورت مسجد علی میباشد ، و اصل بنای امامزاده ، متعلق به قبل

ص: ۱۹۹

۱- میزان الأنساب ، صفحه ۴۷

۲- جامع الأنساب ، تألیف علامه سید محمد علی روضاتی ، صفحه ۶۱، به نقل از ریاض الأنساب ، جلد ۲، صفحه ۲۰۵

۳- میزان الأنساب ، صفحه ۴۷ ، به نقل از بعض کتب أنساب

۴- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۲

۵- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۲

از صفویّه است (۱) و گفته می شود که در دوره سلجوقیان وجود داشته است (۲) ولی ساختمان فعلی ، از دوره صفویّه ، و از آثار تاریخی اصفهان در اوائل قرن دهم ، می باشد .

این مجموعه تاریخی و مذهبی ، مشتمل بر یک صحن بزرگ در شمال (با دو درب ، یکی به سوی بازار ، و یکی به سوی خیابان هارونیه) و یک حرم و یک رواق و یک گنبد بزرگ و زیبا و یک مدرّس علمیه در طرف مغرب بقعه (که صحن دوّم امامزاده ، به شمار می رود) می باشد ، و یک سر در زیبا و باشکوه و با کاشی کاری بسیار جالب ، برای مدرسه ساخته شده و یک سر درب دیگری در طرف شرق بقعه ، که مشرف به جاده قدیمی (خیابان فرعی هارونیه) می باشد ، مقابل مسجد علی قرار گرفته است . در کتیبه های سر در مدرسه (صحن کوچک بقعه هارونیه) که در دوره شاه اسماعیل اول صفوی ، ساخته شده ، تاریخ ربیع الأوّل ۹۱۸ ذکر گردیده ، و در بالای کتیبه ، یک اسپر کاشی کاری است ، و در ألواح اطراف ، به خط ثلث حنائی رنگ معرّق ، بر زمینه کاشی لاجوردی ، صلوات بر دوازده امام علیهم السلام نوشته شده است (۳) .

کاشی کاری زیبای این سردر ، از نفیس ترین کارهای کاریها است ، و شکل دو طاووس در آن گنجانیده شده ، که مورد توجه شدید بینندگان قرار گرفته ، و می گیرد . این مجموعه دینی و تاریخی ، نمایشگر معماری و کاشی کاری و گچ بری و نقّاشی و خطّاطی و سایر هنرهای دوره صفویّه ، می باشد .

ص: ۲۰۰

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۲۱

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۷۷

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۶۱

در دوره سلطنت فتحعلی قاجار، و حکمرانی حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی، تعمیراتی اساسی در بقعه هاروتیه انجام گرفته، و طی اشعاری که در رواق حرم (که ما بین صحن شمالی و حرم می باشد) به خط نستعلیق گچ بری شده، ثبت گردیده است، که شعر آخر آن چنین است:

سال اتمامش رقم زد کلک (هادی) بر ورق *** کعبه دین، بقعه هرون بن موسی سنی

در مجموعه کاشی کاری ها و سنگ لوحه های بقعه و بارگاه هاروتیه، تاریخ های متعددی دیده می شود (۹۱۸ - ۹۴۶ - ۱۰۶۶ - ۱۰۶۷ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۹ - ۱۳۲۹ - ۱۴۰۷ - ۱۴۱۴) که نشان می دهد این مجموعه دینی، همیشه مورد علاقه بوده، و به وسیله علاقمندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تعمیر و بازسازی و تزئین، می گردیده است.

آخرین تعمیرات

از حدود سال ۱۳۶۰ شمسی (۱۴۰۰ قمری) تا تاریخ بازدید از آثار گوناگون امامزاده (۱۴۱۶ قمری) تعمیرات اساسی به وسیله مردم علاقمند در صحن و بقعه هاروتیه، انجام گرفته، و اطاقهای صحن تعمیر گردیده، و نماسازی و کاشی کاری صحن عمده (در تاریخ ۱۴۰۷ قمری) تجدید گردیده، و سر در صحن به سوی خیابان هاروتیه، نما سازی و کاشی کاری شده (در تاریخ ۱۳۶۹ شمسی = ۱۴۱۰ قمری) و در باشکوه و بزرگی برای آن ساخته و نصب شده، که تاریخ آن ۱۴۰۶ قمری می باشد. در جریان تعمیرات یاد شده، ضریح امامزاده تعویض گردیده، و ضریح جدیدی با پوشش طلا و نقره، در تاریخ ۱۳۷۲ شمسی (برابر ۱۴۱۲ قمری) بر روی قبر مطهر امامزاده، نصب گردیده است.

علاوه بر امامزاده های یاد شده ، از میان متجاوز از چهار صد و پنجاه امامزاده که در سطح استان اصفهان مدفونند (۱) و حرم و زیارتگاه دارند، به تعدادی از امامزادگان که در شهر اصفهان و حومه نزدیک آن ، مزار و بقعه دارند ، به نحو اجمال ، اشاره می نمائیم ، و امیدواریم روزی موفق شویم که در معرفی همه این مشاهد و مزارات دینی ، گامی هرچند کوچک برداریم .

۱- امامزاده ابراهیم علیه السلام ، که نزدیک فلکة طوقچی ، جنب دبیرستان هاتف می باشد . این امامزاده ، دارای گنبدی کوچک و خشتی بوده (۲)، که اخیراً در حال تجدید بناء ، به شکلی مفصل و جالب با رواق و گنبد بزرگ و سالن حسینیّه و ... می باشد .

۲- امامزاده ابراهیم علیه السلام ، که واقع در روستای ردان ، در غرب اصفهان ، در جاده کشتارگاه است . این امامزاده ، در حال حاضر ، دارای حرم و ضریح و گنبد و صحن بزرگ و مجلل می باشد .

ص: ۲۰۲

۱- در لیست نسبتاً جامعی که سازمان اوقاف و امور خیریه کشور ، از بقاع و زیارتگاههای مذهبی ایران تهیه نموده ، که تا سال ۱۳۷۱ شمسی شناسائی شده و ثبت گردیده ، و اکثریت قاطع آنها ، مربوط به امامزادگان و شماری هم ، مربوط به سایر شخصیت های مذهبی می باشد ، شمار مجموع آنها در سراسر کشور، چهار هزار و هفتصد و چهار (۴۷۷۴) می باشد، که تعداد پانصد و پنج (۵۰۵) عدد آنها، مربوط به استان اصفهان و یکصد و پنج (۱۰۵) عدد از آنها، مربوط به شهرستان اصفهان است و حدود نود (۹۰) مورد آنها ، متعلق به امامزادگان و بقیه مربوط به دیگر بزرگان دینی می باشد

۲- در یادداشتهای مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی ، اصل بقعه را متعلق به قبل از قرن هفتم هجری، دانسته است

۳- إمامزاده ابراهیم علیه السلام ، که در محله دارالبطیخ ، نزدیک مقبره خواجه نظام الملک قرار گرفته ، و آثاری از دوره صفویه دارد ، و دارای حرم و ضریح و صحن می باشد .

۴- إمامزاده ابراهیم علیه السلام ، واقع در خیابان کهندژ ، محله سودان ، که گنبد قدیمی آن تاریخ ۱۳۰۸ قمری داشته ، و اخیراً تجدید بنا شده است (۱).

۵- إمامزاده ابراهیم علیه السلام ، که ما بین قهجاورستان و فرودگاه اصفهان می باشد ، و گنبد کوچکی دارد که کاشی کاری شده است .

۶- إمامزاده أبو الحسن علیه السلام ، که معروف به امامزاده شاه أبو الحسن علیه السلام می باشد و در محله عطشاران ، در شمال خیابان جی (در یک کیلومتری) واقع گردیده است . دارای گنبد کوچک و صحن بزرگ و حرم و ضریح می باشد .

۷- إمامزاده سید أحمد بن سید محمد علیه السلام ، که در روستای جزوکان ، خیابان آتشگاه واقع شده ، و مشهور است که از نسل امام علی بن الحسین علیه السلام می باشد .

۸- إمامزاده اسحاق علیه السلام ، که واقع در خیابان جی ، اول خوراسگان است ، و دارای صحنی بزرگ ، و حرم و گنبدی زیبا و مسجدی به نام حضرت زهراء علیها السلام می باشد ، و از زیارتگاههای مورد توجه به شمار می رود .

۹- إمامزاده باقر علیه السلام ، که در خیابان چهارباغ صدر ، خیابان عافیت واقع شده است ، و دارای حرم و ضریح و گنبد و صحن میباشد ، و تاریخ بنای آن (طبق سنگ نوشته ای) ۱۲۷۰ است (۲) .

مرحوم حجّه الإسلام و المسلمین ، حاج سید فضل الله سجّادی ، متوفای آیام

ص: ۲۰۳

۱- یادداشتهای مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶۲ و تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۶۰

فاطمیه ۱۴۱۴ قمری ، که از روحانیون فعال بودند ، سالن حسینیّه ای در کنار امامزاده تأسیس نموده اند ، و تعمیراتی در حرم و صحن امامزاده انجام داده اند ، که تاریخ آن ۱۳۶۲ شمسی می باشد، که در آخرین بیت قطعه شعری که به دیوار حسینیّه ، در داخل صحن امامزاده نصب گردیده ، اشاره شده است :

در بهار سیصد و شصت و دو از بعد هزار *** یافت پایان این بنا ، از لطف حی دادگر

۱۰- امامزاده جعفر علیه السلام ، که واقع در خیابان هاتف ، مقابل امامزاده اسماعیل علیه السلام می باشد ، و در بخش (بقعه های علمی اصفهان) از این امامزاده ، به تفصیل یاد نموده ایم .

۱۱- امامزاده جعفر علیه السلام ، که مشهور به امامزاده شاه کرم بوده است ، و محلّ بقعه و مزار آن ، واقع در جاده فرودگاه بین المللی اصفهان ، نزدیک به پایگاه هشتم شکاری است . گفته می شود که این بزرگوار، فرزند بدون واسطه امام هشتم علیه السلام می باشد ، و همان است که در کتب حدیث شیعه و سنّی ، فرزند سوم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به شمار آمده است (۱) و ایشان را، « جعفر بن الرضا علیه السلام » و به تعبیر دیگر، « این الرضا » می خوانند .

از این امامزاده بزرگوار ، کرامات فراوانی ظاهر گردیده ، که مورد توجه مردم قرار گرفته (و به همین جهت ، به امامزاده شاه کرم شهرت یافته است)

ص: ۲۰۴

۱- فرزندان ذکور امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را پنج نفر دانسته اند، به نامهای : محمد (الامام الجواد علیه السلام) و حسن ، و « جعفر » ، و ابراهیم، و حسین (کشف الغمه، جلد ۲، صفحه ۲۶۷، و بحار الأنوار ، جلد ۴۹ ، صفحه ۲۲۱، و عوالم العلوم ، جلد ۲۲ ، صفحه ۳۷۰، و نور الأبصار شبلنجی ، صفحه ۱۷۷، و سیر أعلام النبلاء ، جلد ۹، صفحه ۳۹۳، و الفصول المهمه، صفحه ۲۴۶ و ...

و نویسنده این سطور نیز (شخصاً) کراماتی از ایشان دیده ام ، که علامت مقام معنوی آن بزرگوار ، و نشان دهنده انتساب ایشان ، به امام هشتم ، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد (۱).

ص: ۲۰۵

۱- با توجه به موقعیت حساس این امامزاده ، و نزدیکی آن به فرودگاه بین المللی اصفهان (که محل اعزام حججاج بیت الله الحرام ، و نیز زائران خانه خدا، و مدینه منوره « در سفر عمره مفرده » و عموم مشاهد مشرفه ، و بالأخص مشهد مقدس حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد، و نیز با عنایت به این که بقعه و مزار این امامزاده ، محل توجه و در دیدگاه عموم مسافرانی است که از همه شهرها و کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ، وارد شهر تاریخی و مذهبی اصفهان می شوند) و زیر نظر هیئت امنائی مرکب از جمعی از علماء و صلحاء و مؤمنین ، بنای قدیمی بقعه امامزاده ، تخریب گردیده ، و طبق نقشهای بسیار جالب و جامع (که سمبلی از مظاهر اعتقادی ، تاریخی، هنری و ادبی مردم اصفهان را به نمایش بگذارد، و تجلیگاهی برای مذهب تشیع، و مکتب اهل البیت علیهم السلام به شمار آید) ساختمانی جدید و مفصل ، در حال تأسیس می باشد . طبق نقشه یاد شده ، ساختمان اصلی امامزاده (شامل بقعه و گنبدی بزرگ، و مناره هائی بلند و باشکوه ، و رواقها و ایوانها و سایر ملحقات ، از قبیل : مسجد و حسینیه و کتابخانه و ...) در قطعه زمینی متجاوز از چهار هزار متر می باشد، که بعضی از قسمتهای آن ، یک طبقه ، و بعضی دیگر، دو طبقه ، و برخی، سه طبقه است ، و تمامی زیر بنای آن، ۸۳۰۰ متر مربع می باشد ، و مجموع این بنای عظیم ، در فضائی بسیار وسیع ، با مساحتی در دهها هزار متر مربع قرار می گیرد . امید است با عنایت خداوند متعال ، و توجهات صاحبان ولایت علیهم السلام ، بالأخص حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ، فعّالیت ساختمانی ، با سرعت کامل مراحل خود را طی نماید ، و تجلیگاهی برای مکتب تشیع ، و صحنه ای از نمایش عمق اعتقاد شیعیان و ارادتمندان خاندان رسالت علیهم السلام تحقق یابد ، و پایگاهی عظیم، برای نشر و گسترش فرهنگ غنی مکتب ولایت ، و تعلیم و تبلیغ احکام اسلام، و ترویج و گسترش مبانی دین و ایمان محسوب گردد

۱۲- امامزاده حسن علیه السلام، که مشهور به شاهزاده حسن کِیجعلی است، و دارای گنبد و بارگاه مَفَصَّیل، به ضمیمهٔ صحنی بزرگ می باشد، و محلّ آن در نزدیک روستای زمان آباد، در جادهٔ فرودگاه اصفهان واقع است، و گفته می شود که این امامزاده، از نسل امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد.

۱۳- امامزاده حسین علیه السلام، که مشهور به «شاهزاده حسین» می باشد، و نسب آن حضرت، در دور ضریح مبارکشان، این چنین نوشته شده است:

شاهزاده، حُسَیْن، بِن زَیْد، بِن أَحْمَد بِن حُسَیْن بِن مُحَمَّد بِن أَحْمَد بِن عَلِی، بِن مُحَمَّد بِن قَاسِم، بِن حَمَزَه، بِن مُوسَى بِن جَعْفَر علیه السلام.

این امامزاده، دارای ضریح و حرم و گنبد می باشد، که تاریخ آن ۱۴۰۰ قمری است، و ساختمان قدیمی آن، در جریان تجدید بنا، تخریب گردیده، و محلّ آن، صحرای مورنان قُهاب، نزدیک جادهٔ قهجاورستان می باشد.

۱۴ و ۱۵ - امامزاده دو طفلان علیهما السلام (۱) که واقع در خیابان زینبیه می باشد، و در سالهای اخیر، با همت مؤمنین و مردم محل، تجدید بنا شده، و دارای صحن و حرم و رواق و گنبد می باشد، ولی هنوز کاشی کاری و تزیینات آن انجام نگرفته است. گفته می شود که مدفون در این مزار، دو طفل، به نامهای أحمد و محمود هستند، که از نسل امام رضا علیه السلام می باشند (۲).

۱۶ و ۱۷ - امامزاده دو قلو علیهما السلام، که در خیابان شریف واقفی قرار گرفته، و دارای حرم و ضریح می باشد. گفته می شود که دو نفر از نسل امام هفتم علیه السلام

ص: ۲۰۶

۱- این عنوان، مشهور در زبان عموم مردم است، ولی عدد دو همراه با تثنیه بودن کلمه (طفلان) مناسبت ندارد

۲- یادداشتهای مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

به نامهای: ابراهیم و اسماعیل یا حسن و حسین در این مزار شریف مدفونند(۱).

۱۸ - امامزاده رأس الرضا علیه السلام، که مشهور به سیر شاه رضا می باشد، و محل آن در حاشیه جنوب شرقی فلکه قدس (طوقچی) در نزدیکی بقعه و مزار صاحب بن عبّاد، قرار گرفته است. مشهور در سر زبانها این است که، سر مقدس امامزاده بزرگوار که در شهر شهرضا (قمشه) مدفون می باشند، و به نام شاهرضا علیه السلام خوانده می شوند، به اصفهان آورده شده، و در این محل دفن گردیده است.

بقعه سر شاه رضا، ساختمان قدیمی داشت، تا آن که شاعر نامدار ایران و اصفهان، مرحوم محمد حسین صغیر اصفهانی، متوفای ۱۳۹۰ قمری، از دنیا رفت، و جنازه او را در جوار سیر مقدس شاهرضا دفن نمودند، و به همین جهت، اداره اوقاف اصفهان، بقعه و مزار مذکور را تجدید بنا نمود، و حرم و بقعه و گنبد جالبی تأسیس کرد، که به صورت فعلی در آمده است، که مشتمل بر یک حرم هشت ترکی، با یک گنبد برای سر شاه رضا، و یک سالن برای آرامگاه مرحوم صغیر، می باشد.

۱۹- مزار عبدالله بن ... جعفر طیار علیه السلام، که واقع در جاده قدیم رهنان (رنان) می باشد، و مشهور به شاهزاده عبدالله است(۲).

ص: ۲۰۷

۱- یادداشتهای سید مصلح الدین مهدوی و تاریخچه محله خواجه، صفحه ۶۳

۲- در یک سنگ مرمر قدیمی که تاریخ ندارد، و متعلق به مزار یاد شده است، و در حال حاضر در ضریح مرقد مطهر نگهداری می شود، و با خط زیبائی حجاری شده، عبارات زیر که خصوصیات این بزرگوار را بیان می دارد، خوانده می شود: و ما توفیقی إلا بالله، تاریخ ورود حضرت ابو عبد الله جواد، فرزند حضرت جعفر طیار در سال یکصد و سی و شش، بعد از سال هجرت بوده، که تشریف به این سر منزل آورده، چون این محل قابل فیض بوده، و در قدیم اسم این سر منزل را مسجد شام گفتندی، بنابراین وطن کرده اند، و مدت نود و سه سال از عمر شریف او گذشته بود که از عالم ظاهر به عالم باطن رفته اند، به موجب تاریخ روزگار که از مورخان نام یافته، چون تاریخ ورود حضرت یکصد و سی و شش بوده، در این مقام در حساب أبجد اسم نیز ابو عبد الله، و تاریخ او می شود، و قریب یکصد و سی سید عالی نصب در این مکان مدفونند، یقین که متقیان از فیض این سر منزل محروم نمانند و از نوشته بالا استفاده می شود، که این بزرگوار، از نسل حضرت جعفر طیار (نسبت این بزرگوار به جعفر طیار، نسبت فرزند به پدر نیست، بلکه نسبت به جد می باشد، که بسیار فراوان است، و گرنه تاریخ مذکور باسال شهادت حضرت جعفر طیار علیه السلام هماهنگی نخواهد داشت) می باشد، و ابو عبد الله خوانده می شده (نه عبد الله، که مشهور بر سیر زبانها است) و دارای لقب جواد بوده، و مدت نود و سه سال عمر نموده است. ضمناً استفاده می شود که یکصد و سی نفر از سادات، در جوار آن بزرگوار دفن گردیده اند، که هیچ گونه اشاره ای به وفات یا شهادت و تاریخ ارتحال آنها نگردیده است. در تجدید بنای اخیر، نوشته فوق بر روی یک سنگ سیاه حجاری شده، و به دیوار حرم نصب گردیده، که دقیق نیست، مثلاً به جای نود و سه، نود و نه، حجاری شده است.

مزار یاد شده ، در طیّ پانزده سال اخیر ، تجدید بنا گردیده ، و حرم و ضریح طلا و نقره ای زیبا ، و گنبد و سردر مجلّی دارد ، و در کنار آن ، مسجد و حسینیه ای ساخته شده است .

در تزیینات آن ، از گچ بری و کاشی کاری و آینه کاری استفاده شده ، و در مجموع ، بنائی زیبا و جالب می باشد .

۲۰- امامزاده عبدالله علیه السلام ، که مشهور به امامزاده سُوری می باشد ، و در محلّه در دشت ، نزدیک مسجد سُوری واقع گردیده ، و طبق سنگ نوشته ای که بر دیوار نصب شده ، و تاریخ آن ۱۰۹۱ می باشد ، این امامزاده از نسل امام جعفر بن محمد

ص: ۲۰۸

الصّادق علیه السلام است (۱) و در قدیمی آن ، مورّخ به سال ۹۱۹ می باشد (۲).

۲۱ - إمامزاده سیّد علاء الدّین (محمّد) ، که مشهور به شهشهان (مخفّف شاه شاهان) می باشد ، و درباره شخصیت علمی و اجتماعی و بقعه و مزار او ، در بخش (مدارس علمیه اصفهان ، قبل از صفویه) و نیز بخش (بقعه های علمی اصفهان) بحث نموده ایم .

۲۲ - سّنی فاطمه علیها السلام ، إمامزاده ای است واقع در محله چهارسوق ، خیابان آیه الله کاشانی ، که در زمان صفویه اهمیت زیادی داشته ، و دارای مقبره و صحن و ضریح می باشد . صاحب قبر را ، فاطمه صغری دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام می خوانند (۳) و عدّه ای از خاندان صفویه و علماء خاندان علمی خلیفه سلطانی ، در جوار آن حضرت ، مدفون می باشند .

۲۳ - إمامزاده کزار ، که در خیابان جی ، محله بوزان واقع می باشد ، و حرمی وسیع با رواقهای متعدّد و گنبدی بزرگ دارد . ساختمان اصلی آن ، متعلّق به سال ۵۲۸ می باشد ، و تعمیرات آن در سال ۷۱۳ و در نوبت دیگر ، در سال ۱۳۱۳ انجام گرفته است . بنای فعلی ، که همراه با توسعه و تجدید است ، از سال ۱۳۵۹ شمسی (۱۴۰۰ قمری) شروع گردیده ، و تا کنون (۱۴۱۶ قمری) ادامه دارد ، و در حال تکمیل و نماسازی و تزئین می باشد .

۲۴ - إمامزاده سیّد محمد علیه السلام ، که واقع در اتوبان دانشگاه صنعتی اصفهان ، در فاصله سه کیلومتری خمینی شهر می باشد ، و با نسب سیّد محمّد بن زید بن علی بن

ص: ۲۰۹

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۸۶۲

۳- به بخش مربوط به زینبیه ، « قسمت نسب حضرت زینب علیها السلام » ، مراجعه شود

الحسین علیه السلام شهرت دارد . ساختمان قدیمی آن خراب گردیده ، و تجدید بنا شده ، و در حال تکمیل و تزیین و کاشی کاری می باشد .

حرم و گنبد بزرگ و ضریح طلا- و نقره ای دارد ، و در جوار او بسیاری از مؤمنین و صلحاء ، و بالأخص جمعی از علماء ، مدفون گردیده اند .

۲۵- امامزاده سید محمد علیه السلام (شاه قاضی) ، که ساختمان آن تجدید گردیده ، و کاشی کاری شده ، و کامل گردیده است ، و محل آن در کنار روستای خاتون آباد ، از توابع خوراسگان می باشد .

این امامزاده ، صحن و گنبد و بارگاه و ضریح و سایر لوازم یک زیارتگاه دینی را دارد، و گفته می شود که صاحب مزار ، از نسل محمد حنفیه است .

۲۶- امامزاده محمد باقر علیه السلام (خیادان) ، که واقع در خوراسگان « محلّه خیادان » میباشد ، و به مناسبت نام محل ، به نام امامزاده خیادان خوانده می شود . ساختمان قدیمی آن هنوز باقی است ، ولی ساختمان مجلل و مفصّلی برای آن ، در حال احداث می باشد . این امامزاده را به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منتسب می دانند .

۲۷- امامزاده مختار علیه السلام ، که واقع در روستای چنگان ، در نزدیکی خوراسگان میباشد ، و گنبد و حرم و بقعه و رواق دارد، ولی کاشیکاری و تزیین نگردیده است .

۲۸- امامزاده مرتضی علیه السلام ، واقع در خیابان هاتف ، نزدیک امامزاده جعفریه و در جنوب صحن آن قرار دارد ، و دارای بقعه و ضریح چوبی می باشد . گفته می شود که آن بزرگوار ، پدر یا برادر امامزاده جعفر علیه السلام ، و از علماء و سادات

جلیل القدر بوده ، و به شهادت رسیده است (۱).

۲۹- امامزاده موسی علیه السلام، که واقع در حاشیه خیابان آیه الله کاشانی می باشد و تجدید بنا گردیده ، و درای ضریح و حرم (همراه با کاشی کاری و تزیینات) می باشد ، و گفته می شود که مدفون در این مزار مقدس ، از نسل حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد .

۳۰- امامزاده سید نجم الدین علیه السلام ، که واقع در محله جوی آباد ، خیابان کهندژ (بین اصفهان و خمینی شهر) می باشد ، و نسب آن بزرگوار ، به امام علی بن الحسین علیه السلام می رسد . ساختمان امامزاده قدیمی بوده ، ولی در حال تجدید بنا - است ، و دارای گنبد و ضریح و بقعه و بارگاه میباشد . این امامزاده سنگ لوحه قدیمی دارد ، که روی آن نوشته شده است:

السَّيِّدُ نَجْمُ الدِّينِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدِ شَرَفِ الدِّينِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحُسَيْنِيِّ

شعبان المعظم سبعماء و ثمانين من الهجرة النبويه ۷۸۰

شرح حال اجمالی از سایر امامزادگان اصفهان و حومه

و هم چنین، در اصفهان و نیز منطقه شهرضا، خمینی شهر ، لنجان، قهیدریجان و فلاورجان ، بُرخوار ، برآآن ، قُهاب و خُوراشیگان و جی ، کوهپایه و جرقویه ، مورچه خُورت و میمه و ... ، امامزادگانی وجود دارند ، که مزارشان محلّ توجه مردم و جایگاه عبادت و زیارت می باشد ، و از سنگ‌های دین و ولایت اهل البیت علیهم السلام به شمار می رود، ولی معرّفی تمام آنها و ذکر تمام خصوصیات شخصیت و بقعه و بارگاه آنان ، در مسیر هدف کتاب نمی باشد .

ص: ۲۱۱

۱- به بخش (بقعه های علمی اصفهان « جعفریه ») مراجعه شود

کی توان پهلو زند شهری به شهر اصفهان

اصفهان اندر جهان یکتا و بی همتاست

گر چه میگویند باشد اصفهان نصف جهان

(بی ریا) گوید صفاهان یک جهان تنهاست

رضائی (بیریا) اصفهانی

ص: ۲۱۲

۶- محدّثین شیعه اصفهان، از ریشه های تشیع در اصفهان

اشاره

محدّثین شیعه اصفهانی از ریشه های تشیع در اصفهان

ص: ۲۱۳

محدثین شیعه اصفهانی، از ریشه های تشیع اصفهان

در این بخش، جمعی از محدثین شیعه را، که از اصفهان برخاسته اند و یا در این شهر تاریخی و مرکز علم، سکونت داشته و فعالیت علمی نموده اند، مورد بحث قرار می‌دهیم.

وجود شمار قابل توجهی از محدثین شیعه از اصفهان (که جمعی از آنها، از اصحاب ائمه معصومین علیهم السلام به شمار آمده اند) نشانه‌ای روشن، برای سابقه تشیع در اصفهان می‌باشد، و از ریشه‌های ارزشمند مکتب اهل بیت علیهم السلام در این شهر تاریخی و بزرگی است، که در قرنهای اخیر، به عنوان شهر ولایت، و مهد پرورش پرچمداران مکتب تشیع، شناخته شده است.

در ابتداء، به ترتیب حروف اول نام محدثین، آنها را ذکر می‌کنیم و در پایان، چند نفری که نام آنها به دست نیامده، و فقط کنیه آنها مشخص شده، یاد می‌کنیم، و در آخر، محدثی را، که فقط با عنوان (الاصفهانی) در کتاب (کافی) مطرح گردیده، ذکر می‌نمائیم.

۱- آمنه بنت عبّاد طباطبائی علوی

از زنده‌های محدثه قرن پنجم و ششم در اصفهان بوده، و نسب او چنین می‌باشد: بنت عبّاد بن علی بن حمزه بن طباطبائی علوی (۱)، وی در شهر اصفهان حوزه درسی داشته، و جمعی از فضلاء از محضر او استفاده می‌نموده اند (۲).

ص: ۲۱۵

۱- أعلام النساء، عمر رضا کحّاله، جلد ۱، صفحه ۱۴

۲- دائرة المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۲۳۶

وی ، سر سلسلهٔ خاندان بزرگ و علمی طباطبائی ، و ساکن و مدفون در اصفهان می باشد ، و نسل او در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ، پراکنده اند و در طول ۱۳ قرن ، چهره های برجسته علمی و ادبی و اجتماعی فراوان ، از میان آنها برخاسته اند ، و در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) از آن خاندان یاد کرده ایم .

ابراهیم طباطبا ، در کتاب رجال شیخ طوسی ، جزء أصحاب امام صادق علیه السلام به شمار آمده و نسب او چنین ذکر گردیده است : ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن امام الحسن المجتبی علیه السلام (۱).

مرحوم اردبیلی در جامع الزّواہ ، در ذیل عنوان او (۲) اشاره نموده است به حدیثی در کتاب اصول کافی (۳) که علی بن حسان ، از ابراهیم بن اسماعیل ، از ابن جبل ، از امام صادق علیه السلام نقل نموده ، دربارهٔ قومی از جن ، که به محضر امام صادق علیه السلام مشرف شده بودند ، و طبق این نقل ، ابراهیم طباطبا ، با یک واسطه ، راوی از امام صادق علیه السلام ، به شمار می رود . ابراهیم طباطبا ، از شخصیت های برجسته است و صاحب کتاب (عمدہ الطالب فی أنساب آل ابي طالب) او را با این عبارت توصیف و تمجید نموده است : و کان ابراهیم طباطبا ذا حَظَرٍ و تَقَدُّمٍ (۴)

که این عبارت ، گویای عظمت شخصیت و تقدّم و برتری اجتماعی او است .

ص: ۲۱۶

۱- رجال شیخ طوسی، صفحه ۱۴۴، معجم رجال الحدیث، جلد ۱، صفحه ۲۱۱ و تنقیح المقال، جلد ۱، صفحه ۱۴

۲- جامع الزّواہ ، جلد ۱، صفحه ۱۹

۳- اصول کافی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹۴ ، حدیث ۲

۴- عمدہ الطالب ، صفحه ۱۷۲

برای آشنائی بیشتر با شخصیت این بزرگمرد، به بخش (خاندانهای علمی اصفهان) مراجعه شود .

۳- ابراهیم بن شیبۀ اصفهانی

وی، در اصل کاشانی بوده، و در کتاب کافی و تهذیب و استبصار، از او حدیث نقل شده است (۱). مرحوم شیخ طوسی او را جزء أصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام ذکر نموده است (۲).

أحمد بن محمد بن أبی نصر بزندی، و موسی بن جعفر بن وهب، از او نقل حدیث نموده اند (۳).

۴- ابراهیم بن قتیبة اصفهانی

وی از اهل اصفهان بوده (۴) و نجاشی برای او کتابی ذکر کرده (۵) و نیز شیخ طوسی او را در شمار مصنفین شیعه برشمرده است (۶).

۵- ابراهیم بن محمد بن سعید... ثقفی اصفهانی

درباره این محدث بزرگ و نامدار، و ناشر عظیم الشأن مکتب امامت و ولایت، در بخش « نامداران بزرگ از چهره های علمی اصفهان، از قرن ۳ تا ۱۰ » به تفصیل بحث کرده ایم مراجعه شود .

ص: ۲۱۷

۱- جامع الزّواہ، جلد ۱، صفحه ۲۲ و معجم الرجال الحدیث، جلد ۱، صفحه ۲۳۶

۲- رجال شیخ طوسی، صفحه ۳۹۸ و ۴۱۱

۳- پاورقی رجال شیخ طوسی، (از سید محمد صادق آل بحر العلوم) صفحه ۳۹۸

۴- جامع الزّواہ، جلد ۱، صفحه ۳۰

۵- رجال نجاشی، صفحه ۱۷

۶- ألفهرست، شیخ طوسی، صفحه ۸

۶- أحمد بن أبي السري، الغزاة الإصفهاني

حافظ أبونعيم اصفهاني، از اين محدث ياد نموده، و او را در زمرة محدثين اصفهان برشمرده است (۱). در يادداشتهاي نويسنده منتبع آقاي سيد مصلح الدين مهدوي، از اين محدث به عنوان شيعه اصفهاني، ياد شده ولي اطلاع ديگري در اين زمينه بدست نيامد.

أحمد بن أحمد بن فضل اصفهاني

به عنوان (أحمد بن مفضل، أبو سلمة اصفهاني) مراجعه شود.

۷- أحمد بن عبد الرحمن... بن قدامة السعدي

يكي از محدثين مورد توجه در اصفهان، أحمد بن عبد الرحمن بن بحر بن يزيد بن زياد بن جاريه بن قدامة السعدي است، كه اصلاً اهل كوفه بوده و به اصفهان وارد شده است، و حديث گفته و رسماً شيعه بوده، و حافظ أبونعيم، او را در زمرة محدثين شمرده، و تشيع او را به صراحت اعلام داشته، و نوشته است: و كان شيعياً... (۲). او، از مسلم بن ابراهيم، و عبيد الله بن موسي، روايت مي نموده است (۳). محمّد بن ابراهيم بن سعيد و شاء، كه از محدثين قرن سوم بوده، و در سال ۲۹۹ وفات يافته (۴) از أحمد بن عبد الرحمن سعدي كوفي، نقل حديث نموده است (۵).

ص: ۲۱۸

۱- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۱۱

۲- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۸۸ - ۸۹

۳- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۹۵

۴- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۲، صفحه ۲۳۴ - ۲۳۵

۵- به ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۹۵ (وسط صفحه) مراجعه شود

علامه مجلسی در بحار الأنوار، در مواردی متعدّد، احادیثی را از کتب معتبره اعلام شیعه همانند: مرحوم شیخ صدوق و مرحوم سید بن طاووس، نقل نموده که در سند آنها أحمد بن علی اصفهانی وجود دارد، و در بسیاری از آنها، از ابراهیم بن محمد ثقفی (چهره درخشان شیعه) نقل حدیث نموده است، و ما ذیلاً به آنها اشاره می‌نمائیم.

۱- در قسمت عدل و معاد، در باب احوال متّقین و مجرمین در روز قیامت، از کتاب فضائل الشّیعه شیخ صدوق، حدیث بسیار جالبی را درباره محبت امیر المؤمنین علی علیه السلام و آثار بسیار آن در دنیا و آخرت، نقل می‌فرماید و سند آن حدیث، به این ترتیب می‌باشد:

روی الصدوق (ره) عن أبيه عن المؤدّب(۱) عن أحمد بن علی اصفهانی، عن محمد بن أسلم الطّوسی، ... عن النّبی صلّی الله علیه و آلهی و سلّم ... (۲).

۲- در بحث معراج و کیفیت آن، حدیثی را از معانی الأخبار شیخ صدوق، درباره معراج، که در آخر آن از عظمت ایمان علی علیه السلام، یاد شده، نقل می‌فرماید: با این سند: معانی الأخبار، اَبی، عن عبد الله بن الحسن المؤدّب، عن أحمد بن علی اصفهانی، عن ابراهیم بن محمد(۳)، عن الحکم بن سلیمان ... قال رسول الله صلّی الله علیه و آلهی و سلّم (۴).

ص: ۲۱۹

۱- مراد، عبدالله ابن الحسن المؤدّب است

۲- بحار الأنوار، جلد ۷، صفحه ۲۲۱

۳- مقصود، ابراهیم بن محمد ثقفی است

۴- بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۳۴۴

۳- در باب فضائل سلمان و اَبی ذر و عَمّار یاسر و ... حدیثی را نقل می فرماید ، از امالی شیخ صدوق ، از امیر المؤمنین علی علیه السلام با این سند :

أمالی الصّیدوق ، اَبی ، عن عبد الله بن الحسن المؤدّب ، عن أحمد بن علی الإصفهانی ، عن ابراهیم بن محمّد الثّقفی ... عن علی علیه السلام (۱). ۴- و در قسمت تاریخ زندگی و فضائل علی علیه السلام ، در باب این که حُبّ علی علیه السلام ایمانٌ ، وَ بُغْضُهُ کُفْرٌ، حدیثی بسیار جالبی را (مشابه حدیث شماره ۱، مذکور در فوق) به نقل از کتاب الأربعین عن الأربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده و سپس فرموده است : رواه الصّدوق محمّد بن أبویہ ، فی کتاب فضائل الشّیعه ، عن اَبیه ، عن عبد الله بن الحسین المؤدّب ، عن أحمد بن علی اصفهانی ، عن محمّد بن أسلم الطّوسی ... (۲).

۵- و در کتاب الصّیلاه ، در باب فضائل نماز شب ، حدیثی را از معانی الأخبار شیخ صدوق ، با این سند نقل می فرماید : ... عن عبد الله بن الحسن المؤدّب ، عن أحمد بن علی الإصفهانی ، عن ابراهیم بن محمّد الثّقفی ... عن جعفر بن محمّد الصّادق علیه السلام... (۳) .

۶- و در کتاب الصّیلاه ، باب الإستخاره بالدّعاء ، حدیثی را از کتاب فتح الأبواب ، سیّد بن طاووس حلّی ، نقل می فرماید ، با این اسناد : أَلْفَتْح ، عن الحسن بن أحمد بن ابراهیم بن شاذان ، عن أحمد بن یعقوب الإصفهانی ، عن أحمد بن علی الإصفهانی ، عن ابراهیم بن محمّد الثّقفی ... ، عن علی بن الحسین علیه السلام (۴) .

ص: ۲۲۰

۱- أمالی صدوق ، و بحار الأنوار ، جلد ۲۲ ، صفحه ۳۱۹

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۹ ، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸

۳- بحار الأنوار ، جلد ۸۷ ، صفحه ۱۵۰

۴- بحار الأنوار ، جلد ۹۱ ، صفحه ۲۶۷

۷- و در کتاب الذکر و الدعاء ، باب ادعیه السر، حدیث فوق را از کتاب فتح الأبواب با تفاوتی در عبارت سند ، نقل نموده که بدین قرار می باشد: ... أخبرنا أبوعلی ، الحسن بن أحمد بن ابراهیم بن شاذان ، قال حدثنا أبو جعفر أحمد بن یعقوب بن یوسف الإصطفهانی ، فی جمادی الأولى ، من سینه تسع وأربعین وثلاث مائه ، قال : حدثنا أبو جعفر أحمد بن علی الإصطفهانی ، صاحب الشاذکونی (۱) قال حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن محمد الثقفی ... عن علی بن الحسین علیه السلام (۲).

با توجه به راوی از او ، یعنی عبد الله بن الحسن المؤدب و نیز با توجه به شیخ حدیث او (که از او نقل حدیث می نماید) یعنی ابراهیم بن محمد ثقفی و نیز با توجه به کنیه او (أبو جعفر) که در آخرین حدیث ذکر گردید ، به نظر می رسد (احتمالاً) أحمد بن علی اصفهانی ، همان أبو جعفر ابن علویة اصفهانی ، باشد .

علامه بزرگوار، حاج آقا بزرگ طهرانی، أحمد بن علی اصفهانی را ، جزء رواه شیعه ، در قرن چهارم هجری ، ذکر نموده است (۳) .

۹- أحمد بن محمد سیاری

أبو عبدالله کاتب ، أحمد بن محمد بن سیار (۴) ، که دارای تألیفاتی بوده ، و وثاقت و روایاتش ، محل بحث قرار گرفته است . بسیاری از بزرگان فقه و حدیث ، همانند : مرحوم کلینی ، در کافی ، و مرحوم شیخ طوسی ، در تهذیب

ص: ۲۲۱

۱- شاذکونی ، نامش سلیمان بن داود منقری است، و از رواه شیعه می باشد ، و در کتابهای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی و خلاصه علامه حلّی و جامع الزّواه و ... ذکر گردیده ، و أحمد بن علی اصفهانی، مصاحب و رفیق او بوده است

۲- بحار الأنوار ، جلد ۹۵ ، صفحه ۳۲۵

۳- نوابغ الزّواه فی رابعه المآت ، صفحه ۳۲

۴- سیار ، جدّ أحمد، می باشد

و استبصار ، و ابن ادريس حلی و شيخ حسن بن سليمان حلی (در مختصر بصائر الدرجات) و ... ، روایات او را نقل نموده اند

مرحوم شيخ طوسی ، درباره او نوشته : صَنَّفَ كُتُبًا كَثِيرَةً ، و بدین وسیله او را از مصنفین شیعه ، بر شمرده است (۱).

أحمد بن محمد سیاری را ، بسیاری از رجالیین ، بصری خوانده اند ، ولی مرحوم کشی (رجالی نامدار) درباره او می نویسد : إِضْفَهَانِي وَ يُقَالُ الْبُصْرِي (۲) که استفاده می شود ، نظر مرحوم کشی این است که او اصفهانی است ، ولی گفته می شود که بصری بوده ، و ضمناً اعلام می دارد که او ، در زمان امام حسن عسکری علیه السلام بوده است (۳).

۱۰- أحمد بن محمد بن أسيد اصفهانی

در کتاب شریف خصال ، از مرحوم شيخ صدوق قُدُسُ سِرُّهُ حدیثی نقل شده ، از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، که سند آن حدیث چنین می باشد :

حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ ، الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ الْعَسْكَرِيِّ ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو أُسَيْدٍ ، أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أُسَيْدِ الْإِضْبَهَانِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الصُّوفِيُّ ... ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ ، زَلَّةٌ عَالِمٍ وَ ... (۴). همین حدیث را ، علامه مجلسی در بحار الأنوار ، جلد ۲ ، صفحه ۴۹ نقل

ص: ۲۲۲

۱- ألفهرست شيخ طوسی ، صفحه ۲۳

۲- رجال کشی ، صفحه ۵۰۵

۳- درباره این راوی ، و مشخصات علمی و اجتماعی ، به کتاب تنقیح المقال جلد ۱ ، صفحه ۸۷ ، و جامع الزواه ، جلد ۱ ، صفحه ۶۷ ، و دیگر کتب رجالی ، مراجعه شود

۴- خصال شيخ صدوق ، نشر مکتبه الصدوق ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۳

فرموده است .

۱۱- أحمد بن محمد (ابن فاذشاه)

أبو الحسن اصفهانی (۱)، معروف به ابن فاذشاه ، که نام او و پدر و جدش ، چنین می باشد : أحمد بن محمد بن حسین ، و در سال ۴۳۳ وفات یافته است .

او راوی کتاب معجم کبیر ، از طبرانی می باشد ، و جمعی از روایات اصفهانی ، از او نقل روایت نموده اند (۲). ابن حجر عسقلانی و ذهبی ، صریحاً او را ، شیعی مذهب ، معرفی کرده اند ، ولی او را از نظر نقل حدیث ، معتبر دانسته و گفته اند : (سماعه صحیح) و همین مطلب را ، از أبوزکریا بن مُنْده ، نیز نقل کرده اند (۳).

این بزرگمرد ، علاوه بر مقام علمی ، دارای ریاست بوده ، و لذا او را با عنوان (الرئیس) یاد کرده اند ، و شعر نیز می سروده است .

۱۲- أحمد بن محمد بن بطة اصفهانی

أحمد بن محمد بن بطة بن اسحاق بن ابراهیم مدینی اصفهانی ، متوفای ۳۱۳ ، حافظ أبونعیم او را مورد وثوق و مصاحب نیکوکاران دانسته و فرموده است : ثَقَّةٌ صَحْبُ الصَّالِحِينَ (۴). نویسنده معاصر آقای سید مصلح الدین مهدوی ، معتقد هستند که محدث یاد شده ، همان است که ، علامه بزرگوار ،

ص: ۲۲۳

-
- ۱- در لسان المیزان ، کنیه او را أبو الحسن ، و در مرآت الجنان یافعی ، و نیز در أعیان الشیعه ، و طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، (أَلْتَابِسُ فِي الْقَرْنِ الْخَامِسِ) کنیه او را أبو الحسن ، ضبط نموده اند
 - ۲- أعیان الشیعه ، جلد ۳ ، صفحه ۱۰۴ ، و لسان المیزان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۲
 - ۳- لسان المیزان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۲ و میزان الاعتدال ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳۶
 - ۴- به ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۱۹ و ۱۳۳ ، مراجعه شود

آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات خود ، در بخش راویان قرن چهارم یاد نموده ، تحت عنوان أحمد بن محمد بن بطله ، و فرموده است که : أبو الحسن محمد بن أحمد بن عیید الله بن عیسی بن أحمد منصورى (که از مشایخ تلکبرى است) و همچنین أبو محمد فحام ، از او روایت نموده اند(۱). ولی در این زمینه تحقیق بیشتر لازم است ، مخصوصاً با توجه به نوشته علامه طهرانی ، که در مورد أحمد بن محمد بن بطله ، فرموده : و الظاهر أنّ والده محمد بن جعفر الآتی ، و در ذیل عنوان محمد بن جعفر بن أحمد بن بطله می فرماید : أبو جعفر المؤدّب القمى (۲) که از عبارت یاد شده استفاده می شود که ، محدث مذکور ، قمی است ، ولی از طرف دیگر ، نام جعفر و أحمد ، بین محمد و بطله ، این احتمال را تقویت می کند که پدر أحمد بن محمد بن بطله ، محمد بن جعفر بن أحمد بن بطله ، قمی نباشد ، « و العلم عند الله ».

۱۳- أحمد بن مفضل، أبو سلمة اصفهانی، یا، أحمد بن أحمد بن فضل اصفهانی

در کتاب شریف بشاره المصطفی ، حدیث مفضل و پرفیض وصیت های امیر المؤمنین علی علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی را نقل نموده ، و در سند آن چنین آمده است : أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْبُقَاءِ ، إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْبَصِيرِي ، بِقِرَائَتِي عَلَيْهِ فِي الْمُحَرَّمِ سَنَةِ سِتِّ عَشَرَ وَ خَمْسَ مِائَةٍ ، بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عُتْبَةَ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

ص: ۲۲۴

۱- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۴۲

۲- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۲۵۳

وَهَبَانَ الدُّبَيْلِي (الدُّبَيْلِي) ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ كَثِيرٍ الْعَسِيكِرِي ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ ، أَبُو سَيْلَمَةَ الْإِسْفَهَانِي ، قَالَ أَخْبَرَنِي رَاشِدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ وَايِلِ الْقُرَشِي ، قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَفْصِ الْمَدَنِي ، قَالَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَرْطَاه ، قَالَ لَقِيتُ كَمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ ... (١).

علامه مجلسی در بحار الأنوار ، جلد ٧٧ ، صفحه ٢٦٨ تا صفحه ٢٧٩ ، همین حدیث را نقل نموده ، ولی به جای احمد بن مفضل ، ابوسلمه الإصفهانی ، احمد بن احمد بن فضل اصفهانی ، ذکر فرموده است .

١٤- احمد بن يعقوب اصفهانی

کنیه او ابوجعفر می باشد ، و از روایانی است که ، شیخ طوسی در کتاب تهذیب ، از او نقل حدیث نموده ، بدین ترتیب:

أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ الْإِسْفَهَانِي ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلَوِيٍّ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٢)(٣) .

از این عبارت استفاده می شود که ، او از شاگردان و روایان ابن علویة اصفهانی (ادیب و محدث نامدار و عظیم الشان شیعه) می باشد .

علامه مجلسی ، در کتاب الصیلموه ، باب الإستخاره بالدعاء ، حدیثی را از کتاب فتح الأبواب سید بن طاووس حلی ، نقل می نماید بدین سند :

الْفَتْحُ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شاذَانَ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ

ص: ٢٢٥

١- بشاره المصطفی ، صفحه ٢٩-٣٠

٢- التهذیب ، جلد ٣ ، صفحه ٨٦ ، حدیث ١٦

٣- به جامع الرواه ، جلد ١ ، صفحه ٧٥ ، و تنقیح المقال ، جلد ١ ، صفحه ١٠٢ مراجعه شود

الإصْفَهَانِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْإِصْفَهَانِي ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ السَّعِيدِ الثَّقَفِيِّ ... ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام (١).

و همچنین علامه مجلسی در کتاب الذکر و الدعاء ، در باب ادعیه السِّرِّ ، همین حدیث را از فتح الأبواب سید بن طاووس نقل می نماید ، با کمی تفاوت در سند ، بدین شکل : أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ ، الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شاذَانَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ ، أَحْمَدُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الْإِصْفَهَانِي ، فِي جُمَادَى الْأُولَى مِنْ سَنَةِ تِسْعٍ وَأَرْبَعِينَ وَثَلَاثَ مِائَةٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْإِصْفَهَانِي ، صَاحِبُ الشَّاذُكُونِي ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام (٢). از عبارت بالا استفاده می شود ، که أحمد بن یعقوب اصفهانی ، از علماء و محدثین قرن چهارم بوده ، و در سال ٣٤٩ ، حدیث فوق را نقل نموده است . علامه طهرانی نیز در طبقات خود ، أحمد بن یعقوب را ، جزء روات شیعه ، در قرن چهارم بر شمرده اند (٣).

١٥- ادریس بن عبد الله اصفهانی

وی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده (٤) و از رواه شیعه می باشد (٥) .

١٦- أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی

وی ، از چهره های نامدار و از مفاخر محدثین می باشد ، و ما ، در بخش

ص: ٢٢٦

١- بحار الأنوار ، جلد ٩١ ، صفحه ٢٦٧

٢- بحار الأنوار ، جلد ٩٥ ، صفحه ٣٢٥

٣- نوابغ الزّواہ ، فی رابعه المآت ، صفحه ٦٠

٤- رجال شیخ طوسی ، صفحه ١٥٠ ، معجم رجال الحدیث ، جلد ٣ ، صفحه ١١

٥- تنقیح المقال ، جلد ١ ، صفحه ١٠٥

« نامداران بزرگ از چهره های علمی و ادبی اصفهان » به تفصیل از این بزرگمرد یاد نموده ایم ، مراجعه شود .

۱۷- بدران بن شریف اصفهانی

در بخش (چهره های علمی و ادبی شیعه از قرن سوم تا دهم « قرن پنجم ») ذکر نموده ایم ، مراجعه شود .

۱۸- براقه اصفهانی

مرحوم شیخ طوسی ، در کتاب شریف التّهذیب (که از کتب اربعه می باشد) در کتاب الصّوم، باب ۵۵، درباره جواز سرمه کشیدن برای روزه دار ، حدیثی را نقل می نماید، که در سند آن ، آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ بُرَاقَةَ الْإِصْبَهَانِيَّةِ، عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَام (۱).

۱۹- جعفر بن سلمه اصفهانی

وی از مشایخ علی بن ابراهیم قمی می باشد . علامه بزرگوار حاج آقا بزرگ طهرانی ، در معرفی کسانی که علی بن ابراهیم از آنها روایت می نماید ، از جعفر بن سلمه اصفهانی ، نام می برد (۲) ، و با توجه به اینکه علی بن ابراهیم قمی ، تا سال ۳۰۷ زنده بوده (۳) ، می توان جعفر بن سلمه را از محدّثین اواخر قرن سوم و احتمالاً باقی مانده تا اوائل قرن چهارم ، دانست .

ص: ۲۲۷

۱- تهذیب الأحکام، جلد ۴، صفحه ۲۱۴ ، حدیث ۲۹

۲- نوابغ الزّواه فی رابعه المأت ، صفحه ۱۶۸، در ذیل نام علی بن ابراهیم قمی

۳- تنقیح المقال ، و نوابغ الزّواه

۲۰- جعفر بن محمد بن سعید ثقفی

وی برادر ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی، و نیز علی بن محمد ثقفی کوفی است. این چند برادر، به اصفهان هجرت نمودند، و همه از محدّثین بودند، و بالأخص، ابراهیم بن محمد بن سعید، که از مفاخر بزرگ محدّثین شیعه می باشد. علی بن محمد ثقفی، در سال ۲۸۲، در اصفهان وفات یافت (۱) و با توجه به این مطلب می توان جعفر بن محمد بن سعید ثقفی را، از علماء و محدّثین نیمه دوم قرن سوم هجری، به شمار آورد. حافظ ابو نعیم، از جعفر بن محمد بن سعید، یاد نموده و از او حدیثی نقل کرده است (۲).

۲۱- حسن بن عطاء بن ... شاذویه

حسن بن عطاء بن یزید بن سعید شاذویه (که بعضی شاذان، و بعضی دیگر شاذه تلفظ نموده اند).

وی، از محدّثین اصفهان بوده، و حافظ ابو نعیم اصفهانی، درباره او می نویسد: **كَانَ يَشْتَبِعُ (۳)**، که از این عبارت استفاده می شود، نه تنها از شیعیان بوده، بلکه تشیع خود را علنی مینموده، و اظهار می کرده است.

۲۲- حسن بن علویّه اصفهانی

ابومحمد، حسن بن علویّه قماص. مرحوم کشی، در کتاب رجال خود، در شرح حال یونس بن عبد الرحمن (فقیه بزرگ و مرجع دینی مردم، به امر

ص: ۲۲۸

۱- ذکر أخبار أصبهان، جلد ۲، صفحه ۷

۲- ذکر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۲۴۴

۳- ذکر أخبار اصبهان، جلد ۱، صفحه ۲۵۶

و تأييد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (حدیثی نقل نموده با این سند : وَجَدْتُ بِخَطِّ مُحَمَّدِ بْنِ شاذَانَ بْنِ نُعَيْمٍ ، فِي كِتَابِهِ ، سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْقَمِيَّاصِ ، الْحَسَنَ بْنَ عَلَوِيَّهِ ، الثَّقَةَ ، يَقُولُ : سَمِعْتُ الْفَضْلَ بْنَ شاذَانَ ، يَقُولُ : حَرَّجَ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَرْبَعًا وَخَمْسِينَ حِجَّةً وَاعْتَمَرَ أَرْبَعًا وَخَمْسِينَ عُمْرَةً ، وَ أَلْفَ أَلْفٍ جَلْدٍ رَدًّا عَلَى الْمُخَالِفِينَ ... (۱).

علامه بزرگوار امین شامی ، در اعیان الشیعه می فرماید : وَ فِي التَّعْلِيقِ ، لَعَلَّهُ أَخُو أَحْمَدَ بْنِ عَلَوِيَّهِ الْإِصْفَهَانِيِّ الَّذِي مَرَّ وَ الطَّبَقَةُ لَا تَأْبَاهُ فَإِنَّ (۲).

و با توجه به این گفتار ، احتمال داده می شود که حسن بن علویّه (که در عبارت بالا توثیق گردیده و برادر احمد بن علویّه اصفهانی (بزرگمرد علم و ادب و حدیث و شعر) باشد، و از محدثین اصفهان به شمار رود، و با توجه به سال وفات احمد بن علویّه (۳۲۰)، حسن بن علویّه ، از شخصیت های اواخر قرن سوم یا اوائل قرن چهارم ، به شمار می آید .

۲۳- سرّی بن سلامه اصفهانی

مرحوم شیخ طوسی ، او را جزء صاحبان کتاب و تألیف ذکر نموده، (۳) و در جامع الزّواہ و تنقیح المقال ، مورد ذکر قرار گرفته (۴) و در کتاب رجال شیخ طوسی ، از اصحاب امام هادی علیه السلام به شمار آمده است (۵).

ص: ۲۲۹

۱- رجال کشی، صفحه ۴۱۰

۲- اعیان الشیعه ، جلد ۵، چاپ جدید ، صفحه ۱۵۴

۳- الفهرست شیخ طوسی ، صفحه ۸۱

۴- جامع الزّواہ ، جلد ۱ ، صفحه ۳۵۱، تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۱۰

۵- رجال شیخ طوسی، صفحه ۴۱۶

۲۴- سعید بن ابی الرجاء، صیرفی اصفهانی

محدث بزرگوار، أبو الفرج، شیخ سعید بن ابی الرجاء صیرفی اصفهانی، وی از مشایخ محدث نامدار شیعه، قطب الدین راوندی (معروف به قطب راوندی) متوفای ۵۷۳ می باشد، که در کتاب الخرائج و الجرائح، از او نقل حدیث می نماید (۱).

با توجه به کتاب الخرائج و موضع آن در مسائل مربوط به مکتب امامت، و مقام منیع ائمه معصومین علیهم السلام، به خوبی روشن می شود، که این محدث اصفهانی، در زمینه امامت ائمه شیعه، در چه حدی از اعتقاد و ایمان بوده است

۲۵- سلیمان بن داود منقری اصفهانی

کنیه او أبو ایوب می باشد، و شاذ کونی، خوانده می شود، که منسوب به، شاذکونه (که به معنی نوعی فرش یا جامه است) می باشد، چون خودش یا پدرش فروشنده این نوع متاع بوده اند (۲).

وی از جماعتی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام نقل حدیث نموده و مورد وثوق، (ثقه) می باشد، و کتابی تألیف نموده است (۳).

مرحوم شیخ طوسی او را، از مؤلفین شیعه برشمرده، و او را در زمره صاحبان کتاب، ذکر نموده است (۴).

مرحوم نجاشی، سلیمان بن داود را، بصری شمرده، و علامه حلی در

ص: ۲۳۰

۱- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۴۱۸، أعیان الشیعه، جلد ۷، صفحه ۲۳۳

۲- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۵۹

۳- رجال نجاشی، صفحه ۱۳۱

۴- الفهرست شیخ طوسی، صفحه ۷۷

خلاصه، و همچنین ابن غضائری، او را اصفهانی خوانده اند، و شاید علت آن این باشد که در دوره ای از زندگی، ساکن بصره بوده، و در زمانی دیگر، در شهر اصفهان، اقامت داشته است (۱).

سلیمان بن داود منقری، از راویانی است که در سند بسیاری از روایات ائمه علیهم السلام، در مباحث مختلف ذکر شده، و در نشر آثار اهل بیت علیهم السلام نقش بسیار داشته است، و در کتب حدیثی شیعه، روایات فراوانی به واسطه او نقل گردیده، که تنها با عنوان سلیمان بن داود منقری، در ۶۴ مورد ذکر گردیده (۲) و با عنوان سلیمان بن داود، در ۴۰ مورد مطرح گشته (۳) و مجموعاً شمار زیادی از محدثین، از او نقل حدیث نموده اند، و او نیز از عدّه زیادی از بزرگان محدثین، نقل حدیث نموده است، که در کتاب معجم رجال الحدیث، مورد بحث قرار گرفته است.

مرحوم علامه مجلسی، در مواضع گوناگون بحار الأنوار، در دهها مورد، در سلسله سند احادیثی که نقل نموده، نام سلیمان بن داود منقری را مطرح فرموده است، که استقصای همه آن موارد، از هدف این کتاب دور می باشد.

۲۶-عباد بن عباس طالقانی اصفهانی

وی، پدر صاحب بن عباد، و از محدثین عظیم الشان، و از مفاخر علمی و اجتماعی شیعه است. شرح حال او را در بخش (مفاخر علمی و ادبی شیعه اصفهان، در قرن چهارم) ذکر کرده ایم.

ص: ۲۳۱

۱- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۵۹

۲- معجم رجال الحدیث، جلد ۸، صفحه ۲۵۸

۳- معجم رجال الحدیث، جلد ۸، صفحه ۲۵۴

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار (تاریخ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حدیثی را از مجالس شیخ مفید و أمالی شیخ طوسی ، درباره فضیلت امیر المؤمنین علی علیه السلام ، نقل می نماید که در سند آن ، عبد الرحمن اصفهانی آمده ، به این ترتیب : مجالس مفید و أمالی طوسی ، المفید ، عن الجعابی ... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : دَعَانِي النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَرْمُدُ الْعَيْنَ ، فَتَقَلَّ فِي عَيْنِي ، وَشَدَّ الْعِمَامَةَ عَلَيَّ رَأْسِي ... (۱).

۲۸- عبد السلام الإصفهانی

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، در بخش مربوط به امیر المؤمنین علیه السلام در قسمت آیات نازله درباره آن حضرت ، حدیثی را از کتاب سعد السعید بن طاووس نقل می نماید (درباره لزوم اطاعت از علی علیه السلام) عن عبد السلام الإصفهانی ، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تعالى ... (۲) .

۲۹- عبد الله بن أحمد... بن خشان اصفهانی

مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه ، در طریق روایتی خود ، به عبد الله بن قاسم ، از عبد الله بن أحمد بن محمد بن خشان اصفهانی ، یاد کرده ، ولی در نسخه مرحوم شیخ نوری (صاحب مستدرک الوسائل) به این شکل ذکر گردیده است :

ص: ۲۳۲

۱- بحار الأنوار ، جلد ۱۸ ، صفحه ۴

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۶ ، صفحه ۱۹۱

عبد الله بن أحمد عن محمد بن خشنام الإصفهاني (١). و در هر صورت ، یک محدث اصفهانی، در مشیخه صدوق ، مورد ذکر قرار گرفته است .

۳۰- عبد الله بن راشد اصفهانی

مرحوم حاجی نوری ، در کتاب مستدرک الوسائل (کتاب الأَطعمه و الأَشربه ، أبواب المائده) حدیثی را به نقل از مالی مفید ، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می نماید ، در مورد نوعی از حلواء (خبیص (٢)) که برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام آوردند و آن حضرت تناول فرمودند ، و در سند آن حدیث آمده است

... وَ رَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْأَمْثَالِ ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ بِلَالِ الْمُهَلَّبِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَاشِدِ الْإِسْفَهَانِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (٣)

۳۱- عبد الله بن محمد اصفهانی

در کتاب شریف کافی، (٤) در باب نصّ بر امامت امام حسن عسکری علیه السلام ، در سند حدیثی از امام علی التّقی الهادی علیه السلام آمده است : بشار بن أحمد، عن عبد الله محمد الاصفهانی ، قال : قال أبو الحسن عليه السلام : ... (٥).

از این حدیث و عبارت ، استفاده می شود که : أولاً : عبد الله بن محمد اصفهانی، مورد اعتماد مرحوم کلینی قدس سرّه می باشد .

ص: ۲۳۳

-
- ۱- معجم رجال الحديث، جلد ۱۰، صفحه ۱۰۶
 - ۲- خبیص نوعی از حلواست که با خرما و روغن تهیه می شود
 - ۳- مستدرک الوسائل (چاپ مؤسسة آل البيت) ، جلد ۱۶، صفحه ۲۹۷
 - ۴- اصول کافی ، جلد ۱ (چاپ دار الکتب الإسلامیه) صفحه ۳۲۶، حدیث ۲
 - ۵- علامه مجلسی ، این حدیث را در بحار الأنوار ، جلد ۵۰، صفحه ۲۴۳ ، به نقل از اعلام الوری، طبرسی و ارشاد مفید ، نقل نموده است

ثانیاً: او از معتمدین حضرت امام علی التّقی علیه السلام بوده ، که در بحث امامت ، از نشانه های ویژه در اختیار او قرار داده اند ، و به عبارت دیگر، او از نزدیکان و مقربان مخلص امام هادی علیه السلام بوده است .

۳۲- عبدالله بن محمد بن عبد الوهّاب اصفهانی

مرحوم حاجی نوری در مستدرک الوسائل ، در میان مشایخ شیخ صدوق، که آن بزرگمرد از آنها روایت نموده ، و در کتب خود بر احادیث آنها اعتماد فرموده ، از عبدالله بن محمّد بن الوهّاب اصفهانی ، یاد کرده است (۱).

برخی از نویسندگان ، معتقدند که مراد از راوی یاد شده ، همان است که در باب ۵۱ کمال الدّین صدوق آمده ، به این ترتیب : حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ ، عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ السَّجَزِيِّ ، قَالَ وَجَدْتُ ... (۲).

و همان است که در عیون أخبار الرضا علیه السلام نقل گردیده به این ترتیب : حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْمُغَيَّرَةِ ... (۳) و در معجم رجال الحدیث، جلد ۱۰، صفحه ۳۰۹ از او یاد شده است .

و باید توجه داشت که کلمه « سجزی » ، به تعبیر « سنجری » و « شجری »

و (سنجری) نیز ، ضبط شده است . به کتاب طبقات أعلام الشّیعه (نوابغ الزّواه) از علامه طهرانی ، صفحه ۱۵۷ و ۳۲۱ ، و تاریخ تشیع اصفهان ، صفحه ۲۲۱ ، مراجعه شود .

ص: ۲۳۴

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۱۵، ستون اول از اسامی مشایخ شیخ صدوق

۲- کمال الدّین و تمام النعمه ، باب ۵۱ ، حدیث ۱ ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۷

۳- عیون أخبار الرضا، باب ۱۱ ، حدیث ۸ ، جلد ۱ ، صفحه ۹۶

۳۳- عبد الواحد اصفهانی

أبو الفتح نورخان ، عبد الواحد الأصفهانی ، علامه مجلسی ، به نقل از اجازه کبیره علامه حلی ، حدیثی را (درباره فضیلت و اعمال ليله الرغائب در ماه رجب) نقل می نماید ، با سندی که در آن ، عبد الواحد اصفهانی ، در سلسله راویان خبر قرار گرفته است ، بدین ترتیب :

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الدَّرْبِلِ ، عَنِ الْحَاجِّ صَالِحٍ ، مَسْعُودِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَ أَبِي الْفَضْلِ الرَّازِيِّ ، الْمُجَاوِرِ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَرَأَهَا عَلَيْهِ فِي مُحَرَّمِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ وَ خَمْسِمِائِهِ ، عَنِ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْجَلِيلِ الرَّازِيِّ ، عَنِ شَرَفِ الدِّينِ ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنِ سَدِيدِ الدِّينِ ، عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَحْمَدَ النَّيسَابُورِيِّ ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنِ الْحَاجِّ مَسْمُوسَمٍ ، عَنِ أَبِي الْفَتْحِ نُورْخَانَ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ رَاشِدِ الشَّرِيزِيِّ ... (۱).

۳۴- عثمان اصفهانی

مرحوم کلینی ، سه روایت در کتاب شریف کافی (در کتاب الدواجن) نقل نموده در باب (الحمام) و در باب (الورشان) و در باب (الفاخته) از امام صادق علیه السلام ، به این طریق ... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ ، عَنْ عُثْمَانَ الْأَصْبَهَانِيِّ ، قَالَ : إِسْتَهْدَانِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَدَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ ... (۲).

و در جامع الرواه و تنقيح المقال ، به استناد همین نقل مرحوم کلینی ، از این راوی ، یاد نموده اند ، و بر همین مبنی ، او از راویان از امام جعفر صادق علیه السلام

ص: ۲۳۵

۱- بحار الأنوار ، جلد ۹۸ ، صفحه ۳۹۵

۲- فروع کافی ، جلد ۶ ، صفحه ۵۴۸ ، حدیث ۱۴ ، و صفحه ۵۵۱ باب الورشان حدیث ۲ ، و باب الفاخته ، حدیث ۲

به شمار می رود .

۳۵- علی بن أحمد بن عبد الله اصفهانی أسواری

وی ، از مشایخ شیخ صدوق می باشد(۱)و با توجه به سال وفات شیخ صدوق (۳۸۱) ، این محدث بزرگوار، از محدثین قرن چهارم به شمار می رود

۳۶- علی بن حسن بن محمد بن منده

یکی از محدثین عظیم الشان قرن چهارم هجری ، علی بن ... ، منده است ، که از مشایخ علی بن محمد بن علی خزّاز (صاحب کتاب شریف کفایه الأثر ، فی النص علی الائمه الاثنی عشر) می باشد ، و آن بزرگمرد در کتاب خود ، در بسیاری از موارد، از او نقل حدیث مینماید ، گاهی به عنوان علی بن حسن ، و گاهی به عنوان علی بن حسن بن منده ، و گاهی به عنوان علی بن حسن بن محمد بن منده و ... (۲).

ابن منده ، از جماعتی از محدثین ، مخصوصاً از اُبی محمد، هارون بن موسی تلکبری (محدث عظیم الشان و نامدار شیعه) نقل حدیث مینماید ، و در سال ۳۸۱ ، بر تلکبری قرائت حدیث نموده است (۳) .

برخی احتمال داده اند که ، علی بن حسن بن منده ، از خاندان علمی و مشهور بنی منده باشد ، که در قرن چهارم و پنجم هجری ، در اصفهان زندگی کرده اند ، و جمعی از محدثین و مشایخ حدیث ، در میان این خاندان درخشیده اند،

ص: ۲۳۶

۱- نوابغ الزّواہ فی رابعه المآت ، صفحه ۱۷۱

۲- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۱۸۰ ، و ۱۸۴ ، و ۱۳۲ ، و همچنین ، به ، التّابس فی القرن الخامس ، صفحه ۱۱۹ مراجعه شود

۳- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۱۸۰

و آخرین آنها ، یحیی بن عبد الوهاب (صاحب کتاب تاریخ اصفهان) می باشد ، که او را ، « محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث » خوانده اند(۱). و بنا بر احتمال مذکور، علی بن حسن ... بن منده ، از محدثین اصفهانی می باشد ، و با توجه به خصوصیات یاد شده در فوق ، دارای مذهب تشیع بوده است .

۳۷- علی بن عبد الله بن أحمد، أبو الحسن اصفهانی أسواری

وی ، از مشایخ مرحوم شیخ صدوق میباشد ، و آن بزرگمرد ، در کتابهای « إكمال الدین » و « توحید » از او نقل حدیث نموده است . علامه طهرانی ، در طبقات خود او را جزء راویان شیعه ، در قرن چهارم ، ذکر نموده است (۲) .

علی بن عبد الله أسواری ، از مکی بن أحمد بن سعدویه بردعی ، نقل حدیث می نماید (۳) .

۳۸- علی بن عبد الله بن أسد اصفهانی

در کتب حدیث ، مواردی ملاحظه می شود که ، راوی یاد شده ، در سلسله سند حدیث ذکر گردیده است ، و ذیلاً به برخی از آن موارد ، اشاره می نمائیم :

۱- علامه مجلسی ، به نقل از کتاب مجالس شیخ مفید علیه الرّحمه ، حدیث بسیار جالبی را نقل می نماید ، در باره تشرف حضرت شمعون علیه السلام ، وصی حضرت عیسی علیه السلام به محضر امیرالمؤمنین علیه السلام ، در جریان جنگ صفین ، و تجلیل آن پیامبر بزرگوار ، از امام علی علیه السلام ، و در سند آن حدیث چنین می خوانیم :

ص: ۲۳۷

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۲۳۴

۲- نوابغ الزّواہ فی رابعه المآت ، صفحه ۱۸۹

۳- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۳۲۰

عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ الْمُهَلَّبِيُّ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدِ الْإِضْفَهَانِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ ... ، عَنْ قَيْسِ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ قَرِيبًا مِنَ الْجَبَلِ بِصَفِينٍ ... (١).

۲- در کتاب امالی شیخ طوسی ، حدیثی نقل گردیده ، در مورد حکم کسانی که با امیر المؤمنین علیه السلام محاربه نمایند ، و در سند آن آمده است : ... قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ، عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ ، وَحَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أُسَيْدِ بْنِ مَنْصُورِ الْإِضْفَهَانِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالِ الثَّقَفِيِّ ، قَالَ ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ... عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ ، قَالَ : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ ... (٢). و همین حدیث را علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۳۲ ، صفحه ۳۱۹ ، نقل فرموده است .

۳- در مجالس شیخ مفید علیه الرحمه ، حدیثی را درباره لزوم رعایت حق اهل بیت علیهم السلام ، به خاطر رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهم السلام نقل فرموده ، که در سند آن آمده است : ... أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بِلَالِ الْمُهَلَّبِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْإِضْفَهَانِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (٣).

۴- و در کتاب شریف مستدرک الوسائل (کتاب الحج) « باب استحباب تشییع المسافر و توديعه » حدیثی را به نقل از مجالس شیخ مفید نقل می نماید ، درباره جریان تبعید ابی ذر (علیه سلام الله) به سوی ربه ، و مشایعت امام علی علیه السلام و جمعی از نزدیکان آن حضرت ، از ابی ذر ، و گریستن آن حضرت ، و در سند

ص: ۲۳۸

۱- بحار الأنوار ، جلد ۶ ، صفحه ۲۳۸ ، مجالس مفید ، صفحه ۶۰-۶۱ ، و در جلد ۳۳ بحار الأنوار ، صفحه ۴۳ ، عیناً همین سند ، آمده است

۲- امالی شیخ طوسی ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۰

۳- امالی شیخ مفید ، صفحه ۶۷

حدیث آمده است : ... عَنْ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ ... (۱).

۵- و نیز در مستدرک الوسائل (کتاب الجهاد، أبواب جهاد العدو، و ما یناسبه) حدیثی را به نقل از امالی شیخ مفید نقل می نماید، در مورد پیشنهاد جمعی از أصحاب امیر المؤمنین علیه السلام به آن حضرت، در مورد برتری دادن بزرگان عرب و قریش بر دیگران، در مورد تقسیم بیت المال و جواب قاطع امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها، که: أَمَّا مُرُونِي أَنْ أَطْلَبَ النَّصِيرَ بِالْجَوْرِ، لَا وَاللَّهِ، لَا أَفْعَلُ... و در سند حدیث آمده است: ... عَنْ أَبِي الْحَسَنِ، عَلِيِّ بْنِ بِلَالِ الْمُهَلَّبِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدِ الْأَصْفَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ ... (۲).

و با توجه به موارد یاد شده، به خوبی می توان فهمید که، علی بن عبدالله بن اسد اصفهانی، از محدثین عالی مقام و از شاگردان و راویان از ابراهیم بن محمد ثقفی (چهره بزرگ و نامدار شیعه) بوده است.

۳۹- علی بن عبدالله بن کوشید اصفهانی

مرحوم شیخ طوسی قدس سره، در کتاب تهذیب الاحکام، حدیثی را با چنین سندی نقل نموده است: وَرَوَى أَبُو مُحَمَّدٍ، هَارُونُ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ، مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كُوشَيْدِ الْأَصْبَهَانِيِّ،

ص: ۲۳۹

-
- ۱- مستدرک الوسائل (چاپ موسسه آل البيت)، جلد ۸، صفحه ۲۰۶، و در همان کتاب، جلد ۱۲، صفحه ۱۹۹، حدیثی با همین سند نقل گردیده، در مورد سخنان ابی ذر با مردم، در هنگامی که به سوی تبعیدگاه خود (به سوی شام) می رفت
 - ۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۹۱

عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ ، إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (١) (٢) .

٤٠- عَلِيٌّ بْنُ فِرَاتٍ اَصْفَهَانِيٌّ

وی ، از مشایخ عبّاس بن فضل مُقَرّی (از محدّثین قرن چهارم) می باشد ، که عباس بن فضل ، از او نقل روایت نموده است (٣) .

٤١- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ...ثَقْفِيٍّ اَصْفَهَانِيٌّ

أَبُو الْحَسَنِ ، عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ هَلَالِ ثَقْفِيٍّ كُوفِيٍّ ، بَرَادِرِ كَوَاجِكْتَرِ اِبْرَاهِيمِ بْنِ مُحَمَّدِ ثَقْفِيٍّ . وَهُوَ مِنْ كُوفَةِ بِلَدِ اَصْفَهَانَ ، وَدَرِ اَصْفَهَانَ اِقَامَتِ جَسْتِ ، وَدَرِ سَالِ ٢٨٢ ، دَرِ اِيْنِ شَهْرِ اَزْ دُنْيَا رَفْتِ (٤) .

حافظ أبو نعیم ، این بزرگمرد را در زمره محدّثین اصفهان شمرده ، و ذکر نموده ، که ابراهیم بن محمّد بن سعید ثقفی ، از علی بن محمّد ، مسن تر بوده است .

٤٢- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شَيْرَةَ اَصْفَهَانِيٌّ

وی ، یکی از فقهاء و محدّثین بزرگ ، و دارای کتاب بوده ، و در میان کتب رجال ، از جایگاهی قابل توجه برخوردار است . مرحوم نجاشی ، او را فقیه و کثیر الحدیث و فاضل دانسته ، و کتابهایی داشته ، همانند : التّأديب (که کتاب

ص: ٢٤٠

١- تهذيب ، جلد ٣ ، صفحه ٨٧ ، حديث ١٧ ، منظور از آبي اسحاق ابراهيم بن محمّد ، همان محدّث نامدار ، و صاحب کتب بسیار ، ابراهیم بن محمّد بن سعید ثقفی است ، که از مفاخر شیعه می باشد ، و از کوفه به اصفهان مهاجرت نموده ، و ساکن شده ، و ابن علویّه اصفهانی ، از او نقل حدیث می نماید

٢- به جامع الزّواه ، جلد ١ ، صفحه ٥٩١ ، و تنقيح المقال ، جلد ٢ ، صفحه ٢٩٦ مراجعه شود

٣- نوابغ الزّواه ، صفحه ١٤٥ ، در ذیل عنوان عبّاس بن فضل

٤- ذکر تاریخ اصفهان ، جلد ٢ ، صفحه ٧

الصّلوٰه است) و کتاب الجامع (در فقه) که کتاب بزرگی بوده است(۱).

وی ، از اصحاب امام هادی علیه السلام و کاشانی و اصفهانی بوده است(۲).

از عبارات دانشمندان علم رجال ، معلوم می شود که او شخصیتی برجسته ، در فقه و حدیث داشته ، ولی در زمینه مباحث تخصصی ، درباره توثیق و تضعیف رجال او ، مطالب دقیقی مطرح گردیده ، که طالبین ، به کتابهای : تنقیح المقال ، جلد ۲ ، صفحه ۳۰۵ ، و معجم رجال الحدیث ، جلد ۱۲ ، صفحه ۱۴۸ - ۱۵۰ ، و جامع الزّواہ ، جلد ۱ ، صفحه ۵۹۹ و ... مراجعه نمایند .

۴۳- عمر الإصفهانی

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۴۷ ، صفحه ۱۲۵ ، روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل نموده ، درباره نامطلوب بودن صدای فاخته ، و سپس می فرماید

و روی عمر الإصفهانی عنه (امام صادق) علیه السلام ، مثل ذلك ، فی صوت الصّٰصل (۳). درباره این راوی ، اطلاع دیگری به دست نیامد .

۴۴- قاسم بن محمد اصفهانی

وی ، معروف به «کاسام یا کاسولا» میباشد ، و شیخ طوسی قُدس سِتْرُه ، او را در شمار صاحبان تألیف از علماء و محدّثین برشمرده(۴) ، و جزء راویان کتب اصلی شیعه ، (کافی ، تهذیب ، من لایحضره الفقیه و استبصار) می باشد(۵).

ص: ۲۴۱

۱- رجال نجاشی، صفحه ۱۸۰

۲- رجال شیخ طوسی، صفحه ۴۱۷

۳- این روایت را ، ابن شهر آشوب مازندرانی ، در مناقب، جلد ۴، صفحه ۲۱۸ نقل فرموده است

۴- الفهرست شیخ طوسی، صفحه ۱۲۷

۵- جامع الزّواہ ، جلد ۲، صفحه ۱۹

در مجامع بزرگ حدیثی شیعه، همانند: وسائل الشیعه، بحار الأنوار، عوالم العلوم و...، در سلسله سند بسیاری از روایات، در موضوعات مختلف، نام قاسم بن محمّد، ذکر شده است. قاسم بن محمّد، از بسیاری از محدّثین، نقل حدیث نموده، ولی مخصوصاً، از سلیمان بن داود منقّری اصفهانی، احادیث بسیاری نقل کرده (که استقصاء همه آنها دور از هدف این کتاب می باشد) و هم چنین بسیاری از محدّثین، از او نقل حدیث نموده اند، همانند: سعد بن عبد الله، و ابراهیم بن هاشم و علی بن محمّد قاسانی (کاشانی) و....

علامه مجلسی، در بحار الأنوار، در دهها مورد، و در أبواب مختلف، احادیثی را به این طریق: سعد، عن الإصفهانی، عن المنقّری، یا به این طریق: قاشانی، عن الإصفهانی، عن المنقّری، نقل کرده است (۱).

۴۵- محمد اصفهانی

در رجال کشی، (در بخش مربوط به معروف بن خربوذ) حدیثی را نقل می نماید، در مورد محلّ دفن عبد الله بن الحسن بن الحسن، و اهل بیت او، در کنار فرات، و خبر غیبی امام صادق علیه السلام از این مطلب، و در سند این حدیث، راوی آخر آن، شخصی است به نام محمد اصفهانی که می گوید:

كُنْتُ قَاعِدًا مَعَ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُوذِ بِمَكَّةَ وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ فَمَرَّ بِنَا قَوْمٌ (۲). همین حدیث را علامه مجلسی، در بحار الأنوار، جلد ۴۷، صفحه ۱۵۱،

ص: ۲۴۲

-
- ۱- برای آشنائی بیشتر، با این راوی بزرگوار، به معجم رجال الحدیث، جلد ۱۴ تحت عنوانهای، قاسم بن محمّد، و قاسم بن محمّد اصفهانی، و قاسم بن محمّد جوهری، و قاسم بن محمّد کاسولا، و نیز کتب رجالی معروف دیگر، مراجعه شود
 - ۲- رجال کشی، صفحه ۱۸۵

نقل فرموده است .

مرحوم آیه الله العظمی ، آقای سید أبو القاسم خوئی ، در معجم رجال الحدیث ، بعید ندانسته اند ، که مراد از محمد اصفهانی ، محمد بن سلیمان اصفهانی باشد (۱).

۴۶- محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی

أبو جعفر ، محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی ، که از أبو جعفر ، محمد بن ابراهیم بن دقاق قمی ، روایت می کرده ، و محمد بن همام ، از او نقل حدیث نموده است (۲).

۴۷- محمد بن الحسن الأسدی ، القاضی الإصفهانی

در کتاب نفیس بش

اره المصطفی ، حدیثی دربارهٔ محبت نسبت به امام علی بن ابی طالب علیه السلام ، نقل گردیده که در میان راویان آن حدیث ، شخصی به نام محمد بن الحسن الإصفهانی ، ذکر گردیده بدین ترتیب:

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَاسِمِ الْفَارُوسِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو عَمَرَ ، مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَسَدِيِّ ، الْقَاضِي الْإِسْفَهَانِي ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْإِسْفَرَايْنِيِّ ... (۳).

همین حدیث را علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۳۹ ، صفحه ۲۸۲ ، نقل فرموده است .

۴۸- محمد بن الحسين بن عبد الرحمن الإصفهانی

در کتاب بحار الأنوار ، قسمت مربوط به أمير المؤمنين علی علیه السلام ، باب أخبار

ص: ۲۴۳

۱- معجم رجال الحدیث ، جلد ۱۴ ، صفحه ۲۰۸

۲- جامع الزّواہ ، جلد ۲ ، صفحه ۵۹

۳- بشاره المصطفی ، صفحه ۱۷۹

الغدیر ، حدیثی از کتاب العمده ابن بطریق حلّی (۱) نقل گردیده ، که در سند آن آمده است : وَرَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ ، يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ ، فَعَلَيْتُ مَوْلَاهُ (۲).

۴۹- محمد بن سعید اصفهانی

مرحوم نجاشی ، در کتاب رجال خود ، در بخش مربوط به عبید الله بن حرّ جعفی ، حدیثی را نقل می نماید ، در مورد خضاب امام حسین علیه السلام ، و در سند آن ، محمد بن سعید اصفهانی ، ذکر گردیده است ، بدین ترتیب:

قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ ، حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَرْوَانَ الْهَاشِمِيُّ ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الطَّيَالِسِيُّ الْعُسَيْكِيُّ ، قَالَا : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ الْأَصْبَهَانِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكَ عَنْ جَابِرٍ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُرِّ ، أَنَّهُ سَأَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِضَابِهِ ، فَقَالَ ... (۳).

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۷۶ ، صفحه ۱۰۴ ، همین حدیث را نقل نموده است ، و هم چنین ، در بحار الأنوار در قسمت مربوط به معجزات

ص: ۲۴۴

۱- ابن بطریق حلّی ، یکی از علماء برجسته شیعه است ، و راوی از این شهر آشوب مازندرانی می باشد ، و او را با این عنوان نام برده اند ، الشیخ الإمام شمس الدین أبو الحسن بن الحسن بن الحسين بن علی بن محمد بن بطریق الحلّی الأسدی ، المتکلم المحدث الجلیل ، الذی توفی فی سنه ۶۰۰ (الذریعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۳۳۴)

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۷ ، صفحه ۱۹۶

۳- رجال نجاشی ، صفحه ۶ و ۷

پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، حدیثی را از قصص الأنبیاء (۱) نقل می نماید ، که در سند آن مُحَمَّد بن سعید اصفهانی ، ذکر گردیده ، بدین ترتیب:

قَصِصُ الْأَنْبِيَاءِ ، الصَّدُوقُ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَامِدٍ ، عَنْ حَامِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ شَرِيكَ ، عَنْ سَمَّاكِ ، عَنْ أَبِي ظَبْيَانَ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيُّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (۲).

۵۰- مُحَمَّد بن سلیمان اصفهانی

وی ، از اصحاب امام صادق علیه السلام ، و از راویان از آن امام معصوم می باشد ، و دارای تألیف بوده ، و از راویان مورد وثوق (و ثقات زواه) می باشد (۳).

او ، همان مُحَمَّد بن سلیمان بن عبد الله اصفهانی می باشد ، که مرحوم شیخ طوسی در رجال خود (صفحه ۲۸۸) او را ، جزء اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است . و این مُحَمَّد بن سلیمان ، احتمالاً همان است که در بحار الأنوار ، در قسمت مربوط به معجزات و اجابت دعای پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، در ضمن سند حدیثی ، در باره فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام ، از مجالس مفید ، و أمالی شیخ طوسی ذکر گردیده است ، و آن سند ، بدین ترتیب می باشد :
المُفِيدُ ، عَنِ الْجَعَابِيِّ ، عَنِ الْحُسَيْنِ الْهَادِي (الْحَسَنِ بْنِ الْحَمَادِ) ابْنِ حَمْرَةَ ، أَبُو عَلِيٍّ ، مِنْ أَصْلِ كِتَابِهِ ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْإِصْفَهَانِيِّ ،

ص: ۲۴۵

۱- قصص الأنبياء ، نام کتابهای متعددی است ، از مؤلفین مختلف ، ولی آنچه که در بحار الأنوار از آن نقل حدیث شده ، قصص الأنبياء سید أبو الرضا فضل الله راوندی کاشانی است (به ألدريعه الی تصانيف الشيعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۰۴ ، مراجعه شود)

۲- بحار الأنوار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۳۶۸

۳- رجال نجاشی ، و تنقيح المقال ، جلد ۳ ، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۳ و رجال ابن داود ، صفحه ۳۱۴ ، و جامع الزواه ، جلد ۲ ، صفحه ۱۲۰ و ۱۲۲

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، قَالَ دَعَانِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَرْمَدُ الْعَيْنَ ... (١).

و هم چنین احتمالاً، او همان است که ، در بحار الأنوار، قسمت مربوط به امام حسن مجتبی علیه السلام ، (باب أحوال أهل زمان آن حضرت) در سند حدیثی ، درباره فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نقل از امالی شیخ طوسی آمده ، و بدین قرار می باشد : أمالی ، المفید ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَالِكِ النَّخَعِيِّ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْمُعَدَّلِ ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ قَيْسِ الْمَكِّيِّ ، عَنْ عِكْرَمَةَ صَاحِبِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : لَمَّا حَجَّ مُعَاوِيَةَ ، نَزَلَ الْمَدِينَةَ ... (٢).

٥- محمد بن عبد الرشید اصفهانی

در کتاب بحار الأنوار ، در جوامع أخباری که دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می نماید ، حدیثی را از کتاب کشف الیقین (٣) نقل نموده ، در فضیلت امام علی علیه السلام ، و در سند آن آمده است :

كَشَفَ ، مِنْ كِتَابِ أَبِي الْعَلَاءِ الْهَمْدَانِيِّ ، عَنْ حَيْدَرَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحُسَيْنِيِّ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّشِيدِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَطَّارِ ... ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ ، قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، عَنْ مِيلَادِ عَلِيِّ ... (٤)

ص: ٢٤٦

١- بحار الأنوار ، جلد ١٨ ، صفحه ٤

٢- بحار الأنوار ، جلد ٤٤ ، صفحه ١١٨

٣- کتاب کشف الیقین ، متعدد میباشد ، ولی آن کتابی را که احادیث مربوط به لقب (امیر المؤمنین) برای امام علی علیه السلام ، در آن نقل گردیده ، و بحار الأنوار، از آن نقل نموده ، از تألیفات مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس حلی است (به الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ١٨ ، صفحه ٦٩ ، مراجعه شود)

٤- بحار الأنوار ، جلد ٣٨ ، صفحه ١٢٥

محمد بن عبد الله بن مملک اصفهانی ، که اصل او از جرجان (گرگان) بوده ، و در اصفهان ساکن گردیده ، و کنیه او ابو عبد الله بوده است . مرحوم نجاشی ، او را با عناوین : جلیل فی أصحابنا ، عظیم القدر و المنزله ، ستوده است .

ابن مملک ، در ابتداء معتزلی بوده ، و سپس در اثر مباحثه و اقدام عبد الرحمن بن أحمد بن خیرویه ، به مذهب شیعه ، در آمده است ، و کتابهائی دارد به نامهای : « الجامع فی سائر أبواب الکلام » (که ، کتابی بزرگ بوده است) و « المسائل و الجوابات فی الإمامه » ، و « کتاب موالید الأئمه علیهم السلام » و « مجالسه مع أبي علی الجبائی (۱) » . مرحوم شیخ طوسی ، او را در شمار مؤلفین شیعه برشمرده ، و از متکلمین شیعه خوانده ، و مباحثهای مهم در بحث امامت ، از او نقل می کند ، که با ابوعلی جبائی (معتزلی مشهور و نامدار) در حضور ابو القاسم بن محمد کرخی ، داشته است (۲) .

وی ، با توجه به مباحثه اش با ابوعلی جبائی (متوفای ۳۰۳ هجری) از علمای اواخر قرن سوم هجری ، می باشد (۳) .

در کتاب جامع الزواه ، در دو مورد از او یاد شده ، یکی در جلد ۲ ، صفحه ۱۴۴ ، به عنوان محمد بن عبدالله بن مملک اصفهانی ، و دیگری در همان جلد ، صفحه ۴۳۶ ، تحت عنوان ، ابن مملک اصفهانی

ص: ۲۴۷

۱- رجال نجاشی ، صفحه ۲۶۹

۲- الفهرست شیخ طوسی ، صفحه ۱۹۳

۳- ولی علامه طهرانی ، در طبقات خود (نوابغ الزواه فی رابعه المآت ، صفحه ۲۸۱) او را ، جزء روایان قرن چهارم ، برشمرده است

علامه مجلسی ، به نقل از کشف الیقین (۱)، حدیث بسیار جالب و مفصلی را در مورد اجابت دعای حضرت آدم علیه السلام ، با توسل به پنج نور مقدس (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهی و سلم و خاندان آن حضرت علیهم السلام) نقل نموده ، و سند آن با چنین نامی شروع می گردد : مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكَاتِبِ الْإِصفَهَانِي ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْقَاضِي ... (۲).

و هم چنین ، در کتاب نبوت ، از بحار الأنوار ، باب ارتکاب ترک اولی (در مورد حضرت آدم علیه السلام) همین حدیث را با سند یاد شده ، نقل نموده است (۳).

و نیز در قسمت تاریخ زندگی و فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، دو حدیث درباره فضائل و لقب امیرالمؤمنین ، برای امام علی علیه السلام ، نقل فرموده ، که در یکی از آنها ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْإِصفَهَانِي ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ الْخَوَاصِ ... ، و در دیگری ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْإِصفَهَانِي ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ ... آمده است، و هر دو حدیث ، از کتاب کشف الیقین سید بن طاووس ، می باشد (۴).

و هم چنین ، علامه مجلسی در کتاب الذکر و الدعاء ، در باب احتجاجاتی که از ائمه نقل گردیده ، حدیث مفصل و جالبی را ، از مهج الدعوات سید بن طاووس حلی ، درباره امام صادق و امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل نموده ، که در اثر استفاده از دعاء الحجاب ، از شر حکم قتلی که منصور دوانیقی صادر کرده بود، نجات یافتند ، و در سند آن حدیث آمده است:

ص: ۲۴۸

۱- کشف الیقین ، از آثار ارزشمند سید رضی الدین علی بن طاووس حلی ، است (الذریعه ، جلد ۱۸ ، صفحه ۶۹)

۲- بحار الأنوار ، جلد ۲۶ ، صفحه ۳۲۵

۳- بحار الأنوار ، جلد ۱۱ ، صفحه ۱۷۵

۴- بحار الأنوار ، جلد ۳۷ ، صفحه ۳۰۰

مُهَجِّجِ الدَّعَوَاتِ ، عَنْ كِتَابِ الْخَصَائِصِ ، تَأَلِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ ... (١)

دربارهٔ محمد بن علی کاتب ، و این که آیا در همهٔ موارد یاد شده بالا ، یکی هستند یا متعدد ، و نیز شخصیت علمی و فکری او ، اطلاع خاصی به دست نیامد

۵۴- محمد بن غالب اصفهانی

مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس ، در کتاب شریف اقبال الأعمال ، زیارت مفصله ای را برای شهداء کربلاء نقل نموده ، که در آن ، اسماء شهداء و برخی از احوال آنها ، و نیز بعضی از اسماء قاتلین آنها ، ذکر گردیده است . در سند این زیارت ، که از ناحیهٔ مقدسه ، صادر گردیده ، مرحوم سید بن طاووس ، چنین نقل می فرماید : رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى حَيْدَى أَبِي جَعْفَرٍ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ (رَه) ، قَالَ : حَدَّثَنَا الشَّيْخُ ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ، مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عِيَّاشٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الصَّالِحُ ، أَبُو مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ الْمُنْعِمِ بْنِ التُّعْمَانِ البَغْدَادِيِّ (رَه) ، قَالَ : خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ ، سِنَةَ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ ، عَلَى يَدِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ الإِصْفَهَانِيِّ حِينَ وَفَاهِ أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ ، وَكُنْتُ حَدِيثَ السَّنِّ ، وَكُتِبَتْ أَسْتَاذُنُ فِي زِيَارَةِ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَ زِيَارَةِ الشُّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، فَخَرَجَ إِلَيَّ مِنْهُ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الشُّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، فَقِفْ عِنْدَ رِجْلِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ... (٢)

این زیارت را علامهٔ مجلسی ، در بحار الأنوار جلد ۴۵ ، صفحه ۶۴ ، به بعد ، و جلد ۱۰۱ ، صفحه ۲۶۹ به بعد ، به نقل از اقبال الأعمال ، و نیز از کتاب مزار

ص: ۲۴۹

۱- بحار الأنوار ، جلد ۹۴ ، صفحه ۳۷۹

۲- اقبال الأعمال ، صفحه ۵۷۳ ، چاپ دار الکتب الإسلامیه

شیخ مفید و مزار مرحوم سید و مزار کبیر ، نقل فرموده است .

از عبارت مرحوم سید بن طاووس ، در اقبال الأعمال ، استفاده می شود که ، شیخ محمد بن غالب اصفهانی ، واسطه رساندن نامه ابومنصور بن عبد المنعم بغدادی ، به ناحیه مقدسه و گرفتن پاسخ نامه ، (که مشتمل بر زیارت یاد شده ، بوده) می باشد ، و از شخصیت‌های برجسته شیعه و از مقربین امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می آید (۱).

۵۵- محمد بن منده اصفهانی

یکی از اصحاب امام جواد علیه السلام ، به نام محمد بن منده بن مهریزد اصفهانی ، می باشد ، که حافظ ابونعیم اصفهانی ، او را جزء محدثین اصفهانی به شمار آورده، و حدیثی را از او نقل می نماید ، به این مضمون: جعفر بن محمد بن مزید ، می گوید: من در بغداد بودم و محمد بن منده بن مهریزد ، گفت : آیا مایل هستی که تو را به خدمت ابن الرضا (امام جواد علیه السلام) ببرم ؟ گفتم آری . پس مرا بر آن حضرت وارد نمود، و سلام کردیم ، و نشستیم ، پس درباره حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سؤال نمود، که فرموده است:

إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ ، آن حضرت فرمودند: این مطلب مخصوص امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشد (۲).

ص: ۲۵۰

- ۱- تاریخ ۲۵۲ ، که سه سال قبل از تولد امام زمان (عج) می باشد ، قرینه است بر این که مراد از ناحیه ، ناحیه مقدسه امام حسن عسکری است، نه ناحیه امام زمان (عج) . البته علامه مجلسی در جلد ۱۰۱ بحار الأنوار ، صفحه ۲۷۴ ، احتمال دیگری هم داده اند ، که تاریخ موجود در حدیث ، ۲۶۲ ، (اثنین و ستین و مأتین) بوده ، و خطاء در نقل حاصل شده ، بنابراین ، مراد از ناحیه یاد شده ، ناحیه امام زمان (عج) باشد
- ۲- ذکر أخبار أصبهان ، جلد ۲ ، صفحه ۲۰۷

از این نقل معلوم می شود که ، نه تنها محمّد بن منده ، از محدّثین بوده ، بلکه از خواصّ امام جواد علیه السلام به شمار می آمده ، که در آشنا ساختن افراد مستعدّ با آن حضرت ، و ایجاد ارتباط بین مردم و امام علیه السلام ، فعّالیت می نموده ، و نقش مؤثر داشته است . ابن شهر آشوب مازندرانی ، در کتاب مناقب ، در بخش مربوط به علم امام جواد علیه السلام ، می فرماید : وَقَدْ رَوَى عَنْهُ الْمُصَنِّفُونَ نَحْوَ أَبِي بَكْرٍ ، أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتٍ فِي تَارِيخِهِ ، وَ أَبِي إِسْحَاقَ الثُّغَلْبِيَّ فِي تَفْسِيرِهِ ، وَمُحَمَّدَ بْنَ مَنْدَةَ بْنِ مَهْرَبَدٍ ، فِي كِتَابِهِ ، ... (۱). و بدین وسیله ، نه تنها محمّد بن منده را ، جزء راویان از امام جواد علیه السلام شمرده ، بلکه او را از مصنفین و دارای کتاب دانسته ، که در آن ، از امام جواد (امام محمّد تقی) علیه السلام ، نقل روایت نموده است .

۵۶- محمّد بن مهران اصفهانی

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۴۷ ، صفحه ۲۰۵ ، و جلد ۹۴ صفحه ۳۷۹ ، حدیثی را از مهج الدعوات ، تألیف سیّد رضی الدّین بن طاووس ، نقل می نماید ، در باره دعاء الحجاب ، که امام صادق علیه السلام برای دفع شرّ منصور دوانیقی ، خواندند ، و از حکم قتلی که در مورد امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام صادر کرده بود ، نجات یافتند ، و در سند آن حدیث ، شخصی به نام محمّد بن مهران اصفهانی ، ذکر گردیده ، به این ترتیب :

كِتَابُ الْخَصَائِصِ (۲) ، لِلْحَافِظِ أَبِي الْفَتْحِ ، مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ النَّطَنْزِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ أَحْمَدَ الصَّيْرَفِيِّ ،

ص: ۲۵۱

۱- مناقب آل أبي طالب، جلد ۴، صفحه ۳۸۴

۲- این کتاب، به نام الخصائص العلویّه علی سایر البریّه، و المآثر العلیّه لسید الدّرّیّه ، می باشد . البته نویسنده آن ، محمّد بن أحمد نطنزی، عامی المذهب می باشد . الدرّیعه ، جلد ۷، صفحه ۱۷۰

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الرَّبِّ بْنِ الْمُفَضَّلِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَانَ الْإِصْفَهَانِيِّ عَنْ خَلَادِ بْنِ يَحْيَى ، عَنْ ... (١).

در باره محدث یاد شده ، اطلاع دیگری به دست نیامد (٢) ولی حدّ اقل ، علاقه مندی او به خاندان رسالت ، از این حدیث ، استفاده می شود .

٥٧- منصور بن عبد الله اصفهانی

أبو نصر ، منصور بن عبد الله بن ابراهیم اصفهانی . در سلسله سند برخی از روایات ائمه معصومین علیهم السلام ، که در کتب حدیث نقل گردیده ، منصور بن عبد الله اصفهانی ، ملاحظه می شود ، که ذیلاً مواردی از آن را ذکر می نمائیم :

١- در بحار الأنوار ، کتاب التّوْحید ، حدیثی را از توحید شیخ صدوق و عیون أخبار الرضا علیه السلام از امام هشتم علیه السلام ، نقل نموده ، که در سند آن آمده است : عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيِّ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ الْمُعْتَبِرِ ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ

ص: ٢٥٢

١- بحار الأنوار ، جلد ٤٧ ، صفحه ٢٠٤ و ٢٠٥ ، ولی در بحار الأنوار ، جلد ٤ ، صفحه ٣٧٩ به جای محمد بن أحمد بن علی التّطنزی ، محمد بن علی الإصفهانی ، ضبط شده است ، و علت آن این است که ، گاهی نظری ها ، اصفهانی خوانده می شوند ، به خاطر این که اصفهان مرکز علمی بوده ، و نظیر از توابع آن محسوب می شده است ، و ضمناً أحمد ذکر نشده ، و نسبت محمد ، به جدّ او ، علی ، داده شده است

٢- حافظ أبو نعیم ، از محدثی به نام محمد بن مهران ، یاد می نماید و می نویسد : محمد بن مهران پسر کوشاذ الإصبهانی ، سکن سمرّی ، حدّث عن ابراهیم الهروی ، و در جای دیگری می نویسد : محمد بن مهران بن کوشاذ الإصبهانی ، سکن سامره یروی عن ابراهیم الهروی ، حدّث عنه عبد الباقي بن قانع (ذکر أخبار أصبهان ، جلد ٢ ، صفحه ٢٠٤ و ٣٠٥) ولی دلیلی بر اتحاد او با محدث یاد شده در فوق ، به دست نیامد

الْحُسَيْنِ بْنِ بِشَارٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ (١).

۲- و نیز در کتاب توحید از بحار الأنوار، حدیث دیگری را از توحید شیخ صدوق، نقل فرموده از امام صادق علیه السلام، با این سند: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِصْفَهَانِيِّ، عَنْ صَيْفُوَانَ بْنِ إِبْنِ مُشْكَانٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (٢).

۳- و هم چنین، در کتاب النبوه، در بحار الأنوار، حدیثی را از علل الشرائع شیخ صدوق، و عیون أخبار الرضا علیه السلام، نقل فرموده، در قصه حضرت سلیمان و مورچه (نمله) با این سند: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيِّ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِصْفَهَانِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرُوبِ الْقَزْوِينِيِّ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْغَازِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (٣).

۴- در علل الشرائع، مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه، حدیث جالبی را در مورد خاتم قرار دادن عقیق سرخ، به دلیل این که اقرار به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وصایت امام علی علیه السلام و امامت فرزندان آن حضرت نموده است، نقل کرده، و در سند آن آمده است:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْإِصْفَهَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْكَندَرَانِيُّ ... عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ ... (٤).

و همین حدیث را علامه مجلسی، در بحار الأنوار، جلد ۲۷، صفحه ۲۸۰،

ص: ۲۵۳

۱- بحار الأنوار، جلد ۴، صفحه ۷۸

۲- بحار الأنوار، جلد ۴، صفحه ۸۵

۳- بحار الأنوار، جلد ۱۴، صفحه ۹۲، علل الشرائع، صفحه ۷۲ (چاپ دار احیاء التراث العربی)

۴- علل الشرائع، چاپ دار احیاء التراث العربی، صفحه ۱۵۸

و نیز در جلد ۴۲، صفحه ۶۹ (در بخش مربوط به اسلحه و لباس و مَرکب علی علیه السلام) نقل نموده است.

۵- علامه مجلسی، در بحار الأنوار، به نقل از عیون أخبار الرضا علیه السلام، حدیث بسیار جالب و مهمی را درباره اهمیت دوستی و پیروی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام، و آثار و مقامات معنوی آن حضرت، نقل نموده است، با این سند:

... عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْفَهَانِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْفَهَانِيِّ، عَنْ أَحْمَدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْدِيِّ الرَّقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، يَا عَلِيُّ، طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَصَدَّقَ بِكَ، وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ بِكَ... (۱). علامه بزرگوار، آقا بزرگ طهرانی، در طبقات خود، منصور بن عبدالله را، در زمرة راویان قرن چهارم برشمرده است (۲).

۵۸- هبه الله بن داود اصفهانی

أبو المكارم، هبه الله بن داود بن محمد اصفهانی، که از مشایخ شیخ منتجب الدین رازی، می باشد و این بزرگمرد، کتاب «المطالب فی مناقب آل أبی طالب» را، که تألیف سید نجم الدین، بدران بن شریف علوی حسینی اصفهانی است، به واسطه همین هبه الله بن داود، نقل می نماید (۳). شیخ منتجب الدین رازی، او را با عنوان ثقة الدین، مورد تجلیل قرار داده است.

ص: ۲۵۴

۱- بحار الأنوار، جلد ۶۸، صفحه ۱۵۰

۲- نواب الزواه فی رابعه المآت، صفحه ۳۲۱، و نیز به صفحه ۳۸ (در ذیل عنوان أحمد بن الفضل) و صفحه ۱۵۷ (در ذیل عنوان عبدالله بن محمد... سنجرى = شجرى) مراجعه شود

۳- ألفهرست منتجب الدین، صفحه ۴۳، و ألدریعه، جلد ۲۱ صفحه ۱۳۹

این راوی ، جزء طریق مرحوم شیخ صدوق علیه الزحمه ، در کتاب شریف من الایحضره الفقیه ، به ابی سعید خدری است ، و از آن بزرگوار بر می آید ، که براین شخص اعتماد داشته ، و او را از رواه موثق می دانسته است (۱) .

۶۰- أبو اسحق بن بحیر اصفهانی

وی ، از مشایخ بزرگان شیعه بوده ، و کتابی به نام تأویل آیات داشته است . یکی از شاگردان محقق کرکی ، رساله ای در اسامی مشایخ شیعه نوشته ، و این بزرگمرد را در زمره مشایخ أصحاب ، ذکر نموده است (۲) . از تاریخ زندگی این بزرگمرد ، اطلاع دیگری به دست نیامد .

۶۱- أبو الحسن اصفهانی

در کتب رجال اسم و مشخصات وی ذکر نگردیده ، ولی در اسناد کتاب شریف کافی (از محمد بن یعقوب کلینی قدس سره) ذکر گردیده است .

مثلاً ، در باب (ألبان) از أبواب أطمعه کتاب کافی ، روایتی از قاسم بن محمد جوهری ، از ابی الحسن اصفهانی ، از امام صادق علیه السلام نقل فرموده (۳) و نیز ، در هر کدام از باب (کتمان) و باب (نیمه) ، حدیثی را از محمد بن عیسی ، از

ص: ۲۵۵

۱- تنقیح المقال، جلد ۳ (بخش کنیدها) صفحه ۴۰ ، و جامع الزواه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۲۶

۲- ریاض العلماء ، جلد ۵ ، صفحه ۴۱۲ ، و أعیان الشیعه ، جلد ۱۲ (چاپ جدید) صفحه ۲۸۶ ، البته در اعیان الشیعه ، بحیر و مجیر (به صورت دو نسخه) ضبط شده است ، در حالی که در ریاض العلماء ، بحیر (با حاء بدون نقطه) ضبط گردیده است

۳- فروع کافی ، چاپ دارالکتب الاسلامیه ، جلد ۶ ، صفحه ۳۳۶

یونس ، از ابی الحسن اصفهانی ، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (۱).

و علامه مجلسی ، در باب (أَلْقَوْلُ الْخَيْرِ وَالْقَوْلُ الْحَسَنُ) از کتاب بحار الأنوار ، حدیثی را از محاسن برقی ، نقل فرموده ، که در سند آن چنین آمده است : عَنْ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْإِصْفَهَانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (۲).

و هم چنین ، علامه مجلسی ، در قسمت (أَلْسِمَاءُ وَالْعَالَمُ) از بحار الأنوار ، در باب (الْأَلْبَانُ وَفَوَائِدُهَا) ، حدیثی را با چنین سندی نقل فرموده است:

الْمَحَاسِنُ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْإِصْفَهَانِيِّ ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۳).

مرحوم مامقانی ، نقل حدیث نمودن یونس از ، ابی الحسن الإصفهانی را ، دلیل مقام و اعتبار او ، دانسته است. (۴).

۶۲-أبوشیبة اصفهانی

وی ، یکی از اصحاب امام جواد علیه السلام ، می باشد که آن حضرت ، در مورد ازدواج دخترانش ، که به چه نوع همسری آنها را تزویج کند ، نامه نوشته اند به این مضمون : عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، قَالَ : قَرَأْتُ كِتَابَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، إِلَى أَبِي شَيْبَةَ الْإِصْبَهَانِيِّ : فَهَمَّتْ مَا ذَكَرَتْ مِنْ أَمْرِ بَنَاتِكَ ، وَ أَنْكَ لَا تَجِدُ أَحَدًا مِثْلَكَ ، فَلَا تَنْظُرْ فِي

ص: ۲۵۶

۱- اصول کافی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۲۵ ، حدیث ۱۲ ، و صفحه ۳۶۹ ، حدیث ۳ ، و همین دو حدیث ، در بحار الأنوار ، جلد ۷۵ ، صفحه ۸۰ و ۸۱ ، و صفحه ۲۶۸ ، نقل گردیده است

۲- بحار الأنوار ، جلد ۷۱ ، صفحه ۳۱۱

۳- بحار الأنوار ، جلد ۶۶ ، صفحه ۱۰۲

۴- تنقیح المقال ، جلد ۲ ، بخش کنیه ها ، صفحه ۱۱

ذَلِكَ يَرْحِمُكَ اللَّهُ ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ : إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ ، فَزَوِّجُوهُ ، إِنَّكُمْ إِلَّا تَفْعَلُوا ذَلِكَ ، تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (۱).

یعنی : علی بن مهزیار می گوید : قرائت کردم نامه امام ابی جعفر (جواد آئمه علیه السلام) را ، به ابی شیبیه اصبهانی ، که نوشته بودند : فهمیدم آنچه را در مورد ازدواج دخترهایت نوشته بودی ، که نمیایی احدی را همانند خودت (در شدت اعتقاد و پای بندی به مکتب اهل البيت عليهم السلام) (که دخترهایت را به ازدواج آنها در آوری) پس (تا این حد) نظر و دقت نکن ، خدای رحمت کند ، زیرا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: وقتی کسی (برای ازدواج فرزندانان) آمد ، که اخلاق و دین او را می پسندید ، (دخترانان را) به همسری او در آورید ، همانا اگر چنین نکنید ، فتنه ای در زمین و فساد بزرگ ، روی خواهد داد .

از این عبارت ، در روایت یاد شده ، استفاده می شود که او از شخصیت بالائی برخوردار بوده ، و در اعتقاد و پای بندی به مکتب ولایت و تشیع ، مقامی برجسته داشته است .

۶۳- أبو اللطيف بن أحمد اصفهانی

أبو اللطيف بن أحمد بن أبي اللطيف زرقويه (جرقويه) اصبهانی (اصفهانی) ، که با عنوان و لقب ، الشَّيخ الإمام منير الدِّين ، ستوده شده ، و شیخ منتجب الدِّين رازی ، او را ، با اوصاف و عناوین : مُنَاطِرٌ فَقِيهُ دِينٍ ، توصیف نموده و فرموده است : من در خوارزم به ملاقات او رسیدم ، و براو قرائت حدیث نمودم .

وی ، به واسطه قاضی ابن قدامه ، از سید مرتضی ، علم الهدی اعلی الله مقامه ،

ص: ۲۵۷

۱- تهذیب الأحكام، جلد ۷، صفحه ۳۹۵ (چاپ دار الکتب الإسلامیة) و نیز به الإمام الجواد ، من المهد الى اللحد ، صفحه

۳۶۲، رجوع شود

تمامی کتابهای او را روایت می نماید(۱).

۶۴-أبونصر بن أبي مسعود اصفهانی

در بحار الأنوار، در بخش تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب (مناقب أصحاب الكساء و فضلهم) حدیثی را از تفسیر فرات بن ابراهیم، نقل می نماید، درباره فضائل أهل البيت عليهم السلام با این سند: تَفْسِيرُ فُرَاتٍ، مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدِ الثَّقَفِيِّ، عَنْ أَبِي نَصْرِ بْنِ أَبِي مَسْعُودِ الْإِسْفَهَانِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ ... ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ ، قَالَ : دَخَلْتُ عَائِشَةَ ... (۲).

۶۵-الإصفهانی

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، (کتاب الزکاه، باب اوقات الزکاه) حدیثی را نقل نموده، که در سند آن آمده است: ... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ ، عَنِ الْإِسْفَهَانِيِّ ، قَالَ : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (۳).

ولی از نام و مشخصات دیگر این راوی، ذکری نفرموده است. احتمال دارد راوی یاد شده، همان أبو الحسن اصفهانی (که قبلاً در ذیل شماره «۶۱» ذکر گردید) باشد.

ص: ۲۵۸

-
- ۱- جامع الزّواہ، جلد ۲، صفحه ۳۳، فهرست شیخ منتجب الدّین، صفحه ۹۹ تنقیح المقال، جلد ۳، بخش کنیه ها، صفحه ۳۲
 - ۲- بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۸۲، و تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، در تفسیر آیه، آمن الرسول بما أنزل الیه من ربّه ...
 - ۳- کافی، جلد ۳، صفحه ۵۲۳ (چاپ دار الکتب الإسلامیّه)

۷- نامدارانی از مفاخر علمی و ادبی شیعه اصفهان از قرن سوم تا دهم

اشاره

ص: ۲۵۹

نامدارانی از مفاخر علمی و ادبی شیعه اصفهان از قرن سوم تا دهم

در این بخش، فقط بیست نفر از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان، (از قرن سوم تا دهم) که شهرت ویژه دارند، و از نامداران شخصیت های علمی و ادبی به شمار میروند، به ترتیب زمان وفات یا شهادتشان، ذکر مینمائیم، و بقیه را در بخش دیگری، تحت عنوان (چهره های علمی و ادبی شیعه از قرن سوم تا دهم) مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

۱- ابراهیم بن محمد بن سعید ... ثقفی اصفهانی

محدث نامدار، و عالم صالح عظیم الشأن، أبو اسحاق، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعید (سعد) بن مسعود ثقفی کوفی اصفهانی (ره)، متوفای ۲۸۳ هجری، که از مفاخر علمی شیعه و کوفه و اصفهان می باشد، و با کثرت تألیف و قدرت اندیشه، و جدیت در تصمیم و اراده، خدمات بسیار ارزشمندی را به عالم تشیع و نشر آثار اهل بیت علیهم السلام نموده، و مورد تجلیل فراوان بزرگان علم رجال و حدیث قرار گرفته است.

وی، از نسل سعید بن مسعود ثقفی، برادر اَبی عیید بن مسعود ثقفی، و عموی مختار بن اَبی عبیده ثقفی (انتقام گیرنده خون سید الشهداء اَبی عبدالله الحسین علیه السلام) می باشد، و او همان است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام او را به

حکومت مدائن منصوب فرمودند ، و امام حسن علیه السلام در حادثهٔ ساباط ، به او پناه بردند (۱). ابراهیم بن محمد ثقفی ، کتابی را به نام « المعرفه » تألیف نمود (۲) در زمینهٔ مناقب مشهورهٔ « امیرالمؤمنین » علیه السلام و « أهل البيت » علیهم السلام ، و مثالب دشمنان و مخالفین آنها ، و این کتاب شگفتی کو فِیون (که از علماء و شیعیان بودند) را برانگیخت ، و پیشنهاد کردند که این کتاب را در معرض افکار دیگران قرار ندهد (به دلیل این که افکار حاکم بر جامعه ، چه بسا از قبول آن خودداری کنند) ولی این بزرگمرد ، نه تنها از نشر این کتاب مستند ، و پرمایه و ارزشمند ، خودداری نفرمود ، بلکه سؤال کرد ، کدام یک از شهرها از افکار و فرهنگ شیعه دورتر هستند ؟ جواب دادند : اصفهان چنین است ، در این هنگام قسم یاد کرد که مفاد این کتاب را در هیچ شهری نقل نمیکنم مگر در اصفهان ، و به خاطر اطمینان قاطعی که به صحت و استحکام مطالب کتاب داشت ، به اصفهان هجرت نمود ، و به نشر و ترویج محتوای کتاب و سایر افکار و اندیشه های مکتب تشیع ، در این شهر (۳) پرداخت (۴) ، پس از آنکه ابراهیم بن محمد ثقفی به اصفهان وارد شد ، جمعی از بزرگان و محدثین قم (که مرکز فکری و علمی شیعه در آن زمان بوده) همانند احمد بن محمد بن خالد برقی

ص: ۲۶۲

۱- روضات الجنات ج ۱ ص ۴، مجمع الرجال قهپائی ج ۱، ص ۶۵ و سایر کتب رجالی

۲- ظاهراً این کتاب چهار جزء بوده است (الأذریعه ، جلد ۲۱ ، صفحه ۲۴۳)

۳- مرحوم صاحب روضات ، از یکی از حفاظ بزرگ حدیث ، یعنی امام حافظ ، ابو محمد عبد القادر رهاوی ، نقل می کند که : هِيَ مِنْ أَكْبَرِ مُدُنِ الْإِسْلَامِ وَ أَكْثَرِهَا حَدِيثًا مَا خَلَا بَغْدَادَ (یعنی به استثنای بغداد ، که مرکز علمی و حدیثی جهان اسلام در آن زمان بوده ، بالاترین مرکز حدیث ، شهر اصفهان می باشد) . « روضات الجنات ، جلد ۱ ، صفحه ۵ »

۴- رجال نجاشی ، صفحه ۱۲ و سایر کتب رجالی

(که از محدّثین مشهور است و رقم تألیفات و کتابهای او، به دهها عنوان گوناگون می رسد) به اصفهان آمدند، و آن بزرگمرد را برای هجرت و اقامت در قم دعوت نمودند(۱) و منظور آنها این بود که از علم و دانش و تألیفات و آثار و احادیث او استفاده نمایند، و حوزه علمیه قم را، رونقی افزون بخشند، در حالی که ابراهیم بن محمّد ثقفی، به اصفهان آمده بود برای این که فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با استفاده از علم و دانش و تحقیقات و تألیفات خود، در این شهر، منتشر سازد، و در زمینه اصلاح افکار و اندیشه مردم، و محدّثین و علماء اصفهان، اقدامی مؤثر بنماید. کتابهای ابراهیم بن محمّد ثقفی، بسیار زیاد است، و مشتمل بر احادیث فراوان و متنوع می باشد، و بزرگان علم رجال، آنها را نام برده اند، که ذیلاً نقل می نمائیم:

۱- الغارات (که به نقل الذریعه، نسخه ای از آن نزد علامه مجلسی بوده، و از آن نقل حدیث نموده است) ۲- ألمغازی، ۳- السیقه، ۴- الرّدّه، ۵- مقتل عثمان ۶- الشوری، ۷- الجمل، ۸- بیعه امیر المؤمنین علیه السلام، ۹- الصیفین، ۱۰- الحکمین، ۱۱- التّهران، ۱۲- مقتل امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳- رسائل امیر المؤمنین و أخباره و حروبه، ۱۴- قیام الحسین (الحسن) بن علی علیه السلام، ۱۵- مقتل الحسین علیه السلام، ۱۶- التّوابع، ۱۷- عین الورد، ۱۸- أخبار المختار، ۱۹- فدک، ۲۰- السرائر، ۲۱- الحجّه فی فعل المکرمین، ۲۲- ألمودّه فی ذوی القربی، ۲۳- المعرفه (همان است که به خاطر نشر محتوایش، به اصفهان هجرت نمود)، ۲۴- ألحوض و الشّفاعه، ۲۵- الجامع الکبیر فی الفقه، ۲۶- الجامع الصّغیر، ۲۷- منازل

ص: ۲۶۳

۱- رجال نجاشی، صفحه ۱۲، الفهرست شیخ طوسی، صفحه ۵، معجم رجال الحدیث، جلد ۱، صفحه ۲۸۰ - ۲۸۱ و سایر کتب رجال

من القرآن فی أمير المؤمنین علیه السلام ، ۲۸ - فضل الکوفه و من نزلها من الصحابه ، ۲۹ - کتاب فی الإمامه (که کتاب بزرگی بوده است) ، ۳۰ - کتاب فی الإمامه (که کتاب کوچکی در مبحث امامت بوده است) ، ۳۱ - الممتقین (الممتعین) ۳۲ - الجنائز ، ۳۳ - الوصیه ، ۳۴ - المبتدأ ، ۳۵ - أخبار عمر ، ۳۶ - أخبار عثمان ۳۷ - کتاب الدار ، ۳۸ - الأحداث ، ۳۹ - الحرورا ، ۴۰ - الاستنفار (الأسفار) ، ۴۱ - السیر ، ۴۲ - أخبار یزید ، ۴۳ - ابن الزبیر ، ۴۴ - التفسیر ، ۴۵ - کتاب التاریخ ، ۴۶ - الرؤیا ، ۴۷ - کتاب الأشربه ، الكبير و الصغیر ، ۴۸ - کتاب زید و أخباره ، ۴۹ - کتاب محمد و ابراهیم ، ۵۰ - من قتل من آل محمد علیهم السلام ، ۵۱ - الخطب المعربات (المقربات) (۱).

ابراهیم بن محمد ثقفی ، مورد تجلیل و احترام بزرگان علم و حدیث می باشد و شخصیت بزرگی همانند سید بن طاووس (در إقبال الأعمال) او را توثیق نموده ، و ابن الندیم ، در کتاب « الفهرست » او را از (الثقات العلماء المصنفین) شمرده ، و علامه مجلسی درباره او فرموده : (إِنَّ لَهُ مَدَائِحَ كَثِيرَةً) و بزرگان حدیث در کتابهای برجسته ای ، همانند : کافی و تهذیب و تفسر قمی و کامل الزیارات ، از او نقل حدیث نموده اند ، و چهره های عظیم الشانی همانند : شیخ مفید و سید مرتضی (علم الهدی) برخی از کتابهای او را نقل نموده اند (۲).

۲- أحمد بن أبي يعقوب... اصفهانی (يعقوبی)

مورخ نامدار و جغرافی دان ، مشهور ، أحمد بن أبي يعقوب ، اسحاق

ص: ۲۶۴

۱- الفهرست شیخ طوسی ، صفحه ۵ ، رجال نجاشی ، صفحه ۱۳ ، معجم رجال الحدیث ، جلد ۱ ، صفحه ۲۸۱ ، مجمع الرجال

قهپائی ، جلد ۱ ، صفحه ۶۷

۲- به روضات الجنات ، جامع الزواه ، معجم رجال الحدیث و ... مراجعه شود

بن جعفر بن وهب بن واضح ، کاتب اصفهانی ، معروف به (یعقوبی ، و ابن یعقوبی ، و ابن واضح) ، که از دانشمندان بزرگ تاریخ و جغرافیا ، در نیمهٔ دوّم قرن سوّم هجری می باشد ، و دارای علم نجوم بوده ، و شعر نیز می سروده است .

او از معاصرین أحمد بن داوود ، أبوحنیفهٔ دینوری می باشد (۱) و به سیر و سیاحت ، شدیداً علاقه مند بوده ، و سفرهائی به آرمینیه (ارمنستان) و هند و مصر و بلاد مغرب داشته ، و در ضمن سیاحت خود ، کتاب « البلدان » ، را که قدیمی ترین کتاب عربی ، در زمینهٔ جغرافیا میباشد ، تألیف نموده است (۲).

تألیفاتی گوناگون داشته که بعضی از آنها باقی مانده ، و برخی دیگر از بین رفته ، و فقط نام آنها باقی مانده است ، و مجموعاً به نُه عنوان می رسد (۳) و مشهورترین آنها ، یکی « التاریخ » است ، که در دو جلد می باشد ، و به نام « تاریخ یعقوبی » شهرت یافته ، و دیگری کتاب « البلدان » یا « أسماء البلدان » ، که در ضمن سیر و سیاحتهای خود نوشته ، و قدیمی ترین کتاب در موضوع خود، در عالم عربی می باشد .

دو کتاب یاد شده ، در لیدن و نجف اشرف (۴) و نیز در بیروت ، چاپ شده است ، و تاریخ یعقوبی ، به وسیلهٔ دکتر ابراهیم آیتی ترجمه شده ، و چندین بار به چاپ رسیده ، و به وسیلهٔ مرکز انتشارات علمی و فرهنگی ، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران ، چاپ سوّم آن در سال ۱۳۶۲ شمسی ، انجام گرفته است ، و کتاب « البلدان » نیز ، به وسیلهٔ دکتر ابراهیم آیتی ترجمه گردیده ،

ص: ۲۶۵

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحه ۳۹۸

۲- أعیان الشّیعه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۰۲

۳- مقدمه تاریخ یعقوبی ، به قلم دکتر محمّد ابراهیم آیتی ، از صفحه بیست و یک تا بیست و چهار

۴- الذّریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۱۴۴ و ۲۹۶ ، ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحه ۳۹۸

و چندین بار به چاپ رسیده ، که چاپ سوّم آن به وسیلهٔ بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶ شمسی ، انجام گرفته است .

واضح ، جدّ أحمد بن أبی یعقوب ، از شیعیان أهل البیت علیهم السلام بوده، و جان خود را بر سر این راه گذاشته، و به شهادت رسیده است (۱)، و شخص أحمد بن أبی یعقوب نیز ، به نوشته و تصریح بسیاری از صاحبان تراجم ، شیعه بوده ، و در تشیع او شبهه ای نیست، زیرا او « حدیث غدیر » و « حدیث ثقلین » و تفسیر آن به کتاب خدا و عترت را نقل نموده ، و نزول آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ...) را در روز نصب امیر المؤمنین علی علیه السلام به خلافت در غدیر خم، تصریح کرده ، و هیچیک از خلفاء را به جز امام علی علیه السلام با عنوان امیر المؤمنین ، یاد نمی کند (۲).

سارتن، پس از آن که یعقوبی را به عنوان مورّخ و جغرافی دان شیعه معرفی می کند، می گوید : از لحاظ شیعه بودن وی ، این کتاب جالب توجه است ، چه ، بی طرفانه و با علاقهٔ خاص نوشته شده است .

و جرجی زیدان نیز می نویسد : از مزایای تاریخ یعقوبی علاوه بر قدّمات آن ، این است که ، مؤلّف آن شیعی مذهب است و از عباسیان چیزهایی می نویسد ، که دیگران از ذکر آن پرهیز می کنند .

یعقوبی ، از خطب و رسائل یا کلمات قصار رسول اکرم صِلِّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلِّمْ ، و هر یک از ائمه شیعه علیهم السلام تا امام رضا علیهم السلام را نقل می کند ، و در حوادث سال ۲۵۴ ، وفات امام هادی علیهم السلام را بیان نموده ، و در حوادث سال ۲۰۴ ، اجمالی از ازدواج امّ

ص: ۲۶۶

۱- مقدّمه ترجمهٔ تاریخ یعقوبی ، صفحهٔ نوزده ، و نیز مقدّمه ترجمه کتاب البلدان ، صفحهٔ ۱۰ به نقل از طبری و ابن اثیر

۲- مقدّمه ترجمهٔ تاریخ یعقوبی به قلم دکتر آیتی، صفحهٔ بیست

الفضل با امام جواد علیه السلام را ذکر نموده است (۱). تاریخ فوت أحمد بن یعقوب را متفاوت نوشته اند ، همانند : ۲۷۸ ، بعد از ۲۷۸ ، ۲۸۲ ، ۲۸۴ (که این قول اخیر مشهور می باشد ، و در معجم الأدباء یاقوت حموی (جلد ۵، صفحه ۱۵۴) آمده است ، ولی علامه امین ، در أعیان الشیعه نوشته اند که : یعقوبی در شب عید فطر ۲۹۲ ، به یاد روزگار قدرت آل طولون افتاده ، و زوال سلطنت آنها را مورد عبرت قرار داده ، و اشعاری سروده است ، و از این جریان معلوم می شود که وفات او پس از این تاریخ می باشد (۲).

۳- أحمد بن علویة اصفهانی

أبو جعفر، أحمد بن علویة اصفهانی ، معروف به « أبو الأسود » و « ابن الأسود » متولد ۲۱۲ و متوفای ۳۲۰ هجری (۳).

وی محدثی نامدار، و شاعری بسیار بزرگ ، و مجاهدی عظیم الشان می باشد . در کتابهای « تهذیب شیخ طوسی » و « من لا یحضره الفقیه صدوق » از او نقل حدیث گردیده ، و شیخ طوسی در بخش مربوط به ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی ، کتابهای او را به واسطه أحمد بن علویة اصفهانی ، روایت می نماید (۴). مرحوم نجاشی ، کتاب او را به نام « الإعتقاد » (فی الأدعیه) نقل نموده (۵) ، و ابن شهر آشوب مازندرانی ، در کتاب نفیس « معالم العلماء »

ص: ۲۶۷

۱- مقدمه ترجمه تاریخ یعقوبی به قلم دکتر آیتی ، صفحه بیست

۲- أعیان الشیعه ، چاپ جدید، ج ۳، ص ۲۰۲، و نیز ملحقات البلدان، ص ۱۵۴

۳- دائره المعارف تشیع، جلد ۱ ، صفحه ۳۵۱ و در کتاب ریحانه الأدب ، جلد ۷، صفحه ۳۸۳، عمر این بزرگمرد بیش از یکصد سال ذکر شده است

۴- ألفهرست شیخ طوسی، صفحه ۶

۵- رجال نجاشی، صفحه ۶۴

مینویسد: (لَهُ كُتِبَ مِنْهَا دُعَاءُ الْإِعْتِقَادِ ، وَ لَهُ النُّوَيْبَةُ ، الْمُسَدِّمَاءُ بِالْأَلْفِيَّةِ وَ الْمُحَبَّرَةُ (۱)) و شیخ طوسی او را جزء راویانی که درک محضر امامان معصوم علیهم السلام ننموده اند ذکر نموده است (۲).

عده ای از محدثین ، همانند : أبوجعفر، محمد بن الحسن الولید (متوفای ۳۴۳) و سعد بن عبد الله أشعری (متوفای ۲۹۹ یا ۳۰۰ یا ۳۰۱ هجری) و حسین بن محمد بن عمران أشعری و عبد الله بن حسین (حسن) مؤدب و ... ، از او نقل حدیث مینمایند ، و این بزرگمرد از مشایخ آنها به شمار می رود(۳).

در هنگامی که قصیدة نوئیه ابن علویه را ، که به نام « ألفیه » بوده (ولی هشتصد و سی و چند شعر او ضبط شده(۴) برای أبو حاتم سجستانی خواندند ، به تعجب در آمد و به أهل بصره گفت : والله این شاعر اصفهانی، در استحکام شعر و کثرت فوائد آن ، بر شما تفوق یافته است (با این که عرب زبان هستید ، و شعر عربی سرودن ، زبان مادری شما است) . ابن علویه در این اشعار ، روایات فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مطرح نموده ، و با مخالفان خلافت آن حضرت، احتجاج نموده ، و مخصوصاً کلمه مولی را که به معنی ولایت مطلقه آن امام است ، به صورتی بدیع ، بیان داشته است . ثعالبی ، در « یتیمه الدهر » ابن علویه را از شعراء و نویسندگان اصفهان ذکر نموده (۵) ، و سیوطی در « بُغیة الوعاه » ، او

ص: ۲۶۸

- ۱- معالم العلماء ، صفحه ۱۹
- ۲- رجال شیخ طوسی ، صفحه ۴۴۷
- ۳- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۵۱
- ۴- ریحانه الأدب ، جلد ۷ ، صفحه ۳۸۳ ، و تنقیح المقال ، جلد ۱ ، صفحه ۶۸
- ۵- یتیمه الدهر ، جلد ۳ ، صفحه ۲۹۵

را صاحب لغه و آدیب و شاعر خوانده (۱) و صاحبان تراجم، شعرش را در جزالت و استحکام و فصاحت و قوه ترکیب و نظم معانی، در سرحد کمال دانسته، و بیان او را در مناقب ائمه علیهم السلام و دفاع از مذهب امامیه، شیرین، و همراه با منطقی قوی، شمرده اند.

علامه امینی در الغدیر، او را در زمره شعراء غدیر شمرده، و منتخبی از اشعار او را نقل کرده، و حاج آقا بزرگ طهرانی او را، در زمره نوابغ رواه در سده چهارم، ذکر نموده، و صاحب اعیان الشیعه، او را جزء چهره های برجسته علم و ادب جهان شیعه به شمار آورده، و یاقوت حموی در معجم الأدباء، او را ستوده و تمجید کرده است (۲).

و در یک کلام: احمد بن علویه اصفهانی، از مفاخر شیعه، و از چهره های برجسته علمی و ادبی اصفهان، و آبرویی برای تاریخ علم و ادب و تشیع می باشد

۴- حمزه اصفهانی

آدیب نامدار، و نویسنده صاحب آثار، و مؤرخ متبّع، و لغوی متبحر، حمزه بن حسن اصفهانی، مکنی به ابو عبد الله، و متوفای پس از ۳۵۰ هجری. وی از دانشمندان معروف اصفهان در قرن چهارم می باشد، و در لغت و تاریخ و ادبیات برجستگی داشته است.

ابن الندیم، از آثار او: ۱- اصفهان و اخبارها، ۲- التّشبیّهات، ۳- أنواع الدّعاء ۴- التّصحیف ۵- الأمثال علی أفعال ...، ۶- الأمثال الصّادره عن ثبوت الشّعر،

ص: ۲۶۹

۱- بغیه الوعاه، جلد ۱، صفحه ۳۳۶

۲- معجم الأدباء، جلد ۴، صفحه ۷۲

۷- التنبیه علی حروف المصحف ، ۸- رسائل ، ۹- التماثل فی تباشیر السرور را ، برشمرده است (۱). از آثار قلمی و مهم حمزه اصفهانی ، کتاب « تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبياء » می باشد ، که به نام « تاریخ ملوک الأرض » نیز نامیده شده است (۲).

این کتاب به لاتین ترجمه شده ، و در لیسبک در سال ۱۸۶۶ میلادی ، در دو جزء ، یکی با متن عربی ، و دیگری ترجمه لاتین ، به چاپ رسیده ، چنانچه در سال ۱۳۴۰ قمری ، در کلکته و برلین نیز ، چاپ شده است (۳).

علامه امین ، کتاب دیگری از او یاد کرده به نام « الْأَخْصَائِصُ وَ الْمُوَازَنَةُ بَيْنَ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارَسِيَّةِ » فی تاریخ آداب اللغه العربیه ، که نسخه خطی آن در کتابخانه خدیویه موجود است (۴). نویسنده محقق ، آقای دکتر لطف الله هنرفر ، وفات این بزرگمرد را بین سالهای ۳۵۰ تا ۳۶۰ دانسته است (۵).

۵- أبو الفرج اصفهانی

ادیب نحوی ، و کاتب شاعر ، و مورخ حافظ ، نسابه متبحر ، و محدث متفطن ، علی بن حسین بن محمد اصفهانی ، مکنی و معروف به أبو الفرج اصفهانی ، متولد ۲۸۴ و متوفای ۳۵۶ یا ۳۵۷ یا بعد از ۳۶۰ هجری . وی ، نسبش به مروان حمار می رسد ، و از امویان می باشد ، ولی علم و دانش او از یک طرف ، و بینش اجتماعی او از طرف دیگر ، او را به سوی مکتب تشیع سوق داده است ،

ص: ۲۷۰

۱- ألفهرست ابن الندیم ، چاپ بیروت ، صفحه ۱۹۹

۲- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۸۸

۳- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۸۸

۴- أعیان الشیعه ، جلد ۶ ، صفحه ۲۴۰

۵- اصفهان ، صفحه ۲۰۷

و مخصوصاً محیط خانوادگی او در شهر و جامعه اصفهان، در این زمینه مؤثر بوده، و نام علی (برای خودش) و نام حسین (برای پدرش) گویای این گرایش در خانواده او، و نیز در جامعه اصفهان آن روز می باشد. خاندان أبو الفرج، علمی بوده، و جمعی از آنها از دانشمندان بوده اند، و مذهب تشیع داشته اند (۱).

شیخ طوسی در فهرست، او را در شمار مصنفین شیعه برشمرده، و او را زیدی المذهب دانسته، و کتابهای او را از قبیل: «الأغانی الکبیر»، و «مقاتل الطالبیین» و کتاب «مانزل من القرآن فی أمر المؤمنین علیه السلام و أهل بیته علیهم السلام»، و «کتاب فیہ کلام فاطمه علیها السلام فی فدک»، و غیر اینها، ذکر نموده است (۲).

مرحوم اردبیلی، در «جامع الزّواہ»، با استناد به کلام علامه در «خلاصه» و شیخ طوسی در «الفهرست» او را زیدی المذهب، و صاحب تصنیف ذکر نموده (۳)، و مرحوم مامقانی در «تنقیح المقال» پس از آن که مطالب شیخ طوسی و دیگران را درباره او نقل نموده، فرموده است: «و الرَّجُلُ وَ إِن كَانَ زَیْدِيًّا، إِلَّا أَنَّهُ مُعْتَمِدٌ عِنْدَ الْأَصْحَابِ، فَيَكُونُ حَدِيثُهُ مِنَ الْمُوثِقِ (۴)، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای خوئی در معجم رجال الحدیث، به ستایش های شیخ حزر عاملی در مورد علم و ادب و کتب أبو الفرج اصفهانی، و نیز نوشته های شیخ طوسی درباره این عالم ادیب، اکتفاء نموده، و اظهار نظر دیگری نفرموده است (۵).

أبو الفرج اصفهانی، دارای علوم و فنون گوناگون، از قبیل: لغت، نحو،

ص: ۲۷۱

۱- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۲۳۱

۲- ألفهرست، صفحه ۱۹۲

۳- جامع الزّواہ، جلد ۲، صفحه ۴۰۹

۴- تنقیح المقال، جلد ۱۳ (بخش کینه ها)، صفحه ۳۱

۵- معجم رجال الحدیث، جلد ۱۱، صفحه ۳۶۷

صرف ، تاریخ ، علم أنساب ، علم جوارح ، طبّ انسانی و طبّ حیوانی (دامپزشکی) ، نجوم بوده ، و در شعر و ادب و نویسندگی ، از اعجوبه های تاریخ به شمار رفته است ، و اکثر اخبار و اشعار و احادیث و أنساب را ، با اسناد و اسامی قائلین و ناقلین آنها ، حافظ بوده (۱) ، و به همین جهت نوشته های او مورد توجه قرار گرفته است . او بی گمان ، از چهره های درخشان ، و از نوابغ تاریخ ادبیات عرب می باشد ، و لذا در عموم کتب تراجم و تاریخ بزرگان ، از دانش و اندیشه او ، تمجید گردیده است .

یاقوت در « إرشاد الأریب » می نویسد : وی علامه و نسب شناس و راوی اخبار ، و جامع میان وسعت روایت و دقت تحقیق بود ، و حافظه و هوشی فوق العاده داشت . هیچ مؤلفی را نمی شناسیم که آثارش در فنون ادب ، نیکوتر و جامعتر از أبو الفرج باشد ، و با این همه ، شاعری شیرین گفتار بوده است (۲) .

ثعالبی در یتیمه الدّهر می نویسد : علی بن حسین اموی ، اصفهانی الأصل و بغدادی المنشأ ، از اعیان و شخصیت های ادباء و از مصنفین کم نظیر (و یا بی نظیر) بوده ، و شعرش جامع بین إتقان و استحکام عالمان ، و ظرافت و لطافت شعرای ظریف گوی می باشد (۳) .

یاقوت حموی در معجم الأدباء ، او را به شدت تجلیل می نماید ، و او را علامه نساب و اخباری حَفَظَهُ (۴) ، و جامع بین وسعت روایت و حذاقت در درایت و فهم می شمارد ، و می نویسد :

ص: ۲۷۲

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۷ ، صفحه ۲۳۶

۲- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۴۳۱

۳- یتیمه الدّهر ، جلد ۳ ، صفحه ۱۰۹

۴- حَفَظَهُ صیغه مبالغه است ، به معنی کسی که بسیار حافظ می باشد

کتابها و تصنیفات کسی را در زمینه هائی که أبو الفرج کتاب نوشته ، بهتر از آثار او نمی دانم ، و آنگاه درباره کتاب «الأغانی» او می نویسد: به جان خودم، این کتاب ، ارزشمند ، نامدار، پُر فایده ، پُر دانش و جامع بین جدّ کامل ، و هزل

خالص می باشد(۱).

تألیفات أبو الفرج اصفهانی

کتابها و آثار قلمی أبو الفرج اصفهانی را تا یکصد کتاب نام برده اند (۲) که از آن جمله است :

۱- الأغانی ، که معروفترین کتاب اوست ، و در ظرف پنجاه سال تألیف گردیده (۳)، و صاحب بن عبّاد وقتی خبردار شد که ، سیف الدّوله ، به عنوان جایزه یکهزار دینار به أبو الفرج داده برای کتاب الأغانی ، گفت : سیف الدّوله حق أبو الفرج را رعایت نکرده ، و او مستحقّ چندین برابر این جایزه بوده ، و سپس در اوصاف کتاب سخن بسیار گفت ، و اضافه کرد که ، خزانه من مشتمل بر دوست هزار جلد کتاب بود، ولی هیچ کدام از آنها به جز این کتاب ، آنیس شبهای من و مورد اعجاب و توجّه من نمی بود (۴).

۲- مقاتل الطالبيين ، که در آن، شهدای خاندان اَبی طالب را ، از جعفر طیار تا شهدائی که ، تا اواخر حکومت مقتدر عبّاسی (متوفای ۳۲۰)، به شهادت رسیده اند ، مورد ذکر قرار داده ، و شرح حال و شهادتشان را نوشته ، و در سال

ص: ۲۷۳

۱- معجم الأدباء یاقوت حموی ، جلد ۱۳ ، صفحه ۹۵ و ۹۸

۲- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۴۳۱

۳- روضات الجنّات، جلد ۵، صفحه ۲۲۲ و ۲۲۳ به نقل از یافعی و صفدی

۴- روضات الجنّات به نقل از صفدی

۳۱۳ از نوشتن آن ، فارغ گردیده است (۱).

۳- کتاب التّنزِيلِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا طَبَقَ نُوشْتَهُ شَيْخِ طُوسِي فِي الْفَهْرَسْتِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

۴- كِتَابٌ فِيهِ كَلَامٌ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي فَدَاكَ (۲)

۵- آدَابُ الْعُرَبَاءِ مِنْ أَهْلِ الْفَضْلِ وَالْأَدَبِ

تشیع ابو الفرج اصفهانی، نشانه ای از رشد فرهنگ تشیع، در تاریخ گذشته اصفهان

أبو الفرج اصفهانی ، با این که از بنی مروان و بنی امیه است، نه تنها گرایش به تشیع داشته ، بلکه شخصاً شیعه زیدی بوده ، و خاندان او نیز شیعه یا متمایل به تشیع بوده اند ، تا آنجا که پدر او به نام حسین و خودش به نام علی نامگذاری گردیده بوده است، و این دو نامگذاری نشانه بسیار روشنی ، از جوّ گرایش شدید نسبت به أهل البيت عليهم السلام در شهر اصفهان می باشد ، زیرا اگر چنین گرایشی در اصفهان نمی بود ، معنی نداشت که در خاندانی اموی ، نام مقدّس ائمه معصومین عليهم السلام ، بر نوزدان نهاده شود .

بنابراین ، نه تنها تشیع ابو الفرج اصفهانی مروانی اموی (که مؤرخین سنی را به شگفتی آورده (۳)) ، و تألیفات او ، همانند : مَقَاتِلُ الطَّالِبِينَ ، و مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، از نشانه های ریشه های عمیق تشیع در اصفهان می باشد ، بلکه نام گذاری های خانوادگی ، در خاندان او ، از اسناد مهم عمق

ص: ۲۷۴

۱- الذّریعه ، جلد ۲۱ ، صفحه ۳۷۶

۲- الفهرست شیخ طوسی ، صفحه ۱۹۲

۳- ذهبی در میزان الاعتدال ، و یافعی در مرآت الجنان ، اظهار تعجب کرده اند که یک مروانی ، شیعه بوده است (الذّریعه جلد ۲۱ صفحه ۳۷۶)

اعتقاد به امامت و أهل البيت عليهم السلام در اصفهانِ قدیم می باشد .

نقش أبو الفرج اصفهانی، در نشر روایات فضائل و مصائب أهل البيت عليهم السلام

أبو الفرج اصفهانی با توجه به موقعیت علمی برجسته اش از یک طرف . و این که از خاندان بنی امیه و بنی مروان است ، و با این حال نقل مناقب و فضائل خاندان رسالت نموده ، از طرف دیگر ، نقش مؤثری در نشر روایات مربوط به خاندان رسالت (أعمّ از مقامات الهی و منصب امامت و فضائل و مصائب و مظلومیت آنها) داشته است ، و لذا علامه مجلسی قدس سرّه در بحار الأنوار ، در موارد بسیار زیادی ، روایات او را (أعمّ از آنچه در « الأغانی » یا « مقاتل الطالبیین » یا « ما نزل من القرآن فی أمير المؤمنين علیه السلام و أهل بيته عليهم السلام » و ... ، نقل نموده) ذکر فرموده ، و در بخش های گوناگون و مجلدات آن کتاب ارزشمند و نورانی ، روایات أبي الفرج اصفهانی را در زمینه مسائل امامت و ولایت و فضائل أهل البيت عليهم السلام ، نقل نموده است .

خاندان علمی أبو الفرج اصفهانی

نه تنها أبو الفرج اصفهانی (علی بن الحسین أموی مروانی شیعی) چهره ای علمی برای تشیع اصفهان می باشد ، بلکه در خاندان او ، جمعی عالم و محدّث و شیعی بوده اند (۱) که خاندانی علمی را تشکیل می دهند .

خاندان أبو الفرج ، گرچه مروانی بوده اند ، ولی همانند بسیاری از آگاهان آن زمان

ص: ۲۷۵

نسبت به تشیع و مکتب أهل البيت عليهم السلام، گرایش و یا اعتقاد داشته اند (۱).

۶- اسماعیل بن عبّاد «صاحب بن عبّاد»

افتخار ایران و اسلام و تشیع و عالم علم و ادب، اسماعیل بن عبّاد بن عبّاد بن عبّاد بن أحمد بن إدريس دیلمی قزوینی طالقانی اصفهانی، متولد ۳۲۶ و متوفای ۲۴ صفر ۳۸۵ هجری. وی مکّتی به أبو القاسم و ملقب به «کافی الکفاه»، و معروف به «صاحب» و «این عبّاد» و عمده، «صاحب بن عبّاد»، می باشد.

در تاریخ علم و ادب ایران و تشیع، و نیز در تاریخ سیاست و وزارت کشور کهن سال ایران، چهره صاحب بن عبّاد می درخشد، و صاحبان تراجم، و مورّخین و شعراء و نویسندگان دائره المعارف ها، هر کدام به تفصیل، از عظمت و شخصیت و ابعاد وجودی و برکات این بزرگمرد، سخن گفته اند، و بسیاری از آنها، خود را عاجز از بیان تمام کمالات و ارزشهای این افتخار عالم علم و ادب، دانسته اند.

وی، آدیب کامل، لغوی محقق، نحوی مدقق، منشی و شاعر خوش ذوش، و لطیفه گوی و فصیح و بلیغ، متکلمی متبحر، فقیه و دین شناسی عالیقدر، محدّثی عظیم الشان و نکته سنجی بی نظیر بوده، که او را نادر روزگار و أعجوبه زمان و افتخار دوران و شمع محفل علماء و أدباء و سادات و صاحبان فضل، خوانده اند.

صاحب بن عبّاد، وزیری بی نظیر برای مؤید الدوله و نیز فخر الدوله (از آل بویه) بوده، و در مراتب علم و فضل، و جود و بخشش و فصاحت و بلاغت، و تفنّن و لطافت روح، و حضور ذهن و آمادگی جواب و ...، مورد قبول عموم صاحب نظران و اندیشمندان، می باشد.

ص: ۲۷۶

ذکر فضائل صاحب بن عبّاد، نه تنها در کتابها و رساله ها، و نیز اشعار شعرای بزرگ ، فراوان دیده می شود، بلکه بسیاری از ستایشگران فضائل این بزرگمرد ، به این ستایشگری افتخار نموده ، و بر خود می بالند، و از روح بلند این بزرگ شخصیت علم و دین ، پوزش می طلبند ، و به دلیل عدم قدرت بر إحصای فضائل او ، عذر تقصیر می خواهند .

محدّث و فقیه بزرگ شیعه ، و افتخار بزرگ عالم تشیع ، مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه ، کتاب نفیس و پرآرزش « عیون أخبار الرضا » علیه السلام را ، به نام نامی صاحب بن عبّاد ، تألیف نموده ، و در مقدمه آن ، دو قصیده زیبای صاحب بن عبّاد ، در زمینه اهداء سلام به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را ، نقل نموده ، و سپس دو حدیث از امام صادق علیه السلام ، و یک حدیث از امام رضا علیه السلام ، درباره فضیلت سرودن شعر پیرامون أهل البيت عليهم السلام ، نقل نموده ، و سپس نوشته است

فَأَجْزَلَ اللَّهِ لِلصَّاحِبِ الْجَلِيلِ ، الثَّوَابَ عَلَى جَمِيعِ أَقْوَالِهِ الْحَسَنَةِ ، وَ أَعْمَالِهِ الْجَمِيلَةِ ، وَ أَخْلَاقِهِ الْكَرِيمَةِ ، وَ سِيرَتِهِ الْمَرْضِيَّةِ ، وَ سُنَنِهِ الْعَادِلِ ، وَ بَلَّغَهُ كُلَّ مَأْمُولٍ ، وَ صَرَفَ عَنْهُ كُلَّ مَحْذُورٍ ، وَ أَظْفَرَهُ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ ، وَ أَجَارَهُ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَكْرُوهٍ ، بِمَنْ اسْتَجَارَهُ مِنْ حُجَجِهِ الْأَيْمَةِ ، بِقَوْلِهِ فِي بَعْضِ أَشْعَارِهِ فِيهِمْ :

إِنَّ ابْنَ عَبَّادٍ اسْتَجَارَ بِمَنْ *** يُتْرَكُ عَنْهُ الصُّرُوفُ مَصْرُوفَهُ

و بقوله في قصيده اخرى :

إِنَّ ابْنَ عَبَّادٍ اسْتَجَارَ بِكُمْ *** فَكُلُّ مَاخَافَهُ سَيُكْفَاهُ

و جَعَلَ اللَّهُ شُفَعَاءَهُ الَّذِينَ أَسْمَأُهُمْ عَلَى نَقْشِ خَاتَمِهِ

شَفِيعُ إِسْمَاعِيلَ فِي الْأُخْرَى *** مُحَمَّدٌ وَ الْعِتْرَةُ الطَّاهِرَةُ

آری ، شیخ صدوق، آن محدث دقیق ، و راستگوی نامدار ، اُفوال صاحب بن عبّاد را ، حَسَنه ، و اُفعال او را ، جَمیله ، و اُخلاق او را ، کَریمه ، و سیره او را ، مرضیه ، و سُنّت های او را ، عادلّه دانسته و او را مشمول دعاهاى فراوان خود نموده ، و دلیل این همه تجلیل و دعای خیر را ، پناهنده شدن آن بزرگمرد ، به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ، دانسته است .

فقیه و محدث عظیم الشّان، و محقق و زاهد علامه ، ملاّ محمّد تقی مجلسی ، صاحب بن عبّاد را ، اُفقه فقهای شیعه (از متقدّمین و متأخّریں) و رئیس المحدثین و المتکلمین ، و علامه ، دانسته و نوشته است که :

هر اندازه و مرتبه ای از علم و فضل ذکر شود، و صاحب ، در مرتبه بالاتری از آن است (۲) شخصیت عظیم الشّان ، و تالی تلو معصوم ، سید رضی الدّین بن طاووس حلّی در کشف الیقین از صاحب بن عبّاد تجلیل نموده ، و او را ستوده است (۳).

و فقیه و اصولی و رجالی نامدار، صاحب روضات الجنّات ، در ضمن یک بررسی مفصّل از فضائل و مناقب و آثار و خدمات صاحب بن عبّاد ، عبارت های بزرگان تاریخ و تراجم، و شعراء و نویسندگان را ، در ستایش صاحب نقل نموده ، و با زیباترین و محققانه ترین مطالب و عبارات ، گوشه هایی از عظمت این نادر روزگار را ، به نمایش گذارده ، و ترسیم نموده ، و در یک

ص: ۲۷۸

۱- مقدمه عیون أخبار الرضا علیه السلام ، تألیف شیخ صدوق

۲- روضات الجنّات ، جلد ۲، صفحه ۲۶

۳- روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۶

عبارت جامع و زیبا ، به نقل از ثعالبی فرموده است :

هُوَ فَوْقَ مَا قَالَا أَوْ يَقُولُهُ الْقَائِلُونَ

وَ أَلَيْقُ بِأَنْ لَا يَسْأَلَ عَنْ حَقِيقَةِ أَمْرِهِ السَّائِلُونَ

و علامه محقق و منتجع ، آیه الله ، سید محسن امین عاملی ، در « اعیان الشیعه » ، در ضمن یک بررسی بسیار گسترده (از صفحه ۲۳۱ تا ۳۷۴ جلد ۱۱ ، چاپ قدیم ، و از صفحه ۳۲۸ تا ۳۷۶ ، جلد ۳ ، چاپ جدید ، با صفحات بسیار بزرگ ، که در حدّ یک کتاب مستقل می باشد) ابعاد عظمت این شخصیت بزرگ جهان اسلام و تشیع را تشریح نموده است .

و حافظ ابونعیم اصفهانی ، در شمار محدّثین اصفهان ، از صاحب بن عبّاد یاد نموده ، و نوشته است: اسماعیل بن عبّاد بن العباس الطالقانی ، أبو القاسم الوزیر ، الملقّب بالصّاحب ، سمع بالعراق و الرّی و إصبهان الكثير ... (۱) و این چنین کثرت و فراوانی سماع حدیث را برای صاحب (آن هم در عراق و ری و اصفهان ، سه مرکز بزرگ علم الحدیث) به عنوان امتیازی بزرگ ، ذکر نموده است .

و یاقوت حموی ، در ضمن تمجیدها و بحث گسترده درباره صاحب بن عبّاد (از صفحه ۱۶۸ تا ۳۱۷ ، از جلد ششم معجم الأدباء) می نویسد :

فَسُبْحَانَ مَنْ جَمَعَ الْعَالَمَ فِي وَاحِدٍ ، وَ أَبْرَزَ جَمِيعَ قُدْرَتِهِ فِي شَخْصٍ (۲) یعنی منزّه است آن خدایی که همه عالم را ، در یک نفر جمع نموده ، و تمام قدرت خود را در شخص واحدی ، به نمایش در آورده است .

و صلاح الدّین صفدی ، در ضمن یک بررسی مفصّل و نقل آثار عظمت علمی

ص: ۲۷۹

۱- ذکر أخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۴

۲- معجم الأدباء ، جلد ۶ ، صفحه ۱۷۶

و اخلاقی و عملی صاحب ، این بزرگمرد را ، نادره عصر و اعجوبه دهر، در فضائل و مکارم دانسته ، و با نقل داستان تواضع و خضوع او در برابر حق، و یک هفته در بیت التوبه اقامت جستن ، و از لغزشهای خود در پیشگاه خداوند طلب بخشش نمودن ، و سپس به إملاء حدیث پرداختن ، روح عبادت و خداجوئی او را مورد توجه قرار داده است (۱).

و سمعانی ، در کتاب « الأنساب » آن چنان شهرت نام « صاحب » و اشعار و مجموعه های او را ، در نظم و نثر ، در همه آفاق و بلاد ، در سطحی وسیع و برجسته دانسته ، که از شرح مفصل خودداری نموده ، و تنها به نقل یک جمله ارزشمند از کلام صاحب اکتفاء نموده ، و آن جمله این است :

مَنْ لَمْ يَكْتُبِ الْحَدِيثَ لَمْ يَجِدْ حَلَاوَةَ الْإِسْلَامِ (۲) یعنی : کسی که حدیث ننویسد ، شیرینی اسلام را ، در نیافته است . و ثعالبی ، در یتیمه الدهر ، در یک بخش وسیع از کتاب خود (از صفحه ۱۸۸ تا ۲۸۶ ، جلد سوم) کمالات و محاسن علمی و عملی و اجتماعی صاحب را مورد بحث قرار داده ، و در ابتدای سخن نوشته است : لَيْسَتْ تَحْضُرُنِي عِبَارَةٌ أَرْضَاهَا لِلْإِفْصَاحِ عَنْ عُلُومِ مَحَلِّهِ فِي الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ ، وَ جَلَالِهِ شَأْنِهِ فِي الْجُودِ وَالْكَرَمِ ، وَ تَفَرُّدِهِ بِغَايَاتِ الْمَحَاسِنِ ، وَ جَمْعِهِ أَشْتَاتِ الْمَفَاخِرِ ، لِأَنَّ هِمَّةَ قَوْلِي تَنْخَفِضُ عَنْ بُلُوغِ أَذْنِي فَضَائِلِهِ وَ مَعَالِيهِ ، وَ جَهْدَ وَضِيْفِي يَقْضِرُ عَنْ أَيْسَرِ فَوَاضِلِهِ وَ مَسَاعِيهِ ... ، لا حَرَجَ فِي مَدْحِهِ بِكُلِّ مَا يُمْدَحُ بِهِ مَخْلُوقٌ ، وَ لَوْلَا مَا قَامَتْ لِلْفَضْلِ سُوقٌ . كَانَتْ أَيَّامُهُ لِلْعُلُوْبِيِّهِ وَ الْعُلَمَاءِ وَ الْأَدْبَاءِ وَ الشُّعْرَاءِ ، وَ حَضْرَتُهُ مَحَطَّ رِحَالِهِمْ ، وَ مَوْسِمَ فُضْلَانِهِمْ ، وَ

ص: ۲۸۰

۱- الوافی بالوفیات، جلد ۹، از صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۱

۲- الأنساب سمعانی ، جلد ۸، صفحه ۱۷۸

مَيْتَرَعِ آمَالِهِمْ ، وَ أَمْوَالُهُ مَضِيْرُوفَهُ إِلَيْهِمْ ، وَ صَيَانِيْعُهُ مَقْصُورَةٌ عَلَيْهِمْ ، فَبَلَغَ مِنَ الْبَلَاغَةِ مَا يُعِيدُ فِي السَّحْرِ وَ يَكَادُ يَدْخُلُ فِي حَدِّ الْإِعْجَازِ ، وَ سَارَ كَلَامُهُ مَسِيرَ الشَّمْسِ ... (۱).

و خیر الدین زرکلی ، او را از نوادر دهر در علم و فضل و تدبیر و نیکوئی رأی شمرده ، و تألیفات او را ، جلیل و ارزشمند دانسته است (۲) .

و هم چنین در هر کتاب و نوشته ای ، از قدیم و جدید ، و با مواضع فکری گوناگون ، و در زمینه های مختلف تاریخی ، ادبی ، اجتماعی ، اخلاقی ، کلامی و ... ، مراجعه بنمائیم ، فضائل و مکارم اخلاقی ، و آثار علمی و ادبی این نادره روزگار ، جلب نظر می نماید .

نقش صاحب بن عبّاد، در ترویج علم و ادب

اندیشه بلند و مقام علمی والا، و گستردگی معلومات صاحب بن عبّاد از یک طرف ، و تشویق های فراوان ، بخشش های متنوع و گسترده صاحب ، به دانشمندان و اندیشمندان ، و حمایت های بی دریغ و فراوان او ، از بزرگان علم و ادب ، از طرف دیگر ، عامل بسیار مهمی برای ترویج از علم و ادب بود ، و از این جهت ، دوران زندگی و وزارت صاحب ، از درخشان ترین ادوار علمی و ادبی تاریخ ایران عموماً ، و اصفهان ، بالخصوص می باشد .

آری ، دربار صاحب بن عبّاد ، همواره قبله آمال دانشمندان ، و مجمع علماء و سادات ، و نیز ارباب کمال و اکابر دانشمندان ، و اَجَلای اُدباء و شعراء بوده ، و مرجع استفاده طبقات افاضل به شمار می رفته ، و پیوسته آنها را به تألیف و تصنیف کتاب تشویق می نموده است .

ص: ۲۸۱

۱- یتیمه الدهر، جلد ۳، صفحه ۱۸۸-۱۸۹

۲- الأعلام، جلد ۱، صفحه ۳۱۳

و در همین راستا، شیخ جلیل، حسن بن محمد قمی، کتاب «تاریخ قم»، و قاضی علی بن عبدالعزیز جرجانی، کتاب «تهذیب التاریخ»، و أحمد بن فارس رازی لغوی، کتاب «صاحبی» را در لغت، و ثعالبی، «یتیمه الدهر» را، به نام صاحب، تألیف نموده اند^(۱) و از همه مهمتر، صدوق المحدثین، و شیخ مشایخ شیعه، و رئیس فرقه ناجیه، مرحوم شیخ صدوق قدس سره، کتاب عظیم الشأن «عیون أخبار الرضا علیه السلام» را به نام او تألیف کرده است.

و به همین جهت، شعرای نامی وقت، که به نوشته «بُعْیَةُ الوُعَاه» ، به پانصد نفر می رسیده، و صاحب دیوان بوده اند، مدایح بسیاری در شأن و عظمت صاحب بن عبّاد سروده اند^(۲).

جود و بخشش صاحب بن عبّاد

نه تنها دانشمندان و فقهاء و محدّثین و أدباء و شعراء، از بخشش های گسترده، و تشویق کننده صاحب بن عبّاد، بهره می گرفتند، بلکه خوانِ کَرَم او برای عموم مردم گسترده بوده است. هر کس در ماه رمضان بعد از عصر وارد دربار او می شد، بایستی پس از افطار برگردد، و در هر شب از ماه رمضان، هزار نفر روزه دار در سر سفرهٔ إحسان او افطار می نمودند، و خیرات و مبرات او در ماه رمضان، معادل کارهای نیکو و صدقات او در یک سال بوده^(۳)، که در این زمینه داستانهای عجیب و شنیدنی، در نوشته های گوناگون، و کتب تاریخ و تراجم، ثبت شده است.

ص: ۲۸۲

۱- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۹۰

۲- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۹۰

۳- روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۲

نقش صاحب بن عبّاد، در ترویج تشیّع

حکومت آل بویه (که از خاندانهای شیعه ، و طرفدار و مروج تشیّع بودند) در دوره وزارت صاحب بن عبّاد ، به اوج نقش و تأثیر خود ، در ترویج مذهب شیعه رسید ، و مظاهر مکتب اهل البیت علیهم السلام ، و افکار و اندیشه های اعتقادی و فرهنگی مذهب ، میدان رشد یافت ، تا آنجا که مذهب شیعه امامیه ، در زمان صاحب ، در شهر اصفهان به او نسبت داده می شد ، و مذهب تشیّع را ، مذهب صاحب بن عبّاد می دانستند (۱).

تألیفات صاحب بن عبّاد

آثار قلمی فراوانی از صاحب بن عبّاد، به جای مانده ، که از جمله آنهاست :

۱- الإبانه عن مذهب أهل العدل بحجج من القرآن و العقل ، ۲- الإمامه ۳- التذکره فی أصول الخمسه ، ۴- أسماء الله وصفاته ، ۵- الأنوار ، ۶- المحيط (در لغت ، که ۷ جلد است (۲)) ، ۷- الأعیاد و فضائل التیروز ۸- الإقناع (فی العروض) ، ۹- تفصیل أحوال السیّد عبدالعظیم الحسنی ، ۱۰- دیوان الرّسائل یا الکافی فی الرّسائل (۳) ۱۱- دیوان الشّعر ، ۱۲- القضاء و القدر ، ۱۳- السّفینه ، ۱۴- عنوان المعارف (در تاریخ) .

و در مجموع، شماره تألیفات صاحب بن عبّاد را تا بیش از سی اثر، ذکر

ص: ۲۸۳

-
- ۱- روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۷
 - ۲- در بغیه الوعاه ، المحيط را ده جلد دانسته است (الدّریعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۶۲)
 - ۳- این کتاب بنا بر نقل یاقوت حموی ، ۱۰ جلد و بنا بر قول أبو حیان ، سی مجلد می باشد (هدیه العباد دز شرح حال صاحب بن عبّاد ، صفحه ۱۷۴ ، تألیف مرحوم آیت الله ادیب)

نموده‌اند(۱)، که برخی از آنها در ضمن چندین مجلد بوده است .

حوزه درسی صاحب بن عبّاد

گرچه محضر صاحب ، همیشه محلّ بحث و گفتگوی علمی و ادبی بوده ، و حوزه درسی به شمار می رفته ، ولی حوزه درسی رسمی صاحب ، گاهی اوقات تشکیل می شده ، که همانند آن در تاریخ کم نظیر یا بی نظیر بوده است، تا آنجا که نوشته اند:

هنگامی که صاحب برای املاء حدیث نشست ، جمعیت فراوانی برای استماع حدیث گرد آمدند ، آن چنان که صدای یک نفر به همه نمی رسید ، و شش نفر ایستادند ، که هر کدام از آنها سخن و حدیث، را می شنید ، و با صدای بلند به دیگری می رسانید و آنهم به دیگری ، تا این که صدای حدیث به همه جمعیت برسد (۲) (۳) .

و او در یک نوبت ، برای یکصد و بیست هزار نفر ، حدیث گفت (۴)

اهمیت معنوی علم و حدیث، در دیدگاه صاحب بن عبّاد

در هنگامی که صاحب بن عبّاد ، در صدد املاء حدیث برآمد، روزی طیلسان (۵) بر دوش گرفت ، و تحت الحنک انداخت ، و با لباس علماء از خانه

ص: ۲۸۴

-
- ۱- مثلاً در ریحانه الأدب ۲۲ تألیف را نام برده ، و أحمد بهمنیار (استاد دانشگاه) در شرح حال صاحب، ۲۶ اثر را یاد نموده ، و أعیان الشّیعه ، ۳۰ کتاب ، و آیه الله اُدیب، ۳۲ اثر را ، ذکر کرده اند
 - ۲- مجمع البحرین ، در مادّه صحب ، روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۸
 - ۳- به کسانی که صدای گوینده را می شنیدند ، و به دیگران می رسانیدند ، معید میگفتند ، یعنی إعاده کننده = تکرار کننده ، و آنها نقش بلندگو را برعهده داشته اند
 - ۴- روضات الجنّات ، جلد ۲، صفحه ۲۸
 - ۵- نوعی عبا بوده ، که خطباء و قضات (که دارای سِمَت معنوی و قداست بوده اند) بر دوش می گرفته اند

بیرون آمد، و به علماء و محدّثین حاضر اظهار داشت: آیا سابقه مرا در علم میدانید؟ همه تصدیق کردند، آنگاه فرمود: با این که من هرچه از کودکی تاکنون خرج کرده ام، از اموال پدر و جدّم بوده، با این حال خالی از لغزش و تبعاتی که موجب ناخشنودی است، نبوده ام، بنابراین خدا را گواه می گیرم، و شما را نیز شاهد قرار می دهم، که توبه می نمایم به سوی خدا. و آنگاه محلی را انتخاب نمود، و آن را «بیت التّوبه» نام نهاد، و یک هفته در آن اقامت جست، و سپس نوشته ای از فقهاء دریافت نمود، درباره درستی توبه اش، و سپس برای املاء حدیث حاضر گردید، و خَلَقَ فراوانی برای سَمَاعِ حدیث (که مقدّس ترین کوشش علمی در آن زمان بوده) حاضر گردیدند، وَكَانَ الْمُسْتَمَلِي الْوَاحِدُ، يَنْضَافُ إِلَيْهِ سِتَّةٌ، كُلُّ يُبَلِّغُ صَاحِبَهُ، فَكَتَبَ النَّاسُ، حَتَّى الْقَاضِي عَبْدَ الْجَبَّارِ (۱).

صاحب بن عباد، به خوبی می دانست که، قداست حدیث و نقل آن، و تدریس معارف الهی و ترویج آن، نیاز به روحی پاک و تزکیه شده دارد، و بدین جهت، برای استفاده از کرسی درس حدیث، در ابتداء، به خودسازی و توبه و تزکیه روح پرداخت. «رحمه الله و رضوانه علیه»

علوم و دانشهای صاحب بن عباد

نبوغ و جدّیت صاحب، دو عامل اساسی برای تسلّط و تبجّر او، در علوم گوناگون بوده است، و لذا آثار گوناگونی از جامعیت آن بزرگمرد نقل گردیده، و دانشهای او را این چنین شمرده اند:

۱- فقه، ۲- حدیث، ۳- تفسیر قرآن، ۴- کلام (عقائد)، ۵- لغت، ۶- نحو،

ص: ۲۸۵

۱- معجم الأدباء، جلد ۶، صفحه ۲۵۲، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، ص ۲۸۹

۷- صرف ، ۸- عروض ، ۹- نقد ادبی ، ۱۰- تاریخ ، ۱۱- رجال ۱۲- طب .

آسائید صاحب بن عبّاد

صاحب بن عبّاد ، استادهای بسیاری دیده ، که از محضر آنها کسب علم نموده است ، همانند : ۱- پدرش ، عبّاد بن عبّاس طالقانی ، دانشمند و محدّث و مفسّر و ادیب و نویسنده عالیقدر ۲۰- أبو الفضل بن العمید ، چهره درخشان علم و ادب ، و شخصیت برجسته ای که در فصاحت و بلاغت ، و جامعیت در علوم عقلی و ریاضی و دینی و ادبی ، از مفاخر عالم تشیع و جامعه ایرانی می باشد، و بیشترین تحصیلات صاحب ، در نزد او بوده است(۱) و بنابر یک نقل به مناسبت مصاحبت او با ابن العمید ، او را ملقب به «صاحب» نموده اند(۲).

۳- أبو الحسین ، أحمد بن فارس لغوی نحوی

۴- عبّاس بن محمّد نحوی (ملقب به عرام) ، که این دو نفر اخیر ، از شاگردان شیخ جلیل ، أحمد بن أبی عبد الله برقی قمی (صاحب کتاب نفیس و معروف محاسن) بوده اند (۳)

۵- قاضی أحمد بن کامل بن شجره ، که از أصحاب محمّد بن جریر طبری بوده ، و در علم قرائت و احکام و ادبیات و شعر و تاریخ و حدیث ، رتبه بالائی داشته است .

شاگردان و مصاحبین علمی و ادبی صاحب بن عبّاد

در إرشاد کویائی نقل نموده ، که عدّه شاگردان هیچ حوزه درسی ، به اندازه شاگردان صاحب نبوده است (۴) ، و در اکثر اوقات ، در محضر او بسیاری از

ص: ۲۸۶

۱- هدیه العباد، صفحه ۱۱۸

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۸، صفحه ۹۲، و روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۰

۳- روضات الجنّات ، جلد ۲، صفحه ۲۰

۴- هدیه العباد، صفحه ۱۲۳ - ۱۲۴

أدباء و شعراء و أهل علم، از اصفهان و ری و جرجان (گرگان) و ... حاضر بوده اند، همانند: ۱- أبو الحسین سلامی، ۲-
أبو بکر خوارزمی، ۳- أبوطالب مأمونی ۴- أبو الحسین بدیهی، ۵- أبوسعید رستمی، ۶- أبو القاسم زعفرانی، ۷- أبو العباس
ضبی، ۸- أبو الحسن بن عبد العزیز گرگانی (جرجانی)،

- أبو القاسم بن أبی العلاء ۱۰- أبو محمّد خازن، ۱۱- عبد الله بن حسن اصفهانی (متولی کتابخانه صاحب) ۱۲- أبوهاشم
علوی ۱۳- أبو الحسین جوهری، ۱۴- بنی المنجم، ۱۵- ابن بابک، ۱۶- ابن القاسانی (کاشانی) ۱۷- اسمعیل، أبو الفضل
همدانی، ۱۸- اسماعیل شاشی، ۱۹- أبو العلاء أسدی ۲۰- أبو الحسین غویری ۲۱- أبودلف خزرچی، ۲۲- أبو حفص
شهرزوری، ۲۳- أبو معمر اسماعیلی، ۲۴- أبو الفیاض طبری، ۲۵- أبو علی، حسن بن قاسم رازی لغوی، (صاحب کتاب
المبسوط در لغه)، و نیز جمع زیاد دیگری از بزرگان علم و ادب (۱).

قلب و زبان و علم و ادب صاحب، در خدمت أهل البيت عليهم السلام

با مطالعه اشعار و کلمات و تألیفات صاحب بن عبّاد، به خوبی مشخص می گردد که این بزرگمرد علم و دین و سیاست، از
أعماق جانش، دوستدار خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام، و بیزار از دشمنان آنها بوده، و قلب او آباد و روشن، به «
ولای آل محمّد عليهم السلام» بوده است. وی، از علم و دانش، اندیشه و استدلال، فصاحت و بلاغت، تدبیر و سیاست

حُسن سلیقه و حاضر جوابی، نفوذ و اقتدار خود،

ص: ۲۸۷

۱- یتیمه الدّهر، جلد ۳، صفحه ۱۸۹ - أعیان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۳۳۰، و هدیه العباد، صفحه ۱۲۴

برای ترویج مکتب ولایت و امامت بهره می گرفته است .

گاهی آثار غضب و نگرانیِ روحی ، شدیداً در چهره او ظاهر میگشت ، و دلیل آن، سخنی بود که برخلاف عشق درونی ، و محبت عمیق قلبی خویش ، از مخاطب خود می شنید .

صاحب بن عباد ، در تألیفات خود ، و نیز اشعار بسیار زیادی که سروده ، و به نقل کامل بهائی ، شمار آنها که درباره محبت اهل البیت علیهم السلام و بیزاری از دشمنان آنها سروده ، نزدیک به ده هزار شعر می باشد^(۱) اعتقاد قلبی و ایمان راسخ و روح مجاهدت خود را به نمایش گذارده است ، که ذیلاً نمونه هائی را نقل می نمائیم :

۱- بیست و هفت قصیده زیبا ، در حق امیر المؤمنین علی علیه السلام سروده ، که هریک از آنها ، از یکی از حروف تهجی خالی است ، فقط قصیده بدون واو را موفق نگردیده بسراید ، و نوه او تکمیل نموده ، و در مدح خود « صاحب » سروده است .^(۲)

۲ - دو قصیده زیبا و پر شور ، درباره امام رضا علیه السلام ، و سلام به آن حضرت سروده ، که شیخ صدوق آن دو قصیده را در ابتداء کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام آورده است، و از جمله اشعار آن دو قصیده است :

أبلغ سلامي زاكياً**بَطُوسٍ مَوْلَايَ الرُّضَا

سِبَطَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى**وَابْنَ الْوَصِيِّ الْمُتَّصِي

ص: ۲۸۸

۱- هدیه العباد، صفحه ۴۹

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۹۳

قُلْ لَهُ مِنْ مُخْلِصٍ ***يَرَى الْوَلَا مُفْتَرِضًا

فِي الصَّدْرِ لَنْفُحِ حَرَقِهِ ***تَتْرُكُ قَلْبِي حَرَضًا

يَا سَائِرًا زَائِرًا إِلَى طُوسٍ ***مَشْهَدِ طُهْرٍ وَ أَرْضِ تَقْدِيسِ

أَبْلَغِ سَلَامِي الرِّضَا وَ حُطِّ عَلَيَّ ***أَكْرَمِ رَمْسٍ لِخَيْرِ مَرْمُوسِ

وَاللَّهِ وَاللَّهِ ، حَلَفَهُ صَدْرَتِ ***عَنْ مُخْلِصٍ فِي الْوَلَاءِ مَغْمُوسِ

صَدَعْتُ بِالْحَقِّ فِي وَلَائِكُمْ ***وَالْحَقُّ مُذْكَانَ غَيْرِ مَنْحُوسِ

۳- ودر ضمن سرودهای دیگر می گوید :

كَانَ النَّبِيُّ مَدِينَةَ الْعِلْمِ الَّتِي ***حَوَتْ الْكَمَالَ وَ كُنْتَ أَفْضَلَ بَابِ

رُدَّتْ عَلَيْكَ الشَّمْسُ وَ هِيَ فَضِيلَةٌ ***ظَهَرَتْ فَلَمْ تُسْتَرْبَلَفْ نِقَابِ

لَمْ أَحْكْ إِلَّا مَارَوْتَهُ نَوَاصِبُ ***عَادَتِكَ وَ هِيَ مُبَاحُهُ الْأَسْبَابِ

۴- و در جای دیگر می سراید :

بِحُبِّ عَلِّ تَزُولُ الشُّوكُ ***وَتَرْكُو النَّفُوسُ وَ تَصْفُو الْبِخَارُ

ص: ۲۸۹

فَمَهْمَا رَأَيْتَ مُحِبًّا لَهُ *** فَتَمَّ الذِّكَاءُ وَ تَمَّ الْفِخَارُ

وَمَهْمَا رَأَيْتَ عَدُوًّا لَهُ *** فَفِي أَصْلِهِ نَسَبٌ مُسْتَعَارُ

فَلَا تَعْدُلُوهُ عَلَى فِعْلِهِ *** فَحَيْطَانُ دَارِ أَبِيهِ قِصَارُ

۵- ونیز در زمينه ولایت حضرت علی علیه السلام و طرد دیگران می گوید :

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُرْتَضَى *** إِنَّ قَلْبِي عِنْدَكُمْ قَدْ وَقِفَا

كَلَّمَا جَدَّدْتُ مَدْحِي فِيكُمْ *** قَالَ ذُو النَّصْبِ نَسِيتَ السَّلْفَا

مَنْ كَمَوْلَايَ عَلَيَّ مُفْتِيًّا *** خَضَعَ الْكُلُّ لَهُ وَ اعْتَرَفَا

۶- ودر زمينه عدل و امامت می گوید:

لَوْ شِقَّ قَلْبِي يُرَى وَسَطُهُ *** سَطْرَانِ قَدْ خُطَّ بِأَلَاكَاتِبِ

الْعَدْلُ وَ التَّوْحِيدُ فِي جَانِبِ *** وَ حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي جَانِبِ

۷- ودر جای دیگر می گوید:

شَفِيعُ إِسْمَاعِيلَ فِي الْأَخِرَةِ *** مُحَمَّدٌ وَالْعِتْرَةُ الطَّاهِرَةُ

۸- ونیز در محبت امام علی علیه السلام میگوید :

حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ *** هُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ

إِنْ كَانَ تَفْضِيلِي لَهُ بِدَعَا *** فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى السُّنَّةِ

۹- ودر مرثیه سید الشهداء امام حسین علیه السلام سروده:

عَيْنُ جُودِي عَلَى الشَّهِيدِ الْقَتِيلِ *** وَ آتْرِكِي الْخَدَّ كَالْمَحِيلِ الْمَهِيلِ

لَيْتَ رُوحِي ذَابَتْ دُمُوعاً فَأَبْكِي *** لِلَّذِي نَالَكُمْ مِنَ التَّنْذِيلِ

فَوَلَّائِي لَكُمْ عُتَادِي وَ زَادَ *** يَوْمَ الْقَاكُمِ عَلَى سَلْسَبِيلِ

لِي فِيكُمْ مَدَائِحُ وَ مَرَاثِي *** حَفِظْتَ حِفْظَ مُحْكَمِ التَّنْزِيلِ

۱۰- در تبرّی از دشمنان أهل البيت عليهم السلام می گوید:

قَدْ تَبَّرَاتُ مِنَ الْجِبِّ *** تَيْنِ تَيْمٍ وَعَدِيّ

وَمِنَ الشُّحِّ الْعُتْلُ الـ *** مُسْتَخِفُّ الْأَمْوِيّ

أَنَا لَا أَعْرِفُ حَقّاً *** غَيْرَ لَيْثٍ بِالْغَرِيّ

وَتَمَاناً بَعْدَ شِبْلِي *** وَ مَحْجُوبٍ خَفِيّ

و در یک کلام ، سروده های صاحب ، در زمینه مدح و منقبت و مرثیه أهل البيت عليهم السلام ، مخصوصاً فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، و مصائب سید الشهداء امام حسین علیه السلام ، در حدّ گسترده و همراه با صراحت و قاطعیّت میباشد .

به اعیان الشّیعه ، هدیه العباد ، روضات الجنّات ، بحار الأنوار جلد امام حسین علیه السلام ، ریحانه الأدب ، مناقب ابن شهر آشوب ، و بسیاری از کتب ادبی و تاریخی و تراجم ، مراجعه شود .

و نقش دو نگین انگشتی صاحب را ، پایان بخش این قسمت قرار می دهیم

عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ *** وَ بِالْخَمْسِ تَوَسَّلْتُ

کتابخانه عظیم صاحب بن عبّاد

کتابخانه عظیم و مفصل صاحب ، در حدی از عظمت و گستردگی بوده ، که مجلدات آن را با رقم دویست و شش هزار (۱) و به نقلی دیگر ، دویست و هفتاد هزار (۲) تعیین نموده اند . در یک سفر ، کتابهای او را چهار صد شتر حمل می نمودند (۳) و صاحب بن عبّاد ، در جواب نوح بن منصور سامانی (از سلسله سامانیان) که او را برای پست وزارت دعوت نموده بود ، همین عذر را آورد ، که فقط برای جابجائی کتابهای من ۴۰۰ شتر لازم می باشد ، و بدین بهانه تقاضای او را رد نمود (۴) و تنها برای حمل کتابهای صاحب در زمینه لغت ، شصت شتر لازم بوده (۵) و به نقلی دیگر ، تنها برای جابه جائی کتابهای ادبی او ، به سی شتر احتیاج بوده است (۶).

آتش زدن کتابخانه صاحب

از أبو الحسن بیهقی نقل شده که گفت ، من در کتابخانه صاحب رفتم ، بعد از آن که سلطان محمود بن سبکتکین ، به بهانه آنکه کتب روافض در آن بسیار

ص: ۲۹۲

۱- آل بویه و اوضاع زمان ایشان ، صفحه ۵۳۴

۲- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۲۰۶ ، در ذیل معرفی أبو الفرج اصفهانی

۳- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۲۰۹

۴- روضات الجنّات ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰

۵- روضات الجنّات ، جلد ۲ ، صفحه ۲۸

۶- هدیه العباد ، صفحه ۱۹۰

است، آن را آتش زده بود، در آن وقت، دفتر آن را یافتم ده مجلد بود (۱).

درگذشت و مراسم تشییع و دفن صاحب

صاحب بن عبّاد، در شب جمعه ۲۴ صفر ۳۸۵، در شهر ری از دنیا رفت، و به مناسبت وفات آن بزرگمرد، در شهر تعطیل عمومی انجام گردید، و همه مردم، در محل قصر او حاضر شدند، و در هنگام خروج جنازه، به یک باره، ضجه و ناله سر دادند، و به سر و صورت زدند، و لباسهایشان را پاره کردند، و فخر الدوله دیلمی و درباریان او، همه با لباس عزا حاضر شدند، و چندین روز به مراسم عزاداری پرداختند.

جنازه صاحب، به اصفهان منتقل گردید، و به محل دفن او، محله دریه (محله طوقچی فعلی) آورده شد، و با احترام فراوان و بی نظیر، مدفون گردید، و بقعه ای برای آن بزرگمرد بنا نمودند که زیارتگاه مؤمنین گردید.

بقعه و مقبره صاحب بن عبّاد

در طول تاریخ، بقعه و مزار صاحب بن عبّاد، معمور و مورد توجه بوده، تا آنجا که ابن خلکان متوفای ۶۸۱، در وفیات الأعیان می نویسد:

و دُفِنَ فِي قُبَّهِ بِمَحَلَّةٍ تُعْرَفُ بِبَابِ دَرِيهِ، وَ هِيَ عَامِرَةٌ إِلَى الْآنِ، وَ أَوْلَادُ بَيْتِهِ يَتَعَاهَدُونَهَا بِالتَّبْيِضِ (۲). چنانچه ملاحظه می نمائید، می نویسد: که قبه صاحب بن عبّاد، تا این زمان (در زمان حیات ابن خلکان، در نیمه قرن هفتم) آباد و معمور می باشد، و ذریه او از نسل دخترش، به آن رسیدگی نموده، و سفیدکاری می نمایند.

ص: ۲۹۳

۱- أعيان الشّيعه، چاپ جدید، جلد ۳، ص ۳۵۱، هديه العباد، ص ۱۸۹-۱۹۰

۲- وفیات الأعیان، جلد ۱، صفحه ۲۳۱

بقعه صاحب ، در زمان مرجع و فقیه بزرگوار ، حاج محمد ابراهیم کرباسی ، متوفای ۱۲۶۱ ، ترمیم و تعمیر گشته (۱) و در دوره اخیر (اوائل قرن پانزدهم هجری قمری) مجدداً تعمیراتی یافته ، و ضریح مجللی از طلا و نقره برای قبر مطهر صاحب ساخته اند ، و اطراف مقبره را تخریب نموده ، و فضای گسترده ای برای اطراف مرقد این بزرگمرد ایجاد نموده اند .

در حال حاضر ، گنبد کاشی کاری شده ، و مقبره صاحب ، جلب توجه می نماید ، و همیشه مورد توجه زائرین (اعم از علماء و عموم مردم متدین) بوده و می باشد . مرحوم آیه الله حاج شیخ عباسعلی اذیب (نویسنده کتاب هدیه العباد ، در شرح حال صاحب بن عبّاد) در کنار مرقد مطهر صاحب ، (در داخل بقعه) مدفون گردیده اند .

مرثیه های سروده شده، در ثنای صاحب

پس از فوت صاحب بن عبّاد، جمع زیادی از شعراء و بزرگان علم و ادب ، به مرثیه سرائی پرداختند ، همانند :

أبوسعید رستمی ، و أبو العباس ضبّی ، و أبو الحسن ، علی بن الحسین حسنی و أبو الحسن همدانی (وصی صاحب بن عبّاد) و از همه بالاتر، افتخار عالم تشیع و علم و ادب ، سید رضی (جمع آوری کننده نهج البلاغه) که اشعاری بسیار زیبا و بلند ، و پرشور و سوز ، در مرثیه صاحب ، سروده است ، و علامه

ص: ۲۹۴

۱- روضات الجنّات ، جلد ۲ ، صفحه ۴۱ ، مرحوم حاجی کلباسی (کرباسی) با حالت کهولت و ضعف مزاج ، مرتباً به زیارت قبر صاحب بن عبّاد ، از راه دور مشرف می شده اند ، و مرحوم صاحب روضات می فرماید : مردم تجربه کرده اند که برای حوائج دنیائی خود ، به مرحوم صاحب بن عبّاد متوسّل شوند ، و یک هفته نمی گذرد جز آن که به حاجت خود می رسند

امین در اعیان الشَّیعه ، أشعار سید رضی را که یکصد و دوازده بیت می باشد ، نقل نموده (۱) و این اشعار در برگیرنده فضائل و کمالات صاحب از یک طرف ، و اظهار حزن و اندوه فراوان ، برای فقدان او ، از طرف دیگر می باشد، و با توجه به شخصیت والای علمی و معنوی سید رضی ، (که از برجستگان و مفاخر علمی و ادبی ، و از سادات و ذراری رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد) اهمیت این مرثیه سرائی و درستی محتوی و مضامین آن ، روشن می گردد .

صاحب روضات الجنات ، درباره این مرثیه سید رضی می فرماید : وَقَدْ رَثَاهُ سَيِّدُنَا الرَّضِيُّ ، بِقَصِيدِهِ غَزَاءٍ لَمْ يَسْمَعْ بِمِثْلِهَا أُذُنُ الزَّمَانِ ...

تَعْدِلُ كُلُّ بَيْتٍ مِنْهَا بَيُوتًا مِنْ يَاقُوتٍ (۲) . یعنی : سید رضی برای صاحب مرثیه ای سروده ، به صورت قصیده ای غزاء ، که گوش زمان همانندش را نشنیده ... و هر شعری از آن قصیده ، معادل خانه هائی از یاقوت ، ارزش دارد .

مرثیه ای جالب با تأیید و الهامی الهی

أبو القاسم بن أبي العلاء اصفهانی می گوید: در عالم خواب دیدم که ، گوینده ای ندا می دهد ، چرا برای صاحب بن عبَّاد مرثیه نگفته ای ؟ گفتم : ابهت و زیادی نیکوئی های صاحب ، مرا از این کار باز داشته ، و نمی دانم از کجا شروع کنم ، گفت آنچه را می گویم اجازه کن ، گفتم : بگو ،

پس او گفت : تَوَى الْجُودُ وَالْكَافَى مَعَا فِى حَفِيرِهِ

پس من گفتم :

وَ يَأْتِسُّ كُلُّ مِنْهُمَا بِأَخِيهِ

ص: ۲۹۵

۱- اعیان الشَّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۳۷۴ - ۳۷۶

۲- روضات الجنات ، جلد ۲ ، صفحه ۴۲

پس او گفت : هُما أَصْطَحَبَا حَيِّينَ ثُمَّ تَعَانَقَا

پس من گفتم :

ضَجِيعَيْنِ فِي لَحْدٍ بِيَابِ دَرِيه

پس او گفت : إِذَا ارْتَحَلَ الثَّوَوْنَ عَنْ مُسْتَقَرِّهِمْ

پس من گفتم :

أَقَامَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِيهِ وَبِهِ هَذَا الشَّكْلُ ، مَرْتِيهَ أَيِ ارْزَمَنْدِ وَ پَر سَوْز ، بَا تَأْيِيدِي غِيْبِي ، دَر رِثَائِي صَاحِبِ بِنِ عِبَاد ، سَرُودِ شَد .
و در اینجا سخن را به پایان می بریم ، در حالی که از فضائل و کمالات این بزرگمرد علم و دین ، و آبروی تشیع و اصفهان ،
فقط به مقدار ناچیزی نوشته ایم(۱).

۷-أحمد بن ابراهيم (أبو العباس ضبي)

نویسنده آدیب و شاعر عظیم الشان ، أبو العباس ، أحمد بن ابراهيم ضبي ، ملقب به «الرئيس» و «الكافي الأوحده» ، متوقای
۳۹۹ هجری(۲). وی پس از صاحب ، اسماعیل بن عباد ، وزیر فخر الدوله دیلمی بوده ، و خود ، شخصیتی برجسته در علم و
ادب و فکر و اندیشه ، به شمار می رود ، و از مفاخر آدیبی ، و از وزراء شایسته تاریخ ایران و اصفهان ، محسوب گردیده است .

ص: ۲۹۶

۱- برای تفصیل بیشتر ، می توان از کتابهای مستقلی که در شرح حال صاحب نوشته شده استفاده نمود ، همانند : هدیه العباد ،
از حاج شیخ عباسعلی آدیب ، و رساله الإرشاد فی أحوال الصاحب الکافی ، اسماعیل بن عباد ، از سید أبو القاسم ، أحمد بن
محمد حسنی حسینی کوهپایه ای (قویائی) اصفهانی ، که همراه با محاسن اصفهان چاپ شده ، و شرح احوال و آثار صاحب
بن عباد ، تألیف أحمد بهمنیار ، استاد فقید دانشگاه ، و هم چنین ، می توان از همه کتب تراجم و رجال و دائره المعارف ها
بهره گرفت ، مخصوصا آنها که در این مورد به تفصیل بحث کرده اند ، همانند : أعيان الشيعه ، که درباره صاحب ، به اندازه
یک کتاب مستقل بحث و بررسی دارد

۲- معجم الأدباء ، جلد ۲ ، صفحه ۱۰۵

او مردی کریم و علم دوست و آدیب پرور ، و دارای آثار خیریه بوده ، و خدمات ارزنده ای داشته است .

أبو العباس ضَبِّي ، در مسجد جامع عتیق ، کتابخانه ای با حجرات متعدّد ، و خزینه ای برای نگهداری کتب ، که مشتمل بر علوم و فنون بوده ، تأسیس نموده ، که فهرست آن کتابخانه ، سه مجلّد بزرگ بوده است ، و کتابهائی در زمینهٔ أسرار تفاسیر و غرائب أحادیث ، و هم چنین تألیفاتی در نحو و لغت و تصریف و أشعار و أخبار گذشتگان، و نیز برگزیده ای از سنن أنبیاء و خلفاء و سیره‌های ملوک و امراء ، و هم چنین مجموعه هائی در مسائل منطقی و ریاضی و طبیعی و الهی ، و سایر نیازمندی های طالبین علم و فضل ، در آن گنجینه علمی گرد آمده بوده است(۱).

وی ، از شعراء و ادباء بزرگی است که علناً و به نحو آشکار ، در دفاع از أهل البیت علیهم السلام (وبالأخص امام علی علیه السلام و داستان غدیر) شعر می سروده است (۲) . علامه امینی در الغدیر ، أشعار زیر را از سروده های أبو العباس ضَبِّي ، دربارهٔ حدیث غدیر نقل فرموده است (۳)

لِعَلِيٍّ الطُّهْرِ الشَّهِيرِ *** مَجْدُ أَنْفِ عَلِيٍّ ثَبِيرِ

صَنُو النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ *** وَوَصِيَّهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ

وَحَلِيلُ فَاطِمَةَ وَوَأَبْنَاءُ شَبِيرٍ وَ أَبُو شَبِيرِ

و هم چنین ، شخصیت برجستهٔ سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی

ص: ۲۹۷

۱- محاسن اصفهان از مافزوخی، صفحه ۸۵

۲- معالم العلماء ابن شهر آشوب، صفحه ۱۳۶

۳- الغدیر ، جلد ۴، صفحه ۱۰۱

أبو العباس ضبّی، مورد تجلیل و تمجید صاحبان تراجم، و مورّخین بزرگ و شعراء نامدار، (همانند مهیار دیلمی) قرار گرفته ، و او را با بهترین عبارات ، مورد ستایش قرار داده اند ، مثلاً : ثعالبی ، او را شعله ای از آتش وجود صاحب بن عبّاد، و نهری از دریای هستی او ، و خلیفه و نائب مناب او در زندگی ، و قائم مقام او پس از وفاتش ، به شمار آورده ، و او را تربیت یافته صاحب ، از دوران کودکی ، و مؤدّب به آداب او و نزدیکترین ندیم و همراه ، و برجسته ترین مصاحب و دلخواه او ، دانسته است (۱).

و یاقوت حموی، در حدود بیست صفحه از معجم الأدباء را به او اختصاص داده ، و بلاغت دوران را بعد از صاحب بن عبّاد و أبو اسحاق صابی، وابسته به او شمرده ، که پس از مرگ او ، رو به سستی و فروریزی می رفته است (۲).

و علامه سید محسن امین ، در یک بررسی جالب ، عظمت ها و آثار او را بر شمرده ، و سروده هائی را از شعراء بزرگ در مدح و مرثیه او نقل نموده است (۳).

جنازه أبو العباس ضبّی را (طبق وصیت او) به کربلا منتقل نمودند ، و خواستند که قبری را که شریف أبو أحمد (پدر سید مرتضی و سید رضی) برای خود تهیه کرده بوده ، در برابر ۵۰۰ دینار ، در اختیار او بگذارد، ولی شریف أبو أحمد گفت : کسی که به جوار جدّم پناهنده شود ، همکاری می کنم و پولی هم دریافت نمی نمایم ، و سپس أبو أحمد و سایر شرفاء و فقهاء (که

ص: ۲۹۸

۱- یتیمه الذّهر ، جلد ۳ ، صفحه ۲۸۷

۲- معجم الأدباء، جلد ۲، صفحه ۱۰۷، و قد كانت بلاغه العصر بعد الصّاحب و الصّابیء بقیت متماسکه بأبی العباس ، فأشرفت علی التّهافت بموته و کادت تشیب بعده لِمَم الأَقلام و تَجَفَّ غُدْر محاسن الکلام لولا أن

۳- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۲ ، صفحه ۴۶۹ تا ۴۷۱

پنجاه نفر بودند) حاضر شده ، و بر جنازه او نماز خواندند، و او را به حرم حسینی رسانده و دفن نمودند (۱).

۸- أحمد بن محمد بن یعقوب (ابن مسکویه)

(۲)

أبوعلی ، أحمد بن محمد یعقوب بن مسکویه ، رازی اصفهانی ، متوفای ۴۲۱ وی از چهره های درخشان علمی و اجتماعی در قرن پنجم ، و از مفاخر شیعه و اصفهان می باشد ، و مورد تجلیل مورّخین و صاحبان تراجم قرار گرفته است

برخی، عنوان مسکویه را ، لقب خود او دانسته ، و أحمد مسکویه خوانده اند و برخی دیگر عنوان مسکویه را مربوط به جدّ او دانسته و او را با عنوان ابن مسکویه ، یاد نموده اند .

او در اصل ، أهل ری است ، ولی در اصفهان سکونت داشته ، و از دنیا رفته ، و در محله دروازه حسن آباد (حدود إمامزاده باقر علیه السلام در محله خواجه) مدفون گردیده است (۳).

ابن مسکویه ، در أوائل زندگی ، مصاحب وزیر أبو محمد مُهَلَّبی ، و سپس ندیم مخصوص عضدالدوله دیلمی ، و مدّتی خازن کتابخانه ابن العمید ، و از نزدیکان او بوده است ، و به خاطر خزانه داری برای عضدالدوله و نیز خزانه داری کتابهای ابن العمید ، او را « خازن » خوانده اند .

ص: ۲۹۹

۱- أعیان الشّیعه، ألغدیر و دائره المعارف تشیّع، جلد ۱، صفحه ۴۱۹

۲- مسکویه بر وزن سیبویه ، ریحانه الأدب ، جلد ۸، صفحه ۲۰۶ ، و الکنی و الألقاب جلد ۱، صفحه ۴۰۹ ، به نقل از قاموس اللغه و نیز در لغتنامه دهخدا و فرهنگ معین و المنجد و ... ، چنین ضبط شده است

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۶۰ ، و در روضات الجنّات می نویسد: ... لکن قبره الشّریف معروف مشهور فی محله خواجه من محلات اصفهان

ابن مسکویه ، در علم و دانش به جائی رسیده ، که او را حکیم الهی و معلّم ثالث لقب داده اند (۱) و هر کدام از بزرگان و صاحبان تراجم، با عباراتی پر محتوا ، به تجلیل از او پرداخته اند ، مثلاً : صاحب أعيان الشّيعه ، می نویسد :

هُوَ الْعَالِمُ الْحَكِيمُ، الْفَيْلَسُوفُ الْمَشْهُورُ، الرَّيَاضِيُّ الْمُهَنْدِسُ، الْمُتَكَلِّمُ اللَّغَوِيُّ، الْمُؤَرِّخُ الْأَخْلَاقِيُّ، الشَّاعِرُ الْأَدِيبُ، الْكَاتِبُ النَّافِذُ الْفَهْمُ، الْكَثِيرُ الْإِطْلَاعِ عَلَى كُتُبِ الْأَقْدَمِينَ وَ لُغَاتِهِمُ الْمُتْرَكَةَ، صَاحِبُ التَّصَانِيفِ الْكَثِيرَةِ فِي الْفُنُونِ الْعَقْلِيَّةِ، وَ لِأَسَيِّمَاتِ الْحِكْمَةِ النَّظَرِيَّةِ وَ الْعَمَلِيَّةِ ...

و در قسمت دیگری به نقل از عیون الأنباء ، می نویسد : مِسْكَوِيَه ، فَاضِلٌ فِي الْعُلُومِ الْحِكْمِيَّةِ ، مُتَمَيِّزٌ فِيهَا ، خَبِيرٌ بِصِنَاعَةِ الطَّبِّ ، جَيِّدٌ فِي أُصُولِهَا وَ فُرُوعِهَا... (۲) .

و فقیه و محقق نامدار ، صاحب روضات الجنّات ، او را با عنوان : (الْحَكِيمُ الْمَاهِرُ ، وَ الْأَسْتَادُ الْكَابِرُ) توصیف نموده ، و می نویسد : كَانَ مِنْ أَعْيَانِ الْعُلَمَاءِ ، وَ أَرْكَانِ الْحُكَمَاءِ ، صَاحِبُ الْمَرَاتِبِ الْجَلِيلَةِ ، وَ الدَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةِ ، وَ الْأَخْلَاقِ الْحَمِيدَةِ وَ الْأَقْوَالِ السَّيِّدَةِ ...، وَ صَنَّفَ فِي عُلُومِ الْأَوَائِلِ كَثِيرًا (۳) .

و میرزا محمّد علی مدرّس ، درباره او می نویسد:

باری ابن مسکویه ، از اعیان فلاسفه و حکماء ، و مشاهیر اطبّای اسلامی أوائل قرن پنجم هجرت می باشد ، که با ابوریحان بیرونی و ابن سینا و نظائر ایشان معاصر بوده ، و علاوه بر مهارت بی نهایت ، که در هر دو قسمت علمی و عملی طب داشته ، در لغت و منطق و ادبیات و فنون شعر و کتابت و ریاضیات

ص: ۳۰۰

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۲۰۶

۲- أعيان الشّيعه ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۱۵۹

۳- روضات الجنّات، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۴

و أقسام فلسفه و حکمت نظری و عملی، متبخر و كثير الإطلاع، و در کتب سلف و لغات متروکه ایشان، محیط بوده است (۱).
و نابغه دوران، و اعجوبه روزگار، خواجه نصیر الدین طوسی، در دیباچه کتاب اخلاق ناصری، در ستایش کتاب طهاره
الأعراق ابن مسکویه می گوید:

بِنَفْسِي كِتَابٌ خَازَ كُلَّ فَضِيلَةٍ** وَصَارَ لِتَكْمِيلِ الْبَرِّيَّةِ ضَامِنًا

مُؤَلَّفُهُ قَدْ أَبْرَزَ الْحَقَّ خَالِصًا** بِتَأْلِيفِهِ مِنْ بَعْدِ مَا كَانَ كَامِنًا

وَوَسَّمَهُ بِاسْمِ الطَّهَارَةِ قَاضِيًا** بِهِ حَقَّ مَعْنَاهُ وَ لَمْ يَكُ مَائِنًا

لَقَدْ بَدَّلَ الْمَجْهُودَ لِلَّهِ دَرَّةً** فَمَا كَانَ فِي نُصْحِ الْخَلَائِقِ خَائِنًا

و هم چنین، بزرگانی همچون: یاقوت حموی در معجم الأدباء، و ثعالبی در تتمه الیتمه، و قاضی نور الله تستری در مجالس
المؤمنین، و میرداماد در رواشح، و میرزا عبدالله أفندی در ریاض العلماء، و حاج آقا بزرگ طهرانی در
طبقات (النیابس فی القرن الخامس)، و محدث قمی در الکنی و الألقاب، و دهخدا در لغتنامه، و دکتر محمّد معین در
فرهنگ معین، و دهها مورّخ و نویسنده دیگر، از این بزرگمرد تجلیل نموده اند.

شخصیت برجسته و ممتازی همانند میرداماد، هرگاه از نزدیکی قبر او می گذشت، می ایستاد و فاتحه می خواند (۲) و می
فرمود:

این مرد، در درجه عالی از معرفت نسبت به حقّ اهل بیت علیه السلام بوده، و معتقد به وجوب اطاعت از آنها و لزوم محبت
آنها بوده است (۳)

ص: ۳۰۱

۱- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۲۰۶

۲- الکی و الألقاب، جلد ۱، صفحه ۴۰۸

۳- روضات الجنّات، جلد ۱، صفحه ۲۵۶

نمونه ای از شاگردان ابن مسکویه

أبو الفرج اصفهانی ، ادیب و دانشمند محقق و نامدار ، از شاگردان و تربیت یافتگان او بوده است (۱).

ابن مسکویه اولین نویسنده کتاب مدون اخلاقی

اعتبار ویژه ای که ابن مسکویه در فلسفه اسلامی دارد، از این جهت می باشد که وی نخستین کتاب مدون اخلاقی را نوشته ، که حاوی اقوال گذشتگان ، و سرمشق نگارش در علم اخلاق برای آیندگان بوده است (۲).

تألیفات و آثار قلمی ابن مسکویه

تألیفات ابن مسکویه را از نظر تعداد ، متجاوز از بیست و هشت مجلد دانسته اند (۳) و از نظر اهمیت علمی تا آنجا بوده ، که امیر صدر الدین شیرازی ، بسیاری از مؤلفات این دانشمند را نزد خود داشته ، و از دسترس و چشم دوستان و اصحاب خود مخفی می نموده ، به خاطر اسرار فراوانی که در آن

جمع گردیده است (۴) .

کتابهای او بدین قرار است :

۱- طهاره الأغرراق فی تکمیل النفس و تهذیبها ۲ - تجارب الأمم و تعاقب الهمم (در چندین مجلد) ۳ - تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین ، ۴ - أحوال الحكماء المتقدمین و صفات الأنبياء السالفین و أحوالهم ، ۵- آداب العرب و الفرس و الهند

ص: ۳۰۲

۱- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۶۷

۲- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۸

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۶۱ و ۶۲

۴- أعيان الشیعه چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۱۶۰

(در أخلاق)، ۶- الأشریه و ما يتعلّق بها من الأحكام الطّبیّه ، ۷- أقسام الحکمه و الرّیاضی ، ۸- أدب الدّین و الدّین ، ۹- أنس الخواطر ، ۱۰- ترتیب السّیّعات ، ۱۱- التّعلیق (فی المنطق)، ۱۲- جاویدان خرد ، ۱۳- حقائق النّفوس ، ۱۴- السّیاسه للملک ، ۱۵- الطّیخ ، ۱۶- الفوز الأكبر ، ۱۷- الفوز الأصغر ، ۱۸- فوز السّعاده ، ۱۹- مختار الأشعار ، ۲۰- ندیم الفرید ، ۲۱- نزهت نامه علائی ، ۲۲- نور السّعاده ، ۲۳- کتاب السّیر .

۹- شیخ الرّئیس، أبوعلی سینا

فیلسوف یگانه ، و طبیب نامدار ، و لغوی بزرگ ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، و مسلّط بر دانشهای رسمی و واضح ، و علوم غریبه ، حسین بن عبد الله بن سینا ، مکتبی به أبوعلی و ابن سینا ، و ملقب به شرف الملک ، و معروف به شیخ الرّئیس ، و بوعلی سینا ، و متولّد ۳۷۰ و متوفّای ۴۲۸ (۱).

بوعلی سینا ، از بزرگترین و معروفترین کسانی است که از نظر حِدّت ذهن و ذکاوت ، در حدّ کمال بوده اند ، و از نظر مو شکافی و قدرت اندیشه و نیروی حافظه ، از عجائب روزگار می باشد ، و از نظر جسمانی نیز ، مردی قوی و نیرومند و زیباروی و ظریف بوده است (۲).

هر کتابی که به دستش می آمده ، قسمت های مشکل آن را می دیده ، که قدرت علمی و تسلّط نویسنده او را بر مطالب آن علم و فن به دست آورد (۳).

ص: ۳۰۳

-
- ۱- درباره سال تولّد و وفات بوعلی سینا ، تفاوت در اقوال وجود دارد ، مثلاً متولّد ۳۷۳ و متوفّای ۴۲۷ نیز گفته شده است ، (أعیان الشّیعه ، جلد ۶ ، صفحه ۶۹)
 - ۲- دائره المعارف تشیّع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۲۸
 - ۳- أعیان الشّیعه ، جلد ۶ ، چاپ جدید ، صفحه ۷۰

فقیه شافعی ، در کتاب ملل و نحل ، درباره بوعلی سینا گفته : هیچ کدام ، از فلاسفه اسلامی ، به جایگاه ابونصر فارابی و ابوعلی سینا ، نرسیده اند ، و ابوعلی ، در این زمینه أعلم و أقوم است (۱).

اهل حکمت نظری و اطباء ، پس از ارسطو و افلاطون ، از هیچ کس به اندازه بوعلی سینا و آثار او ، بهره نبرده اند و به همین جهت ، او را شیخ الرئیس لقب داده اند ، و او را استاد حکمای اسلامی خوانده اند (۲).

بوعلی سینا ، در زمان اندک به مرتبه ای از علم رسید ، که هیچ کس قبل از او در چنین زمانی به این مرتبه علمی نرسیده بود .

علامه امین ، در اعیان الشیعه ، در ضمن یک شرح حال بسیار مفصل و طولانی ، درباره عظمت علمی ، افکار و اندیشه ها ، تألیفات و آثار بوعلی سینا ، چنین اظهار نظر نموده است : هُوَ فَيْلَسُوفُ الْإِسْلَامِ ، نَبَغَ فِي الطَّبِّ وَالْفَلْسَفَةِ وَالْحِكْمَةِ الْعَقْلِيَّةِ ، وَ أَتَقَنَّ الْفِقْهَ وَاللُّغَةَ وَالْأَدَبَ وَالشُّعْرَ وَالْحِسَابَ ، وَ أُوتِيَ مِنْ قُوَّةِ الْحِفْظِ وَحِدَّةِ الذَّهْنِ وَالصَّبْرِ عَلَى الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ ، وَقُوَّةِ الْعَزْمِ فِي ذَلِكَ ، مَا كَادَ يَكُونُ خَارِقًا لِلْعَادَاتِ ، وَ فَاقَ مَنْ سَبَقَهُ وَ أَعْجَزَ مَنْ لَحِقَهُ وَ ... (۳).

یعنی: او فیلسوف اسلام است ، که در طب و فلسفه و حکمت عقلی، به مرتبه نبوغ رسیده ، و فقه و لغت و شعر و ادب و حساب را ، با کمال محکم کاری و درستی به دست آورده ، و در قوت حافظه و تیزهوشی و تندی ذهن و صبر بر جدیت و تلاش در راه علم و اندیشه ، به مرتبه ای رسیده ، که نزدیک است

ص: ۳۰۴

۱- لسان المیزان ابن حجر عسقلانی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۹۳

۲- روضات الجنات، جلد ۲، صفحه ۱۸۱، به نقل از کتاب سلم السموات

۳- اعیان الشیعه، جلد ۶، صفحه ۷۰

خارق عادت شمرده شود (و معجزه به شمار آید) . او بر گذشتگان سبقت گرفت ، و آیندگان را ، از رسیدن به حدّ خود ، ناتوان ساخت ...

سپس ادامه می دهد و می فرماید :

برای اثبات مطالب فوق ، کافی است توجه کنی که او ، ۵۷ یا ۵۸ سال زندگی نمود، و در این مدّت ، بیش از یکصد جلد کتاب نوشت ، که یکی از آنها کتاب (قانون) در طب می باشد، که در ۱۶ سالگی نوشته ، و تا همین اواخر در اروپا (در دانشگاهها) تدریس می شد ، و به زبان لاتین ترجمه گردیده است .

و هم چنین او ۹ کتاب بزرگ ، که بعضی بسیار بزرگ بود ، در مدّت یکسال و نیم حفظ نمود ، در رشته های لغت و نحو و صرف و شعر و ادب و غیر اینها ، در حالیکه زیر ۱۰ سال سن داشت ، و به قرائت فقه پرداخت ، در حالی که هنوز به ۱۲ سالگی نرسیده بود ، و در دوازده سالگی ، در شهر بخارا فتوی می داد ...

یکسال و نیم می گذشت ، و در آن مدّت ، حتّی یک شب نخوابیده بود ... وقتی به سنّ بیست سالگی رسید ، هیچ علمی نبود که دارا نباشد ... ، و عدّه ای از تصنیفات او که تلف شده بود، دوباره از حفظ نوشت ، و تألیف مجدد نمود(۱) .

بیش از یکصد کتاب و رساله از آثار این بزرگمرد ضبط نموده اند(۲) ، در حالی که بعضی از آنها ، همانند : « الإشارات و التّشبیّهات » و « الشّفاء » و « القانون فی الطبّ » جهان علم را به شگفتی آورده، و در برگیرنده نکتته ها و دقائقی است ، که در سایر تألیفات علماء فلسفه و طب ، یافت نمی شود ، و لذا بسیاری از نوابغ

ص: ۳۰۵

۱- أعيان الشّيعه جلد ۶، صفحه ۷۰، ستون دوّم

۲- علامه أمین ، از یکصد و هشتاد کتاب و رساله ، نام می برد و توضیح می دهد که بعضی از این نامها ، تکراری است ، و بعضی از آن کتابها و رساله ها ، به دو نام یا بیشتر بوده است، بنابراین ، شمار واقعی آنها ، از یکصد و هشتاد کمتر می باشد

روزگار، همانند: خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، ملا صدرا شیرازی، امام فخر رازی و...، به شرح کتابهای او پرداخته اند.

بعضی از آثار ابن سینا، بسیار مفصل و در ضمن مجلدات زیاد می باشد،

همانند: کتاب «الحاصل و المحصول» که بیست جلد بوده (۱) و «الإنصاف و الإِتصاف» که آن هم بیست جلد بوده (۲) و «لسان العرب» (در علم لغت) که در اصفهان تألیف نموده، و در ۱۰ مجلد بوده است (۳).

تشیع، مذهب و مکتب بوعلی سینا

أبوعلی سینا، در إلهیات شفا می نویسد: إِنَّ الْأَسْتِخْلَافَ بِالنَّصِّ أَصَوَّبُ

فَإِنَّ ذَلِكَ يُؤَدِّي إِلَى التَّشَعُّبِ وَ التَّشَاغِبِ وَ الإِخْتِلَافِ (۴) یعنی خلیفه قرار دادن (و تعیین جانشین برای رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم) به وسیله نص (و تصریح و تعیین از جانب خداوند) أصوب و شایسته تر است، زیرا منجر به دسته بندی و منازعه و اختلاف نمی شود.

در این عبارت، به نحو روشن، تشیع او معلوم می گردد. برخی را عقیده بر این است که او مذهب اسماعیلیه دارد (۵) ولی برخی را عقیده بر این است که شیعه اثنی عشری است، چنانچه شیخ علی بن شیخ فضل الله گیلانی فومنی زاهدی، در کتاب خود، که در سال ۱۰۶۲ نوشته، به این نام:

ص: ۳۰۶

۱- ریحانه الأدب، جلد ۷، صفحه ۵۸۹

۲- أعیان الشیعه، جلد ۶، صفحه ۷۶

۳- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۱۸، صفحه ۳۰۷

۴- التلبس فی القرن الخامس (طبقات حاج آقابزرگ طهرانی) صفحه ۶۳

۵- التلبس فی القرن الخامس (طبقات حاج آقابزرگ طهرانی) صفحه ۶۳

فِي إِثْبَاتِ أَنَّ الشَّيْخَ الرَّئِيسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

وَ مِنْ أَكْبَرِ عُلَمَاءِ الْإِمَامِيَّةِ الْإِثْنَى عَشْرِيَّةِ

همین معنی را پذیرفته است (۱)، و هم چنین مرحوم آقا ضیاء الدین درّی، در مقدمه مبسوطی که بر کتاب الفوائد الدّریه، در ترجمه رساله (سرّ القدر و الحکمه العرشیه) نوشته، همین نظریه را پذیرفته و اثبات نموده است (۲).

حالات روحی و معنوی بوعلی سینا

هر مطلبی که در آن در می ماند، وضو میگرفت و به مسجد میرفت، و با خشوع تمام دو رکعت نماز می خواند، و به دعا و استغاثه مشغول می گردید، تا آنکه اشکال و شبهه علمی او، برطرف می شد (۳). بوعلی سینا می گوید: از شناختن علم مابعد الطبیعه مایوس بودم، تا این که کتابی را از فارابی یافتم، پس آشنا شدم با آنچه مایوس از آن بودم، و چندین بار سجد شکر برای خدا کردم، و به اندازه توان، صدقه دادم (۴). و در هنگامی که مرگ او نزدیک شده بود، غسل توبه نمود، و صدقه بسیار داد، و ردّ مظالم عباد نمود، و ملازم تلاوت قرآن گردید، و در هر سه روز یک ختم قرآن می خواند (۵).

بوعلی سینا، و علاقه و ایمان به امیرالمؤمنین علی علیه السلام

شیخ الرئیس، أبوعلی سینا، در ضمن اشعار فراوان عربی و فارسی که

ص: ۳۰۷

۱- دایره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۲۹

۲- دایره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۲۹

۳- ریحانه الأدب، جلد ۷، صفحه ۵۸۴، روضات الجنّات، جلد ۳، صفحه ۱۷۱

۴- روضات الجنّات، جلد ۳، صفحه ۱۷۳

۵- أعیان الشّیعه، جلد ۶، صفحه ۷۱، و نیز، ریحانه الأدب، جلد ۷، صفحه ۵۸۵.

سروده ، اشعاری دارد بدین قرار(۱)

بر صفحهٔ چهره ها خط لم یزلی***معکوس نوشته است نام دو علی

یک لام و در عین با دو یای معکوس***از حاجب و عین و أنف ، با خط جلی

تا باد عشق در قدح ریخته اند***و اندر پی عشق عاشق آنگیخته اند

در جان و روان بوعلی ، مهر علی***چون شیر و شکر بهم در آمیخته اند

بوعلی سینا در کتب تراجم و تاریخ و دایره المعارفها

شخصیت علمی و اجتماعی و عظمت افکار و آثار بوعلی سینا ، آن چنان است که در عموم کتب تراجم و تاریخ و دایره المعارف ها، اعم از اسلامی و غیر اسلامی ، شیعی و غیر شیعی ، مورد توجه شدید قرار گرفته ، و در هر کدام از آنها ، صفحات بسیاری اختصاص به آن بزرگمرد یافته است ، و هیچ نویسنده ای تألیف خود را از ذکر خصائص و ارزشهای عجیب این ابرمرد تاریخ، خالی قرار نداده است .

و علاوه بر اینها ، کتابها و رساله هائی نیز ، به نحو مستقل ، یا به عنوان مقدمه بر یکی از کتابهای ابن سینا ، در باره عظمت و آثار آن بزرگمرد ، نوشته و منتشر گردیده است .

ص: ۳۰۸

گرچه ابوعلی سینا، أصلاً أهل بلخ و بخارا است، و در شهرهای: گرگانج و فسا و آبیورد و طوس و گرگان و دهستان و ری و قزوین و همدان، اقامت های کوتاه مدّت یا نسبتاً بلند مدّتی داشته، که برای فعّالیت های علمی یا اجتماعی به آن شهرها سفر نموده (۱) ولی سالهائی از عمر خود را در اصفهان گذرانده، و به تدریس در میڈرس ابن سینا، در محلّه دردشت پرداخته است (۲) و نیز، مقداری از تألیفات خود را در این شهر به رشته تحریر در آورده است، همانند: بخشی از کتاب شفاء و کتاب الإنصاف (۳) و بنا بر قولی، در اصفهان از دنیا رفته (۴) و در محلّی به نام تحت گنبد دفن گردیده است (۵).

۱۰- حافظ ابونعیم اصفهانی

فقیه و محدّث و مورّخ نامدار، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن اسحق بن موسی بن مهران اصفهانی، متولّد ۳۳۶ و متوفّای ۴۳۰ هجری قمری، معروف به « حافظ ابونعیم اصفهانی » و « حافظ اصفهانی ».

ص: ۳۰۹

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، صفحه ۳۲۷، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۴، صفحه ۱-۵

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۷، آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۱، تاریخ مدارس ایران، صفحه ۹۹

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۴، صفحه ۵

۴- الکاامل فی التاریخ، جلد ۹، صفحه ۴۵۶ و ...

۵- أعیان الشّیعه، جلد ۶، صفحه ۶۹-۷۰، درباره مدفن ابن سینا اختلاف است، بعضی او را مدفون در همدان می دانند، و بعضی مدفون در اصفهان، و در محلّی به نام تحت گنبد نزدیک مسجد شیخ لطف الله، و در نزدیکی مدرسه خواجه ملک، و بعضی او را مدفون در محلّه دردشت می دانند،(به بخش مدارس علمیّه اصفهان قبل از دوره صفویّه، در قسمت مربوط به مدرسه خواجه ملک، در همین کتاب مراجعه شود، بحثی مفصّل داریم)

جدّ او مهران ، اوّل کسی است که از دودمان و اجداد او مشرف به اسلام گردیده (۱) و خاندان او از خاندانهای علمی و شیعی اصفهان به شمار رفته (۲) و او از اجداد دو چهره نامدار شیعه ، ملاّ محمّد تقی و ملاّ محمّد باقر مجلسی می باشد . کتابهای او ، از قبیل : حلیه الأولیاء ، ذکر أخبار اصفهان ، (تاریخ اصفهان) ذکر المهدی (عج) و نعوته ، ما نزل من القرآن فی أميرالمؤمنین علیه السلام ، منقّبہ المطهّرين و مرتبه الطّیّین ، معرفه الصّیّحایه ، مُختَصِر الاستیعاب و ... ، که شمار آنها به نوشته ریحانه الأدب به بیش از ۱۶ عنوان می رسد (۳)

گرچه عدّه ای این بزرگمرد را ، عامّی المذهب دانسته اند ، ولی به فرموده مرحوم شیخ بهائی ، در کتاب حلیه الأولیاء حافظ ابی نعیم ، مطالبی است که نشانه خلوص ولایت او می باشد (۴) و امیر محمّد حسین خاتون آبادی (که از اسباط علامه مجلسی می باشد) فرموده است:

وَمِمَّنْ أَطَّلَعْتُ عَلَى تَشْيِيعِهِ مِنْ مَشَاهِيرِ عُلَمَاءِ الْعَامَّةِ ، هُوَ الْحَافِظُ أَبُو نَعِيمٍ الْمُحَدِّثُ بِاصْتِحَابِهِ ، وَ هُوَ مِنْ أَجْدَادِ حَيْدِي الْعَلَامَةِ (ضَاعَفَ اللَّهُ إِنْعَامَهُ) وَ قَدْ نَقَلَ حَيْدِي تَشْيِيعَهُ عَنِ وَالِدِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَيْهِ ، قَالَ : قَالَ : وَ هُوَ مِنْ مَشَاهِيرِ مُحَدِّثِي الْعَامَّةِ ظَاهِرًا ، إِلَّا أَنَّهُ مِنْ خُلَصِ الشِّيْعَةِ فِي بَاطِنِ أَمْرِهِ وَ كَانَ يَتَّقِي ظَاهِرًا عَلَى وَفْقِ مَا أُفْتَضَّتْهُ الْحَالُ وَ لَذَا تَرَى كِتَابَهُ الْمُسَمَّى بِحَلِيهِ الْأَوْلِيَاءِ يَخْتَوِي عَلَى أَحَادِيثِ مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لَا يُؤَخِّرُ فِي سَائِرِ الْكُتُبِ ، وَ مَدَارُ عُلَمَائِنَا فِي الْإِسْتِدْلَالِ بِأَخْبَارِ الْمُخَالِفِينَ عَلَى اسْتِخْرَاجِ الْأَحَادِيثِ مِنْ كِتَابِهِ ، ثُمَّ قَالَ : وَلَمَّا كَانَ الْوَلَدُ أَعْرَفَ بِمَذْهَبِ

ص: ۳۱۰

۱- الفیض القدسی چاپ شده در مقدمه جلد ۱۰۵ بحار الأنوار ، صفحه ۱۰۹

۲- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۱

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۵

۴- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۳۲

الْوَالِدِ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ ، لَمْ يَبْقَ شَكٌّ فِي تَشْيِيعِهِ (۱)(۲) .

چنانچه ملاحظه می نمائید ، مرحوم خاتون آبادی ، نه تنها او را از شیعیان ، بلکه از خُلص آنها برشمرده ، و در پایان، اظهار نظر قطعی نموده ، که هیچ گونه شکی در تشیع این بزرگمرد وجود ندارد ، و کتاب حلیه الأولیاء او را ، منبعی مهم و اساسی برای نشر فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام به شمار آورده است .

لقب حافظ ، برای این شخصیت بزرگ ، نشانه گستردگی و إحاطه علمی او (۳) و آثار باقی مانده از او ، نشانه قدرت اندیشه ، تتبع و تحقیق ، و زرف نگری او می باشد . حافظ ابونعیم ، در قبرستان آب بخشان اصفهان ، مدفون گشته ، و مزاری معروف داشته است (۴).

خاندان حافظ ابونعیم اصفهانی

این خاندان ، از خاندانهای علمی قدیمی اصفهان می باشد ، که از سلسله های

ص: ۳۱۱

۱- روضات الجنّات، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۳

۲- علامه مجلسی ، در کتاب شریف بحار الأنوار ، روایات بسیاری را از ابونعیم اصفهانی نقل می کند ، در مسائل گوناگون مربوط به خاندان رسالت ، و فضائل و مناقب امیر المؤمنین و اولاد معصومین آن حضرت ، که در مجلّدات مختلف بحار الأنوار دیده می شود

۳- کلمه حافظ در اصطلاح علم درایه و حدیث و خبر ، کسی را گویند که کتاب و سنّت را حفظ کرده باشد، یا کسی است که تمامی شنیده های خود را روایت کرده ، و هر آنچه را که محلّ حاجت باشد حفظ کند ، یا کسی است که صد هزار حدیث را متناً و سنداً ، از حفظ داشته باشد، چنانچه حافظ سیصد هزار حدیث با این خصوصیت را، حجّت ، و حافظ همه را ، حاکم نامند (به ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۹ مراجعه شود)

۴- روضات الجنّات، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۵

فضل و ادب و ریاست و ارباب إجازات به شمار رفته اند (۱) و از ذرّیّه عبد الله بن أحمد بن اسحاق بن موسی بن مهران (۲)، (که از بزرگان علم حدیث بوده) هستند، و نسب خاندان مجلسی (علامه ملاّ محمّد باقر) به همین خاندان علمی می رسد (۳)، و بزرگترین چهره علمی این خاندان، محدّث فقیه و مورّخ نامدار، حافظ أبو نعیم، أحمد بن عبد الله ... بن مهران اصفهانی، می باشد.

۱۱- مفضل بن سعد (مافزّوخی) اصفهانی

مفضل بن سعد، آدیبی است مورّخ و شاعر، از دانشمندان قرن پنجم، که نسب او به مافزّوخ بن بختیار می رسد، و کنیه پدر او، أبو الفضل است، و از آثار او، کتاب «محاسن اصفهان»، در دسترس می باشد.

در این کتاب که در حدود سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۵ تألیف گردیده (۴)، ارزشها و زیبایی های طبیعی، جغرافیائی، علمی، ادبی، هنری و اجتماعی اصفهان، معرفی گردیده، و بسیاری از نکات مهمّ مربوط به شهر تاریخی اصفهان در گذشته زمان، از این کتاب استفاده می شود.

علامه طهرانی (حاج آقا بزرگ) کتاب محاسن اصفهان را، در زمره تصانیف شیعه ذکر نموده اند (۵) که نشان می دهد مافزّوخی را، از علماء و أدباء

ص: ۳۱۲

۱- دائره المعارف تشیّع، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

۲- مهران اولین کسی است که از اجداد اَبی نعیم، اسلام اختیار کرده است (روضات الجنّات، جلد ۱، صفحه ۲۷۳)

۳- دائره المعارف تشیّع، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

۴- مقدمه محاسن اصفهان، به قلم سیّد جلال الدّین حسینی طهرانی، صفحه، (ج) و لغتنامه دهخدا، در تحت عنوان مافزّوخی

۵- الدّریعه، جلد ۲۰، صفحه ۱۲۶

شیعه می دانسته اند . حسین بن محمّد بن أبی الرضا علوی آوی (آبهای) ، در نیمه اول قرن هشتم هجری ، کتاب محاسن اصفهان را ترجمه نموده ، و به خواجه رشید الدین فضل الله ، وزیر دانشمند ابوسعید بهادرخان ، در سال ۷۲۹ هجری اهداء کرده است (۱) . خاندان مافزوخی ، از خاندانهای علمی بوده ، و جمعی دانشمند از میان آن برخاسته اند ، که در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ، از ۱۰ نفر از آنها ، نام برده شده است (۲) .

مرحوم نجاشی ، در رجال خود ، در ضمن شمردن کتابهای شیخ مفید ، از کتابی یاد می نماید ، به نام : « جوابات المافزوخی فی المسائل » (۳) که مشخص نیست کدام یک از شخصیتهای خاندان مافزوخی ، سؤال ها را مطرح نموده ، و ارسال داشته ، که شیخ مفید در جواب آن سؤالات ، چنین کتابی نوشته است .

۱۲- راغب اصفهانی

أبو القاسم ، حسین بن محمّد بن مفضل اصفهانی ، معروف به (راغب اصفهانی) ، متوفای ۵۰۲ هجری (۴) .

ص: ۳۱۳

-
- ۱- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۲۱۳
 - ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷۰ - ۴۷۱
 - ۳- رجال نجاشی ، صفحه ۲۸۶
 - ۴- الذریعه ، جلد ۵ ، صفحه ۴۵ - ولی در الذریعه جلد ۲۱ ، صفحه ۳۶۴ ، وفات راغب اصفهانی را همانند روضات الجنّات ، جلد ۳ ، صفحه ۲۲۶ در سال ۵۶۵ نوشته است ، ولی مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی در جلد ۵ الذریعه ، در بخش معرفتی جامع التفسیر ، سال وفات راغب را ۵۰۲ ذکر نموده ، و ۵۶۵ را غلط دانسته اند ، زیرا صاحب روضات ، که سال وفات راغب را از کتاب تاریخ أخبار البشر ۵۶۵ نقل نموده ، نوشته است : و ذلك قبل وفاه جار الله الزمخشری ، و با توجه به این که سال وفات جار الله زمخشری ۵۳۸ می باشد (روضات الجنّات ، جلد ۸ ، صفحه ۱۱۹) معلوم می گردد که عدد ۵۶۵ برای تاریخ وفات راغب اصفهانی ، اشتباه است

وی ، از مفاخر علم و ادب عالم اسلام ، و از چهره های برجسته علمی ، در طول تاریخ اصفهان می باشد ، و در زمینه علم لغت و ادب عربی ، و نیز حدیث و شعر و کتابت و اخلاق و حکمت و کلام و تفسیر ، نه تنها صاحب نظر بوده ، بلکه از اعلام آنها به شمار می رود .

صاحب روضات الجنّات ، او را با عنوان : (الإمام الأریب و الحافظ العجیب) یاد نموده ، و نوشته است : فَضَّلَهُ أَشْهَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ ، وَ وَصَفَهُ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُعْرَفَ ، وَ كَفَاهُ مَنْقَبَهُ أَنْ لَهُ قَبُولُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ (۱).

و مرحوم مدرّس ، در ریحانه الأدب می نویسد : ... در لغت و علوم و فنون ادبیّه و عربیّه و شعر و حدیث و کتابت و کلام و حکمت و أخلاق ، طاق و شهرة آفاق ، و مراتب فضل و کمال او مقبول و مسلم عامّه و خاصّه بود ، و قرین امام غزالیّش می شمارند (۲).

و محدّث عالیقدر ، حاج شیخ عباس قمی درباره او می نویسد : أَبُو الْقَاسِمِ ، الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْإِصْبَهَانِيِّ ، الْفَاضِلُ الْمَتَّبِعُ الْمَاهِرُ فِي اللُّغَةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْحَدِيثِ وَ الشُّعْرِ وَ الْأَدَبِ ... (۳). و میرزا عبدالله أفندی اصفهانی ، در ریاض العلماء می نویسد : الشَّيْخُ الْإِمَامُ الرَّاعِبُ ، أَبُو الْقَاسِمِ ، الْحُسَيْنُ بْنُ ... الْعَالِمِ الْفَاضِلِ الْأَدِيبِ ، الْمَفَسِّرِ اللَّغَوِيِّ الْمُتَكَلِّمِ الْحَكِيمِ ... ، الْمَعْرُوفُ بِالرَّاعِبِ الْإِصْفَهَانِيِّ ، صَاحِبُ كِتَابِ الْمُحَاضِرَاتِ وَ كِتَابِ الْمُفْرَدَاتِ وَ كِتَابِ جَامِعِ التَّفْسِيرِ ... (۴).

ص: ۳۱۴

۱- روضات الجنّات ، جلد ۳ ، صفحه ۱۹۷

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۲۹۲

۳- الکنی و الألقاب ، جلد ۲ ، صفحه ۲۶۸

۴- ریاض العلماء ، جلد ۲ ، صفحه ۱۷۲

و هم چنین هر کدام از صاحبان تراجم و مورّخین ، درباره علم و دانش و عظمت علمی و روحی او ، مطالبی برجسته ، نوشته اند .

تألیفات راغب اصفهانی

آثار قلمی زاغب اصفهانی ، از عظمت کم نظیری برخوردار می باشد ، و در زمینه های مختلف تألیف گشته ، و بدین قرار می باشد :

۱- المفردات فی غریب القرآن ، که از کتاب های بسیار ارزشمند است ، و مفردات و مواد لغات قرآنی را به شیوه ای بسیار جالب و محققانه ، مورد بحث قرار داده ، و مرحوم آقا بزرگ طهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۲۱ صفحه ۳۶۴، آن را معرفی نموده است ۲- جامع التفسیر ، که کتابی است در تفسیر قرآن ، و آنقدر پر فائده ، که قاضی بیضاوی ، در تفسیر خود در بسیاری از موارد و مطالب ، از محتوای آن ، بهره گیری نموده است ^۳(۱) - تحقیق البیان فی تأویل القرآن ، که تفسیر دیگری است بر قرآن مجید ^۲(۲) -۴- ت فصول النشائین و تحصیل السعادتین، در معرفت نفس و مبدء و معاد ۵- الذریعه الی مکارم الشریعه که در علم اخلاق است ، و به طریقه اخلاق ناصری تألیف شده ، و بهتر از آن است ^۳(۳) -۶- محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء ، که کتابی است بزرگ و بیش از ده جلد می باشد ، و به نوشته روضات الجنّات:

فیه من نوادر الحکم و الحکایات الطریفه ، و العوائد المستطرفه اللطیفه ، ما

ص: ۳۱۵

۱- الذریعه ، جلد ۵، صفحه ۴۵

۲- الذریعه ، جلد ۵، صفحه ۴۶

۳- روضات الجنّات، جلد ۳، صفحه ۱۹۸

مذهب راغب اصفهانی

در مورد مذهب و اعتقاد راغب اصفهانی ، نظریات گوناگونی عرضه شده ، بعضی او را معتزلی دانسته اند، و امام فخر رازی او را از اَتَمِّیَّةُ أَهْلِ سُنَّتِ برشمرده ، و برخی او را شافعی خوانده اند ، ولی در الذَّرِیعَه ، جلد ۵، صفحه ۴۵ و ریحانه الأدب ، جلد ۲، صفحه ۲۹۲، و نیز در ریاض العلماء ، و أَلْکُنْی و الألقاب ، به نقل از اسرار الإمامه شیخ حسن بن علی طبرسی (صاحب کامل بهائی) نقل کرده اند که :

أَنَّهُ كَانَ مِنْ حُكَمَاءِ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ

و برخی برای تشیع او استناد کرده اند به این که ، راغب اصفهانی با این که در زمان قدرت و نفوذ اهل سنت زندگی می کرده ، ولی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، زیاد نقل حدیث نموده ، و هرگاه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایتی نقل کرده ، از کلمه امیرالمؤمنین ، استفاده نموده ، و از خلفای غاصب ، حتّی الامکان روایت ننموده است .

و در هر صورت ، او از ناشرین آثار اهل البیت علیهم السلام ، و از مدافعین حقوق آنها است ، و نشان می دهد که در اصفهان ، فرهنگ دفاع از اهل البیت علیهم السلام و نشر فضائل و آثار آنها ، کاملاً مطرح بوده ، و چهره های بزرگ اصفهان ، در مسیر حمایت از اهل البیت علیهم السلام بوده اند .

ص: ۳۱۶

(۱)

ادیب فاضل ، و کاتبِ منشی، و شاعر ماهر و کثیر الفضل ، حسین بن علی بن محمّد بن عبدالصمد اصفهانی ، متولد ۴۵۳ و شهید ۵۱۳ یا ۵۱۵، مشهور به «طغرایی» ، که با ألقاب عمید و استاد و فخر الکتاب و مؤید الدّین خوانده شده ، و کنیه او ، أبو اسمعیل بوده است .

وی ، از فرزندان أبو الأسود دثلی (شیعه مخلص امام علی علیه السلام و أولین إعراب گذارنده و نقطه گذارنده قرآن مجید) و از شیعیان دوازده امامی بوده ، و در نظم و نثر ، استاد عصر و زمان خود ، و از مفاخر بزرگ تاریخ ادب و شعر ، به شمار رفته است .

قصیده لامیه او ، که به « لامیه العجم » مشهور شده (و در حدود شصت بیت می باشد) از اشعار برجسته ، و دارای محاسن بسیار از نظر محتوی و مضمون به شمار رفته ، و دارای لطائف ادبی و زیبایی های شعری می باشد ، و بیش از

۱۰ شرح بر آن نوشته شده است ، که از جمله آنها شرح صلاح الدّین صفدی می باشد ، و غربی ها چندین بار آن را ترجمه و منتشر کرده اند (۲).

شرح حال و عظمت علمی و ادبی و ذوق و آثار طغرایی را ، بسیاری از مورّخین و صاحبان تراجم و نویسندگان دائره المعارف ها، به نحو مفصّل نوشته اند ، که به عنوان نمونه ، از معجم الأدباء ، ریاض العلماء ، مناقب ابن شهر

ص: ۳۱۷

۱- این کلمه ، منسوب به طغراء می باشد ، که به معنی خطّی است که بر بالای فرمانها ، بالای بسم الله می نوشته اند به شکل قوس ، شامل نام و ألقاب سلطان وقت ، و آن در حقیقت حکم إمضاء و صحّه پادشاه را داشته است (فرهنگ معین در لغت طغراء)

۲- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، صفحه ۱۲۸

آشوب ، أمل الأمل ، روضات الجنّات، أعيان الشّيعه ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، الكنى و الألقاب قمی ، ریحانه الأدب ، لغتنامه دهخدا، فرهنگ معین ، الذّریعه الی تصانیف الشّيعه ، كشف الظّنون و ... می توان یاد نمود .

طغرایی ، در فنّ کیمیا و رموز آن ، تبخّر و تخصّص داشته ، و نه تنها از اساتید آن فن بوده، بلکه تالیّ تلو جابر بن حیّان (شاگرد امام صادق علیه السلام و شیمی دان بزرگ) به شمار آمده است (۱). طغرایی ، وزیر سلطان مسعود سلجوقی بوده ، و پس از آن که در جنگ بین سلطان مسعود و سلطان محمود سلجوقی ، لشکر سلطان مسعود شکست خورد ، طغرایی گرفتار شد، و شهاب أسعد ، که سمت کاتب دستگاه سلطان محمود را دارا بود، در اثر ترس از این که طغرایی به خاطر ذوق و ادب و فضل و هنر خویش ، در نزد سلطان محمود موقعیت برجسته یابد ، او را به زندقه و الحاد متهم نمود، و با کمک سمیرمی (وزیر سلطان محمود) مقدمات قتل طغرایی را فراهم نموده ، و او را به شهادت رساندند(۲).

طغرایی از دیدگاه صاحب نظران

بسیاری از بزرگان تاریخ و رجال و تراجم ، با ستایشهایی در خوره، از این دانشمند بزرگ شیعہ ، یاد نموده اند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم :

یاقوت حموی می نویسد:

طغرایی ، آیتی بود در نویسندگی و شعر ، و آگاه به صنعت کیمیا بود ... ، در دانشها و عربیت قدر و منزلتی راسخ داشت ، و در نظم و نثر دارای بلاغت بود،

ص: ۳۱۸

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۴، صفحه ۵۸

۲- ریحانه الأدب و أعيان الشّيعه و الكنى و الألقاب و ...

و به سر مرز إعجاز نائل گردیده بود(۱).

و ابن خَلِّكان اظهار نظر می کند: الْعَمِيدُ، فَخْرُ الْكُتَّابِ، أَبُو إِسْمَاعِيلَ، الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ... مُؤَيِّدُ الدِّينِ الْإِصْبَهَانِي، كَانَ غَزِيرَ الْفَضْلِ، لَطِيفَ الطَّبَعِ، فَاقَ أَهْلَ عَصْرِهِ بِصُنْعِهِ النَّظْمِ وَ النَّثْرِ(۲). و با این عبارات، از فضائل فراوان و طبع لطیف او تمجید نموده و او را در نظم و نثر، برترین شخصیت دوران خودش شمرده است.

شیخ حرّ عاملی، محدّث و رجالی نامدار می نویسد: فَاضِلٌ عَالِمٌ صَيَّحِيحُ الْمَذْهَبِ شَاعِرٌ أَدِيبٌ، قُتِلَ ظُلْمًا وَقَدْ جَاوَزَ سِتِّينَ سَنَةٍ، وَ شِعْرُهُ فِي غَايَةِ الْحُسْنِ، وَ مِنْ جُمَلَتِهِ لِأَمِيَّةِ الْعَجَمِ، الْمُسْتَمَلَّةُ عَلَى الْأَدَابِ وَ الْحِكْمِ، وَ هِيَ أَشْهَرُ مَنْ أَنْ تُذَكَرَ... (۳).

شیخ حرّ عاملی، با این عبارات زیبا، نه تنها به فضل و علم و ادب او اشاره نموده، بلکه مذهب حق و مظلومیت او را تأیید نموده است.

محدّث نامدار، حاج شیخ عباس قمی، علاوه بر نقل ستایش های ابن خَلِّكان و شیخ حرّ عاملی، او را با عنوان: مُؤَيِّدُ الدِّينِ وَ فَخْرُ الْكُتَّابِ وَ الْمُنْشِيءُ الشَّيْعِيُّ الْإِمَامِيُّ، تمجید نموده است (۴).

میرزا عبدالله أفندی، در ریاض العلماء چنین نوشته است: الْعَمِيدُ الْوَزِيرُ، مُؤَيِّدُ الدِّينِ، فَخْرُ الْكُتَّابِ...، الْإِمَامِيُّ الشَّهِيدُ الْمَقْتُولُ ظُلْمًا، الشَّاعِرُ الْفَاضِلُ الْجَلِيلُ...

، وَ كَانَ مَشْهُورًا بِمَعْرِفَةِ عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ (۵).

ص: ۳۱۹

۱- معجم البلدان، جلد ۱۰، صفحه ۵۷ - ۵۸، كان آيه في الكتابه و الشعر، خبيراً بصناعه الكيمياء... و له في العربيه و العلوم،

قدر راسخ، و له البلاغه و المعجزه في النظم و النثر

۲- وفيات الأعيان، جلد ۲، صفحه ۱۹۸

۳- أمل الأمل، قسم دوّم، صفحه ۹۵

۴- ألقاب و الألقاب، جلد ۲، صفحه ۴۴۹

۵- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۱۶۶

و فقیه و رجالی نامدار ، صاحب روضات الجنّات ، پس از بحثی مفصّل درباره این عالم و ادیب نامدار ، می نویسد:

إِنَّ مِنْ أَقْوَى الْأَمَارَاتِ لِتَشْيِيعِ هَذَا الرَّجُلِ ، نِسْبَةُ الْأَلْحَادِ إِلَيْهِ

حَسِداً عَلَيْهِ ، وَقَتْلَهُ بِتُهْمِهِ الْخُرُوجِ عَنِ الدِّينِ ، ظُلماً وَعِدْوَاناً كَمَا هُوَ دَابُّ الْعَامَّةِ الْعَمِيَاءِ ، بِالنَّظَرِ إِلَى كُلِّ مَنْ أَحْسُوا مِنْهُ بِخُصُوصِيَّتِهِ وَوَلَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَاتَّهَمُوهُ بِأَمْثَالِ ذَلِكَ ، وَشَفَعُوا صِدُورَهُمْ مِنْهُ بِقَتْلِهِ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ وَأَخْزِيَهُمْ (۱). و علامه امین ، در اعیان الشیعه ، به تفصیل زیاد از فضائل و زندگی و شهادت این دوستدار أهل البيت عل یاد نموده ، و اشعار او را که در فضائل خاندان رسالت و امامت طلا سروده ، (و در آنها ، آمادگی خودش را برای شهادت در آن راه ، اعلام نموده ، و نشان می دهد که چگونه دشمنان متعصب ، ولایت و دوستی خاندان نبوت عطا را ، دلیل إلحاد او شمرده اند) نقل کرده است (۲).

و علامه بزرگوار ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات خود، این بزرگمرد را ، شهید ، و از دودمان اَبی الأسود دثلی یاد کرده است (۳).

اشعاری از طغرایی درباره أهل البيت عليهم السلام

این اشعار ، نشانگر علت اتهام طغرایی به إلحاد، از طرف دشمنان او می باشد محب اليهود لآل موسی ظاهر

و ولأئهم لبني أخيه باد

ص: ۳۲۰

۱- روضات الجنّات ، جلد ۳، صفحه ۱۹۴

۲- اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، صفحه ۱۲۷ - ۱۳۰

۳- التقات العیون فی سادس آلقرون ، صفحه ۸۰

وإمامهم من نسلِ هارونِ الأولى**بهم أهدوا، ولكلِّ قومٍ هادٍ

وَأَرَى النَّصَارَى يُكْرِمُونَ مَحَبَّةً**لِنَبِيِّهِمْ ، نَجْرًا مِنَ الْأَعْوَادِ

وإذا تَوَلَّى آلَ أَحْمَدَ مُسْلِمٌ**فَقَتْلُوهُ أَوْ وَسَمُوهُ بِالْإِلْحَادِ

هذا هُوَ الدَّاءُ الْعِيَاءُ بِمِثْلِهِ**صَلَّتْ حُلُومٌ حَوَاضِرَ وَبَوَادِ

لَمْ يَحْفَظُوا حَقَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ**فِي آلِهِ وَ اللَّهِ بِالْمِرْصَادِ

و هم چنین ، طغرایی درباره آمادگی برای شهادت در راه محبت خاندان رسالت (اهل البيت عليهم السلام) چنین می سرايد :

۱- أعيان الشيعة ، چاپ جديد ، جلد ۶ ، صفحه ۱۳۰ ، به نقل از ابن شهر آشوب در كتاب مناقب يعنى : ۱- دوستى يهود نسبت به آل موسى ظاهر است ، و ولايت آنها نسبت به فرزندان برادر او (هارون) آشكار است ، ۲- امام و پيشواى آنها از نسل هارون ، همانها هستند ، كه به وسيله آنها هدايت يافته اند ، و براى هر قومى هدايتگرى است ، ۳- و مى بينم كه نصارى اكرام مى كنند از روى محبت ، نسبت به پيامبرشان ، چوب تراشیده اى از چوبها را « اشاره است به احترامى كه انصارى براى صليب قائلند ، به مناسبت اعتقادشان به اين كه حضرت عيسى صلي الله عليه و آلهى و سلم به دار آويخته شده اند » ، ۴- ولى وقتى مسلمانى ، آل أحمد اله را دوست بدارد ، ميگشند او را با داغ إلحاد بر او مى زنند ، (و او را متهم مى كنند) ، ۵- اين است درد گشنده اى كه به مثل او ، گمراه مى شود عقلهاى شهر نشينان و باديه نشينان ، ۶- حفظ نكردند حق پيامبر (حضرت) محمد صلي الله عليه و آلهى و سلم را ، در مورد اهل او ، ولى خدا در كمينگاه است .

تَوَعَّدَنِي فِي حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ *** وَحُبِّ ابْنِ فَضْلِ اللَّهِ (١) قَوْمٌ ، فَأَكْثَرُوا

فَقُلْتُ لَهُمْ لَا تُكْثِرُوا ، وَدَعُوا دَمِي *** يُرَاقُ عَلَيَّ حُبِّي لَهُمْ ، وَهُوَ يُهْدَرُ

فَهَذَا نَجَاحٌ ظَاهِرٌ لِمَعِيشَتِي *** وَذَاكَ نَجَاةٌ أُرْتَجَى يَوْمَ أَحْشَرُ (٢)

کتابها و تألیفات طغرایی

- ۱- ترکیب الأنوار ، ۲- جامع الأسرار ، ۳- حقائق الإستشهادات ۴- ذات ألفوائد ، ۵- الرد علی ابن سینا فی إبطال الکیمیا ۶-
- مصایب الحکمه ، ۷- مفاتیح الرّحمه ، ۸- دیوان شعر
- ۹- الإرشاد للأولاد (٣) .

ص: ۳۲۲

-
- ۱- مقصود از این فضل الله ، معین الملک ، ذو الفضل ، علی طغرایی است (أعیان الشّیعه)
 - ۲- أعیان الشّیعه ، جلد ۶ ، صفحه ۱۳۰ ، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب . یعنی: ۱- به من وعده های بد دادند ، به خاطر دوستی آل محمد صلی الله علیه و آلهی و سلم ، و دوستی این فضل الله ، گروهی ، و در این راه زیاده روی کردند . ۲- پس به آنها گفتم : این قدر زیاده روی نکنید و بگذارید خون مرا ، که به خاطر دوستی آنها ریخته شود ، و این خون هدر شود . ۳- پس آن یکی (دوستی ابن فضل الله) سبب پیروزی ظاهری برای زندگی من است ، و آن دیگری (دوستی آل محمد) وسیله نجات من است ، که به آن امیدوارم برای روزی که محشور می شوم
 - ۳- به معجم الأدباء و أعیان الشّیعه و ریحانه الأدب و الذّریعه ، مراجعه شود

عالم فاضل ، و محدّث مفسّر ، و نحوی ادیب و نویسنده شاعر ، و نشابۀ جامع ، عبد الرّحيم بن أحمد بن محمّد بن ابراهيم بن خالد شيباني بغدادی اصفهانی ، متوفای ۵۴۸، وی ملقب به جمال الدّین ، و مکّنی به أبو الفضل می باشد ، و از خاندان علمی و برجسته آل إخوه در بغداد بوده است (۲). او در بغداد تحصیل علم نمود ، و به خراسان (نیشابور) طبرستان ، ری ، کاشان ، اصفهان و شیراز ، سفر کرد ، و در راه شنیدن حدیث و نقل آن ، کوشش بسیار نمود .

چهل سال فعالیت علمی ابن اخوه در اصفهان

ابن إخوه ، در ضمن این که اصلاً بغدادی بوده ، و به شهرهای گوناگون سفر نموده ، و مدّتی در کاشان اقامت کرده ، ولی چهل سال در مرکز علمی اصفهان اقامت داشته ، و فعالیت علمی نموده است (۳)، و به همین مناسبت ، او را اصفهانی خوانده اند .

از مزایای ابن إخوه ، نثر زیبا و ابتکاری ، شعر جالب و ممتاز ، و خطّ ملیح بوده ، و در تند نویسی و تند خوانی ، از عجایب روزگار بوده ، تا آنجا که ، محب الدّین ابن نجّار می گوید : دیدم کتاب التّنبیه ابي اسحاق شیرازی را ، که در

ص: ۳۲۳

۱- این کلمه را در دائره المعارف بستانی ، و دائره المعارف بزرگ اسلامی ، ابن إخوه ، ضبط نموده اند ، ولی در فرهنگ معین و أعيان الشّيعه ، ابن أخوه ضبط شده است ، و در لسان المیزان ابن حجر عسقلانی ، به جای (ابن الإخوه) ، (ابن الافوه) ، ضبط گردیده است

۲- أعيان الشّيعه ، چاپ جدید ، جلد ۷ ، صفحه ۴۶۷ . دائره المعارف تشييع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۰۰

۳- أعيان الشّيعه ، جلد ۷ ، صفحه ۴۶۷ ، دائره المعارف بزرگ اسلامی ، جلد ۲ ، صفحه ۷۱۵ ، و نیز دائره المعارف تشييع ...

آخر آن ، ابن إخوه نوشته است: این کتاب را در یک روز نوشتم (۱).

از کارهای جالب او ، نسخه برداری از دو هزار کتاب می باشد (۲).

ابن إخوه ، اساتید و مشایخ حدیثی فراوان داشته ، و شاگردان زیادی تربیت نموده ، و اجازه حدیث گفتن از مشایخ خود داشته ، و اجازات فراوانی داده ، و در این زمینه ، دارای برجستگی بوده است (۳).

مشایخ حدیث او ، همانند : شریف أبوالسَّعادات ، هبه الله بن شجری ، و أبوالفوارس ، طراد زینبی عبّاسی نقیب ، و سیده تقیه ، بنت سید مرتضی علم الهدی (که راویة نهج البلاغه ، از عمویش سید رضی بوده ، و به ابن إخوه ، اجازه نقل آن را داده است) و أبوغانم عصمی هروی شیعی امامی ، و نیز جمعی دیگر از بزرگان بوده اند ، و شاگردانی ، همانند : ضیاء الدّین ، فضل الله بن علی علوی حسنی راوندی (چهره بزرگ علمی شیعه در آن زمان) و قطب الدّین ، سعید بن هبه الله راوندی (مشهور به قطب راوندی ، محدث نامدار و پر افتخار شیعه) و عماد الدّین ، علی بن قطب راوندی ، و سدید الدّین ، محمد طوسی ، و رشید الدّین ، أبو الحسن ، علی بن محمد شعیری و ... ، داشته است (۴).

صاحبان تراجم ، با تجلیل فراوان از این بزرگمرد یاد نموده ، و هر کدام از صاحب نظران ، عباراتی شایسته در مورد او نوشته اند ، که به برخی از آنها اشاره می نمائیم : عماد کاتب ، در کتابش (خریده القصر ، فی أدباء العصر) با عباراتی مفصل و مُسَجِّع ، از ابن إخوه تجلیل می کند ، و او را ، امام أوحده ، و أفضل

ص: ۳۲۴

۱- أعیان الشّیعه، جلد ۷، صفحه ۴۶۷

۲- لسان المیزان ، ابن حجر عسقلانی ، جلد ۴، صفحه ۳-۴

۳- أعیان الشّیعه ، و دائره المعارف تشیع و ...

۴- أعیان الشّیعه و دائره المعارف تشیع و ...

الإسلام، و أوحده الدهر، و أفضل العصر، می خواند، و می نویسد :

حَصَّهُ اللهُ بِالْعِلْمِ الْكَامِلِ وَ الْأَدَبِ الشَّامِلِ ، أَعْجَبَهُ الْعِرَاقُ وَ جَوَابَهُ الْأَفَاقُ فَوَائِدُ وَجُودِي أَوْ رَا ، فَرَائِدُ حَسَنَاتِ رُوزْكَارِ ، وَ قَصِيدَةُ هَيَا أَوْ رَا ، گِردن بند گِردن ثقلین دانسته ، و أفاضل عصر او را ، شاگردان محضر علم او شمرده است . او را سابق فرسان حدیث ، و فارس میدان تفسیر ، و ماه شب چهارده در افق نحو ، و خورشید فروزان ادب خوانده ، و شعر او را در لطافت ، ذوب کننده دل‌های سخت، و معانی او را ، دقیق تر از سحر حلال ، و ألفاظ او را ، شفاف تر از آب زلال ، برشمرده است (۱).

علامة مجلسی ، در کتاب اجازات بحار ، از این عالم بزرگ یاد نموده ، و نامه ضیاء الدین فضل الله راوندی به او را از کاشان به اصفهان (ذکر کرده ، که مشتمل بر این دو شعر بوده است(۲)

شوقی إلى مولای عبد الرحیم***عَرَضَ قَلْبِي لِلْعَذَابِ الْأَلِيمِ

وَأَعْجَبًا مِنْ جَنَّةِ شَوْقُهَا***يُوقِدُ فِي الْأَحْشَاءِ نَارَ الْجَحِيمِ

وعلامة طهرانی (حاج آقا بزرگ) در طبقات ، او را از اعظم علماء شمرده ، و از مشایخ و تلامیذ او یاد کرده ، و به برخی از اجازاتی که به بزرگان علم و دین داده ، اشاره نموده است (۳). و شیخ حرّ عاملی ، در أمل الأمل ، او را فاضل جلیل ، و از مشایخ قطب الدین راوندی شمرده است (۴) .

و فقیه و رجالی نامدار ، صاحب روضات الجنّات ، در شرح حال ضیاء الدین

ص: ۳۲۵

۱- أعيان الشّيعه ، جلد ۷ ، صفحه ۴۶۷

۲- بحار الأنوار ، جلد ۱۰۷ ، صفحه ۲۲

۳- ألتّقات العيون في سادس القرون ، صفحه ۱۵۸ - ۱۵۹

۴- أمل الأمل ، قسم دوّم ، صفحه ۱۴۸

فضل الله راوندی ، از ابن إخوه یاد کرده، و او را با عنوان ادیب فاضل کامل ، ستوده است (۱).

۱۵- جمال الدین، محمد بن عبدالرزاق اصفهانی

شاعر نامدار شیعه و اصفهان ، محمد بن عبد الرزاق اصفهانی، ملقب و مشهور به جمال الدین ، که به نوشته آذر ، در آتشکده ، از افاضل معروف اصفهان ، بلکه افضل فصحای جهان بوده ، و بقول هدایت ، در ریاض العارفين ، در فضائل و کمالات ، یگانه آفاق بوده ، و ظاهراً لقب سید الشعرائی داشته است (۲).

وی ، علاوه بر حکمت و ریاضی و نجوم و علوم شرعیّه ، در شعر و ادب ماهر بوده ، و دیوان عربی و فارسی داشته (۳) ، و خاندان او در هنر نقاشی و زرگری ، دارای مهارت و شهرت بوده اند ، و جمال الدین عبد الرزاق ، اولین چهره ای است از آن خاندان ، که به علم و دانش و شعر و ادب ، روی آورده (۴) و شخصیت برجسته و جهانی یافته است .

وی ، معاصر حکیم خاقانی ، و مجیر الدین بیلقانی بوده ، و مراسلات منظومی با حکیم خاقانی داشته ، و دیوان او را بعضی پنجهزار ، و بعضی دیگر ، بیشتر دانسته اند (۵) و وحید دستگردی ، در مقدمه دیوان می نویسد : از بیست هزار شعر وی ، (به قول بعضی تذکره نویسان) با تمام کوششهای چندین ساله ما بیش از ده هزار بیت ، جمع آوری نشد (۶).

ص: ۳۲۶

۱- روضات الجنّات، جلد ۵، صفحه ۳۶۷

۲- مقدمه دیوان جمال الدین عبد الرزاق ، صفحه (ج) و (د)

۳- مقدمه دیوان جمال الدین عبد الرزاق ، صفحه (ز) و (یو)

۴- الذریعه إلى تصانیف الشیعه، جلد ۹، صفحه ۲۰۲

۵- مجمع الفصحاء ، جلد ۱، صفحه ۴۷۲

۶- مقدمه دیوان ، صفحه (یط)

جمال الدّین عبد الرّزاق ، از شعراء مدیحه و مرثیه گوی اهل البیت علیهم السلام به شمار رفته (۱) و شعری در مرثیه امام حسین علیه السلام سروده (۲) و نمونه شعر او در مورد خاندان رسالت علیهم السلام چنین است :

به بین چه کرد او با اهل بیت مصطفوی***حدیث رستم بگذار و قصّه بهمین
چه تیر غدر که رخنه نکردشان سینه***چه تیغ ظلم که خونین نکردشان گردن
نه بهر ایشان بود آفرینش عالم؟***نه بهر ایشان بود ازدواج روح و بدن؟
خدای عزّوجل در زمین دو شاخ نشانده***از یک نهال برون آخته حسین و حسن
یکی ز بیخ بکنند ، آب نا داده***یکی به تیغ بزهر آب داده اینت حزن

چو با سلاله پیغمبر آن رود، تو که ای

که از سلامت خواهی ، که باشدت جوشن (۳)

وفات جمال الدّین عبد الرّزاق ، به نحو قطع مشخص نیست ، بعضی ۵۸۸

ص: ۳۲۷

۱- یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها صفحه

۲- الدّریعه الی تصانیف الشّیعه، جلد ۹، صفحه ۲۰۲

۳- دیوان جمال الدّین عبد الرّزاق ، صفحه ۲۹۴

نوشته اند (۱) و علامه طهرانی ، در الذریعه ، قبل از ۵۹۹ دانسته است (۲).

۱۶- کمال الدین اسماعیل اصفهانی

شاعر نامدار و سخن سرای مشهور ایران و اصفهان ، کمال الدین اسماعیل ، فرزند جمال الدین محمد بن عبد الرزاق اصفهانی ، متوفای ۶۳۵ قمری .

وی موصوف و ملقب به « خلائق المعانی » بوده (۳) و نیز « بانی مبانی » خوانده شده است (۴) . سخنان او در برگیرنده معانی دقیق و نکته های تازه و زیبا بوده ، و دیوان او مشتمل بر حدود سیزده هزار بیت می باشد ، و سه نسخه خطی از آن در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران وجود دارد (۵) و دیوان او مکرراً ، به چاپ رسیده است (۶).

وی ، در فتنه مغول ، و قتل عام مردم اصفهان در سال ۶۳۳ ، حاضر و ناظر بوده ، و در سال ۶۳۵ به دست یک سرباز مغول به قتل رسیده است .

کمال الدین اسماعیل ، در اواخر عمر ، به سیر و سلوک و ریاضت پرداخته ، و از ارادتمندان شیخ شهاب الدین سهروردی بوده است .

در اصفهان ، خیابان کمال الدین اسماعیل (بین پل خواجه و سی و سه پل ، و در سمت شمال رودخانه زاینده رود) به نام او می باشد ، و قبر او در محله جهانباره در حاشیه خیابان کمال (که آن هم به نام او می باشد) قرار گرفته است .

ص: ۳۲۸

۱- فرهنگ معین ، جلد ۵ ، صفحه ۴۳۲

۲- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۳

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۸۳

۴- مجمع الفصحاء ، جلد ۳ ، صفحه ۱۱۴۴

۵- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۸۳

۶- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۹۱۶

کمال الدین اسماعیل ، از مفاخر شعراء شیعه به شمار رفته و مورد تجلیل بزرگان قرار گرفته (۱) و علامه امینی در شهداء الفضیله ، او را در زمره شهداء بزرگ علمی و ادبی شیعه در قرن هفتم ذکر نموده ، و در مورد او تجلیل فراوانی به نقل از (ألحصون المنیعه) آورده است (۲).

۱۷- شیخ أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی

کنیه او أبو السَّعادات می باشد ، و از چهره های برجسته خاندان بزرگ و علمی شفروه (شقروه) که از خاندانهای ممتاز و مشهور اصفهان بوده ، محسوب می گردد .

شیخ حرّ عاملی و میرزا عبدالله أفندی اصفهانی و دیگر بزرگان ، او را عالم فاضل و محقق دانسته اند (۳) ، و در أعیان الشَّیعه ، با أوصاف : عالم و فاضل و جلیل و محقق ، توصیف گشته است (۴) .

علی بن موسی بن طاوس حلّی (سید بن طاوس) جمیع مصنّفات و کتب و اصول را در سال ۶۳۵ از او روایت نموده است (۵)

خواجه نصیر الدین طوسی و میثم بن علی بحرانی ، از شاگردان او می باشند (۶)

ص: ۳۲۹

۱- به الذریعه الی تصانیف الشَّیعه، جلد ۹، صفحه ۹۱۶ و جلد ۱۷، صفحه ۲۰۷ مراجعه گردد

۲- شهیدان راه فضیلت ، صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۵

۳- أمل الأمل، قسم (دوم) ، ص ۳۲، و ریاض العلماء، جلد ۱، ص ۸۱، و معجم رجال الحدیث جلد ۳، ص ۸۶ و تنقیح المقال، جلد ۱، ص ۱۲۴ و ...

۴- أعیان الشَّیعه، جلد ۳، (چاپ جدید) ، صفحه ۲۹۷

۵- أعیان الشَّیعه، جلد ۳، (چاپ جدید) ، صفحه ۲۹۷

۶- أعیان الشَّیعه، و ریاض العلماء ، و أمل الأمل

و او از شاگردان و راویان از : علی بن قطب الدین راوندی بوده است (۱).

وی ، در سال ۶۳۵ از اصفهان به عراق هجرت نمود ، و در بغداد با علماء و فضلاء ملاقات علمی داشت ، و برای آنان نقل حدیث نمود (۲) و به خانه سید بن طاووس وارد شد ، و برای او حدیث گفت (۳). تألیفات این بزرگمرد، به این قرار می باشد :
۱ - مجمع البحرین و مطلع السعادتین ، ۲ - اکسیر السعادتین (که احتمالاً با شماره قبلی یکی باشد) ، ۳ - ألفائق علی الأربعین (در مناقب أمير المؤمنين) ، ۳- توجیه السؤالات ، ۵ - جامع الدلائل و مجمع الفضائل (در إمامت) ، ۶- رشح الولاء فی شرح الدعاء (در شرح دعای صَنَمی قریش) ، که این تألیفات ، در کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ، مورد معرفی قرار گرفته است .

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۷۷ ، صفحه ۱۳۷ ، از کتاب مجمع البحرین و مطلع السعادتین یاد نموده ، و فرموده است :
شیخ أبوالسَّیِّعادات ، أسعد بن عبد القاهر اصفهانی ، (از أصحاب ما) جمع نموده بین کلمات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و کلمات علی علیه السلام در کتاب مجمع البحرین و مطلع السعادتین ، و نیز ، در (بحار الأنوار ، جلد ۴۰ ، صفحه ۷۳) از کتاب الفائق یاد می کند و می فرماید : در کتابخانه امام علی علیه السلام ، در مشهد آن حضرت ، در غَرَبی (نجف) نسخه ای از آن را دیدم ، و نیز آن بزرگوار ، در کتاب الصَّلاه از بحار الأنوار ، باب الإستخاره بالزَّقاع ، حدیثی را از کتاب فتح الأبواب ، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می نماید ، که در سند آن آمده است :

ص: ۳۳۰

۱- الأنوار السَّاطعه فی المأه السَّابعه ، ص ۱۷ ، دائره المعارف تشیيع ، ج ۲ ، ص ۱۴۰

۲- دائره المعارف تشیيع ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۰

۳- الأنوار السَّاطعه ، صفحه ۱۷

أَخْبَرَنِي شَيْخِي الْفَقِيهُ، مُحَمَّدُ بْنُ نَمَا، وَ الشَّيْخُ أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ الْإِصْفَهَانِي، بِإِسْنَادِهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ ... (١).

و هم چنین در کتاب الأحكام، از بحار الأنوار (باب القرعه) حدیثی را از فتح الأبواب نقل می نماید، با این سند:

أَخْبَرَنَا شَيْخِي مُحَمَّدُ بْنُ نَمَا، وَ الشَّيْخُ أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ الْإِصْفَهَانِي، بِإِسْنَادِهِمَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ (٢).

و نیز علامه مجلسی، در کتاب الإجازات، از بحار الأنوار، در سه مورد از:

رَضِيَّ الدِّينِ، عَلِيُّ بْنُ طَاوُسٍ، عَنِ أَسْعَدِ بْنِ عَبْدِ الْقَاهِرِ الْإِصْفَهَانِي، عَنِ أَبِي الْفَرَجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الرَّائِدِيِّ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْمُحْسِنِ الْحَلَبِيِّ، عَنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرِ (الطُّوسِيِّ) ... یاد می نماید (٣).

و ما در بخش (خاندهای علمی اصفهان) و نیز در بخش (مدارس علمی اصفهان، قبل از صفویه) از خاندان شفروه یاد کرده، و درباره این شخصیت بزرگ نیز، بحث نموده ایم.

١٨-صائِن الدِّينِ، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (تُرْكِه)

حكيم متكلم، و عارف متشرع، و أديب شاعر، سيد صائِن الدِّينِ، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ «تُرْكِه» معروف به «صائِن اصفهاني» متوفای ٨٣٠ یا ٨٣٥ یا ٨٣٦.

صاحب رياض العلماء، درباره او نوشته: كَانَ مِنْ ... أَلْحُكَمَاءِ الْمُتَأَلِّهِهِ، و درباره

ص: ٣٣١

١- بحار الأنوار، جلد ٩١، صفحه ٢٣٣

٢- بحار الأنوار، جلد ١٠٤، صفحه ٣٢٥

٣- بحار الأنوار، جلد ١٠٨، ص ١٦١ و جلد ١٠٩، صفحه ٣٣ و جلد ١١٠، ص ٨

خاندان علمی او نوشته است :

وَ آلُ تَرْكِهِ ، أَهْلُ بَيْتِ فَضْلَاءٍ ، مَعْرُوفُونَ بِالتَّشْيِيعِ ، قَدْ كَانُوا فِي إِصْفَهَانَ وَ غَيْرِهَا (۱)

و قاضی نور الله تستری، صائن اصفهانی را، با عنوان (خواجه فاضل عارف ربّانی) معرفی نموده، و درباره او و خاندانش می نویسد :

... چون سایر اسلاف سلسله رفیعۀ خود، متحلّی به حلیۀ فضل و حکمت بود، و در مضمار توحید، گوی تفرید از عرفای روزگار می ربود، و در اکثر فنون علمی، مؤلفات عربی دارد ... (۲)

و میرزا محمّد علی مدرّس، در کتاب نفیس ریحانه الأدب می نویسد: ... اما سیّد صائن الدّین، علی بن محمّد ...، معروف ترین افراد این خانواده می باشد، معقول و منقول را جامع، در کلام و تصوّف ماهر، در جفر و اعداد و بعضی از علوم غریبۀ دیگر، توانا و قادر بود، و در عداد مشاهیر حکماء به شمار می رفت (۳)

و علامۀ دهخدا می نویسد: صائن الدّین، علی بن محمّد بن ترکه اصفهانی (خواجه ...)، از علماء و عالم زادگان اصفهان، جدّ او سیّد محمّد ترک، و اصل آنان از خجند است، از این رو به (ترکه) معروفند ... صائن در

ص: ۳۳۲

-
- ۱- ریاض العلماء، جلد ۴، صفحه ۲۴۰، با این که صاحب ریاض العلماء، در پذیرفتن تشیّع بسیاری از علماء، سخت گیر است، و برخی از علماء شیعه را که بخاطر تقیه، تشیّع آنها خیلی روشن نبوده، جزء بزرگان شیعه نمی شمارد، ولی در مورد این خاندان علمی و بزرگ، با صراحت می نویسد: آل ترکه خاندانی هستند از فضلاء و برجستگان، که به تشیّع معروفند، و در اصفهان و غیر آن، زندگی کرده اند
 - ۲- مجالس المؤمنین، جلد ۲، صفحه ۴۱
 - ۳- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۶۶

علوم معقول و منقول و تصوّف عالی ، و علوم قدیمه و غریبه ، چون علم نقطه و حروف و اعداد و جفر و مانند آن ، ماهر ، و در هر باب ، آثار و نوشته هائی دارد ، که بر استادی وی گواه است ... بعد از بیست و پنج سال تحصیل ، از نزد برادر بزرگ خویش ، به طلب علم و کمال و زیارت مکه ، سفر کرد ، و به شام و مصر و حجاز رفت ... پس از بازگشت از عراق ، خبر مرگ امیر تیمور شنید ، و در اصفهان منزوی گشته ، و به إفاده و استفاده پرداخت (۱).

مظلومیت و سختیهای زندگی صائن الدین

صائن اصفهانی ، با توجه به موقعیت علمی و از طرف دیگر ، موقعیت اجتماعی برجسته ای که یافته بود ، و به ستمت قاضی القضاة یزد منصوب گردیده بود ، مورد حسد و کینه بد اندیشان و بالأخص متعصبین اهل تسنن قرار گرفته ، و بر علیه او تهمت های گوناگون ، و دشمنی های فراوان روا داشتند ، و او را به مشکلات فراوانی دچار نمودند ، و به زندان و شکنجه و غارت اموال و تبعید به کردستان و تبریز و گیلان و نطنز ، و غیر این سختی ها مبتلا گردید ، و در نهایت ، در سال ۸۳۶ از دار دنیا رفت (۲).

ص: ۳۳۳

۱- لغتنامه دهخدا ، جلد ۳۱ ، صفحه ۴ (تحت عنوان صائن اصفهانی)

۲- گرچه سال وفات سید صائن اصفهانی را ۸۳۰ و ۸۳۵ و ۸۳۶ ضبط کرده اند ، ولی ملک الشعراء ، محمد تقی بهار می نویسد: خواند میر در حبیب السیر (نسخه چاپی) فوت سید صائن را در بلده هرات ، به سال ۸۳۰ ضبط کرده ، و در نسخه خطی نگارنده ۸۳۶ ضبط گردیده ، و صحیح به نظر می رسد ، چه قید و مصادره و نفی او ، در سال ۸۳۰ روی داده ، و چنان که اشاره کردیم ظاهراً سید صائن ، شش سال پس از آن واقعه وفات یافته است (سبک شناسی بهار ، جلد ۳ ، صفحه ۲۳۵ و لغتنامه دهخدا ، جلد ۳۱ ، صفحه ۵ و ۶ ، تحت عنوان صائن اصفهانی)

صائن اصفهانی، تألیفاتی به زبان عربی و فارسی دارد، که نشانهٔ تبخر او در علوم گوناگون، و گواهی روشن بر ذوق ادبی و طبع شعر او می باشد، و شمار آنها، طبق نوشتهٔ ملک الشعراء بهار، و شیخ آقا بزرگ طهرانی، در الذریعه، به بیست و نه کتاب و رساله می رسد، به این ترتیب:

- ۱- شرح فصوص الحکم، ۲- مفاحص، (در علم حروف و اعداد)، ۳- الرّسالة البائیة (در اعداد و حروف و جفر مختصر)
- ۴- الرّسالة الإنزالیة ۵- الرّسالة المحمّدیة، ۶- حواشٍ و اصطلاحات، ۷- رساله مهر نبوت، ۸- التّهمید (فی شرح قواعد التّوحید) ۹- تعلیقات علی الکشاف، ۱۰- رساله البسملة، ۱۱- ألمناهج، ۱۲- شرح تائیه ابن فارض (به زبان عربی)، ۱۳- شرح قصیده تائیه ابن فارض (به زبان فارسی) ۱۴- أسرار الصّلوه، ۱۵- در أطوار ثلثه تصوف، ۱۶- تحفه علائیه، ۱۷- مدارج أفهام الأفواج، ۱۸- رساله ای در اعتقاد، ۱۹- مناظره بزم و رزم، ۲۰- رساله ای در شرح لمعات عراقی، ۲۱- رساله شق القمر و بیان ساعت، ۲۲- رساله أنجام، ۲۳- رساله نقطه (در معنی أنا التّقطه التّی تحت الباء) ۲۴- رساله ای در معنی ده بیت از ابن العربی، ۲۵- رساله مبداء و معاد، ۲۶- رساله سؤال الملوک، ۲۷- رساله سلّم دار السلام، ۲۸- ترجمهٔ احادیثی از امیر المؤمنین علیه السلام، ۲۹- رساله ای در معنی خواص علم صرف (حروف) (۱).

علاوه بر تألیفات یاد شده، در دائره المعارف تشیع چند اثر دیگر از صائن اصفهانی ذکر گردیده، بدین قرار: ۳۰- تجلی ذاتی (ترجمهٔ رسالهٔ ابن هود مغربی) ۳۱- شرح مقالهٔ ابن هود، حکیم مغربی (در بدء خلق) ۳۲- گلشن

ص: ۳۳۴

و البته تنقیح الأدله و العلل (فی ترجمه کتاب الملل و النحل) را نیز ، جزء آثار صائن اصفهانی ذکر کرده ، ولی مرحوم میرزا محمّد علی مدرّس ، در ریحانه الأدب ، این اثر را از أفضل الدّین محمّد صدر (ترکه) شهید در سال ۸۵۰ می داند ، و دلیل مطلب هم این است که این کتاب ، در سیزدهم رجب ۸۴۳ در اصفهان پایان یافته (۳) در حالی که فوت صائن اصفهانی ، در سال ۸۳۰ یا ۸۳۶ بوده است .

در عمده تألیفات صائن الدّین اصفهانی ، أشعاری از سروده های خود او آورده شده (۴) که نشانی از ذوق و طبع شعر او می باشد .

۱۹- شیخ علی بن عبد العالی (محقق کرکک) اصفهانی

فقیه محقق ، و مجتهد علاّمه ، و زعیم علی الإطلاق ، شیخ علی بن حسین بن عبد العالی کرکی عاملی ، شهید در سال ۹۴۰ قمری هجری .

این بزرگمرد مکتبی به (أبو الحسن) و ملقب به (نورالدین) (۵) و (شیخ علانی) و موصوف به (مروّج المذهب) و (المولی المروّج) و (عالم ربّانی) ، و معروف به (محقق کرکی) « منسوب به کرکک نوح ، از بلاد جبل عامل واقع در جنوب لبنان » و (محقق ثانی) می باشد ، و از چهره های درخشان شیعه و عالم

ص: ۳۳۵

- ۱- احتمال دارد شرح گلشن راز باشد که در الدّریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۲۷۰ ذکر شده ، و ممکن است گلشن باشد ، که در طبقات ، (الضیاء اللامع فی القرن التّاسع) ، صفحه ۹۰ ، یاد شده است
- ۲- دائره المعارف تشیّع ، جلد ۴ ، صفحه ۲۲۶
- ۳- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۵
- ۴- الدّریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷۱
- ۵- در ریاض العلماء ، لقب زین الدّین را ذکر نموده است

فقه و اجتهاد، در طول تاریخ پر افتخار تشیع، و حوزه های علمیه است.

محقق کرکی را، علی بن عبد العالی می خوانند، که دلیل آن، انتساب به جد آن بزرگمرد (عبد العالی) می باشد.

در بسیاری از کتب تراجم و رجال، از عظمت علمی و شخصیت روحی و اجتماعی محقق کرکی، با تفصیل زیاد یاد کرده اند، و نقش او را در ترویج اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام و طرد و حذف سنت های غلط، و عاداتهای دیرینه متعصبین اهل سنت، تشریح نموده اند.

صاحب ریاض العلماء، در ضمن یک بررسی مفصل، محقق کرکی را چنین ستوده است: الشَّيْخُ الْفَقِيهُ، الْمُجْتَهِدُ الْكَبِيرُ، الْعَالِمُ الْعَلَامَةُ، الْمَلَقُ بِالشَّيْخِ الْعَلَائِي وَالْمَعْرُوفُ بِالْمُحَقِّقِ الثَّانِي، شَيْخُ الْمَذْهَبِ، وَمُخَرَّبُ دِينِ أَهْلِ النَّصَبِ وَالْوَصْبِ (۱) شارح القواعد و... (۲).

علامه مجلسی، در أول بحار الأنوار، در ضمن معرفی منابع و مصادر کتاب نفیس بحار الأنوار، پس از ذکر نام چند کتاب از محقق کرکی، می نویسد:

الأفضل المحققين، مروج مذهب الأئمة الطاهرين، نور الدين، علي بن عبد العالی الكرکی، أجزَلَ اللهُ تَشرِيفَهُ (۳).

و محدث و رجالی نامدار و عظیم الشان شیعه، شیخ حرّ عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه، در کتاب شریف أمل الأمل می نویسد: الشَّيْخُ الْجَلِيلُ، عَلِيُّ بْنُ

ص: ۳۳۶

۱- أهل نصب، کسانی که دشمن با خاندان رسالت (أهل البيت عليهم السلام) دارند، و وصب به معنی درد دائم می باشد، و اشاره است به عامل درونی این دشمنی، که (فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً)

۲- ریاض العلماء، جلد ۳، صفحه ۴۴۱

۳- بحار الأنوار، جلد ۱، صفحه ۲۱

عَبْدِ الْعَالِي الْعَامِلِي الْكَرَكِيِّ ، أَمْرُهُ فِي الثَّقَةِ وَالْعِلْمِ وَالْفَضْلِ وَجَلَالِهِ الْقَدْرُ وَعِظَمِ الشَّانِ وَكَثْرَةِ التَّحْقِيقِ ، أَشْهَرُ مِنْ أَنْ يُذَكَرَ ، وَ مُصَنَّفَاتُهُ كَثِيرَةٌ مَشْهُورَةٌ... (١).

و رجالی نامدار ، سید مصطفی تفرشی ، چنین آورده است : شَيْخُ الطَّائِفَةِ ، وَ عَلَامَةُ وَقْتِهِ ، صَاحِبُ التَّحْقِيقِ وَ التَّدْقِيقِ ، كَثِيرُ الْعِلْمِ ، نَقِيُّ الْكَلَامِ ، جَيِّدُ التَّصَانِيفِ مِنْ أَجْلَاءِ هَذِهِ الطَّائِفَةِ ، لَهُ كُتُبٌ ، مِنْهَا شَرْحُ قَوَاعِدِ الْحِلِّي (٢).

و در جامع الزواه اردبیلی ، عین عبارت تفرشی آمده است .

و فقیه و شهید نامدار شیعه ، شهید ثانی ، رضوان الله علیه ، در اجازه ای که برای محقق کرکی نوشته ، او را با چنین القاب و اوصافی ستوده است :

الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْمُحَقِّقُ الْمُنْفَخُ ، نَادِرُهُ الزَّمَانِ وَ يَتِيْمُهُ الْأَوَانِ ... (٣).

و فقیه اصولی ، و رجالی محقق و نامدار ، صاحب روضات الجنات چنین می نویسد : الشَّيْخُ الْإِمَامُ ، وَ مُرَوِّجُ الْإِسْلَامِ ، وَ مُؤَسَّسُ إِعْزَازِ الْمَذْهَبِ الْحَقِّ بِأَكْمَلِ نِظَامٍ ، نُورُ الدِّينِ ، أَبُو الْحَسَنِ ، عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ ، بِنِ عَبْدِ الْعَالِي الْكَرَكِيِّ الْعَامِلِيِّ ، شَارِحُ قَوَاعِدِ الْأَحْكَامِ ، شَأْنُهُ أَحْمَلُ مِنْ أَنْ يَحْتَاجَ إِلَى الْبَيَانِ ، وَ فَضْلُهُ أَوْضَحُ مِنْ أَنْ يُقَامَ عَلَيْهِ الْبُرْهَانُ ، كَانَ يُعْرَفُ فِي زَمَانِهِ ، مَرَّةً بِالشَّيْخِ الْعِلَائِيِّ وَ تَارَةً بِالْمَوْلَى الْمُرَوِّجِ ، وَ ثَالِثَةً بِالْمُحَقِّقِينَ الثَّانِي (٤).

و محدث نامدار شیعه ، حاج شیخ عباس قمی می نویسد : مُرَوِّجُ الْمَذْهَبِ وَ الْمِلَّةِ وَرَأْسُ الْمُحَقِّقِينَ الْجُلَّةِ ، شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي زَمَانِهِ ، وَ عَلَامَةُ عَصْرِهِ وَ أَوَانِهِ ، الشَّيْخُ

ص: ۳۳۷

۱- أمل الأمل ، قسم اول ، صفحه ۱۲۱

۲- نقد الرجال ، صفحه ۲۳۸ و معجم رجال الحديث ، جلد ۱۲ ، صفحه ۷۲

۳- أمل الأمل ، قسم اول ، صفحه ۱۲۲ ، و أعيان الشيعة ، جلد ۸ ، صفحه ۲۰۸

۴- روضات الجنات ، جلد ۴ ، صفحه ۳۶۰

و نویسنده محقق ، و متتبع عالیقدر ، میرزا محمد علی مدرس ، در ریحانه الأدب ، می نویسد: وی ، از فحول علمای قرن دهم ، عهد شاه طهاسب صفوی ، و عالمی است عامل ، فقیه کامل ، مجتهد اصولی ، محقق مدقق ، نادره زمان و علامه وقت خود ... وثاقت و دقت نظر و جلالت علمی و عملی ، و کثرت تحقیق و تدقیق ، و جودت تألیف و متانت تصنیف او ، از کثرت شهرت ، محتاج به اقامه برهان و بینه نمی باشد (۲) ، و همین مقدار در عظمت کرکی کافی است ، که فقیه نامدار شیعه ، مرحوم آقا شیخ محمد حسن نجفی ، صاحب کتاب جواهر الکلام و نیز خاتم المجتهدین ، شیخ مرتضی انصاری قدس سرهما ، بر کتاب جامع المقاصد محقق کرکی ، اعتماد و توجه فراوان داشته اند .

آثار اجتماعی محقق کرکی

برخی از صاحبان تراجم نوشته اند که ، بعد از خواجه نصیرالدین طوسی ، کسی به پیشوائی دینی نرسیده ، که در ترویج مذهب جعفری و سربلندی کلمه حق ، و ریشه کن نمودن بدعتها و قانون های ضدّ دین ، و محافظت بر نماز و اوقات آن ، و دفع شرور و فسق و فجور ، و نهی از منکر ، و بر هم زدن لانه های فساد ، و ریختن خمر و مسکرات ، و اجراء حدود و تعزیرات ، و بیان احکام عبادات ، از قبیل : نماز و روزه و حج و ... ، و ترغیب جامعه به سوی فراگیری شرائع دینی ، و احکام اسلامی ، به اندازه محقق کرکی کوشیده باشد ، و در اسلامی نمودن فرهنگ عمومی مردم ، و آشنائی و عمل آنها به مقررات

ص: ۳۳۸

۱- الکنی و الألقاب ، جلد ۳ ، صفحه ۱۶۱

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۲۴۴ - ۲۴۵

دینی ، اقدام کرده و موفق شده باشد(۱).

آثار قلمی و تألیفات محقق کرکی

بیش از بیست کتاب و رساله ، از آثار محقق کرکی نام برده شده ، که عمده آنها ، به صورت شرح و یا حاشیه بر کتابهای فقهاء بزرگ ، همانند : (علامه حلی و محقق حلی و شهید اول) می باشد (۲) ، و در بر گیرنده تحقیقات و بررسی های

علمی آن محقق نامدار می باشد ، و از همه مهمتر ، کتاب جامع المقاصد فی شرح القواعد است ، که مورد توجه محققین از علماء می باشد ، و صاحب جواهر فرموده است :

کسی که جامع المقاصد و وسائل الشیعه و جواهر الکلام را داشته باشد ، از عهده اجتهاد و فحص لازم برای استنباط احکام فرعیه بر می آید، و محتاج به کتابی دیگر نخواهد بود(۳).

از دیگر کتابهای او ، نفحات الالهوت فی وجوب لعن الجبت و الطاغوت ، و اثبات الرجعه ، و احکام الارضین ، و حاشیه ارشاد علامه حلی (از طهارت تادیات) و قاطعه اللجاج فی حل الخراج ، و التجمیه (در علم کلام) و ... می باشد .

مشایخ و اساتید ، و شاگردان و راویان از محقق کرکی

وی ، از جمع زیادی از علماء بزرگ ، همانند : علی بن هلال جزائری ، از احمد بن فهد حلی ، و نیز از شیخ شمس الدین محمد بن خاتون عاملی (که

ص: ۳۳۹

۱- الکنی و الألقاب ، جلد ۳ ، ص ۱۶۲ ، ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، ص ۲۴۵ ، ریاض العلماء جلد ۳ ، ص ۴۵۱ ، أعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، ص ۲۰۹

۲- به أعیان الشیعه ، و ریحانه الأدب و ... ، مراجعه شود

۳- ریحانه الأدب ، ج ۵ ، ص ۲۴۷ ، و ألتمنی و الألقاب ، ج ۳ ، ص ۱۶۲ ، به نقل از حاجی نوری

استاد او نیز بوده و هم چنین از شیخ شمس الدین ، محمد بن داود بن المؤذن جزینی (پسر عموی شهید اول) روایت می نماید ، و جمع فراوانی از علماء ، از آن بزرگمرد روایت می نمایند ، و اجازه نقل حدیث دارند ، همانند : شیخ علی بن عبد العالی میسی ، شیخ زین الدین فقعی ، شیخ أحمد بن محمد بن ابی جامع ، مشهور به (ابن ابی جامع) ، شیخ أحمد بن خاتون عاملی ، شیخ علی منشار عاملی ، شیخ کمال الدین درویش محمد نظری اصفهانی (جدّ مادری ملا محمد تقی مجلسی) ، سید امیر محمد بن ابی طالب استرآبادی ، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی ، شیخ ابو القاسم ، نورالدین ، علی بن عبد الصمد (عموی شیخ بهائی) و ... (۱).

حکمی تاریخی و بی نظیر، برای محقق کرکی

سلطان طهماسب صفوی ، در حکمی بی نظیر ، که برای محقق کرکی نوشت ، ایشان را لازم الاتّباع معرفی نمود ، و حتّی اطاعت از آن بزرگمرد را ، برای خودش حتم کرد ، و اصل حکومت و ولایت و حاکمیت را برای محقق ، معرفی نمود ، زیرا او نائب امام زمان (عج) است ، و خود را یکی از عمّال و کارگزاران محقق قرار داد ، و سلطان صفوی ، به کارگزاران خود در همه بلاد ، دستور آکید داد که در اطاعت از دستورات این مجتهد بزرگ و فقیه عظیم الشان ، کوشا باشند و از مخالفت با فرامین ایشان پرهیزید .

نقش محقق کرکی، در تأسیس حوزه علمیّه اصفهان

پس از آنکه پایتخت حکومت صفویه به اصفهان منتقل گردید ، و فعالیت‌های

ص: ۳۴۰

علمی و دینی محقق کرکی در شهر اصفهان ادامه یافت، زمینه تشکیل مرکز علمی شیعه در اصفهان فراهم گشت، و کوشش های مستمر و علمی و اجتماعی آن بزرگمرد، زمینه تشکیل حوزه علمی اصفهان را فراهم نمود، و به مرور زمان این شهر تاریخی، مرکز فعالیت علمی و درسی بزرگترین شخصیت های عالم تشیع، و نیز نشو و نماي درخشان ترین چهره های علمی و دینی، همانند: شیخ بهائی، میرداماد، محقق سبزواری، محقق خوانساری، آقا جمال خوانساری، علامه مجلسی و... گردید، و آن بزرگواران در آن حوزه مقدسه، به فعالیت علمی و دینی، و تبلیغ و ترویج اسلام و مکتب تشیع پرداختند، و آنوار ولایت، از این شهر به همه بلاد منتشر گردید، و نقش محقق کرکی در زمینه سازی برای این موفقیت، بسیار ارزشمند می باشد.

شهادت محقق کرکی در روز عید غدیر، در شهر نجف اشرف

محقق کرکی، در اثر دشمنی برخی از ارکان دولت آن زمان، در روز ۱۸ ذی الحجه ۱۹۴۰ در روز عید غدیر مسموماً، درگذشت، چنانچه شیخ حسین بن عبد الصمد حارثی (پدر شیخ بهائی) و برخی دیگر از نویسندگان، صریحاً به این مطلب توجه داده، و آن بزرگمرد را، شهید دانسته اند(۱).

ماده تاریخ درگذشت محقق کرکی، جمله (مقتدای شیعه) است، که به حساب جمل، ۹۴۰ می باشد، و جالب است بدانیم که، فرزند محقق کرکی، به نام عبد العالی کرکی، متوفای ۹۹۳، ماده تاریخ وفاتش (ابن مقتدای شیعه) است، که به حساب جمل، ۹۹۳ می باشد(۲).

ص: ۳۴۱

۱- أعيان الشَّيعه، جلد ۸، صفحه ۲۰۹، شهداء الفضيله، صفحه ۱۱۴

۲- إحياء الدَّائر من القرن العاشر، صفحه ۱۲۳

فقیه و محدث محقق، شیخ عبد العالی کرکی، فرزند شیخ علی بن عبد العالی (محقق کرکی)، متوفای ۹۹۳ هـ.

مرحوم محدث قمی، او را چنین توصیف نموده: فاضل فقیه محدث، متکلم محقق عابد، من مشایخ الأجلاء، یزوی عنه المیر الداماد، له شرح الألفیه، و شرح الإرشاد، و رساله فی القبله، و رساله فی قبله خراسان (۱).

و میرزا محمد علی مدرّس، او را با این عبارات مورد تجلیل قرار داده است:

از اجلائی علمای حقّه، و فقیهی است فاضل، محقق متکلم مدقق، محدث عابد زاهد، جلیل القدر و عظیم المنزله و کثیر الحفظ، و از تلامذۀ والد ماجد خود، و خالوی میرداماد، و از مشایخ اجازه او می باشد (۲).

و در تاریخ عالم آرای عباسی آمده است: سر آغاز جریده فضل و دانش از آن طبقه علیه، مجتهد الثانی، فرید العصر و الزّمانی، شیخ عبد العالی است، که خلف صدق مرحمت پناه، مجتهد الزّمانی، شیخ عبد العالی است (۳)، در علوم معقول و منقول، سرآمد روزگار، بسیار خوش محاوره و نیکو منظر و صاحب اخلاق بود، و من حیث الاستقلال و الاستعداد، بر مشند عالی اجتهاد تمکّن داشت، و اکثر علماء عصر، إذعان اجتهاد آن جناب مینمودند، و اکثر اوقات ... به درس و إفاده اشتغال می نمود ... و همیشه باب سعادت مآبش، خواه در اردوی معلی، و خواه در کاشان، مرجع علماء و دانشمندان عصر بود،

ص: ۳۴۲

۱- أَلْکُنْی و الألقاب، جلد ۳، صفحه ۱۶۲

۲- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۲۴۸

۳- در متن عالم آرای عباسی چنین ضبط شده، در حالی که باید علی بن عبد العالی باشد

و أكثر علماء در اصول و فروع به قول او عمل می نمودند ، و اجتهادات آن جناب ، به تصدیق أكثر علماء، مقرون بود(۱).

و هم چنین هر کدام از بزرگان تراجم و رجال ، تعبیراتی برجسته ، درباره این بزرگمرد ذکر نموده اند ، مثلاً : در « أمل الأمل » ، با عناوین : فاضل محقق ، محدث متکلم عابد و ... ، تجلیل شده ، و در رجال سید مصطفی تفرشی ، با أوصاف : جلیل القدر ، عظیم المنزله ، رفیع الشأن ، نقی الکلام ، کثیر الحفظ ، توصیف گردیده ، و در ریاض العلماء ، او را ظَهَرَ الشَّيْعَةَ وَ ظَهَرَهَا بَعْدَ أَبِيهِ الْمُحَقِّقِ ، دانسته است .

این بزرگمرد ، در اصفهان و کاشان ، به فعالیت و کوشش علمی و اجتماعی اشتغال داشته است ، و در نهایت ، در شهر اصفهان وفات یافته ، و جنازه او در زاویه ای که منسوب به امام زین العابدین علیه السلام بوده ، دفن (موقت) گردیده ، و پس از سی سال تقریباً ، همراه با جنازه شیخ علی بن هلال کزکی (شیخ علی منشار) به مشهد مقدس رضوی علیه السلام منتقل شده و هر دو ، در دار السیاده ، دفن گردیده اند(۲).

ص: ۳۴۳

۱- تاریخ عالم آرای عباسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵۴

۲- أعیان الشَّیْعَةِ ، چاپ جدید ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷

سلام ای اصفهان! ای پرورشگاه هنرمندان

سلام ای شهر تاریخی! سواد اعظم ایران

محیط دانش و فرهنگ و علم و حکمت و عرفان

گرامی دایه برجسته استادان عالیشان

همیشه دایر و معمور باش و امن و آبادان

خوش و سرسبز و خرم، هم تو مانی، هم مقیمانت

تو مهد عالمان، صنعتگران، نقش آفرینانی

تو کانون نوابغ، هوشمندان، نکته سنجانی

تو بر اهل فنون و ابتکار و ذوق، سامانی

هم ایران افتخار از نام تو دارد هم ایرانی

تو تعظیم و ستایش را سزاواری و شایانی

بناها و عمارتها و مسجدهاست برهانت

سروده: جعفر (نوا)

ص: ۳۴۴

۸- چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم

اشاره

ص: ۳۴۵

چهره های علمی و ادبی شیعه اصفهان، از قرن سوم تا دهم

در این کتاب، چهره های علمی شیعه از اصفهان، در طول چهارده قرن، در بخشهای گوناگون، در ضمن بخشهای: (محدّثین شیعه از اصفهان)، (نامدارانی بزرگ از مفاخر علمی شیعه از اصفهان)، (خاندانهای علمی شیعه)، (مدارس علمی شیعه)، (مساجدی که مرکز علمی بوده اند)، (بقعه های علمی اصفهان)،

بانوان مجتهده و عالمه) و ... مورد معرفی قرار گرفته اند، ولی جمعی از آنها را در بخش مستقلی، تحت عنوان:

(چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان، از قرن سوم تا دهم)

مورد بحث و بررسی قرار داده، و پس از بیان نکته ای مهم و قابل توجه، از شخصیتهای مورد نظر، به ترتیب قرنهای یاد می نمائیم.

عدم امکان آشنایی کامل با بزرگان شیعه اصفهان در دوره حاکمیت مخالفین

در طول چندین قرن حاکمیت متعصبین سنی، بر جامعه و فرهنگ مردم اصفهان، بسیاری از علماء بزرگ و مفاخر علمی شیعه، در منطقه اصفهان، به صورت تقیه و همراه با پنهان کاری اعتقادی و عملی، زندگی می کرده اند، و شخصیت اعتقادی و مسیر عمل و رفتار آنها، مخفی مانده است، و در نتیجه، چه بسیار سادات و ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و عالمان بزرگ شیعه، که در زمره پیروان أهل البیت علیهم السلام و شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند و شناخته نشدند،

ص: ۳۴۷

در حالی که با قلبی مطمئن و در حال پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام، زندگی می کردند، و حجاب تقیه، آنها را از شناخته شدن به مکتب و مرامشان، محروم ساخته است.

آری، کشتارهای امویان و عباسیان، از سادات و علماء شیعه، و فشارهای شکننده آنان، بر علیه اعتقادات و فرهنگ متعالی تشیع، و هم چنین تعصب های کور سلجوقیان و پیروان مذاهب وابسته به آنان، بر علیه شیعه، علاوه بر این که مانع از رشد و ترقی افکار شیعه در اصفهان و سایر بلاد بود، بسیاری از چهره های ارزشمند علمی و ادبی و اعتقادی شیعه را (اعم از سادات و غیر سادات)، از اظهار افکار و عقاید و اندیشه هایشان باز می داشت، و عظمت و نبوغ شیعی آنها را در پرده ابهام فرو می برد، و از این جهت است که آگاهی کامل بر تمامی شخصیت های شیعه، در طول آن قرن ها، ممکن نمی باشد.

نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در قرن سوم

۱- بندار بن عبد الحمید کرخی اصفهانی

ادیب نامدار و شاعر لغوی، ابو عمرو، بندار بن عبد الحمید، کرخی اصفهانی، معروف به، ابن لژه، که در شعر و نقل آن به مرتبه ای رسیده، که درباره او گفته اند:

بندار اصفهانی، نهصد قصیده در حفظ داشته، که اول هر کدام از آنها جمله بانه

سعاد بوده است (۱).

ص: ۳۴۸

۱- روضات الجنات، جلد ۲، صفحه ۱۴۵، به نقل از طبقات النحاه ترمذی. قصیده بانه سعاد، قصیده ای است مشهور، که کعب بن زهیر، در مدح رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سروده است

و در نقلی دیگر گفته اند: او هفتصد قصیده، با این خصوصیت، از حفظ داشته است(۱) و با توجه به این که ادیبی بزرگ، همانند ابو محمد خشاب می گوید: من حدّ أكثر استقصاء و جستجو و دقت را مصروف داشتم، و تنها شصت قصیده با خصوصیت یاد شده (ابتدا به بانث سعاد) یافتم(۲)، معلوم می شود که، ابن لژه، تا چه حد مسلط بر حفظ اشعار عرب بوده است.

ابن لژه، در لغت و شعر مقام اول را داشته(۳) و از دوستان مبرّد بوده، و اشعار جاهلیت و اسلام را از حفظ داشته، و کتابهایی از قبیل: (معانی الشعر) و (شرح معانی الباهلی) و (جامع اللغه) به یادگار گذاشته است(۴). درباره مذهب ابن لژه، دلیل قاطعی به دست نیامد، ولی دو علامت از تشیع او در دست می باشد

اول این که: او اصلاً اصفهانی بوده، ولی کرخ را وطن خود قرار داده است(۵) در حالی که یاقوت حموی در معجم البلدان می نویسد: وَ أَهْلُ الْكَرْخِ كُلُّهُمْ شِيعَةٌ إِمَامِيَّةٌ، لَا يُوجَدُ فِيهِمْ سُنِّيٌّ أَلْبَتَّه(۶). یعنی: أهل کرخ همگی شیعه امامی هستند، و هیچ سنی در میان آنها یافت نمی شود.

دوم این که: او دوست صمیمی ابو العباس مبرّد (نحوی و ادیب و لغوی نامدار) بوده، و صاحب روضات الجنّات درباره مبرّد نوشته است که او گفته:

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيَكَلِّفُ اللَّهُ الْعِبَادَ مَا لَا يُطِيقُونَ؟ فَقَالَ: هُوَ أَعْدَلُ مِنْ

ص: ۳۴۹

۱- معجم الأدباء، جلد ۷، صفحه ۱۲۹

۲- معجم الأدباء، جلد ۷، صفحه ۱۲۹

۳- معجم الأدباء، و الكنى و الألقاب، قمی، جلد ۱، صفحه ۳۹۷

۴- روضات الجنّات، و ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۱۸۱

۵- معجم الأدباء، جلد ۷، صفحه ۱۲۹

۶- معجم البلدان، در عنوان کرخ، صفحه ۴۴۸

ذَلِكَ ، قِيلَ لَهُ فَيَسِّرْ تَطِيعُونَ أَنْ يَفْعَلُوا مَا يُرِيدُونَ ؟ قَالَ : هُمْ أَعْجَزُ مِنْ ذَلِكَ (۱) سپس صاحب روضات ، نتیجه گیری می کند که : در این روایت اشاره است به این که ، مبرّد از عدلیّه غیر جبریّه (۲) ، بلکه از شیعه امامیه است (۳) و صاحب ریحانه الأدب نیز همین مطلب را از کتاب شریف روضات الجنّات نقل نموده ، و توضیح داده است (۴).

ابن لڑه، از ادباء قرن سوم ، و معاصر با متوکل عباسی (۵) می باشد .

۲- موسی بن عبدالملک اصفهانی

أبو عمران ، موسی بن عبدالملک اصفهانی ، که نویسنده و شاعر بوده ، و در سال ۲۴۶ وفات یافته است .

صاحب کتاب نَسْمَه السَّحَر و ابن خلّکان، او را امام و پیشوای در علم لغت

ص: ۳۵۰

۱- یعنی سؤال شد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ، که آیا بنده ها تکلیف می شوند به آنچه طاقت آن را ندارند (و تحت قدرت و اراده آنها نیست) امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند عادل تر از آن است که چنین رفتاری با بنده هایش داشته باشد ، گفته شد به آن حضرت ، که آیا بنده های خدا ، استطاعت دارند که هر آنچه را بخواهند انجام دهند ؟ پس فرمودند : آنها عاجز تر از آنهاند که چنین کنند ، و همه چیز تحت قدرت آنها باشد (یعنی بنده های خدا نه مجبور در عمل هستند و نه قادر مطلق بر هر عمل ، بلکه لا جبر ولا تفویض بل أمر بین الأمرین)

۲- عدلیّه کسانی هستند که معتقد به عدل الهی هستند ، برخلاف اشاعره ، که جبری هستند . و عنوان عدلیّه ، شامل معتزله و شیعه امامیه می باشد

۳- روضات الجنّات ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۵

۴- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۶۵

۵- متوکل عباسی ، در سال ۲۴۷ به امر فرزندش منتصر عباسی ، کشته شد و به دَرَك واصل گردید

و از شعراء دانسته اند ، و مرحوم صدوق ، او را در زمرة شيعيان به شمار آورده است(۱).

مرحوم آيه الله سيّد حسن صدر ، او را در زمرة مشاهير ائمة لغت به شمار آورده ، و از مفاخر علمى شيعه محسوب داشته است(۲).

نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شيعه در قرن چهارم

۱- أبو الحسن، محمد بن أحمد... بن طباطبا علوی

أديب و شاعر نامدار ، أبو الحسن ، محمد بن أحمد بن أحمد بن ابراهيم طباطبا بن اسماعيل بن ابراهيم بن حسن بن حسن بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام . وی معروف به أبو الحسن بن طباطبا علوی می باشد ، و تولّد و وفات او در اصفهان بوده ، و متوفای ۳۲۲ می باشد .

آن بزرگمرد ، سيّدي جليل القدر ، و عالمی فاضل ، و شاعری اديب و متبحّر و ماهر در فنون شعر بوده ، که ذوق و أدب و ابتکار و اندیشه او ، مورد توجه قرار گرفته است .

در رياض العلماء (در باب کنیه ها) او را از بزرگترین چهره های قُدَماء علماء و شعراء شيعه ، به شمار آورده ، و معجم الشعراء مرزبانی ، او را شيخ من شيوخ الأدب دانسته ، و ياقوت حموی در معجم الأدباء ، او را با عناوين :

ص: ۳۵۱

۱- أعيان الشّيعه ، چاپ جديد ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۹۲

۲- تأسيس الشّيعه لعلوم الإسلام ، صفحه ۱۵۶ - ۱۵۷

شاعر مفلح، و عالم محقق، و شائع الشعر و نبیه الذکر و ...، ستوده است.

درباره این بزرگمرد علم و ادب و سیادت، و خاندان علمی او، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) بحث و بررسی نموده ایم، و علامه امین در اعیان الشیعه، به تفصیل کامل در جلد ۹ (چاپ جدید) از صفحه ۷۲ به بعد، در معرفی آثار و عظمت این بزرگوار بحث نموده اند.

۲- محمد بن بحر اصفهانی

مفسر و متکلم و کاتب و شاعر و جامع انواع علوم، أبو الحسن، محمد بن بحر اصفهانی، متولد ۲۵۴ و متوفای ۳۲۲، که والی اصفهان و فارس بوده است.

وی، کتابهایی داشته، همانند: جامع التاویل لمحكم التنزیل (در چهارده جلد) و کتاب الناسخ و المنسوخ و کتابی در نحو و ... (۱) که تفسیر او به نام جامع التاویل، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده، و شیخ طوسی قدس سره در اول تفسیر تبیان تجلیل فراوان از آن نموده، و فرموده است:

وَ أَضِلُّحُ مَنْ سَلَكَ فِي ذَلِكِ (فِي تَأْلِيفِ التَّفْسِيرِ) مَسِيلًا جَمِيلًا مُقْتَصِدًا، مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرٍ، أَبُو مُسْلِمٍ الْأَصْفَهَانِي وَ ...، فَإِنَّ كِتَابَيْهِمَا أَضَلُّحُ مَا صُنِّفَ فِي هَذَا الْمَعْنَى ... (۲).

این دانشمند و مفسر عالیقدر، مشهور به مذهب اعتزال است، ولی علامه طهرانی، او را شیعه می داند و می نویسد: شاید شهرت او به مذهب اعتزال، از باب تقیه و استتار بوده است (۳).

محمد بن بحر، قائل به تقدّم امیر المؤمنین علی علیه السلام بر دیگران، و معتقد به

ص: ۳۵۲

۱- معجم الأدباء، جلد ۱۸، صفحه ۳۶

۲- تفسیر تبیان، جلد ۱، چاپ قدیم، صفحه ۲

۳- الذریعه إلى تصانیف الشیعه، جلد ۵، صفحه ۴۴ - ۴۵

اکملیت ایمان آن حضرت در مقایسه با دیگر صحابه ، و دارای اعتقاد به اخلاص و شجاعت و بی باکی آن حضرت در راه خدا ، (بر خلاف سایر صحابه) بوده است (۱).

۳- علی بن حمزه اصفهانی

ادیب نامدار، و شاعر گرانقدر ، أبو الحسن ، علی بن حمزه بن عماره اصفهانی

وی ، یکی از اُدباء بزرگ اصفهان بوده، که به علم و فضل و تألیف کتاب شهرت داشته ، و کتابهایی ، همانند : کتاب الشعر و فَرّ البُلغاء (که گزیده ای از اشعار عموم شعراء بوده) و قلائد الشرف فی مفاخر اصفهان و أخبارها و ... (۲).

علی بن حمزه ، گفتگوها و بحثهایی با جماعتی از شعراء اصفهان ، همانند : أبو الحسن ابن طباطبا ، علوی ، متوفای ۳۲۲ و ... ، داشته است .

آن بزرگمرد، دیوان حبیب بن اوس طائی معروف و مکنّی به (اَبوتمام) را که از شعراء و مادحین أهل البيت علیهم السلام بوده، به ترتیب انواع شعر ، منظم نموده ، و به وضع نیکوئی در آورده است (۳) و به خاطر همین اقدام او درباره دیوان یک شاعر أهل البيت علیهم السلام و اُنس و رفاقت و گفتگوهای او با ابن طباطبا ، علوی ، برخی او را از بزرگان علم و ادب شیعه به شمار آورده اند ، ولی جای تأمل می باشد ، و در هر صورت ، او از چهره های ادبی قرن چهارم به شمار می رود .

۴- أبو محمد بن عبد الله اصفهانی

عالم بزرگوار و نسابه ، أبو محمد بن عبد الله اصفهانی ، بن عقیل بن عبد الله بن

ص: ۳۵۳

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۵، صفحه ۴۵

۲- معجم الأدباء ، جلد ۱۳ ، صفحه ۲۰۴

۳- الذریعه ، جلد ۱، صفحه ۳۸

عقیل بن محمّد بن عبد الله بن محمّد بن عقیل بن اَبی طالب ، که نسب او به عقیل ، برادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام میرسد ، و در سال ۳۳۴ وفات یافته ، و در عمده الطّالب ، با عنوان ، (عالم نَسَابَه) مورد توصیف و تجلیل قرار گرفته است(۱).

۵-عبّاد بن عبّاس طالقانی اصفهانی

أبو الحسن ، عبّاد بن عبّاس بن عبّاد طالقانی اصفهانی ، پدر اسماعیل بن عبّاد (مشهور به صاحب بن عبّاد) می باشد ، و در سال ۳۳۴ یا ۳۳۵ وفات یافته است(۲).

او از محدّثین می باشد ، و از فِریابی و مَرّوزی و اَبی خلیفه و مازنی ، نقل حدیث نموده ، و اصفهانی ها و ابن مردویه ، از او نقل حدیث کرده اند .

محمّد بن طاهر مقدسی نقل کرده ، که عبّاد بن عبّاس طالقانی ، کتابی در أحكام القرآن نوشته ، مطابق مذهب معتزله(۳) که هر کس دیده پسندیده ،

و تحسین کرده است(۴).

حافظ ابونعیم اصفهانی ، عبّاد بن عبّاس را ، در زمره محدّثین اصفهانی

ص: ۳۵۴

۱- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۴ ، صفحه ۱۰۷

۲- الأنساب سمعانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷۷ ، ولی در ذکر أخبار أصیبهان ، جلد ۲ صفحه ۱۳۸ ، فقط رقم ۳۳۵ ذکر گردیده است

۳- بسیاری از علماء شیعه ، که در شرائط تقیّه بسر می برده اند ، کتابهای اعتقادی را زیر پوشش مذهب اعتزال می نوشته اند ، به خاطر اینکه مذهب شیعه در بسیاری از اصول مورد اختلاف ، نزدیک به مذهب اعتزال می باشد ، و به همین جهت است که جمعی از صاحبان تراجم ، سید مرتضی (علم الهدی) و صاحب بن عبّاد را ، از معتزله دانسته اند

۴- الأنساب سمعانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷۷ - ۱۷۸

برشمرده ، و از او نقل حدیث نموده است (۱). یاقوت حموی درباره او نوشته : كَانَ عَبَّادُ يُلَقَّبُ الْأَمِينِ ، وَ كَانَ دَيِّنًا خَيْرًا مُقَدِّمًا فِي صِنَاعَةِ الْكِتَابَةِ (۲)، و بدین وسیله ، نه تنها عظمت او را در فن نویسندگی یاد آور شده ، بلکه او را ، امین و دین دار و نیکوکار دانسته است .

علامه بزرگ ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات خود، از این بزرگمرد یاد کرده ، و منصب وزارت و کتابت او را در نزد رکن الدوله دیلمی (حسن بن بویه) ذکر فرموده ، و او را در شمار علماء و راویان شیعه در قرن چهارم ، محسوب داشته (۳)، و علامه امین در اعیان الشیعه ، با نقل تجلیل های زیاد از آثار علمی و روحی این دانشمند بزرگ، او را از جمله دانشمندان و شخصیت های علمی و اجتماعی شیعه ، دانسته است (۴).

۶- عبد الله بن محمد اصفهانی (خازن)

ادیب نامدار و شاعر عظیم القدر ، أبو محمد ، عبدالله بن محمد کاتب اصفهانی ، مشهور به (خازن) ، که از شعراء و ستایشگران و ندماء صاحب بن عبّاد ، متوفای ۳۸۵ بوده است .

علامه امینی در الغدیر ، او را خزینه دار کتابخانه صاحب بن عبّاد و در جای دیگر ، او را ماح و شاعر آن بزرگمرد دانسته و فرموده است (۵):

ص: ۳۵۵

- ۱- ذکر أخبار أصفهان ، جلد ۲، صفحه ۱۳۸
- ۲- معجم الأدباء ، جلد ۶، صفحه ۱۷۱
- ۳- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۱۴۴
- ۴- اعیان الشّیعه ، جلد ۱۷ (چاپ جدید) صفحه ۴۱۰
- ۵- الغدیر جلد ۴، صفحه ۴۷ و ۵۲

لَهُ قَصَائِدٌ يَمْدُحُ بِهَا الصَّاحِبَ ، أَجْوَدُهَا قَصِيدَةٌ مَطَّلَعُهَا

هَذَا فُوَادُكَ نُهَيْ بَيْنَ أَهْوَاءِ *** وَ ذَاكَ رَأْيُكَ سُورَى بَيْنَ آرَاءِ

صاحب روضات الجنات ، در بخش مربوط به اسماعیل بن عبّاد (صاحب)، او را با این نسب (أبو محمّد ، عبدالله بن الحسین) یاد کرده ، و از او با عنوان عهده دار خزینة کتابهای صاحب بن عبّاد تجلیل نموده است(۱).

علامه طهرانی ، از دیوان او به عنوان (دیوان عبد الله الکاتب) یاد کرده ، و او را با عناوین (الکاتب الإصفهانی) و (خازن صاحب بن عبّاد) و (من شعرائه)

ستوده است(۲).

و محقق عظیم القدر ، سید حسن صدر ، در میان شعراء برجسته اسلامی که از شیعیان بوده اند ، از این بزرگمرد یاد کرده ، و ستایش های کتاب (نسمة السحر فی من تشیع و شعر) را ، درباره او نقل نموده است(۳).

و ثعالبی ، در یتیمه الدهر ، او را بسیار تجلیل نموده ، و از صفحه ۳۲۱ تا ۳۳۵ کتاب خود را ، به او و أشعارش اختصاص داده ، و چنین ستوده است :

مِنْ حَسَنَاتِ إِصْبَهَانَ ، وَ أَغْيَانِ أَهْلِهَا فِي الْفَضْلِ ، وَ نُجُومِ أَرْضِهَا ، وَ أَفْرَادِهَا فِي الشُّعْرِ ، وَ مِنْ خَوَاصِّ الصَّاحِبِ وَ مَشَاهِيرِ صَنَائِعِهِ وَ دَوَى السَّابِقَةِ ، فِي مُدَاخَلَتِهِ وَ خِدْمَتِهِ ، وَ كَانَ فِي اقْتِبَالِ شَبَابِهِ وَ رِيْعَانِ عُمُرِهِ يَتَوَلَّى خَزَائِنَهُ كُتُبَهُ وَ يَنْخَرِطُ فِي سِلْكِ نُدْمَائِهِ ، وَ يَقْتَبِسُ مِنْ نُورِ آدَابِهِ ، وَ يَسْتَضِيءُ بِشُعَاعِ سَعَادَتِهِ ... (۴).

و با عبارت یاد شده ، او را از حسنات شهر اصفهان ، و از شخصیتهای

ص: ۳۵۶

۱- روضات الجنات ، چاپ قدیم ، صفحه ۱۰۵

۲- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱ ، صفحه ۶۹۷

۳- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ، صفحه ۲۲۳

۴- یتیمه الدهر ، جلد ۳ ، صفحه ۳۲۱

با فضیلت آن ، و از ستارگان درخشان آن شهر، و از یگانه های شعر آن ، دانسته ، و او را از خواص صاحب بن عبّاد و تربیت یافتگان او ، و سابقه داران در خدمت و همکاری با او، و نیز خزینه دار کتابهای او (در جوانی)، و از ندیمان و بهره گیرندگان از نور او ، و استضاءه کنندگان از اشعه تابناک سعادت او ، به شمار آورده است.

نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن پنجم

۱- احمد بن محمد بن حسن اصفهانی (امام مرزوقی)

ادیب محقق و نحوی مدقق ، ابوعلی ، احمد بن محمد بن حسن اصفهانی ، معروف به (امام مرزوقی) متوفای ۴۲۱.

یاقوت حموی در معجم الأدباء ، او را چنین توصیف نموده است :

... كَانَ غَايَةً فِي الدِّكَاةِ وَالْفِطْنَةِ وَحُسْنِ التَّصْنِيفِ وَإِقَامَةِ الْحُجَجِ وَحُسْنِ الْإِخْتِيَارِ ، وَتَصَانِيفُهُ ، لِأَمْزِيدَ عَلَيْهَا فِي الْجُودَةِ (۱)، یعنی : او در ذکاوت و زیرکی ، و نیکوئی تألیف و تصنیف ، و نیز در استدلال و حسن انتخاب ، به حدّ اعلی رسیده ، و در غایت درجه بوده ، و کتابهای او در به اندازه ای از نیکوئی رسیده ، که بالاتر از آن ممکن نمی باشد . ابن شهر آشوب مازندرانی ، در معالم العلماء ، این بزرگمرد را ، در زمره شعراء أهل البيت عليهم السلام ذکر نموده ، و صاحب روضات الجنّات (در

ص: ۳۵۷

۱- معجم الأدباء ، جلد ۵، صفحه ۳۴ و همین مطلب را در روضات الجنّات از سیوطی در طبقات النّحاه ، نقل فرموده است

جلد ۱، صفحه ۲۴۴) او را، فاضل کامل، و آدیب ماهر، و شاعر مُجید، و از شعراء أهل البيت عليهم السلام دانسته است.

امام مرزوقی، معلّم اولاد خاندان آل بویه در اصفهان بوده، و بدین وسیله افکار و اعتقادات آنها را هدایت می کرده، و آنها را با علم و دانش پرورش می داده است (۱). و جالب است که ابن منده در طبقات النّحاه نقل نموده، که امام مرزوقی وارد اصفهان شد، و از ناحیه مذهب خود در آن شهر سخن می گفت (قَدِمَ إِصْبَهَانَ، فَتَكَلَّمَ فِيهِ مِنْ قَبْلِ مِذْهَبِهِ) (۲)، و از خصوصیات روحی امام مرزوقی این است که، به خاطر تحصیل علم و دانش، تواضعی چشم گیر داشته، تا آنجا که در دوره ای که خودش شخصیتی برجسته به شمار می رفته، و دارای موقعیتی شایسته بوده، در محضر ابوعلی فارسی (نحوی و آدیب بزرگ) حاضر شده، و الکتاب سیویه را در محضر او خوانده است، چنانچه نوشته اند: قَدْ قَرَأَ كِتَابَ سَيِّوِيَهٗ عَلِيَّ أَبِي عَلِيٍّ الْفَارِسِيِّ، وَتَتَلَّمَذَ لَهُ بَعْدَ أَنْ كَانَ رَأْسًا بِنَفْسِهِ (۳).

کتابهایی که امام مرزوقی تألیف نموده از این قرار است:

- ۱- شرح حماسه، ۲- شرح مفضّلیات، ۳- شرح الفصیح، ۴- شرح أشعار هُذَیْل، ۵- الأزمه و الأمکنه، ۶- شرح الموجز فی النّحو، ۷- شرح النّحو

۲- أحمد بن محمد بن ذرّ الإصفهانی

وی دانشمندی بزرگ و مشهور و واعظ بوده، و در سال ۴۲۲ از دنیا رفته

ص: ۳۵۸

- ۱- أعیان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۹۴
- ۲- أعیان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۹۴
- ۳- معجم الأدباء، جلد ۵، صفحه ۳۵

است. ابن حجر عسقلانی، او را معتزلی دانسته (۱)، ولی علامه محقق حاج آقا بزرگ طهرانی، او را از علماء شیعه در قرن پنجم ذکر نموده، و فرموده است: **الإعتزالُ مِجَنَّهُ التَّشْيِعُ (۲)(۳)**.

بنابراین، او از شخصیت‌های علمی شیعه در آن قرن بوده، و زیر پوشش و عنوان اعتزال، از مکتب أهل البيت عليهم السلام ترویج می‌کرده است.

۳- زید بن علی حسینی

زید بن علی بن محمد بن یحیی حسینی، مکنی به (أبوعلی)، از آل زیاره، که در فریومد سکونت داشته، ولی در نهایت، به اصفهان هجرت کرده، و در آنجا در سال ۴۴۷ وفات یافته است (۴)، بنابراین او از سادات و امامزادگان مدفون در اصفهان می‌باشد، و دارای علم نجوم بوده است.

۴- أبو عبد الله معصومی (محمد بن أحمد)

أبو عبد الله، محمد بن أحمد معصومی، که از شاگردان ممتاز ابن سینا بوده، و أبوعلی سینا او را بر همه شاگردان خود مقدم می‌داشته است (۵).

از تألیفات او، کتاب (المُفَارِقَاتُ وَ إَعْدَادُ الْعُقُولِ وَ الْأَفْلَاكُ وَ تَرْتِيبُ الْمُبْدَعَاتِ)

ص: ۳۵۹

۱- لسان المیزان، جلد ۱، صفحه ۳۰۲

۲- التَّابِسُ فِي الْقُرُونِ الْخَامِسِ، صفحه ۲۳

۳- مِجَنَّهُ = سِپَر، مِجَنَّهُ = جَای پَنهَان شَدَن، یعنی کَسَانِی کِه نَمِی تَوَاسْتَنَد تَشْيِعِ خُود رَا اَظْهَار نَمَایَنَد، زِیر پُوشِش مَکْتَبِ اَعْتِرَال، اَعْتِقَادَاتِ شِیْعِی خُود رَا حَفْظ نَمُودَه، وَ تَرُویجِ مِی کَرْدَه اَنَد

۴- التَّابِسُ فِي الْقُرُونِ الْخَامِسِ، صفحه ۸۴

۵- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۴ - ۳۴۵

یا (رسالة فی إثبات المفاوقات) می باشد، که در قرن پنجم و ششم شهرت و اهمیت بسیار داشته است (۱). ابو عبد الله معصومی، از دانشمندان و اطباء و فلاسفه و حکماء و فقهای اسلامی اصفهان بوده، و شهرت او در فقه و حکمت، بیش از شهرت او در طبابت بوده است. وی مباشرت عمل طبابت را پائین تر از مقام و مرتبه علمی خودش می دانسته، و فقط به تدریس کتب فقه و حکمت می پرداخته است. در هنگامی که ابوعلی سینا از همدان به اصفهان هجرت نمود، ابو عبد الله معصومی به حضورش رسید، و تا آخر عمر به استفاده و إفادۀ علمی اشتغال داشت (۲). معصومی، تا سالها بعد از استاد خود (ابوعلی سینا) در اصفهان تدریس می کرد، تا آنکه در حدود ۴۵۰ هجری از دنیا رفت (۳).

۵- ابومسلم، محمد بن علی نحوی اصفهانی

نحوی مفسّر، ابومسلم، محمد بن علی بن محمد بن حسین بن مهراذیز نحوی اصفهانی، متوفای ۴۵۹. سیوطی وی را عارف به علم نحو شمرده، و او را غلو کننده در مذهب اعتزال دانسته است.

علامه بزرگوار، امین شامی، این بزرگمرد را شیعه دانسته، و دلیل نسبت او را به اعتزال، هماهنگی شیعه و معتزله، در بعض اصول اعتقادی ذکر نموده است (۴).

۶- بدران بن شریف اصفهانی

سید نجم الدین، بدران بن شریف بن ابی الفتح علوی حسینی موسوی

ص: ۳۶۰

۱- لغتنامه دهخدا، تحت عنوان معصومی

۲- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۴ - ۳۴۵

۳- اصفهان، از دکتر هنرفر، صفحه ۲۱۱، و ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۵

۴- أعيان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۱۰، صفحه ۲۲

اصفهبانی ، که دانشمندی دارای علم أنساب (نسابه) بوده ، و شیخ منتجب الدین رازی ، او را با عناوین : فاضل و محدث و حافظ ، ستوده ، و کتاب المطالب فی مناقب آل ابي طالب را ، از آثار او ذکر کرده است (۱). او از دانشمندان و محدثین قرن پنجم به شمار رفته است (۲).

۷- حسن بن عباس رستمی اصفهبانی

حسن بن عباس بن علی بن حسن رستمی اصفهبانی ، مکتبی به (ابي عبد الله) . وی از علماء قرن پنجم ، و از مشایخ شیخ منتجب الدین رازی می باشد ، و بعضی از احادیث اربعین خود را از او نقل نموده ، ولی به دلیل این که شیخ منتجب الدین او را در کتاب نفیس (الفهرست) ذکر نفرموده ، احتمال داده اند که از محدثین عامه باشد (۳).

۸- آمنه بنت عباد ، طباطبائی علوی

آمنه ، دختر عباد بن علی بن حمزه بن طباطبا، علوی ، از زنان دانشمند ، و از محدثه های قرن پنجم و ششم در اصفهان بوده است (۴).

او در شهر اصفهان حوزه درسی داشته ، و جمعی از فضلاء از محضر وی استفاده می نموده اند (۵).

ص: ۳۶۱

۱- الفهرست منتجب الدین ، صفحه ۴۳

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۱۳۹ ، و التآبس فی القرن الخامس ، ص ۳۵

۳- التآبس فی القرن الخامس ، ص ۶۰ ، و أعیان الشیعه ، چاپ جدید ، ج ۵ ، ص ۱۲۹

۴- أعلام النساء ، عمر رضا کحاله ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

۵- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۳۶

۱- أبو الحسن علی (ضریر نحوی)

أدیب نحوی ، علی بن حسین بن علی اصفهانی باقولی ، مکنّی به (أبو الحسن) و ملقب به (ضریر) و معروف به (جامع) ، متوفای بعد از ۵۳۵ .

یاقوت حموی به نقل از أبو الحسن بیهقی درباره او نوشته :

هُوَ فِي النَّحْوِ وَالْإِعْرَابِ كَعَبَّةٌ ، لَهَا أَفْضَلُ الْعَصْرِ سَدَنَةٌ (۱) (۲) ، یعنی : او در علم نحو و إعراب ، کعبه است ، و برترین چهره های علمی عصر ، پرده دار و خدمتگزار آن کعبه اند .

این بزرگمرد ، از چهره های علمی شعر و ادب ، و از نحویین بزرگ در قرن ششم بوده ، و جامع علوم و فنون اسلامی به شمار آمده است ، و به همین جهت ، او را با عنوان : جامع ، و جامع العلوم خوانده اند (۳) .

از آثار او است :

۱- شرح اللّمع ، ۲- كشف المشكلات و ايضاح المعضلات (في علل القرآن) ، ۳- ألمجمل ، ۴- الإستدراك على أبي عليّ ، ۵- البيان في شواهد القرآن ، ۶- ألجوهر ، ۷- الأقاويل المجرّده .

ضریر نحوی ، در سال ۵۳۵ ، نامه هائی به فضلاء خراسان نوشت ، و از آنها

ص: ۳۶۲

۱- معجم الأدباء ، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۶۵

۲- سادن = خادم و پرده دار کعبه ، جمع آن : سَدَنَةٌ

۳- دائره المعارف تشييع ، جلد ۲ ، صفحه ۲۲۸

درباره شعری از فرزددق شرح و توضیح خواست ، و آنها هرکدام شرحی نوشتند(۱)، و پس از آن تاریخ ، مطلب مورّخی از این بزرگمرد، به دست نیامده ، و در نتیجه مدّت زندگی او پس از این تاریخ ، مشخص نمی باشد .

۲- هبه الله بن أحمد...أسدی اصفهانی

شیخ فخرالدّین ، هبه الله بن أحمد بن هبه الله اسدی اصفهانی ، که شیخ منتجب الدّین رازی ، او را با عنوان عالم صالح ستوده است(۲).

علامه طهرانی (آقا بزرگ) ، او را در زمره علماء شیعه در قرن ششم ذکر کرده است(۳).

۳- شرفشاه بن عبدالمطلب اصفهانی

سید ابوعلی ، شرفشاه بن عبدالمطلب بن جعفر حسینی اُفطسی(۴) اصفهانی ، که شیخ منتجب الدّین رازی ، او را با اوصاف : عالم و فاضل و نسابه توصیف نموده(۵) و مرحوم آقا بزرگ طهرانی ، او را از علماء شیعه در قرن ششم به شمار آورده است(۶).

ص: ۳۶۳

-
- ۱- الثّقات العیون فی سادس القرون ، صفحه ۱۸۵، و معجم الأدباء ، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۶۵
 - ۲- ألفهرست ، منتجب الدّین ، صفحه ۱۳۰ ، جامع الرّواه ، جلد ۲، صفحه ۳۱۱، و تنقیح المقال ، جلد ۳، صفحه ۲۹۰
 - ۳- الثّقات العیون فی سادس القرون ، صفحه ۳۳۲
 - ۴- اُفطسی ، منسوب به حسن اُفطس (فرزند علی اصغر ، فرزند امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام) می باشد « تنقیح المقال ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۶ »
 - ۵- فهرست منتجب الدّین ، صفحه ۷۰، و جامع الرّواه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹۶، و تنقیح المقال ، جلد ۲، صفحه ۸۳
 - ۶- الثّقات العیون ، فی سادس القرون ، صفحه ۱۳۰

۱- قاضی نظام الدین، محمد بن اسحق بن مطهر اصفهانی

نویسنده و عالم بزرگوار، قاضی نظام الدین بن قاضی القضاة اصفهانی، که نامش: محمد بن اسحق بن مطهر می باشد، و کتابی تألیف نموده، به نام شرف ایوان البیان (درباره شرافت خاندان صاحب دیوان جوینی) و این کتاب را برای خواجه علاء الدین، عطاء ملک جوینی متوفای ۶۸۰ یا ۶۸۱ یا ۶۸۳(۱) فرزند خواجه بهاء الدین جوینی، که از شخصیتهای شیعه می باشد، تألیف نموده است(۲).

قاضی نظام الدین، از ستایشگران خواجه نصیرالدین طوسی بوده(۳) و اشعار بسیار جالبی در حمایت از تشیع و بر علیه نواصب سروده، بدینقرار (۴)

قُلْ لِلنَّوَابِغِ كُفُّوا ، لَا أبا لَكُمْ *** لِشِيعَةِ الْحَقِّ يَا بَنِي اللَّهِ تَوَّهِنًا

أَعَادَ أَهْلَ مُلُوكِ التُّرْكِ رَوْنَقَهُمْ *** وَزَادَهُمْ بِبِهَاءِ الدِّينِ تَمَكِينًا

ص: ۳۶۴

۱- علاء الدین، عطاء الله بن بهاء الدین محمد جوینی، معروف به عطاء ملک جوینی، مؤلف تاریخ جهانگشای فارسی می باشد، و از آثار خیریه اش، یکی نهر نجف است، که در آن ارض مقدس حفر کرده، و زیاده بر صد هزار دینار طلای سرخ خرج کرده، و آب فرات را به اطراف نجف جاری کرده است(ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۴۴۴)

۲- الأنوار الساطعه فی المآه السابعه، ص ۱۵۲، و الذریعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۰

۳- الأنوار الساطعه، صفحه ۱۵۲

۴- الذریعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۰

۲- شیخ فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی

وی از علماء شیعه در قرن هفتم هجری میباشد ، که کتاب نصره الفطره وعصره الفطره ، تألیف شیخ عماد الدین ، محمد بن محمد اصفهانی (کاتب) را مختصر نموده ، و به نام زبده النصره و نخبه العصره نامیده است ، و در تاریخ ربیع الأول ۶۲۳ شروع به این تلخیص نموده ، و در سال ۱۸۸۹ ، این کتاب در لیدن به چاپ رسیده است (۱).

علامه امین در أعیان الشیعه ، از همین عالم بزرگوار یاد نموده ، و به جای بنداری (بلداری) ضبط نموده است (۲).

۳- نظام الشرف بن قوام الشرف اصفهانی

وی از علماء شیعه در قرن هفتم بوده، و از آثار او ، یکی نسخه ای از کتاب (فتیای فقیه العرب) از امام لغت ، أحمد بن فارس رازی (صاحب کتابهای غریب إعراب القرآن ، و مجمل اللغه ، و فضل الصیلاه علی النبی ، و فقه اللغه ، و سنن العرب فی کلامها ، و استاد بدیع الزمان و صاحب بن عبّاد (۳)) می باشد ، که این نسخه به خط نظام الشرف ، در تاریخ ۶۱۷ پایان یافته ، و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است ، و دیگری نسخه ای است از (قصیده المقصور و الممدود) از ابن درید ، که به خط نظام الشرف ، در تاریخ ۶۱۷ نوشته شده ، و در ذیل هر شعری ، شرح مختصری برای معنای آن ذکر گردیده ، که احتمالاً از

ص: ۳۶۵

۱- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۳۴

۲- أعیان الشیعه ، جلد ۸ ، صفحه ۳۹۳

۳- الذریعه إلی تصانیف الشیعه ، جلد ۱۶ ، صفحه ۴۶ و ۱۲۲

نظام الشرف می باشد، و این نسخه نیز در کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام موجود است (۱).

۴- مولی عبد الله (حاسب)

ریاضی محقق، مولی (ملاً) عبد الله بن محمد بن عبد الرزاق، ملقب به (عماد الدین) و (حاسب) یا (حساب) از علماء قرن هفتم بوده است (۲).

وی، کتاب الفوائد البهائیه فی قواعد الحساب الهوائیه را تألیف نموده، که در آن، حساب کردن به واسطه دست و فکر را (بدون احتیاج به ابزار و آلات) آموزش داده، و این کتاب را به اسم خواجه بهاء الدوله، شمس الدین محمد (صاحب دیوان جوینی) که از بزرگان شیعه بوده (۳) و در سال ۶۷۸ وفات یافته، تألیف نموده، و از نوشتن آن، در سال ۶۷۵، در شهر اصفهان، فارغ گردیده است (۴).

۵- کمال الدین، محمد بن عبدالرشید اصفهانی

امام محدث، کمال الدین، ابو الفضل اصفهانی، که از چهره های علمی و میز در قرن هفتم بوده است. سید حیدر بن محمد بن زید، که از مشایخ سید رضی

ص: ۳۶۶

۱- الأنوار الساطعه، فی المأه السابعه، صفحه ۱۹۲

۲- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه، ص ۹۳، والذریعه، ج ۱۶، ص ۳۲۶ - ۳۲۷

۳- شمس الدین بن بهاء الدین بن شمس الدین، ملقب به صاحب دیوان، که به نام محمد بن محمد بن محمد چوینی می باشد، از احفاد امام الحرمین جوینی است. پدران او شافعی بودند، ولی شمس الدین، صاحب دیوان، شیعه امامی می باشد. (الأنوار الساطعه، از حاج آقا بزرگ طهرانی، صفحه ۱۷۲)

۴- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه، ص ۹۳، والذریعه، ج ۱۶، ص ۳۲۶ - ۳۲۷

الدِّينِ بْنِ طَاوُوسٍ اسْتِ ، وَ أَنْ بَزْرَگَمَرْدِ ، او را با القاب و أوصاف : أَلْسَيِّدُ الْإِمَامِ ، الْعَالِمُ الزَّاهِدُ الْعَابِدُ ، كَمَالُ شَرَفِ الْإِسْلَامِ ، رَبُّ الْفَصَاحَةِ ، سَيِّدُ الْعُلَمَاءِ ، سَيِّدُ حَيْدَرُ يُنُّ ... توصیف نموده است(۱) و در نزد کمال الدین محمد بن عبد الرشید ، در تاریخ ۱۰ رجب ۶۱۳ ، قرائت حدیث نموده ، و از شاگردان او می باشد(۲).

با توجه به مطالب فوق است که ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، شخصیت یاد شده را ، از علماء شیعه در قرن هفتم به شمار آورده ، ولی در پایان شرح حال او ، احتمال داده است ، که او همانند استادش ، حسن بن أحمد عطار همدانی ، از علماء عامه باشد(۳).

نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن هشتم

۱- أفضل الدین ، محمد بن حبيب الله اصفهانی (تُرکِه)

حکیم متکلم ، أفضل الدین ، أبو حامد ، محمد بن حبيب الله ، معروف به تُرکِه (۴) که از خاندان علمی و معروف آل تُرکِه اصفهانی خجندی می باشد ، و از علماء شیعه در قرن هشتم به شمار می رود . وی کتابی به نام قواعد التوحيد تألیف نموده(۵) و نوّه او ، شیخ صائِن الدین ، علی بن محمد بن أفضل الدین

ص: ۳۶۷

۱- الأنوار الساطعه ، صفحه ۵۷

۲- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه ، صفحه ۱۵۹

۳- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه ، صفحه ۱۵۹

۴- الحقائق الزاهنه فی المأه الثامنة ، صفحه ۱۸۲

۵- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۸۱

محمد ترکه، این کتاب را شرح نموده، و به نام تمهید القواعد نام گذاری کرده، و این شرح، در سال ۱۳۱۵ به چاپ رسیده است (۱).

۲- عباد بن أحمد بن... شرفشاه (گلستانه)

عالم عظیم الشان، سید عباد بن أحمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه (گلستانه) ملقب به، مجد الدین. صاحب عمده الطالب او را با عناوین: سید عالم فاضل مصنف جلیل، مورد تجلیل قرار داده، و فرموده: او در زمان سلطان اولجایتو، محمد بن أرغون (سلطان محمد خدابنده) قاضی شهر اصفهان بوده است (۲).

این بزرگمرد، از علماء خاندان علمی سادات گلستانه میباشد، و ما در بخش (خاندانهای علمی اصفهان، خاندان علمی گلستانه) از او یاد نموده ایم.

شیخ حرّ عاملی، این عالم بزرگوار را با عناوین: عالم فاضل جلیل، ستوده و از کتاب او، به نام شرح تهذیب الأصول علامه حلّی، یاد نموده است (۳).

و همچنین حاج آقا بزرگ طهرانی، از کتاب مذکور، با نام توضیح الوصول فی شرح تهذیب الأصول یاد نموده، و سید عباد را به عنوان معاصر علامه حلّی ذکر کرده، و فرموده است: این کتاب را به درخواست شاگرد مشترک علامه حلّی و سید عباد، به نام شیخ محمود بن محمد بن علی بن یوسف طبری، تألیف

ص: ۳۶۸

۱- الدرّیعه، جلد ۴، صفحه ۴۳۴، ولی در الدرّیعه، جلد ۱۷، صفحه ۱۸۱، شرح تمهید القواعد را، از شیخ ضیاء الدین علی تُرکه (از أسباط و نوه های صاحب متن)، معرّفی نموده است. و شاید شیخ ضیاء الدین علی، همان شیخ صائِن الدین علی باشد. والله أعلم

۲- عمده الطالب، (چاپ بیروت)، صفحه ۶۵

۳- أمل الأمل، قسم دوّم، صفحه ۱۴۱

نموده است (۱) و از این جمله استفاده می شود که ، موقعیت علمی این بزرگمرد در سطحی بالا بوده است .

تألیف کتاب شرح تهذیب الاصول ، در سال ۷۰۷ پایان یافته ، و نسخه ای از آن به خط نظام الدین عربشاه ، در سال ۸۲۲ نوشته شده ، و آن نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود می باشد (۲).

از آثار علمی سید عباد ، کتابی است به نام : کاشف المعانی ، فی شرح حرز الأمانی ، و وجه التّهانی (معروف به شاطیبه) که به خواہش جمعی از رفقای خودش تألیف نموده ، و نسخه ای از آن ، به خط شاگرد مصنف ، به نام محمد بن محمود کایانی خورانی (آملی) در سال ۷۲۶ نوشته شده ، و نویسنده نسخه ، در هنگامی که در درس استاد خود سید عباد شرکت می جست ، این نسخه را نوشته و استاد اور (سید عباد) در سال ۷۲۸ در شهر اصفهان اجازه ای را برای شاگرد خود (نویسنده نسخه) در پشت کتاب نوشته است (۳) .

۳- سید حیدر بن محمد بن... شرفشاه (گلستانه)

شرف الدین ، سید حیدر بن محمد بن حیدر بن اسماعیل بن علی بن حسن بن علی بن شرفشاه ، ملقب به گلستانه .

سید حیدر ، از اولاد شرفشاه ، ملقب به گلستانه میباشد ، که نسب او به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد ، و نه تنها به حساب انتسابش به سبط اکبر علیه السلام و پدر بزرگوار آن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و جد بزرگوارشان ، خاتم الانبیاء ،

ص: ۳۶۹

۱- الذریعه ، جلد ۴ ، صفحه ۴۹۹

۲- الحقائق الزّاهنه فی المأه الثّامنه ، صفحه ۱۰۷

۳- الذریعه إلی تصانیف الشّیعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۳۹ - ۲۴۰

حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، شرافت دارد ، بلکه خاندان علمی سادات گلستانه ، از خاندانهای برجسته و علمی اصفهان ، در طول چند قرن می باشد .

در کتاب شریف عمده الطالب ، فی أنساب آل ابی طالب ، سلسله نسب سادات گلستانه را ذکر نموده ، و از شرف الدین ، سید حیدر بن محمد ، یاد کرده ، و نوشته است:

وَقَدْ رَأَيْتُهُ بِإِصْفَهَانَ وَتُوفِّيَ بِهَا فِي رَبِيعِ الْأَوَّلِ ، سَنَةِ تِسْعِ وَسَبْعِينَ وَسَبْعِ مِائَةٍ ، وَلَهُ أَوْلَادٌ وَعَقَبٌ (۱).

با توجه به سال وفات این بزرگمرد (۷۷۹) ، وی از علماء بزرگ قرن هشتم به شمار رفته است .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات ، از این سید جلیل القدر یاد نموده (۲) ، و علامه امین نیز ، در أعيان الشيعة از ایشان ذکری آورده ، و استناد به نوشته عمده الطالب نموده است (۳) ، و ما نیز در بخش « خاندان علمی گلستانه » از این بزرگمرد یاد نموده ایم .

۴- عباد بن يحيى بن... شرفشاه (گلستانه)

عالم فاضل ، مجدالدین ، سید عباد بن يحيى بن عباد بن أحمد بن اسماعيل بن علي بن حسن بن شرفشاه (گلستانه) ، که از علماء قرن هشتم بوده ، و بعد از سال ۷۹۰ وفات یافته است (۴).

ص: ۳۷۰

۱- عمده الطالب ، (چاپ بیروت) ، صفحه ۶۵

۲- الحقائق الزاهنه فی المأه الثامنه ، صفحه ۷۱

۳- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، صفحه ۲۷۵

۴- عمده الطالب ، (چاپ بیروت) ، صفحه ۶۶

وی از چهره های علمی خاندان سادات گلستانه می باشد ، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، او را در شمار علماء بزرگ قرن هشتم ذکر نموده است (۱).

نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن نهم

۱- خواجه افضل الدین محمد صدر (ترکه)

خواجه افضل الدین ، محمد صدر، یا محمد بن صدر، تُرکۀ اصفهانی ، که یکی از بزرگان و قضاه اصفهان بوده ، و به نظر میرزا محمد علی مدرّس (صاحب ریحانه الأدب) از خویشان نزدیک صائِن الدین علی ترکه بوده است . از آثار این بزرگمرد، ترجمه کتاب الملل و النحل شهرستانی است ، که همراه با تحقیقات خود او ، در ردّ شبهات ملل باطله ، تنظیم گردیده ، و به نام :

تَنْقِيحُ الْأَدْلِهِ وَ الْعِلَلِ فِي تَرْجَمِهِ كِتَابِ الْمِلَلِ وَ النَّحْلِ

نامیده شده ، و در تاریخ یکشنبه، سیزدهم رجب ۸۴۳ در شهر اصفهان پایان یافته است (۲). خواجه افضل الدین محمد ، در سال ۸۵۰، به امر شاهرخ میرزای تیموری ، به دار آویخته شد و به شهادت رسید (۳).

۲- طاهر بن عرب اصفهانی

عالم محدّث و صاحب تصنیف ، مولی فخر الدین ، أبو الحسن ، طاهر بن عرب

ص: ۳۷۱

۱- الحقائق الزّاهنه فی المأه الثّامنه ، صفحه ۱۰۷

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲، صفحه ۱۶۵

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۲، صفحه ۱۶۵

بن ابراهیم اصفهانی ، معروف به حافظ اصفهانی .

وی از علماء بزرگوار و جلیل القدر قرن نهم هجری می باشد ، و علامه طهرانی ، به نقل از یکی از شاگردان این بزرگمرد ، او را چنین توصیف نموده است : **سُلْطَانُ الْقُرَاءِ الْحَادِقِينَ ، وَ أَسِيْدَةُ الْمُحَدِّثِينَ ، فَخْرُ الْمَلَّةِ وَ الْحَقِيْقَةِ ، وَ خَيْرُ الدَّهْرِ وَ الطَّرِيْقَةِ ، خَاتِمَةُ الْمُجْتَهِدِينَ ... (۱)**.

از آثار این عالم جلیل ، یکی **الدَّرْ أَلْفَرِيْد فِي قَوَاعِدِ التَّجْوِيْد** ، و دیگری **تجوید القرآن** ، و **سومی** ، **منهل العطشان می باشد (۲)** ، و اجازه ای به خط خود ، برای **أبی المعارف** ، **نجم الدین** ، **محمد سعدی حمویی** ، در تاریخ ۸۵۷ نوشته است **(۳)** .

و هم چنین ، چند کتاب به نامهای : **أَلْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِأَبِي عَمْرٍو ، وَ أَلْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِإِبْنِ عَامِرٍ ، وَ أَلْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِحَمْزِهِ ، وَ الْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِنَافِع** ، از این بزرگمرد به جای مانده ، که نسخه آنها ضمن مجموعه ای به خط **أحمد بن فتح الله تمیمی** ، که در سال ۹۸۸ در مکه نوشته ، در **مکتبه الملک** موجود بوده است **(۴)** ، با توجه به مطالب یاد شده ، می توان دریافت که این بزرگمرد ، از چهره های مبرز و محقق در علم قرائت و تجوید بوده ، و شاگردان زیادی تربیت نموده است **(۵)** .

و نیز از آثار او ، کتاب **شرح شاطبیه ذکر گردیده است (۶)** . **مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی** در طبقات خود ، این عالم محقق را ، از علماء

ص: ۳۷۲

۱- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۸ ، صفحه ۶۸

۲- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۳ ، صفحه ۳۶۸ ، و جلد ۸ ، صفحه ۶۸

۳- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۸ ، صفحه ۶۸

۴- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۸ ، صفحه ۶۸ □ ۶۹ ، و جلد ۱۷ ، صفحه ۵۷

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۹۵

۶- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۱۳ ، صفحه ۳۱۳

شیعه در قرن نهم به شمار آورده است (۱).

۳- عماد بن محمد ، منجم اصفهانی

وی از علماء قرن نهم هجری می باشد و شرح کتاب (سی فصل فی التَّقْویم) تألیف محقق طوسی را ، که از مولی بدرالدین طبری بوده، در سال ۸۴۴، نسخه برداری کرده ، و این نسخه در نجف اشرف در نزد سید باقر بن محمد یزدی ، موجود بوده است (۲).

حاج آقا بزرگ طهرانی در طبقات خود می نویسد : از این نسخه ، مقام علمی و فضل کاتب معلوم می گردد (۳).

۴- محمد بن علی ترکه

یکی از دانشمندان خاندان علمی ترکه ، محمد بن علی بن محمد ترکه است ، که اجازه ای برای سالک الدین ، محمد بن نجم الدین محمد حموی جوینی ، متخلص به (سالک) متولد سال ۸۴۷، نوشته است، و از این که عمده مشایخ سالک ، اجازات خود را در سالهای ۸۷۰ تا ۸۸۰ برای او نوشته اند (۴) معلوم می گردد که ، محمد بن علی ترکه ، که او هم اجازه ای نوشته ، شخصیتی علمی در نیمه دوم قرن نهم بوده است .

اجازات یاد شده ، در مجموعه ای به نام : کنز السالکین ، به وسیله سالک الدین محمد بن نجم الدین محمد ، تنظیم گردیده ، و مرحوم حاج آقا بزرگ ، آن را در

ص: ۳۷۳

۱- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۷۱

۲- الذریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۳۱۱

۳- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۱۰۳ - ۱۰۴

۴- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۱۱۹

کتابخانه فخر الدین نصیری ، در تهران دیده و از نفیس ترین نفائس نسخه ها شمرده اند(۱).

۵- غیاث الدین، علی امران اصفهانی حسینی

وی کتابی در نجوم نوشته ، به نام (بیست و دو باب) در سال ۸۶۹ ، که در اوّل آن ، صلوات بر ائمه طاهرین علیهم السلام فرستاده است ، و نسخه آن ، در نزد سید محمد جزائری بوده ، که در نجف و سپس اهواز ، و پس از آن در طهران ، نگهداری می شده است(۲).

نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن دهم

۱- محمد حافظ (مخترع اصفهانی)

دانشمند مخترع ، محمد حافظ ، که تا سال ۹۱۲ زنده بوده ، و چهارده اختراع نموده (مطابق عدد چهارده معصوم علیهم السلام) و در کتاب خود به نام نتیجه الدوله ، آنها را شرح داده ، که تا آن زمان (اوائل قرن دهم) آن صنایع و مخترعات ، صنعتهای جدید به حساب می آمده است .

نسخه ای از آن کتاب ، در کتابخانه آستان قدس رضوی (در مشهد مقدّس) موجود می باشد ، و نویسنده کتاب ، آن را برای نابغه و محقق نامدار ، غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی ، متوفای ۹۴۸ (که از مفاخر شیعه در قرن دهم به شمار

ص: ۳۷۴

۱- الذریعه ، جلد ۸ ، صفحه ۱۸۷ ، و جلد ۱۸ ، صفحه ۱۵۸

۲- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۱۰۵

می رود) تألیف نموده است .

اختراعات یاد شده ، بدین قرار می باشد :

۱- حلّ مشکلات القرآن ، ۲- آلت ساعه ، ۳- قَصَارِیْت (لکه گیری پارچه، سفید نمودن پارچه)، ۴- طاحونیهٔ محمّديه (که نوعی خاص از آسیا بوده است) ، ۵- حلاجیه (پاک کردن پنبه و جدا کردن آن از دانهٔ پنبه) ، ۶- تصقیل القرطاس (صاف و بَرّاق و صیقلی کردن کاغذ) ، ۷- صنعہ الحِجیر (مرکب سازی)، ۸- إخراج الماء (وسیله و برنامهٔ آبکشی) ، ۹- معدّل السّاعه (وسیلهٔ تنظیم ساعت)، ۱۰- جام ساعه؟، ۱۱- پیالهٔ حکمت؟ ، ۱۲- قفل اصفهانی ، ۱۳- قلمدان سازی ، ۱۴- کلید دان دزدگیر(۱).

۲- میر قوام الدّین ، حسن نقیب اصفهانی

نقیب نجیب و اَدیب زاهد ، میر قوام الدّین حسن اصفهانی.

وی ، از بزرگان سادات اصفهان بوده ، و دارای فضل و ادب و زهد و ورع به شمار رفته ، و در صنعت انشاء ، یگانه شمرده شده ، و به زبان فارسی شعر می سروده است .

وی مدّتی نقیب اصفهان بوده(۲)، و سپس در سال ۹۳۰، همراه با امیر جمال

ص: ۳۷۵

۱- الدّریعه إلی تصانیف الشّیعه ، جلد ۲۴ ، صفحه ۴۹

۲- نقیب ، به معنی رئیس و بزرگتر هر دسته و قومی می باشد ، و در گذشتهٔ زمان نقیب طالیین ، نقیب سادات ، نقیب بنی فاطمه علیها السلام ، نقیب علویین و ... به کسانی می گفته اند که سرپرستی امور یادشدگان را بر عهده داشته اند ، و دارای شخصیتی ممتاز از نظر علمی و اخلاقی و اجتماعی بوده اند ، و هر شهری نقیبی داشته ، که نقیب التّقیاء ، او را بر می گزیده است . از نقباء بزرگ تاریخ شیعه ، سید مرتضی و سید رضی ، (دو چهرهٔ نامدار عالم تشیّع) می باشند

الدین محمد آسترآبادی ، منصب صدارت(۱)را اداره می نموده ، و پس از مدتی ، به نحو مستقل ، در این سیمت مشغول به فعالیت دینی و اجتماعی بوده است(۲).

۳- شیخ کمال الدین بن محمد اصفهانی

ادیب فاضل ، و علامه مشهور ، خواجه کمال الدین بن محمد بن جمال الدین اصفهانی ، متوفای ربیع الأول ۹۳۵ قمری ، مدفون در زاویه آب بخشان ، متصل به باغ(۳).

آقای سید مصلح الدین مهدوی ، از این بزرگمرد با القاب : عالم فاضل ، ادیب محقق یاد نموده ، و نوشته است : قبرش در کنار دیوار شرقی قبرستان آب بخشان ، تا این اواخر موجود بود(۴)(۵).

۴- شمس الدین محمد اصفهانی

وی از علماء قرن دهم بوده ، و از مشایخ مجلسی اول (ملا محمد تقی)

ص: ۳۷۶

۱- منصب و مقامی که صاحب آن ، موظف به تعیین حکام شرع ، و مباشران اوقاف ، و ریش سفیدی همه سادات ، و علماء و مدرّسان ، و شیخ الإسلام ها ، و پیش نمازها ، و قاضی ها ، و متولّی ها ، و حفاظ ، و خدمه مزارات و مدارس و مساجد و بقاع متبرکه ، و وزرای اوقاف ، و نظار و مستوفیان و غیر آنها بوده است . (به فرهنگ معین مراجعه شود)

۲- ریاض العلماء ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۳ ، و احیاء الدائر من القرن العاشر ، ص ۵۹

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۱۴۶

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۶۷

۵- قبرستان آب بخشان ، در حال حاضر وجود ندارد ، و به جای آن خانه ها و مغازه ها و مراکز فعالیت های اجتماعی ، ساخته شده است ، و محل آن در قسمت فلکه شهداء ، و اوائل خیابان فروغی بوده است

می باشد، و قبر او در بالای سر مجلسی قرار گرفته (۱)، و از علماء متقی و فاضل به شمار رفته، و متوفای ۹۳۶ بوده است (۲).

۵- کمال الدین، درویش محمد اصفهانی عاملی

محدث عظیم الشان و زاهد کامل، کمال الدین درویش محمد اصفهانی عاملی نطنزی، متوفای بعد از سال ۰۹۳۹ وی جدّ مادری ملا محمد تقی مجلسی می باشد، و اول کسی است که احادیث أهل البيت عليهم السلام را در اصفهان منتشر نموده، و ترویج کرده است.

در ریاض العلماء، او را از اکابر ثقات علماء، و از مشایخ أجلاء دانسته (۳) و شیخ حرّ عاملی در أمل الأمل او را، فاضل صالح زاهد، و از مشایخ أجلاء، و از راویان از علی بن عبد العالی کرکی (محقق کرکی) بر شمرده (۴) و محدث قمی در فوائد الرضویّه او را چنین ستوده است:

فاضل صالح زاهد متقی، از اکابر ثقات، و از تلامذه شهید ثانی ... اول کسی است که نشر داد حدیث را در دولت صفویّه به اصفهان ... و مدفون است در نطنز، و برای او است، قبه ای معروفه (۵).

کمال الدین درویش محمد، از شاگردان شهید ثانی بوده، در جبل عامل

ص: ۳۷۷

۱- رجال اصفهان، صفحه ۱۲۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۷۴

۳- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۲۷۱، و جلد ۵، صفحه ۶۲

۴- أمل الأمل، قسم اول، صفحه ۱۴۱

۵- فوائد الرضویّه، جلد ۱، صفحه ۱۷۷، در ذیل عنوان درویش محمد (نویسنده کمترین در شهر نطنز، در باره قبه ای به نام مرقد کمال الدین درویش محمد، جستجو کردم، ولی اطلاعی به دست نیاوردم. ممکن است در زمان صفویّه چنین قبه ای وجود داشته است

(جنوب لبنان فعلی) و وقتی به اصفهان آمده، از محقق کرکی اجازه‌های تقاضا نموده، و آن بزرگوار به تاریخ ۹۳۹، اجازه‌ای برای این محدث جلیل‌القدر نوشته است (۱).

این محدث بزرگ، اصلاً جبل‌عاملی بوده، و سپس در نظنز ساکن گردیده، و پس از آن در اصفهان به فعالیت علمی و نشر حدیث پرداخته، و در نهایت، در نظنز مدفون گردیده است. و ما در بخش (خاندانهای علمی اصفهان)، «خاندان مجلسی» از این بزرگمرد یاد کرده ایم.

۶- افضل‌الدین، محمد (ترکه) اصفهانی

وی از علماء برجسته قرن دهم می‌باشد، که شیخ عبد‌النبی قزوینی، در تتمیم أمل‌الامل، او را عالم فاضل محقق خوانده، و قاضی لشکر شاه طهماسب اول صفوی دانسته، و رساله‌ای را درباره معقولات ثانیه، از آثار آن بزرگمرد ذکر نموده است (۲).

با توجه به سال فوت طهماسب صفوی که ۹۸۴ بوده، معلوم می‌گردد که افضل‌الدین محمد، از علماء نیمه دوم قرن دهم می‌باشد.

صاحب ریاض‌العلماء، خواجه افضل‌الدین محمد ترکه را، مصاحب امیر علاء‌الملک مرعشی، در شغل قاضی لشکر بودن، در زمان سلطان طهماسب صفوی ذکر نموده است (۳). از تألیفات افضل‌الدین محمد، کتابی است به نام

ص: ۳۷۸

۱- احياء الدائر من القرن العاشر، صفحه ۸۴، و الدرر، جلد ۱، صفحه ۲۱۴

۲- تتمیم أمل‌الامل، صفحه ۷۱، الدرر، جلد ۲۱، صفحه ۲۶۶، احياء الدائر من القرن العاشر، صفحه ۲۱۰

۳- ریاض‌العلماء، جلد ۳، صفحه ۳۱۴

آنموذج العلوم ، که در مسائلی از هفت فنّ علمی (کلام ، منطق ، حکمت ، هندسه ، عربیّه ، فقه ، اصول فقه) بحث می کند ، و مطالب کتاب تحقیقاتی است که در هنگام تدریس ، در مشهد رضوی علیه السلام از فیوض الهی و رضوی ، به دست آورده و تنظیم نموده است (۱).

مرحوم حاج آقابزرگ طهرانی ، صاحب آنموذج العلوم را ، متوفای ۹۹۱ ذکر کرده ، و او را غیر از افضل الدّین محمّد ترکه ، قاضی لشکر سلطان طهماسب صفوی دانسته است (۲).

ولی به نظر می رسد که دلیلی بر تعدّد وجود ندارد ، و عنوان تدریس در مشهد رضوی ، و قاضی لشکر سلطان صفوی بودن ، دلیل تعدّد نیست ، زیرا چه بسیار از علماء ، که سالهائی از عمر خود را در شغلی رسمی ، در شهری انجام وظیفه نموده اند ، و سالهائی دیگر ، در شهر دیگر به فعالیت درسی و تألیف و تحقیق اشتغال داشته اند ، و با توجه به سال فوت طهماسب صفوی (۹۸۴) و سال فوت افضل الدّین محمّد ترکه (۹۹۱) احتمال تغییر برنامه علمی و اجتماعی این بزرگمرد ، به خوبی قابل قبول می باشد ، و ممکن است چندین سال از آخر عمر سلطان صفوی ، و سالهای پس از فوت او تا سال ۹۹۱ ، این بزرگمرد به تدریس و مرجعیت دینی در مشهد رضوی اشتغال داشته است . از آثار دیگر افضل الدّین ترکه ، دیوان شعر او می باشد ، که با تخلص (افضل) شعر می سروده ، و از شاگردان او ، قاضی نورالدّین اصفهانی و علامه چلبی بوده اند (۳).

ص: ۳۷۹

۱- الذریعه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۴

۲- الذریعه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۴

۳- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۸۵

فقیه و محدث محقق و عظیم الشان، شیخ علی بن هلال کرکچ عاملی، که نسب خود را چنین نوشته است: علی بن أحمد بن محمد بن هلال ...، المعروف والده با أحمد المنشار(۱).

این بزرگمرد، گاهی شیخ علی منشار، و گاهی شیخ علی بن المنشار، و گاهی شیخ علی بن هلال (به مناسبت نام جد خود) خوانده می شود.

این فقیه بزرگوار، از چهره های علمی شیعه در اصفهان، در قرن دهم می باشد، و پدر زن شیخ بهائی است، و از شاگردان محقق نامدار (محقق کرکی) می باشد. وی کتابهای زیادی از هند آورده، و بعد از محقق کرکی مورد توجه حکومت صفویّه قرار گرفته، و به منصب شیخ الاسلامی (که مهمترین منصب رسمی دینی در دوره صفویّه بوده) منصوب گردیده است(۲) و بعد از وفات او، منصب شیخ الاسلامی، به دامادش، افتخار عالم تشیع، و نابغه نامدار، شیخ بهائی رضوان الله علیه، واگذار گردیده است.

دختر او، که همسر شیخ بهائی بوده، فقیههای محدّثه، و کثیره الفضل، و وافر آلعلم به شمار رفته، و از شاگردان پدر خود بوده، و در فقه و حدیث تدریس می کرده، و کتابخانه پدر در اختیار او بوده است(۳).

شیخ علی منشار، مُجاز و راوی از سید تاج الدین، حسن بن سید جعفر اطراوی عاملی، و شیخ أحمد بیقانی نباطی عاملی و شیخ أحمد بن خاتون

ص: ۳۸۰

۱- إحياء الدّائر من القرن العاشر، صفحه ۱۶۳

۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۵

۳- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۵، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۰

عاملی عینائی، و شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی، و شیخ علی بن عبد العالی کرکی (محقق ثانی = کرکی) می باشد، و این مطلب را در اجازه ای که برای شاگردش، مولی ملک محمد اصفهانی نوشته، درج نموده است (۱).

از آثار شیخ علی منشار، رساله ای است در مسائل فقهی مورد ابتلاء عموم، از کتاب الطهاره، که فوائد نیکوئی در بر داشته، و نسخه هائی از آن در نزد صاحب ریاض العلماء بوده، و در این رساله، از شهید ثانی نیز، نقل مطلب نموده، و تاریخ تألیف آن سال ۹۶۹ بوده است. در حاشیة نسخه ای از این کتاب، بعضی أفاضل نوشته بوده، که جناب شیخ در روز دوشنبه سیزدهم ربیع الأول سال ۹۸۴، در شهر اصفهان وفات یافته است (۲).

حاج آقا بزرگ طهرانی نیز، همین تاریخ را ضبط نموده، و این بزرگمرد را از علماء بزرگ شیعه در قرن دهم به شمار آورده است.

۸- میر محمد اصفهانی (معز الدین)

میر معز الدین، سید محمد بن تقی الدین محمد حسینی اصفهانی. وی از شاگردان فقیه نامدار، شیخ ابراهیم قطیفی (معاصر محقق کرکی) بوده، و در تاریخ ۹۲۸، در نجف اشرف، از استاد خود اجازه ای دریافت نموده است (۳).

وی در نیمه قرن دهم، منصب صدارت (۴) داشته است (۵).

ص: ۳۸۱

۱- ریاض العلماء، جلد ۲۸۳ - ۲۸۴

۲- ریاض العلماء، جلد ۴، صفحه ۲۸۴

۳- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۱۵ و ۱۷

۴- منصبی که صاحب آن موظف بوده، در مورد تعیین تمامی مناصب دینی، از قبیل حکام شرع، قضات، مدرّسان، متولیان اوقاف و ... اقدام نماید (به فرهنگ معین مراجعه شود)

۵- احیاء الدائر من القرن العاشر، صفحه ۲۰۸

از آثار او رساله ای در باب (انفعال ماء قلیل) می باشد، که به صورت استدلالی بوده، و اعتراضات علامه حلی را بر ابن ابی عقیل رد کرده، و أدله ای به نفع قول ابن ابی عقیل آورده است(۱).

مرحوم حاج شیخ عباس قمی، در فوائد الرضویه نقل فرموده که: معز الدین محمد اصفهانی، به اسم هر یک از معصومین علیهم السلام کتابی نوشته، و به نام تحفه نامیده، مثلاً «تحفه النبی صلی الله علیه وآلهی و سلم»، «تحفه الفاطمیة علیها السلام» و هم چنین، تا به نام حضرت قائم عجل الله فرجه الشریف، و در آخر «تحفه الرضویه علیه السلام» این بزرگمرد اسامی تألیفات خود را نوشته، که بیش از پنجاه کتاب می باشد(۲).

علامه امین در اعیان الشیعه، او را علامه العلماء فی عصر الشاه عباس صفوی و الشاه طهماسب دانسته(۳)، و مرحوم قمی، درباره این بزرگمرد القابی، همانند: عالم نحیر، و فاضل جلیل، و متکلم فقیه، و قاضی اصفهان ذکر نموده، و او را از مشایخ روایتی ملاً محمد تقی مجلسی دانسته و اجازه سید محمد تقی استرآبادی را که به خط خودش برای میر معز الدین نوشته، نقل نموده، که در آن آمده است:

وَمِنَ الْمُؤَفَّقِينَ لِسُلُوكِ أَشْرَفِ السَّبِيلِينَ، أَلْسَيْدُ الْأَجَلِ الْأَفْضَلِ، وَ السَّنْدُ الْمُحَقَّقُ الْأَكْمَلُ، نَسْلُ الْعِزَّةِ الطَّاهِرَةِ، وَ سَلَالَةُ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، صَاحِبُ الْأَخْلَاقِ الرَّضِيَّةِ وَالْمَمْلَكَاتِ الْمَرْضِيَّةِ، الْجَامِعُ بَيْنَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَطَيْبِ الْأَعْرَاقِ، قُدْوَةٌ أَعْظَمُ السَّادَاتِ الْكِرَامِ، وَ عُنْوَانُ صَحِيفِهِ صَفَائِحُ أَفْاضِلِ الْعُلَمَاءِ الْأَعْلَامِ، مُعَزُّ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا،

ص: ۳۸۲

۱- أَلْذَرِيْعَةُ، جلد ۱۵، صفحه ۲۳۵

۲- فَوَائِدُ الرِّضْوِيَّةِ، جلد ۲، صفحه ۴۳۳

۳- أَعْيَانُ الشِّيْعَةِ، جلد ۱، چاپ جدید، صفحه ۱۲۵

الأمير الكبير، أمير معز الدين، مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الْمَوْسَوِي... (۱).

داستانی جالب از مقام معنوی میر معزالدین و شیخ بهائی

میر معز الدین، یکی از ائمه اطهار علیهم السلام را در خواب دید، که او را به مداومت بر کتاب مفتاح الفلاح امر فرمودند، او پس از بیداری، شروع به تحقیق درباره مفتاح الفلاح نمود، و کسی اطلاعی نداشت، تا آن که در ملاقاتی با شیخ بهائی، استفسار نمود، شیخ بهائی فرمودند، من در مسافرتم، کتابی در دعا تألیف نموده ام، و نامش را مفتاح الفلاح قرار داده ام، ولی نام کتاب را به کسی نگفته ام، و نسخه آن را به هیچ کس نداده ام (اشاره به این که شما از کجا اطلاع دارید؟) میر معزالدین جریان خواب خود را نقل نمود، و مرحوم شیخ بهائی بسیار گریه کردند، و نسخه اصل مفتاح الفلاح را به میر معزالدین دادند، و او استتخا نمود، و اولین نسخه برداری از کتاب شریف مفتاح الفلاح، به وسیله میر معزالدین انجام گرفت (۲).

۹-ملک محمد اصفهانی

عالم فاضل و محقق، شمس الدین، ملک محمد بن سلطان حسین اصفهانی، از علماء نیمه دوم قرن دهم هجری. وی از فقیه و محدث عظیم الشأن، علی بن منشار کرکی « معروف به علی بن هلال کرکی » (که از شاگردان مبرز محقق کرکی بوده) اجازه داشته، و در این اجازه، که تاریخ آن ۹۸۴ می باشد، و اجازه بسیار جالب و مهمی است، آمده: وَ بَعِيدٌ، فَإِنَّ أَعَزَّ الإِخْوَانِ عَلَيَّ وَ أَجَلَّهُمْ لَدَيَّ،

ص: ۳۸۳

۱- فوائد الرضويّه، جلد ۲، صفحه ۴۳۳

۲- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۰

الْفَاضِلُ الْوَحِيدُ ، الْكَامِلُ الْفَرِيدُ ، النَّادِرُ فِي الْفُنُونِ الْعِلْمِيَّةِ ، مِنْ فِقْهِئِهِ وَحِكْمِيَّةِ ، الْأَرْشَدِ الْأَسْبَعِدُ ، مَوْلَانَا ، مُعِزُّ الدُّنْيَا وَالدِّينِ ،
مَلِكُ شَمْسِ الدِّينِ مُحَمَّدِ الْإِصْفَهَانِيِّ ... (١).

در این اجازه ، شیخ علی بن مشار ، با عباراتی صریح و قاطع ، از مقام علمی و تحقیقات ملک محمد اصفهانی تجلیل نموده ،
و او را جامع علوم و فنون فقهی و حکمی (عقلی و نقلی) دانسته است .

از تألیفات ملک محمد ، یکی رساله ای است در جبر و مقابله (٢) ، و دیگری شرح رساله الحساب و الجبر و المقابله ، تألیف
شیخ حسین بن محمد علی بهشتی اسفرائینی می باشد ، که در این شرح که به زبان عربی بوده ، به تفصیل مباحث یاد شده را
مطرح نموده است (٣) و سوم ، رساله ای است در استخراج سهام میراث که شرح فصل سوم از مقصد سوم کتاب المیراث
إرشاد الأذهان علامة حلی می باشد (٤).

از تألیفات یاد شده ، استفاده می شود که این دانشمند محقق ، علاوه بر علوم گوناگون نقلی ، متبحر در علوم ریاضی نیز بوده
است .

۱۰- ملا مختار اعمی ، قاری اصفهانی

عالم فاضل و شاعر ادیب ، ملا مختار اعمی ، که از علماء قرن دهم و از دانشمندان علم تجوید و سایر علوم قرآن بوده
است (٥).

ص: ۳۸۴

۱- بحار الأنوار ، جلد ۱۰۹ ، صفحه ۸۰

۲- الدرّیعه ، جلد ۵ ، صفحه ۸۸

۳- الدرّیعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۲۸۴

۴- الدرّیعه ، جلد ۱۱ ، صفحه ۶۵

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۹۶

آثار تألیفی متعددی داشته است ، که نشانهٔ تبخّر علمی او ، مخصوصاً در علم تجوید و قرائت می باشد ، بدین قرار : ۱- دُرُج المضمین ، که منظومه ای است در ۷۲ بیت ، در علم قرائت ، که در سال ۹۴۹ تنظیم نموده (۱)، و به خاطر اهمّیت آن ، شرحهایی بر آن نوشته ، و یا سروده اند ، بدین ترتیب : الف - دُرُج نثار ، در شرح تجوید ملاً مختار ب - شرح درج المضمین از مولی محمد جعفر شریعتمدار آسترآبادی ، ج - شرح درج المضمین از مولی محمد محسن قاری ، د - بوستان (۲).

۲- مختار القراء که به نحو گسترده ، منتشر بوده ، و نسخه های فراوانی از آن تا قرن چهاردهم باقی مانده است (۳) ۳- دیوان شعر (۴).

۱۱- محمد بن حیدر اصفهانی (میرکی)

وی از علماء قرن دهم می باشد ، و در سال ۹۲۸ ، از کتاب قاطعه اللجاج فی حلّ الخراج ، تألیف محقق کرکی نسخه برداری نموده است (۵).

وی تدریس می نموده ، و فرزند او أبو القاسم اصفهانی ، کتاب قاطعه اللجاج را در نزد او خوانده است (۶).

۱۲- شیخ یونس مفتی

عالم فاضل ، شیخ یونس ، که در اصفهان منصب إفتاء داشته ، و مفتی رسمی

ص: ۳۸۵

۱- الدّریعه الی تصانیف الشّیعه ، جلد ۸ ، صفحه ۵۹

۲- برای آشنائی بیشتر ، به الدّریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۱۵۵ ، و جلد ۸ ، صفحه ۱۳۹ و جلد ۱۳ ، صفحه ۲۴۲ ، و جلد ۱۸ ، صفحه ۳۸۲ مراجعه شود

۳- الدّریعه ، جلد ۲۰ ، صفحه ۱۷۱

۴- الدّریعه ، جلد ۹ ، صفحه ۱۰۱۷

۵- الدّریعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۷

۶- احیاء الدّائر من القرن العاشر ، صفحه ۲۰۷

شهر بوده است. وی از شاگردان شیخ حسین بن مفلح صیمری (صاحب کتاب المناسک «المنسک» الکبیر، و دارای مقامات عالیه علمی و معنوی) و نیز محقق کرکی (معروف به محقق ثانی) متوفای ۹۴۰ بوده است (۱)، بنابراین، از علماء قرن دهم اصفهان محسوب می گردد.

۱۳- شیخ ابراهیم بن علی خوانساری اصفهانی

عالم عظیم الشأن و جلیل القدر، شیخ برهان الدین، أبو اسحاق، ابراهیم بن شیخ زین الدین، أبی الحسن، علی بن جمال الدین، أبی یعقوب، حاج یوسف بن علی خوانساری اصفهانی، که از علماء قرن دهم هجری بوده است.

صاحب ریاض العلماء، او و پدرانش را با همین القاب و کنیه ها یاد نموده (که نشان دهنده شخصیت آنها می باشد) و او را از اجماع شاگردان محقق کرکی دانسته، که شماری از کتب فقهی و غیر آن را، در نزد او خوانده است. محقق کرکی اجازه ای برای این دانشمند بزرگ نوشته بوده، در پشت کتاب کشف العمه علی بن عیسی اربلی، که تاریخ آن سال ۹۲۴، و محل نوشتن آن، مشهد مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف بوده است.

مرحوم محقق کرکی، در آن اجازه، از این بزرگمرد ستایش نموده، و بر او ثناء گفته است (۲).

۱۴- أبو القاسم اصفهانی

أبو القاسم بن محمد بن حیدر اصفهانی. وی فرزند محمد بن حیدر، مشهور

ص: ۳۸۶

۱- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۱۷۸ و أعیان الشیعه، جلد ۵۲، صفحه ۱۱۴

۲- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۲۶ و أعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۲ صفحه ۱۹۷ و احیاء الدائر من القرن العاشر، صفحه

۲، الدرر، جلد ۱، ص ۲۱۲

به میرکی (از شاگردان محقق کرکی) بوده ، و در نزد پدر خود ، کتاب قاطعه اللجاج محقق کرکی را قرائت کرده است (۱).
مرحوم آقابزرگ طهرانی، وی را در شمار علماء قرن دهم هجری شمرده است (۲).

۱۵- محمد بن صدرالدین اصفهانی

وی از علماء قرن دهم به شمار رفته ، و از آثار او ، نسخه برداری از جزء پانزدهم « تذکره الفقهاء » علامه حلی می باشد ، که در تاریخ نیمه جمادی الثانیه ۹۶۰، از نوشتن آن فارغ گردیده است .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی می فرماید : يظهر من آثاره انه من العلماء (۳).

۱۶- شیخ رشید الدین بن ابراهیم اصفهانی

وی عالمی است فاضل ، از شاگردان شیخ حسین بن عبد الصمد (پدر شیخ بهائی) ، که صاحب ریاض العلماء ، نسخه ای از اربعین همین شیخ حسین را دیده ، که بر آن نسخه ، اجازه ای برای شیخ رشید الدین نوشته ، و او را ستوده است (۴). تاریخ این اجازه ، نهم جمادی الأولى سال ۹۷۱ می باشد ، و در مشهد رضوی نوشته شده است (۵).

۱۷- رشید الدین اصفهانی

شیخ رشید الدین بن شیخ ابراهیم اصفهانی ، عالمی فاضل بوده ، و از

ص: ۳۸۷

۱- الدررعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۷

۲- احیاء الدائر من القرن العاشر ، صفحه ۱۸۴

۳- احیاء الدائر من القرن العاشر ، صفحه ۲۰۸

۴- ریاض العلماء ، جلد ۲ ، صفحه ۳۱۱ و أعیان الشیعه ، جلد ۷ ، صفحه ۵

۵- الدررعه ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸۶

شاگردان شیخ حسین بن عبد الصّمد (پدر شیخ بهائی) به شمار رفته ، و اجازه ای از استاد خود (شیخ حسین بن عبد الصّمد) دریافت نموده ، که در آن با خطّ خودش ، از رشید الدّین ، ستایش و مدح نموده است (۱).

این اجازه به تاریخ چهارشنبه نوزدهم جمادی الآلی ۹۷۱ بوده ، و در آن آمده است : بِالْأَخِ فِي اللَّهِ ، الْمَحْبُوبُ لَوَجْهِهِ ، أَلشَّيْخِ رَشِيدِ الدّين ... و شیخ حسین بن عبد الصّمد ، این اجازه را در پشت کتاب اربعین خود ، نوشته بوده است (۲).

۱۸- شیخ عنایت الله اصفهانی

وی یکی از محققین و علماء قرن دهم بوده ، و در یک مسئله که از محقق کرکی سؤال نموده ، اشکالاتی را مطرح کرده ، و محقق کرکی به اشکالات او توجه نموده ، و پاسخ داده است .

این سؤال و جواب علمی را ، شخصی به نام درویش بن عابدین ، در سال ۹۷۹ نوشته ، که نسخه آن در کتابخانه مدرسه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی ، (در نجف اشرف) موجود بوده است (۳).

۱۹- علی بن حسن زوارهای اصفهانی (مفسر)

مفسر بزرگ و نامدار ، و فقیه محدث و عالم متبحر ، مولی علی بن حسن زواره ای اصفهانی ، که کنیه اش ابو الحسن بوده ، و از مفاخر علماء شیعه در قرن دهم ، به شمار می رود .

وی از شاگردان مبرز محقق کرکی ، متوفای ۹۴۰ ، و استاد ملا فتح الله

ص: ۳۸۸

۱- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۳۱۱

۲- احیاء الدّائر ، صفحه ۸۷ و ریاض العلماء ...

۳- احیاء الدّائر من القرن العاشر ، صفحه ۱۷۱

کاشانی (مفسّر نامدار شیعه ، و متوفای ۹۸۸) (۱) و از بزرگترین شاگردان سید غیاث الدین جمشید زواره ای (مفسّر) بوده است (۲). او تألیفات بسیاری داشته ، که نشانه تبخّر او از یک طرف ، و توجه او به نشر آثار أهل البيت عليهم السلام در میان عموم مردم ، از طرف دیگر می باشد ، که ذیلاً ذکر می نمائیم :

۱- تفسیر زواری ، که به نام « ترجمه الخواص » می باشد ، و تفسیری است بزرگ به زبان فارسی ، و مشتمل می باشد بر اخباری که از ائمه عليهم السلام وارد شده در تفسیر قرآن ، و بیان آیات نازلّه در شأن ائمه عليهم السلام ، و نسخه جلد اول این تفسیر ، که تا آخر سوره کهف است ، در کتابخانه بشیر آغا، در اسلامبول موجود می باشد ، و نسخه جلد دوم و سوم آن ، که تا آخر قرآن است ، در کتابخانه آستان قدس رضوی ، موجود می باشد .

(تاریخ پایان تألیف و نگارش این تفسیر ۹۴۷ هجری) می باشد (۳).

۲- شرح نهج البلاغه، به نام روضه الأنوار ۳- ترجمه کشف الغمه به نام ترجمه المناقب ۴- ترجمه مکارم الأخلاق به نام مکارم الکرائم ۵- ترجمه عده الداعی به نام مفتاح النّجاح ۶- ترجمه احتجاج طبرسی ۷- ترجمه اعتقادات صدوق به نام وسیله النّجاه ۸- ترجمه تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام ۹- مجمع الهدی ، کتابی بوده بزرگ درباره قصص انبیاء و ائمه و احوال آنها ۱۰- تحفه الدّعوات (در اعمال سال) ۱۱- لوامع الأنوار (کتابی بوده بزرگ و مشهور در میان مردم، درباره مناقب ائمه اطهار عليهم السلام) ۱۲- رساله مرآه الصّفا (که خاتمه آن در

ص: ۳۸۹

۱- احیاء الدّائر من القرن العاشر (از حاج آقا بزرگ طهرانی) صفحه ۱۵۲

۲- ریاض العلماء ، جلد ۳، صفحه ۳۹۴

۳- الذّریعه إلى تصانیف الشّیعه ، جلد ۴، صفحه ۱۰۰

زیارات پیامبر و حضرت فاطمه و ائمه، صلوات الله عليهم أجمعين) بوده است (۱).

۲۰- کمال الدین حسین (ضمیری اصفهانی)

شاعر نامدار و کثیر الشعر، کمال الدین حسین اصفهانی، متخلص به ضمیری، و ماهر در علم نجوم و رمل، و متوفای ۹۷۳ یا ۹۸۷ یا ۱۰۰۰ هجری، و مدفون در اصفهان. وی یکصد هزار شعر سروده، ولی حتی یک شعر در مدح سلاطین و قدرتمندان نگفته است، که نشان دهنده همت بلند و روح آزاد او می باشد (۲).

او را ظریفی خوش صحبت، و حریفی بلند همت، و أشعار نمکین او را، مرهم سینۀ مجروح عاشقان، و آیات شیرینش را راحت روح عارفان، دانسته و گفته اند: گویا در اصفهان، بلکه در سایر ولایات،

شاعری به فراوانی شعر او نیامده است (۳).

شش مثنوی با نامهای: ۱- ناز و نیاز، ۲- بهار و خزان، ۳- لیلی و مجنون، ۴- وامق و عذرا، ۵- اسکندرنامه، ۶- حسنه الأخبار یا جنه الأخبار.

و هم چنین، هفت دیوان به نامهای: ۱- سفینه اقبال، ۲- صورت حال، ۳- مكثر الأقوال، ۴- عشق بی زوال، ۵- صیقل ملال، ۶- عذر مقال ۷- قدس خیال، از آثار او می باشد (۴).

و نیز چهار دیوان در برابر چهار اثر شیخ سعدی، به نامهای: طیبات و بدایع

ص: ۳۹۰

-
- ۱- کتابهای یاد شده، از ریاض العلماء، جلد ۳، صفحه ۳۹۴ - ۳۹۶، و الکنی و الألقاب مرحوم قمی، جلد ۲، صفحه ۳۰۰، و ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۳۹۳ و مواضع مختلفه الدرّیعه نقل گردیده است
 - ۲- الدرّیعه إلى تصانیف الشّیعه، جلد ۱، صفحه ۶۲۶
 - ۳- مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۰۹
 - ۴- الدرّیعه، جلد ۷، صفحه ۲۶۱ و مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۱۰

و خواتیم و غزلیات قدیم، فراهم آورده، و به نامهای: طاهرات و صنایع و بدائع الشعر و نهاییه السحر نامیده است، و هم چنین، در برابر آثار شعراء بزرگی هم چون: حافظ شیرازی و آصفی مروی، و بابا شهیدی قمی، و همایون أسفراینی، و میرزا شرف جهان قزوینی، و کمال خجندی، و امیر خسرو دهلوی، و حسن دهلوی، و جامی، و بابافغانی، و شاهی، و بنائی، و صالح، آثاری به وجود آورده، و هر کدام را به نامی نامیده است (۱) که نشان دهنده نبوغ و استعداد و پشتکار او می باشد. از اشعار او است (۲)

گریه من سوز و، سوزم گریه می آرد ز درد***دردمندم، گریه و سوزم اثر دارد بسی

و از آثار او، فرهنگ ضمیری می باشد، که از مآخذ فرهنگ جهانگیری بوده است (۳).

در فن شعر و صنعت و معماری و هنر

هرگز کسی نیافته همتای اصفهان

فرزانگان شعر و سخن رشک میبند

بر طبع شاعران توانای اصفهان

ص: ۳۹۱

۱- به الذریعه، ج ۹ و ۷، و مجمع الفصحاء، و سایر تذکره‌های شعراء، مراجعه شود

۲- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۸۵

۳- الذریعه، جلد ۱۶، صفحه ۲۰۳

تو شهر راد مردان غیور کشور آرائی
تو گنجی پر گهر ز آثار ممتاز هنرهای
ز آرایش ، فرح بخشی و ، منظور نظرهای
تو محبوبی ، تو مطلوبی ، تو مقبولی ، تو زیبایی
تو بر نصف جهان ، ای اصفهان ، مشهور دنیائی
شود پیوسته افزوده مقام و عزت و شانت
هنوز آگهدلان ، فرخنده می دانند فالت را
هنوز از دور می آیند و می پرسند حالت را
دل از کف دادگان دارند امید وصال را
مگر بینند طرف زنده رود بی مثال را
ستایش می کند گیتی ، جمالت را ، کمالت را
هنوز آید به گوش ، آواز مردان سخندانت
همیشه سربلند ، ای اصفهان بادا ، لوای تو
همیشه روح بخش و جانفزا بادا ، هوای تو
تو زینت بخش ایران عزیزی ، جان فدای تو
تو باقی باش ، چون باشد بقای ، من بقای تو
مبادا بی نوا گردی ، که می گوید (نوا ی تو)
بود دست توانای هنرمندان نگهبانت

۹- خاندانهای علمی شیعه در طول تاریخ اصفهان

اشاره

ص: ۳۹۳

از زمینه های تجلی عظمت و گستردگی حوزه علمی شیعه در اصفهان ، وجود خاندانهای علمی بسیار می باشد ، که در طول تاریخ درخشان این شهر ، مهد پرورش چهره های برجسته ، در عالم تحقیق و تدریس و تالیف و مرجعیت علمی و دینی بوده است ، و لذا ما، در یک بررسی فشرده ، نمونه هایی از خاندانهای علمی و بزرگ شیعه را در اصفهان ، مورد توجه قرار داده ، و به ترتیب حروف الفباء، از آنها یاد می نمائیم:

ابطحی اصفهانی

این خاندان در حوزه های علمیّه قم و نجف اشرف و ... ، با عنوان « ابطحی اصفهانی » و در زبان عموم مردم ، با عنوان « ابطحی » شناخته می شوند ، ولی به مناسبت نام فامیل این خاندان ، که عنوان « موحد ابطحی » است ، بحث در باره این خاندان را به حرف (میم) موکول می نمائیم .

□ خاندان علمی ابطحی سِدهی

از خاندانهای علمی اصفهان ، که مهد پرورش علماء و مجتهدین بزرگوار و خطباء و ائمه جماعت بوده است ، خاندان ابطحی می باشد ، که به مناسبت اصل آنها که از (سِده) (خمینی شهر فعلی) بوده ، ابطحی سِدهی خوانده می شوند ، و این خاندان غیر از خاندان موحد ابطحی (خاندان نویسنده این سطور) می باشد ، که از دیر زمانی در شهر اصفهان زندگی می کرده اند . اینک چهره هایی از خاندان ابطحی سِدهی مورد توجه قرار میگیرد :

فقیه و مجتهد محقق ، و مدرّس و مربّی عالیقدر ، حاج سید محمد باقر ابطحی سیدھی ، متوفای ۱۳۶۷ قمری . وی از شاگردان حاج شیخ محمد تقی نجفی و آقا سید محمد باقر درچه ای و آخوند کاشی و دیگر بزرگان می باشد ، و حوزه درسی او ، محلّ پرورش طلاب و فضلاء عالیقدر بوده ، و جمعی از علماء دوره متأخر ، از جمله شاگردان آن بزرگمرد بوده اند ، و ایشان ، در مدرسه صدر بازار و مدرسه کاسه گران تدریس می نموده اند(۱).

معظم له ، بیانی رسا و روح تحقیق داشته اند ، و از مجتهدین بزرگوار بوده ، و در سنّ ۲۴ سالگی اجازه اجتهاد از مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی ، دریافت نموده ، و دارای فرزندان از اهل علم و تدریس و خطابه بوده اند ، و در سفر به مشهد مقدّس ، رحلت فرموده ، و در جوار حضرت امام علیّ بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردیده اند .

ب - حاج سید ابو القاسم سیدھی اصفهانی

عالم فاضل و نویسنده متبّع ، و واعظ متبحر ، حاج سید ابو القاسم سیدھی ، متوفای ۱۳۲۹ قمری ، که در مکه معظمه ، دار دنیا را وداع گفته(۲) و در قبرستان حضرت اُبی طالب علیه السلام مدفون گردیده است . وی تألیفات بسیاری داشته ، همانند : ۱- بدایع الأخبار ۲- بشاره الأبرار ۳- برهان الرّساله ۴- حسام الشّیعه (در اثبات إمامت امیر المومنین علیه السلام) ۵- خصائص الأیام ۶- دلائل الرّبویّه ۷- لمعات الأنوار ۸- نفائس الأخبار ۹- مشکوه الأنوار ، که نشان دهنده تبخّر

ص: ۳۹۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۸۳

۲- نقباء البشر ، جلد ۱، صفحه ۷۲

آن بزرگمرد در زمینه حدیث و کلام و عقائد و تاریخ می باشد، مرحوم حاج سید ابوالقاسم ابطحی سیدھی، برادر مرحوم آیه الله، حاج سید محمد باقر ابطحی سیدھی بوده(۱) و آن بزرگمرد، در شهر تهران سکونت داشته اند.

ج - حاج سید محمد علی ابطحی سیدھی

مجتهد محقق، و مؤلف کثیر الاثر، مرحوم حاج سید محمد علی ابطحی سیدھی، فرزند آقا سید مهدی حسینی، و متوفای ۱۳۷۱ قمری. وی از شاگردان آقا شیخ مرتضی ریزی و آقا سید محمد باقر درچه ای و جهانگیر قشقائی و دیگر بزرگان حوزه علمیه اصفهان بوده، و در حدود پنجاه کتاب و رساله پیرامون فقه و اصول و کلام...، تألیف نموده (۲)، و آن بزرگمرد، در زمینه فقه و اصول و تفسیر، حوزه تدریس داشته است.

علاوه بر یادشدگان، جمعی دیگر از علماء جلیل القدر، در این خاندان نشو و نما یافته اند، همانند: حاج آقا دهی بزرگ (حاج سید محمد رحیم سیدلی، متوفای ۱۳۳۷ قمری) و حاج میرزا سید محمد (حاج آقا سیدھی دوم، مدرس مدرسه کاسه گران و مدفون در صحن نو مشهد مقدس)، که از مفاخر این خاندان و از چهره های مبرز جامعه روحانیت اصفهان به شمار می روند.

۲- خاندان علمی اژه ای

خاندانی است علمی، که در طول دو قرن، علماء و دانشمندان متعددی را به جامعه شیعه عرضه داشته، و مهمترین آنها، فقیه متکلم، و محقق متبحر، ملا علی

ص: ۳۹۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۸۳

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۸۵

أكبر اژه ای ، متوفای ۱۲۳۲ قمری می باشد . وی در مسجد علی ، واقع در خیابان هاروتیه (در جوار امامزاده هاروتیه) که از مساجد تاریخی و باستانی اصفهان می باشد ، تدریس می نموده ، و إمامت جماعت داشته است ، و تألیفات متعددی (در حدود ۱۶ عدد) از خود به جای گذاشته ، که مهمترین و معروفترین آنها (زیده المعارف) است ، که در علم کلام و عقاید تألیف گشته (۱) و نشانه قدرت اندیشه و وسعت تفکر آن محقق عالیقدر می باشد ، و بسیار مفصل و طولانی است . صاحب أعیان الشیعه و مرحوم قمی ، آن بزرگمرد را با عناوین : عالم فقیه ، و متکلم واعظ ، و عابد متعهد ، و مرتاض کثیر الزهد و العباده ، و قلیل الأکل و الرّاحه ، ستوده اند (۲).

فرزند آن بزرگوار ، به نام ملا عبد الله اژه ای ، متوفای ۱۲۶۵ قمری ، عالمی محقق و مورد توجه بوده (۳) و از خاندان آن عالم متبحر ، علمائی برخاسته اند ، همانند : مرحوم حاج میرزا حسین اژه ای ، متوفای ۱۳۸۳ قمری ، که شخصیتی بارز و مورد توجه بوده ، و نیز عده ای دیگر ، که در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۴۳۹ ، از برخی از آنها یاد شده است .

۳- خاندان علمی امامی

خاندان علمی ریشه داری است ، که نسب آنها به امامزاده لازم التّعظیم ، أبو الحسن ، زین العابدین ، علی بن نظام الدّین أحمد بن علی العریضی ، بن الإمام

ص: ۳۹۸

۱- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۳۲ - ۳۳

۲- فوائد الرّضویّه ج ۱ ، صفحه ۲۷۴ ، و أعیان الشیعه ، چاپ قدیم ، ج ۴۱ ، ص ۸۵

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۳۹

جعفر الصادق علیه السلام می رسد (۱).

شخصیت یاد شده، از بزرگان سادات و محدّثین بوده، و در محلّی که به نام «درب إمام» خوانده می شود (واقع در نزدیکی مسجد تاریخی سعید بن جبیر، و محلّه و قبرستان سنبلان یا چملان) مدفون گردیده، و در دوره های قبل از صفویّه، بقعه و مزاری برای آن بزرگوار و امامزاده دیگری به نام، ابراهیم طباطبا، تأسیس گشته است (۲) و در دوره صفویّه تکمیل و توسعه یافته، و کاشی کاریهای مفصّل شده، و به صورت یکی از مزارات مهم و مورد توجه در آمده است، و از ساختمانهای باستانی و تاریخی و بسیار ارزشمند به شمار می رود. در کتابهای «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» و «آثار ملی اصفهان» به تفصیل درباره این مجموعه ارزشمند بحث شده است (۳).

در خاندان یاد شده، که عمده با نام «إمامی العریضی» و «درب إمامی» و «فقیه إمامی» خوانده می شوند، چهره های برجسته و ارزشمندی، در طول چند قرن گذشته، قدم در عرصه حوزه علمیه گذارده اند، که ذیلاً به برخی از آنان اشاره می نمائیم:

الف - سید علی إمامی العریضی اصفهانی

فقیه حکیم، و محقق بزرگوار، سید علی إمامی عریضی اصفهانی، متوفای

ص: ۳۹۹

۱- میزان الأنساب از مرحوم آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۱۸، رجال اصفهان صفحه ۱۸۷ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۶۵

۲- بعضی از کتیبه های موجود در ساختمان امامزاده حاکی است، از این که ساختمان بقعه، متعلق به دوره سلطنت امیر جهانشاه می باشد، و در سال ۸۵۷ قمری انجام گرفته است

۳- در بخش «امامزادگان اصفهان» در باره این امامزاده، به تفصیل بیشتری بحث نموده ایم

۱۱۲۰ قمری ، که از شاگردان محقق نامدار ، آقا حسین خوانساری و علامه مجلسی بوده ، و جامع معقول و منقول به شمار رفته است (۱). وی تألیفات برجسته ای ، همانند : « التراجیح » (که کتاب بزرگی در چند مجلد در فقه بوده) (۲) و ترجمه اشارات ، و ترجمه شفاء بوعلی سینا ، و هشت بهشت (که ترجمه هشت کتاب مهم از مصادر حدیث است) و ... داشته ، و در کتابهای اعیان الشیعه ، ریحانه الأدب ، روضات الجنات ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین و ... ، مورد تجلیل فراوان قرار گرفته است .

جدّ سید علی عریضی ، به نام میر ابوطالب امامی ، در علم و حکمت بر اقران خود مقدم بوده ، و تولیت شرعی امام زاده درب امام بر عهده او بوده ، و از علماء دوره شاه طهماسب صفوی به شمار رفته است .

ب - آقا سید محمد درب امامی

وی ، فرزند آقا سید عبد الباقی ، و از علماء معمر و مشهور به زهد بوده ، و در سال ۱۳۵۹ قمری وفات یافته ، و در قبر آقا میرزا محمد باقر پیش نماز (امام جماعت جامع عباسی = مسجد شاه) که از اجداد مادری او بوده (در تکیه آقا رضی) مدفون گردیده است . او مدرّس فقه و اصول در مدرسه نیم آور بوده است . این بزرگمرد ، مدرّس فقه و اصول در مدرسه نیم آور بوده اند .

ج - حاج آقا عطاء الله فقیه امامی

عالم فقیه ، و مدرّس حسیب ، مرحوم آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی

ص: ۴۰۰

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۳۴۳

۲- آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه ، جلد ۱، صفحه ۳۸۱

(فرزند آقا سید محمد درب امامی) ، متوفای ۱۳۸۷ قمری ، که از شاگردان شخصیت‌های علمی و بزرگی ، همانند : آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، و آقا سید محمد باقر درچه ای ، و آقا سید مهدی درچه ای (در حوزه اصفهان) و نیز از شاگردان بزرگان فقه و اجتهاد، همانند : آقا ضیاء الدین عراقی ، و آقا سید محمد فیروز آبادی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی و ... (در حوزه نجف) بوده، و به مقام منبع اجتهاد رسیده اند ، و از آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، و آقا ضیاء الدین عراقی ، و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی ، مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده اند .

معظم له ، در مدرسه نیم آور ، تدریس فقه و اصول و دیگر علوم حوزوی می نموده اند ، و شخصیت تقوایی و اخلاقی آن بزرگمرد ، از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان ، و موجب تقویت شوکت دین در جامعه به شمار می رفته است .

د- ه - دو خطیب نامدار

دو خطیب نامدار و مورد توجه از خاندان امامی العریضی ، مرحوم میر محمد حسین امامی ، ملقب به « قوام المحدثین » متوفای ۱۳۴۶ قمری ، و فرزند برومند ایشان ، حاج سید ابوالفضل ملقب به « مشکوه الواعظین » متوفای ۱۳۹۲ قمری ، که در عالم وعظ و خطابه درخشیده اند ، و از چهره های مشهور و مورد توجه این خاندان ، در شهر اصفهان به شمار می روند .

وز - دو چهره معاصر

دو شخصیت برجسته حوزه علمیّه اصفهان ، در دوره اخیر ، العَلَمَین الحَبَّتَین

ص: ۴۰۱

الایتین ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی (۱) و آقای حاج سید حسن فقیه امامی ، دو فرزند گرانقدر مرحوم آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقه امامی ، که استادی عالیقدر در حوزه علمیه ، و پیشوائی پرکوش در سنگر هدایت دینی در جامعه ، و مدافعی پرتلاش در دفاع از حریم مکتب ولایت و امامت می باشند و در حفظ و گسترش ارزشهای حوزه ای ، و سرپرستی و تربیت طلاب علوم دینی ، نقش اساسی بر عهده دارند، و در طول سی سال اخیر ، خدمات کم نظیری را نسبت به حوزه علمیه اصفهان و تشیع و ولایت ، و حفظ ارزشهای دینی ، عرضه نموده اند (۲).

۴- خاندان علمی که (آل ترکه)

یکی از خاندانهای علمی برجسته شیعه ، که در طول چندین قرن ، در شهر اصفهان به علم و دانش و قضاوت و تدریس و پیشوائی دینی اشتغال داشته اند ، خاندان ترکه (آل ترکه) می باشند .

جد آنها در زمان خوارزمشاهیان یا سلجوقیان ، از خُجند (۳) به اصفهان

ص: ۴۰۲

۱- در تاریخ دهم جمادی الثانیة ۱۴۱۴ قمری ، جامعه با ایمان و ولایت اصفهان و حوزه علمیه ، به غم ارتحال این بزرگمرد دچار گردید ، و هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود ، (سال ۱۴۱۷ قمری) شهر و حوزه علمیه اصفهان ، در چهارمین سال ارتحال و فقدان این بزرگمرد به سر می برد

۲- در بخش های « مدارس علمیه اصفهان » ، « کتابخانه های اصفهان » ، « مدرّسین حوزه علمیه » نیز درباره دو شخصیت یاد شده ، بحث و بررسی داریم ، و در کتابی مستقل به نام « یادواره آیه الله فقیه امامی » در باره خاندان امامی و آثار و خدمات علمی و اجتماعی دو چهره معاصر این خاندان ، بحث و بررسی مفصل نموده ایم

۳- خجند ، یکی از شهرهای جمهوری ازبکستان ، در کنار سیحون می باشد ، و مرکز و پایتخت آن محسوب میشود (فرهنگ معین) ، از شهرهای ماوراء النهر و در کنار سیحون می باشد (لغتنامه دهخدا)

آمد (۱) و سکونت نمود، و از نسل او در این شهر، دانشمندانی بزرگ پدیدار گردیدند، همانند:

الف - صائن الدین، علی بن محمد ترکه

معروف به «صائن اصفهانی» متوفای ۸۳۰ یا ۸۳۵ یا ۸۳۶ هجری. او به نوشته ریحانه الأدب، سید بوده، و از معروف ترین چهره های علمی آل ترکه و جامع معقول و منقول و علوم غریبه بوده، و از مشاهیر حکماء به شمار می رود و در اصفهان تدریس می کرده است.

وی تألیفاتی، همانند: أسرار الصلوه، و شرح فصوص الحکم، و شرح قصیده ابن فارض، و مفاحص، و نفثه المصدور و شرح نهج البلاغه، و تمهید القواعد و ... داشته است.

ملک الشعراء بهار، ۲۹ جلد از تألیفات او را بر می شمرد، و در عموم کتب تراجم و رجال و دائره المعارف ها، مورد تجلیل قرار گرفته است.

ب - خواجه افضل الدین، محمد صدر

خواجه افضل الدین ترکه اصفهانی، شهید در ماه رمضان ۸۵۰ هجری (به امر شاهرخ). وی، از قضات و دانشمندان بزرگ شیعه و اصفهان بوده، و کتاب ملل و نحل شهرستانی را ترجمه نموده، و شبهات ملل باطله را دفع نموده،

ص: ۴۰۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۹، و در ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۶۶ آمده است: خانواده ای است بزرگ و ترکی زبان، از شهر خجند ترکستان، که از عهد مغول تا دوره صفویه، در اصفهان از خانواده های معروف و محترم به شمار می رفت

و مجموع ترجمه و مطالب اضافی و تحقیقات شخصی خود را به نام «تَنْقِيحُ الْأَدْلَةِ وَالْعِلَلِ» فی ترجمه کتاب الملل و النحل ، نامیده است . صاحب روضات ، او را با عنوان فاضل حکیم می ستاید (۱) و در ریحانه الأدب ، فعالیت علمی او در زمینه ترجمه و تألیف یاد شده در فوق ، خدمت بزرگی به علم و ادب و دین و مذهب ، به شمار آمده است (۲).

ج - صدر الدین محمد

که از علماء و شخصیت های قرن هفتم هجری ، و معاصر با خواجه رشید الدین فضل الله ، بوده است ، از نامه خواجه رشید الدین به صدر الدین محمد ، در مورد طریقه احسن برای وضع مالیات دیوانی بر مردم اصفهان ، و هم چنین مکتوب او در مورد وصیت نامه و تقسیم املاک خواجه رشید الدین ، موقعیت برجسته اش ، در آن زمان به دست می آید (۳).

د- ضیاء الدین علی ترکه

وی ، عالمی ادیب و شاعری مورد توجه بوده است ، و مرحوم شیخ بهائی در کتاب «کشکول» یک رباعی از او نقل می کند .

ه- افضل الدین محمد

متوفای ۹۹۱ در شهر ری، وی معاصر شاه طهماسب صفوی، و شاعر و ادیب و نیز قاضی رسمی شهر اصفهان بوده است .

ص: ۴۰۴

۱- روضات الجنات ، صفحه ۵۹

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲، صفحه ۱۶۵

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۱ و دائره المعارف تشیع جلد ۱ ، صفحه ۱۵۴

و - خواجه حبیب الله تُرکه

ز - جلال الدین محمد تُرکه

وی ، از دانشمندان خاندان ترکه ، و معاصر شاه عباس کبیر بوده است .

ح - ملا مظفر ترکه

او شاعری ادیب ، و منشی شاه عباس ثانی بوده است ، و صاحب کتاب « قصص الخاقانی » ، او را از نبیره های خواجه افضل الدین محمد (قاضی شهر اصفهان) شمرده ، و او را مردی ظریف و بذله گو دانسته است (۱).

۵- خاندان علمی تویسرکانی

از خاندانهای علمی اصفهان ، که به جهت علم و دانش و تقوی و سیادت و شخصیت های برجسته آن ، مورد احترام و توجه مؤمنین بوده ، خاندان تویسرکانی می باشد ، که در برگیرنده چهره های مبرز بوده است ، بدین شرح :

الف - حاج میرزا عبد الغفار تویسرکانی

فقیه مجتهد و مؤلف محقق ، حاج میرزا عبد الغفار تویسرکانی ، متوفای ۱۳۱۹ قمری ، که از شاگردان آقا میر سید حسن مدرّس و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی (۲) و هم درس و رفیق آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات

ص: ۴۰۵

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۴۸

۲- مرحوم حاج میرزا عبد الغفار ، از سادات و ذراری رسول صلی الله علیه و آلهی و سلم می باشند ، و مرحوم حاج ملا حسینعلی تویسرکانی (که از مراجع تقلید و دارای ریاست علمی و زعامت دینی در حوزه علمیه و شهر اصفهان بوده اند. و تالیفات زیاد و پر اهمیتی داشته اند) دارای انتساب نسبی به رسول الله صلی الله علیه و آلهی و سلم نبوده اند ، و به همین دلیل از یک خاندان نمی باشند

الجَنّات) بوده، و از مرحوم تویسرکانی و صاحب روضات اجازه داشته است. این بزرگمرد، در تألیف روضات الجنّات، مشوّق و همکار مرحوم آقا میرزا محمّد باقر (مؤلّف کتاب) بوده است (۱).

مرحوم تویسرکانی، به نوشته مرحوم گزی، در (تذکره القبور) جامع معقول و منقول بوده، و به نوشته حاج آقا بزرگ طهرانی، تألیفاتی، همانند: کشکول بزرگی به نام « الجراب » و کتاب « جواهر المعارف » و ...، داشته است. وی، سرسلسله خاندان علمی بوده، و به احترام او تکیه و بقعه تویسرکانی در تخت فولاد تأسیس گشته است.

ب - حاج میرزا محمّد باقر تویسرکانی

وی، از علماء و محترمین اصفهان، و مجتهد و زاهد بوده (۲) و فرزند حاج میرزا عبدالغفار (مذکور در فوق) می باشد. از استاد‌های بزرگوار، همانند: پدر خود و حاج میرزا بدیع درب امامی و آخوند کاشی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، بهره علمی گرفته، و تألیفاتی، همانند: حواشی بر شرایع، حواشی بر شرح لمعه و مآثر آل‌باقریه (در چندین جلد، در فوائد رجالی و متفرّقات) و ...، از خود به جای گذاشته و در سال ۱۳۷۴ قمری وفات یافته است.

ج - حاج میرزا أبو الحسن تویسرکانی

وی، از علماء محترم و محبوب و مورد توجه بوده، و همانند برادر خود (حاج میرزا محمّد باقر، مذکور در فوق) در مسجد مهم و معروف حاج محمّد

ص: ۴۰۶

۱- نقباء البشر، جلد ۳، صفحه ۱۱۴۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۸۱

جعفر آبناده ای، إقامهٔ جماعت می نموده، و در سال ۱۳۸۳ قمری وفات یافته، و همانند برادر خود، در تکیهٔ تویسرکانی (تکیهٔ پدر بزرگوارشان) مدفون گردیده است (۱).

۶- خاندان علمی جزائری

از خاندانهای علمی بزرگ و گسترده ای که در طول چهار قرن، مهد پرورش علماء بزرگ، و مجتهدین عالیقدر و محققین و نویسندگان بزرگ بوده، و اعضاء آن، در کشورهای مختلف، همانند: ایران و عراق و هند، و شهرهای گوناگون، همانند: اصفهان، اهواز، شوشتر، قم، تهران، مشهد و...، زندگی نموده، و به فعالیت های گوناگون علمی، از قبیل: تدریس، افتاء، تألیف و تحقیق، سخنوری، إمامت جماعت، تبلیغ احکام و... می پرداخته اند، خاندان پر آوازه و مشهور جزائری می باشد، که منسوب و مفتخر به بزرگمرد عالم فقه و حدیث، نابغهٔ عظیم الشان، سید نعمت الله جزائری بوده و هستند، و برخی از شاخه های این خاندان، با نامهای دیگری نامیده می شوند.

شاخه ای از این خاندان، در شهر اصفهان زندگی کرده، و در حال حاضر عده ای از وابستگان آن، به کوشش های علمی و دینی مشغولند.

و اینک چند چهره از بزرگان این خاندان، که در شهر اصفهان اقامت و فعالیت علمی و دینی داشته اند، ذکر می گردد:

الف - محدث جزائری سر سلسلهٔ خاندان بزرگ جزائری، محدث و رجالی عظیم الشان، اَدیب

ص: ۴۰۷

و محقق جلیل المرتبه ، فقیه و مفسّر کریم النفس ، مرحوم سید نعمت الله جزائری متوفای ۱۱۱۲ قمری می باشد ، که در حوزه های گوناگون ، همانند : شیراز و اصفهان تحصیل علم نموده است ، و استاد هائی ، همانند : سید هاشم بحرانی ، فیض کاشانی ، محقق خوانساری ، محقق سبزواری ، میرزا رفیعی نائینی ، علامه مجلسی و ... داشته ، و خود او ، استاد بزرگ و صاحب حوزه درسی پر برکت ، در شهرهای اصفهان و شوشتر بوده ، و مدرسه خالصیه اصفهان ، به احترام و به جهت تدریس آن بزرگمرد ساخته شده (۱) و از زعمای بزرگ دینی و اجتماعی ، و از پرچمداران بزرگ علمی و تربیتی ، به شمار می رود .

محدث جزائری ، تألیفات بسیار زیاد و متنوع و ابتکاری در زمینه های فقه ، حدیث ، اخلاق ، تراجم و رجال ، نحو و ... ، از خود به جای گذارده ، که نشانه تحقیق ، ابتکار ، حسن سلیقه ، ذوق لطیف و عواطف نیرومند دینی و انسانی آن بزرگمرد می باشد ، و بعضاً از شهرت بسیار زیادی برخوردار است ، و شمار آنها به بیش از پنجاه تألیف می رسد ، و بعضاً ، در چندین مجلد می باشد (۲).

خاندان علمی سید جزائری ، که در میان آنها : فیلسوف ، فقیه ، متکلم ، مفسّر ، اصولی ، محدث ، رجالی ، ادیب ، خطیب ، شاعر و ... فراوان بوده ، از آثار باقیه آن بزرگمرد الهی ، محسوب می گردد .

هر کدام از صاحبان تراجم ، و نویسندگان دائره المعارف ها ، در آثار بزرگ خود ، همانند : أمل الأمل ، ریاض العلماء ، روضات الجنّات ، أعیان الشیعه ، ریحانه الأدب ، فوائد الرضویّه ، الکنی و الألقاب ، لغتنامه دهخدا ، فرهنگ معین

ص: ۴۰۸

۱- درباره مدرسه خالصیه ، در بخش « معرفی مدارس اصفهان » ، بررسی داریم

۲- نابغه فقه و حدیث ، صفحه ۲۲ تا ۸۸

و ... ، درباره شخصیت علمی و آثار سید جزائری بحث نموده اند ، و نیز شرح

حال جالب و مفصّلی از آن نابغه بزرگ ، در آخر انوار نعمانیّه (به قلم خود آن بزرگمرد) منتشر گردیده ، و هم چنین یکی از احفاد دانشمند و محقق ایشان ، به نام « سید محمّد جزائری » کتابی به نام (نابغه فقه و حدیث) تألیف و منتشر نموده ، و به تفصیل در مورد آثار علمی و اجتماعی محدّث جزائری بحث کرده ، و در کتابی دیگر به نام شجره مبارکه (که جلد اول آن به چاپ رسیده و در معرفی اولاد و احفاد و دودمان سید نعمت الله جزائری ، بحث کرده ، که مجموعاً منابع جالبی برای آشنائی با عظمت چهره نورانی آن پیشوای بزرگ می باشد .

ب - سید محمّد شفیع شوشتری

فقیه و رجالی فاضل ، مدرّس و مؤلف زاهد ، آقا سید محمّد شفیع بن سید محمّد شوشتری ، متوفای ۱۲۷۴ قمری . وی از احفاد سید جزائری بوده ، و از شوشتر برای تحصیل علم به اصفهان آمده ، و از محضر بزرگانی همچون حاج محمّد ابراهیم کرباسی و سید شفتی بهره برده ، و پس از نیل به کمالات علمی ، خود ، به درس و بحث و تحقیق و تألیف پرداخته است .

از تألیفات و آثار قلمی او ، یکی حواشی بر شرح کبیر (ریاض المسائل) در چندین مجلّد ، که بسیار مفصّل بوده ، و تا آخر کتاب صلوه رسیده ، و دیگری رساله ای در منجزات مریض ، و سوّمی ، حواشی بر کتاب نقد الرجال تفرشی ، و هم چنین فوائد متفرّقه ای در رجال (که فراوان بوده است) یاد کرده اند ، و کتابخانه ای داشته ، دارای اهمّیت ، که در پشت اوائل و اواخر بسیاری از کتابهای آن ، فوائد نافعهای ، به خطّ او و فرزندش آقا سید محمّد (مذکور در

ص: ۴۰۹

ذیل) ثبت شده بوده است(۱). مرحوم آقا سید محمد شفیع جزائری، در صحن تکیه مرحوم آقا حسین خوانساری، مدفون می باشد(۲).

ج - آقا سید محمد جزائری

عالم فاضل و مدرس زاهد، آقا سید محمد جزائری، فرزند آقا سید شفیع، و متوفای ۱۳۲۲ قمری، و مدفون در تکیه شهسپانی. وی به نوشته مرحوم آخوند گزی در تذکره القبور، مدرس و مطلع بر فقه و رجال، و از علماء گوشه نشین بوده است(۳) و چندین کتاب با خط خوب در زمینه رجال و غیر آن به دست خود نوشته بوده، و استنساخ کرده، که در پشت بسیاری از آنها تاریخ وفات بعضی از علماء را نوشته بوده است(۴).

چنانچه قبلاً اشاره نمودیم، علاوه بر یادشگان، (در طول زمان) عدّه دیگری از احماد مرحوم سید جزائری در شهر اصفهان، به کوششهای علمی و دینی و تبلیغی اشتغال داشته و دارند.

۷- خاندان علمی حافظ ابو نعیم اصفهانی

این خاندان، از خاندانهای علمی قدیمی اصفهان می باشد، که از سلسله های فضل و ادب و ریاست و ارباب اجازات به شمار رفته اند(۵) و از ذریه عبد الله بن

ص: ۴۱۰

- ۱- مکارم الاثار، جلد ۲، صفحه ۴۰۹، و شجره مبارکه، جلد ۱، صفحه ۱۰۷
- ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۷۰ و سیری در تخت فولاد، ص ۱۱۰
- ۳- تذکره القبور (رجال اصفهان)، صفحه ۹۲
- ۴- مکارم الاثار، جلد ۲، صفحه ۴۱۰
- ۵- دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۶۱ - زندگینامه علامه مجلسی ج ۱، ص ۳۳۰ - ۳۳۱

أحمد بن اسحاق بن موسى بن مهران (۱)، (که از بزرگان علم حدیث بوده) هستند، و نسب خاندان مجلسی (علاّمه ملاً محمّد باقر) به همین خاندان می رسد (۲).

بزرگترین چهره علمی این خاندان، محدّث فقیه و مورّخ نامدار، حافظ أبو نعیم، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن اسحق بن موسى بن مهران اصفهانی، متولّد ۳۳۶ و متوفّای ۴۳۰ هجری (۳) می باشد، و کتابهای بسیار ارزشمندی تألیف نموده، از قبیل: حلیه الأولیاء، ذکر أخبار أصفهان، ذکر المهدي و نعوته، منازل من القرآن فی أمير المؤمنین علیه السلام و...، که از منابع معتبر به شمار می رود. حافظ أبو نعیم، به صورت تقیه زندگی می کرده، و از خُلصین و مفاخر شیعه است، و ما، در بخش (نامدارنی بزرگ از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان) از این بزرگمرد علم و دین، با تفصیل بیشتری یاد نموده ایم، به آنجا مراجعه شود.

۸- خاندان علمی حسین آبادی (آقا میرزا محمّد جواد)

از خاندانهای علمی و میّز اصفهان در قرن چهاردهم، خاندان علمی آقا میرزا محمّد جواد حسین آبادی است، که ذیلاً به چهره های درخشانی از این خاندان اشاره می نمائیم:

الف - آقا میرزا محمّد جواد حسین آبادی

سرسلسله خاندان، فقیه و مجتهد عظیم الشّان، آقا میرزا محمّد جواد حسین آبادی، متوفّای ۱۳۱۲ قمری می باشد، که از شاگردان فقیه نامدار شیعه، آقا

ص: ۴۱۱

۱- مهران اولین کسی است که از اجداد اَبی نعیم، اسلام اختیار کرده است (روضات الجنّات جلد ۱، صفحه ۲۷۳)

۲- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

۳- الفیض القدسی چاپ شده در جلد ۱۰۵ بحار الأنوار، صفحه ۱۰۹

شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) بوده، و از آن بزرگمرد اجازه اجتهاد داشته است (۱) و هم چنین مفتخر به کسب اجازه از شیخ اعظم أنصاری بوده است (۲). تألیفات آن بزرگوار در زمینه فقه و اصول و تاریخ و ...، متعدد می باشد، همانند: الزیاحین (در فقه استدلالی) و کنوز اللئالی (در اصول فقه) و بحر البکاء و بساتین الزیاحین و سراج الوهیاج، و چندین اثر دیگر.

وی، مدت چهارده سال در تهران اقامت داشته، و در مسجد سراج الملک، امامت و تدریس می نموده، و سالهائی در اصفهان به فعالیت علمی و درسی اشتغال داشته، و در تخت فولاد مدفون گردیده است.

ب - آقا شیخ أحمد بید آبادی

فقیه جامع و مجتهد کامل، آقا شیخ أحمد بید آبادی، متوفای ۱۳۵۷ قمری، فرزند آقا میرزا محمد جواد (مذکور در فوق). وی از جمله کسانی است که در حدود سن بلوغ و یا قبل از آن، به اجتهاد رسیده اند (۳).

وی از شش نفر از علماء بزرگ، همانند: صاحب روضات و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و پدرش (که استاد او نیز بوده اند) و ...، اجازه اجتهاد داشته و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات دروس اساتید خود نوشته، و به کثرت علم و فضل و زهد، مشهور بوده، و در مدرسه میرزا مهدی تدریس می نموده است.

ص: ۴۱۲

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۳۲۱

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۷

۳- یاد نامه شهید شاه آبادی، صفحه ۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۸ و ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۱۶۷، البته در صفحه ۹۳ نقباء البشر آمده است: بَلَغَ رُتْبَهُ الْإِجْتِهَادِ قَبْلَ بُلُوغِ الثَّلَاثِينَ مِنْ عُمُرِهِ وَ ذَلِكَ لِدُكَايَةِ وَفَطْتِنَةِ

آن بزرگمرد، در اثر حافظه قوی و ذکاوت عجیب، احاطه کاملی بر فروع فقهیه داشته، و دعاهاى طولانى، همانند: دعای ابوحمزه ثمالی را به طور تقطیع در قنوت نافله ها، با صدای جذابی می خوانده است(۱).

مرحوم آقا شیخ أحمد بیدآبادی، پنج فرزند پسر از خود برجای نهادند، که بعضی از آنها در زمره علماء و دانشمندان دینی بوده اند.

ج - آقا میرزا محمد علی شاه آبادی

فقیه اصولی و حکیم عارف، جامع معقول و منقول، و محقق در فروع و اصول آقا میرزا محمد علی شاه آبادی اصفهانی، فرزند آقا میرزا محمد جواد، و متوفای ۱۳۶۹ قمری. وی در نزد پدر و برادر خود (یاد شدگان در فوق) و برخی دیگر از علماء اصفهان، تحصیل علم نمود، و سپس در حوزه علمیه تهران، از محضر آقا میرزا محمد حسن آشتیانی، و آقا میرزا هاشم گیلانی و میرزا أبو الحسن جلوه، به کسب فقه و اصول و حکمت و عرفان پرداخت، و آنگاه عازم حوزه علمیه نجف اشرف و سامراء گردید، و از درس بزرگان و اعلام آن دو پایگاه بزرگ علمی، همانند: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، و حاج میرزا حسین خلیلی، و آقا میرزا محمد تقی شیرازی، و شیخ الشریعه اصفهانی، بهره مند شد، و اجازه اجتهاد از بزرگان حوزه های بزرگ نجف و سامراء دریافت داشت(۲). مرحوم شاه آبادی، پس از مراجعت به تهران، در محله شاه آباد ساکن گردید، و بدین عنوان، شهرت یافت.

آن بزرگمرد، در مسجد جامع تهران، به تدریس و تحقیق و تربیت طلاب

ص: ۴۱۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۸

۲- نقباء البشر، جلد ۴، صفحه ۱۳۷۰

پرداخت^(۱) و مرجع تقلید جمعی از شیعیان گردید، و تألیفاتی در زمینه فقه و اصول و عرفان و غیره، همانند: «الانسان و الفطره» و «الایمان و الرجعه» و «حاشیه بر کفایه مرحوم آخوند خراسانی» و «القرآن و العتره» و «مرام اسلام» و «منازل السالکین» از خود به جای گذارد^(۲).

مرحوم شاه آبادی، در دوره زعامت مرحوم آیه الله العظمی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴ قمری، در حوزه علمیه قم اقامت داشته، و تدریس نموده اند، که از جمله شاگردان ایشان در آن دوره، مرحوم آیه الله العظمی، آقای خمینی قدس سره می باشند^(۳).

از میان نه نفر فرزند ذکور مرحوم شاه آبادی، هفت نفر آنها از اهل علم بوده و هستند، که چهار نفر از آنها از دنیا رفته اند، و بقیه در قم و تهران و لندن، به فعالیت علمی و روحانی اشتغال دارند.

د - آقا شیخ علی محمد الشریف

وی فرزند دیگر آقا میرزا محمد جواد حسین آبادی، و برادر مرحوم آیه الله شاه آبادی می باشد، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، از او تجلیل کرده، و با عناوین عالم تقی و فاضل جلیل، از او ستایش نموده اند^(۴).

مرحوم الشریف، در حوزه اصفهان و کاظمین و نجف، کسب علم نموده، و از مرحوم آقا سید حسن صدر و آقا شیخ محمد تقی آل اسد الله الکاظمی، اجازه

ص: ۴۱۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۹

۲- ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۱۶۷

۳- یادنامه شهید شاه آبادی، صفحه ۸

۴- نقباء البشر، جلد ۴، صفحه ۱۶۲۳

روایت داشته ، و در سال ۱۳۷۳ قمری وفات یافته است .

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، جمع دیگری از علماء و دانشمندان دینی ، در خاندان مذکور ، بوده و هستند ، که برخی از آنها مورد اشاره قرار گرفتند ، و با توجه به اهداف این تألیف ، از شرح و استقصاء کامل پرهیز می نمائیم .

۹- خاندان علمی خاتون آبادی

این خاندان ، یکی از برجسته ترین دودمان های علمی ، در شهر اصفهان می باشد ، و در طول چهار قرن ، مهد پرورش علماء و دانشمندان دینی بوده ، و در برگیرنده شمار زیادی فقیه ، اصولی ، مفسّر ، متکلم ، ادیب ، ریاضی (هیوی و منجم) و شاعر بوده است ، و عمدتاً ، شخصیت علمی آنها ، همراه با زهد و تقوی بوده ، و خدمات ارزشمند علمی و اجتماعی فراوانی ، از آنها به ظهور رسیده است . این خاندان شریف ، از سادات جلیل القدر می باشند ، و اولین شخصیتی که از این سلسله وارد اصفهان شده ، میر عماد الدّین محمّد ، فرزند میر سید حسن نقیب است ، و فرزندش میر محمّد اسماعیل ، مدفون در بقعه روستای گورّت (از بلوک جی ، در پانزده کیلومتری شرق اصفهان) می باشد ، و معروف به شاه مراد است ، و در این بقعه (که دارای گنبدی جالب توجه می باشد) میر عماد الدّین ، و برادرش میر سید علی ، و جمعی دیگر از خاندان خاتون آبادی مدفونند ، و به دلیل اینکه برخی از اولاد میر عماد ، در روستای خاتون آباد (در نزدیکی گورّت) سکونت داشته اند ، آنها را خاتون آبادی نامیده اند (۱).

اینک ، چهره هائی برجسته از این خاندان را ، به عنوان نمونه ، نام می بریم ،

ص: ۴۱۵

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۰ - روستای خاتون آباد ، در قرن یازدهم هجری از نظر علمی و معنوی ، اهمیت به سزایی داشته است

و تفصیل بیشتر را به کتب تاریخ و تراجم (مخصوصاً کتاب وقایع السنین و الأعوام ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، و رجال اصفهان یا تذکره القبور ، و سیری در تخت فولاد) ، و ا می گذاریم .

الف - میر عبدالحسین خاتون آبادی

میر عبدالحسین خاتون آبادی ، صاحب کتاب « وقایع السنین و الأعوام » متوفای ۱۱۱۵ (۱) که از چهره های علمی و ارزشمند این خاندان می باشد ، و با تألیف کتاب وقایع السنین ، خدمتی بسیار ارزشمند (بالخصوص) به تاریخ علمی شهر اصفهان نموده ، و در معرفی دانشمندان آن دوره ، گامی مفید و مؤثر برداشته است .

میر عبدالحسین ، شاگرد شخصیت های بزرگی ، همانند : ملا محمد تقی مجلسی ، و ملا محمد باقر سبزواری ، و آقا حسین خوانساری ، و میرزا رفیعای نائینی ، و آخوند ملا حسین بروجردی ، و ملا عبد الله تونی ، و ملا احمد تونی بوده ، و از دانشمند شهید ، میر محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استر آبادی (استاد اجازه علامه مجلسی) و نیز ، از ملا محمد باقر سبزواری ، اجازه دریافت داشته است (۲) و از آثار تألیفی آن بزرگمرد ، وقایع السنین (۳) ، و شرح بر

ص: ۴۱۶

-
- ۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۲۷۷ به نقل از یادداشتهای فرزند آن بزرگمرد
 - ۲- آقای دوانی ، در کتاب علامه مجلسی ، از صفحه ۲۷۴ تا ۲۸۲ برای اولین بار بحث مفصّل و تحقیق جالبی را در مورد شخصیت و آثار میر عبدالحسین خاتون آبادی ، انجام داده اند
 - ۳- علامه طهرانی ، در کتاب الدرّیعه ، جلد ۲۵ ، صفحه ۱۲۸ ، این کتاب را تحت عنوان « وقایع الأيام و السنین و الأعوام » معرفی نموده اند

شاطیبه، و شرح بر شافیبه ابن حاجب می باشد(۱).

ب- میر محمد اسماعیل خاتون آبادی

میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر بن شاه مراد، متوفای ۱۱۱۶ قمری، که از علماء برجسته و مفسری عالی مقام بوده، و به احترام او تکیه و بقعه خاتون آبادی (با گنبد کاشی کاری شده و جالب)، در تخت فولاد، ساخته و نامیده شده است. او مدرّس و امام جماعت جامع جدید عباسی (مسجد شاه) بوده، و به عنوان میر محمد اسماعیل اول، معروف می باشد، و یک دورّ تفسیر قرآن او در چهارده جلد، از بهترین آثار آن بزرگمرد به شمار آمده، و در بخش «بقعه های تخت فولاد» نیز در مورد این شخصیت علمی و معنوی بررسی داریم

ج - میر محمد صالح خاتون آبادی میر محمد صالح خاتون آبادی، فرزند میر عبدالواسع، و متوفای ۱۱۲۶ قمری. وی داماد علامه ملا محمد باقر مجلسی(۲) و شاگرد مبرز و مجاز از او می باشد، و علاوه بر آن، استادانی همچون ملا میرزای شیروانی و آقا حسین خوانساری(۳) داشته، و پس از درگذشت علامه مجلسی، به امامت جمعه منصوب شد، و پس از مدتی، شیخ الاسلام اصفهان گردید، و در نسل او منصب

ص: ۴۱۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۹۲

۲- عموماً صاحبان تراجم، همانند: حاجی نوری و حاج شیخ عباس (محدث قمی)، و میرزا حیدر علی مجلسی و ...، میر محمد صالح را، داماد علامه مجلسی ذکر کرده اند، ولی نویسنده کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، او را داماد ملا محمد تقی مجلسی ذکر کرده است

۳- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحه ۳۶۹، در کتاب یاد شده، بررسی و تحقیقی گسترده درباره شخصیت و آثار میر محمد صالح، انجام شده است

إمامت جمعه ، تا اواخر قرن چهاردهم ، در اصفهان و تهران باقی بوده است .

در کتاب ریحانه الأدب ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، از بیش از ۲۶ کتاب و رساله از تألیفات آن بزرگمرد یاد شده ، که از آن جمله است : « شرح من لایحضره الفقیه » و « شرح استبصار » و « أحوال ملائکه » و « ذریعه النّجاح » .

پس از فوت علامه مجلسی ، با وجود علماء بزرگ و نامدار دیگر ، ریاست حوزه بزرگ علمی اصفهان ، بر عهده میر محمد صالح قرار گرفت (۱).

تاریخ وفات میر محمد صالح خاتون آبادی ، ۱۱۲۶ می باشد ، و آنچه برخی از نویسندگان مرقوم داشته اند (۱۱۱۶) اشتباهی است که با تاریخ وفات میر محمد اسماعیل ، پسر عموی میر محمد صالح ، رخ داده است (۲).

د- شهید خاتون آبادی

عالم فاضل محقق ، میر محمد صادق بن میر عبد الحسین بن میر محمد اسماعیل اول ، شهید در سال ۱۱۳۴ قمری (در فتنه افغان) و مدفون در تکیه خاتون آبادیها ، در تخت فولاد (۳). وی از جمله شمار زیادی از علماء و فضلاء اصفهان می باشد ، که در محاصره اصفهان (در فتنه افغانها و سقوط اصفهان) به شهادت رسیده اند .

ه - میر معصوم خاتون آبادی

عالم زاهد خداجوی ، میر معصوم خاتون آبادی ، متوفای ۱۱۵۵ قمری ، مدفون در نزدیکی بقعه آقا محمد بید آبادی ، در تخت فولاد.

ص: ۴۱۸

۱- ریحانه الأدب ، ج ۲ ، ص ۱۰۲ ، و علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۳۷۱

۲- به کتاب علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۳۷۳ ، مراجعه شود

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۲

گویند مرحوم آقا محمد بید آبادی ، آن عالم و عارف و زاهد نامدار ، خوابی مکاشفه مانند دید ، که از آن ، مقام منیع میر معصوم به دست می آمد، و لذا وصیت نمود ، که او را در نزدیکی قبر میر معصوم ، به خاک بسپارند .

و - مدرّس خاتون آبادی

میر سید أبو القاسم مدرّس خاتون آبادی ، فرزند میر محمد اسماعیل ، متوفای ۱۲۰۲ یا ۱۲۰۳ قمری ، که حکیمی محقق ، و مدرّسی نامدار بوده است

وی ، از شاگردان آقا محمد بید آبادی ، و ملا اسماعیل خواجهائی ، و مرحوم آقا سید مهدی بحر العلوم بوده ، و در مدرسه چهارباغ اصفهان تدریس می نموده و گویند احدی ، همانند او ، شرح دروس آقا حسین خوانساری را ، تدریس نمی کرده است . تألیفاتی در زمینه فقه و حدیث و تفسیر ، از خود به جای گذارده ، همانند : تفسیر قرآن به فارسی ، و شرح نهج البلاغه ، و حاشیه بر کتابهای : تهذیب و استبصار و من لا یحضره الفقیه و کافی (۱).

ز - میر عبد الباقی خاتون آبادی

مدرّس نامدار و پیشوای جامع ، میر عبد الباقی خاتون آبادی ، متوفای ۱۲۰۷ قمری . وی از چهره های برجسته علمی و اجتماعی اصفهان بوده ، و از شاگردان میرزا أبو القاسم مدرّس و آقا شیخ یوسف بحرانی به شمار رفته ، و از مشایخ اجازه سید بحر العلوم بوده است (۲). وی در علوم عقلی و نقلی تدریس می نموده ، و دارای تألیفاتی بوده است .

ص: ۴۱۹

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۲۶۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۰۵ ، ریحانه الأدب جلد ۲ ، ص ۱۰۰

پدر او میر محمد حسین خاتون آبادی (نوه علامه مجلسی) از فقهاء و علماء جامع بوده، و تألیفاتی بسیار و ارزشمند در فقه و حدیث و کلام و دعا و زیارت داشته، و از مشایخ بزرگ و مهم و مورد توجه اجازه بوده است (۱).

میر عبد الباقی، برادری عالم به نام میر محمد مهدی، و فرزندانی دانشمند داشته است، به نامهای: ۱- میر محمد حسین، ملقب به سلطان العلماء (که از بزرگان فقهاء و علماء و مجتهد و صاحب تألیف بوده، و حوزه درسی داشته، و در زمان خود، در ردیف علماء طراز اول ایران، از نظر موقعیت اجتماعی، به حساب می آمده است (۲) ۲- میر سید محمد ۳- میر محمد تقی

ح - نائب الصّدر خاتون آبادی

عالم فاضل، و فقیه ادیب، حاج میرزا محمد حسین نائب الصّدر، بن میر محمد صادق بن میرزا أبو القاسم مدرّس (مذکور تحت شماره «و») و متوفای ۱۳۲۶ قمری و مدفون در تکیه خاتون آبادی. وی کتابی تألیف نموده در دو جلد، در شجره نامه سادات خاتون آبادی، و خود از شاگردان شیخ انصاری و حاج ملا علی کنی (۳)، و از میزترین تلامذّه آن دو بزرگوار بوده است (۴).

ط - شهید خاتون آبادی

میر أبو المحسن بن میر محمد اسماعیل، که در قضیه نجم پاشا (والی و حاکم بغداد، که با مأموریت از طرف حکومت عثمانیها، مردم شهر مقدّس کربلا را قتل

ص: ۴۲۰

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحه ۳۹۱ - ۳۹۲

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحه ۵۳۰ و ۵۳۲

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۹

۴- رجال اصفهان، صفحه ۱۰۴

عام نمود) به شهادت رسید، و در همان شهر مقدّس مدفون گردید. وی از علماء و دانشمندان دینی بوده (۱) و مسجد حاج أبو المحسن، واقع در محلهٔ پاقلعه (و خیابان نشاط)، منسوب به آن عالم بزرگوار می باشد.

ی - مدرّس خاتون آبادی

فقیه اصولی و مجتهد زعیم، حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای ۱۳۴۸ قمری، که از مراجع بزرگ دینی و رؤسای علماء در قرن چهاردهم، در حوزهٔ علمیّه اصفهان بوده است. او از شاگردان و مخصوصاً صین آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، و یاور او در تألیف کتاب «کفایه الأصول» بوده است. حوزهٔ درسی ایشان، از قوی ترین مجمع های علمی بوده، و شاگردان زیادی در درس فقه و اصول آن بزرگمرد شرکت می جسته اند.

برادر آن بزرگمرد، آقای حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی، فقیهی زاهد و مدرّسی جامع بوده، و در سال ۱۳۸۸ قمری وفات یافته است.

یا - بانوی علویّه و مجتهدّه ایرانی

مجتهدّه مفسّره، زاهدهٔ متّقیه، حاجیه نصرت خانم آمین، معروفه و مشهوره به «بانوی ایرانی»، متوفاه در اوّل رمضان ۱۴۰۳ قمری، که از نادره های روزگار محسوب گشته، و در دوران غیبت کبری، چهرهٔ علمی کم نظیر یا بی نظیر شیعه، در طبقهٔ نسوان می باشد، و تألیفات متعدّدهٔ او در زمینهٔ تفسیر و عقائد و حدیث و اخلاق و ...، که مشتمل بر یک دورهٔ کامل تفسیر قرآن در ۱۵ جلد به نام «مخزن العرفان» می باشد، و هم چنین حوزهٔ درسی و کوششهای علمی او،

ص: ۴۲۱

پیشگام حرکت علمی در میان زنان ایرانی ، در قرن اخیر بوده است(۱).

وی ، طبق شجره نامه چاپ شده در یادنامه آن مرحومه ، از نسل عماد الدین محمد (سرسلسله خاندان سادات خاتون آبادی) می باشند ، و بنا بر گفته شخص حاجیه خانم آمین رحمه الله علیها ، ایشان از نسل میر معصوم خاتون آبادی (مذکور تحت شماره ه) می باشند(۲). بنا بر این ، حاجیه خانم آمین ، از مفاخر خاندان علمی خاتون آبادی ، به شمار می روند .

و همچنین ، چهره های دیگری از این خاندان بزرگ ، که در تهران و اصفهان دارای منصب امامت جمعه بوده ، و یا در منصب تدریس و تألیف و پیشوائی دینی و موعظه و ... ، انجام وظیفه می نموده اند .

۱۰- خاندان علمی خادمی (خادم الشریعه)

از خاندانهای علمی وابسته به خاندان عظیم «صدر» خاندانی است منسوب به عالم بزرگوار ، آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه ، که در زمانهای بعد ، به نام خادمی شهرت یافته ، و زبانزد گشته است . در این خاندان ، علماء و دانشمندانی ظهور یافته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود .

الف - آقا سید ابو جعفر

عالم جلیل القدر ، آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه ، متوفای ۱۳۲۴ قمری ،

ص: ۴۲۲

- ۱- درباره شخصیت علمی و اجتماعی و تقوایی و اجازات اجتهادی و آثار و برکات بانوی ایرانی ، در جلد اول « حوزه های علمیّه شیعه » در بخش بانوان مجتهده و عالمه (به تفصیل صحبت کرده ایم ، و در همین کتاب در بخش « بانوان عالمه و مجتهده » و بخش « بقعه های علمی اصفهان » بررسی کاملی در باره شخصیت و آثار این نادره روزگار، نموده ایم
- ۲- اظهارات حاجیه خانم همایونی ، یکی از نزدیک ترین شاگردان بانوی ایرانی به ایشان

فرزند آقا سید صدر الدین محمد عاملی ، که مادر او ، دختر شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) و خودش ، از شاگردان مورد علاقه آقا سید اسدالله شفتی بید آبادی بوده است . وی ، بعضی تألیفات خود را بر استادش (آقا سید اسد الله) عرضه کرده ، و او در پشت کتاب ، ثنای نیکوئی نثار او نموده است (۱).

آقا سید ابو جعفر ، از علماء مورد احترام اصفهان ، و داماد مرحوم آقا سید اسد الله بید آبادی (فرزند آقا سید محمد باقر شفتی) بوده ، و سرسلسله خاندان علمی خادمی (خادم الشریعه) می باشد ، و «تکیه آقا سید ابو جعفر» در تخت فولاد ، به احترام او تأسیس گشته است (۲).

فرزندان آقا سید ابو جعفر ، همه از علماء بوده اند ، که از جمله آنها مرحوم حاج آقا حسن خادم الشریعه ، متوفای ۱۳۷۹ قمری می باشد ، که از علماء با تقوی بوده است ..

ب - حاج آقا حسین خادمی

فقیه اصولی ، و مجتهد نامدار ، و زعیم مجاهد ، مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی ، متوفای ۱۴۰۵ قمری ، فرزند آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه . وی ، از چهره های نامدار علمی و اجتماعی حوزه علمی اصفهان ، در نیمه دوم قرن چهاردهم می باشد ، و خدمات و مبارزات او در برابر حکومت فاسد پهلوی در تمامی حوزه ها و مجامع دینی و اجتماعی ، مورد توجه بوده و می باشد .

مرحوم آیه الله خادمی ، از شاگردان آخوند گزی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و حاج میر سید علی نجف آبادی و آقا سید محمد نجف آبادی

ص: ۴۲۳

۱- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۳۱

۲- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۵۵

و دیگر مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان ، و هم چنین ، از شاگردان زعماء و مراجع بزرگی ، همانند : میرزا محمد حسین نائینی ، و آقا ضیاء الدین عراقی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی ، و آقا سید ابوتراب خوانساری ، و آقا شیخ محمد جواد بلاغی ، در حوزه مقدسه نجف اشرف بوده ، و در سن ۲۶ سالگی ، حائز رتبه اجتهاد گردیده است (۱).

مرحوم آیه الله خادمی ، از بزرگانی ، همچون : آقا شیخ محمد حسین غروی نائینی ، و آقا ضیاء الدین عراقی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی ، و آقا شیخ محمد کاظم شیرازی ، و آقا سید ابراهیم حسینی اصطهباناتی شیرازی و ... ، اجازه اجتهاد دریافت نموده ، و از عده ای از بزرگان اجازه روایت گرفته اند .

تألیفات گوناگون مرحوم آیه الله خادمی ، در فقه و اصول و کلام میباشد ، که برخی ، تقریرات دروس اساتید ، و برخی دیگر ، حاشیه بر کتب بزرگان ، و قسمی دیگر ، به صورت مستقل می باشد ، همانند : رهبر سعادت (در دو جلد) که تألیف آن کتاب در زمان حاکمیت پهلوی ها ، و سرکوبی حوزه های علمیه ، و انزوای شدید روحانیت عظیم الشان ، در کشور ایران ، نشانه قدرت اندیشه ، و روشن بینی ، و احساس مسئولیت شدید ، و روح ابتکار آن بزرگمرد می باشد .

آن بزرگمرد ، علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول ، درسهای کلام و عقائد و تفسیر استدلالی داشتند ، و برای تحصیل کرده های دانشگاهی و عموم مردم نیز ، جلسات بحث و تعلیم دینی بر قرار می نمودند ، و فیض علمی خود را گسترش می دادند . فعالیت های علمی و اجتماعی آیه الله خادمی ، در حدی بود که علماء بزرگ و مجتهدین عظیم الشان اصفهان ، توجه بسیاری نسبت به آن

ص: ۴۲۴

پیشوای عالیقدر داشتند، و به ویژه در دوران مبارزه نهائی، برای سرنگونی حکومت پهلوی، منزل ایشان سنگر مبارزه، و امضای ایشان در صدر امضاها، و موقعیت ایشان، زبانزد عام و خاص در تمامی شهرهای ایران، و احياناً در خارج از کشور بود.

مرحوم آیه الله خادمی، استادی بزرگ برای طلاب علوم دینی، و زعیمی عالیقدر در حوزه علمیّه اصفهان، و پناهی محکم برای مردم و جهادگران در راه خدا، و تلاشگری برای انجام خدمات فرهنگی، درمانی، امدادی، در جامعه مذهبی اصفهان، و پشتوانه ای برای تأسیس مراکز بزرگی، همانند: بیمارستان و درمانگاه عسکریّه علیه السلام و انجمن مددکاری امام زمان علیه السلام (مخصوص ایتام) و بیمارستان و انجمن خیریه معلولین صادقیه، و بسیاری دیگر از مدارس و مساجد و مؤسسات دینی و خدماتی، به شمار می رفتند.

نویسنده این نوشتار، علاوه بر ارتباط نزدیک با آن بزرگمرد، (در مسائل اجتماعی) متجاوز از ده سال، در درس خارج فقه و اصول و کلام آن مجتهد عالیقدر، شرکت می کردم، و آن پیشوا و استاد مهربان، اَلطاف خاصّه خود را شامل این کمترین، می نمودند.

دو فرزند پسر از میان پسران مرحوم آیه الله خادمی، به نامهای: آقا سید محمد علی، و آقا سید مهدی خادمی، از فضلاء می باشند، و رشته علمی - دینی خاندان پدر و مرحوم آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه را حفظ نموده اند(۱).

ص: ۴۲۵

۱- برای آشنائی با شخصیت و خدمات علمی و اجتماعی مرحوم آیه الله خادمی، به مقاله مفصّل مجله نور علم، شماره مسلسل ۳۵، صفحه ۹۰ تا ۱۰۷ و نیز کتابهای: نقباء البشر و گنجینه دانشمندان، و اَلذریعه و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان و ...، مراجعه شود

خاندان علمی حسینی خراسانی، که اولین چهره علمی آنها، مرحوم حاج سید یوسف قائنی خراسانی، متوفای ۱۲۴۶ قمری بوده، تا آخرین سالهای قرن چهاردهم، بازعامت دینی آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی (رئیس حوزه علمیه اصفهان) در طول دو قرن مداوم داشته، و به عنوان یک خاندان علمی و حوزه ای در شهر اصفهان، زندگی می نموده اند، و منشأ برکات و آثار علمی و معنوی قابل توجهی بوده اند، که از چندین چهره برجسته آنها، یاد می کنیم:

الف - آقا سید یوسف خراسانی

فقیه محقق، حاج سید یوسف قائنی خراسانی، متوفای ۱۲۴۶ قمری، که از معاصرین مرحوم سید شفتی (حجّه الإسلام) و محترم و معزز نزد او بوده، و حوزه درسی داشته است. وی کتابهایی تألیف نموده، همانند: شرح زبده شیخ بهائی (در دو جلد بزرگ) و حاشیه بر مدارک، و حاشیه بر حاشیه ملا میرزا جان، و... و از آثار آن بزرگمرد، نسل و خاندانی علمی، می باشد.

ب - آقا سید محمد رضا خراسانی

فقیه زاهد و عالم صاحب کرامت، مرحوم آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۰۲ قمری، که از شاگردان مورد توجه و مقرب مرحوم شیخ اعظم أنصاری، و از دوستان محقق رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی (مجدد دین در رأس سده سیزدهم) بوده است. چشمان وی در حلدی ضعیف می شود، که در روز روشن، خط های درشت را نمی خوانده، و در اثر عنایت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شفا می گیرد، و به دنبال خوابی که از آن حضرت می بیند،

به جایی می رسد ، که در وقت غروب ، ریز ترین خطها را می خوانده است(۱).

فرزندان او ، به نامهای : آقا سید محمد تقی ، و آقا سید محمد جواد ، و آقا سید محمد حسین ، و آقا سید مرتضی ، و آقا سید یوسف ، همگی از علماء و أهل فضل بوده اند(۲) ، که ذیلاً دو نفر از آنها را با تفصیل بیشتری یاد می کنیم :

ج - آقا سید مرتضی خراسانی

فقیه و مجتهد عادل و زاهد ، حاج سید مرتضی خراسانی ، متوفای ۱۳۵۷(۳) که از مدرّسین جلیل القدر در حوزه اصفهان بوده ، و همانند پدرش (آقا سید محمد رضا خراسانی) مورد توجه مردم و دارای مقام زهد و تقوی بوده است .

د- آقا سید محمد جواد خراسانی

عالم زاهد و متقی ، آقا سید محمد جواد خراسانی ، متوفای ۱۳۵۲ قمری ، فرزند آقا سید محمد رضا خراسانی (فوق الذکر) و پدر آقا سید محمد رضا خراسانی (مذکور در ذیل) . وی مورد تجلیل بزرگان بوده ، و مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی ، که خود از اعلام تقوی و دیانت بوده ، درباره آن بزرگمرد فرموده است: لَمْ أَرْ مِثْلَهُ فِي الْوَثَاقِهِ وَ الْجَلَالِهِ وَ الْعِبَادَةِ(۴)

مرحوم آقا سید محمد جواد ، به لقاء ولی العصر و الزمان ، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) مشرف گردیده ، و دارای چند تألیف بوده است.

ص: ۴۲۷

۱- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ، صفحه ۲۶۸

۲- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ، صفحه ۲۶۸

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۲۳۰

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۳۷

فقیه و مجتهد عالی مقام، و زعیم و رئیس حوزه علمیه اصفهان، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۹۷ قمری. وی از شاگردان حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و آقا سید أبو القاسم دهکردی و ... بوده، و در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری، دارای حوزه درسی فقه و اصول، در مدرسه صدر و نیز مدرسه چهارباغ (مدرسه امام صادق علیه السلام) و عهده دار ریاست حوزه علمیه بوده است. معظم له از چهره های علمی و مشهور اصفهان و دارای ابهتی چشمگیر، و متانتی کم نظیر بودند، و در دوره پس از خفقان شدید حکومت پهلوی اول، با صبر و متانت و وقار و تدبیر، نقش مؤثری در تجدید فعالیت حوزه علمیه اصفهان، ایفاء نمودند. از آثار باقیه آن بزرگمرد، تأسیس کتابخانه رضویه، در مدرسه صدر بازار (مرکز حوزه علمیه) می باشد (۱).

۱۲- خاندان علمی خوانساری (ملا علی اکبر)

ملا علی اکبر خوانساری، متوفای ۱۲۶۳ قمری، از علماء جلیل القدر و مورد توجه و اعتماد مرحوم سید شفتی بوده، و خودش از شاگردان و مجازین از سید صدر الدین عاملی محسوب گشته، و از نسل او علماء بزرگواری برخاسته اند، همانند:

الف - ملا حسین خوانساری، متوفای ۱۳۰۲ قمری، که مورد توجه و عنایت فقیه بزرگ، مرحوم حاج سید اسدالله شفتی بید آبادی، بوده است.

ص: ۴۲۸

۱- در باره شخصیت و آثار و خدمات این بزرگمرد، در بخش «مدارس علمیه اصفهان» مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ) و نیز بخش «چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر» و نیز «بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد به بحث و بررسی داریم

ب - آقا کمال الدین خوانساری ، بن ملاً حسین ، متوفای ۱۳۱۶ قمری ، که عالمی جامع بین معقول و منقول ، و مدرّس و امام جماعت مسجد میرزا باقر بوده و تألیفاتی داشته است .

در این خاندان ، علاوه بر یاد شدگان در فوق ، علمای دیگری نیز بوده اند .

۱۳- خاندان علمی رضوی خوانساری

از خاندانهای علمی و تقوایی و دارای شرافت انتساب به رسول الله صَیَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، خاندان سادات رضوی خوانساری می باشد ، که ذیلاً به دو چهره از آنها اشاره می نمائیم :

الف - آقا سیّد زین العابدین رضوی

فقیه زاهد ، و عالم متقی و بزرگوار، آقا سیّد زین العابدین رضوی خوانساری ، متوفای ۱۳۰۷ قمری ، که استادهائی ، همانند : آقا میر سیّد حسن مدرّس ، و ملاً حسینعلی تویسرکانی ، و آقا سیّد محمّد شهبهانی داشته ، و اثر قلمی او یکی « حسام الشیعه » و دیگری « ترجمه أنوار نعمانیّه سیّد جزائری » بوده ، و او به شرف ملاقات حضرت ولی عصر ، بقیه الله الأعظم (عج) نائل گشته ، و صاحب کرامت و استجاب دعا بوده است (۱).

ب - آقا سیّد محمّد رضوی

فقیه و مجتهد بزرگوار ، محقق و نویسنده کثیر التالیف ، آقا سیّد محمّد رضوی خوانساری اصفهانی ، متوفای ۱۳۷۴ قمری ، فرزند آقا سید زین العابدین مذکور در فوق) . وی ، در حوزه اصفهان و نجف تحصیل علم نموده ، و از

ص: ۴۲۹

محضر بزرگانی، همانند: آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی، و شیخ الشریعة اصفهانی رضوان الله علیهم کسب علم و کمال نموده، و پس از نیل به مقام منبع اجتهاد، و مراجعت به حوزه علمیة اصفهان، به تدریس و تحقیق و تألیف، و نیز ارشاد عمومی و تبلیغ دینی پرداخته است.

وی، در حدود سی و پنج تألیف داشته (۱)، از قبیل: ۱- برهان المتقین (مطبوع در دو جلد) ۲- رسالۀ عملیۀ (به نام دعوه الحق) ۳- دیوان اشعار ۴- سدره المنتهی (سه جلد) ۵- حاشیۀ بر کفایه ۶- حاشیۀ بر رسائل ۷- حاشیۀ بر مکاسب، و غیر اینها، که در زمینۀ فقه، اصول، حدیث، تفسیر، شعر و ادب، کلام و عقائد، دعا و زیارات می باشد.

۱۴- خاندان علمی روضاتی

از خاندانهای برجستۀ علمی اصفهان، که ریشه ای قوی و چند صد ساله، و شاخه های گسترده و پر برکت دارد، خاندان روضاتی (آل صاحب روضات) است، که ریشه آنها، در خاندانی علمی، در شهر مذهبی خوانسار می باشد، و در طول چندین قرن چهره هائی مبرز در خود پروریده، و شاخه های آن در شهرهای مختلف، از قبیل: اصفهان، تهران، نجف، کاظمین و برخی از بلاد هند و ...، ظهور یافته است.

این خاندان شریف، از سادات موسوی می باشند، و نسب آنها به میر سید أبو القاسم (جعفر) معروف به «میر کبیر» می رسد.

و اینک به عنوان نمونه، برخی از چهره های علمی این خاندان بزرگ را مورد ذکر قرار می دهیم:

ص: ۴۳۰

حاج میر أبو القاسم (جعفر) مشهور به میر کبیر، متولد ۱۰۹۰، و متوفای ۱۱۵۸ قمری. وی فرزند آقا سید حسین، و از اُحفاد سید حجّت الله، و نیز آقا سید صالح قصیر (که هر سه از علماء بوده اند) می باشد.

میر کبیر، عالمی برجسته، و فقیهی محدّث، و شاعری ادیب بوده، و از شاگردان علامه مجلسی، و آقا جمال (فرزند آقا حسین خوانساری) به شمار می رود، و تألیفاتی در فقه و حدیث و کلام و عقائد به جای گذاشته، که نمونه آن «مناهی المعارف» می باشد، که کتابی است بزرگ، در اصول دین.

در کتابخانه او، کتابهای ارزشمندی بوده، که به دست خود استنساخ نموده، و کتابخانه مهمی را تشکیل می داده است.

میر کبیر و فامیل و خاندان او، در دوره صفویّه، در اصفهان می زیسته اند، و در فتنه افغان، و سقوط اصفهان، در حدود سال ۱۱۳۵، هر کدام به طرفی می روند، و از جمله، میر کبیر به طرف خوانسار و گلپایگان رهسپار می شود، و در همان منطقه از دنیا می رود، و مدفون می گردد(۱).

ب - آقا سید حسین موسوی

فقیه زاهد، آقا سید حسین بن سید جعفر موسوی، متوفای ۱۱۹۱ قمری، فرزند میر کبیر، و جدّ صاحب روضات، که از بزرگان علماء شیعه به شمار رفته، و دارای املاء و انشاء و تحریری جالب و زیبا بوده، و در زهد و تقوی، مقامی بسیار بلند داشته، و کرامات زیادی را به او نسبت داده اند. آثار تألیفی او در زمینه فقه و ادعیه و زیارات بوده، و از مشایخ اجازه سید بحر العلوم، و نیز

ص: ۴۳۱

میرزای قمی (محقق قمی) ، و دیگر بزرگان می باشد (۱) ، و از مفاخر خاندان روضاتی (آل صاحب روضات) محسوب می گردد .

ج - میر زین العابدین خوانساری

فقیه و مجتهد زاهد ، و پیشوای متعبد و صاحب کرامات ، میر زین العابدین موسوی ، متوفای ۱۲۷۵ قمری ، و مدفون در بقعه مادر شاهزاده (تکیه آقا شیخ محمد تقی رازی) . وی در جامعه علمی و مذهبی اصفهان ، به زهد و فقاقت مشهور بوده ، و تألیفات متعددی در فقه و اصول و کلام (عقائد) و قواعد عربیت داشته ، و اول کسی است که پس از فتنه افغان ، و هجرت اجداد و خاندان او از اصفهان ، مجدداً به سوی این شهر مراجعت و هجرت نموده ، و خاندان پر برکتی را از نسل خود ، در این شهر مذهبی به وجود آورده است .

از میان هشت فرزند پسر او ، چهره هائی درخشیده اند ، همانند : ۱- صاحب روضات (مذکور در ذیل) ۲ صاحب مبانی الاصول (مذکور در ذیل) ۳- حاج میر سید محمد ، متوفای ۱۲۹۳ قمری ، که از دانشمندان محقق بوده ، و تبخری برجسته در آشنائی با کتب و نسخ نفیس و خطی داشته ، و صاحب روضات (برادر بزرگوار او) در تحقیقات خود ، از آگاهی و تخصص وی ، بهره می گرفته است . هزار نسخه خطی به نظر او رسیده ، که تمام یا قسمتی از آنها به خط او می باشد (۲) . ۴- آقا سید محمد صادق خوانساری ، متوفای ۱۲۸۹ قمری ، که عالمی بزرگ و دارای تألیف ، و صاحب نسلی علمی بوده است (۳) . ۵- میر

ص: ۴۳۲

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۸۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۷۶

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۰

د. صاحب روضات الجنّات

فقیه متکلم ، و رجالی محدّث ، و محقّق متبحر ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، و مرجع فتوی و تحقیق ، آقا میرزا محمد باقر خوانساری اصفهانی معروف به «صاحب روضات» و فرزند میرزین العابدین خوانساری ، و متوفای ۱۳۱۳ قمری . وی نه تنها مرجع دینی در جامعه ، و رئیس و زعیم و استاد بزرگ در حوزه علمیّه بزرگ اصفهان ، و پناهگاهی برجسته برای مردم و طلاب بوده ، بلکه در عالم تحقیق و تألیف ، افتخاری برای مکتب شیعه محسوب می شود ، و تألیفات گرانقدر او در زمینه فقه و اصول و عقائد و حدیث و رجال و شعر و ادب ، مخصوصاً «روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السّادات» ، از آثار درخشان ، و ثمرات باقیه حیات طیبه او به شمار می رود .

او استادهای بزرگی ، همانند : آقا سید محمد شهشانی ، و آقا سید محمد باقر شفتی (در اصفهان) و آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط الاصول (در عتبات) داشته . ، و شاگردان برجسته ای ، همانند : شیخ الشریعه اصفهانی و آقا سید ابوتراب خوانساری ، و آقا سید محمد کاظم یزدی و ... ، پرورش داده است .

در میان هفت فرزند و نیز ، أحفاد دانشمند آن بزرگمرد ، چهره های علمی برجسته ای درخشیده اند ، که به برخی از آنها اشاره می شود(۲).

ص: ۴۳۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۷۶

۲- در عموم کتب تراجم و دائره المعارف ها ، همانند : أعیان الشّیعه ، ریحانه الأدب ، مکارم الاثار ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی و ... ، به تجلیل فراوان از این بزرگمرد و آثار علمی او پرداخته شده ، و ما نیز در بخش « بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد » و بخش « مدارس اصفهان » بررسی بیشتری داریم

فقیه اصولی، و مجتهد نامدار، و مرجع عالیقدر، و محقق متبحر، و جامع علوم عقلی و نقلی، آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، فرزند میرزین العابدین خوانساری، و برادر صاحب روضات، و متوفای ۱۳۱۸ قمری. وی، از شاگردان پدر خود، و نیز شیخ اعظم أنصاری و ...، (در حوزه علمیه اصفهان و نجف) بوده، و پس از نیل به مقامات عالی علمی و اجتهاد، صاحب حوزه درسی بزرگ در اصفهان گردیده، و مرجع در فتوی و فعالیت های بزرگ اجتماعی بوده، و کتابخانه مهمی نیز، داشته است. تألیفات برجسته این بزرگمرد، در فقه و اصول و حکمت و تجوید، از آثار عظمت علمی او محسوب می شود، و مخصوصاً کتاب «اصول آل الرسول» در استخراج أبواب اصول فقه از روایات أهل البيت عليهم السلام، که از بیش از چهار هزار حدیث، قواعد اصولی را استخراج نموده (۱) و نیز کتاب «مبانی الاصول» که مشهورترین اثر علمی آن بزرگمرد است، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. معظم له، در نجف اشرف از دنیا رفته، و در قبرستان وادی السیلام مدفون گردیده است (۲).

و آقا میرزا محمد مهدی روضاتی

وی، فرزند آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات) می باشد، و دارای مقامات علمی به شمار رفته، و به نوشته ریحانه الأدب، مجتهد کامل و فقیه

ص: ۴۳۴

۱- الذریعه، جلد ۲، ص ۱۷۷

۲- برای آشنائی بیشتر با عظمت علمی و آثار این بزرگمرد، به کتابهای: أعیان الشیعه، الذریعه، مکارم الآثار و ریحانه الأدب، و ...، و نیز بخش «کتابخانه های اصفهان» در همین کتاب مراجعه شود

اصولی و محدث و رجالی و مفسّر بوده ، و تألیفات متعدّدی ، همانند : شرح تبصره علامه حلّی (در سه جلد بزرگ) داشته است (۱).

او در سال ۱۳۲۴ قمری وفات یافته ، و در بقعه صاحب روضات (جنب قبر پدر بزرگوارش) مدفون گردیده است .

ز- آقا میرزا مسیح روضاتی

وی از برجسته ترین فرزندان آقا میرزا محمّد باقر (صاحب روضات)، و دارای مقامات علمی و معنوی و اجتماعی بوده ، و از شهرت زیادی برخوردار گردیده ، و آثار تألیفی داشته است . او در سال ۱۳۲۵ قمری وفات یافته ، و در بقعه صاحب روضات ، در جنب قبر پدر و برادر ، مدفون گردیده است .

ح - آقا میرزا أحمد روضاتی

فقیه جامع و عالم محقق ، آقا میرزا أحمد روضاتی ، فرزند صاحب روضات و متوفای ۱۳۴۰ قمری ، که به تعبیر أحسن الودیعہ ، فقیه یگانه بوده ، و از جهت غایت زهد ، ترک ریاست در اصفهان نموده ، و به عبادت و ریاضت مشغول بوده است (۲).

ط - صاحب أحسن الودیعہ

فقیه اصولی و محقق رجالی ، آقا سید محمّد مهدی بن سید محمّد بن سید محمّد صادق موسوی خوانساری اصفهانی ، که از شاگردان آقا سید ابوتراب خوانساری (متوفای ۱۳۴۶ قمری) و نوه برادر صاحب روضات می باشد ، و تا

ص: ۴۳۵

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۹۱

۲- أحسن الودیعہ ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵۷

سال ۱۳۸۷ قمری، در قید حیات بوده است(۱). آن بزرگمرد، در حدود شانزده تألیف، در زمینه تراجم و رجال و حدیث و نحو و منطق و کلام دارد(۲) و از میان آنها کتاب «أحسن الودیعه فی تراجم أشهر مشاهیر مجتهدی الشیعه» به عنوان متمیم روضات الجنّات، از شهرت زیادی برخوردار می باشد.

ی - آقا میر سید حسن روضاتی

فقیه و مجتهد و پیشوای متنفذ، مرحوم آقا میر سید حسن روضاتی، متوفای ۱۳۷۷ قمری، که از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و آخوند کاشی و آقا سید محمود کلیشادی، و دیگر بزرگان حوزه علمیه بوده، و چندین اثر تألیفی داشته است، و در زمان خود، شخصیت برجسته خاندان روضاتی، و از چهره های بزرگ روحانیت اصفهان، به شمار می رفته است.

و این بود نمونه ای از چهره های علمی خاندان علمی روضاتی، و دهها مجتهد و محقق و عالم دیگر نیز، در این خاندان بزرگ تجلی یافته اند، که طالبین تحقیق درباره آنان، می توانند به کتابهای اعیان الشیعه، طبقات اعلام الشیعه، الذریعه، ریحانه الأدب، روضات الجنّات، أحسن الودیعه، مکارم الاثار، دانشمندان و بزرگان اصفهان، زندگانی آیه الله چهارسوقی، رجال اصفهان (تذکره القبور) و... مراجعه نمایند، و استقصاء نام و آثار آنها، از محدوده هدف این نوشتار بیرون است.

ص: ۴۳۶

۱- مقدمه چاپ دوم أحسن الودیعه، صفحه ۷

۲- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۹۰، ولی در مقدمه چاپ دوم أحسن الودیعه، شمار تألیفات این بزرگمرد، به بیش از چهل عنوان رسیده است

۱۵- خاندان علمی سلطان العلماء (خلیفه سلطان، مرعشی های اصفهان)

یکی از خاندان های بزرگ و علمی و برجسته شیعه، خاندان سادات مرعشی «مرعشیون، آل مرعش» می باشد، که در طول دوازده قرن، مهد پرورش علماء بزرگ، و فقهاء نامدار، و متکلمین عظیم المنزله، و ادباء و شعراء جلیل القدر، و سلاطین و امراء، و رهبران دینی و علمی و اجتماعی و سیاسی بوده، و أعضاء آن در کشورهای، همانند: حجاز، عراق، ایران، هند، امارات خلیج فارس و ...، زندگی کرده، و درخشیده اند، و چهار شاخه مهم این خاندان با نام مرعشیهای اصفهان، مرعشیهای شوشتر، مرعشیهای قزوین، مرعشیهای مازنداران، مشهور می باشند، و در دوره های متأخر، شاخه ای در آذربایجان درخشیده است، که مرحوم آیه الله العظمی، سید شهاب الدین نجفی مرعشی قدس سره، چهره بارز آن خاندان مرعشی آذربایجانی می باشند.

نسب این خاندان، به سید علی مرعش، (مرعشی) بن عبد الله بن سید محمد بن حسن الدکه، بن حسین الأصغر، بن علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام می رسد، و از سادات حسینی محسوب می باشند، و چهره های نامداری، همانند: قوام الدین مرعشی (میر بزرگ)، مؤسس حکومت مرعشیهای مازنداران سید ظهیر الدین مرعشی، قاضی نورالله تستری (شهید و صاحب کتابهای احقاق الحق و مجالس المؤمنین) و علاء الدین، سید حسین مرعشی، ملقب به «سلطان العلماء»، و خلیفه السیطان»، و در این اواخر، مرحوم آیه الله العظمی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، متوفای ۱۴۱۱ قمری و ...، در این خاندان پرورش یافته،

شاخه ای از خاندان سادات مرعشی ، در اصفهان زندگی کرده ، و چهره های علمی متعددی در آن ظهور و تجلی یافته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم ، و با توجه به این که برخی از شخصیتهای این خاندان ، به مقام وزارت برای بعضی از سلاطین صفویّه رسیده ، و ملقب به « خلیفه السلطان » گشته اند ، عموم خاندان نیز ، عنوان « خلیفه سلطان » یافته اند .

الف - سلطان العلماء

محقق نامدار و فقیه عظیم الشان ، و مفسر و متکلم جلیل القدر ، سید حسین بن میرزا رفیع الدین ، محمد بن امیر شجاع الدین ، محمود مرعشی حسینی ، متوفای ۱۰۶۴ قمری . وی از شخصیتهای برجسته علمی و سیاسی و اجتماعی خاندان مرعشی ، و از مفاخر حوزه علمی اصفهان ، و مهمترین چهره بارز ، در خاندان مرعشیهای اصفهان « خاندان خلیفه سلطان » می باشد .

نسب شریف این بزرگمرد ، با بیست و نه واسطه ، به امام علی بن الحسین علیه السلام می رسد(۲). از استاد های او ، یکی پدرش میرزا رفیع الدین محمّد (که از علماء مبرز بوده) و دیگری شیخ بهائی ، و سومی ، حاج محمود رنانی ، نام برده شده (۳) ، و در درس شیخ بهائی ، با ملا خلیل قزوینی ، همراه بوده است .

ص: ۴۳۸

۱- برای آشنائی با این خاندان به کتابهای : ریحانه الأدب (تحت عنوان مرعشی و عنوان سلطان العلماء) ، لغت نامه دهخدا (در لغت سادات مرعشی) ، دائرة المعارف تشیع ، جلد ۱ ، (در عنوان آل مرعش) و دانشمندان و بزرگان اصفهان و سایر کتب تراجم و رجال و دائرة المعارف ها و تاریخ و رجال شهرهای اصفهان ، قزوین ، شوشتر و مازندران ، مراجعه شود

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۵۶

۳- الکنی و الألقاب ، جلد ۲ ، صفحه ۳۲۰

در آیام پدرش (که وزیر شاه عباس صفوی بوده) و او نیز قریب پنج سال در سِمَت وزارت فعالیت می نموده ، و در مهمّات کشوری ، به هر دوی آنها ، مراجعه می شده است(۱) ، و به همین جهت او را « خلیفه السُلطان » لقب داده اند .

معظم له ، به دامادی شاه عباس نائل گردیده ، و فرزندان بسیاری از دختر شاه (سیده شریفه ، جان آغایبگم) نصیبش گردیده ، که همه از علماء و اتقیاء و اصفیاء بوده اند .

تألیفات سلطان العلماء ، از آثار علمی برجسته است ، که نمونه آنها حاشیه تفسیر بیضاوی و نیز ، حاشیه شرح لمعه ، و حاشیه بر معالم (که هر دو از شهرت و اهمّیت زیادی برخوردار است) و حاشیه شرح مختصر الاصول عضدی ، حاشیه مختلف علامه ، حاشیه من لا یحضره الفقیه ، حاشیه بر حاشیه خفّری بر شرح تجرید قوشچی ، توضیح الأخلاق ، آداب الحج ، أنموذج العلوم و ... می باشد . بزرگان و صاحبان کتب تراجم ، از شخصیت علمی و تحقیقات و آثار تألیفی سلطان العلماء ، با تجلیل فراوان یاد کرده اند .

ب - ج - د - ه - چهار شخصیت علمی

میرزا ابراهیم و میرزا سید حسن و میرزا سید علی و میرزا رفیع الدین ، چهار برادر هستند از فرزندان سلطان العلماء ، و جان آغایبگم ، دختر شاه عباس کبیر ، و به همین جهت مرعشی الآب و صفوی الأم ، و به عبارت دیگر ، حسینی الآب و موسوی الام ، می باشند .

همه یادشدگان ، از ارباب فضل و کمال و تقوی و اجتهاد بوده اند(۲) ، و از

ص: ۴۳۹

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۵۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۸

مفاخر خاندان مرعشی های اصفهان (خلیفه سلطان) می باشند ، و به مناسبت این که نوه های سلطان بوده اند (نَوّاب) خوانده می شوند .

نَوّاب ، میرزا ابراهیم ، حاشیّه بر شرح لمعه و مدارک دارد، و حواشی بسیاری بر اکثر کتب فقه و اصول و حدیث و رجال و تفسیر و کلام و علوم عربیّه نوشته ، و در علوم یاد شده ، مهارتی بسزا داشته ، و خلیفه شاه صفی ثانی ، و نایب مناب وی بوده ، و وفات او در سال ۱۰۹۸ قمری ، واقع گردیده است(۱).

نَوّاب ، میرزا سید حسن ، از أجلمه فقهاء و زهّاد و متکلمین بوده ، و جدّ سادات خلیفه سلطانی ، در اصفهان و جرقویه می باشد(۲) و فرزند او ، میرزا محمّد باقر « صدر خاصّه » از علماء معتمّر و فاضل بوده است .

نَوّاب ، میرزا سید علی ، از علماء و مدرّسین بوده ، و استاد برادر خود ، میرزا محمّد رفیع الدّین ، به شمار رفته است .

نَوّاب ، میرزا محمّد رفیع الدّین ، از علماء فقه و حدیث بوده ، و زاهد و عابد و صائم الدّهر به شمار رفته(۳) ، و تألیفات ارزشمندی ، همانند : حاشیه بر قواعد علامه حلّی ، حاشیه بر شرح تجرید ، حاشیه بر شرح لمعه و ... ، داشته ، و از شاگردان پدر خود (سلطان العلماء) و برادران خود ، میرزا ابراهیم و میرزا سید علی ، بوده است . فرزند او ، نَوّاب ، میرزا فتح الله ، از علماء فقه و حکمت ، و از شاگردان پدر خود بوده است .

و همچنین جمع دیگری از علماء و دانشمندان دینی ، در این خاندان ظهور

ص: ۴۴۰

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳، صفحه ۵۷

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۱۸۴

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۸

یافته اند، که در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۶۷ - ۱۶۹ و کتاب رجال اصفهان (تذکره القبور) صفحه ۱۸۴ - ۱۸۶، به نمونه هایی از آنها اشاره شده است.

۱۶- خاندان علمی سید العراقین (میر عمادی)

خاندانی است علمی که از خاندان علمی خاتون آبادی منشعب می شود، و در میان آنها علماء و دانشمندان دینی ظهور یافته اند، و به علت سکونتشان در محله پاقعه اصفهان، به نام « سادات پاقعه » مشهور گردیده اند.

برجسته ترین چهره علمی این خاندان، مرحوم حاج میرزا عبدالحسین، فرزند آقا میر محمد مهدی بن حاج میر معصوم بن حاج میرزا محمد علی بن میر أبو المحسن بن میر محمد اسماعیل، مدرّس کبیر خاتون آبادی می باشد، که پدران او، همه از علماء و شخصیت های دینی و اجتماعی بوده اند (۱).

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین (سید العراقین)، در سال ۱۲۹۴ متولّد گردید، و در حوزه اصفهان و نجف اشرف، و در محضر علماء بزرگی همچون آخوند خراسانی، مراحل تحصیلی را پیمود، و به مقام اجتهاد نائل گردید، و پس از مراجعت به اصفهان، به تدریس و هدایت مردم پرداخت، و در حلّ مشکلات دینی و اجتماعی و قضائی، گامهای بلندی برداشت، و پشت و پناه مردم بود (۲). و در سال ۱۳۵۰ قمری از دنیا رفت، و در جوار تکیه خاتون آبادی، مدفون گردید، و سپس محلّ دفن او به نام تکیه سید العراقین مشهور گردید، و عده ای از

ص: ۴۴۱

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۶۰

۲- رجال اصفهان، صفحه ۱۰۸

علماء بزرگ و دیگر مؤمنین ، در آن مدفون گردیدند .

مرحوم سید العراقین ، علاوه بر مقام تدریس در مدرسه چهارباغ ، عهده دار تولیت شرعی آن مدرسه ، و نیز مدرسه چهارباغ صدر (چهارباغ خواجه) و مدرسه پاقلعه بوده ، و بدین وسیله ، سرپرستی امور طلاب مدارس یاد شده نیز با آن بزرگمرد بوده است .

از نسل مرحوم سید العراقین ، علمائی پا به عرصه علم و عمل گذاردند ، و خاندان علمی سید العراقین را تداوم بخشیدند ، و این خاندان به مناسبت نام جدّ اعلیّشان (میرعماد الدّین محمّد) ، با عنوان « میرعمادی » خوانده می شوند .

۱۷- خاندان علمی شفتی

سرسلسله این خاندان ، فقیه و مرجع عالیقدر ، آقا سید محمّد باقر شفتی ، مشهور به حجه الاسلام ، متوفای ۱۲۶۰ قمری می باشد . مرحوم سید شفتی ، در علم و تقوی و زعامت و شجاعت و سخاوت و تربیت شاگردان و اداره حوزه علمیه ، از مفاخر بزرگ اصفهان ، و تاریخ حوزه علمیه است ، و در بخشهای : « بقعه های علمی اصفهان » و « مساجد محل فعالیت علمی » و ... در این زمینه بررسی مفصل تری داریم . از نسل مرحوم سید شفتی ، علماء و فضلاء زیادی پیدا شده اند ، که تا این زمان ، رشته علمی را در این خاندان حفظ کرده اند ، و ذیلاً به چهره هائی از آنها اشاره می نمائیم :

الف - آقا سید أسد الله بید آبادی

متوفای ۱۲۹۰ قمری . وی ، فرزند مرحوم سید شفتی ، و از شاگردان صاحب جواهر می باشد ، و خود او ، از مجتهدین نامدار و زهاد برجسته است ،

ص: ۴۴۲

و تألیفات زیادی، از جمله، یک دوره کامل فقه استدلالی داشته (۱)، و به نوشته کتاب مآثر و آثار، در فقاہت و اجتهاد و ورع و زهد و تقوی، مُسَلِّم مسلمان، بوده است. از آثار پربرکت مرحوم آقا سید اسد الله شفتی، اجرای آب فرات به نجف اشرف بوده، که در سال ۱۲۸۸، انجام گرفته (۲)، و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است.

ب - آقا سید مؤمن شفتی

وی، فرزند مرحوم سید شفتی، و از اهل علم و فضل بوده، و جلسه تدریس داشته، و بعد از مرحوم حاج سید اسد الله، أعلم اولاد مرحوم سید بوده است (۳).

ج - حاج سید جعفر شفتی

وی، فرزند مرحوم سید شفتی و متوفای ۱۳۲۰ قمری، که از رؤساء علماء اصفهان در محله بید آباد بوده است، و در مسجد سید تعمیرات اساسی نموده، و قسمت عمده کاشی کاری مسجد، در زمان تولیت ایشان انجام گرفته است.

مرحوم سید شفتی، علاوه بر یادشگان، هفت پسر دیگر و سه دختر داشته اند که اکثر قریب به اتفاق آنها (اعم از پسر و دختر) اهل علم و فضل بوده اند (۴).

د. آقا سید محمد باقر دوم

وی، فرزند مرحوم آقا سید اسد الله، و نوه سید شفتی، و از علماء مبرز بوده،

ص: ۴۴۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۲۷

۲- اعیان الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۱۱۰

۳- بیان المفاخر، جلد ۲، صفحه ۱۶۰

۴- به بیان المفاخر، جلد ۲، صفحه ۱۵۳ تا ۱۶۵، مراجعه شود

و به مقام اجتهاد نائل گشته است ، و تکمیل و تزیین مسجد سید و بقعه و مزار مرحوم سید شفتی قُدسُ سرّه و ...، از آثار این بزرگمرد علم و دین ، می باشد .

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، شمار زیادی از نوه ها و اُحفاد مرحوم سید شفتی (تا این زمان) در زمره علماء و دانشمندان دینی بوده و هستند ، هم چنانکه دامادهای مرحوم سید (آقا سید محمّد صادق حسینی ، معروف به کتابفروش ، و آقا سید محمّد علی آقا مجتهد ، و آقا محمّد مهدی کلباسی « کرباسی ») از علماء برجسته و عظیم الشان بوده اند .

برای آشنائی با خاندان علمی و گسترده سید شفتی ، و اولاد و اُحفاد و دامادها و بنی اعمام و سایر منسوبین به آن بزرگمرد ، به کتاب بیان المفاخر ، جلد ۲، مراجعه شود .

۱۸- خاندان علمی شَفَرَوَه

خاندان علمی و بزرگ شَفَرَوَه (شَقَرَوَه ، سَفَرَوَه ، شَبَرَوَه) گرچه به تشیع مشهور نیستند ، و جمعی از آنها ، در شمار پیروان مذاهب دیگر می باشند ، ولی با این حال، برخی از چهره های آن خاندان ، از مفاخر شیعه هستند ، و عدّه ای دیگر، آثار دوستی و محبت شدید نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، از آنها ظاهر می باشد ، مثلاً ، شیخ أبو السّیّادات ، أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، که از مشایخ مرحوم سید رضی الدّین ، علی بن طاووس حلّی بوده ، از چهره های مبرز شیعه ، و اصفهان ، و خاندان علمی شَفَرَوَه ، به شمار می رود، و همچنین ، أبو الوفاء عبید الله بن هبه الله ، متوفای ۵۸۵ هجری ، (که از چهره های مبرز علمی اصفهان بوده) در بغداد ، در مدرسه ناجیه ، سخنرانی عجیبی راجع به امیرالمؤمنین علی علیه السلام ایراد می نماید ، و به علّت این که نزدیک غروب بوده ، بالبداهه اشعاری

می سزاید، و خطاب به خورشید می نماید، و می گوید: ای خورشید! همان طوری که (در قصه ردّ الشمس) برای امام علی علیه السلام بازگشتی، امروز هم بازگرد، تا من سخنم را درباره علی مرتضی و فرزندانش تمام کنم، و از این داستان، به خوبی روشن می شود که این شخصیت علمی اصفهان، تا چه حد و پایه ای معتقد به مقام ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده است.

در بخش «مدارس اصفهان، قبل از دوره صفویه»، در قسمت مربوط به «مدرسه جوهان»، تحقیقی جالب و مفصل در مورد چهره های شیعه در خاندان علمی شفروه داریم، به آنجا مراجعه شود.

۱۹- خاندان علمی شمس آبادی (آل رسول)

سرسلسله این خاندان، مرحوم آقا سید محمد لاریجانی شاهاندشتی، متوفای ۱۲۶۶ قمری، و مدفون در تکیه جهانگیرخان قشقایی^(۱) می باشد، که به نوشته آیه الله مرعشی نجفی، از فقهاء بوده است^(۲). وی، از مال و زندگی چشم می پوشد، و برای ادامه تحصیل به اصفهان می آید، و از نسل او علماء بزرگواری، پا به عرصه حوزه علمیه و جامعه شیعی می گذارند.

مشهورترین چهره علمی این خاندان، فقیه و مجتهد عظیم الشان، مرحوم آیه الله، آقا سید ابو الحسن آل رسول «شمس آبادی» (شهید در سال ۱۳۹۶ قمری، به دست گروهی منحرف از مکتب ولایت) می باشد، که از رؤسای علماء اصفهان، و مدرّس مدرسه صدر، و ملجأ و پناهگاه طلاب حوزه علمیه، و مردم نیازمند و فقراء بودند، و اجازه اجتهاد از زعماء مراجع عالیقدر،

ص: ۴۴۵

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۰۵ و رجال اصفهان، صفحه ۲۲۹

۲- رجال اصفهان، صفحه ۲۲۹

همانند: آقا ضیاء الدین عراقی، آقا سید ابو الحسن اصفهانی، آقا سید جمال الدین گلپایگانی، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، و آقا سید محمد نجف آبادی و دیگران داشتند، و پس از شهادت، بقعه بسیار شکوهمندی بر مرقد مطهر ایشان ساخته شده، که در تمامی ایام و لیالی، زیارتگاه و مورد توجه مؤمنین، و شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام و علاقه مندان به حضرت سید الشهداء، آبی عبد الله الحسین علیه السلام می باشد.

درباره شخصیت و آثار مرحوم آیه الله شهید شمس آبادی، در بخشهای: «بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد»، و «چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر» و «مدارس علمی اصفهان، پس از صفویه» (مدرسه صدر) نیز، بحث و بررسی داریم (۱).

۲۰- خاندان علمی شهرستانی

از خاندان های بزرگ علمی شیعه است، که در طول قرون متمادی، اعضاء این خاندان در کشورهای: ایران، عراق، حجاز، هند و ...، زندگی کرده اند، و در شهرهای مهمی، همانند: نجف، کربلا، کاظمین، سامراء، تهران و اصفهان، شخصیت هائی از این خاندان، به کوشش علمی اشتغال داشته اند، و اصل آنها از (شهرستان) اصفهان می باشد.

در این خاندان بزرگ، چهره هائی درخشان، همانند: فقیه و محقق نامدار، آقا میرزا مهدی شهرستانی، متوفای ۱۲۱۶، که از مفاخر علمی شیعه در قرن

ص: ۴۴۶

۱- برای آشنائی با خاندان علمی شمس آبادی، به کتاب تحفه الأبرار، جلد ۲، صفحه ۵۱۹ تا ۵۳۲ (خاتمه، به قلم آقای سید مصلح الدین مهدوی)، و نیز دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۴۹ - ۴۵۰، مراجعه شود

سیزدهم، در کشور عراق بوده، و نیز مرجع و فقیه بزرگ و عظیم الشان، میر محمد حسین شهرستانی، متوفای ۱۳۱۵ قمری، که جامع علوم عقلی و نقلی و حکیم و ادیب و شاعر بوده، و در کثرت حافظه و قدرت و کثرت تألیف، ممتاز بوده است (۱) و نیز اعجوبه روزگار و نابغه قرن چهاردهم، سید هبه الدین شهرستانی (۲)، که از مفاخر علمی و اجتماعی شیعه است، درخشیده اند، و به دلیل اینکه این شخصیت ها در حوزه های دیگری غیر از اصفهان تجلی یافته اند، آثار و عظمت آنها، و نیز خاندان بزرگشان، به مناسبت حوزه های نجف و کربلا و ...، باید مورد بررسی قرار گیرد.

۲۱- خاندان علمی شهشانی

یکی از خاندانهای اصیل و شریف، که نسب آنها به امام چهارم، حضرت علی بن الحسین علیه السلام می رسد، خاندان شهشانی می باشد، که سرسلسله آنها عالم شهید و سید نقیب، سید علاء الدین محمد، معروف به «شاه علاء الدین محمد» و «شهشهان» (شاه شاهان) می باشد، که در ماه رمضان ۸۵۰ هجری، به دستور شاهرخ بن تیمور، به همراه خواجه افضل الدین محمد تُرکه، به شهادت رسیده (۳) و جنازه او در مدرسه و عبادتگاهش، دفن گردیده، که هم اکنون به نام «بقعه شهشهان»، مشهور و مورد توجه می باشد.

سید علاء الدین محمد، به جهت سیادت و شخصیت علمی و اجتماعی

ص: ۴۴۷

۱- ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۲۷۲ - ۲۷۳

۲- برای آشنائی با شخصیت این بزرگمرد، به ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۵۰ - ۳۵۲ مراجعه شود

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۳۳ - ۳۳۴

برجسته اش ، مورد توجه شدید مردم و حکومت وقت بوده، و محله ای که در آن سکونت داشته ، به نام « محله شهشهان » نامیده شده است (۱).

از ذریه او ، علماء و دانشمندان و گویندگان و نویسندگانی برخاسته اند ، که مجموعاً خاندان علمی « سادات شهشهانی » و نیز « خاندان شاه علانی » را تشکیل می دهند ، و ذیلاً به چند چهره آنها اشاره می نمائیم :

الف - فقیه و اصولی و مرجع عظیم الشان ، آقا سید محمد بن عبد الصمد شهشهانی ، متوفای ۱۲۸۷ ، که از شاگردان صاحب ریاض ، و آقا سید محمد مجاهد ، و حاجی کلباسی به شمار می رود ، و خود او ، مدرّس بزرگ و مرجع دینی در شهر و حوزه اصفهان بوده است . وی تألیفات ارزشمند و متعددی داشته، و از نسل او علماء و دانشمندان با فضیلتی برخاسته اند، و برادر بزرگوار او، آقا سید محمد علی حسینی نیز ، به علم و تقوی شهرت داشته است (۲).

ب - عالم فاضل ، آقا سید ابو الحسن شهشهانی ، متوفای بعد از ۱۲۵۹ ، که ظاهراً از شاگردان حاج محمد ابراهیم قزوینی (از شاگردان مبرز و مورد علاقه مرحوم سید شفتی) بوده است (۳).

ج - آقا میرزا محمد جعفر شهشهانی ، که عالمی زاهد و مورد وثوق و اطمینان مرحوم سید شفتی بوده است (۴).

د- آقا میرزا یحیی ، فرزند آقا میرزا محمد جعفر ، که از علماء جلیل القدر ،

ص: ۴۴۸

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۳۷

۲- در بخش « بقعه های علمی و تخت فولاد » از این بزرگمرد ، با تفصیل بیشتر یاد کرده ایم

۳- الکرام البرره ، صفحه ۳۲

۴- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۱

و مورد وثوق و اعتماد مرحوم حاج سید اسدالله شفتی بوده است (۱).

۲۲- خاندان علمی شیخ الإسلام سبزواری

یکی از خاندانهای علمی اصفهان (که به مناسبت منصب شیخ الإسلامی (۲) به نام « شیخ الإسلام » خوانده شده است) خاندان محقق سبزواری می باشد ، که ذیلاً به چهره هائی از آن خاندان ، اشاره می شود:

ص: ۴۴۹

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۱

۲- منصب شیخ الاسلامی ، در میان اهل سنت ، سابقه دیرینه دارد ، و به قرن پنجم هجری بر می گردد ، و بزرگانی همانند : أبو العباس ، أحمد بن حسن بن عبد الله بن یزیداد سرخسی ، معروف به شیخ الإسلام ، متوفای ۴۰۹ و خواجه عبدالله انصاری (پیر هرات) متوفای ۴۸۱ و ... ، با این منصب شناخته شده اند ، ولی در عالم تشیع ، منصب شیخ الاسلامی ، مربوط به دوره صفویه است . این منصب ، در دوره صفویه ، یکی از مهمترین مناصب دینی و علمی و اجتماعی بوده ، و صاحب آن ، به امور شرعی و مدنی و افتاء و قضاء و حلّ مشکلات مردم و امر به معروف و نهی از منکر ، می پرداخته است ، و در برخی از دوره ها ، بالاترین چهره علمی و دینی بوده ، و نه تنها خودش فقیه و مجتهد طراز اول بوده ، بلکه عده ای از مجتهدین و علماء ، با او همکاری می کرده اند ، و در حلّ و فصل خصومات و مشکلات دینی و اجتماعی مردم ، می کوشیده اند . شیخ الإسلامها ، گاهی دارای این منصب ، در محدوده شهری خاص همانند : اصفهان ، مشهد ، شوشتر و ... ، بوده اند ، و گاهی منصب آنها در تمامی کشور پهناور ایران ، حاکمیت داشته است . در میان شیخ الإسلامها ، چهره هائی ، همانند : محقق کرکی (محقق ثانی) ، شیخ بهائی ، محقق سبزواری ، آقا حسین خوانساری ، علامه مجلسی ، شیخ جعفر قاضی ، جلب توجه می نمایند . برای آشنائی بیشتر با این منصب ، به لغتنامه دهخدا و دائرة المعارف مصاحب ، در لغت (شیخ الإسلام) و نیز زندگینامه علامه مجلسی جلد اول از صفحه ۲۷۲ تا ۲۹۵ ، و کتاب (علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین) صفحه ۲۱۰ تا ۲۱۳ ، مراجعه شود

سرسلسله‌خاندان، فقیه حکیم، و مجتهد اصولی، و محقق نامدار، مولی محمّد باقر بن محمّد مؤمن سبزواری اصفهانی، معروف به «محقق سبزواری»، و متوفای ۱۰۹۰ قمری بوده است. وی، اصلاً سبزواری، ولی از بزرگترین چهره‌های علمی و تحقیقی در حوزه اصفهان، در قرن یازدهم بوده، و استاد‌های بزرگی، همانند: شیخ بهائی و میرفندرسکی و ملا حسنعلی شوشتری داشته، و شاگردانی، همانند: میر عبدالحسین خاتون آبادی پرورش داده، و از دوستان مرحوم فیض کاشانی، و برادر همسر محقق خوانساری، و دانی آقا جمال خوانساری بوده است. محقق سبزواری، منصب شیخ الاسلامی و امامت جمعه داشته، و مدرّس رسمی مدرسه مهمّ ملا عبد الله شوشتری بوده است.

مرحوم سبزواری، مورد تجلیل فراوان بزرگان تراجم و رجال قرار گرفته، و عبارات‌های برجسته‌ای در مورد او به کار برده‌اند، مثلاً، ریا، آقا شیخ اسد الله دزفولی کاظمی، او را: علامه فهّامه، و محقق مدقق، و عمده الفضلاء و المحدثین، و زبده الحکماء و المتکلمین، و مؤید و مسدّد به عواطف فیض باری، شمرده است، و ملا محمّد اردبیلی (صاحب جامع الزّواه) او را: امام علامه، محقق مدقق، پسندیده خوی و پاک سرشت، متبحّر در علوم عقلی و نقلی، و یگانه عصر دانسته، و ادامه داده است که، مناقب و فضائل او را، نمی‌توان برشمرد، و محدّث قمی

مرحوم حاج شیخ عباس (محقق سبزواری را، با عناوین: فاضل محقق حکیم، و متکلم فقیه، و محدّث جلیل القدر، و عالم نقاد، ستوده است.

خلاصه آن که، هریک از صاحبان تراجم و صاحب نظران فن، در برابر عظمت علم و قدرت تحقیق و روح ابتکار، و صلابت در دین، و حسن اخلاق، و جاذبه روحی و معنوی آن بزرگمرد، به تجلیل و تکریم و ادای احترام

پرداخته اند .

آثار تألیفی آن محقق نامدار ، در زمینه فقه ، اصول ، حکمت ، اخلاق ، دعا و زیارات ، مورد توجه قرار گرفته ، ولی در میان آنها ، دو کتاب ابتکاری و برجسته ، به نامهای « ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد » و « کفایه المقتصد » در فقه ، آن چنان اهمیت و شهرتی دارد ، که از محورهای تحقیق در عالم فقه ، به شمار می رود .

جنازه مرحوم محقق سبزواری پس از فوت ، به مشهد مقدس منتقل گشت ، و در مدرسه میرزا جعفر ، نزدیک آستان مقدس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردید .

ب - میرزا جعفر سبزواری اصفهانی

فقیه زاهد و مدرس عظیم الشأن ، میرزا جعفر ، فرزند عالیقدر ملا محمد باقر سبزواری ، که از فحول دانشمندان اصفهان بوده ، و تدریس و امامت داشته ، و در جنب مسجد حکیم ، در قبرستان کوچکی مدفون گردیده است ، و منصب شیخ الاسلامی در أعقاب او به مدت بیش از دو قرن ، باقی بوده است (۱).

ج - میرزا عبد الرحیم شیخ الإسلام

عالم جلیل القدر ، و شیخ الإسلام اصفهان ، میرزا عبد الرحیم (محمد رحیم) بن شیخ جعفر بن مولی محمد باقر سبزواری (۲) ، متوفای ۱۱۸۱ قمری ، که از علماء و مجتهدین منتفذ اصفهان در قرن دوازدهم ، و دارای تألیفات بوده است .

ص: ۴۵۱

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۲۷

۲- أعیان الشیعه، جلد ۳۷، ص ۱۹۰ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۱۱

دو فرزند او ، به نامهای : میرزا عبد المطلب ، متوفای ۱۱۶۰ ، و میرزا عبد الله ، متوفای ۱۱۷۵ قمری ، از علماء بوده اند ، و هر دو ، در زمان حیات پدر ، از دنیا رفته اند .

د- میرزا مرتضی شیخ الإسلام

عالم جلیل القدر و شیخ الإسلام اصفهان ، میرزا مرتضی بن میرزا عبد المطلب بن میرزا عبد الرحیم ، متوفای ۱۲۲۶ قمری ، که از علماء معروف زمان خود بوده است .

ه - میرزا محمد رحیم ثانی

میرزا محمد رحیم ثانی، فرزند میرزا مرتضی ، متوفای ۱۲۴۹ قمری و مدفون در تکیه خوانساریها . وی از علماء بوده، و پس از پدر منصب شیخ الإسلامی داشته است .

و - میرزا عبدالله شیخ الإسلام

میرزا عبدالله بن میرزا رحیم ، متوفای ۱۲۷۵ قمری ، که از علماء متنفذ ، و دارای ریاست و منصب شیخ الاسلامی بوده ، و منبر و محراب ، محلّ فعالیت اجتماعی و تبلیغی او بوده است .

ز - میرزا محمد رحیم ثالث

میرزا محمد رحیم ثالث بن میرزا عبدالله ، متوفای ۱۳۰۶ قمری ، که از علماء ، و شیخ الإسلام اصفهان پس از پدر ، بوده است .

ح - میرزا حسن شیخ الإسلام

میرزا حسن شیخ الإسلام بن میرزا محمد رحیم ، متوفای ۱۳۰۹ قمری ، که از

علماء بوده ، و منصب شیخ الاسلامی داشته است .

ط - حاج میرزا زین العابدین شیخ الإسلام

حاج میرزا زین العابدین بن محمد علی بن محمد ابراهیم بن مرتضی بن میرزا عبد المطلب ، که عالمی فاضل و مفسری محقق ، و نویسنده ای ادیب بوده ، و تألیفاتی ، همانند : « شجره طیبه » در تجوید ، (در دو جلد ، به زبان عربی و فارسی) ، و « إعراب ست سور من القرآن » و « تذکره القراء » داشته ، و در سال ۱۳۱۸ قمری وفات یافته ، و در مزار « إمامزاده سه تن » ، (جنب مسجد آقانور در دشت) مدفون گردیده است(۱).

ی - حاج میرزا علی اکبر شیخ الإسلام

حاج میرزا علی اکبر بن میرزا محمد رحیم ، متوفای ۱۳۵۰ قمری . وی آخرین نفر از شیخ الاسلامهای اصفهان بوده ، و پس از او منصب شیخ الإسلامی (با تشکیل نظام مشروطیت در ایران) از بین رفت . و البته باید دانست که موقعیت علمی و اجتماعی و نفوذ مردمی شیخ الاسلامهای اصفهان ، در دوره های متأخر ، کاملاً با شیخ الاسلامهای دوره های اول ، همانند : دوره های محقق کرکی و شیخ بهائی و محقق سبزواری و آقا حسین خوانساری و علامه مجلسی ، متفاوت بوده است .

و در پایان این بخش ، تذکر این نکته مفید است که : نویسنده متتبع و محقق معاصر ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، کتابی در حدود سیصد صفحه ، درباره

ص: ۴۵۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۲۸ ، و فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان ، صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۲

« خاندان شیخ الإسلام » و علماء و بزرگان آنها ، تألیف نموده اند ، که آماده چاپ می باشد .

۲۳- خاندان علمی صدرالدین عاملی

یکی از خاندانهای بزرگ علمی شیعه ، که در طول شش قرن (۱) ، چهره های علمی برجسته ای به عالم تشیع عرضه کرده ، و شاخه ها و اعضاء آن ، در کشورهای ایران و عراق و لبنان ، در شهرهای مشهوری ، همانند : اصفهان ، قم ، مشهد ، صور لبنان ، نجف ، کربلاء و سامراء ، کاظمین و ... ، اقامت داشته ، و به خدمات علمی و اجتماعی و ریاست دینی و مرجعیت تقلید ، اشتغال داشته اند ، خاندان سادات موسوی عاملی (منسوب به جبل عامل جنوب لبنان) می باشد ، که شاخه های آن ، با نامهای : آل شرف الدین عاملی ، صدر عاملی ، صدر زاده ، صدر ، و خادمی می باشند ، و علاوه بر شخصیت های برجسته این خاندان ، همانند : آقا سید صدرالدین موسوی عاملی ، آقا سید حسن صدر ، (صاحب کتاب تأسیس الشیعه لفنون الإسلام) (آقا سید اسماعیل صدر (از مراجع بزرگ شیعه در عراق) و آقا سید صدر الدین صدر (از مراجع بزرگ در حوزه علمی قم) و آقا سید شرف الدین عاملی (صاحب کتاب المراجعات و از مراجع بزرگ شیعه در لبنان) شخصیت های برجسته ای ، همانند : شیخ حرّ عاملی و آقا سید محمد (صاحب مدارک) و شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) ، از منسوبین و نزدیکان این خاندان می باشند ، و خاندانهای بزرگی همانند : خاندان سید شفتی و خاندان مسجد شاهی و خاندان چهارسوقی (روضاتی) و خاندان جو بیارهای و ... ، با این خاندان نسبت دارند ، که ذیلاً به چهره هایی از آنها اشاره نموده ، و منشأ پیدایش و رشد

ص ۴۵۴

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نویسنده محقق و متتبع معاصر

و گسترش این خاندان را در اصفهان ، بیان می نمائیم :

الف - آقا سید صدرالدین عاملی

فقیه اصولی و محدث رجالی ، و ادیب و شاعر متبحر ، آقا سید صدرالدین عاملی موسوی ، متوفای ۱۲۶۳ قمری . وی اصلاً از جنوب لبنان (جبل عامل) می باشد ، و نام او و پدرش چنین است : سید محمد بن سید صالح عاملی (۱) ولی به نام سید صدرالدین ، شهرت یافته است . او اولین چهره علمی خاندان صدر می باشد ، که به اصفهان مهاجرت نموده ، و اقامت جسته ، و موقعیت شایسته و مهمی در جامعه علمی و مذهبی اصفهان ، به دست آورده است .

وی ، تألیفات بسیاری در فقه و اصول و رجال و نحو داشته ، که نشانه قدرت علمی و تفکر او می باشد ، و در حال صغر سن ، ادعای اجتهاد می نموده است (۲).

استادهای آن بزرگمرد ، شخصیت های برجسته ای ، همانند : آقا سید مهدی بحر العلوم ، و شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء (پدر زن او) و ... می باشند ، و عدّه زیادی در محضر او به کسب علم و کمال نائل گردیده ، یا اجازه علمی دریافت داشته اند (۳) و از مشایخ اجازه شیخ اعظم أنصاری می باشد (۴).

سید صدر الدین محمد عاملی ، نفوذ و موقعیتی برجسته در شهر اصفهان یافت ، و سرسلسله خاندان بزرگی در این شهر گردید ، و مورد علاقه و محبت

ص: ۴۵۵

۱- در کتاب أعيان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۴۰۳ ، نسب این بزرگوار چنین ثبت شده است : ... محمد بن صدر الدین بن صالح بن ...

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۴۲۹

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۴۴

۴- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۴۲۹

مرحوم سید محمد باقر شفتی قرار گرفت ، و به همین جهت ، زمینه بیشتری برای موفقیت او فراهم گردید ، و از میان هشت فرزند پسر آن بزرگوار ، سه شخصیت بزرگ ، یعنی : آقا سید اسماعیل صدر ، و آقا سید محمد علی « آقا مجتهد » و آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه ، چهره مشهور و برتر علمی دارند(۱).

ب - آقا مجتهد

مجتهد عجیب و فقیه جوان ، آقا سید محمد علی ، فرزند آقا سید صدرالدین عاملی ، معروف به « آقا مجتهد » ، که در سن ۱۲ سالگی کتاب (ألبلاغ المبین فی أحكام الصّیّان و المجانین) را نوشت ، و پس از آن که سید شفتی آن را ملاحظه نمودند ، اجتهاد او را تصدیق فرمودند(۲) و دختر خود را به نکاح او در آوردند

آن عالم بزرگوار ، مادرش ، دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء ، و همسرش ، دختر آقا سید محمد باقر شفتی ، و خودش ، از مفاخر علمی اصفهان به شمار رفته ، و در سن ۳۵ سالگی ، در سال ۱۲۷۴ قمری ، وفات یافته است .

وی ، دو فرزند دارد ، به نامهای : حاج میرزا بهاء الدین (عالم ادیب شاعر) ، متوفای بعد از ۱۳۲۰ قمری ، و حاج سید محمد جواد ، متوفای ۱۳۵۷ قمری ، که مجتهد و مدرّس مدرسه ملا عبد الله بوده) ، و شیخ الشریعه اصفهانی ، در جواب اشکال او در مسئله (جواز احتیاط برای متمکن از تحصیل واقع ، به طریق معتبر) رسالهای نوشته است(۳).

ص: ۴۵۶

۱- تاریخ علمی اصفهان در دو قرن اخیر ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۷

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷

۳- الذریعه ، جلد ۱۱ ، صفحه ۱۳۰

فقیه نامدار و مرجع بزرگ شیعه، آقا سید اسماعیل صدر، فرزند آقا سید صدرالدین عاملی، متوفای ۱۳۳۷ قمری. وی در حوزه اصفهان در تحت تعلیم برادر بزرگوارش، آقا مجتهد قرار گرفت، و پس از وفات او، مدتها تحت تعلیم و تربیت آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی بود، و مراحل از تحصیل دوره سطح و خارج را در حوزه اصفهان، سپری نمود(۱) و سپس به عراق هجرت فرمود، و در حوزه نجف و سپس سامراء، از محضر مجدد بزرگ، میرزای محقق شیرازی (میرزا محمد حسن، صاحب فتوای تحریم تنباکو) و دیگر بزرگان، بهره گرفت(۲) و پس از فوت میرزای شیرازی، به کربلا مهاجرت نمود، و حوزه بزرگی را شکل بخشید، که بزرگانی از علماء در آن تربیت یافتند.

آن بزرگمرد، شاگردانی، همانند: میرزا محمد حسین نائینی، و سید شرف الدین عاملی و حاج سید حسین فشارکی و ...، داشته، و چهار فرزند او به نامهای: آقا سید صدرالدین (مذکور در ذیل) و آقا سید محمد جواد، متوفای ۱۳۶۱، و آقا سید حیدر (که صاحب تألیفاتی بوده، و در سال ۱۳۵۶ قمری وفات یافته) و آقا سید مهدی، همه از علماء و صاحبان فضل بوده اند، و مادر آنها، خواهر فقیه و محقق نامدار، و محدث و رجالی عظیم الشأن، آقا سید حسن صدر، مذکور در ذیل می باشد.

عموم صاحبان تراجم و جمعی از دائره المعارف ها، درباره عظمت و شخصیت این بزرگ مرجع عالیقدر شیعه، بحث و بررسی نموده اند.

ص: ۴۵۷

۱- اعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۴۰۳

۲- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۱۶۰

فقیه و مرجع نامدار، و اصولی و محدث عظیم الشان، و ادیب و رجالی، و شاعر ماهر، آقا سید صدرالدین صدر، متوفای ۱۳۷۳ قمری، که از چهره های بزرگ خاندان صدر، و فرزند مرحوم آقا سید اسماعیل صدر، و از مراجع بزرگ وزعمای حوزه علمیه قم (پس از وفات مرحوم آیه الله العظمی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی) می باشد. آن بزرگمرد، در زمینه تحقیق و تدریس، أخلاق و فضیلت، رهبری و مرجعیت، شخصیتی برجسته داشته، و در تألیف و تصنیف، شعر و آدب، چهره ای مورد توجه بوده است.

تکامل تحصیلی این بزرگمرد در حوزه نجف بوده، و تدریس عمده و مرجعیت ایشان، در حوزه قم تحقق یافته است، و از میان تألیفات متعدّد و متنوّع و گرانقدر آن مرجع عالیقدر، کتاب «المهدی» در باره حضرت مهدی موعود (عج)، از طرق و أخبار عامه، از اهمیت و شهرت زیادی برخوردار می باشد، و دوبار ترجمه گردیده، و مکرراً عربی و فارسی آن، چاپ شده است، و برخی از تألیفات آن بزرگمرد، در ضمن مجلّات زیاد می باشد، همانند مختصر تاریخ الإسلام (در پنج جلد) و لواء محمّد (در دوازده جلد)^(۱)، و مدینه العلم (در شش جلد)^(۲).

مرحوم صدر، دو فرزند برومند از خود به جای گذارده اند، که هر کدام، از مفاخر شیعه می باشند. الف - فقیه مجتهد، و فیلسوف محقق، و استاد عالیقدر، آقای حاج سید رضا صدر، که نویسنده ای محقق، و استادی شایسته، و شخصیتی

ص: ۴۵۸

۱- گنجینه دانشمندان، جلد، صفحه ۳۲۸

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۸۸

برجسته می باشند، و در حوزه علمیه قم، به کوششهای علمی و تحقیقی، و نیز تألیف و تصنیف اشتغال دارند(۱). ب - پیشوای عالیقدر و رهبر متنفذ، حاج آقا موسی صدر، مشهور و ملقب به: «إمام موسی صدر»، که پس از طی مراحل علمی و کسب مقام منبع اجتهاد، و استفاده از محضر بزرگترین چهرهای علمی، در زمینه فقه و اصول و فلسفه و ...، (در حوزه قم و نجف) به کشور لبنان مهاجرت نموده، و پیشوائی مطلق شیعیان آن کشور را بر عهده گرفته، و شهرتی جهانی یافتند، تا آن که با توطئه دشمنان شیعه و اسلام، ربوده شده، و مفقود گردیدند، و تاکنون (ذی الحجة ۱۴۱۷ قمری) هیچگونه اطلاع قابل اعتمادی، در مورد وضعیت آن بزرگمرد در دست نیست.

ه - سید حسن صدر

فقیه اصولی، محدث رجالی، و ریاضی جامع، آقا سید حسن صدر کاظمی موسوی، متوفای ۱۳۵۴ قمری. وی از شخصیت های علمی برجسته شیعه، در قرن چهاردهم می باشد، و در حوزه کاظمین و سپس نجف و سامراء، تحصیل علم نموده، و از شاگردان میرزای شیرازی بوده، و پس از تکامل علمی و نیل به مقام منبع اجتهاد، در حوزه علمیه کاظمین، به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخته، و آثاری فراوان و برجسته، در زمینه رجال و تراجم، تاریخ معصومین علیهم السلام، حدیث، فقه و اصول، از خود به جای گذارده است(۲) و در

ص: ۴۵۹

۱- متأسفانه هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود، (در سال ۱۴۱۷) حوزه علمیه و شهر مذهبی قم، در غم ارتحال آن بزرگمرد بسر می برد، و مدتی از فوت ایشان می گذرد

۲- ریحانه الأدب، جلد ۳، ص ۴۲۵، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۴۵

میان آثار آن بزرگمرد، کتاب «تأسیس الشیعه الکرام، لفنون الإسلام» و تلخیص آن به نام «الشیعه و فنون الإسلام» از عظمت و اهمیت بسیاری برخوردار می باشد و به راستی خدمتی بزرگ و ابتکاری، نسبت به عالم تشیع و تبیین آثار و خدمات علمی شیعه، محسوب می گردد، و توانسته است اثبات کند، که جهان علم و عالم اسلامی، مدیون خدمات علمی شیعه می باشد.

و - آیه الله خادمی

فقیه اصولی و زعیم و پیشوای دینی، آیه الله، حاج آقا حسین خادمی، متولّد ۱۳۱۹، و متوفّای ۱۴۰۵ قمری، که از مفاخر علمی و اجتماعی در شهر و حوزه علمیّه اصفهان به شمار می روند، و در بخش (خاندان علمی خادمی) درباره ایشان به تفصیل بحث کرده ایم. خاندان معظّم له، از شاخه های خاندان علمی و عظیم صدر می باشد.

ز- شهید صدر

فقیه اصولی، و مجتهد مجاهد، آیه الله، شهید سید محمّد باقر صدر، متوفّای ۱۴۰۰ قمری.

وی، از شخصیت های برجسته علمی خاندان صدر، و از محقّقین بزرگ و دارای مقام علمی و اجتماعی ممتاز می باشد.

او در حوزه علمیّه نجف اشرف، تحصیل علم و کمال نمود، و در همانجا به تدریس و فعالیت اجتماعی و مبارزاتی پرداخت، و تألیفات گوناگون در فقه و اصول و فلسفه و ...، عرضه نمود، تا آن که در سال ۱۴۰۰ قمری، به دست حزب بعث عراق، و رهبر جنایتکار آن (صدّام حسین) دستگیر و زندانی گردید و پس از شکنجه های فراوان، به شهادت رسید.

ص: ۴۶۰

بانوی دانشمند و فاضله، آمنه صدر، دختر آقا سید حیدر، و خواهر شهید آقا سید محمد باقر صدر، مشهوره به « بنت الهدی » وی، از شخصیت های مبرز در عالم زنان بوده، و مؤلفاتی داشته (۱) و در دوران حکومت بعثی کافر عراق، و حاکمیت صدام حسین خون آشام، همراه برادرش به مبارزه پرداخت، و در نهایت دستگیر گردید، و پس از شکنجه فراوان، در سال ۱۴۰۰ قمری، در زندان بعثی ها، به شهادت رسید.

علاوه بر چهره های یاد شده، در میان خاندان صدر، علماء و فضلاء بسیاری بوده و هستند، که در کتب تراجم، از شرح حال آنها بخشهای قابل توجهی نقل گردیده است، و از آن جمله، در کتابهای: أعيان الشیعه، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی، ریحانه الأدب، گنجینه دانشمندان، تکمله أمل الأمل (تألیف سید حسن صدر کاظمی) و (تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان) جلد اول تألیف آقای سید مصلح الدین مهدوی، بخشهای سودمند و مفیدی مطرح گردیده است.

خاندان علمی طباطبائی

یکی از بزرگترین خاندانهای علمی و معتبر، و مورد توجه در عالم تشیع، خاندان سادات طباطبائی حسنی می باشد، که در بسیاری از بلاد شیعه و مراکز علمی و دینی متعلق به جهان تشیع، چهره هایی از آن خاندان، زندگی کرده یا از آن برخاسته، و یا در آن فعالیت علمی و دینی داشته اند.

سادات طباطبائی، در کشورهای ایران، عراق، حجاز، مصر، هند، پاکستان یمن و... و در شهرهایی، همانند: اصفهان، قم، تهران، ری، مشهد، قزوین،

ص: ۴۶۱

کاشان، کربلا، کاظمین، بغداد، بروجرد، زواره، آردستان، نائین، یزد، نطنز، تبریز، اردبیل، و دهها شهر بزرگ و کوچک دیگر زندگی کرده، و چه بسا در اثر علم و تقوی و فضیلت خویش، درخشیده اند.

از این خاندان بزرگ، در طول دوازده قرن، چهره های بزرگ و نامداری همچون: ابن طباطبا علوی اصفهانی، متوفای ۳۲۲ و میرزا رفیعا نائینی، متوفای ۱۰۸۲ و آقا سید مهدی بحر العلوم، متوفای ۱۲۱۲ قمری و (آقا سید علی صاحب ریاض) و آقا سید محمد مجاهد (فرزند صاحب ریاض) و آقا میرزا محمود بروجردی (صاحب مواهب السنیة) و مرحوم آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی، و مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید محسن طباطبائی حکیم و آقا سید حسن مدرّس (مجتهد و مجاهد نامدار، و شهید قرن چهاردهم) و دهها چهره دیگر از مراجع تقلید یا محققین و مؤلفین بزرگ، و زعمای دینی در شهرهای شیعه نشین، درخشیده اند، و بر افتخارات عالم تشیع افزوده اند.

۲۴- خاندان علمی طباطبائی های اصفهان

از خاندان طباطبائیان، چهره هایی در طول تاریخ اصفهان درخشیده اند، که بخشی از آنها طباطبائی های اصفهان محسوب می گردند، و ذیلاً به چهره هایی از بزرگانِ قداماء آنها، اشاره می نمائیم:

الف - ابراهیم طباطبا

به نوشته و تحقیق صاحب ریحانه الأدب، صاحب لقب طباطبا (بنابر قول صحیح)، ابراهیم بن اسماعیل دیباج بن ابراهیم بن حسن مثنی است (۱) و به جهت لکنت زبانی که در او بوده، و (ق) را تبدیل به (ط) می نموده، و بجای (قبا،

ص: ۴۶۲

قبا)، (طبا، طببا) می گفته است، و یا به نوشته بعضی از اهل خبر، این لقب از اهل محل بوده، و معنی آن به زبان نبطی، سید السادات می باشد، او را (طباطبا) گفته اند، و ذریه و نسل او را، « طباطبائی » یا « طبطبائی » خوانده اند.

در نوشته بعضی از مورّخین چنین آمده است: اسماعیل (دیباج) بن ابراهیم (غمر) بن حسن (مثنی) بن امام حسن مجتبی علیه السلام، در اصفهان بُمرد، و در گلبهار آن شهر خاکسپار شد (۱) آنگاه فرزندش ابراهیم (طباطبا) بن اسماعیل (دیباج)، نیز در جمیلان اصفهان درگذشت (۲). فرزند وی، ابو عبد الله أحمد (رئیس) بن ابراهیم (طباطبا) نیز گویا در آن شهر بوده، و فرزند او ابو جعفر محمّد بن أحمد (رئیس) در جمیلان اصفهان مدفون است، فرزند او ابو الفتوح أحمد بن محمّد (ابو جعفر) نیز در آن شهر مُرده، و در محله غازیان، به خاک سپرده شده است (۳). طبق این نقل، نه تنها سادات طباطبائی، در اصفهان

ص: ۴۶۳

۱- محل دفن این امامزاده بزرگوار، یکی از مزارات مهم اصفهان می باشد و به نام امامزاده اسماعیل معروف است، و صحن و رواق و گنبد زیبا و سر درب جالب دارد، و معماری و کاشی کاری مجموعه ساختمان امامزاده، از آثار تاریخی و باستانی و مهم اصفهان، به شمار می رود

۲- محله جمیلان، یا چملان یا چمبلان، یا سُنبلستان یا سُنبلان، همانجائی است که امامزاده درب امام می باشد، و در آن محل (که از مزارات مهم و باستانی اصفهان به شمار می رود، و دارای صحن و گنبد و ضریح و حرم می باشد، و معماری و کاشی کاری جالب توجهی دارد، و از مجموعه های تاریخی برجسته اصفهان محسوب گشته است) مشهور است که، دو امامزاده مدفونند، یکی ابراهیم طباطبا، و دیگری امامزاده سید زین العابدین « علی »، (به تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۲۴۹، و نیز کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۴۱ و ۳۴۲ مراجعه شود

۳- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۴۲

زندگی می کرده اند، بلکه سرسلسله آنها «ابراهیم طباطبا» در اصفهان اقامت داشته، و در گذشته، و دفن شده است.

ب - ابن طباطبا، علوی اصفهانی (۱)

عالم محقق و شاعر نامدار، أبو الحسن، محمد بن أبی الفتح، أحمد بن أبی جعفر، محمد بن أبی عبد الله، أحمد (رئیس) بن ابراهیم طباطبا، متوفای ۳۲۲ قمری. وی، ادیبی دانشور بوده، و آن چنان عظمت و شهرت علمی و ادبی داشته، که یاقوت حموی در معجم الأدباء، او را به شهرت نام و شیوع و انتشار اشعار، ستوده است، و هم چنین او را، با صفای قریحه، و ذکاوت و زیرکی، و صحت ذهن و نیکوئی مقصد ستایش کرده، و می نویسد: شاعرٌ مُفْلِقٌ، وَعَالِمٌ مُحَقِّقٌ، شَائِعُ الشُّعْرِ، نَبِيُهُ الدُّكْرُ... وَكَانَ مَذْكُورًا بِالذُّكَاءِ وَالْفِطْنَةِ وَصَفَاءِ الْقَرِيحَةِ، وَصِحِّهِ الذَّهْنِ وَجُودِهِ الْمَقَاصِدِ، مَعْرُوفٌ بِذَلِكَ، مَشْهُورٌ بِهِ (۱).

او معروف به «ابن طباطبا» بوده، و در اصفهان تولد یافته، و در همین شهر وفات یافته است، و نسل گسترده ای در اصفهان داشته، که در میان آنها علماء بسیار و ادباء فراوان، و شخصیت های علمی و ادبی و اجتماعی زیاد، وجود داشته است (۲).

از آثار علمی و ادبی او: ۱- کتاب عیار الشعر، ۲- کتاب تهذیب الطبع، ۳- کتاب العروض (که به نوشته یاقوت حموی، این کتاب، در گذشته، همانندی نداشته است) ۴- کتاب المدخل فی معرفه المعنی من الشعر، ۵- کتاب تقریظ الدفاتر ۶- سنام المعالی، ۷- الشعر و الشعراء، ۸- دیوان اشعار، می باشد.

ص: ۴۶۴

۱- معجم الأدباء، جلد ۱۷، صفحه ۱۴۳

۲- معجم الأدباء، جلد ۱۷، صفحه ۱۴۳

وی ، در کتابهای معجم الأدباء ، الفهرست ابن التّیّم ، الدّریعہ ، نوابغ الرّواہ فی رابعہ المات ، أعیان الشّیعہ ، لغتنامه دہخدا ، دائرہ المعارف تشیّع ، و بسیاری دیگر از کتب تراجم و رجال و نیز دائرہ المعارف ها ، مورد تجلیل قرار گرفته و از آثار او ، به عظمت یاد شده است .

با توجّہ به آنچه گذشت ، می توان فهمید ، کہ ابن طباطبا ، نہ فقط چہرہ برجستہ ای در خاندان طباطبائیان ، در اصفہان بودہ است ، بلکہ با توجّہ بہ نسل پر برکت او ، کہ در برگیرندہ علماء و ادباء و نقباء عظیم الشّان بودہ است ، می توان او را سرسلسلہ خاندانی علمی ، بہ شمار آورد .

ج - ابن طباطبا ، علوی اصفہانی «۲»

أبو عبد اللہ ، حسین بن محمّد بن أبی طالب ، علی بن أبی القاسم ، محمّد بن أبی الحسن ، محمّد (شاعر و عالم بزرگ مذکور در فوق) . وی ، از نسّابہ های بزرگ (۱) در قرن پنجم بودہ ، و سیّد أبو الحسن عمری (نسابہ متوفّای ۴۲۳) او را دیدہ ، و در نزد او درس خواندہ ، و با او دربارهٔ نسب ها مکاتبہ داشتہ است .

وی ، کتاب « الکامل فی نسب آل أبی طالب » تألیف سیّد ابو الحسن عبیدلی حسینی (متوفّای ۴۳۵) را مختصر نمودہ ، و آن را ، « تہذیب الأنساب ونہایہ

ص: ۴۶۵

۱- با توجّہ بہ مشکلاتی کہ برای سادات و خاندان پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم ، در دوران اموی و عبّاسی بہ وجود آمدہ بودہ است ، و ذراری رسول اللّٰهُ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم را ، پراکندہ شہرہا می نمودہ ، دانشمندان و محقّقان بزرگی بودہ اند ، کہ با تخصّص لازم و تحقیق فراوان ، دربارهٔ نسب ها و بخصوص نسب و تبار سادات و ذریہ های رسول گرامی اسلام صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم ، اظہار نظر می نمودہ ، و در این زمینہ تألیفاتی داشتہ اند ، و آنها را ، نسّابہ می گویند ، و آنان ، از ارزش و اعتبار قابل توجّہی برخوردار بودہ اند

الأعقاب» ، نامیده است (۱).

د - ابن طباطبا علوی اصفهانی (۳)

(صاحب منتقله الطالبيه)

أبو اسماعيل ، ابراهيم بن ناصر بن ابراهيم بن عبد الله بن الحسن ابن أبي الحسين ، علي (شاعر ملقب به : شهاب) بن أبي الحسن محمد (۲) (شاعر و عالم نامدار، مذکور در فوق ، تحت شماره « ب ») . وی ، از چهره های بزرگ علمی و تقوایی بوده ، و مورد تجلیل بزرگان قرار گرفته است ، مثلاً : أبو الحسن بیهقی (مورخ و نسابه نامدار) او را ، « سید تقی » و « سید امام » خوانده و ابن طقطقی ، او را « سید علامه نسابه » به شمار آورده ، و ابن عنبه و عمیدی ، او را ، با اوصاف : « سید عالم نسابه » توصیف کرده اند (۳).

از آثار علمی شخصیت یاد شده ، یکی « دیوان الأناساب و مجمع الأسماء و الألقاب » و دیگری « مُنتَقَلَه الطالبيه » می باشد ، و زندگی او تا سال ۴۷۹ قمری ، ادامه داشته ، ولی پس از آن ، اطلاع دیگری از حیات او در دست نیست (۴).

و آنچه یاد کردیم ، نمونه ای بود از چهره های علمی و ادبی خاندان طباطبائی اصفهانی ، در قرون اولیه ، و البته باید دانست که ، در بسیاری از دوره های سادات طباطبائی در اصفهان زندگی کرده ، و علماء بزرگی در میان آنها بوده اند که ذیلاً مورد بحث قرار می گیرند:

ص: ۴۶۶

۱- دائرة المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۴۲ - ۳۴۳

۲- مقدمه منتقله الطالبيه ، صفحه ۳۱

۳- مقدمه منتقله الطالبيه ، صفحه ۳۶

۴- مقدمه منتقله الطالبيه ، بقلم سید محمد مهدی سید حسن خراسان صفحه ۴۰

یکی از شاخه های خاندان طباطبائی ، خاندان علمی طباطبائی نائینی اصفهانی است ، که شخصیت برجسته و نامدار آنها ، فقیه حکیم و متکلم خبیر ، میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی ، معروف به میرزا رفیعای نائینی ، متوفای ۱۰۸۲ قمری می باشد ، که از برجسته ترین حکماء شیعه در قرن یازدهم بوده ، و از مفاخر علمی حوزه بزرگ اصفهان به شمار می رود ، و تألیفات مهمی در زمینه فقه ، اصول ، حدیث ، عقاید و کلام داشته است .

وی استادهائی بزرگ ، همانند : میرفندرسکی ، و میرداماد، و ملا عبد الله شوشتری ، و شیخ بهائی داشته ، و از اساتید علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی به شمار آمده ، و در بسیاری از کتب تراجم و رجال و تاریخ و جغرافیا ، همانند : روضات الجنّات ، أعیان الشّیعه ، أُلکنی و الألقاب ، ریحانه الأدب ، رجال اصفهان ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، آتشکده اردستان، تاریخ نائین ، گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، آثار ملی اصفهان و ... ، مورد تجلیل قرار گرفته است ، و با عباراتی ، همانند : قُدْوَةُ الْمُحَقِّقِينَ وَالْمَدَقِّقِينَ ، وَ عَلَامَةُ الزَّمَانِ ، وَ وَحِيدُ الدَّهْرِ ، وَ ذُو الْفَيْضِ الْقُدْسِيِّ ، وَ جَامِعُ الْمَعْقُولِ وَالْمُنْقُولِ وَ ... ، او را ستوده اند ، و بقعه و تکیه مهمی به احترام او تأسیس گردیده ، و در حال حاضر ، فقط بقعه زیبا و کاشی کاری شده آن باقی می باشد ، و ما در بخش « بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد » نیز ، از این بزرگمرد یاد نموده ایم . اولاد و نسل میرزا رفیعا ، در اصفهان و زواره و اردستان ، ادامه زندگی داده اند ، و در میان آنها جمعی از اهل علم و فضل بوده و می باشند ، که از آن جمله است :

الف - میرزا محمد حسین بن رفیع الدین ، محمد بن مهدی بن محمد بن میرزا

رفیع الدین «میرزا رفیعا»، معروف به «شیخ الإسلام» متوفای ۱۱۷۵ قمری (۱) که از علماء مورد توجه در شهر اصفهان بوده است.

ب - میر سید علی بن میر محمد رفیع طباطبائی، که از احفاد میرزا رفیعی نائینی بوده، و از فقهاء و علماء صاحب تألیف به شمار رفته، و شعر می سروده است. و در قبرستان سنی فاطمه علیها السلام مدفون گردیده، و بنا بر یک احتمال، برادر میرزا محمد حسین (مذکور در فوق) بوده است (۲).

ج - میر محمد حسین دوم (نوه میرزا محمد حسین اول، مذکور در فوق) که عالمی محقق و فاضل بوده است.

د - سید محمد مظهر، متوفای ۱۲۵۴ قمری (پدر حکیم جلوه) که عالمی ادیب، و شاعری مورخ، و طبیبی متبحر بوده، و تألیفی به نام «أحوال سلاطین صفویّه»، از خود به جای گذاشته است (۳).

ه - حکیم جلوه

حکیم نامدار و محقق عظیم الشان، میرزا أبو الحسن جلوه، متوفای ۱۳۱۴ قمری، که در هند تولد یافته، و در اصفهان تحصیل علم نموده (۴) و چهل و یک سال، در مدرسه دارالشفاء تهران اقامت داشته (به نحو مجرد و بدون همسر)، و تدریس می نموده، و از چهره های برجسته علوم عقلی و فنون حکمیّه بوده است. وی، تألیفاتی، همانند: «إثبات الحركه الجوهریه» و «ربط الحادث

ص: ۴۶۸

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۷۶ و ۳۴۴

۲- رجال اصفهان، صفحه ۱۸۴

۳- الذریعه، جلد ۱، صفحه ۳۰۵

۴- ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۴۲۰

بالقدیم» و «دیوان اشعار» و «حواشی بر أسفار ملا صدرا»، از خود به جای گذارده، و از مفاخر عالم حکمت و فلسفه، در قرن چهاردهم، به شمار می رود.

در کتاب آتشکده اردستان، اثر نویسنده محقق و متتبع، مرحوم رفیعی مهرآبادی، بحثی گسترده، و تحقیقی مفصل، درباره خاندان طباطبائی و شاخه های آن، انجام گرفته، و شایان توجه می باشد.

۲۶- خاندان علمی طباطبائی بروجردی اصفهانی

چنانچه قبلاً اشاره نمودیم، سادات طباطبائی، در بسیاری از بلاد و کشورها منتشر بوده و هستند، و در بسیاری از دوره ها، با هجرت شخصیتهای برجسته از این خاندان، به شهری تازه و تشکیل خانواده در آن شهر، سرسلسله خاندانی جدید می گردیده است، که به حساب سابقه آباء او، منسوب به شهر قبلی، و به حساب محل سکونت جدید، منسوب به شهر تازه می گردیده است، و نمونه آن، خاندان طباطبائی های بروجردی اصفهانی می باشد، که با توجه به سوابق آن خاندان «بروجردی» خوانده می شوند، ولی با توجه به سکونت عده ای از این خاندان در اصفهان «اصفهانی» نامیده می شوند، و ذیلاً به برخی از دانشمندان این خاندان علمی اشاره می نمائیم:

الف - عالم بزرگوار و مورد توجه، حاج سید علی طباطبائی بروجردی، متوفای ۱۳۰۶ قمری. وی از علماء مبرز و صاحب تألیف بوده، و از آثار علمی او، کتابی در اصول فقه بوده است (۱).

سکونت آن بزرگمرد، در محله درب کوشک، و قبر او در تکیه آقا حسین خوانساری می باشد.

ص: ۴۶۹

ب - فقیه مجتهد ، و پیشوای عظیم الشان ، حاج میرزا أبو الحسن بروجردی طباطبائی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، و فرزند مرحوم حاج سید علی (مذکور در فوق) . وی از شاگردان پدر خود ، و نیز حاج میرزا بدیع درب امامی ، و آقا میرزا محمد حسن نجفی ، و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی بوده ، و نیز در حوزه علمی نجف ، سالها مشغول به تحصیل مراتب علمی و تکامل مراتب استنباط بوده است ، و پس از مراجعت ، در حوزه علمی اصفهان ، به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته ، و مورد توجه و ارادت مردم با ایمان بوده است (۱).

پس از وفات آن بزرگمرد ، تکیه و بقعه ای جالب ، به نام و به احترام او ، تأسیس نمودند ، که به نام « تکیه بروجردی » یا « تکیه دربکوشکی ها » خوانده می شود ، و بسیاری از علماء و مدرّسین ، در آن مدفون گردیده اند .

ج - عالم فاضل ، حاج میرزا محمد باقر طباطبائی بروجردی ، متوفای ۱۳۴۰ قمری . وی فرزند حاج میر سید علی بروجردی ، و برادر حاج میرزا أبو الحسن بروجردی می باشد ، و در تکیه آقا سید أبو جعفر خادم الشریعه ، معروف به « تکیه آقا مجلس » مدفون گردیده است (۲).

۲۷- خاندان علمی فاضل سراب و جویبارهای

یکی از خاندان های علمی اصفهان ، که از دوره صفویّه تا اواخر قرن چهاردهم ، مهد پرورش علماء بزرگ بوده است ، خاندان فاضل سراب می باشد ، که عدّه ای از آنها با عنوان « جویبارهای » مشهور می باشند ، و ذیلاً به برخی از مفاخر علمی آن خاندان ، اشاره می نمائیم :

ص: ۴۷۰

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۷۲

۲- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۵۶

سرسلسله این خاندان، فقیه متکلم، و مجتهد کامل و جامع، مولی محمد بن عبد الفتاح تنکابنی، معروف به «فاضل سراب»، متوفای ۱۱۲۴ قمری بوده است. وی از شاگردان محقق سبزواری و علامه مجلسی بوده، و تألیفاتی محققانه و عالی و مورد توجه، در زمینه فقه و اصول و عقائد (کلام) به جای گذاشته، همانند: «سفینه النجاه» و «اثبات الصانع القديم» و ...، که شمار آنها به سی عدد می رسد (۱). فاضل سراب، در فقه و اصول و کلام و مناظره، استاد بوده، و از مشایخ اجازه به شمار رفته، و در کتب تراجم و رجال، همانند: روضات الجنات، أعيان الشیعه، فوائد الرضویه، ریحانه الأدب، أکنی و الألقاب، دانشمندان و بزرگان اصفهان، رجال اصفهان و ...، و بسیاری از کتب تاریخ و جغرافیا و دائره المعارف ها، مورد تجلیل قرار گرفته، و در یک جمع بندی، او از مفاخر علمی قرن دوازدهم به شمار می رود، و تکیه و بقعه مخصوص، به نام «تکیه فاضل سراب» دارد.

ب - ج - دو فرزند فاضل سراب

مولی محمد رضا، و مولی محمد صادق، که هر دو از علماء، و از شاگردان پدر، و مجاز از او بوده اند، و در جوار قبر پدر، در تکیه فاضل سراب (واقع در خیابان فیض، اول تخت فولاد) مدفون گردیده اند.

د- آقا شیخ محمد صالح مازندرانی

فقیه محقق، آقا شیخ محمد صالح مازندرانی، متوفای ۱۲۸۵ قمری، که از

ص: ۴۷۱

أحفاد فاضل سراب بوده، و در حوزه نجف و کربلاء، از درس مرحوم شریف العلماء، و آقا شیخ موسی، و آقا شیخ علی (فرزندان مرحوم کاشف الغطاء، شیخ جعفر کبیر) بهره جسته، و در حوزه علمیة اصفهان، مرجعیتی بزرگ و قابل توجه داشته است. او داماد سید صدرالدین عاملی بوده، و تألیفاتی، همانند: «کواشف الحجب» (در چند جلد) داشته (۱)، و به علت سکونت در محله جویباره اصفهان، خود و فرزندانش، مشهور به « جویباره ای » گردیده اند، و آن بزرگمرد، در تکیه مادر شاهزاده مدفون شده است.

ه- آقا شیخ محمد حسین جویباره ای

وی فرزند ملا محمد صالح مازندرانی (جویبارهای) و از زهاد علماء، و مورد توجه بوده است، و در تکیه فاضل سراب، مدفون می باشد.

و- آقا شیخ محمد رضا صالحی

وی فرزند آقا شیخ محمد حسین جویبارهای، و متوفای ۱۳۸۶ قمری می باشد، و همانند پدر، دارای زهد و مقام علمی بوده، و در تکیه فاضل سراب مدفون گردیده است.

ز- حاج میرزا مهدی جویباره ای

وی فرزند ملا محمد صالح، و برادر آقا شیخ محمد حسین (یادشگان در فوق) و متوفای ۱۳۲۵ قمری می باشد، و عالمی شایسته و مورد توجه مؤمنین، و مرجع امور دینی بوده، و در تکیه فاضل سراب مدفون گردیده است. این

ص: ۴۷۲

تکیه ، به احترام یاد شدگان فوق ، « تکیه جویباره ای » هم خوانده می شود(۱).

۲۸- خاندان علمی فقیه احمد آبادی

از خاندانهای علمی اصفهان ، که از دروه صفویه تا کنون ، مهد پرورش علماء بوده ، و شخصیت های علمی و اجتماعی (و عهده دار مناصب مهم و رسمی) از آنها برخاسته اند « خاندان فقیه احمد آبادی » می باشد .

بزرگترین چهره علمی این خاندان در دوره اخیر ، مرحوم آیه الله ، آقا سید محمد تقی موسوی احمد آبادی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری می باشد ، که فقیهی مجتهد ، و محدثی محقق ، و متکلمی مدقق ، و شاعری ادیب بوده ، و تألیفات زیادی از قبیل : « مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم » و « آداب الجمععات » و ... ، از خود به جای گذارده است(۲).

این بزرگمرد ، دارای چهر های برجسته ، از نظر علمی و روحی و معنوی بوده ، و در کتابهای گوناگون ، مورد تجلیل قرار گرفته است ، همانند :

۱- نقباء البشر ، از علامه محقق ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، صفحه ۲۵۸

۲- مکارم الاثار ، از دانشمند متبّع و متبحر ، میرزا محمد علی معلّم حبیب آبادی ، در ذیل وقایع سال ۱۳۰۱ قمری .

۳ و ۴ - الأمالی (مخطوط) و مقالات مبسوطه ، از مرحوم معلّم حبیب آبادی .

۵- تاریخ اصفهان ، از میرزا حسن خان جابری انصاری ، جلد ۳ ، صفحه ۵۳

۶- الأعلام ، از خیر الدین زرکلی ، جلد ۶ ، صفحه ۲۸۹

ص: ۴۷۳

۱- رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد اصفهان

۲- مرحوم فقیه احمد آبادی ، جدّ امّی نویسنده کتاب حاضر می باشد ، و خاندان علمی موحد ابطحی ، از طریق سببی ، با خاندان فقیه احمد آبادی ، مربوط می شود

۷- معجم المؤلفین ، از عمر رضا کحّاله ، جلد ۹، صفحه ۱۳۱

۸- مؤلفین کتب چاپی ، از خان بابا مُشار ، جلد ۲، صفحه ۲۸۲

۹- رجال اصفهان ، از سید مصلح الدین مهدوی ، صفحه ۴۶ - ۴۷

۱۰- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، از سید مصلح الدین مهدوی ، صفحه ۲۱۷

۱۱ - سیری در تخت فولاد ، از سید مصلح الدین مهدوی ، صفحه ۱۳۲ - ۱۳۵

۱۲- حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ ج ۱، ص ۳۹۲ از نویسنده این سطور

۱۳ - آثار التّقی ، که رساله مستقل و جامعی ، در شرح حال این بزرگمرد می باشد ، از علامه محقق ، آیه الله ، آقا سید محمد علی روضاتی ، که در مقدمه جلد دوم مکیال المکارم (چاپ دوم) به چاپ رسیده است .

مرحوم آیه الله ، آقا سید أبو القاسم دهکردی ، (استاد آن بزرگوار) در ضمن اجازه اجتهادی که برای ایشان نوشته ، چنین مرقوم داشته اند (۱)

وَمِمَّنْ وَجِدْنَاهُ فِي قَرْبِنَا هَذَا ، سَالِكًا مَسِيلَكَ الرَّشَادِ وَ نَاهِجًا مَنَهَجَ السَّدَادِ ، نَاشِرًا الْأَخْبَارِ الْأَيْمَةَ الْمَعْصُومِينَ ، مُتَّفَقًا فِي الدِّينِ ، جَنَابُ الْعَالِمِ الْعَامِلِ وَالْفَاضِلِ الْكَامِلِ ، الْجَامِعِ الْكَمَالَاتِ النَّفْسَانِيَّةِ ، وَالْحَائِزِ لِلْمَرَاتِبِ الْإِيْمَانِيَّةِ ، الْمُهَيِّدِ الصِّفَى ، وَالْأَلْمَعِيَّ الزَّكِيَّ ، وَصَيْدِيقِنَا ، أَلْحَاجِ مِيزَا مُحَمَّدٍ تَقِي ، أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ ، فَإِنَّا قَدْ وَجِدْنَاهُ ... صَاحِبَ الذَّهْنِ الْوَقَادِ ، وَالْفَهْمِ النَّقَادِ ، وَجُودِهِ الْقَرِيحِهِ وَالسَّلِيْقِهِ الْمُسْتَقِيمِهِ خَارِجًا عَن ذُلِّ التَّبَعِيَّةِ إِلَى عِزِّ الْإِسْتِقْلَالِ

وَ بِالْغَا رُتْبَةَ الْأَجْتِهَادِ ... وَ إِفْتِخَارًا لِلشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ

و بدین وسیله ، نه تنها ایشان را دارای رتبه اجتهاد و جامع کمالات نفسانی معرفی نموده ، بلکه افتخار شیعه امامیه دانسته است

ص: ۴۷۴

۱- مکیال المکارم ، مقدمه جلد ۲، صفحه « یا » و « ب »

و مرجع عالیقدر معاصر ، حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی (صاحب کتاب نفیس منتخب الأثر) در ضمن مقدمه ای بر چاپ دوم کتاب مکیال المکارم ، چنین مرقوم داشته اند : وَهَذَا الْكِتَابُ الشَّرِيفُ وَ إِن صُنِفَ فِي فَوَائِدِ الدُّعَاءِ لِمَوْلَانَا الْقَائِمِ أَرْوَاحُنَا نِدَاءٌ وَ لِكِنَّهُ مَوْسُوَعَةٌ كَبِيرَةٌ، فِي كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، مِمَّا هُوَ مَذْكُورٌ فِي كُتُبِ الْأَحَادِيثِ وَ الْجَوَامِعِ الْكَبِيرَةِ الْمُعْتَمَدَةِ ، وَ لَوْ أُسِيِمَاهُ « مَوْسُوَعَةُ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ ، أَوْ مَوْسُوَعَةُ الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ » لَكَانَ أَيْضًا بِعَدْلِكَ حَيْدِرًا ، فَلِلَّهِ دَرٌّ مُؤَلَّفِهِ الْبَارِعِ الْمُخْلِصِ الْوَلِيِّ الْوَفِيِّ لِإِمَامِهِ ، الْعَلَامَةِ الْحُجَّهِ ، الْأَيَّهِ « السَّيِّدِ مُحَمَّدِ تَقِيِّ الْمَوْسَوِيِّ » وَ عَلَيْهِ أَجْرُهُ فِيمَا تَحَمَّلَ فِي سَبِيلِ إِخْرَاجِ هَذَا الْأَثَرِ الْجَلِيلِ ، مِنْ الْعَنَاءِ الَّذِي لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا الْأَوْحَادِيُّ مِنْ أَهْلِ التَّأْلِيفِ وَ التَّنْقِيهِ فَهِنَا لَهُ لِتَأْلِيفِ هَذَا الْكِتَابِ مَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ مِنَ التَّوْفِيقِ الَّذِي لَا يُكْرِمُ بِهِ إِلَّا أَهْلَ الْإِخْلَاصِ وَ الْوَفَاءِ وَ ذَوِي النَّيِّبِ الصَّادِقِ وَ الْقُلُوبِ السَّلِيمِ ، وَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِ الْعِزَّةِ الْهَادِيَةِ (1).

پدر و اجداد این بزرگمرد ، بدین ترتیب می باشند : آقا سید عبد الرزاق بن سید عبد الجواد بن سید مهدی بن میر قاضی بن سید محمد (نائب الصدر) بن میر محمد تقی موسوی (وزیر شاه صفی « شاه سلیمان ») ، که همه آنها ، با تفاوت مراتب ، از علماء بوده اند ، و آقا سید محمد ، عهده دار منصب « نائب الصدر » بوده ، و میر محمد تقی موسوی ، منصب « وزارت » داشته است (2).

در بخش « بقعه های علمی اصفهان » درباره شخصیت و آثار صاحب مکیال

ص: ۴۷۵

۱- مکیال المکارم ، جلد ۲ ، مقدمه ، صفحه (ب)

۲- از این خاندان ، در حال حاضر ، دو عالم و روحانی بزرگوار : حجه الاسلام آقای حاج آقا محمد و حجه الاسلام حاج سید عتیاس فقیه احمد آبادی (دو یادگار مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی موسوی احمد آبادی) به امامت جماعت و فعالیت های دینی و اجتماعی اشتغال دارند

المکرم ، و خاندان علمی او ، با نگرشی دیگر ، بحث و بررسی داریم .

۲۹- خاندان علمی قزوینی

خاندانی است علمی ، که سرسلسله آن ، فقیه مجتهد ، حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ، متوفای بعد از ۱۲۶۳ قمری می باشد . وی اصلاً قزوینی بوده و در اصفهان تحصیل علم نموده ، و از شاگردان مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی (حجه الاسلام) بوده ، و از او اجازه اجتهاد دریافت کرده است ، و به علت علم و تقوائی که داشته ، مورد توجه و عنایت خاص آن زعیم عالیقدر بوده است (۱).

مرحوم قزوینی ، کتابخانه مهمی داشته ، که علامه بزرگوار ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، در تألیف کتاب شریف « الذریعه » از آن بهره گیری نموده است (۲).

فرزند بزرگ آن مرحوم ، به نام حاج آقا محمد قزوینی ، متوفای ۱۳۰۴ قمری ، از علماء محترم ، و امام جماعت مسجد آقانور (که از مساجد مهم اصفهان به شمار می رفته) بوده ، و از احفاد او ، مرحوم حاج آقا باقر قزوینی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، و مدفون در تکیه خلیلیان می باشد ، که از علماء جلیل القدر بوده ، و خاندان علمی قزوینی را ، تا زمان خود حفظ نموده است .

دومین فرزند مرحوم حاج محمد ابراهیم ، به نام آقا شیخ محمد حسین می باشد ، که عالمی فاضل به شمار رفته ، و از آثار او تدوین حواشی پدرش ، بر شرح حدیث غمامه (تألیف قاضی سعید قمی ، از علماء قرن یازدهم) می باشد .

۳۰- خاندان علمی کتابی (کتابفروش)

یکی از خاندانهای علمی و تقوائی ، که در طول زمان ، چهره های علمی

ص: ۴۷۶

۱- الکرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۳

۲- الذریعه ، جلد ۸ ، صفحه ۲۹۹

متعددی را در خود پرورش داده است ، خاندان سادات حسینی کتابفروش (کتابی) می باشد ، که ذیلاً توضیح داده می شود:

سرسلسله خاندان ، مرحوم آقا سید محمد کتابفروش است ، که از علماء و فضلاء و زهّیاد و مدرّسین فقه بوده ، و شغل کتابفروشی داشته ، و از معمرین به شمار رفته است (۱)، و در تخت فولاد ، در نزدیکی « بقعه آقا رفیعا نائینی » مدفون گردیده ، و بقعه ای به احترام او و فرزندش (آقا میر محمد صادق) تأسیس شده بوده ، که در جریان ایجاد فرودگاه در جنوب تخت فولاد ، از بین رفته است .

فرزند آن بزرگمرد ، فقیه مدرّس ، و محقق زاهد ، آقا میر محمد صادق ، مشهور و معروف به : کتابفروش ، متوفای ۱۳۰۳ یا ۱۳۰۴ قمری می باشد ، که در نزد علماء اصفهان ، به فقاہت معروف بوده (۲)، و به مطالعه و تدریس و عبادت و تهجد اشتغال داشته ، و شاگردان بسیاری پرورش داده ، که از جمله آنها ، مرحوم آخوند گزی قدس سرّه می باشد (۳). وی دارای تألیفاتی در فقه بوده ، که مورد ستایش محقق و مجتهد نامدار ، مرحوم آخوند گزی می باشد، و از جمله آنها شرحی است بر شرایع ، که در سنّ ۲۳ سالگی شروع در تألیف آن نموده است (۴). مرحوم آقا میر محمد صادق ، از شاگردان آقا سید محمد باقر شفتی و داماد ایشان بوده ، و فرزندان به نامهای : ۱- آقا سید محمد تقی ، ۲- آقا میرزا

ص: ۴۷۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۸۲

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۸۲

۳- تذکره القبور (رجال اصفهان) ، صفحه ۶۳

۴- بیان المفاخر ، جلد ۱، صفحه ۳۲۷

علی رضا، ۳- آقا سید محمد جواد، داشته است (۱).

عالم فاضل، میر محمد حسین بن میر علی نقی، متوفای ۱۳۴۱ قمری، که قبر او در کنار « بقعه سادات کتابفروش » بوده، از همین خاندان می باشد (۲).

علاوه بر یاد شدگان، عده دیگری از علماء اُتقیاء و فضلاء ازکیاء، در این خاندان علمی، نشو و نما یافته اند، که از برخی از آنها، در کتاب سیری در تخت فولاد، از صفحه ۱۳۹ تا ۱۴۱، یاد شده است.

۳۱- خاندان علمی کلباسی (کرباسی)

(۳) از خاندانهای برجسته، از نظر علمی و تقوایی و اجتماعی، خاندان کرباسی است، که شخصیت های برجسته ای در عالم مرجعیت و تدریس و تألیف و تحقیق، و نیز زهد و تقوی، به حوزه های علمیه و جامعه شیعه، عرضه کرده است، و تاکنون این خاندان پر برکت، از نظر علمی و روحانی، استمرار خود را حفظ نموده است، و ذیلاً به نمونه هایی اشاره می نمائیم:

الف - حاج محمد حسن خراسانی

اولین عالم این خاندان، مرحوم حاج محمد حسن خراسانی، متوفای ۱۱۹۰ می باشد، که از هرات به کاخ (کاخک) خراسان آمده، و سپس به اصفهان

ص: ۴۷۸

۱- بیان المفاخر، جلد ۱، صفحه ۳۲۷

۲- رجال اصفهان، صفحه ۲۰۹

۳- اصل این خاندان از حوض کرباس، یکی از محلات هرات است، و بدین جهت کرباسی خوانده می شوند، و چون در شهر اصفهان، خاندان دیگری از تجار، به عنوان « کرباسی » مشهور بوده اند، جهت امتیاز، به این خاندان « کلباسی » گفته شده است (ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۴۴ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۶):

مهاجرت نموده ، و اقامت جسته است . مرحوم میرزای قمی (صاحب قوانین الاصول) در اجازه ای که برای حاجی کلباسی نوشته ، مرحوم حاج محمد حسن را ، با چنین عناوینی ستوده است : أَلْعَالِمِ الْعَابِدِ الْبَاذِلِ الْمُبْتَرُورِ ، و در باره آن بزرگمرد گفته اند که : حاجی کلباسی ، حسنه ای است ، از حسنات حاجی محمد حسن .

وی از معاشرین و مصاحبین چهره نورانی و علمی اصفهان ، یعنی آقامحمد بید آبادی بوده است(۱).

ب - حاجی کلباسی

برجسته ترین چهره علمی و تقوایی خاندان کرباسی ، فقیه نامدار ، و مرجع بزرگوار ، تقی نقی ، و عابد زاهد ، حاج محمد ابراهیم کرباسی ، متولد ۱۱۸۰ و متوفای ۱۲۶۱ هجری قمری می باشد ، که از شاگردان بزرگترین چهره های علمی شیعه ، همانند : وحید بهبهانی ، و سید بحر العلوم ، و شیخ جعفر نجفی

(کاشف الغطاء) و صاحب ریاض ، و میرزای قمی ، و ملا مهدی نراقی ، و ملا محراب حکیم ، و ملا علی نوری حکیم و ... ، بوده(۲) و شاگردان عظیم الشانی ، همچون : آقا میر سید حسن مدرس ، و آقا سید حسن مجتهد موسوی ، و آقا میر سید محمد شهشهبانی و ... پرورش داده ، و مربی معنوی و اخلاقی او ، شخصیت نامدار شیعه ، آقا محمد بید آبادی بوده است .

حوزه درسی او مشهور ، تحقیقات علمی او مورد توجه ، تألیفات فراوان او ، (همانند : اشارات الاصول ، نخبه ، شرح کفایة سیزواری و ...) پر برکت ، اخلاق و تقوای او زبانزد عام و خاص ، و دعای او مستجاب ، و ذریه او (در عالم علم

ص: ۴۷۹

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷

۲- أَلْکَرَامِ الْبَرَرِ ، صفحه ۱۵

و عمل) پر ثمر، و معاشرت او سازنده و الهام بخش، بوده است.

شرح حال آن بزرگمرد، در دهها کتاب و رساله، از کتب معتبره تراجم و رجال، ذکر گردیده است(۱).

ج - آقا محمد مهدی کلباسی

فرزند برومند حاجی کلباسی، مرحوم آقا محمد مهدی کرباسی (کلباسی) متوفای ۱۲۷۸ هجری، که اکبر و ارشد اولاد حاجی بوده، و کتابهای فراوان (که برخی از آنها، در ضمن چندین مجلد می باشد، همانند: شرح منهاج الهدایه، که فقه استدلالی است، در ۸ جلد، و مصابیح الأصول، که ۹ جلد می باشد، و...) تألیف نموده(۲)، و حوزه درسی مهمی در مسجد حکیم داشته است. وی داماد مرحوم سید محمد باقر شفتی بوده(۳)، و فرزند او «آقا شیخ محمد حسین کلباسی» متوفای ۱۳۴۰ قمری، (از علماء بزرگوار و مورد توجه بوده است).

د. آقا میرزا أبو المعالی کلباسی

آخرین فرزند حاجی کرباسی(۴)، مرحوم آقا میرزا أبوالمعالی (محمد)

ص: ۴۸۰

۱- و ما نیز، در بخشهای گوناگون این کتاب، همانند: «بقعه های علمی» و «مساجد محلّ فقّائیت علمی» و...، از این بزرگمرد تجلیل نموده ایم

۲- رجال اصفهان (تذکره القبور) صفحه ۱۶۰

۳- روّضات الجنّات، صفحه ۱۳

۴- حاجی کرباسی، علاوه بر دو فرزند یاد شده، چهار فرزند دیگر داشته اند، به نامهای: آقا شیخ جعفر، متوفای ۱۲۹۲ (که شرح حال پدر را نوشته) و آقا شیخ محمد، متوفای ۱۲۹۲، که صاحب تألیفات بوده، و آقا شیخ محمد رضا شیخ الإسلام، و آقا شیخ نورالله، که همه در زمره علماء جلیل القدر بوده اند (الکرام البرره، صفحه ۱۵ و مواضع گوناگون کتاب و دانشمندان و بزرگان اصفهان) و اطلاعات متفرقه)

کلباسی، متوفای ۱۳۱۵ قمری می باشد، که از اولیاء الله بوده، و در علم و تقوی از چهره های برجسته و کم نظیر حوزه علمی و بزرگ اصفهان به شمار می رود .

وی ، دهها کتاب و رساله ، در زمینه فقه و اصول و رجال و تفسیر و حساب و شعر ، تألیف نموده ، و محقق و دقیق الفکر و کثیر التتبع به شمار رفته ، و عوام و خواص ، داستانهای در عظمت روحی و مقامات معنوی آن بزرگمرد ، و نیز کراماتی که از توسل به روح مطهر و قبر منور ایشان ظاهر گردیده ، نقل می نمایند

از میان شاگردان فراوان این مجتهد و محقق نامدار ، نام مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره ، جلب توجه می نماید .

ه - میرزا جمال الدین کلباسی

فقیه زاهد و عالم ، حاج میرزا جمال الدین کلباسی ، فرزند آقا میرزا أبو المعالی ، و متوفای ۱۳۵۰ قمری . وی از شاگردان آخوند خراسانی بوده ، و تألیفاتی دارد ، و در زهد و تقوی ، شار بالبنان بوده ، و بزرگتر از برادرش (میرزا أبو الهدی ، مذکور در ذیل) می باشد .

و - میرزا أبو الهدی کلباسی

فقیه رجالی ، و اصولی مدقق ، آقا میرزا أبو الهدی کلباسی (متوفای ۱۳۵۶ قمری) که نمونه ای از شخصیت والای پدرش ، آقا میرزا أبو المعالی کلباسی ، محسوب می شده است . حوزه درسی او ، مخصوصاً در زمینه علم رجال ، و تألیفات متعدد و ارزشمند آن بزرگمرد ، به ویژه کتاب « سماء المقال ، فی تحقیق علم الرجال » (در دو جلد) مورد توجه و عنایت بوده و می باشد .

وی از شاگردان پدرش، و نیز آخوند خراسانی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی

ص: ۴۸۱

(در نجف اشرف) بوده است (۱).

آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد کلباسی ، که از علماء و مدرّسین محترم و بزرگوار فعلی حوزه علمیّه اصفهان می باشند ، فرزند مرحوم آقا میرزا أبو الهدی کلباسی هستند .

ز - حاج میرزا رضا کلباسی

فقیه جامع ، و مجتهد مدرّس ، و حکیم ریاضی ، حاج میرزا رضا کلباسی ، متوفای ۱۳۸۳ قمری . وی در حوزه های علمیّه اصفهان و تهران و نجف اشرف تحصیل علم نموده ، و از محضر مبارک شیخ الشریعه اصفهانی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی ، مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده (۲)، و در شهر اصفهان ، و در آخر عمر ، در مشهد مقدّس ، به فعالیت دینی در سطحی وسیع و همه جانبه ، اشتغال داشته است . وی در مدرسه صدر بازار تدریس می نموده ، و تألیفاتی در اصول دین و اصول فقه و اخلاق ، از خود به جای گذاشته ، که کتاب « انیس اللیل » در میان آنها ، از شهرت عمومی برخوردار است .

از اولاد و أحفاد حاجی کلباسی ، علاوه بر نامبردگان ، عدّه زیادی ، از مجتهدین و مؤلّفین و مدرّسین و ائمه جماعت و خطباء و ... ، بوده اند ، که در کتابهای : ألكرام البرره ، نقباء البشر ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، رجال اصفهان ، آثار ملی اصفهان ، دائرة المعارف تشیع (ذیل عنوان « آل کرباسی ») از آنها یاد شده است .

ما نیز در بخش (بقعه حاجی کلباسی) اشاراتی به گستردگی خاندان علمی

ص: ۴۸۲

۱- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۸۱

۲- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۷۵۹

کلباسی (کرباسی) نموده ایم .

۳۲- خاندان علمی گلستانه

این خاندان ، یکی از قدیمی ترین خاندانهای علمی شیعه ، در شهر اصفهان می باشد ، که نسب آنها به شرفشاه ، فرزند عبّاد ، مشهور به «گلستانه اصفهانی» می رسد ، و اولین شخصی که از این سلسله ، به گلستانه شهرت یافته ، امیر اَبی الفضل است(۱)، و از این خاندان ، چهره های مبرّزی برخاسته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها ، اشاره می شود:

الف - سید شرف الدّین حیدر

فرزند محمّد بن حیدر بن اسماعیل بن علیّ بن حسن بن علی شرفشاه ، که از علماء بزرگ شیعه در اصفهان در قرن هشتم بوده است .

ب - سید عباد

فرزند سید أحمد ، قاضی القضاة اصفهان در زمان سلطان محمّد خداپنده (اولجایتو) ، که از علماء صاحب تصنیف ، و معاصر علامه حلی بوده ، و حوزه درسی داشته است(۲).

ج - سید مجد الدّین عباد

فرزند سید یحیی ، که از علماء قرن هشتم بوده است.

ص: ۴۸۳

۱- دائره المعارف تشیّع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۲ ، و نیز کتاب علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۲۶۳

۲- دائره المعارف تشیّع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۲

پدر سید علاء الدین محمد، که نائب الصدر، و قاضی اصفهان، در عهد سلاطین صفویّه بوده است (۱).

وی مهمترین و برجسته ترین شخصیت علمی این خاندان می باشد، و در تدریس و تحقیق و تألیف و تقوی و زهد و ورع و عبادت، مقامی بسیار ارجمند داشته است. او حکیم فقیه و محدث و محقق بوده، و تمام عمر شریف خود را به إفاده و استفاده علمی گذرانیده، و دو نوبت پیشنهاد صدارت به او شده، و هر دو را رد نموده است (۲). وی برادر زن علامه مجلسی بوده، و بدین وسیله خاندان او، با خاندان علامه مجلسی، ارتباط می یابد.

سید علاء الدین محمد گلستانه، تألیفات متعددی داشته، که نشانه عظمت علمی، و قدرت تفکر و اندیشه عمیق او می باشد، و از میان آنها، شرح کبیر نهج البلاغه، به نام « حدائق الحقایق » می باشد، که بسیار مفصل است، و سه جلد آن را به پایان برده، و تا مقداری بعد از خطبه شفشقیه را شرح نموده است، و از آثار عظمت علمی او محسوب می گردد، و هم چنین از آثار آن بزرگمرد، « شرح أسماء الحسنی » بوده، که مبسوط می باشد، و نیز، « ترتیب مشیخه من لایحضره الفقیه » را تألیف نموده، که از شهرت و اهمیت فراوانی برخوردار میباشد. عموم بزرگان و محققین، به عظمت تألیفات متعدد آن بزرگمرد، اعتراف نموده اند. وفات او بنا بر مشهور، در سال ۱۱۰۰ قمری بوده، و بنا بر

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۲۹

۲- ریحانه الادب، جلد ۴، صفحه ۱۶۴

احتمال دیگر (همراه با تأییدی قابل توجه ، مذکور در ریحانه الأدب) در سال ۱۱۱۰ واقع شده است .

در بسیاری از کتب تراجم، همانند : أعيان الشَّيعه ، روضات الجنَّات ، ریحانه الأدب ، فوائد الرِّضویّه ، دانشمندان و بزرگان اصفهان رجال اصفهان و ... و همچنین ، در بسیاری از دائره المعارف ها ، از این بزرگمرد ، تجلیل فراوان شده است .

و - میرزا تاج الدین گلستانه

وی از شاگردان علامه ، ملا محمد تقی مجلسی ، و مجاز از او بوده است ، و تاریخ اجازه یاد شده ، سال ۱۰۶۲ می باشد .

ز - میرزا محمد باقر گلستانه

وی فرزند سید علاء الدین گلستانه ، و دارای حسب و نسبی برجسته بوده ، و از شاگردان علامه مجلسی ، و از مشایخ اجازه حاج ملا محمد زمان کاشانی ، به شمار رفته است (۱).

ح - سید محمد مورخ الإسلام

وی فرزند حاج میر سید علی بن میرزا محمد علی خان می باشد ، و اَدیب وفاضل بوده ، و کتابهای چندی ، همانند : سفرنامه کربلاء و فضائل العجم و ... ، تألیف نموده ، و در سال ۱۳۶۹ قمری وفات یافته ، و در تکیه شهشهرانی مدفون گردیده است (۲).

ص: ۴۸۵

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۲۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۳۱

وی از شاگردان فقیه و مرجع نامدار، حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده، و در علم و فضل مقامی ارجمند داشته است، و در اصفهان و سپس تهران، مورد توجه قرار گرفته، و پیشوائی داشته، و در سال ۱۳۲۳ قمری وفات یافته است.

از نکته های جالب در مورد شخصیت و اهمیت سادات گلستانه، این است که آنها گورستانی اختصاصی به نام « قبرستان گلستانه » داشته اند، که در دوره صفویه، در میان مردم مشهور و با اهمیت بوده است.

۳۳- خاندان علمی مازندرانی (ملاً صالح)

ملاً محمد صالح مازندرانی، داماد مشهور و عظیم الشان ملاً محمد تقی مجلسی، و همسر مجتهد نامدار، آمنه بیگم می باشد. وی فقیهی محقق، و محدثی مدقق بوده، و از چهره های برجسته علمی حوزه علمیه اصفهان در قرن یازدهم به شمار می رود، و به مناسبت عظمت شخصیت علمی و اجتماعی دو چهره نورانی و مهم اصفهان، یعنی: ملاً محمد تقی و ملاً محمد باقر مجلسی، نام و عنوان این بزرگمرد، در بخش معرفی « خاندان علامه مجلسی » و بخش مدفونین در « بقعه علامه مجلسی » مطرح می گردد، ولی با توجه به برجستگیها و شایستگی های شخصی او، و نسل شایسته ای که از خود به جای گذاشته است بایستی محور بحث و تحقیق مستقل قرار گیرد، و در این فصل، او را با عنوان سرسلسله خاندانی علمی، مورد بررسی و تمجید قرار می دهیم.

در ابتداء، با نگرشی متفاوت با آنچه در بخش های دیگر نوشته ایم، شخصیت ملاً صالح مازندرانی (سرسلسله خاندان) را، مورد توجه قرار داده، و سپس چندین چهره از ذریه آن بزرگمرد را، یاد می نمائیم:

أبو الفضائل ، حسام الدین ، محمد صالح بن أحمد بن شمس الدین طبرسی مازندرانی ، متوفای ۱۰۸۶ قمری . وی استاد های عالی مقامی ، همانند : ملا محمد تقی مجلسی ، شیخ بهائی ، ملا عبد الله شوشتری و ملا حسنعلی شوشتری داشته ، و تألیفاتی ، همانند : ۱- حاشیه بر شرح لمعه ، ۲- حاشیه مختصر الأصول عضدی ، ۳- حاشیه معالم (۱) ، ۴- شرح قصیده برده ، ۵- شرح زبده الأصول شیخ بللانی عشرح من لایحضره الفقیه ، ۷- شرح معالم (غیر از حاشیه معالم) ۸- شرح روضه کافی ۹- شرح بر اصول کافی (که از همه معروف تر و مهم تر است) از خود به جای گذاشته است .

در هر کدام از کتب تراجم ، همانند : روضات الجنّات ، أعیان الشّیعه ، فوائد الرّضویّه ، ریاض العلماء ، و ... ، تجلیل شایسته از علم و تقوی ، و مجاهدات علمی این بزرگمرد انجام گرفته ، و با ألقاب « فخر المحقّقین و المدقّقین » و نیز « عالم صالح زاهد » و ... ، ستوده شده است .

پدر او ، به نام ملا أحمد سروی (۲) از علماء بوده است .

ب - ملا هادی مازندرانی

أعلم و أكمل و أفضل أولاد ملا صالح مازندرانی ، فقیه و مفسّر کامل ، و محدّث و اصولی جامع ، و أديب و نویسنده فاضل ، و مقدّس زاهد ، ملا هادی مازندرانی ، متوفای ۱۱۲۰ قمری ، مشهور به « آقا هادی مترجم » و مدفون در

ص: ۴۸۷

۱- ملا صالح مازندرانی ، حاشیه بر معالم را در صفر سن ، تألیف نموده است (ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۴۷ و فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۳

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۴۶

بقعه علامه مجلسی می باشد .

وی تألیفات بسیار داشته ، که از آن جمله است : ۱- ترجمه قرآن مجید و شأن نزول آیات آن ، و نیک و بد استخاره با آیات قرآنی ، ۲- حاشیه تفسیر بیضاوی (به عربی) ۳- شرح فارسی شافیه ابن حاجب ۴- شرح شمسیه (به فارسی) ۵- شرح صحیفه سجادیّه (به فارسی) ۶- شرح فارسی معالم ، ۷- شرح کافی ابن حاجب (به فارسی) ۸- شرح بر فروع کافی (۱) ۹- أنوار البلاغه (در معانی و بیان) ۱۰- شرح قواعد الأحكام علامه حلی (که مبسوط است) (۲) ، و تألیفات دیگر ، که نویسنده محقق ، آقای علی دوانی ، شمار آنها را به بیست و سه عدد رسانده است ، و مجموع آثار وی ، نشانه جامعیت او در زمینه فقه اصول ، حدیث ، کلام ، تفسیر ، معانی و بیان ، نحو ، صرف و منطق می باشد .

آقا هادی مترجم ، در خدمت پدر و جدّ مادریش (ملا محمد تقی مجلسی) و دیگر بزرگان ، کسب علم و کمال نمود ، و به مقام اجتهاد رسید ، و سپس خود به تدریس و پرورش شاگردان فراوان ، و تحقیق و تألیف پرداخت ، و شاگردانی همچون شیخ محمد علی حزین لاهیجی ، پرورش داد (۳) .

این بزرگمرد ، خطّ نسخ و شکسته و نستعلیق را ، بسیار خوب می نوشته ، به طوری که می توان او را ، از خطاطان به شمار آورد .

ج ، تا ، ز - پنج فرزند دیگر

ملا صالح مازندرانی ، پنج فرزند پسر دیگر نیز داشته است ، به نامهای :

ص: ۴۸۸

۱- الذریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۳۸۰

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۵۴۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص ۳۸۵

۳- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۴۸

الف : آقا نورالدین محمد که به نوشته کتاب مرآت الأحوال جهان نما ، فقیه بی عدیل و نظیر بوده است .

دختر این بزرگمرد ، همسر آقا محمد اکمل ، و مادر آقا محمد باقر اصفهانی (وحید بهبهانی ، استاد الكل) می باشد (۱).

ب - آقا محمّد سعید اشرف که به نوشته مرآت الأحوال ، عالم ادیب و فاضل لیب بوده ، و اشعار عربی بسیار خوب می سروده ، و خط بسیار زیبا داشته است ، و علو فطرت و سخاوت از سجایای او بوده ، و اولاد او ، از علماء و صاحبان فضیلت بوده اند .

ج - آقا حسنعلی مازندرانی که فاضلی ادیب ، و عالمی لیب بوده است .

د. آقا عبدالباقی که جامع فضائل ، و عالم عامل ، و فقیه کامل بوده، و فرزندى داشته است ، به نام ملا محمّد صالح « همنام جدش » و مشهور به « آقا بزرگ » ، که او هم ، عالمی کامل بوده است .

ه- آقا محمد حسین وی ، به نوشته محدث نوری ، دانشمندی پرهیزکار بوده ، و حواشی بسیاری بر نسخه ای از « من لا یحضره الفقیه » نوشته بوده ، که دلالت بر فضل و کمال او می کرده است .

ح . آقا مهدی مازندرانی (شهید)

فرزند دانشمند آقا هادی ، که عالمی فاضل و محقق به شمار رفته ، و به نوشته حزین لاهیجی ، مولای فاضل عارف بوده است . وی در فتنه و تهاجم افغانها به

ص: ۴۸۹

۱-مراه الأحوال جهان نما ، صفحه ۱۳۱ و علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۵۷۴ . با توجه به این مطلب ، روشن می شود که خاندان بزرگ و علمی وحید بهبهانی ، منسوب به خاندان علمی ملا صالح مازندرانی و آمنه بیگم می باشد

اصفهان ، در سال ۱۱۴۱ قمری ، به شهادت رسیده است ، و تألیفاتی داشته است ، از قبیل : ۱- بشاره الشیعه من مسائل الشریعه ، ۲- حاشیه شرح مختصر عضدی ۳- حاشیه مختصر ابن حاجب ، ۴- وسیله السعاده و ذریعه الشفاعة (ترجمه کتاب مهج الدعوات سید ابن طاووس) و جمعی از فضلاء ، از شاگردان آن بزرگمرد بوده اند(۱).

ط - آقا محمد رضا مازندرانی

فرزند دیگر آقا هادی مازندرانی . وی به نوشته سید عبد الله جزائری (در اجازه کبیره) فاضل محقق، و متکلم رفیع المنزله بوده، و در مدرسه خیر آباد بهبهان سکونت داشته ، و تدریس می نموده ، و در دهه ۱۱۵۰ قمری ، وفات یافته است(۲) .

ی-زکی ، دختر ملا صالح مازندرانی

وی ، زنی فاضله بوده ، و نسخه ای از شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی ، به خط نسخ این بانوی فاضله ، در کتابخانه مدرسه فیضیه موجود می باشد(۳).

افتخاراتی بزرگ

چندین خاندان بزرگ و علمی ، همانند : « خاندان طباطبائی های بروجردی » که در برگیرنده چهره های بزرگی ، همانند : آقا سید محمد طباطبائی بروجردی (سرسلسله خاندان) و علامه ، سید مهدی بحرالعلوم ، و فقیه بزرگ ، حاج میرزا

ص: ۴۹۰

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۵۱

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۵۱

۳- فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ، به قلم حاج آقا مجتبی عراقی ، ج ۲ ، ص ۴۲۶ - ۴۲۷

محمود بروجردی (صاحب مواهب السّتیّه) و مرجع عالیقدر شیعیان جهان، مرحوم آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی و ... می باشد، و نیز خاندان بزرگ «آل صاحب ریاض» که در برگیرنده شخصیت های ممتازی، همانند: آقا سید علی (صاحب شرح کبیر، به نام ریاض المسائل) و آقا سید محمد مجاهد و ... می باشد، و هم چنین خاندان بزرگ و علمی «وحید بهبهانی» که در برگیرنده مفاخر بزرگی، همانند: استاد الكل، آقا محمد باقر اصفهانی، (معروف به وحید بهبهانی) و آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی (فرزند برومند وحید بهبهانی) و آقا عبد الحسین بهبهانی (که هر دو از فقهاء و علماء بزرگ بوده اند) و ... همه و همه، از طریق مادری، منسوب به ملا صالح مازندرانی و آمنه بیگم می باشند، و از این طریق، با ملا محمد تقی مجلسی و علامه، ملا محمد باقر مجلسی، منسوب می شوند، و به همین دلیل است که، مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی، و دیگر بزرگان خاندان طباطبائی بروجردی، مرحوم ملا محمد تقی مجلسی را، جدّ خود، و علامه مجلسی (ملا محمد باقر) را، خال (دائی) خود می دانسته اند.

(برای آشنائی بیشتر، به تحقیقات ارزشمند محقق معاصر، آقای علی دوانی در کتاب نفیس (علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، از صفحه ۵۵۶ تا ۵۹۱ مراجعه شود).

علاوه بر یادشدگان، جمع دیگری از خاندان علمی ملا صالح مازندرانی، در عالم فقه و ادب و شعر و تحقیق و تألیف، ظهور یافته اند، که در کتابهای: (مرآت الأحوال جهان نما) و (أنساب خاندان مجلسی) و (زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱، و ۲) و (علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین) و (دانشمندان و بزرگان اصفهان) و (رجال اصفهان یا تذکره القبور)، از آنها یاد شده است.

هم چنانکه نام و عنوان علامه مجلسی، خدمات اجتماعی و دینی و تألیفات و آثار علمی آن بزرگمرد، بحارالانوار و حوزه در سی و شاگردان وی، از شهرت و اهمیت ویژه برخوردار است، عنوان «خاندان مجلسی» و محتوای برجسته آن، از امتیازات درخشان حوزه علمی، و تاریخ پر افتخار تشیع در شهر اصفهان به شمار می رود.

آری، خاندانی که ریشه علمی آن به چهره نامدار و برجسته اصفهان، یعنی: حافظ ابونعیم اصفهانی، متوفای نیمه اول قرن پنجم، معروف به «حافظ اصفهانی» و موصوف به «حافظ دنیا» (۱) می رسد، و در قرون متأخره، نه تنها علامه مجلسی را در خود داشته، بلکه دهها شخصیت علمی از مرد و زن، در متن خاندان، و دهها چهره برجسته علمی، از طریق مصاهرت و ازدواج، مرتبط با آن بوده اند، و خاندانهای نامداری، همانند: «طباطبائی بروجردی» «وحید بهبهانی» «خاتون آبادی» «گلستانه» «مازندرانی» و ...، انتساب به آن داشته اند، و به راستی، چنین خاندانی، افتخار این آب و خاک، و این ملت و کشور، و تاریخ علم و فرهنگ و مکتب تشیع می باشد.

برای نمونه، چند چهره برجسته از این خاندان بزرگ را، ذکر می نمائیم:

ص: ۴۹۲

۱- حافظ ابو نعیم، بنا بر عقیده شیخ بهائی و میر محمد حسین خاتون آبادی، و برخی دیگر، شیعی المذهب می باشد، بلکه به نظر مرحوم علامه مجلسی، از خُصّین شیعه بوده، و تشیع او را ابا عن جُدّ، از خود حافظ ابونعیم، نقل کرده است، البته به خاطر شرائط سخت آن دوران، حافظ ابو نعیم، تقیه مینموده است. از آثار علمی و حدیثی وی، کتابهای «ذکر المهدی و نعوته و حقیقه مخرجه و ثبوت» و «مانزل من القرآن فی امیر المؤمنین» و «منقبه المطهرین» و «أربعین» در حالات حضرت مهدی (عج)، جلب توجه می نماید

کمال الدین ، درویش محمد اصفهانی (فرزند محدث بزرگوار ، شیخ حسن نطنزی) جدّ مادری علامه ، ملا محمد تقی مجلسی ، که مورد تجلیل فراوان مجلسین می باشد . ملا محمد تقی مجلسی ، او را « رئیس فقهاء و محدثین ، در زمان خودش » و در جای دیگر « شیخ الطائفه در عصر خود » خوانده ، و علامه ، ملا محمد باقر مجلسی ، او را با چنین اوصاف و عباراتی ستوده است : ... از جدّ مادری پدرم ، عالم محدث ، مولانا درویش محمد بن شیخ حسن نطنزی ، روح الله روحه ، نخستین دانشمندی که حدیث شیعه را در زمان دولت صفویه ، در اصفهان نشر داد(۱).

و نیز شیخ حرّ عاملی، و مؤلف ریاض العلماء ، و محدث نوری ، و شیخ یوسف بحرانی ، و سید حسن صدر ، او را مورد تجلیل قرار داده اند .

مولی کمال الدین درویش محمد ، اصلاً اهل جبل عامل (جنوب لبنان) بوده و سپس در نطنز ساکن گردیده ، و اهل عبادت و زهد بوده ، و قبر او در نطنز ، دارای گنبدی مشهور می باشد(۲).

ص: ۴۹۳

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین . صفحه ۱۹

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۱۹ . نویسنده این سطور ، در سفری به شهر نطنز ، در (ذی الحجه ۱۴۱۳ قمری) ، مقداری جستجو و گفتگو با برخی از مطلعین نمودم . و آنها در زمینه گنبد و بقعه ای به نام کمال الدین درویش محمد ، اظهار بی اطلاعی نمودند . ولی در کتیبه پایه مناره خانقاه و مسجد جامع نطنز ، چنین جمله ای موجود است : بمساعی الصیّمد اصفهانی المعظم ، کمال الدین محمد جزاه الله خیراً . (همین عبارت در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۸۸۳ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۹۱۴ نقل گردیده) . در این زمینه بایستی بررسی کاملتری انجام گیرد

ملا علی ، یا ملا محمد علی ، مشهور به « ملا مقصود علی » و متخلص به « مجلسی » پدر ملا محمد تقی مجلسی می باشد ، و اولین کسی است که ، در این خاندان ، به عنوان « مجلسی » نامیده شده است . وی ، عالمی ادیب و شاعر بوده (۱) و گفته شده ، که بسیار خوش محضر و ظریف و مجلس آرا بوده ، و به همین جهت او را (مجلسی) گفته اند ، گرچه در باب تسمیه به مجلسی ، وجوه دیگری نیز گفته شده است (۲).

فقیه محدث ، و پیشوای عظیم الشان ، ملا محمد تقی مجلسی ، متوفای ۱۰۷۰ قمری ، که از چهره های نامدار و برجسته شیعه می باشد ، و مورد تجلیل و ستایش بزرگان دین قرار گرفته است ، مثلاً : شیخ حرّ عاملی او را : «عالم فاضل ، و محقق متبحر ، و زاهد عابد ثقه ، و متکلم فقیه » خوانده ، و میر عبد الحسین خاتون آبادی ، او را : « أَسَاتِدَ الْعُلَمَاءِ وَالْفُقَهَاءِ وَالْمُحَادِّثِينَ ، وَ الْمُبَارَكُ الْمَيْمُونُ ، وَ ذِي النَّفْسِ الْقُدْسِيَّةِ » دانسته ، و مولی محمد اردبیلی ، در کتاب جامع الزّواہ ، او را : « یگانۀ عصر ، و یکتای زمان » خوانده ، و نوشته است : او از لحاظ جلالت قدر و وثاقت و امانت در نقل ، و جایگاه بلند ، و عظمت شأن و تبحر در علوم ، مشهورتر از آن است که ذکر شود ، و بالاتر از آن است که عبارتی بتواند او را بشناساند ... او بود که اخبار ائمه صلوات الله علیهم را ، در اصفهان نشر داد .

و میر محمد صالح خاتون آبادی می نویسد : در علم فقه و تفسیر و حدیث

ص: ۴۹۴

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۱۱۸

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۰۳

ورجال ، سرآمد اهل روزگار بود، و از جهت زهد و عبادت و تقوی و ورع و ترک دنیا ، ثانی استاد خود ، مولانا عبد الله (تستری) بوده ، و در تمام عمر ، به ریاضت و مجاهده نفس و تهذیب اخلاق و عبادت و ترویج احادیث و ... مشغول بود ، و جمعی کثیر ، به وسیله او هدایت یافتند ، و به مسائل دینی آگاه و آشنا گردیدند ، و گروه بسیاری از جاهلان و گمراهان ، تائب و مستقیم شدند ... اکثر علمای اعلام ، مانند : آقا حسین خوانساری ، و مولانا محمد باقر سبزواری و مولانا میرزای شیروانی ، و مولانا محمد باقر (علامه مجلسی) و ... ، از تلامذه و شاگردان او بودند . آقا احمد بهبهانی ، صاحب کتاب مرآه الأحوال ، او را چنین یاد می کند :

جناب مُسْتَفْنَى الْأَلْقَابِ ، وَقُدْوَةُ الْمُجْتَهِدِينَ ، وَزُبْدَةُ الْمُحَقِّقِينَ ، الْأَزْهَادُ الْوَرَعِ . الْعَابِدُ الْوَفِيِّ ، الْجَدُّ الْأَمْجَدِ ، أَوْلَى الْمَوْلَى ، مُحَمَّدٌ تَقِيٌّ الْمَجْلِسِيِّ ... آخوند مرحوم ، أباً عن جدِّ مَرُوحِ دِينَ ، وَ مُشَيِّدِ شَرِيعَتِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، بُوْدَهُ اَنْد ...

و هم چنین فقیه اصولی ، آقا شیخ اسد الله کاظمینی دزفولی ، در مقدمه کتاب « مقابس الأنوار » ، ملا محمد تقی را چنین می ستاید : شیخ أجل أفضل یگانه ، و أعلم أمجد ، و أعبد أزهد أسعد ، جامع فنون عقلی و نقلی ، و حاوی فضائل علمی و عملی ، صاحب نفس قدسی و علائم ملکوتی ، و کرامات آشکار و مقامات عالی ، ناشر اخبار دینی و آثار لدنی ، و أحكام نبوی و اعلام امامیه ، عالم ربّانی و مؤید به تأییدات سبحانی ، محمد تقی مجلسی اصفهانی ..

و هم چنین شیخ یوسف بحرانی ، صاحب روضات الجنّات ، محدث نوری ، محدث قمی ، مدرّس تبریزی ، آقا سید محسن امین (صاحب أعیان الشّیعه) و ... ، هر کدام ، از علم و تقوی و خدمات حوزه‌ای و اجتماعی آن بزرگمرد تجلیل فراوان نموده اند

و در پایان این گفتار (که بر خلاف معمول ، طولانی گردید) گفتار مرحوم ملاً محمد تقی مجلسی را ، دربارهٔ خودش ، نقل می‌نمائیم :

و الحمد لله ربّ العالمین ، که بنده در چهار سالگی ، همهٔ اینها را می‌دانستم ،

یعنی خدا و نماز و بهشت و دوزخ را ، و نماز شب می‌کردم در مسجد صفا ، و نماز صبح را به جماعت می‌کردم ، و اطفال را نصیحت می‌کردم ،

به آیه و حدیث ، به تعلیم پدرم رحمه الله تعالی (۱). و در یک کلام ، علامه ، ملاً محمد تقی مجلسی ، در علم و تقوی ، تألیف و تصنیف ، تبخّر و جامعیت در علوم عقلی و نقلی ، تربیت شاگرد و ادارهٔ حوزهٔ درسی ، نشر آثار أهل البيت علیهم السلام ، اصلاح اجتماع و مبارزه با پلیدیها و ... ، از مفاخر شیعه و حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان می‌باشد ، و ما ، در بخشهای گوناگون این کتاب ، از این بزرگمرد یاد نموده ، و به مناسبت تجلیل کرده ایم .

د - علامهٔ مجلسی

نابغهٔ دوران ، یگانهٔ تاریخ حدیث ، پرچمدار بی نظیر ، علامه ، ملاً محمد باقر مجلسی ، متوفای ۱۱۱۰ ، که نه تنها پرچمدار علمی و دینی در اصفهان ، و در قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم می‌باشد ، بلکه پرچمی برافراشته است ، که در طول قرون و اعصار ، در اهتزاز بوده ، و سیطره و نفوذش ، بر همهٔ جهان تشیع گسترده است .

أبعاد حیاة علمی و اجتماعی ، و گسترش آثار و خدمات متنوع و بی‌قرین آن بزرگمرد ، و اهمیت کتاب عظیم بحار الأنوار ، و حوزهٔ درسی کم‌نظیر ، و تألیفات

ص: ۴۹۶

بسیار و فراوان آن آیت بزرگ حق(۱)، آن چنان است که ، محققین بزرگی را ، به بررسی های مفصلی در هر مورد ، واداشته است .

و در یک کلام ، هیچ نویسنده ای در باب تراجم و رجال ، و یا تاریخ قرن یازدهم و دوازدهم هجری، و یا تاریخ شهر اصفهان و فرهنگ و حوزه علمیه آن و یا جغرافیای تاریخی اصفهان ، و نیز هیچ تلاشگری در باب تهیه دایره المعارف ، کمال و ارزش تألیف و کوشش علمی خود را ، مستغنی از معرفتی و تحقیق و بررسی در مورد علامه مجلسی نمی داند ، و بر خود لازم می بیند ، که این محور برجسته علم و تحقیق و فضیلت را ، مورد توجه قرار دهد ، و با بیان مطالبی در مورد علامه مجلسی ، و ابعاد شخصیت علمی و اجتماعی آن بزرگمرد دین خود را نسبت به ساحت مقدس آن پیشوای الهی ، آداء نماید(۲). و در

ص: ۴۹۷

۱- به نوشته سید جزائری در انوار نعمائیه ، در حوزه درسی علامه مجلسی ، بیش از هزار نفر شرکت می جسته اند . و در میان آنها پرچمداران بزرگ علمی و اجتماعی و بزرگان عالم تحقیق و تألیف و تدریس فراوان بوده اند ، و شمار تألیفات علامه مجلسی ، (اعم از کتاب های بزرگ و رساله های متوسط و کوچک) طبق إحصای آقای سید مصلح الدین مهدوی در (زندگینامه علامه مجلسی) به یکصد و شصت و هشت عنوان می رسد ، که تنها بحار الأنوار او یکصد و ده جلد می باشد

۲- در کتابهای زیر ، در مورد علامه مجلسی و خدمات و آثار آن بزرگمرد ، بحث و بررسی شده است ، أمل الأمل (جلد دوم) تألیف فقیه و محدث نامدار ، شیخ حرّ عاملی، وقایع السنین و الأعوام ، تألیف میر عبدالحسین خاتون آبادی (معاصر علامه مجلسی) ، انوار نعمائیه ، اثر سید نعمت الله جزائری (محدث عظیم الشان) ، جامع الرواه از محقق و رجالی نامدار ، میرزا محمد اردبیلی ، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ، تألیف میرزا عبدالله تبریزی اصفهانی (أفندی) ، تاریخ حزین ، اثر شیخ محمد علی حزین لاهیجی (آدیب و مورّخ نامدار) لؤلؤئی البحرين ، از فقیه نامی ، شیخ یوسف بحرانی ، أنساب خاندان علامه مجلسی ، از میرزا حیدر علی مجلسی (نواده بزرگ علامه مجلسی) ، مرآه الأحوال جهان نما ، تألیف آقا أحمد بن محمد علی بهبهانی ، روضات الجنّات ، تألیف فقیه و رجالی نامدار ، آقا سید محمد باقر خوانساری چهارسوقی ، فیض القدسی ، تألیف علامه محدث ، حاج میرزا حسین نوری ، أعیان الشّیعه ، اثر بزرگ علامه ، آقا سید محسن امین عاملی ، الذریعه و طبقات ، از علامه حاج آقا بزرگ طهرانی ، و ألكنى و الألقاب ، از محدث نامی ، حاج شیخ عباس قمی ، ریحانه الأدب ، از آدیب و رجالی معروف ، میرزا محمد علی مدرّس تبریزی ، لغتنامه دهخدا ، از علی أكبر دهخدا ، و فرهنگ معین ، از دکتر معین ، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از دکتر هنر فر ، و آثار ملی اصفهان، از رفیعی مهر آبادی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، از سید مصلح الدین مهدوی، تذکره القبور ، از مرحوم آخوند گزی ، و نیز دهها کتاب دیگر ، در زمینه تراجم و رجال و تاریخ و جغرافیا و اجازات حدیث و ...

سالهای اخیر، دو جلد کتاب به نام زندگینامه علامه مجلسی (جمعاً در ۸۸۰ صفحه) تألیف نویسنده متتبع، آقای سید مصلح الدین مهدوی، و یک جلد کتاب به نام، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین (در ۶۷۸ صفحه) تألیف نویسنده محقق و توانا، آقای علی دوانی، منتشر گردیده، و هر دو نویسنده، تحقیق و بررسی مفصّلی، در مورد آثار و خدمات و شاگردان و تألیفات و مواضع سیاسی و اجتماعی علامه مجلسی انجام داده اند، و زحمات زیادی برای نشان دادن ابعاد شخصیت آن بزرگمرد متحمّل گردیده اند.

ه- و - ملا عزیزالله مجلسی و دختر او

وی، فرزند ارشد ملا محمد تقی مجلسی، و عالمی کامل، و ادیبی خوش خلق، و زاهدی صاحب تألیف بوده، و حاشیه هائی بر کتابهای: مدارک، و من لایحضره الفقیه، و خلاصه الأقوال نوشته است، و از ذریه او، علماء و دانشمندانی

ص: ۴۹۸

برخاسته اند ، همانند : میرزا محمد تقی الماسی ، و میرزا حیدر علی مجلسی (مؤلف آنساب خاندان مجلسی) . وفات ملا عزیز الله مجلسی ، در سال ۱۰۷۴ واقع شده است .

دختر ملا عزیز الله مجلسی ، در زمره علماء بوده ، و به نوشته اعیان الشیعه ، رسائلی در مسائل فقهیه داشته ، و حاشیه ای بر من لا یحضره الفقیه ، منسوب به او می باشد(۱).

ز- ملا عبد الله مجلسی

وی ، دومین فرزند پسر ، از ملا محمد تقی مجلسی است ، که به نوشته محدث قمی : فقیهی عالم ، و واعظ و ناقد علم رجال ، و محدث و عابد و با و رَع بوده ، و در قدس و فضل ، او حدیّ زمان خود بوده است . او کتاب تهذیب شیخ طوسی را شرح کرده ، و تعلیقاتی بر حدیقه المتقین (تألیف پدر بزرگوارش) نوشته است ، و آن جناب ، والد ملا محمد نصیر ، فاضل قلیل النظیر است ، که بر شرح المعه ، و بر اکثر کتب فقهیه و حدیثیه ، حاشیه هائی نوشته ، و بخش «فِتْنُ» از کتاب بحارالانوار را ، ترجمه نموده است(۲).

ملا- عبد الله ، به هندوستان مسافرت نمود، و از آنجا سؤالاتی را به محضر علامه مجلسی ارسال داشت ، و آن بزرگمرد در پایان جواب سؤالات نوشتند :

هَذَا آخِرُ مَا كَتَبْنَاهُ فِي جَوَابِ هَذِهِ الْأَسْئَلَةِ الَّتِي صَدَرَتْ مِنْ مَعْدِنِ الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ... (۳) که از این عبارت ، شخصیت علمی و اخلاقی ملا عبد الله معلوم می گردد.

ص: ۴۹۹

۱- درباره این بانوی عالمه ، در بخش « زنهاى عالمه اصفهان » بررسی داریم

۲- فوائد الرّضویّه ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۵

۳- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۴۵

وی شاگرد پدر خود، و نیز محقق نامدار، آقا حسین خوانساری بوده، و در حدود سال ۱۰۸۴ وفات یافته است .

ح - آمنه بیگم

وی ، افتخار زنان شیعه ، و آبروی طبقه نسوان در اصفهان می باشد . او دختر بزرگ ملا محمد تقی مجلسی ، و همسر ملا صالح مازندرانی می باشد ، و ملا صالح ، با همه علم و فضل ، و قدرت تحقیقی که داشته ، در حلّ بعضی از مشکلات قواعد علامه حلی ، از همسر خود بهره گرفته ، و استفاده نموده است .

آمنه بیگم ، زنی پرهیزکار و مجتهده بوده، و کتابی در فقه و احکام دینی تألیف کرده ، و در جمع آوری اخبار بعضی از مجلّات بحارالانوار ، به علامه مجلسی کمک می داده است .

از نسل این بانوی عابده و عالمه ، علماء بزرگ و دهها مجتهد نامدار، و مرجع تقلید ، در عالم شیعه و حوزه های علمیه درخشیده اند ، همانند : آقا سید محمد طباطبائی ، و علامه بزرگ ، آقا سید مهدی بحرالعلوم ، و آقا سید علی طباطبائی

(صاحب ریاض المسائل) و آقا سید محمد مجاهد ، و استاد الکل ، وحید بهبهانی ، و حاج میرزا محمود بروجردی (صاحب مواهب السیّئه) و مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سرّه ، و چهره های برجسته دیگر ، که نسب آنها به این بانوی بزرگ می رسد ، و به همین جهت است که ، بسیاری از بزرگان یاد شده ، از مرحوم ملا محمد تقی مجلسی ، به عنوان « جدّ » و از علامه مجلسی به عنوان « خال » (دائی) ، یاد می نموده اند (۱).

ص: ۵۰۰

۱- نویسنده محقق ، آقای علی دوانی در این زمینه ، در کتاب علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، در بخش (مردان نامی از نوادگان دختری مجلسی اول ، و خواهر زادگان علامه مجلسی) از صفحه ۵۴۶ تا ۵۹۱ ، مطالب و تحقیقات جالبی دارند ، که شایان توجه می باشد

وی ، فرزند علامه مجلسی می باشد ، و به نوشته حزین لاهیجی ، به حلیه علم و خصال حمیده ، آراسته ، و مشغول به تدریس بوده ، و در سال ۱۱۳۴ قمری ، در هنگام محاصره اصفهان توسط افغانها ، از دنیا رفته است . مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، در الذریعه ، جلد ۹ ، جزء ۲ ، صفحه ۳۶۳ ، دیوان شعری را از ملاً محمّد رضا نقل می نماید ، که معلوم می شود وی ، علاوه بر مقام علمی ، (در فقه و حدیث و تفسیر) و اداره حوزه درسی ، شاعر هم بوده ، و شعر می سروده است

ی - میرزا عبد الله مجلسی

وی شاعری ادیب بوده ، و برخی او را ، از مجتهدین امامیه شمرده اند (۱) و در الذریعه آمده است : دیوان ذرّه اصفهانی ، یا شعرش ، از میرزا عبد الله بن محمّد باقر مجلسی (۲).

یا - یب - یج - ملاً محمّد تقی الماسی و برادر و فرزند او

وی فرزند میرزا کاظم ، و او فرزند میرزا عزیز الله ، فرزند ملاً محمّد تقی مجلسی می باشد ، و در قدس و تقوی و خوف خدا ، برجستگی داشته ، و دارای کمالات علمی و عملی بوده ، و از علامه مجلسی روایت می نماید ، و عده ای از علماء ، در زمره شاگردان و مجازین از او می باشند ، و کتابهایی تألیف نموده است . برادر وی ، میرزا محمّد علی ، متوفای ۱۹۷۰ ، و فرزندش ملاً عزیز الله ، متوفای ۱۱۶۳ ، هر دو از علماء و مدفون در بقعه علامه مجلسی می باشند .

ص: ۵۰۱

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۲۷

۲- الذریعه جلد ۹ ، جزء ۲ ، صفحه ۳۳۸

ید - میرزا حیدر علی مجلسی نسب وی از طریق پدری ، به ملا محمد تقی مجلسی ، و از طریق مادری ، به علامه مجلسی می رسد ، و در زمان خود ، چهره علمی و برجسته خاندان مجلسی بوده ، و در علوم عقلی و نقلی ، مقامی بس ارجمند داشته ، و در حفظ انسب خاندان مجلسی ، با تألیف کتاب «تذکره الأنساب» (انسب خاندان مجلسی) خدمتی بسیار ارزشمند نموده ، و صفحه زرینی از تاریخ درخشان علمی اصفهان و عالم تشیع را ، ثبت نموده است .

وی در سال ۱۲۱۴ قمری وفات یافته و در تخت فولاد (تکیه خوانساریها) مدفون گردیده است .

یه - یو - یز - ملا محمد نصیر مجلسی و ...

وی پسر ملا عبد الله (فرزند ملا محمد تقی مجلسی) و شاگرد عموی خود (علامه مجلسی) و مورد علاقه شدید او می باشد ، و از آن بزرگمرد علم و دین ، اجازه دریافت نموده است .

دو برادر او ، ملا زین العابدین ، و ملا محمد تقی (پسران ملا عبد الله) نیز ، از شاگردان علامه مجلسی ، و دارای اجازه از آن بزرگمرد می باشند (۱).

چهار داماد برجسته

علامه ، ملا محمد تقی مجلسی ، چهار دختر داشته ، که همسرانشان از چهره های برجسته و نامدار حوزه علمیه اصفهان ، در قرن یازدهم می باشند ، و ذیلاً به هر کدام ، اشاره می نمائیم :

ص: ۵۰۲

الف- ملا محمد صالح مازندرانی

هم چنانکه قبلاً بیان نمودیم، وی همسر آمنه بیگم (عالمه و مجتهدۀ نامدار، و شخصیت برجستۀ زنان اصفهان از خاندان مجلسی) می باشد، و از چهره های میز در علوم عقلی و نقلی به شمار می رود، و استاد علامه ملا محمد باقر مجلسی بوده است (۱).

ب- ملا محمد علی أسترآبادی

وی دومین داماد ملا محمد تقی مجلسی می باشد، و به نوشته مولى محمد اردبیلی (صاحب جامع الزواه): شیخ و استاد ما، إمام علامه محقق مدقق تحریر و جلیل القدر، و با ذکاوت و ثقه، و یگانه عصر و پرهیزکارترین مردم، و پارساترین و عابدترین آنها بوده، و در سال ۱۹۹۴ وفات یافته است (۲).

ج- ملا میرزای شیروانی

همسر سومین دختر ملا محمد تقی مجلسی، محقق مدقق، و علامه یکتا، میرزا محمد بن حسن شیروانی، متوفای ۱۰۹۸ قمری، و مشهور به «ملا میرزا» می باشد. او را: «قُدُوهُ الْمُحَقِّقِیْنَ وَ سُلْطَانُ الْحُكَمَاءِ وَ الْمُتَكَلِّمِیْنَ» خوانده اند، و خاتون آبادی در کتاب وقایع السنین، او را، همانند سید مرتضی و شیخ مفید و شیخ طوسی در عصر خود (در زمینه مباحث إمامت و متعلقات آن) و همانند خواجه نصیر طوسی در عصر خود، (در مطالب هیئت و هندسه و ریاضی)

ص: ۵۰۳

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحه ۷۸

۲- برخی سال وفات آن بزرگمرد را، ۱۰۸۴ نوشته اند، ولی با توجه به این که، مولا محمد اردبیلی، بعد از سال ۱۰۹۰ وارد اصفهان شده، و در محضر ملا محمد علی أسترآبادی تحصیل علم کرده، تاریخ مذکور صحیح نمی باشد

دانسته است . تألیفات زیاد ، در فقه و اصول و حکمت و کلام و ...، و نیز شاگردان برجسته و فراوان ، از آثار عظمت علمی وی می باشد .

د- میرزا کمال الدین محمد فسائی

او ، همسر چهارمین دختر ملا محمد تقی ، و ملقب به « کمال الدین » و معروف به « میرزا کمالا » می باشد . وی فقیه اَدیب ، و متکلم مفسر بوده، و عمده تألیفات او ، در زمینه علوم ادبی می باشد (۱)، و وفات او ، در ثلث اول قرن دوازدهم رخ داده است (۲).

برای تفصیل بیشتر دربارهٔ چهره های مذکور ، و فرزندان و نوه های دختری و پسری آنان (که در میان آنها از علماء و بزرگان دینی فراوان بوده اند) و علاوه بر مرآت الأحوال جهان نما ، و أنساب خاندان مجلسی ، و ألیف فیض القدسی ، به (زندگینامهٔ علامهٔ مجلسی) تألیف : آقای سید مصلح الدین مهدوی ، و نیز به کتاب (علامهٔ مجلسی ، بزرگمرد علم و دین) ، تألیف : آقای علی دوانی ، مراجعه فرمائید

۳۵- خاندان علمی مسجد شاهی (نجفی)

خاندان مسجد شاهی ، در طول دو قرن ، شمار زیادی از علماء و مراجع دینی ، و نیز مؤلفین و رهبران اجتماعی را در بر گرفته ، و به عنوان یکی از مهمترین خاندانهای علمی و اجتماعی ، در عالم تشیع و حوزه های علمیه ، و بالأخص شهر دینی و تاریخی اصفهان ، درخشیده است ، و به عنوان نمونه ، مفاخری از این خاندان را یاد می نمائیم :

ص: ۵۰۴

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحه ۶۳

۲- به کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۸ مراجعه شود

سر سلسله این خاندان، فقیه اصولی، و محقق نامدار، مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه بر معالم) متوفای ۱۲۴۸ قمری می باشد (۱)، که از شاگردان وحید بهبهانی، و مرحوم کاشف الغطاء، و آقا سید مهدی بحر العلوم، و ... بوده، و در حوزه علمیه اصفهان، مدرسی عظیم الشان، و مرجع عالیقدر محسوب گردیده است، و حوزه درسی وسیع (۲) و تحقیقات برجسته و ابتکاری او، عامل رشد و عظمت حوزه اصفهان، به شمار می رود. از نسل این عالم محقق، چهره های علمی برجسته ای درخشیده اند، که ذیلاً ذکر می شود.

ب - آقا شیخ محمد باقر نجفی

مجتهد و مرجع عظیم الشان، آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۰۱ قمری، و فرزند مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی. مادر او، دختر مرحوم آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) بوده، و فرزندان عالم و مجتهد پرورش داده است. وی، از شاگردان صاحب جواهر و شیخ اعظم أنصاری بوده و حوزه درسی آن بزرگمرد در اصفهان، محل پرورش علماء و سالکان طریق اجتهاد به شمار می رفته است، و مرجعیت دینی و اجتماعی او، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است.

ص: ۵۰۵

۱- مرحوم حاج شیخ محمد تقی رازی، برادر اصولی نامدار، آقا شیخ محمد حسین (صاحب کتاب فصول الاصول) قدس سره می باشند

۲- در حوزه درسی مرحوم حاج شیخ محمد تقی رازی، جمعیت زیادی از فضلاء و علماء (در حدود سیصد نفر) شرکت می جستند

زعیم و پیشوای عالیقدر، آقا شیخ محمد تقی، معروف به «آقا نجفی اصفهانی» فرزند آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی، که از چهره های برجسته و مشهور نیمه اول قرن چهاردهم می باشد. وی تألیفات بسیار، و حوزه درسی گسترده، وجود و بخششی فراوان، و تدبیر و سیاستی زبانزد داشته، و در سال ۱۳۳۲ قمری وفات یافته است.

د- حاج آقا نور الله مسجد شاهی

فقیه مجتهد، و سیاسی نامدار، حاج شیخ مهدی مسجد شاهی، معروف به «حاج آقا نورالله»، فرزند حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی نجفی، و متوفای ۱۳۴۶ قمری، که در مبارزات اجتماعی و سیاسی، بر علیه اجانب و نوکرانشان، و نیز فرقه های ضالّه، نقشی برجسته و بسیار گسترده داشته است.

طالبین آشنائی با شخصیت سیاسی و مبارزات آن بزرگمرد، می توانند به جلد دوم تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، تألیف نویسنده متتبع و دانشمند، آقای سید مصلح الدین مهدوی، مراجعه نمایند.

ه- آقا شیخ محمد حسین نجفی

محقق و مفسّر زاهد، و فقیه و حکیم عارف، و خداجوی بگاء و خائف، مرحوم آقا شیخ محمد حسین نجفی مسجد شاهی، متوفای دهه عاشورای ۱۳۰۸ قمری، که از شاگردان پدرش (مرحوم آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی) و نیز میرزای بزرگ شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو) و میرزا حبیب الله رشتی و ... بوده، و خود او، علاوه بر مقامات علمی در فقه و اصول، مفسری بزرگ می باشد، که کتاب او به نام «مجد البیان فی تفسیر القرآن»، از آثار بسیار

عظیم الشان به شمار رفته ، و مشحون از تحقیقات دانسته شده است(۱).

وی علاوه بر إحراز جایگاه بلند و ارزشمند علمی ، در زمینه تحقیق و تدریس و تألیف ، از اعجوبه های روزگار ، در ریاضتهای شرعیّه ، و تقوی و گریه و ناله از خوف خدا ، به شمار رفته ، و تأثیر کلام او ، در بیداری دلها و تزکیه جانها ، موجب شگفتی بوده است . آن بزرگمرد الهی ، مکاشفات و کراماتی داشته ، که از آن جمله است : نوری که شبهای چندی در تاریکی معمولی و ظاهری ، برای ایشان ظاهر می شده ، و در آن نور ، مطالعه می نموده ، و در آن حال ، چیزهایی را که دیگران در تاریکی شب نمی دیده اند ، آن زاهد

خداجوی می دیده است(۲). و نیز ، آن بزرگمرد ، در جریان ریاضات و مجاهدات نفسانی ، در هنگامی که به گرسنگی سختی مبتلا می گردیده اند ، انواع غذاها و آشامیدنی ها ، از عالم غیب برایشان می رسیده ، و متنعم می گردیده اند ، و تا مدّت زمانی طولانی ، نیاز به غذا نداشته اند(۳).

مرحوم آقا شیخ محمّد حسین نجفی ، در حدود سال ۱۲۹۶ قمری ، از نجف اشرف به شهر اصفهان مراجعت فرمودند ، و به ریاست علمی و دینی نائل گردیدند ، و زمینه های مرجعیّت به نحو کامل برای ایشان فراهم آمد ، ولی در اثر حالات روحی و معنوی برجسته ای که دارا بودند ، همه را رها نموده ، و در سال ۱۳۰۳ ، به نجف اشرف مراجعت فرمودند ، و به تکمیل نفس و طیّ مراحل سلوک روحانی پرداختند ، و به غیر از خدای متعال ، به هیچ کس انس

ص: ۵۰۷

۱- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۰

۲- شرح حال آن بزرگمرد ، به قلم آیه الله حاج آقا نورالله نجفی (مقدّمه تفسیر مجد البیان ، صفحه ۱۵ . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، جلد ۲ ، صفحه ۲۱۰

۳- شرح حال آن بزرگمرد ، به قلم آیه الله ، حاج آقا نور الله نجفی

نمی گرفتند، تا به عالم قدس واصل گردیده، و به مشاهدهٔ أسرار ملکوت نائل آمدند(۱).

برای آشنائی بیشتر، با شخصیت و عظمت روحی، و مکاشفات و آثار معنوی آن بزرگمرد، به رساله ای که به وسیلهٔ بردار والامقام آن بزرگوار، مرحوم حاج آیه الله حاج آقا نورالله نجفی، در زمینهٔ شخصیت معظم له، تألیف شده، و در مقدمهٔ تفسیر مجد البیان به چاپ رسیده، و ترجمهٔ آن، در کتاب «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان» نقل گردیده، و نیز «نقباء البشر»، جلد ۲، صفحهٔ ۵۳۹-۵۴۰ و «الذریعه» و «دانشمندان و بزرگان اصفهان» و ... مراجعه نمائید.

و - حاج شیخ جمال الدین نجفی

پیشوای متنوّذ و عالم جلیل القدر، حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۵۴ قمری، که در اصفهان از شاگردان پدر خود (حاج شیخ محمد باقر نجفی) و در نجف، از شاگردان آخوند خراسانی و حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده، و چندین سال در تهران، و در آخر عمر، حدود دو سال در اصفهان پیشوائی و مرجعیت قوی و نافذ داشته است. به نوشتهٔ علامه حاج آقا بزرگ طهرانی، این بزرگمرد، تصنیفاتی داشته است(۲).

ز - حاج شیخ محمد علی (ثقه الإسلام)

فقیه و مجتهد اصولی، حاج شیخ محمد علی (ثقه الإسلام)، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که از فقهاء نامدار، و مدرسین عظیم الشان در حوزهٔ علمیّه اصفهان بوده

ص: ۵۰۸

۱- نقباء البشر، جلد ۲، صفحهٔ ۵۳۹

۲- نقباء البشر، جلد ۱، صفحهٔ ۳۰۸

است. وی از شاگردان پدرش (حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی) و میرزای بزرگ شیرازی ، و حاج میرزا جیب الله رشتی ، و شیخ راضی نجفی و ... بوده ، و در شهر اصفهان ، پیشوائی متنفّذ و کوشا ، به شمار می رفته ، و از آثار او ساختن « مدرسه آقا شیخ محمّد علی » در محله حسن آباد می باشد ، که در محلّ مدرسه سارو تقی إحداث گردیده است (۱). آن بزرگمرد ، تألیفات متعدّدی در اصول دین و اخلاق و فقه ، از خود به جای گذاشته است .

ح - آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی

فقیه حکیم ، و فیلسوف مفسّر ، و اصولی ریاضی ، و اَدیب و شاعر هیوی ، حاج شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، فرزند مرحوم آقا شیخ محمد حسین بن آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی نجفی : وی جامع علوم عقلی و نقلی ، و ریاضی و ادبی بوده ، و به تعبیر مرحوم آیه الله العظمی ، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، وی « شیخ بهائی عصر » بوده است .

آن بزرگمرد در حوزه نجف اشرف تکامل علمی نموده ، و در حوزه علمیّه اصفهان ، به تدریس و تحقیق و تألیف ، و نیز به شئون مرجعیّت دینی و اجتماعی اشتغال یافت .

ایشان در حسن خلق ممتاز بوده ، و تألیفاتی محققانه و ارزشمند ، در زمینه اصول ، فقه ، أخلاق ، ادب ، شعر ، عروض ، عقاید و حدیث ، از خود به جای گذاشته ، و از چهره های برجسته حوزه علمیّه اصفهان ، و خاندان علمی مسجد شاهی نجفی ، به شمار می رود ، و حوزه درسی او ، مجمع افاضل ، و دارای

ص: ۵۰۹

ط - مجد العلماء نجفی

از آثار ارزشمند شخصیت مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، فرزند برومند شان، مرحوم آیه الله حاج شیخ مجد الدین نجفی، ملقب به «مجد العلماء» متوفای ۱۴۰۳ قمری می باشد، که مجتهدی مدرّس، و عالمی متواضع بودند، و از علماء جلیل القدر در حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند، و در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمد علی، و نیز مسجد نوبازار، در رشته های فقه و اصول و تفسیر و ریاضی و هیئت، تدریس می نمودند، و شخصیتی جامع کمالات، به شمار می رفتند.

ی - آقا شیخ مهدی نجفی

فقیه زاهد، و مجتهد و رع، مرحوم آیه الله حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۹۳ قمری، که از شاگردان پدر خود (مرحوم حاج شیخ محمد علی نجفی مسجد شاهی) و نیز مرحوم آخوند خراسانی، و آقا سید کاظم یزدی و ... بوده، و اجازه اجتهاد و روایت، از مرحوم نائینی و آقا سید محمد کاظم یزدی، و آقا سید حسن صدر، و آخوند ملا محمد حسین فشارکی، داشته است (۲).

وی، در مدرسه پدرش (حاج شیخ محمد علی) تدریس می نموده، و در

ص: ۵۱۰

۱- علامه، حاج آقا بزرگ طهرانی، در نقباء البشر، صفحه ۷۴۷ تا ۷۵۳، بررسی جامعی در مورد شخصیت این بزرگمرد دارند، و نیز در کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۲، از صفحه ۲۱۹ تا ۴۴۶، و هم چنین، در کتابهای: ریحانه الأدب، أعيان الشیعه و دانشمندان و بزرگان اصفهان و ...، از این بزرگمرد، تجلیل شایسته و فراوان شده است

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۳، صفحه ۱۷۲

مسجد شاه (مسجد امام) إمامت جماعت داشته ، و در حدود پانزده اثر تألیفی ، از خود به جای گذارده ، و در تقوی و پارسائی و زهد و رعایت آداب شرعیّه ، تا حدّی بوده ، که برخی از اعمال و رفتار آن بزرگمرد ، برای دیگران (از عوام و خواص) غیرقابل قبول ، جلوه می نموده است .

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، علماء و دانشمندان دیگری در «خاندان علمی مسجد شاهی نجفی» بوده و هستند ، که خاندانی را با (دو قرن امتداد علمی) مطرح می سازند ، و این دانشمندان ، از نواده های پسری یا دختری مرحوم آقا شیخ محمّد تقی (صاحب حاشیه) می باشند .

و شایان ذکر است که ، بسیاری از خاندانهای علمی ، و شخصیت های برجسته عالم علم و مرجعیت ، وابستگی سببی و مصاهرتی ، با این خاندان علمی دارند ، که می توان از مرحوم آقا شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی ، و مرحوم آقا سید محمّد عاملی اصفهانی (آقا مجتهد) و مرحوم آقا سید محمّد باقر شفتی ، و مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی نام برد . برای آشنائی مفصّل با خاندان علمی مسجد شاهی ، می توان از سه جلد کتاب «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان» استفاده نمود ، علاوه بر کتب تراجم و رجال ، همانند : أعيان الشّيعه ، ریحانه الأدب ، ألكرام البرره ، نقباء البشر و ... ، که در مورد هر کدام از شخصیت های این خاندان ، بررسی نموده اند ، و ما نیز ، در بخشهای «بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد» و «مساجد محلّ فعالیت علمی در اصفهان» و «مدارس علمیّه اصفهان» از بسیاری از چهره های بزرگ و علمی این خاندان ، با تفصیل نسبی ، یاد نموده ایم .

۳۶- خاندان علمی مشایخ بید آباد

یکی از خاندانهای علمی ، که در طول سه قرن ، محل پرورش و ظهور

چهره های علمی بوده است ، خاندان مشایخ بید آباد می باشد ، که نسب آنها به شیخ زاهد گیلانی معروف ، می رسد(۱)، و در این خاندان بزرگ ، چهره هائی تجلی یافته اند ، که برخی از آنها را یاد می کنیم :

الف - شیخ ابوطالب زاهدی

فقیه مجتهد ، و مفسر محقق ، آقا شیخ أبو طالب زاهدی گیلانی لاهیجانی اصفهانی ، متوفای ۱۱۲۷ قمری .

وی ، أصلاً لاهیجانی بوده ، و پس از تحصیلات اولیه ، در شهر لاهیجان ، و استفاده از محضر ملا حسن لاهیجانی (لاهیجی) به اصفهان (مرکز بزرگ علمی آن دوره) هجرت نموده ، و از محضر بزرگانی ، همانند : آقا حسین خوانساری و ملا رفیع یزدی ، استفاده نموده ، و به مقامی بلند (از نظر علم و تقوی و زهد) رسیده ، و کتابخانه مهمی تهیه نموده ، مشتمل بر بیش از پنج هزار جلد کتاب ، که همه آنها را خودش تصحیح کرده ، و بر بسیاری از آنها شرح و حاشیه نوشته بوده است .

آن بزرگمرد ، تعداد هفتاد کتاب ، از آنها را (همانند کتاب قاموس ، و تفسیر بیضاوی و ...) شخصاً ، و به دست خودش استنساخ نموده بوده است(۲).

شیخ أبو طالب زاهدی ، علاوه بر مقامات بلند معنوی ، و تأثیرات روحانی در جامعه ، دارای تألیفات متعددی بوده ، همانند : تفسیر آیه « قل الزّوج من امر ربّی » و رساله ای در حرکت ، و رساله ای در باره علم و تحقیق درباره آن ، و آن بزرگمرد ، سرسلسله خاندان علمی مشایخ بید آباد میباشد.

ص: ۵۱۲

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۷۹

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۳۵۶

ب - حزین لاهیجی حکیم مفسّر، و مورّخ محقّق، و ادیب شاعر، آقا شیخ محمّد علی حزین لاهیجی، متوفای ۱۱۸۱ قمری، و فرزند شیخ ابوطالب زاهدی. وی از محققین و نویسندگان بزرگ شیعه، و از مفاخر علمی و ادبی اصفهان، و صاحب حق، بر تاریخ علمی و ادبی شیعه و ایران و اصفهان می باشد، و با تألیف و شرح بیش از یکصد جلد کتاب (۱)، در زمینه اخلاق، عقاید، تاریخ، تراجم، أنساب و تفسیر قرآن، منطق، تعبیر خواب، طب، اصول، فقه، تجوید قرآن، سیر و سلوک، تبخّر و قدرت تحقیق و پشتکار و جامعیت خویش را، در علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی و شعر، به منصّه ظهور آورده است (۲)، و از میان آثار او، «تاریخ احوال حزین» و «تذکره حزین» از شهرت ویژه ای برخوردار می باشد، و شخصیت حزین لاهیجی، در بسیاری از کتب و رجال و تذکره ها و دائره المعارف ها، مورد تجلیل فراوان قرار گرفته است.

ج - شیخ ابراهیم زاهدی گیلانی

فقیه مفسّر، و مؤلف جامع، شیخ ابراهیم بن عبد الله بن عطاء الله اصفهانی زاهدی گیلانی، متوفای ۱۱۱۹ قمری (در شهر لاهیجان). وی از افاضل علماء متبخرین در اوائل قرن دوازدهم بوده، و جامع علوم دینی، و دارای کمالات صوری و معنوی به شمار رفته، و در تقریر و تحریر شایسته، و در شعر و انشاء و کشف معنی، بی نظیر بوده است. وی تألیفاتی، همانند: «توضیح کتاب اقلیدس» و «حاشیه مختلف علامه» و «حاشیه کشاف» و «القصائد

ص: ۵۱۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۷۹

۲- یادواره یک هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا، صفحه ۱۳۸

الغزاة في مدح آل العباء» و... از خود به جای گذاشته، و مورد تجلیل مرحوم حزین لاهیجی، قرار گرفته است (۱).

د- آقا شیخ محمود مفید

فقیه حکیم، و فیلسوف ادیب، و ریاضی زاهد، آقا شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از چهره های برجسته علمی در حوزه علمی اصفهان بوده است.

وی، از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی و حاج ملا جواد آدینه ای و آخوند ملا حسین فشارکی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و آقا سید محمد باقر درچه ای، (در حوزه اصفهان) و حاج شیخ فضل الله مجتهد نوری (شهید) و میرزا حسن حکیم کرمانشاهی (در حوزه علمی تهران) و حاج آقا بزرگ حکیم (در حوزه مشهد) بوده است (۲).

مرحوم مفید، در علوم ریاضی، طب، فقه، اصول، حکمت و... مقامی بسیار ارزشمند یافت، و در تدریس حکمت آن چنان شهرتی به دست آورد، که عظمت تدریس فقه و اصول و کلام و ریاضی او را تحت الشّماع قرار داد، و در اواخر کار، تدریس حکمت، به آن بزرگمرد اختصاص یافته بود.

مرحوم مفید، با حوزه درسی آبرومند و قوی، همراه با فضائل اخلاقی و زهد و تقوای بسیار و إعراض از دنیا، چهره ای افتخار آفرین برای حوزه علمی اصفهان در قرن چهاردهم به شمار می آید، و از مفاخر خاندان مشایخ بید آباد، محسوب می گردد.

ص: ۵۱۴

۱- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۳۵۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۹۵

فقیه حکیم، و اُدیب و محقق زاهد و شریف، آقا شیخ علی مفید، برادر ارجمند آقا شیخ محمود مفید، و متوفای ۱۳۴۵ قمری . وی از مدرّسین مدرسه صدر در فقه و حکمت و ادبیات بوده، و شهرت او به فقه، بیش از حکمت بوده، چنانچه برادر او آقا شیخ محمود مفید، به تدریس حکمت مشهورتر بوده است .

مرحوم آقا شیخ علی، در نزدیکی بقعه آقا محمّد بید آبادی (در خارج بقعه) و آقا شیخ محمود مفید (در داخل بقعه) مدفون گردیده اند .

۳۷- خاندان علمی موحد ابطحی

(۱) از خاندانهای علمی در قرن اخیر، خاندان علمی موحد ابطحی است، که دارای ویژگی های خاص و قابل توجه می باشد، که در ضمن بیان چهره های آن مورد معرفی قرار می گیرد .

الف - حاج سید مرتضی موحد ابطحی

سرسلسله خاندان، فقیه طیب، و مفسّر متکلم، و مدرّس خطیب، و محقق متبحر، علامه، حاج سید مرتضی موحد ابطحی موسوی اصفهانی، متولد ۱۳۱۹ و متوفای ۱۴۱۳ قمری . ایشان از اجلّه سادات موسوی می باشند، و در اوائل جوانی، به تحصیل علوم اسلامی و حوزه های پرداختند، و در محضر استادهای عظیم الشان و بزرگواری، همانند: آقا سید محمّد تقی موسوی احمد آبادی (پدر همسرشان) و آقا سید محمّد باقر دهی، و آقا سید مهدی درچهای، و آقا سید محمّد نجف آبادی، و آقا میر سید علی نجف آبادی، و آقا شیخ محمّد

ص: ۵۱۵

رضا مسجد شاهی (نجفی) و آقا شیخ محمود مفید، و دیگر بزرگان، که محور مهمترین درسهای تحقیقی و اجتهادی فقه و اصول و کلام و ...، در اصفهان بوده اند، با جدیت تمام شرکت می جستند، و مورد توجه اساتید خود قرار گرفته اند، و ضمناً به تحصیل علم طب قدیم، در محضر استاد نامدار و عظیم الشان این رشته علمی، یعنی: مرحوم حاج میرزا أبو القاسم طبیب، پرداختند، و در این زمینه نیز، تخصص یافتند.

در زمینه تبلیغ دینی و ایراد سخنرانی های پرمایه و عالمانه، که در برگیرنده تحقیقاتی وسیع، در مورد مباحث اعتقادی، تفسیری، اخلاقی، و بالأخص مباحث مربوط به امامت و ولایت بود، به موفقیت چشم گیری دست یافتند، تا جایی که علماء بزرگ و مفاخر حوزه علمی، همانند: مرحوم آیه الله، حاج میرزا علی آقا شیرازی، و مرحوم آیه الله، حاج آقا مصطفی مهدوی هر ستانی، به سخنرانی های ایشان، شدیداً اظهار علاقه می نمودند.

معظم له، همزمان با تحصیل مراحل عالی علمی، به تدریس ادبیات و منطق و علم بلاغه و فقه و اصول و طب و هیئت، اشتغال جستند، و بیش از نیم قرن، در مدرسه صدر، و نیز در منزل شخصی، عهده دار تدریس، در سطحی وسیع بودند. از ویژگی های این بزرگمرد این است که، تمامی هفت فرزند پسر خود را در زمره طلاب حوزه علمی قرار دادند، و از اولین درسهای ابتدائی (از قبیل فارسی، خط، حساب) تا دوره سطح (شرح لمعه و قوانین، و احیاناً رسائل و مکاسب و کفایه) را، شخصاً برای فرزندان خود تدریس می نمودند، و در دوره ای که فرزندان اکثر علماء بزرگ، از مسیر روحانیت خارج می شدند و بسیاری از فضلاء و علماء، جذب کارهای دولتی و فرهنگی آن دوره می گردیدند، موفق شدند که، همه فرزندان خود را در مسیر تحصیل

علوم دینی و فعالیت های حوزه ای وارد نمایند، و در زیر لوای سربازی حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار دهند آری، در اوج خفقان حکومت پهلوی اول، که حوزه های علمیه، در زیر چکمه های رضاخانی، در حال خرد شدن و اضمحلال بود، و تقریباً در همه شهرها، هیچ مدرسه و حوزه ای به طور رسمی فعال نبود، ایشان دو فرزند اول و دوم خود را وارد درسهای حوزه ای نمودند، و سپس در ادامه حکومت پهلوی اول و دوم، بقیه فرزندانشان خود را (تا آخرین نفر) در همین مسیر، به حرکت در آوردند.

و جالب است بدانیم، که ایشان برای پیشگیری از تأثیر سوء جو عمومی جامعه، و تبلیغات شدیدی که بر علیه روحانیت و حوزه علمیه وجود داشت، تمامی فرزندان خود را (اعم از دختر و پسر) در منزل شخصی، تحت مراقبت و برنامه های تربیتی و تعلیمی خود، قرار می دادند، و از حضور در مجالس و محافل که امکان تأثیر سوء آنها بود، جلوگیری می نمودند، و هیچ کدام از فرزندان خود را، به مدرسه های تحت سیطره حکومت پهلوی (اعم از دبستان و دبیرستان و ...) نفرستادند، و تمامی دروس لازم را، خودشان به فرزندان تعلیم می دادند.

عنايات الهی، و تشویق های مؤثر

پس از آنکه اولین کوششهای معظم له به ثمر نشست، و فرزند اول و دوم (یاد شدگان در ذیل) در حرکت تحصیلی، به موفقیت های چشمگیری نائل شدند، و شخصیت های بزرگ عالم مرجعیت و اجتهاد، همانند: آیه الله العظمی، آقا سید محمد حجه کوه کمری، و آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسین طباطبائی

بروجردی، و فیلسوف و مفسّر عظیم الشان عالم تشیّع، (علامه طباطبائی) و نیز سایر مراجع و زعمای دینی در اصفهان و قم، از این همه موفقیت، آگاهی یافتند، با سخنان نافذ و اقدامات و برخوردهای حکیمانه و دلسوزانه خود، به تشویق پدر و فرزندان پرداختند، و همین امر (که در اثر عنایات الهی و توجهات صاحبان ولایت علیهم السلام انجام می شد) موجب گردید که، این پدر نمونه، در تصمیم خود راسخ تر شوند، و با جدّیتی بیشتر، سایر فرزندان خود را نیز در همین مسیر الهی قرار دهند، و از ملامت ها و کارشکنی های نزدیکان و اجانب، هراسی به خود راه ندهند، و در حالی که عموم خاندانهای بزرگ علمی و کهن اصفهان، موفق نمی شدند فرزندان خود را، تدوام بخش حرکت علمی - دینی خاندان خود قرار دهند، یک خاندان عملی پرمایه، در حال شکل گرفتن بود.

در کتابهای گنجینه دانشمندان، جلد هشتم، صفحه ۲۴۵ - ۲۴۶، و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۲، صفحه ۳۳۸ و ۳۳۹، و رساله آثار التقوی (مطبوع در مقدمه جلد دوم مکیال المکارم) شرح حال معظم له ذکر شده، و اخیراً، رساله نسبتاً مفصّلی به قلم اینجانب، به نام (ألبیان الأكمل، فی شرح حال الوالد الأمثل) نوشته شده، و در دسترس محققین قرار گرفته، و چند نفر از نویسندگان محقق و فاضل، در حوزه های علمیّه قم و اصفهان نیز، در تألیفات خود که در دست تهیه دارند، شرح حال معظم له را مرقوم داشته اند(۱).

ص: ۵۱۸

۱- در تاریخ مهر و آبان ۱۳۷۲ شمسی، مجله حوزه، مقاله و مصاحبه مفصّلی (از صفحه ۱۹ تا ۴۶) در شرح حال این بزرگمرد، به چاپ رسانده، که در برگیرنده نکات و فرازهای درخشانی از زندگی این پدر نمونه می باشد

اولین فرزند خاندان ، فقیه اصولی و مجتهد محقق ، مفسر مدقق و رجالی محدث ، آیه الله العظمی ، حاج سید محمد باقر موحد ابطحی ، متولد ۱۳۴۶ قمری ، که در حوزه های اصفهان و قم (و مدتی قلیل در حوزه نجف اشرف) به تحصیل علم پرداختند ، و در مهمترین حوزه های درسی این سه حوزه علمیّه کهن و نامدار ، شرکت می جستند ، و در همه درسها ، به عنوان مُسْتَشْکِلِ رسمی و مشهور(۱) ، مورد توجه اساتید و طلاب قرار می گرفتند .

از محضر چهره های عظیم و نامداری ، همانند آیات عظام و مراجع عالیقدر : آقا سید محمد حجه کوه کمری ، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی ، حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی ، حاج آقا روح الله موسوی خمینی ، حاج سید احمد موسوی خوانساری ، حاج شیخ محمد علی آراکی ، آقا سید محمد محقق (داماد) آقا سید محمد حسین طباطبائی (صاحب تفسیر المیزان) و ... بهره علمی گرفتند ، و به مقام منیع اجتهاد و استنباط ، نائل گردیدند .

معظم له ، پس از طی مراحل عالیّه تحصیلی ، به تدریس درس خارج و تألیف پرداختند ، و با تأسیس « مدرسه و مرکز تحقیقی الّامام المهدی علیه السلام » در حوزه عظیم و با سابقه قم(۲) ، و با تشکیل یک لجنه و گروه تحقیقی فعال ، در آن مدرسه ، به اقدامی بسیار مفصل و عمیق ، در مورد آثار و اخبار اهل البيت عليهم السلام ،

ص: ۵۱۹

-
- ۱- در حوزه های درسی اجتهادی ، شاگردان خوب و فعال ، در برابر نظریه های استاد (که در درس مطرح می نماید و اشکال می کنند ، و اظهار نظر و استدلال می نمایند ، و رسماً به مناظره می پردازند ، چنین کسانی را ، مُسْتَشْکِلِ می گویند
 - ۲- سابقه حوزه علمیّه قم ، به زمان ائمه معصومین عليهم السلام می رسد ، و متجاوز از هزار سال می باشد (حوزه های علمیّه شیعه ، جلد اول ، به قلم این نویسنده کمترین)

و نیز رجال حدیث دست زدند، که از نتایج آن، تهیّه و نشر آثاری، همانند:

« الصّحیفه السّیّجادیّه الجامعه »، « صحیفه الإمام الرّضا علیه السلام »، « تفسیر الإمام الحسن العسکری علیه السلام »، مجلّدات زیادی از « عوالم العلوم »، و دهها اثر دیگر می باشد، که با تحقیقات گسترده و استدراکات فراوان (۱)، عرضه گردیده است

از آثار تألیفی مستقل معظّم له، کتابهائی، همانند: المدخل الی التفسیر الموضوعی، و جامع الأخبار و الاثار (هر کدام در چندین مجلّد) و ... می باشد .

از فرازهای جالب در زندگی این بزرگمرد، عنایات الهی و تأییدات صاحبان ولایت، و موفقیت های غیر منتظره ایشان، در خدمات دینی و علمی و اجتماعی، می باشد .

ج - حاج سیّد محمّد علی موحد ابطحی

دومین فرزند خاندان، فقیه اصولی و مجتهد رجالی، و مفسّر محدّث، آیه الله العظمی، حاج سیّد محمّد علی موحد ابطحی، متولّد ۱۳۴۹ قمری، که پس از طی مراحل تحصیلی در حوزه های اصفهان و قم و نجف، و درک محضر بزرگترین اعلام عالم مرجعیّت و اجتهاد، همانند آیات عظام: آقای حجّه کوه کمری، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی، حاج سیّد محمّد رضا موسوی گلپایگانی حاج آقا روح الله موسوی خمینی، علامه طباطبائی و ...، (در حوزه علمیّه قم)

ص: ۵۲۰

۱- به عنوان نمونه، بخش مربوط به حضرت فاطمه زهراء علیها السلام از کتاب عوالم العلوم، که در حدود سیصد صفحه بود، با تحقیقات و استدراکات یاد شده، چاپ سوّم آن، در هزار و سیصد و دوازده صفحه منتشر گردیده، و بخش مربوط به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آلهی و سلم و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، هر کدام به حدود چهارده مجلّد رسیده، و هم اکنون (سال ۱۴۱۷ قمری) آماده چاپ می باشد، و هم چنین بخشهای مربوط به امام زمان (عج) و سایر ائمّه معصومین علیهم السلام، بسیار توسعه یافته، و قسمتهائی از آنها، به چاپ رسیده است

و آقا سید عبد الهادی شیرازی، و آقا سید محسن طباطبائی حکیم، و آقا سید أبو القاسم موسوی خوئی و... (در نجف اشرف) به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند، و مورد توجه شدید بزرگترین چهره های تحقیق و تدریس و زعامت قرتی گرفتند، و پس از آن، شخصاً به تدریس خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال پرداختند، و در حوزه نجف اشرف و سپس اصفهان، و اخیراً در حوزه قم، اشتغال به تدریس داشته و دارند، و آثار تألیفی فراوان، در زمینه فقه و اصول و تفسیر و رجال و تاریخ معصومین و... دارند، که در کتاب گنجینه دانشمندان، جلد هشتم نقل گردیده، و نمونه آن، تهذیب المقال، و أخبار الزواه، و طبقات (هر کدام در چندین مجلد) و نیز تاریخ آل زراره، می باشد.

د. سومین فرزند

محقق متبحر، و مؤلف مدقق، حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج میر سید علی موحد ابطحی، متولد ۱۳۵۹ قمری، که پس از طی مراحل از تحصیل در محضر پدر، و در حوزه علمی اصفهان، به حوزه علمی قم مهاجرت نموده، و در محضر بزرگانی، همانند آیات عظام: حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، حاج آقا روح الله موسوی خمینی، و آقا سید محمد محقق (داماد) و حاج شیخ محمد علی آراکی و... به تحصیل علم پرداختند، و طبق تأیید برخی از اساتید بزرگ و اعلام حوزه علمی قم، به مقام اجتهاد نائل گردیدند.

از آثار علمی ایشان، تألیفاتی گرانقدر، همانند: «آیه التّطهیر فی أحادیث الفریقین» که دو جلد آن چاپ شده، و تحقیق و تعلیق مفصل بر کتاب «شفاء الصّیدور، فی شرح زیاره العاشور»، و نشر آن در دو جلد بزرگ، و موسوعه بزرگ و ابتکاری درباره امام حسین علیه السلام، به نام «الامام الحسین فی أحادیث الفریقین»

ص: ۵۲۱

(در چهارده مجلد ، که سه جلد آن منتشر شده است) و « حضرت أبا الفضل ، مظهر کمالات و کرامات » و « أَلشَّيعه فی أحادیث الفریقین » و « داستانهای شگفت » (دربارهٔ زیارت عاشوراء) و ... می باشد .

ه - چهارمین فرزند

عالم کامل ، و فاضل متبحر ، حضرت حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج سید محمّد رضا موحّد ابطحی ، متولّد ۱۳۶۱ قمری . ایشان پس از طیّی مراحل از تحصیل در محضر پدر ، و حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان ، به قم هجرت نمودند ، و در درس بزرگترین چهره های علمی و زعامت حوزهٔ علمیّهٔ قم ، همانند : آیات عظام : حاج سید محمّد رضا موسوی گلپایگانی ، حاج آقا روح الله موسوی

خمینی ، و آقا میرزا هاشم آملی و ... ، شرکت جسته ، و به مدارج عالیّهٔ علمی نائل گردیدند ، و دروس اساتید خود را تقریر نموده و می نوشتند ، و ضمناً به تدریس پرداختند ، و در مواقع تبلیغی ، همانند : دههٔ اوّل محرم ، و دههٔ آخر صفر و ایّام رمضان المبارک ، در شهرهای مختلف ، به تبلیغ دین ، از راه سخن ، و تأسیس مراکز دینی و اجتماعی ، همانند : مسجد ، حسینیه ، مدرسه ، کتابخانه ، حمام و ... می پرداختند .

معظم له ، داماد مرجع عالیقدر شیعه ، زعیم عظیم الشان حوزه های علمیّه ، مرحوم آیه الله العظمی ، حاج سید محمّد رضا موسوی گلپایگانی قُدسُ سِرّه می باشند ، و از یاران نزدیک و مورد توجه و اعتماد بسیار آن زعیم بزرگ و مرجع دینی عالم تشیع ، به شمار می رفتند ، و به علّت تسلّط ایشان در مسائل گوناگون فقهی و اجتماعی ، و مدیریت قوی ایشان در برخورد با مسائل و مراجعات مهمّه به بیت مرجعیّت ، نقش اساسی و عمده بر عهده داشتند ، و پس از رحلت آن زعیم

ص: ۵۲۲

عالیقدر، در حفظ و تداوم فعالیت های اساسی بیت آن بزرگمرد، زیر نظر مرجع بزرگوار، آیه الله العظمی، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله، نقش اساسی و عمده، بر عهده دارند.

و - پنجمین فرزند

نویسنده این سطور، حاج میر سید حجه موحد ابطحی، متولد ۱۳۶۸ قمری، که تحصیلات خود را در حوزه علمیّه اصفهان (و مدّتی قلیل در حوزه علمیّه قم)، در محضر پدرم، و نیز بزرگانی، همانند آیات عظیم الشان: حاج آقا حسین خادمی، حاج سید عبد الحسین طیب، و حاج شیخ أحمد فیاض، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، و دیگر بزرگان، در زمینه علوم ادبی، و منطق، و فقه و اصول، و حکمت، و تفسیر و کلام، انجام داده ام، و از سی سال قبل تاکنون (سال ۱۴۱۷ قمری) مشغول تدریس بوده و هستم، و در حال حاضر، به تدریس کتابهای: مکاسب و رسائل و کفایه و شرح تجرید الاعتقاد و بحث مستمسک العروه الوثقی، و نیز درسهای تفسیری و اعتقادی و ... اشتغال دارم، و با لطف خدا و عنایات اهل بیت علیهم السلام (صاحبان ولایت کئیه) در فعالیت های اجتماعی و رسیدگی به امور طلاب، و تأسیس مؤسسه های عامّ المنفعه و خیریه ای، همیشه کوشیده و با لطف الهی، موفق بوده ام.

گامهائی در راه تألیف برداشته ام، که نمونه آن، تألیف چند جلد از کتاب «آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه»، (که یک جلد آن منتشر گردیده، و چند جلد دیگر آماده چاپ می باشد) و نیز تألیف کتاب: «یادواره یک هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام» و دو جلد «شهداء مدرسه ذوالفقار» و نیز کتاب «یادواره آیه الله فقیه امامی» می باشد، و خدای متعال را سپاسگزارم، که در

ص: ۵۲۳

طول عمرم ، در راه سربازی امام زمان (عج) و اظهار علاقه نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام کوشیده ام ، و از آن بزرگواران انتظار دارم ، که عرض ادب ناقابل ، و تلاشهای محدودم را ، با لطف و کرم بی پایانشان ، بپذیرند ، و در قیامت کبری ، مشمول شفاعت آن معادن رحمت و اصول کرم ، قرار گیرم .

ز- ششمین فرزند

ثقه الإسلام و عماد الأعلام ، آقای سید حسن موحد ابطحی ، متولد ۱۳۷۲ قمری ، که در محضر پدر و جمعی از علماء حوزه علمیه اصفهان ، تحصیل علم نموده ، و در حال حاضر به تحصیل دروه خارج فقه و اصول مشغول ، و به تبلیغ و ترویج دینی ، و احیاناً تدریس دروس مقدماتی ، اشتغال دارند .

ح - هفتمین فرزند

آخرین فرزند خاندان ، ثقه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج سید حسین موحد ابطحی ، متولد ۱۳۷۴ قمری ، که پس از گذراندن مراحل از تحصیل در محضر پدر ، و حوزه علمیه اصفهان ، در حوزه علمیه قم از محضر بزرگترین چهره های علمی ، در دوره خارج فقه و اصول و فلسفه ، بهره مند گردیده ، و سپس به حوزه اصفهان مراجعت نموده ، و اشتغال به ادامه تحصیل فقه و اصول (دوره خارج) و تدریس دروس حوزوی و تبلیغ و ترویج دینی دارند .

عنایتی الهی

از نکات جالب توجه در مورد این خاندان ، این است که ، در اثر توسیلات زیاد پدر و مادر ، و اصرار و ابرام فراوان آنها ، در ارتباط با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، نه تنها فرزندان پسر ، نقش مؤثر و مثبت در ترویج مکتب ولایت و امامت ، داشته و دارند ، بلکه فرزندان دختر نیز ، در ایجاد انس و علاقه

ص: ۵۲۴

همسران و فرزندان خویش، نسبت به ارزشهای والای مکتب امامت، و حاکمیت روح ولایت، در خانواده و اطرافیان، و ترویج مذهب و مقدسات دینی، نقش مؤثر و ارزشمندی را ایفاء می نمایند (۱) و عموماً، وابستگان به این بیت و خاندان، از فامیهای اصیل و شریف و متدین، و قسمت عمده ای از آنها، از خاندانهای علمی می باشند، و در زمینه فعالیت برای رشد و گسترش فرهنگ دینی، و ترویج و تبلیغ برنامه های اسلامی، و حمایت و دفاع از حریم مقدس قرآن و مکتب اهل البیت علیهم السلام، و تشکیل مجالس گوناگون مذهبی و معنوی، سعی و کوشش قابل تحسین می نمایند، و امید است که این فضای دینی و مذهبی و روحانی، در نسلهای آینده اعضای این بیت، مستدام بماند، و تا دامنه قیامت، انس و ارتباط این خاندان، با اسلام و قرآن و مکتب اهل البیت علیهم السلام استمرار یابد، و در هر دوره، چهره های علمی و درخشان و پر برکت، از این دودمان، در جامعه و حوزه های علمی، ظهور و تجلی یابند. آمین، آمین، آمین

۳۸- خاندان علمی موسوی (حاج میرزا بدیع)

خاندانی است علمی، که در چند نسل آن، عالمان دینی رشد یافته، و خدمت دینی و علمی نموده اند، و مهمترین و مشهورترین آنها، فقیه مجتهد، و ادیب شاعر، و زاهد قانع و متعبّد، حاج میرزا بدیع موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، فرزند مرحوم آقا سید مصطفی، بوده است. وی، از شاگردان آقا میر سید محمد شهشهرانی، و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) و آقا شیخ محمد باقر نجفی، و مجاز از سه نفر

ص: ۵۲۵

۱- یکی از فرزندان دختر، مراحل از تحصیلات حوزوی را طی نموده اند، و بدین وسیله، در پاسخگویی به مسائل اعتقادی و شرعی بانوان، به توفیق شایان توجهی، دست یافته اند

آنها بوده، و خود، تألیفاتی در فقه و اصول و دیوان شعر داشته، و مدرّسی بزرگ در مدرسه نیم آور بوده است، آن بزرگمرد، به راستی «بدیع الزمان» بوده، و از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان به شمار می رود.

پدران او، عموماً از فضلاء و دانشمندان اصفهان بوده اند، و قبر پدر و جدّ او، در صحن امامزاده (درب امام) می باشد، و فرزند او، حاج میرزا فتح الله موسوی متوفای ۱۳۷۷ قمری، از شاگردان پدر خود، و مرحوم جهانگیر خان قشقائی، و آخوند کاشی، و آخوند گزی، و آقا سید محمد باقر درچه ای، و آقا میرزا أحمد مدرّس بوده، و از مرحوم فشارکی اجازه روایت داشته است. خاندان حاج میرزا بدیع، از سادات موسوی بوده، و اصل آنها از کهکیلویه می باشد.

۳۹- خاندان علمی موسوی درچهای اصفهانی

از خاندانهای علمی، که در طول چندین قرن، مهد پرورش علماء و مجتهدین و مؤلفین بزرگی بوده، خاندان موسوی درچه ای می باشد، که اصل آنها سبزواری است، و پس از مهاجرت برخی از شخصیت های آنان به اصفهان، و اقامت در این شهر، خاندان علمی آنها در اصفهان شکل گرفته، و با مهاجرت مرحوم آقا سید أحمد (مدفون در امامزاده گزین درچه، و متوفای ۱۲۴۴ قمری) به درچه (از توابع اصفهان) عنوان «درچه ای» یافته اند. از میان شخصیت های این خاندان، از دو مجتهد و مرجع بزرگوار یاد می نمائیم:

الف - آقا سید محمد باقر درچه ای

فقیه اصولی، و مجتهد محقق، و مرجع عالیقدر، آیه الله العظمی، آقا سید محمد باقر درچه ای، متوفای ۱۳۴۲ قمری (فرزند عالم زاهد و متقی، مرحوم آقا سید مرتضی موسوی درچهای).

ص: ۵۲۶

وی از مفاخر علمی و دینی حوزه عظیم اصفهان، در قرن چهاردهم بوده، و از محضر استاد‌های بزرگی، همانند آیات عظام: آقا میرزا محمد باقر

چهارسوقی (صاحب روضات) آقا میرزا أبو المعالی کلباسی (در حوزه علمیه اصفهان) و آقا میرزا محمد حسن شیرازی (مجدد بزرگ) و حاج میرزا حبیب الله رشتی، و حاج سید حسین کوه کمری (در حوزه نجف اشرف) کسب علم نموده است. حوزه درسی آن بزرگمرد در اصفهان، مجمع افاضل، و طلاب علوم دینیته ای که از شهرهای دور و نزدیک به اصفهان می آمده اند، بوده است، و شخصیت های بزرگی، همانند: آیه الله العظمی بروجردی، و آیه الله العظمی، آقا سید جمال الدین گلپایگانی، و علامه بزرگ، آقا نجفی قوچانی و...، در آن حوزه درسی پربرکت، حاضر و مستفید می گردیده اند(۱).

تألیفات متعددی از این بزرگمرد به جای مانده، که از آن جمله، یک دوره فقه و اصول در شانزده جلد می باشد(۲).

ب - آقا سید مهدی درچه ای

فقیه مجتهد، و اصولی محقق، آقا سید مهدی درچه ای، متوفای ۱۳۶۴ قمری (برادر کوچکتر مرحوم آقا سید محمد باقر درچه ای) که از چهره های مبرز در حوزه علمیه اصفهان، و از مدرّسین مشهور و عظیم الشان مدرسه نیم آور و مسجد نو بازار بوده اند، و حوزه درسی آن بزرگمرد، مجمع افاضل بوده،

ص: ۵۲۷

۱- در کتاب زندگینامه عالم بزرگوار، مرحوم آقا سید ابوتراب مرتضوی درچه ای، و معرفی خاندان علمی ایشان، شماری از مراجع بزرگ و زعمای دینی و علمی حوزه های نجف و اصفهان، که از شاگردان آیه الله، آقا سید محمد باقر درچه ای بوده اند، نام برده شده اند

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۹۱

و بسیاری از آنها، به مقامات عالیۀ علمی و زعامت دینی و اجتماعی، در حوزه های: مشهد و قم و اصفهان و نجف اشرف، رسیده اند(۱).

تحصیلات مرحوم آقا سید مهدی درچه ای، در دو حوزه علمیه مهم اصفهان و نجف بوده، و آن بزرگمرد در محضر بزرگانی، همانند آیات الهی: حاج میرزا بدیع موسوی و میرزا محمد حسن نجفی (متوفای ۱۳۱۷) و آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی، و آخوند ملا محمد کاشانی (آخوند کاشی) و نیز مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الأصول) و آقا شیخ هادی تهرانی، و آقا شیخ محمد حسن مامقانی، به کسب علم و کمال معنوی و روحی پرداخته است (۲). پدران این دو عالم عظیم الشان، و نیز برادرشان، عالم جلیل القدر، مرحوم آقا سید محمد حسین، و هم چنین فرزندان(۳) از علماء و مدرّسین بوده و هستند، و تا زمان حاضر، این خاندان جلیل القدر، موقعیت علمی و دینی و اجتماعی خود را حفظ نموده است.

برای آشنائی بیشتر با چهره هائی از این خاندان، به کتابهای (دانشمندان و بزرگان اصفهان) صفحه ۱۸۹ تا ۱۹۲ و (رجال اصفهان) صفحه ۶۷، و یادنامه و زندگینامه مرحوم آیه الله، آقا سید ابوتراب مرتضوی، و نیز نقباء البشر، (در چند مورد) مراجعه شود.

ص: ۵۲۸

۱- در زندگینامه مرحوم آیه الله آقا سید ابوتراب مرتضوی درچه ای، از بیش از سی نفر از میزین شاگردان مرحوم آقا سید مهدی درچه ای، نام برده شده است

۲- زندگینامه مرحوم آیه الله آقا سید ابوتراب مرتضوی، صفحه ۲۴ - ۲۶ - ۲۷

۳- همانند: مرحوم آیه الله، حاج سید ابوتراب مرتضوی درچه ای، متوفای هفتم شعبان ۱۴۱۱ قمری، فرزند مرحوم آیه الله، حاج سید مهدی درچه ای، که عالمی پرهیزکار و حامی مکتب أهل البيت عليهم السلام بودند، و در تفسیر قرآن و تدریس و نشر احکام، کوشش می نمودند

خاندانی است علمی، که اصل آن از زنجان، و از نسل عالم بزرگوار، میر محسن موسوی می باشد، که جدّ سادات موسوی زنجان و اصفهان است، و نوّه او حاج میرزا علی نقی زنجانی، به اصفهان مهاجرت نموده، و سرسلسله خاندان علمی موسوی زنجانی در اصفهان، به شمار رفته است (۱)، و ذیلاً به سه شخصیت از این خاندان اشاره می نمائیم:

الف - حاج میرزا علی نقی زنجانی

وی، مجتهدی مدرّس بوده، و در مسجد خیاطها (واقع در بازار بزرگ اصفهان) تدریس و اقامه جماعت می نموده است، و دارای آثار تألیفی بوده، و خطّی زیبا داشته، و در سال ۱۲۵۸ قمری، وفات یافته است.

ب - آقا میرزا محمد باقر زنجانی

وی، عالمی محقق، و فقیهی اصولی، و مجتهدی بزرگوار، و از شاگردان حاج سیّد اسد الله بید آبادی، و حاج محمد جعفر آباده ای در اصفهان بوده است، و در حوزه علمیه نجف اشرف، از محضر شیخ اعظم أنصاری، و صاحب جواهر و دیگر بزرگان، کسب علم و اجازه اجتهاد نموده، و پس از مراجعت به اصفهان حوزه درسی در مسجد خیاطها (زنجانیها) تشکیل داده، و به تربیت طلاب پرداخته است.

آن بزرگمرد، فرزند حاج میرزا علی نقی زنجانی (فوق الذکر) می باشد، و در سال ۱۳۰۳ قمری، وفات یافته است.

ص: ۵۲۹

وی ، فرزند آقا میرزا محمّد باقر ، و از علماء بزرگ ، و مجتهدی اصولی ، و فقیهی محقق بوده ، و از شاگردان آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی ، و حاج میرزا بدیع درب امامی (در شهر اصفهان) و حاج میرزا حبیب الله رشتی ، و ملاّ لطف الله مازندرانی (در نجف اشرف) بوده ، و اجازه های اجتهادی دریافت داشته است . آن بزرگمرد ، پس از مراجعت به اصفهان ، به تدریس و هدایت مردم ، و کوششهای اجتماعی در مبارزه با انحرافات عقیدتی و اخلاقی اشتغال داشته ، و چهره ای موفق بوده ، و در سال ۱۳۳۶ قمری وفات یافته است .

با توجه به آنچه گذشت ، به خوبی معلوم می گردد که ، مسجد خیطاطها ، نه تنها پایگاه فعالیت اجتماعی و هدایت های عمومی این خاندان علمی بوده ، بلکه مجمعی برای فعالیت های علمی و کوششهای حوزه ای بوده است .

۴۱- خاندان علمی مهدوی (نحوی)

خاندانی است علمی ، که سابقه علمی و مشخص آنها ، به اواخر دوره صفویه می رسد ، و اولین شخصیت علمی این خاندان ، مرحوم میر محمّد باقر ، متوفای ۱۱۱۱ قمری (۱) ، از شاگردان علامه مجلسی بوده است ، و ذیلاً به برخی از بزرگان این خاندان ، اشاره می نمائیم :

الف - آقا سید أبو القاسم موسوی خواجهائی

وی ، فرزند آقا میر محمّد باقر می باشد ، و دارای مقام اجتهاد بوده ، و در علم

ص: ۵۳۰

تاریخ نیز ، مهارت داشته ، و در سال ۱۹۹۱ قمری ، وفات یافته است(۱).

ب - آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه

وی از احفاد آقا سید أبو القاسم ، و از علماء أهل زهد و تقوی به شمار رفته ، و از شاگردان آقا محمد بید آبادی بوده ، و در سال ۱۲۳۶ قمری دار دنیا را وداع نموده است(۲).

ج - آقا سید محمد حسن مجتهد اصفهانی

وی ، فرزند آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه ، و بزرگترین چهره علمی خاندان ، و فقیه و مجتهدی عظیم الشان بوده است . آن بزرگمرد ، جامع معقول و منقول بوده ، و به نوشته مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، از آقا سید رضا (فرزند آقا سید مهدی بحر العلوم) و نیز سید کاظم رشتی حائری ، اجازه دریافت نموده(۳) و نیز اجازاتی از مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی ، و میرزا محمد مهدی نائب الصدر و ... ، داشته است .

تألیفات آقا سید محمد حسن ، فراوان بوده ، و بیش از سی جلد آنها ، در کتابخانه شخصی آقای سید مصلح الدین مهدوی ، موجود می باشد .

در میان تألیفات آن بزرگمرد ، یک دوره کامل فقه (در ۶ جلد) و مهجّه الفؤاد (در شرح ارشاد علامه حلی) در چهارده جلد(۴) جلب توجه می نماید .

مرحوم آقا سید حسن مجتهد ، و مرحوم آقا سید حسن مدرّس ، با یکدیگر رفیق

ص: ۵۳۱

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی ، به نقل از : وقایع السنین و الأعوام

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۱۵

۳- الکرام البرره ، صفحه ۳۱۵

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵۷

و هم درس و هم بحث بوده اند، و تا آخر عمر، رفاقت آنها باقی بوده است، و برای امتیاز، یکی را «مدرّس» و دیگری را «مجتهد» می نامیده اند.

د- حاج سید مهدی نحوی

وی، فرزند آقا سید محمد حسن مجتهد، و از علماء بزرگوار بوده، و در مدرسه شاهزاده ها تدریس می نموده است، و با این که فقه و اصول و ادبیات درس می داده، ولی به علّت تخصّص ویژه، در تدریس علم نحو، او را «نحوی» می گفته اند، و وفات آن بزرگمرد، در سال ۱۳۰۷ قمری بوده است.

از میان فرزندان مرحوم حاج سید مهدی نحوی، مرحوم حاج میرزا محمد حسن نحوی، متوفای ۱۳۶۱ قمری، و آقا سید محمد باقر نحوی، متوفای ۱۳۵۰ قمری، از علماء جلیل القدر بوده اند.

خاندان علمی یاد شده، که فقط چند چهره آنان را یاد کردیم، در گذشته آیام به نام «سادات موسوی خواجهائی»، و سپس به نام «خاندان نحوی»، نامیده می شده، و اخیراً با نام «مهدوی»، مشهور می باشند، و سلسله آنها، با وجود عالمان دینی و جلیل القدر، تاکنون استمرار یافته است.

چهره ای آشنا و پراثر

نویسنده دانشمند، و متتبع کثیر التالیف، آقای سید مصلح الدین مهدوی دام توفیقه^(۱)، فرزند عالم جلیل القدر، سید شهاب الدین نحوی، از همین خاندان

ص: ۵۳۲

۱- متأسفانه در تاریخ چهارم تیر ماه ۱۳۷۴ شمسی (۲۶ محرم الحرام ۱۴۱۶ قمری) این بزرگمرد، دار فانی را وداع گفتند، و هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است، دو سال از ارتحال آن نویسنده عالیقدر، می گذرد. مرحوم آقای مهدوی، علوم اسلامی و حوزوی را در حوزه علمیّه اصفهان تحصیل نمودند، و سپس به تدریس در مدارس آموزش و پرورش اشتغال یافتند، و فعّالیت گسترده ای را در باره آشنائی با مفاخر علمی اصفهان شروع نمودند، و با تألیف کتابهای گوناگون، درباره زندگی و آثار ائمه معصومین علیهم السلام، و امامزادگان بزرگوار، و شرح حال علماء و دانشمندان، بالأخص شخصیتهای علمی و ادبی اصفهان، و فقهاء و مراجع وزعمای دینی و علمی حوزه علمیّه کهنسال این شهر تاریخی و مذهبی، خدمتی شایسته به علم و دانش، و دین و مذهب، و فرهنگ و ادب این مرز و بوم نمودند. شایسته ذکر است که، شخصیتهای بزرگ عالم مرجعیت، و علم و تحقیق، همانند: مرحوم آیه الله العظمی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سرّه، و علامه نامدار، حاج آقا بزرگ طهرانی قدس سرّه و آیه الله، حاج سید مصطفی صفائی خوانساری قدس سرّه و ...، اجازه روایتی به این بزرگمرد داده اند (أبطال الصفا صفحه ۱۹۲)

علمی، و از احفاد مرحوم آقا سید حسن مجتهد می باشند، و به منظور تجلیل از خدمات ایشان، در حفظ آثار علماء و بزرگان حوزه علمیه، و تاریخ علمی شهر اصفهان، نمونه ای از آثار قلمی ایشان را، ذیلاً ذکر می نمائیم:

۱- رجال اصفهان (که حواشی و ملحقات مفصل و ارزشمندی است، بر کتاب تذکره القبور مرحوم گزی)،

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان،

۳- شرح زندگانی مرحوم آیه الله العظمی، آقای بروجردی،

۴- غایه الامال و الأمانی (شرح حال سید هاشم بحرانی)، ۵- زندگینامه علامه مجلسی (دو جلد)، ۶- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر (سه جلد)، ۷- بیان المفاخر (شرح زندگی و شخصیت مرحوم سید شفتی در دو جلد)، ۸- عطیه الجواد (زندگانی امام جواد الائمه علیه السلام)، ۹- لسان الأرض، یا سیری در تخت فولاد اصفهان، ۱۰- شهید اصفهانی (شرح حال آیه الله، شهید شمس آبادی)، ۱۱- أبطال الصیفا (یاران با وفای امام حسین علیه السلام)، ۱۲- أرمغان اصفهان (شرح زندگانی مرحوم آیه الله، حاج سید علی بهبهانی)، ۱۳- شعرای اصفهان، ۱۴- دار العلم شرق (مخطوط)

ص: ۵۳۳

و آثار مطبوع و مخطوط دیگری، در زمینه شخصیت و عظمت و آثار امامان معصوم علیهم السلام، و امامزادگان بزرگوار علیهم السلام، و علماء بزرگ شیعه، که شمار مجموع آن آثار قلمی، به هشتاد عنوان می رسد.

۴۲- خاندان علمی میرداماد (میردامادی)

از خاندانهای علمی پرسابقه اصفهان، که در طول چهار قرن، امتداد داشته، و علماء و دانشمندان و خطباء زیادی را در خود پرورش داده، و شاخه هائی از آن، در شهرهائی همانند سیده (خمینی شهر)، نجف آباد، تهران و مشهد ظهور یافته است، خاندان میردامادی می باشد، که سرسلسله آن، حکیم نامدار و عظیم الشان، میر محمد باقر داماد بوده است، و به علت عظمت علمی و معنوی آن بزرگوار، تمامی این خاندان به نام «میردامادی» خوانده می شوند، و ذیلاً برخی از چهره های بزرگ، این سلسله شریفه را ذکر می نمائیم:

الف - میر داماد

حکیم مفسّر، و فقیه محدث، و رجالی متکلم، و ریاضی شاعر، میر محمد باقر داماد (فرزند شمس الدین محمد اُستر آبادی) متوفای ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ یا ۱۰۴۲ قمری. پدر او، داماد محقق کرکی بوده، و به همین جهت، به میرداماد شهرت یافته است (۱).

محقق کرکی، در عالم رؤیا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دید، و آن

ص: ۵۳۴

۱- مرحوم میرداماد، در نوشته ای، خود را باقر بن داماد الحسینی خوانده است. (روضات الجنّات، صفحه ۱۱۵) که به روشنی نشان می دهد، عنوان (داماد) لقب پدر او بوده است

حضرت به او امر فرمودند که دخترش را به ازدواج سید شمس الدین در آورد، و خبر دادند که از این ازدواج، فرزندی به دنیا می آید، که وارث علوم انبیاء و اوصیاء خواهد شد، و محقق کرکی، یکی از دختران خود را به عقد او در آورد، ولی قبل از آن که فرزندی بیاورد از دنیا رفت، و محقق نگران بود که چگونه آن رؤیا تحقق خارجی نیافته است، و در همین احوال، خواب دیگری از امیر المؤمنین علیه السلام دید، که حضرت فرمودند: مراد ما، دختر دیگر تو بوده، نه آن دختری که وفات یافته است، مرحوم محقق، امثال فرمان نمود، و دختر دوم را به عقد سید شمس الدین در آورد، و پس از مدتی، میرداماد به دنیا آمد، و به مدارج عالیة علمی و معنوی نائل گردید، و کلام امیر المؤمنین علیه السلام تحقق یافت (۱).

میرداماد، در تمامی علوم عقلی و نقلی، ریاضی و ادبی، به مقام بلندی دست یافت، تا آنجا که شخصیت علمی و عقلی او، با بوعلی سینا و فارابی سنجیده شد و نظریات او در فقه و تفسیر و... راه گشا و حلال مشکلات گردید.

میرداماد، در زهد و تقوی و رعایت آداب شرعیه به جایی رسید، که إعجاب همگان را برانگیخته، و از عجائب زندگی دانشمندان به شمار می رود، گویند: یک نافلة از او فوت نشد، و چهل سال در موقع خواب دراز نکشید، و در هر شبی نصف قرآن (پانزده جزء) می خواند، و بیست سال هم، مباحث را تا به حدّ وجوب نمی رسید، انجام نمی داد (۲).

او، از شاگردان شیخ حسین عاملی (پدر شیخ بهائی) و شیخ عبد العالی کرکی

ص: ۵۳۵

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۵۷ - ۵۸

۲- ریحانه الادب، جلد ۶، صفحه ۵۸ و روضات الجنّات، صفحه ۱۱۶

(دائی خودش) بوده، و از دوستان و معاشران شیخ بهائی به شمار رفته، و شاگردانی همچون ملا صدرای شیرازی داشته است

دهها اثر تألیفی از خود به جای گذارده، که به گفته آقای سید مصلح الدین مهدوی (نویسنده متتبع و معاصر) مجموع آثار میرداماد (از کتاب و رساله و حاشیه) در حدود ۹۰ عنوان می باشد، و ۳۵ عدد آنها به چاپ رسیده است، و در کتاب نفیس ریحانه الأدب، ۴۸ عنوان کتاب ذکر نموده، و سپس گفته است و غیر اینها.

میرداماد بین کربلا و نجف وفات یافته، و در شهر مقدس نجف اشرف مدفون گردیده است. آن بزرگمرد، در اکثر کتب تراجم و رجال و دائره المعارف ها، مورد تجلیل قرار گرفته، و از مفاخر عالم علم و حکمت، و عبادت و ریاضت دینی، به شمار رفته است.

ب - میر سید احمد عاملی

عالم فاضل، و حکیم محقق، و اصولی مدقق، میر سید کمال الدین احمد عاملی فرزند سید زین العابدین، متوفای حدود ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ قمری.

وی داماد و خاله زاده میرداماد بوده، و از محضر آن بزرگمرد، و نیز شیخ بللایی، کسب علم و اجازه علمی نموده، و هم چنین، از شیخ عبدالعالی کرکی (فرزند محقق کرکی) اجازه داشته است.

او بیش از ۱۸ تألیف، در زمینه حدیث و فقه و حکمت و کلام و عقائد و ...، از خود به جای گذارده (۱)، و در تکیه آقا رضی (در تخت فولاد) مدفون گردیده است.

ص: ۵۳۶

عالم فاضل ، و محقق کثیر التالیف ، آقا سید عبدالحسیب محمّد ، متوفای ۱۱۲۱ قمری ، فرزند میر سید أحمد عاملی و نوّه میرداماد . وی تألیفاتی همانند : « تقدیس الأنبياء » و « سدره المنتهی » (که کتابی است فارسی و عرفانی در معارف و اصول دین ، که جهت حکیم محمّد داوود تألیف نموده است (۱)) و « عرش سماء التوفیق » (در تفسیر فارسی) و ... داشته است ، و قبر او در تکیه آقارضی ، در جنب پدر بوده ، ولی آثار آن از بین رفته است .

د- میر محمّد اشرف

عالم متتبع و محقق ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، میر سید محمّد اشرف ، فرزند سید عبد الحسیب عاملی ، و متوفای ۱۱۳۳ یا ۱۱۴۵ قمری ، و مدفون در مقبره مخصوص در (ورنوسفادران) از روستاهای سه گانه (سیده) ، که مجموع آن روستاها ، در دوره های اخیر ، پس از توسعه ، به نام همایونشهر ، و سپس خمینی شهر ، نامیده شده است .

میر محمّد اشرف ، از شاگردان علامه مجلسی و مجاز از او ، و مورد تجلیل آن بزرگوار بوده است (۲) و بزرگانی هم چون شیخ محمّد علی حزین لاهیجی ، در تذکره حزین ، و نیز صاحب روضات الجنّات ، و حاج شیخ عبّاس قمی ، در فوائد الرضویّه ، و حاج آقا بزرگ طهرانی در الذریعه ، و مرحوم مدرّسی ، در ریحانه الأدب ، و امین عاملی در أعیان الشیعه ، و بسیاری دیگر از صاحبان تراجم ، از این بزرگمرد تجلیل کرده اند .

ص: ۵۳۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۲۲

۲- فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان ، جلد اول ، صفحه ۱۶۲

میر محمد اشرف ، تألیفات فراوانی داشته ، همانند : حاشیة بر قبسات ، وعلاقة التجريد (شرح بر تجريد الاعتقاد خواجه طوسی) و کتاب نفیس و مشهور « فضائل السادات » که علاوه بر شهرت آن ، نشانه بزرگی از کثرت تحقیق و تتبع و اطلاع مؤلف آن می باشد ، و هم چنین « شرح مشیخة تهذیب الحدیث » معروف به « رجال سید محمد اشرف » و ...

میر محمد اشرف ، دو فرزند داشته است ، به نامهای « میر محمد حفیظ » و « میر مرتضی » ، که هر دو از علماء و فضلاء زمان خود بوده اند ، و فرزندان نفر اول ، در سیده (خمینی شهر) و فرزندان نفر دوم ، در نجف آباد ساکن گشته ، و همه به نام میردامادی مشهور گردیده اند(۱).

ه- میرزا محمد حسن میردامادی

عالم فاضل ، و مدرس متبحر ، میرزا محمد حسن میردامادی سیدی ، متوفای ۱۳۳۲ قمری .

وی ، از احفاد میر محمد اشرف ، و از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای ، و حاج شیخ محمد علی نجفی بوده ، و در مدرسه نیم آور تدریس می کرده ، و در مقبره شاهزاده ابراهیم علیه السلام واقع در محله ورنوسفادران سیده (خمینی شهر) مدفون گردیده است(۲).

از خاندان میردامادی ، علاوه بر یاد شدگان ، در طول چند قرن ، علماء و فضلاء دیگری برخاسته اند ، که استقصاء نام و خصوصیات علمی آنها ، از هدف این بررسی خارج می باشد.

ص: ۵۳۸

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۴۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵۲

از خاندانهای علمی برجسته ، که در طول سه قرن ، علماء بسیاری را در خود پرورش داده ، و به حوزه ها و مجامع علمی عرضه نموده است ، « خاندان علمی میر محمد صادقی » است ، که شاخه ای از آن ، « خاندان علمی مدرّس » می باشد

سرسلسله این خاندان ، میر محمد اسماعیل أعرجی (فرزند میر أبو صالح حسینی سبزواری) متوفای اواخر قرن دوازدهم هجری قمری می باشد . وی از شاگردان علامه مجلسی ، و امام جماعت و مدرّس و واعظ رسمی مسجد شاه (مسجد امام فعلی) و صاحب تألیفات بوده است . پدران او ، از علماء اعلام و سادات عظام بوده (۱) و فرزندانش او ، به نامهای : ۱- میر محمد رفیع ، ۲- میر محمد تقی (شیخ الإسلام ماریین) ، ۳- میر محمد باقر نیز ، از علماء بوده اند (۲).

مرحوم میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل پسری داشته ، به نام میر محمد صادق ، که از علماء بوده ، و علاوه بر امامت جماعت مسجد شاه ، فردی متشخص و با تعیین بوده ، و بهمین جهت ، همه افراد این خاندان ، با نسبت به او ، « میر محمد صادقی » خوانده شده اند (۳).

فرزند دیگر میر محمد باقر ، عالم بزرگوار بوده ، به نام میر سید علی ، که پدر آقا میر سید حسن (مجتهد نامدار ، و سرسلسله خاندان مدرّس) می باشد .

و اینک ، چند چهره مبرز از « خاندان میر محمد صادقی » و « خاندان مدرّس »

ص: ۵۳۹

۱- ارشاد المسلمین (شجره نامه سادات میر محمد صادقی) (مخطوط) صفحه ۴۳

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳۴

۳- ارشاد المسلمین (مخطوط) ، صفحه ۴۳

به عنوان نمونه ذکر می گردد :

الف - آقا میر سید حسن مدرّس

فقیه مجتهد ، و زعیم عظیم الشان ، آقا میر سید حسن مدرّس ، متوفای ۱۲۷۳ قمری ، که در علم و تحقیق ، مقامی بسیار والا داشته ، و حوزه درسی او ، محلّ اجتماع چند صد نفر از علماء و فضلاء بوده است ، و چهره هائی میبَرز ، همانند : میرزای بزرگ شیرازی ، و صاحب روضات ، و آقا میرزا أبو المعالی کلباسی ، و آخوند فشارکی و ... ، در آن شرکت می جستند ، و از مهمترین حوزه های درسی اصفهان ، در قرن سیزدهم بوده است .

از آثار مهمّ آن بزرگمرد ، یکی تأسیس « مسجد رحیم خان » می باشد ، که از مساجد بزرگ و با اهمّیت اصفهان به شمار می رود ، و دیگری خاندانی علمی ، و نسلی عالم و خدمتگذار برای اسلام ، که تا زمان ما امتداد یافته است (۱).

ب - آقا میر سید علی

وی ، بزرگترین اولاد پسر از مرحوم مدرّس می باشد ، و از شاگردان شیخ أنصاری ، و نیز فاضل اردکانی بوده ، و در سال ۱۳۱۹ قمری وفات یافته است .

ج - آقا میر محمّد تقی

وی ، فرزند دیگر مرحوم مدرّس می باشد ، و در حوزه علمیّه اصفهان ، و نیز در حوزه علمیّه نجف اشرف ، و پس از آن ، در حوزه علمیّه سامراء ، در محضر مرحوم میرزای بزرگ شیرازی قُدس سِرّه مراحل علمی را پیموده ، و با کسب اجازه

ص: ۵۴۰

۱- درباره شخصیت برجسته مرحوم مدرّس ، در بخش « بقعه های علمی اصفهان » نیز ، بحث و بررسی داریم .

اجتهاد از آن زعیم عظیم الشان، به اصفهان مراجعت نموده، و خود، به تدریس و هدایت مردم پرداخته است. حوزه درسی او قابل توجه بوده، و کتابی در فرق بین حق و حکم، و نیز چند رساله دیگر تألیف نموده، و در سال ۱۳۳۳ قمری وفات یافته است (۱).

د. آقا میر سید محمد

وی، فرزند مرحوم آقا میر سید علی، و نوه مرحوم مدرّس، و پدر آیه الله، حاج آقا حسن مدرّس (از علماء و مدرّسین معاصر) می باشد، و از شاگردان آقا میرزا أبو المعالی، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، و آقا سید محمد باقر درچه ای بوده، و در منزل خود تدریس فقه و اصول می نموده است.

ه- آقا سید میر محسن میر محمد صادقی

عالم کامل، و فقیه زاهد، آقا سید محسن میر محمد صادقی، متوفای ۱۳۲۸ قمری (برادر زاده مرحوم آقا سید حسن مدرّس) که در حوزه های اصفهان و نجف اشرف تحصیل علم نموده، و استاد های او، بزرگانی همچون، شیخ أعظم أنصاری، شیخ راضی نجفی، حاج شیخ محمد باقر نجفی بوده اند، و در اصفهان، به تدریس و هدایت مردم اشتغال داشته است (۲).

از آثار او، تعدادی کتاب و رساله، و نیز چند نفر فرزند عالم و دانشمند دینی می باشد، که از جمله آنها، مرحوم آیه الله، آقا سید عبدالله ثقه الإسلام (مذکور در ذیل) بوده است.

ص: ۵۴۱

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۲۵۱، و ارشاد المسلمین، صفحه ۵۱

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۱ و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۶۵

و - آقا سید عبد الله ثقه الإسلام

فقیه و مجتهد عظیم الشان ، آقا سید عبدالله بن سید محسن میر محمد صادقی ، متوفای ۱۳۸۲ قمری . وی ، از چهره های علمی خاندان مدرّس و میر محمد صادقی می باشد ، که پس از طیّ مراحل از تحصیل علوم حوزه ای در اصفهان ، مدّت بیست و هفت سال در نجف اشرف ، تحصیل علم مینماید ، و از استادانی همچون ، میرزای شیرازی ، و میرزا حبیب الله رشتی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی ، و مرحوم آخوند خراسانی ، بهره می گیرد، و از خواصّ آخوند خراسانی به شمار می رود.

آن بزرگمرد ، بیش از بیست کتاب و رساله ، در فقه و اصول و عقاید و تاریخ و رجال و دیوان اشعار تألیف نموده ، و حوزه درسی ایشان، در سالهای آخر عمر ، مورد توجه قرار گرفته بوده است(۱).

ز - آقا سید عبدالحسین طیب

فقیه مفسّر ، و اصولی متکلم ، آیه الله ، آقا سید عبدالحسین طیب ، متوفای ۱۴۱۲ قمری . وی از نسل میر محمد اسماعیل (سرسلسله خاندان میر محمد صادقی) و از مفاخر علمی و تقوایی حوزه علمیه اصفهان به شمار می رود .

آن بزرگمرد ، در حوزه های علمی اصفهان و نجف اشرف ، تحصیل علم نموده و از محضر بزرگانی ، همچون : آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (غروی) و آقا ضیاء الدین عراقی ، و میرزا محمد حسین نائینی ، کسب علم نموده ، و از بسیاری از علماء ، اجازه اجتهاد داشته است .

مرحوم آیه الله طیب ، در حوزه علمیه اصفهان ، به تدریس و تحقیق ، و نیز

ص: ۵۴۲

۱- درباره مرحوم ثقه الإسلام ، در بخش (بقعه های تخت فولاد) بحث و بررسی داریم

تألیف ۱۴ جلد «تفسیر اُطیب البیان» و سه جلد کتاب «کلم الطیب» و ... ، اشتغال داشتند ، و در علم و تقوی و نظم و ارتباط قوی با مقام منبع ولایت ، و نیز تهجد و زیارت عاشوراء با صد لعن و صد سلام ، و با تمام آداب و ... ، از چهره های ارزشمند به شمار می روند(۱).

ح - آقا سید حسن مدرّس

مدرّس محقّق ، و استاد متبحّر ، آیه الله ، آقای حاج آقا حسن مدرّس دام عمره ، که از علماء معاصر در حوزه علمیّه اصفهان می باشند ، و استادهائی ، همانند آیات عظیم الشان: آقا میرزا أحمد مدرّس، آقا شیخ محمود مفید، آقا سید محمد نجف آبادی ، آقا میر سید علی نجف آبادی ، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و ... ، در زمینه فقه و اصول و فلسفه و حکمت ، داشته اند، و خود ایشان ، چندین سال در مدرسه صدر ، و مدرسه میرزا مهدی ، و مدّتی در منزل شخصی ، به تدریس فقه و اصول و أسفار و شرح تجرید و ... اشتغال داشته اند ، و در حال حاضر به علت ضعف مزاج ، تدریس منظم ندارند .

ط - حاج سید مجتبی میر محمد صادقی

مدرّس عالیقدر ، آیه الله ، آقای حاج سید مجتبی میر محمد صادقی ، متولد حدود ۱۳۳۰ قمری . مادر معظم له ، دختر آیه الله ، حاج آقا منیر بروجردی بوده ، و نسب ایشان از طریق مادری ، به محقّق نامدار ، مرحوم میرزای قمی می رسد . پدر ایشان ، مرحوم حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی ، از علماء بزرگوار

ص: ۵۴۳

۱- در بخش « علماء و مدرّسین بزرگ اصفهان ، در دوره اخیر » از این بزرگمرد با تفصیل بیشتری ، بحث نموده ایم

و مورد احترام بوده اند، و خود ایشان، از شاگردان آیات عظام: آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی، و آقا میر سید علی نجف آبادی، و آقا سید محمد نجف آبادی، و دیگر بزرگان می باشند.

معظم له، پس از نیل به مقامات عالیۀ علمی، علاوه بر امامت جماعت و ارشاد مؤمنین، به تدریس فقه و اصول (دوره سطح متوسط و عالی) در مدرسه صدر بازار اشتغال داشتند.

ی - آقا سید محمد علی میر محمد صادقی

فقیه اصولی، و استاد عالیقدر، آیه الله، حاج سید محمد علی میر محمد صادقی دامت برکاته^(۱) که از چهره ای علمی معاصر در حوزه اصفهان، و از مدرسین بزرگ دوره خارج فقه و اصول می باشند، و شرح حال مفصل تری از این بزرگمرد، در بخش (علماء و بزرگان حوزه علمیه اصفهان، در قرن اخیر) ذکر نموده ایم.

و این بود نمونه ای از چهره های علمی این خاندان بزرگ و ریشه دار علمی، که علاوه بر مقام سیادت و انتساب به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و أميرالمؤمنين، و سید الشهداء، و امام سجاد عليهم السلام، مظهر برکات علمی، و منشاء نشر و گسترش احکام و آثار دینی بوده و هستند، و در همین خاندان گسترده، علماء بسیاری بوده اند، و در حال حاضر عده ای از آنها در حال حیات می باشند و به خدمات و کوششهای علمی و دینی اشتغال دارند، و استقصاء نام و خدمات همه آنها، از

ص: ۵۴۴

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود (سال ۱۴۱۷ قمری) حوزه علمیه و شهر اصفهان در غم فقدان این بزرگمرد بسر می برد

۴۴- خاندان علمی نایب الصدر

یکی از علماء بزرگ و مورد توجه و منتقد اصفهان ، در نیمه اول قرن دوازدهم ، مرحوم میرزا محمد باقر ، معروف به (پیشنماز) بوده ، که عالمی فاضل و متقی به شمار رفته ، و امامت جماعت مسجد جامع عباسی (مسجد شاه مسجد امام فعلی) بر عهده او بوده است .

وی ، جد سادات عاملی رهنان و خوراسگان می باشد ، و از احفاد او ، علماء بزرگی پا به عرصه حیات علمی گذارده اند ، که از جمله آنها ، عالم فاضل ، و محقق نامدار ، و فقیه و مجتهد عظیم الشان ، آقا میر محمد مهدی نایب الصدر ، متوفای ۱۱۶۷ قمری می باشد ، که از مشایخ اجازه بوده ، و کتابخانه بسیار مهمی داشته ، که بر تمام یا اغلب کتابهای آن با خط خود حاشیه های ارزشمند و علمی در زمینه علوم مختلف نوشته است(۲).

ص: ۵۴۵

۱- مرحوم آیه الله ، آقا سید عبدالله ثقه الاسلام ، که خود از چهره های میز این خاندان بوده اند ، رساله نسبتاً مفصّلی درباره نسب این خاندان ، و معرفی شخصیت هائی از این دودمان به نام « ارشاد المسلمین » تألیف نموده اند ، که محتوی اطلاعات سودمندی است ، ولی مخطوط می باشد ، و نسخه ای از آن در نزد این کمترین موجود است ، و در این بخش از آن بهره جسته ام

۲- در زمان مرحوم آیه الله ، حاج شیخ اسماعیل معزی ، متوفای ۱۳۶۳ قمری ، که از علماء با تقوی و مدرّسین و مجتهدین عالیقدر بوده ، تصمیم گرفته می شود ، که در بقعه تکیه آقا رضی (محل دفن آقا میرزا محمد باقر پیشنماز ، و عده ای از اولاد و احفاد او) تغییری داده شود ، و دری از بقعه (مقابل در ورودی تکیه) باز کنند ، و در این هنگام ، با قبر مرحوم نایب الصدر برخورد می نمایند ، و جنازه آن بزرگمرد ، تازه و بدون تغییر دیده می شود ، و معلوم می گردد که ، پس از دو قرن ، جنازه این بزرگمرد محفوظ مانده ، و خاک و زمین در او تصرف نموده است (از توضیحات شفاهی استاد عالیقدر ، آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی ، به نقل از پدرشان ، مرحوم آیه الله ، حاج سید عطاء الله فقیه امامی ، که از طریق مادری ، به این خانه منسوب می باشند).

به احترام و به مناسبت شخصیت نامبرده ، جمعی از وابستگان این خاندان ، به نام «نائب الصدر» خوانده می شوند ، و خاندانی علمی را شکل می بخشند .

۴۵- خاندان علمی نواب لاهیجی

خاندان مذکور ، از خاندانهای محترم و علمی اصفهان می باشد ، که سرسلسله آنها ، حکیم نامدار ، و منجم ماهر ، و مفسّر یگانه ، میرزا محمد باقر لاهیجی مشهور به « نواب » متوفای ۱۲۴۰ قمری (۱) می باشد .

وی تفسیر بسیار ارزشمند و ابتکاری « تحفه الخاقان ، فی تفسیر القرآن » را ، به ترتیب آیات قصص و آیات احکام ، و آیات معارف ، و آیات مواعظ ، و آیات وعید ، به پنج قسمت تقسیم نموده ، و برای هر قسمتی ، یک جلد اختصاص داده و از ملحقات جلد اول ، در سال ۱۲۳۳ فارغ شده ، و موفق به انجام جلد پنجم تفسیر نشده است (۲).

و هم چنین ، شرحی بر نهج البلاغه ، در دو جلد نوشته ، و کتاب دیگری در فقه تألیف نموده است ، و علاوه بر اینها ، در حوزه علمی اصفهان ، به تدریس علوم عقلی اشتغال داشته است (۳).

از نسل آن بزرگمرد ، علماء و دانشمندی پدید آمده اند ، همانند :

ص: ۵۴۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۸۸

۲- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۴۳۱

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۲۳

الف - حاج میرزا محمد نواب

وی ، فرزند میرزا محمد باقر نواب لاهیجی می باشد ، که عالمی فاضل ، و از شاگردان مرحوم سید شفتی بوده ، و از خواصّ مرحوم آقا سید اسد الله مجتهد شفتی بید آبادی به شمار رفته است .

آن بزرگمرد ، صاحب تألیف بوده ، و در قسمت لسان الأرض ، نزدیک قبر حضرت یوشع نبی علیه السلام مدفون گشته است .

ب - آقا میرزا محمد ابراهیم نواب

وی ، فرزند آقا میرزا محمد باقر بن حاج میرزا محمد نواب بوده ، و از شاگردان آقا میرزا احمد مدرّس ، و آخوند گزی ، و آقا سید محمد باقر درجه ای و آقا شیخ محمد رضا نجفی به شمار رفته ، و در سال ۱۳۶۱ یا ۱۳۶۶(۱) وفات یافته است .

۴۶- خاندان هزار جریبی اصفهانی

یکی از خاندانهای علمی اصفهان ، خاندانی است از ذریه فقیه و اصولی نامدار ، آقا محمد باقر هزار جریبی ، متوفای ۱۲۰۵ قمری ، که در زمان خود ، از زعماء و مراجع بزرگ دینی شیعه ، در شهر مقدّس کربلاء به شمار رفته ، و استاد میرزای قمی ، و شیخ اجازه و روایت سید بحر العلوم بوده است(۲).

الف - آقا محمد علی هزار جریبی

اولین چهره علمی این خاندان در اصفهان ، فقیه عالی مقام و محقق

ص: ۵۴۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۸۸ ، سیری در تحت فولاد ، صفحه ۱۸۵

۲- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۴۲۱ و فوائد الرضویه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۸

عظیم الشان، آقا محمد علی هزار جریبی، متوفای ۱۲۴۵ قمری می باشد. وی پس از آن که تحصیلاتش در حوزه های ایران و عراق، در محضر بزرگانی همچون: آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) و آقا سید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا سید جواد عاملی، و میرزای قمی پایان یافت، مدتها در ارومیه و تبریز اقامت جست، و تدریس نمود (۱)، و پس از آن، به اصفهان هجرت کرد، و به دامادی میرزا محمد باقر نواب لاهیجی مفتخر گردید، و به عنوان « فقیه » شهرت یافت (۲)، و در آخر کار، به شهرضا هجرت نمود، و در همانجا وفات یافت، و در بقعه امامزاده سید علی اکبر علیه السلام، مدفون گردید.

مرحوم آقا محمد علی، تألیفات بسیاری در زمینه فقه، اصول، عقائد، رجال و حدیث، شعر، اخلاق، تفسیر و حکایات و مفاهات، از خود به جای گذارده، که متجاوز از بیست عنوان می باشد، همانند: « البحر الزاخر » (در فقه) و « اللئالی المتلائنه » (در اصول) و « ألبدر الباهر » (در تفسیر) و « السراج المنیر » (در فوائد رجالیه) و ...

مرحوم آقا محمد علی، برادری داشته، به نام آخوند ملا محمد صادق، که در سال ۱۲۰۳ وفات یافته، و در تکیه میرزا رفیعا مدفون گردیده است.

ب - آقا میرزا محمد حسن نجفی

دومین چهره برجسته این خاندان در اصفهان، فقیه زاهد و محقق نامور، مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی، متوفای ۱۳۱۷ قمری، و فرزند آقا محمد علی هزار جریبی می باشد، که صاحب تألیفات، در فقه و اصول و رجال بوده،

ص: ۵۴۸

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۶

۲- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۵۷۶

و مرحوم میرزای بزرگ شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو ، و مجدد دین ، در رأس سده سیزدهم) درباره او فرموده است : من شهادت می دهم به آنکه او (میرزا محمد حسن) ثقه و مجتهد است (از روی اعتبار و معاشرت) نه از جهت سماع و شهرت (۱).

مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی ، در حوزه علمیه نجف اشرف ، شاگرد مرحوم شیخ اعظم انصاری ، و نیز ، مرحوم میرزای شیرازی بوده ، و در حوزه علمیه اصفهان ، حوزه درسی و شاگردان بسیار داشته ، و مرجع فتوی و قضاوت شرعیته بوده است ، و پس از وفات ، در سرزمین لسان الأرض (تخت فولاد) اصفهان مدفون گردیده ، و سپس جنازه آن بزرگمرد ، به نجف منتقل شده است .

ج - آقا شیخ محمد حسین هزار جریبی

سومین شخصیت این خاندان ، عالم محقق و فداکار ، مرحوم آقا شیخ محمد حسین هزار جریبی ، متولد ۱۲۳۵ قمری ، و فرزند مرحوم آقا محمد علی هزار جریبی می باشد .

وی ، خدمتی بزرگ نسبت به تألیفات پدرش نموده ، و آنها را پاکنویس کرده و از نابودی آن همه آثار علمی و ارزشمند ، که در اثر ابتلاء مؤلف آنها به بیماری سل ، معطل و در معرض فناء بوده ، جلوگیری می نماید ، و علاوه بر آن ، رساله ای در شرح حال پدر و اساتید و آثار او می نویسد (۲) و کتابی هم به نام : « البوارق ، لكشف معضلات الحقائق » تألیف نموده است (۳).

ص: ۵۴۹

۱- فوائد الرضویه ، جلد ۲ ، صفحه ۵۷۷

۲- الكرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۴۱۵

۳- الدرّیعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۳۵۴

آنچه گذشت ، نمونه ای بود از خاندانهای علمی اصفهان (در طول قرون گذشته ، و بالأخص در پنج قرن اخیر) و البتّه دهها خاندان علمی دیگر نیز ، وجود داشته و دارند ، همانند : خاندان رشتی ، مستجاب الدّعوه ، مقدّس ، فقیه ایمانی ، یزدی ، مظاهری ، هاشمی ، بهشتی ، و ... ، که استقصاء کامل همه آنها ، به فرصت مناسب تری واگذار می گردد .

قَالَ اللهُ تَعَالَى يَرْفَعُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

آثاری بزرگ از حوزه علمیة اصفهان

حوزه علمیة اصفهان در طول چندین قرن، مخصوصاً از قرن دهم به بعد، آثار و برکات فراوانی را به عالم تشیع و جهان علم و دانش، عرضه نموده، که در این بخش به چند نمونه از آنها اشاره می‌نمائیم، گرچه در همه بخشهای کتاب، آثار و برکات این شهر ولایت و حوزه علمیة آن، به خوبی ظاهر گردیده و آشکار می‌شود.

نقش حوزه علمیه اصفهان، در اجازات حدیث

یکی از بخش‌های مهم علمی جهان تشیع، قسمت اجازات حدیثی (۱) می‌باشد، که در حفظ و نگهداری ارتباط علمی شیعه در طول تاریخ، نقش حیاتی ایفاء نموده، و همین اجازات، نام و نشان و عنوان بسیاری از چهره‌های علمی شیعه را حفظ نموده، و از فراموش شدن و گم شدن آنها در لابلای

ص: ۵۵۳

۱- اجازة حدیث، کلامی است که از شخصیتی بزرگ و علمی صادر می‌شود، مبنی بر اجازة دادن در نقل حدیث به دانشمندی دیگر، اعم از آن که شاگرد او باشد یا نباشد، و در بسیاری از موارد، این اجازة به صورت کتبی انجام می‌گیرد، و در آن، شخص اجازة دهنده، از بزرگانی که به او اجازة داده‌اند و مشایخ قبلی اجازة، یاد می‌کند و در باره آنها مطالبی را بیان می‌دارد، و کتابهائی را که اجازة نقل احادیث آنها را می‌دهد، ذکر می‌کند، و نکته‌هائی قابل توجه را مورد اشاره قرار می‌دهد

چه بسیارند شخصیت‌هایی از دانشمندان و بزرگان شیعه ، که نام مبارک آنها ، در اجازه‌ای از اجازات حدیث یافت شده ، و همین امر زمینه تحقیق و پی‌گیری درباره آثار علمی و خدمات و فداکاری‌های دینی آنها را فراهم نموده است ، و بدین وسیله در نشان دادن تاریخ پربار و علمی شیعه ، که در برگیرنده سرمایه‌های بزرگ ادبی و فرهنگی و استوانه‌های بزرگ علمی و معنوی است ، نقشی اساسی و حیاتی ایفاء نموده است .

حوزه علمی اصفهان ، در دوره‌های درخشش علمی خود ، محلّ اجازه‌های با ارزش و استجازه‌های مهم بوده ، و شخصیت‌های برجسته‌ای از عالم تشیع ، همانند : محقق ثانی (محقق کرکی) شیخ علی بن عبد العالی ، متوفای ۹۴۰ و فقیه بزرگ ، شیخ علی بن هلال کرکی اصفهانی ، متوفای بعد از ۹۸۴ و نابغه روزگار ، شیخ بهاء الدین محمد عاملی (شیخ بهائی) متوفای ۱۰۳۰ ، و حکیم و محقق نامدار ، سید محمد باقر داماد (میرداماد) متوفای ۱۰۴۰ ، و حکیم و فیلسوف بزرگ ، میر ابو القاسم فندرسکی ، متوفای ۱۰۵۰ ، و فقیه عظیم الشان ، ملا حسنعلی

ص: ۵۵۴

۱- اجازات حدیث ، بعضی بزرگ است که به صورت کتابی مستقل می‌باشد (همانند : لؤلؤه البحرین و بُغیة الوعاه و اللمه المهدیه) و بعضی متوسّط است و به صورت رساله‌های مختصر یا متوسّط می‌باشد ، و برخی مختصر است ، که نام کتاب و رساله بر آن اطلاق نمی‌شود ، ولی در هر صورت ، اجازتها فواید بسیاری را در بر دارد ، همانند : حفظ ارتباط علمی تا زمان معصومین علیهم السلام و شناسائی علماء بزرگ و دانستن آثار علمی و قلمی و اساتید و شاگردان آنها و نیز شناختن مقامات معنوی و عدالت و وثاقت و أخلاق و صفات روحی آنان ، که در مجموع ، برای تاریخ شیعه و تراجم بزرگان عالم اسلام و تشیع ، سرمایه بزرگی محسوب می‌گردد

شوشتری متوفای ۱۰۷۵، و فرزند ملا عبد الله شوشتری، و فقیه و محدث علامه، ملا محمد تقی مجلسی متوفای ۱۰۷۰، و محقق و حکیم و فقیه عظیم الشان آقا حسین خوانساری متوفای ۱۰۹۹، و محیی آثار أهل البيت عليهم السلام، علامه روزگار و باب الأئمه، مولی محمّد باقر مجلسی (علامه مجلسی) متوفای ۱۱۱۰ قمری، و غیر از این چهره های بزرگ علم و دین، به شاگردان خود و دیگر علماء و اعلام دین، اجازاتی داده اند که هر کدام، سرمایه ای بزرگ و منبع سرشاری برای آگاهی های لازم در مورد تاریخ علمی شیعه و عظمت های رهبران جهان تشیع می باشد، و این اجازات، بخشی از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان به شمار می آید. برای آشنائی بیشتر با اجازات و جایگاه حوزه علمیه اصفهان، در این زمینه، به بحار الأنوار، جلد ۱۰۵ تا ۱۱۰، و الذریعه إلى تصانیف الشیعه جلد ۱، از صفحه ۱۲۳ تا ۲۶۶، و جلد ۱۱، از صفحه ۱۳ تا ۲۷ مراجعه شود.

حضور شصت مجتهد جامع الشرائط در یک مجالس علمی

در قرن یازدهم هجری حوزه علمیه اصفهان، آن چنان رونق و گسترش علمی یافته بود، که در مجالس بزرگ و رسمی علمی، شصت نفر مجتهد جامع الشرائط به إفاده علمی و تدریس و تحقیق اشتغال داشتند، که هر یک از آنها علامه دوران و نادر زمان، به شمار می رفتند، که برای به وجود آمدن و ظهور هر کدام از آن چهره های درخشان، ماهها و سالها باید بگذرد و منقضی گردد (۱).

از مطلب بالا- به خوبی استفاده می شود که حوزه علمیه اصفهان در برگیرنده صدها عالم و مدرّس و مجتهد و ... بوده، تا جایی که فقط در جلسات بزرگ علمی، شصت مجتهد جامع الشرائط به إفاده علمی می پرداخته اند.

ص: ۵۵۵

مرحوم سید نعمت الله جزائری ، در شرح حالی که برای خودش نوشته ، جریان مسافرتش را به اصفهان و آشنائی با علامه مجلسی و چهار سال اقامت در منزل آن بزرگمرد ، نقل نموده و نوشته است : ... فَسَافَرْنَا إِلَى إِصْفَهَانَ وَ كُنَّا جَمَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ أَصَابْنَا فِي الطَّرِيقِ بَرْدٌ تَيَقَّنَا مِنْهُ الْهَلَاكَ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا بِالْوُصُولِ فَجَلَسْنَا فِي مَدْرَسِهِ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا أَرْبَعُ حُجْرَاتٍ فِي (سرنیم آورد) وَ جَلَسْنَا فِي حُجْرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ كُنَّا جَمَاعَةً كَثِيرَةً فَكُنَّا إِذَا نُمْنَا فِي تِلْكَ الْحُجْرَةِ وَ أَرَادَ وَاحِدٌ مِّنَّا الْإِنْتِبَاهَ فِي اللَّيْلِ لِحَاجَةِ إِنْتِبَهَانَا جَمِيعاً ثُمَّ إِنَّهُ قَدْ تَضَايَقَتْ عَلَيْنَا أُمُورُ الْمَعَاشِ وَ بَعْنَا مَا كَانَ عِنْدَنَا مِنْ ثِيَابٍ وَ غَيْرِهَا

وَ كُنَّا نَتَعَمَّدُ أَكْلَ الْأَطْعِمَةِ الْمَالِحَةِ لِأَجْلِ أَنْ نَشْرَبَ مَاءً كَثِيراً وَ نَأْكُلَ الْأَشْيَاءَ الثَّقِيلَةَ لِتَذَلِّكَ أَيْضاً ثُمَّ بَعْدَ هَذَا مَنَّ اللَّهُ عَلَيَّ بِالْمَعْرِفَةِ مَعَ أَسَاتِذِنَا الْمَجْلِسِيِّ أَدَامَ اللَّهُ أَرْيَامَ سَيِّلَاتِهِ فَأَخَذَ مِنِّي إِلَى مَنْزِلِهِ وَ بَقِيَتْ عِنْدَهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَنْزِلِ أَرْبَعٌ سِنِينَ تَقْرِيباً وَ قَدْ عَرَفْتُ أَصْحَابِي عِنْدَهُ فَأَيَّدَهُمْ بِأَسْبَابِ الْمَعَاشِ وَ قَرَأْنَا عَلَيْهِ الْحَدِيثَ (۱).

از این عبارات بر می آید که جمعی (که همه ، سابقه علمی زیاد داشته اند ، و پس از آشنائی با علامه مجلسی ، در درس حدیث ، که بالاترین رتبه در سی آن زمان بوده شرکت نموده اند) وارد اصفهان شده ، و در مدرسه ای در محله سرنیم آور ، سکونت یافته اند ، که فقط چهار حجره داشته (و این مدرسه ، غیر از مدرسه نیم آور است که دو طبقه می باشد با حجرات فراوان ، و غیر از مدرسه ابتدائی مدرسه نیم آورده است ، که در کاروانسرای در مجاورت مدرسه نیم آور بوده ، و طلبه های مبتدی ، در آن سکونت داشته اند) .

بنابراین معلوم می شود تا چه اندازه حوزة علمیه اصفهان (با آن همه مدارس

علمیه (پرجمعیت بوده ، که عده ای از طالبین علم ، با سابقه زیاد تحصیلی ، در یک حجره ، آنهم در یک مدرسه کوچک ، اسکان یافته اند و مشکلات مالی فراوان نیز داشته ، و مدتی در مضیقه بوده اند ، تا آن که پس از مدتی ، علامه مجلسی مطلع گردیدند و سید جزائری را در منزل خود اسکان دادند ، (که نشانه عظمت سید جزائری در آن وقت است) و بقیه را نیز با کمک مالی ، مشکلاتشان را برطرف نموده ، و همگی جزء شاگردان درسی علامه مجلسی قرار گرفتند (۱).

انتشار بسیار گسترده صحیفه سجادیه از اصفهان، با عنایت امام زمان (عج)

فقیه و محدث نامدار ، ملا محمد تقی مجلسی ، تشریف داشته به محضر بقیه الله الأعظم حضرت حجه بن الحسن العسکری (عج) ، که سبب انتشار گسترده صحیفه سجادیه گردیده ، و از مفاخر حوزه علمیه اصفهان به حساب می آید ، که ذیلاً جریان جالب آن را ملاحظه می فرمائید :

مرحوم ملا محمد تقی مجلسی می فرماید که : من در اوائل بلوغ ، سعی و کوشش در تحصیل رضای الهی داشتم ، و قرار و آرامی نداشتم جز با یاد خدا ، تا این که بین خواب و بیداری ، دیدم که حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه در مسجد جامع قدیم اصفهان در نزدیک طنبی ، که محلّ تدریس فعلی من می باشد ، ایستاده اند ، پس من به آن حضرت سلام کردم و اراده نمودم که پای آن حضرت را ببوسم ، آن بزرگوار نگذاردند و مرا گرفتند ، پس من دست حضرت را بوسیدم و مسائلی را که بر من مشکل شده بود پرسیدم (در اینجا ملا محمد تقی ، نمونه ای

ص: ۵۵۷

۱- در بخش (مدارس علمیه زمان صفویه که موجود نیست) ، «تحت شماره ۵۳» از این مدرسه و داستان مرحوم جزائری بحث نموده ایم

از مسائل یاد شده را ذکر نموده ، و می نویسد) : سپس عرضه داشتم مولای من ، همیشه نمی توانم به خدمت شما شرفیاب شوم ، پس کتابی به من بدهید که همیشه به آن عمل کنم ، حضرت فرمودند : کتابی را به خاطر تو ، به مولا محمد تاج داده ام ، و من در عالم خواب او را می شناختم ، پس حضرت فرمودند : برو و کتاب را از او بگیر ، پس خارج شدم از درب مسجد که مقابل آن حضرت بود ، به سوی محله دارالبطیخ (۱) و به همان شخص مورد نظر رسیدم ، وقتی مرا دید . گفت : حضرت صاحب علیه السلام تو را به سوی من فرستادند ؟ گفتم : بله ، پس کتابی قدیمی را از جیب خود در آورد و به من داد ، و برایم ظاهر شد که کتاب دعاء است ، آن را بوسیدم و بر چشم خود گذاردم و برگشتم که به خدمت حضرت صاحب علیه السلام برسم ، ناگاه به خود آمدم و بیدار شدم و کتاب را همراه خود ندیدم پس شروع کردم به گریه و زاری (به خاطر از دست دادن کتاب) تا این که طلوع فجر شد . پس از آنکه از نماز صبح و تعقیب ، فارغ شدم به خاطر این که به نظرم می رسید که مقصود امام زمان (عج) از مولا محمد تاج ، شیخ بهائی هستند که نامشان محمد است ، و کلمه تاج هم اشاره به شهرت ایشان در میان علماء است ، لذا به سوی مدرسه ایشان ، که در جوار مسجد جامع بود حرکت کردم و دیدم که ایشان مشغول مقابله صحیفه سجادیه هستند . پس ساعتی نشستم تا شیخ بهائی ، از برنامه خود فارغ شدند ، و ظاهراً درباره سند صحیفه سجادیه بحث و بررسی می نمودند ، ولی من بخاطر غمی که داشتم (در اثر در دست نداشتن کتابی که امام زمان (عج) در عالم خواب به من عنایت فرموده بودند)

ص: ۵۵۸

۱- محله دار البطحیخ ، یکی از محلات قدیمی اصفهان است که مقبره خواجه نظام الملک در آن قرار گرفته ، و در حال حاضر بین خیابان احمد آباد و خیابان ولی عصر (عج) می باشد

متوجه کلام شیخ بهائی و گفتگوی علماء جلسه بحثشان نگردیدم، و مشغول گریه بودم و به سوی مرحوم شیخ شتافتم و خواب خود را تعریف نمودم، و با حال گریه، قضیه را شرح دادم، پس مرحوم شیخ فرمودند:

أَبَشِرُ بِالْعُلُومِ الْإِلَهِيَّةِ وَالْمَعَارِفِ الْيَقِينِيَّةِ وَجَمِيعِ مَا كُنْتُ تَطْلُبُ دَائِمًا

ولی من دلم آرام نگرفت (و گم شده خود را در کلام شیخ نیافتم) و باحال گریه خارج شدم، و در اندیشه بودم، که به خاطر رسید بروم به سوی همان محلی که در شب گذشته (برای گرفتن کتاب) بدانجا رفتم.

پس وقتی که به محله دارالبطیخ رسیدم، مرد صالحی را دیدم که به نام آقا حسن و ملقب به تاجا بود، هنگامی که به او رسیدم و سلام کردم گفت: فلانی کتاب های وقفی نزد من هست، و هرکس می گیرد از طالبان علم، به شرایط وقف عمل نمی کند ولی تو عمل میکنی، بیا و در این کتابها نظر کن و هرچه را احتیاج داری بردار، همراه او رفتم به خانه ای که کتابها در آن بود، اولین کتابی که به من داد همان کتابی بود که در شب گذشته در خواب دیده بودم، پس شروع به گریه و ناله کردم و گفتم همین کتاب برای من بس است.

به محضر شیخ بهائی آمدم و شروع نمودم به مقابله آن نسخه، با نسخه صحیفه شیخ بهائی، که جد پدر ایشان از روی نسخه شهید نوشته بود، و نسخه شهید از روی نسخه عمید الرؤساء و ابن سیکون، نوشته شده بود و با نسخه ابن ادریس (حلی) با واسطه، یا بدون واسطه، مقابله گردیده بود. نسخه ای که حضرت صاحب الزمان علیه السلام به من دادند از روی نسخه خط شهید قدس ستره نوشته شده بود، و آن دو نسخه کاملاً باهم موافقت داشت، حتی در نسخه هائی که در حاشیه آن ها نوشته شده بود. بعد از آن که من از مقابله نسخه یاد شده (با نسخه مربوط به شیخ بهائی) فارغ شدم، مردم شروع به مقابله با نسخه من نمودند.

وَبَرَكَهٖ إِعْطَاءِ الْحُجَّهِ ، صَارَتْ الصَّحِيفَةُ الْكَامِلَةُ فِي جَمِيعِ الْبِلَادِ كَمَا الشَّمْسُ طَالَعَتْ فِي كُلِّ بَيْتٍ وَ سَيِّمًا فِي إِصْفَهَانَ فَإِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَهُمْ الصَّحِيفَةُ الْمُتَعَدَّدَةُ وَصَارَ أَكْثَرُهُمْ صُلْحَاءَ وَ أَهْلَ الدُّعَاءِ

وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ مُسْتَجَابُوا الدَّعْوَةَ وَ هَذِهِ الْأَثَارُ مُعْجَزَةٌ لِصَاحِبِ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَ الَّذِي أَعْطَانِي اللَّهُ مِنَ الْعُلُومِ بِسَبَبِ الصَّحِيفَةِ لَا أُحْصِيهَا ، وَ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ (۱)

یعنی به برکه عطا نمودن حضرت حجّه ، صحیفه کامله (سجادیه) ، در همه شهرها بخصوص اصفهان ، همانند خورشیدی که در هر خانه ای طالع می شود ، درخشید، تا جائی که اکثر مردم صحیفه های متعدّد پیدا کردند ، و بیشترین آنها به حالت صلاح و دعاء ، روی آوردند، و از صلحاء و اهل دعا گردیدند ، و بسیاری از آنها مستجاب الدعوه شدند، و این آثار ، معجزه ای برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام می باشد ، و آنچه را خداوند متعال به سبب صحیفه ، از علوم و دانشها به من عنایت فرمود ، نمی توانم به شمار آورم ، و این ، از فضل خداوند بر من ، و بر مردم می باشد .

قاضی امیر حسین اصفهانی و آشنائی با فقه الرضا علیه السلام

عالم جلیل القدر و محقق ، سید امیر حسین اصفهانی (مجاور مکه مکرمه) از علماء قرن یازدهم به شمار می رود ، و از مشایخ اجازه علامه ملا محمد باقر مجلسی قدس سرّه می باشد ، و علامه مجلسی در صحت انتساب کتاب فقه الرضا علیه السلام به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به آن بزرگمرد اعتماد نموده است.

ص: ۵۶۰

۱- بحار الأنوار ، جلد ۵۳ ، صفحه ۲۷۶ - ۲۷۸ و جلد ۱۰۵ ، صفحه ۱۱۴ - ۱۱۶ و نیز در جلد ۱۱۰ ، صفحه ۴۳ به نحو مختصر ذکر شده است

حادثه ای شگفت ، و کشف حقیقتی ارزشمند دربارهٔ فقه الرضا علیه السلام

علامه مجلسی در بحارالأنوار نقل می فرماید ، پس از آن که قاضی امیر حسین وارد شهر اصفهان گردید گفت : هنگامی که من مجاور بیت الله الحرام (در مکه مکرمه) بودم ، اتفاق افتاد که جماعتی از اهل قم به قصد حج به مکه آمدند ، و کتابی قدیمی همراه آنها بود که تاریخ آن با زمان امام رضا علیه السلام مطابقت داشت

(آنگاه علامه مجلسی از پدرشان نقل می کنند که ایشان فرمودند : من از سید امیر حسین شنیدم که می فرمود: خط امام هشتم علیه السلام بر این کتاب بود ، و اجازات جماعت زیادی از فضلاء نیز بر آن وجود داشت ، و سپس علامه مجلسی ادامه می دهند که) و سید امیر حسین نقل کرد که من برایم یقین حاصل شده از راه قرائن که این کتاب ، تألیف امام رضا علیه السلام است ، و لذا کتاب را از آنها گرفتم و نوشتم و تصحیح نمودم ، پس پدرم (ملا محمد تقی) قدس الله روحه (نسخه) این کتاب را از سید امیر حسین گرفت و خودش نسخه برداری و تصحیح نمود و بیشترین عبارات این کتاب ، موافق است با آنچه شیخ صدوق ، أبو جعفر بن بابویه ، در کتاب من لایحضره الفقیه بدون سند نقل می نماید ، و هم چنین موافق است با آنچه پدر صدوق (علی بن بابویه قمی) در رساله ای که برای فرزندش ، شیخ صدوق نوشته ، مرقوم فرموده است ، و بسیاری از احکامی که أصحاب ما (علماء شیعه) ذکر کرده اند و مستند آنها معلوم نیست ، در این کتاب موجود می باشد (۱) (۲) .

ص: ۵۶۱

۱- بحارالأنوار ، جلد ۱ ، صفحه ۱۱ و ۱۲

۲- گرچه از عبارات بالا به خوبی استفاده می شود که علامه مجلسی و پدرشان ملا محمد تقی مجلسی ، اعتماد کامل به کتاب فقه الرضا و انتساب آن به حضرت رضا علیه السلام داشته اند ولی در میان بزرگان شیعه و علماء بزرگوار مذهب ، در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد (به کتب مربوطه مراجعه شود)

کتاب فقه الرضا علیه السلام قبل از این جریان مشهور نبوده، تا آنکه قاضی امیر حسین، آن را از مکه می آورد و ملا محمد تقی مجلسی و فرزند برومند او، علامه، ملا محمد باقر مجلسی، می بینند و نسخه برداری می کنند، و از آن زمان شهرت پیدا می کند و جمعی از علماء بزرگ شیعه، نسبت به صحت انتساب آن به حضرت رضا علیه السلام و اعتقاد پیدا می کنند، همانند محدث بزرگوار، مرحوم حاج میرزا حسین نوری قدس سره، صاحب کتاب مستدرک الوسائل.

علامه، سید محسن امین، در اعیان الشیعه می نویسد: فَهَذَا الْكِتَابُ لَمْ يَكُنْ مَشْهُورًا قَبْلَ عَصْرِ الْمُتَرَجِّمِ فِي الْمَاءِ الْحَادِيَةِ عَشْرَةَ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ أَظْهَرَهُ، جَاءَ بِهِ الْقَمِيُونُ مِنْ قُمْ إِلَى مَكَّةَ، لَمَّا كَانَ مُجَاوِرًا بِهَا، وَقَطَعَ مِنَ الْقَرَائِنِ أَنَّهُ تَأَلَّفَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَسَخَهُ وَصَحَّحَهُ وَأَخْضَرَهُ مَعَهُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى إِصْفَهَانَ فَرَأَاهُ الْمَجْلِسِيَّانِ وَأَسْتَنْسَخَاهُ وَرَوِيَاهُ عَنْهُ وَاسْتَشْهَرَ بَيْنَ النَّاسِ مِنْ ذَلِكَ الْوَقْتِ وَاعْتَقَدَ غَيْرُ وَاحِدٍ بِصِحَّتِهِ، مِنْهُمْ مُعَاصِرُنَا الْفَاضِلُ الثُّورِيُّ، صَاحِبُ مُسْتَدْرَكَاتِ الْوَسَائِلِ وَ لَكِنْ... (۱)

حوزه علمی اصفهان و تلاش برای حفظ میراث‌های علمی

یکی از خدمات بزرگی که حوزه علمی اصفهان داشته، کوشش برای دستیابی به نسخه های خطی از کتب بزرگان و قدماء علماء شیعه، و حفظ و نشر آنها بوده است، که این عمل بسیار مقدس، در دوره های گوناگون و به وسیله علماء بزرگی که علاقه مند به این خدمت بزرگ بوده اند انجام می گرفته است، که نمونه اعلای این اقدام برجسته، کوششهای علامه مجلسی قدس سره می باشد، که نسخه های کتب

ص: ۵۶۲

قدماء را به دست می آوردند، و پس از مقابله و تصحیح، تکثیر و منتشر می ساختند. و در این زمینه خدمات مرحوم سید شفتی اعلی الله مقامه نیز شایان توجه است، و کتابخانه نفیس آن بزرگمرد (که در بخش کتابخانه های اصفهان از آن یاد نموده ایم) نمایانگر این واقعیت می باشد.

نمونه ای جالب

یکی از عمو زادگان مرحوم سید شفتی، عالم فاضل، سید ابراهیم کابلی (مدفون در بقعه و مقبره کوچک مسجد سید) می باشد. وی با این که اصلاً رشتی و شفتی و پس از آن اصفهانی بوده (کابلی) خوانده می شود، و دلیل آن این است که مرحوم سید شفتی (مشهور به حجه الاسلام) در صدد بودند که کتاب مدینه العلم صدوق را به دست آورند، و به ایشان گفته شد، که نسخه آن در کابل وجود دارد، لذا مرحوم سید، آقا سید ابراهیم را به آن شهر و منطقه روانه کردند، و آن بزرگوار مدتی طولانی توقف نموده و به جستجو پرداخت ولی متأسفانه موفق به تحصیل کتاب نگردید (۱)، و از این داستان، به خوبی اهتمام مرحوم سید شفتی (زعیم حوزه علمیه اصفهان) در تحصیل و فراهم آوردن میراث های گرانبهای علمی شیعه، روشن می گردد.

شهریه مختصر برای طلاب حوزه علمیه، مانع رشد علمی و اجتماعی آنها نمی شود

در همه ادوار تاریخ حوزه های علمیه، مشکلات مالی برای طلاب آن حوزه ها، مطرح بوده است، و اگر کسی از طریق پدر یا یکی از بستگان فامیلی

ص: ۵۶۳

یا اجتماعی، کمک ویژه ای دریافت نمی نموده، در تنگدستی شدیدی قرار می گرفته، ولی عموماً طلاب حوزه های علمیه شیعه، که با انگیزه های معنوی و هدف های والای علمی و روحی، به حوزه های علمیه گام می گذاشته اند، همه این مشکلات را بر خود هموار می نموده اند. مثلاً، در دوره صفویه، که حوزه علمیه اصفهان، از پر رونق ترین حوزه های علمیه بوده، و در پایتخت کشور قرار داشته، وضعیتی حاکم بوده که شرح آن را ذیلاً می خوانیم:

مدارس علمیه، شهریه معینی داشت که بر حسب رتبه درسی طلبه ها، پرداخت می شد و ملاً صالح مازندرانی (داماد ملاً محمد تقی «مجلسی اول» و همسر آمنه بیگم) وقتی وارد اصفهان شد، در اوائل تحصیل خود، سهمیه اش از بودجه طلاب، روزی دو غاز(۱) بود، که تکافوی خوراک تنها را هم نمی کرد، چه رسد برای تأمین سایر نیازمندیهای زندگی، و لذا مدتی گذشت و نتوانست چراغی برای مطالعه خود تهیه نماید، و از چراغ دستشویی ها، استفاده می کرد و تا صبح، روی پا می ایستاد و مطالعه می نمود، و در اثر این جدیت و پشتکار به زودی لایق شرکت در درس ملاً محمد تقی مجلسی، و سپس مفتخر به دامادی آن بزرگمرد شد، و آمنه بیگم (آن مجتهد نامدار، و آن بانوی اهل تحقیق و فقه واجتهاد) به همسری آن عالم سخت کوش در آمد(۲).

ص: ۵۶۴

-
- ۱- سگه ای است، و آن جزئی از اجزاء قران قدیم است و در بعضی شهرها هر قران که برابر با ریال کنونی است به بیست شاهی و هر شاهی به دو پول و هر پول به دو چندک و هر چندک به دو غاز تقسیم می شده است. (لغت نامه دهخدا)
 - ۲- بحار الأنوار، چاپ اسلامی، جلد ۱۰۵، صفحه ۱۲۴

۱۱- اصفهان، خاستگاه و محلّ پرورش چهره های بزرگ مرجعیّت و زعامت علمی و دینی جهان تشیّع

اشاره

ص: ۵۶۵

اصفهان خاستگاه و محلّ پرورش چهره های بزرگ مرجعیّت و زعامت علمی و دینی شیعه یکی از مفاخر بزرگ علمی و اجتماعی اصفهان ، این است که در طول چندین قرن ، خاستگاه و یا محلّ تربیت و پرورش بزرگترین چهره های عالم مرجعیّت تقلید و زعامت علمی و دینی جهان تشیع بوده است .

یکی از مفاخر بزرگ علمی و اجتماعی اصفهان، این است که در طول چندین قرن، خاستگاه و یا محلّ تربیت و پرورش بزرگترین چهره های عالم مرجعیّت تقلید و زعامت علمی و دینی جهان تشیع بوده است .

آری ، اصفهان خاستگاه و یا محلّ نشو و نما ، و یا جایگاه درخشش چهره های بزرگ علمی و دینی و زعامت شیعه ، همانند : شیخ بهائی ، میر داماد ، آقا رفیعا نائینی ، ملاّ محمّد باقر سبزواری (محقق سبزواری) آقا حسین خوانساری ، علامه ملاّ محمّد تقی مجلسی ، شیخ محمّد بن الحسن شیروانی (محقق شیروانی) آقا جمال خوانساری ، علامه ملاّ محمّد باقر مجلسی ، شیخ محمّد بن الحسن اصفهانی (معروف به فاضل هندی ، و ملقب به تاج الفقهاء) آقاشیخ محمّد تقی رازی اصفهانی ، سید محمّد باقر شفتی (حجه الاسلام) ، حاج محمّد ابراهیم کلباسی ، آقا میر سید حسن مدرّس ، میر سید محمّد شهشهانی ، آقا سید محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات الجنّات) آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی ، آقا سید محمّد باقر درچه ای ، آخوند فشارکی ، آقا میر سید محمّد نجف آبادی ، آقا شیخ محمّد تقی نجفی (آقا نجفی اصفهانی) حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی ، و دهها چهره برجسته دیگر ، که در عالم زعامت و مرجعیّت دینی ، و ریاست علمی و حوزوی درخشیده اند، و ما در فصول گوناگون این کتاب ، از عظمت و شخصیّت و نیز آثار و برکات حیات علمی

و نورانی و معنوی آنها یاد نموده ایم ، و در این بخش ، از چند چهره برجسته ای که در عالم زعامت بزرگترین حوزه های علمیّه شیعه ، و مرجعیت جهانی عالم تشیع در قرن سیزدهم و چهاردهم درخشیده اند ، یاد می نمائیم ، و صفحه زرّینی از صفحات زیبای تاریخ علمی و دینی تشیع و اصفهان را ورق می زنیم :

۱- وحید اصفهانی ، مشهور به بهبهانی (استاد الكل)

(۱)

استاد اکبر و مروج مذهب ، علامه ثانی و محقق ثالث ، یگانه و وحید دوران ، و أعجوبه روزگار ، مولی محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی ، معروف و ملقب به « وحید بهبهانی » و « آقا » و موصوف به « مجدد مذهب » ، متولد ۱۱۱۷ و متوفای ۱۲۰۵ قمری .

پدر وحید بهبهانی ، ملا محمد اکمل ، از علماء برجسته بوده ، که علامه بحر العلوم ، در إجازات خود ، او را (شیخ أجل اکمل ، و مولای أعظم أبجل)

خواننده ، و حاجی نوری در کتاب فیض القدسی ، او را (جامع فضائل و حاوی فواضل) معرفی نموده ، و از مشایخ اجازه می باشد .

مادر وحید بهبهانی ، نوه دانشمند محقق و نامدار ، ملا صالح مازندرانی (داماد ملا محمد تقی مجلسی) و همسر عالمه اش « آمنه بیگم » دانشمند نامدار خاندان علامه مجلسی ، و دختر مجلسی اول می باشد ، بنابراین ، ملا محمد تقی مجلسی و ملا صالح مازندرانی ، دو جدّ مادری وحید بهبهانی ، و علامه ، ملا محمد باقر مجلسی ، دایی مادر آن بزرگوار می باشند .

ص: ۵۶۸

۱- آقا أحمد ، نوه وحید بهبهانی ، که دانشمند و فقیهی محقق و بزرگوار بوده ، در ابتدای کتاب « مرآه الأحوال جهان نما » می نویسد: چنین گوید أحمد بن محمد علی بن محمد باقر الإصفهانی ، المشتهر بالبهبهانی

فرزندان وحید بهبهانی ، یعنی « آقا محمّد علی » و « آقا عبد الحسین » ، از علماء و فقهاء بزرگ بوده اند، و هم چنین در میان برادران و برادر زادگان و خواهر زادگان و نوه های وحید بهبهانی ، علمای بسیاری بوده اند ، که بعضی از آنها همانند آقا سید علی طباطبائی (صاحب ریاض المسائل) و فرزند برومند او ، آقا سید محمّد مجاهد ، از مفاخر بزرگ شیعه و حوزه های علمیّه به شمار می روند، بنابراین ، خاندان وحید بهبهانی اصفهانی ، یکی از خاندانهای علمی گسترده و پر برکت به شمار می رود(۱).

وحید بهبهانی ، در اصفهان متولد گردیده ، و در محضر پدر دانشمند و بزرگوار خود ، پرورش یافته ، و دروس مقدماتی را تا کتاب سیوطی و حاشیه ، در نزد عمّه خود (که دارای علم و فضل بوده) تحصیل نموده(۲).

و نزد پدر بزرگوار خویش ، اصول کافی را خوانده است(۳).

و آنگاه در خدمت پدر ، به بهبهان هجرت نموده ، و بیش از سی سال(۴) در آن شهر ، به تحصیل علم نزد پدر و نیز تدریس و تحقیق و تألیف اشتغال داشته است ، و به همین جهت ، عنوان

ص: ۵۶۹

۱- برای آشنائی بیشتر با خاندان پر برکت وحید بهبهانی ، که با خاندانهای بزرگی ، همانند : خاندان علمی مجلسی ، خاندان علمی طباطبائی بروجردی ، خاندان علمی صاحب ریاض المسائل و ... ، در رابطه نزدیک می باشد ، علاوه بر عموم کتب تراجم ، که شرح حال بزرگان این خاندانها را معرفی نموده اند ، به کتاب مرآه الأحوال جهان نما (تألیف آقا أحمد بن محمّد علی بهبهانی ، نوه وحید بهبهانی) و نیز کتاب نفیس « وحید بهبهانی » ، (تألیف نویسنده محقق ، آقای علی دوانی) که بخش وسیعی را به معرفی افراد خاندان وحید ، اختصاص داده ، مراجعه فرمائید

۲- قصص العلماء تنکابنی ، صفحه ۲۰۲

۳- وحید بهبهانی ، صفحه ۱۱۱

۴- مرآه الأحوال جهان نما ، صفحه ۱۴۸

اصفهانی، که مربوط به زادگاه او بوده، متروک گردیده، و عنوان بهبهانی برای آن بزرگمرد، شهرت یافته است.

وحید بهبهانی، قبل از اقامت در بهبهان، در شهر مقدّس نجف اشرف، علوم عقلی را از محضر علامه محقق، آقا سید محمد طباطبائی بروجردی (جدّ علامه نامدار، آقا سید مهدی بحرالعلوم، و علوم نقلی را، از عالم و محقق نامدار، آقا سید صدرالدین رضوی قمی، مشهور به همدانی (شارح کتاب وافیه تونی) فرا می‌گیرد، و مراحل علوم عقلی و نقلی را، در مدت زمانی کوتاه، طی می‌نماید^(۱).

آخرین و درخشانترین مرحله عمر وحید بهبهانی، دوره اقامت او در شهر مقدّس کربلاء، و در جوار مرقد مطهر سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام می‌باشد، که بزرگترین چهره های علمی را پرورش داده، و در یک مبارزه مستمر و طولانی، و متکی بر علم و دانش و تحقیق و مناظره و معنویت و تقوی «مسلک اخباری را» که در اثر جهالت جهّال، و تعصب متعصّبین، به شکل خطرناکی در آمده بود، از صحنه حوزه علمیه و جامعه شیعه خارج نموده و «مکتب اجتهاد» را به شکلی متین و استوار، و با چهره هائی برجسته و محقق، و دارای مقامات عالیّه معنوی و تقوایی، تقویت و تثبیت نمود، و خطّ مشی فکری حوزه های علمیه را، بر مبنای مسلک اجتهاد، استوار ساخت. وحید بهبهانی، شاگردانی بسیار پرورش داده، که بسیاری از آنها، حوزه های علمیه پربرکت و با عظمتی را، در شهرهای گوناگون، تأسیس و یا اداره می نمودند، و از بزرگترین مفاخر علمی قرن سیزدهم به شمار می روند، همانند:

ص: ۵۷۰

- ۱- علامه و فقیه نامدار ، آقا سید مهدی بحر العلوم ، زعیم و مرجع تقلید شیعه در حوزه علمیّه نجف اشرف
- ۲- علامه و محقق عظیم الشان ، آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) ، زعیم و مرجع تقلید شیعه ، در حوزه نجف اشرف
- ۳- فقیه و اصولی و مفسر بزرگ ، آقا سید مهدی شهرستانی ، زعیم حوزه علمیّه کربلاء .
- ۴- فقیه و اصولی محقق و نامدار ، آقا سید علی طباطبائی (صاحب کتاب ریاض المسائل) ، خواهر زاده و داماد مرحوم وحید بهبهانی .
- ۵- اصولی و محقق عالی مقام ، میرزا أبو القاسم گیلانی (معروف به میرزای قمی ، و صاحب قوانین الاصول) زعیم و پرچمدار شیعه ، در حوزه علمیّه قم .
- ۶- فقیه و حکیم عالیقدر ، و جامع معقول و منقول ، ملا مهدی نراقی ، زعیم و پیشوای شیعه ، در شهر و حوزه علمیّه کاشان .
- ۷- علامه محقق و فقیه مدقق ، آقا سید محسن أعرجی کاظمینی ، زعیم حوزه علمیّه کاظمین .
- ۸- فقیه و اصولی بزرگ و (شهید) ، آقا میرزا مهدی خراسانی ، پیشوا و زعیم بزرگ دینی ، در مشهد مقدس .
- ۹- محقق و مجتهد عظیم الشان ، آقا شیخ أسد الله کاظمینی ، (صاحب کتاب شریف مقابس الأنوار) .
- ۱۰ - فقیه محقق و نامدار ، آقا سید جواد عاملی ، (صاحب کتاب ارزشمند و عظیم مفتاح الكرامه) .
- ۱۱ - فقیه و اصولی محقق ، و مرجع عالیقدر ، آقا شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب کتاب حاشیّه بر معالم ، و زعیم بزرگ در حوزه علمیّه اصفهان) .

۱۲ - فقیه و زعیم نامدار شیعه ، آقا سید محمد باقر شفتی اصفهانی (معروف به سید شفتی ، و ملقب به حجّه الاسلام) زعیم حوزه علمیه اصفهان .

۱۳ - فقیه و اصولی زاهد و نامدار ، حاج محمد ابراهیم کرباسی (کلباسی) زعیم و پیشوای دینی ، در شهر اصفهان .

۱۴ - فقیه جامع و اخلاقی نامدار ، حاج ملا احمد نراقی ، زعیم و پیشوای بزرگ ، در شهر و حوزه علمیه کاشان.

۱۵ - مجتهد و رهبر عالیقدر ، سید دلدار علی هندی ، پیشوای عظیم الشان شیعه در کشور هندوستان .

و نیز دهها مجتهد و محقق و مؤلف و پیشوای دینی دیگر ، که در اطراف و اکناف بلاد اسلامی ، مخصوصاً در ایران و عراق ، به فعالیت های علمی و تحقیقی و تبلیغ و ارشاد دینی ، اشتغال داشته اند .

شاگردان بزرگ و نامدار مرحوم وحید بهبهانی ، هرکدام با بهره گیری از مبانی علمی و افکار و اندیشه های استاد بزرگ و محقق خویش ، هرکدام به شکلی خاص و منطبق با افکار و نظریات خود ، به نحو مفصل و دلپذیر ، مباحث فقهی و اصولی را تنظیم نموده ، و به شکل کتابهایی برجسته ، عرضه کرده اند ، همانند : قوانین الاصول میرزای قمی ، کشف الغطاء شیخ جعفر کبیر ، ریاض المسائل آقا سید علی طباطبائی ، مقابس الأنوار آقا شیخ أسد الله تستری ، حاشیه معالم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی و ...

تألیفات وحید بهبهانی را در بعضی از کتب تراجم ، چهل و چهار کتاب و رساله به شمار آورده اند (۱) و در برخی دیگر ، نزدیک شصت عنوان ذکر

ص: ۵۷۲

کرده اند (۱) ولی نویسنده محقق، آقای حاج شیخ علی دوانی، پس از تحقیقات گسترده در کتابخانه های گوناگون قم و تهران و سایر شهرستانها، شمار تألیفات وحید بهبهانی را به هفتاد و دو عنوان رسانیده است (۲).

و نکته مهم و قابل توجه این است که تألیفات « وحید بهبهانی »، متین و پرفایده، و مشتمل بر تحقیقات و اندیشه های نو می باشد، و معانی بسیار و ارزشمندی را در عبارات کوتاه و شیوا، بیان نموده است، و در بسیاری از مباحث اصولی و اجتهادی، نظریاتی دارد، که گذشتگان بر او پیشی نگرفته اند.

و در یک کلام، گسترش فعالیت های علمی، و تدریس و تحقیق وحید بهبهانی و نیز، نوآوری ها و پایه گذاری های آن چهره درخشان، و همچنین عظمت تألیفات آن بزرگمرد، و شاگردان کم نظیری که تربیت نموده، همه و همه، سبب شده است که، به عنوان « مجدّد دین در رأس سده سیزدهم » و « وحید بهبهانی » و « علامه بهبهانی » خوانده شود، و صاحب جواهر و شیخ اعظم أنصاری، او را با عناوین ذیل بستانند (۳). « استاد الكل » و « استاد أكبر » و « محقق بهبهانی » در بسیاری از کتب تراجم و رجال، همانند: روضات الجنّات، الکرام البرره، أعيان الشّيعه، الكنى و الألقاب، فوائد الرّضويّه، رجال أبوعلى (منتهى المقال) نجوم السّماء، تکمله أمل الأمل، مصفّى المقال، مرآه الأحوال، وحید بهبهانی و ...، درباره عظمت و آثار وحید بهبهانی بحث و بررسی انجام گرفته،

ص: ۵۷۳

۱- روضات الجنّات، ص ۱۲۳، و الکرام البرره، ص ۱۷۳ و فوائد الرّضويّه، ص ۴۰۴

۲- وحید بهبهانی، صفحه ۱۴۵ تا ۱۴۸

۳- وحید بهبهانی، صفحه ۱۳۶

و بسیاری از مفاخر علمی قرن سیزدهم و چهاردهم ، با عبارات بسیار جالب و فصیح و بلیغ ، از عظمت وحید بهبهانی یاد نموده اند ، که ذیلاً به پنج نمونه از آنها اکتفا می نمایم :

۱- علامه ، آقا سید مهدی بحر العلوم : شَيْخُنَا الْعَالِمُ الْعَلَامَةُ ، وَ اسْتَأْذَنَا الْحَبْرُ الْفَاضِلُ الْفَهَامَةُ ، الْمَحَقُّقُ النَّحْرِيُّ وَ الْفَقِيهُ الْعِيدِيْمُ النَّظِيْرُ ، بَقِيَّةُ الْعُلَمَاءِ وَ نَادِرُهُ الْفَضْلَاءِ ، مَحِيْدٌ مَا اَنْدَرَسَ مِنْ طَرِيْقِهِ الْفَقَهَاءِ ، وَ مُعِيْدٌ مَا اَنْمَحَى مِنْ اَثَارِ الْقَدَمَاءِ ، الْبَحْرُ الرَّاحِرُ ، وَ الْاِمَامُ الْبَاهِرُ ، الشَّيْخُ مُحَمَّدٌ باقِرٌ بِنُ ... الْمَوْلَى مُحَمَّدٌ اَكْمَلُ ... (۱).

۲- أبوعلی حائری ، رجالی نامدار : اسْتَأْذَنَا الْعَالِمُ الْعَلَامَةُ ، وَ شَيْخُنَا الْفَاضِلُ الْفَهَامَةُ ، جَامِعُ الْمَعْقُولِ وَ الْمَنْقُولِ ، حَاوِي الْفُرُوعِ وَ الْأَصُولِ ، مُؤَسَّسٌ مِلَّةِ سَيِّدِ الْبَشَرِ فِي رَأْسِ الْمَاءِ الثَّانِيَةِ عَشَرَ (الثَّالِثَةِ عَشَرَ) ، الْأَجَلُّ الْأَكْمَلُ ، مَوْلَانَا وَ مَلَاذُنَا ، أَلَاغَا مُحَمَّدٌ باقِرٌ بِنُ مُحَمَّدٌ اَكْمَلُ ... (۲).

۳- صاحب روضات الجنات : أَلْعَلَمُ الْعَالِمُ الرَّبَانِيُّ ، وَ الْقَمَرُ الطَّالِعُ الشَّعْشَعَانِيُّ ، مُرَوِّجُ الْمِيْذَهَبِ وَ الدِّينِ ، وَ مُعَلِّمُ الْفَقَهَاءِ وَ الْمُجْتَهِدِيْنَ ، مَوْلَانَا الْاِقَا مُحَمَّدٌ باقِرٌ بِنُ الْمَوْلَى مُحَمَّدٌ اَكْمَلُ الْاِصْبَهَانِيِّ ، ثُمَّ الْفَارَسِيُّ الْبِهْبَهَانِيِّ ... (۳).

۴- علامه نامدار ، حاج آقا بزرگ طهرانی : مُجَاهِدٌ كَبِيْرٌ ، وَ مُؤَسَّسٌ مُحَقَّقٌ ، وَ اَشْهَرُ مَشَاهِيْرِ عُلَمَاءِ الْاِمَامِيَّةِ وَ اَجْلُهُمْ فِي عَضِيْرِهِ ... (۴).

۵- محدث قمی : رُكْنُ الطَّائِفَةِ وَ عِمَادُهَا ، وَ اَوْرَعُ نُسَاكِيْهَا وَ عِبَادِيْهَا ... صَاحِبُ الْفِكْرِ الْعَمِيْقِ وَ الدَّهْنِ الدَّقِيْقِ ، الَّذِي عَجَزَ الْبُلْغَاءُ عَنْ عَدِّ مَدَائِحِهِ ، وَ شَرَحَ فَضْلِهِ وَ اَخْلَاقِهِ

ص: ۵۷۴

۱- أعيان الشَّيْخِ ، چاپ جديد ، جلد ۹ ، صفحه ۱۸۲

۲- منتهی المقال ، جلد ۱ ، صفحه ۴ - ۵ (دبیاجه کتاب)

۳- روضات الجنات ، صفحه ۱۲۳

۴- ألكرام البرره ، صفحه ۱۷۱

وَعِبَادَتِهِ ، الْمُحَقِّقُ الثَّلَاثُ وَالْعَلَامَةُ الثَّانِي ، شَيْخُ الْمَشَايخِ ، أَلُوْحِيدُ الْبِهْبَهَانِيُّ (١).

داستانهای جالب و شیرین

در جریان زندگی و مبارزات وحید بهبهانی ، قضایای جالب و عجیبی رخ داده ، که ذیلاً به چند نمونه از آنها اشاره می نمائیم :

۱- مرحوم وحید بهبهانی ، در اثر مشکلاتی که پیش آمده بود ، در اندیشه خارج شدن از شهر مقدّس کربلاء ، و هجرت به یکی دیگر از شهرها بودند ، که در عالم رؤیاء ، شرفیاب محضر مقدّس حضرت سید الشهداء علیه السلام گردیدند ، و آن حضرت فرمودند : راضی نیستم از شهر من خارج شوی ، و در اثر این دستور و عنایت امام حسین علیه السلام ، آن بزرگمرد عازم بر اقامت مستمر در شهر کربلاء گردیدند (٢).

۲- در هنگامی که علامه بهبهانی ، به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام ، مشرف می شدند ، در ابتداء ، آستانی کفش کن حرم را می بوسیدند ، و روی مبارک خود را ، به آستان مقدّس آن حضرت می مالیدند ، و پس از آن ، با خضوع و خشوع کامل ، و با رقت قلب ، به داخل حرم وارد می گردیدند ، و مشغول زیارت می گشتند ، و در مصیبت آن حضرت ، کمال اهتمام را مراعات می نمودند (٣).

۳- در هنگامی که مرحوم وحید بهبهانی به مراحل پیری و ضعف رسیده بودند ، و از تدریس فعال و گسترده بازمانده بودند ، به قصد تبرک و کسب فیض

ص: ۵۷۵

۱- فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۴

۲- روّضات الجنّات ، صفحه ۱۲۳ ، و فوائد الرّضویّه ، صفحه ۴۰۷

۳- قصص العلماء ، صفحه ۲۰۲ ، وحید بهبهانی ، صفحه ۱۳۹

معنوی ، شرح لمعه مرحوم شهید را به شکل سطحی ، تدریس می نمودند ، و جمعی از شاگردان آن بزرگمرد ، تبرکاً در مجلس درس شرکت می جستند ، از قضا روزی یکی از شاگردان ، به نام آقا سید زین العابدین لاهیجی ، محترم گردیده بوده ، و تا وقت درس فرصتی باقی نبوده که غسل جنابت بنماید ، و تصمیم می گیرد که بدون غسل در جلسه درس شرکت کند ، و پس از آن برای غسل به حمام برود ، وقتی آقا وارد مجلس می شوند ، با کمال بهجت و شادمانی به اطراف مجلس ، و چهره شاگردان نگاه می کنند ، ناگاه نظرشان به آقا سید زین العابدین می افتد ، و قیافه ایشان در هم کشیده می شود ، و آثار غم و اندوه ظاهر می گردد ، و می فرمایند : امروز درس نیست ، به منزلهایتان بروید ، پس یکی یکی شاگردان می روند ، و وقتی نوبت به آقا سید زین العابدین می رسد ، می فرمایند : بنشین ، و وقتی مجلس خلوت می شود ، می فرمایند : در آنجا که نشستهای پولی در زیر فرش هست بردار و برو غسل کن ، و از این پس ، با جنابت در چنین مجلس حاضر مشو پس ، آقا سید زین العابدین ، با کمال تعجب ، از کرامت آقا و کشف آثار جنابت در چهره او ، خارج شده ، و به حمام می رود ، و غسل می نماید (۱).

۴- در هنگامی که وحید بهبهانی ، حاشیه بر کتاب « مدارک الأحکام » فقیه بزرگ ، آقا سید محمد عاملی (نوه دختری شهید ثانی ، و از شاگردان بزرگ محقق مقدس اردبیلی) را نوشتند ، و اشکالاتی بر نظریات صاحب مدارک وارد نمودند ، شبی در عالم رؤیا به حضور آن بزرگمرد رسیدند ، و با کمال خضوع به ایشان عرضه داشتند ، که من در حاشیه ، نسبت به شما بی ادبی ها کرده ام ، اگر

ص: ۵۷۶

راضی نیستید پاره کنم ، صاحب مدارک فرمودند : خوب کرده ای ، من از تو راضیم ، خدا از تو راضی باشد(۱).

۵- مرحوم وحید بهبهانی ، با یکی از علماء بزرگ ، به نام آقا شیخ مهدی فتونی در نجف اشرف ، در مسئله ای بحث و مناظره شدید داشته اند ، یکی از علماء عظیم الشان به نام آقا باقر هزار جریبی مازندرانی ، در عالم رؤیا شرفیاب محضر حضرت بقیه الله الأعظم (عج) می شود، و آن حضرت می فرمایند :

يا باقرُ قُلْ لِلْفُتُونِي ، الْحَقُّ فِي الْمَسْئَلَةِ مَعَ الْبَاقِرِ

یعنی : ای باقر ! (منظور آقا باقر هزار جریبی است) به فتونی بگو ، حق در این مسئله با ، باقر است (منظور آقا باقر بهبهانی می باشد) (۲).

۶- فرزند بزرگ و دانشمند وحید بهبهانی (یعنی آقا محمد علی) ، میل داشت که به درس صبغه الله أفندی (علامه بغداد) برود، و وحید بهبهانی اجازه نمی فرمودند ، و در اثر اصرار آقا محمد علی ، بنا را بر استخاره گذاردند،

و در سر صفحه ، این آیه به نظر آمد:

إِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ، يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ، إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

پس آقا محمد علی قانع گردید(۳) و معلوم شد ، حضور در درس مخالفین مکتب أهل البيت عليهم السلام ، نوعی از شرک می باشد .

۷- مرحوم وحید بهبهانی ، (رهبر و زعيم مسلک اجتهاد) و مرحوم صاحب حدائق (رهبر و زعيم مسلک اخباری) در ضمن این که به صورت علمی

ص: ۵۷۷

۱- وحید بهبهانی ، صفحه ۱۳۵ - ۱۳۶ به نقل از زنوزی در ریاض الجنه

۲- وحید بهبهانی ، صفحه ۱۳۶ ، به نقل از ریاض الجنه زنوزی ، (از شاگردان وحید بهبهانی)

۳- روضات الجنات ، صفحه ۱۲۳ ، و قصص العلماء

و اصولی، اختلاف نظر داشتند، ولی شخصاً احترام زیادی برای یکدیگر قائل بوده اند، تا آنجا که مرحوم صاحب حدائق وصیت نموده بودند که، مرحوم وحید بهبهانی بر جنازه آن بزرگمرد نماز بخوانند(۱) و چنین هم شد، و مرحوم بهبهانی بر جنازه صاحب حدائق نماز خواندند(۲).

و اینک به داستانی جالب از آن دو بزرگمرد، توجه نمائید:

صاحب تکمله (مرحوم آیه الله صدر) فرموده: که خبر داد به من عبد صالح، حاجی کریم، فزاش صحن شریف حضرت سید الشهداء علیه السلام، که شبی منادی حرم اعلام نمود، که درهای حرم بسته می شود، خارج شوید، مرحوم صاحب حدائق و وحید بهبهانی که در حال بحث و مکالمه بودند، از حرم خارج شدند و در رواق ایستادند، و به بحث علمی خود ادامه دادند، منادی حرم ندا داد که درهای رواق بسته می شود، خارج شوید، آن دو بزرگوار خارج شدند، و در صحن ایستادند، و به مباحث علمی خود ادامه دادند، تا آن که منادی حرم ندا داد که درهای صحن بسته می شود، و آنها از دیر قبله خارج شدند و پشت در صحن، به بحث و گفتگوی علمی ادامه دادند، و وقتی که در هنگام سحر (قبل از طلوع فجر) آمدم برای باز کردن درهای صحن مطهر، دیدم هنوز ایستاده اند و به بحث و مناظره علمی خود مشغول می باشند، و من مبهوت شدم از این همه بحث و گفتگوی طولانی علمی، و آنها ادامه دادند تا اذان صبح شد، و مرحوم صاحب حدائق برای اقامه جماعت، به حرم شریف، مشرف گردیدند، و مرحوم

ص: ۵۷۸

۱- صاحب حدائق، در ضمن این که مسلک اخباری داشتند، شدیداً از جهالت ها و تعصبات شدید اخباری ها رنج می بردند، و با احترامی که برای وحید بهبهانی قائل می گردیدند، به شکلی لطیف، مبارزات مرحوم وحید بهبهانی را با تندروری های اخباریین، حمایت می نمودند

۲- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۴۰۷، به نقل از تکمله مرحوم آیه الله صدر

بهبهانی نیز، عبای خود را بر روی سکوی صحن مطهر فرش نمودند، و پس از اذان و اقامه، به نماز صبح ایستادند، و پس از فراغ از نماز، به سوی خانه خود که در آن نزدیکی بود، رهسپار گردیدند(۱).

علل موفقیت برجسته وحید بهبهانی

از وحید بهبهانی به صورت کتبی، سؤال شد که، به چه وسیله ای به این همه موفقیت نائل گردیده اید؟ آقا، در جواب نوشتند:

من ابداً خود را چیزی نمی دانم، آنچه ممکن است من را به این مقام رسانده باشد، این است که، هیچ گاه خودم را چیزی به حساب نمی آوردم، و در تعظیم علماء و بزرگداشت آنها، و ذکر نام آنها به نیکی، خودداری نمودم، و هیچ وقت اشتغال به تحصیل را تا آنجا که در قدرت و توان داشتم، ترک نکردم، و همیشه آن را بر هر کاری مقدم می دارم(۲).

ماده تاریخی بسیار جالب

در بیان تاریخ وفات مرحوم وحید بهبهانی، سروده اند:

شرع بی دل، فضل بی سر، زهد شد، بی پا و سر

یعنی از کلمه (شرع)، دل آن را که «ر» است حذف کنید، و از کلمه (فضل) سر آن را که «ف» است حذف نمایید، و از کلمه (زهد) سر و پای آن را که «ز» و «د» است حذف نمایید، و از باقی مانده حروف این کلمات، یعنی «ش» و «ع» و «ض» و «ل» و «ه» طبق قانون ابجد، تاریخ ۱۲۰۶ را، که زمان

ص: ۵۷۹

۱- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۴۰۶ - ۴۰۷، وحید بهبهانی، صفحه ۱۲۴

۲- الکنی و الألقاب، محدث قمی، جلد ۲، صفحه ۱۱۰، و روضات الجنات صفحه ۱۲۴

وفات آقا، وحید بهبهانی است، استخراج نمائید.

و البته مرحوم آقا محمد علی بهبهانی (فرزند بزرگ وحید) در ماده تاریخ دیگری چنین می گوید:

رفتی ز دنیا باقر علم

که به حروف أبجد، مطابق عدد ۱۲۰۵ می باشد (۱).

۲- آیه الله العظمی، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (صاحب فصول)

فقیه بزرگ و اصولی محقق و مدقق، جامع علوم عقلی و نقلی، مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی حائری، متوفای ۱۲۵۴ قمری. وی از چهره های برجسته عالم تحقیق و تألیف بوده، و فکری عمیق و اندیشه ای بلند داشته، و از جمله علماء مؤسس و مبتکر، به شمار آمده است (۲).

آن بزرگمرد، به همراهی برادر خود، محقق نامدار و مرجع عظیم الشأن، و زعیم و رئیس حوزه علمی بزرگ اصفهان، آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی (صاحب حاشیه بر معالم) و سرسلسله خاندان بزرگ علمی نجفی (مسجد

ص: ۵۸۰

۱- در باره تاریخ وفات وحید بهبهانی، در میان اعلام رجال و فقه، از شاگردان آن بزرگمرد و سایر نویسندگان تراجم، اختلاف است، بدین ترتیب: (۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۸) و تاریخ ۱۲۰۶ مطابق نوشته آقا سید صدر الدین عاملی و مرحوم سید شفتی (که هر دو از شاگردان وحید بوده اند) می باشد، و تاریخ ۱۲۰۸، مطابق نوشته صاحب روضات و علامه نوری در مستدرک و محدث قمی و صاحب اعیان الشیعه می باشد، و تاریخ ۱۲۰۵، مطابق نظر زنوزی در ریاض الجنه و آقا احمد (نوه وحید بهبهانی) در مرآه الأحوال جهان نما و نیز حاج آقا بزرگ طهرانی در آلکرام البرره، می باشد

۲- الکرام البرره، جلد ۱، صفحه ۳۹۰

شاهی) به اصفهان وارد گردید، و مدّت زمانی طولانی، در حوزه علمیّه اصفهان و در محضر برادر عظیم الشّان خود، به کسب علوم و معارف الهی پرداخت، و بهره علمی فراوان برد، و سپس به کربلای معلّی هجرت نمود، و در آن حوزه مقدّسه، به ریاست علمی و دینی و مرجعیّت، نائل گردید، و جمع فراوانی از علماء و مجتهدین بزرگ، در محضر و درس او به مقامات علمی و اجتهاد نائل گشتند(۱). در میان آثار علمی و اجتماعی آن استوانه علم و اجتهاد، کتاب شریف (الفصول الغرویّه فی الأصول الفقهیّه) مشهور و معروف به (فصول)، از عظمت برجسته ای برخوردار می باشد، زیرا در برگیرنده تحقیقات فراوان، و توجه به نکات ظریف و دقیق، در مباحث گوناگون اصولی می باشد.

صاحب روضات الجنّات، کتاب فصول را بهترین کتابی که در علم اصول نوشته شده، و جامع ترین کتاب اصولی، از نظر تحقیق و تدقیق، و در برگیرنده ترین تألیف، از نظر اشمال بر فکر عمیق دانسته است(۲).

در ریحانه الأدب، از کتاب فصول، به عنوان أجمع و أكمل کتب اصولیه، و محلّ استفاده اکابر و فحول علماء، یاد شده، و نقل نموده، که فهمیدن مطالب کتاب فصول، و تفتّن بر نکات و دقایق آن، مایه افتخار أفاضل، و بهترین معرّف برای مقام علمی علماء بوده است(۳).

کتاب فصول، تا مدّت زمانی طولانی، در حوزه های علمیّه، محور بحث و تحقیق و تدریس بوده، و به همین جهت، چندین مرتبه به چاپ رسیده(۴).

ص: ۵۸۱

۱- الکرام البرره، صفحه ۳۹۰

۲- روضات الجنّات، صفحه ۱۳۱

۳- ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۳۸۰

۴- الذّریعه، جلد ۱۶، صفحه ۲۴۰

و حاشیه های فراوانی بر آن نوشته شده است(۱).

۳- صاحب جواهر الکلام (فقیه نامدار شیعه)

رکن بزرگ فقه، و استوانه عظیم تحقیق، و مربی نامدار فقهاء و مردان بزرگ اجتهاد، آیت بزرگ عظمت حق، آقا شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی، متوفای ۱۲۶۶ قمری به آن بزرگمرد، از عجائب روزگار، و از افتخارات بزرگ عالم فقه و اجتهاد و زعامت دینی و علمی، و از مفاخر برجسته حوزه های علمی و عالم تشیع می باشد. او با تألیف کتاب بی نظیر جواهر الکلام، که در شش مجلد بزرگ (و چهل و سه مجلد به قطع وزیری) بارها به چاپ رسیده، و محور تحقیق و اجتهاد، در حوزه های علمی، و در نزد اندیشمندان بزرگ و مجتهدین عالی مقام می باشد، و بسط و گسترش مباحث فقهی، و دقت و تلاش در استقصای فروع و أدله گوناگون، و تطبیق احکام شرعی با ادله شرعی را، به اوج خود رسانیده، و آینده حوزه های فقه و اجتهاد را، بر سر سفره انعام و إحسان خود نشانیده است، و خود، بر مسند شریف: خاتم الفقهاء و المجتهدین، و مربی العلماء، و شیخ الفقهاء و رئیس الإمامیه، و صاحب زمام الشیعه تکیه زده، و همه فقهای شیعه، بعد از آن بزرگمرد فقه و اجتهاد، از شاگردان او بوده اند، و تعداد بهره گیرندگان از دریای علم و اندیشه او، به شمار و إحصاء در نمی آیند(۲)، و گفته شده که: شمار مجتهدین مسلم از شاگردان آن امام فقه و تحقیق، بالغ بر شصت نفر بوده

ص: ۵۸۲

۱- الذریعه، جلد ۶، صفحه ۱۶۴

۲- أعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۱، صفحه ۱۴۹

و تعداد حائزین رتبه اجتهاد ، از حاضرین مجلس درس آن بزرگوار ، (اعم)

از عرب و عجم) به شمار فوق می رسیده است (۱). فقیه و رجالی نامدار ، صاحب روضات ، درباره صاحب جواهر می نویسد : هُوَ وَاحِدٌ عَصِيرَةٌ فِي الْفِقْهِ الْأَحْمَدِيِّ ، وَ أُوحِدُ زَمَانَهُ ، الْفَاتِقُ عَلَى كُلِّ أُوحِدٍ ، مَعْرُوفًا بِالنَّبَالَةِ التَّامَّةِ فِي عُلُومِ الْأَدْيَانِ ، وَ مَوْصُوفًا بَيْنَ الْخَاصِّهِ وَ الْعَامِّهِ بِالْفَضْلِ عَلَى سَائِرِ الْعُلَمَاءِ الْأَعْيَانِ ... ، قَدْ أُوتِيَ بِسَيْطَةٍ فِي اللِّسَانِ عَجِيبَةٍ ، وَسِعَتْ فِي الْبَيَانِ غَرِيبَهُ ، لَمْ يَرِ مِثْلُهُ إِلَى الْإِنِّ فِي تَفْرِيعِ الْمَسَائِلِ ، وَ لاشْتَبَاهُ فِي تَوْزِيعِ نَوَادِرِ الْأَحْكَامِ عَلَى الدَّلَائِلِ ... (۲) و صاحب اعیان الشیعه ، علاوه بر ستایش هائی که شخصاً در مورد صاحب

جواهر نموده ، از بعض علماء نقل کرده که او فرموده است :

اگر مورخ زمان صاحب جواهر بخواهد حوادث عجیب آن دوره را بنویسد ، حادثه و پدیده ای عجیب تر از تألیف کتاب نفیس و عظیم جواهر الکلام نخواهد یافت و از مرحوم شیخ اعظم أنصاری نقل نموده که فرموده است : کافی است برای مجتهد (در برنامه های اجتهادی او) ، که نسخه ای از جواهر الکلام و نسخهای از وسائل الشیعه داشته باشد ، و گاهی نظری در کتب فقهای قدیم بنماید (۳).

و محدث عظیم الشان آقا شیخ عباس قمی می نویسد :

الشَّيْخُ الْأَحْمَلُ الْأَفْقَهُ ، مُرَبِّي الْفَضْلَاءِ وَ شَيْخُ الْفُقَهَاءِ وَ الْأَبُّ الرَّوْحَانِيُّ لِكَافَةِ الْعُلَمَاءِ ، مُرَوِّجُ الْأَحْكَامِ وَ غَوْتُ الْأَنَامِ ، صَاحِبُ جَوَاهِرِ الْكَلَامِ فِي شَرْحِ شَرَايِعِ الْإِسْلَامِ ، الَّذِي لَمْ

ص: ۵۸۳

۱- روضات الجنات ، صفحه ۱۸۱

۲- روضات الجنات ، صفحه ۱۸۱

۳- اعیان الشیعه ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۹

بُصِّئَتْ مِثْلُهُ فِي الْإِسْلَامِ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، وَ لَقَدْ مَنَّ عَلَى جَمِيعِ الْفُقَهَاءِ بِتَأْلِيفِ هَذَا الْكِتَابِ الشَّرِيفِ وَالْجَامِعِ الْمُنِيفِ ...
(۱) او با این عبارت ، آن بزرگمرد را ، أَجَلٌّ وَأَفْقَهُ ، و مَرَبِّي فَضْلَاءً ، و بزرگ فقهاء ، و پدر روحانی همه علماء ، و رواج دهنده
أحكام ، و پناه مردم معرّفی نموده ، و کتاب جواهر را چنین توصیف نموده ، که همانند او در اسلام (در زمینه حلال و حرام)
نوشته نشده ، و صاحب جواهر را با نوشتن این کتاب شریف ، مَنَّت دار بر همه فقهاء ، دانسته است .

مرحوم محدّث قمی ، پس از تمجید و تجلیل فراوان از مرحوم صاحب جواهر ، و اثر بزرگ او (جواهر الکلام) ، شرحی
جالب از خلوص نیت و بدون شائبه ریاء و سمعه بودن آن بزرگمرد نوشته ، و بیان داشته است که ، همین امر سبب موفقیت آن
فقیه بزرگ در اتمام کتاب جواهر و انتشار آن در جمیع نواحی و حوزه های علمیّه ، و در طول زمان بوده است ، و توضیح
داده که در همان زمان ، بیست نفر از علماء ، مشغول به نوشتن شرح بر شرایع الإسلام بوده اند ، ولی هیچکدام از آنها موفق به
تکمیل کتاب خود نگردیدند ، و هیچ یک از آن کتابها در جامعه علمی و حوزه های فقهی ، انتشار نیافت (۲).

صاحب جواهر ، از شاگردان شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) و فرزند او آقا شیخ موسی ، و نیز آقا سید جواد عاملی (صاحب کتاب مفتاح الکرامه) بوده است ، و جد مادری او ، شیخ أَجَلٌّ عَلَّامَهُ ، أَفْقَهُ الْمَحْدَثِينَ ، مفسّر عظیم القدر ، شیخ أبو الحسن شریف عاملی اصفهانی (که از شاگردان رفیع الشان عَلَّامَهُ

ص: ۵۸۴

۱- فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۵۲

۲- فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۵۴

مجلسی به شمار آمده (بوده است (۱).

خاندان علمی صاحب جواهر، دارای ریشه عمیق و ارزشمند علمی، و فروع و شاخه های گرانقدر می باشد (۲) و در میان خاندانهای علمی شیعه، از عنوان و شهرت بسیار زیادی برخوردار گردیده، و شاخه ای از خاندان علمی آل شریف که از خاندانهای بزرگ و علمی اصفهان و نجف بوده اند، به شمار می رود (۳) و بهمین مناسبت صاحب جواهر را « اصفهانی » می خوانند

۴- میرزای بزرگ شیرازی (امام مجدد)

آیه الله الکبری و حجّه الله علی الأنام، مجدّد الدّین و حافظ عزّه الإسلام و المسلمین، آیه الله العظمی، حاج میرزا محمّد حسن شیرازی، معروف و ملقب به «امام مُجدّد» و «میرزای بزرگ» و «میرزای شیرازی» و متوفای ۱۳۱۲ قمری آن بزرگمرد اصلاً شیرازی بوده اند، و در اصفهان تحصیلات عالیّه نموده، و در حوزه علمیه نجف اشرف به تکامل علمی پرداخته اند، و حوزه علمیه سامراء را تأسیس نموده و رونق بخشیده اند، و در حوزه های نجف و سامراء، به پرورش و تربیت مجتهدین بزرگ و زعماء عالیقدر دینی موفق گردیده اند.

در دهها کتاب، از عظمت و آثار و برکات میرزای شیرازی، یاد شده، که در مقاله (کتابنامه میرزای شیرازی) یکصد عنوان آنها ذکر گردیده، و اظهار امید شده است، که در مقاله ای دیگر، بیش از یکصد عنوان دیگر نیز مورد معرفی

ص: ۵۸۵

۱- فوائد الرضویّه، جلد ۲، صفحه ۴۵۵

۲- الکرام البرره، جلد ۱، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۳ و دائره المعارف تشیع جلد ۱، صفحه ۱۶۰

۳- ماضی النّجف و حاضرها، ج ۲ ص ۳۹۹ - ۴۰۱، و دائره المعارف تشیع، ج ۱ ص ۱۸۴

قرار گیرد(۱). علامه محقق و نامدار، حاج آقا بزرگ تهرانی، در کتابی مستقل به نام «هدیه الرّازی، الی الإمام المجدّد الشّیرازی» بررسی جامعی در باره مراحل تکامل علمی، مرجعیّت، مقامات معنوی و کرامات، و نیز اساتید و شاگردان و تألیفات آن بزرگمرد انجام داده، و این کتاب مکرراً ترجمه و منتشر شده است

و هم چنین علامه، میرزا محمّد علی اردوبادی، کتابی بزرگ به نام «حیاه الإمام المجدّد الشّیرازی» تألیف نموده، که در شرح حال میرزای شیرازی و بسیاری از معاصرین و شاگردان آن بزرگمرد می باشد، و مقدمه ای به شمار می رود، برای کتاب بزرگ دیگری (در ششصد صفحه) به نام «سبائیک التّبر فیما قیل فی الإمام المجدّد الشّیرازی و آله من الشّعر» که مشتمل بر شرح حال شعرائی است که در مدح و مرثیه میرزای شیرازی و خاندان او، شعر سروده اند(۲).

و علامه عظیم الشّان، آقا سید محسن امین عاملی، در کتاب اعیان الشّیعه، در یک بررسی جامع، در یک مقاله بسیار مفصّل، در ضمن شش صفحه بزرگ، در جلد پنجم، از چاپ جدید، از صفحه ۳۰۴ تا ۳۱۰، ابعاد گوناگون زندگی و آثار آن بزرگمرد را مورد بحث قرار داده است.

و نیز، مجله حوزه، به عنوان «یادواره صدمین سال درگذشت میرزای بزرگ» دو شماره ۵۰ و ۵۱ خود را در یک جلد منتشر نموده، و به بحث و بررسی مفصّلی در باره آن بزرگمرد پرداخته، و تحت عناوینی، همانند: نگرشی به مکتب سامراء، نظام آموزشی مکتب سامراء، روش فقهی مکتب سامراء، بودجه

ص: ۵۸۶

۱- مجله حوزه، شماره ۵۰ و ۵۱ از صفحه ۳۹۷ تا ۴۳۰

۲- الذّریعه الی تصانیف الشّیعه، جلد ۷، صفحه ۱۱۶ و جلد ۱۲، صفحه ۱۲۴ و نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۴۳۷

حوزه سامراء ، مکتب سامراء و تبلیغ و امور اجتماعی و سیاسی ، مرجعیت میرزا، فتوای تحریم تنباکو و پیامدهای آن ، روحانیون در نهضت تنباکو ، سیره اخلاقی میرزا ، مروری بر زندگی و اساتید میرزا ، ألقاب و عناوین میرزا ، آثار و تألیفات میرزای شیرازی ، کتابنامه میرزای شیرازی و ... ، به بحث درباره عظمت و آثار آن چهره نامدار و آبروی تشیع و حوزه های علمیّه ، پرداخته است

میرزای شیرازی ، در اثر علم و تقوای برجسته ، و با دارا بودن مقامات معنوی و کرامات، منشأ آثار و برکات بسیار گسترده و درخشانی در حوزه علمیّه و جامعه شیعه بوده اند ، که از میان آنها تأسیس و رونق بخشیدن به حوزه علمیّه سامراء ، تربیت دهها مرجع تقلید و مجتهد عالیقدر ، و صدها مدرّس و عالم بزرگ ، و هزاران مبلغ و مروج دین ، و نیز تثبیت و تقویت موقعیت شیعه و روحانیت و حوزه علمیّه ، در منطقه سنّی نشین سامراء و ... ، به شمار می رود ، و از همه اینها مهمتر ، حفظ استقلال شیعه و کشور ایران ، به وسیله فتوای تحریم تنباکو می باشد (۱) که سرفصلی بسیار مهم ، در تاریخ حوزه های علمیّه ، و عالم مرجعیت شیعه ، و کشور ایران ، محسوب گردیده است .

در میان کرامات بسیاری که از میرزای شیرازی نقل گردیده (و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی دوازده عدد از آنها را ، در کتاب « هدیه الرّازی » نقل نموده) داستان ظهور عنایت خاصّ حضرت بقیّه الله الأعظم ، حجّه بن الحسن العسکری (عج)

ص: ۵۸۷

۱- نهضت تنباکو و فتوای تحریم تنباکو از جانب میرزای شیرازی ، موضوع بحثهای بسیار ، از نظر تاریخی و سیاسی و اجتماعی می باشد ، و در این زمینه کتابها و مقاله های زیادی نوشته شده ، و در عموم کتب تاریخی و تراجم و دائره المعارف ها ، مورد بحث و بررسی قرار گرفته ، و نقش روحانیت و مرجعیت شیعه و شخصیت میرزای شیرازی (به عنوان محور حرکت و عامل پیروزی) معرفی شده است

نسبت به آن بزرگمرد، در جریان تحریم تنباکو، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد، و خلاصه آن قضیه چنین است:

مرحوم میرزای شیرازی در جلسه ای که با شاگردان مخصوص خود داشتند،

صورت تلگرافی را در آوردند با این عبارت:

(أیوم استعمال تنباکو و دخانیات، در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است)

و فرمودند: این تلگراف از ناحیه مقدسه، شرف صدور یافته است، این گونه فرمودند صادر کنیم (۱).

انگیزه هجرت میرزای شیرازی به اصفهان، واساتید او

میرزای شیرازی در اثر نبوغ خارق عادت، تمامی مراحل تحصیل و تعلیم و تعلم فارسی و قرائت و کتابت و آموزش خط را، از چهار سالگی (۲) به مدت دو سال و نیم سپری نمود، و سپس از شش سال و نیم تا هشت سالگی، مقدمات علوم عربی را تحصیل کرد، و به پایان برد، و به خواندن کتب متعارفه فقه و اصول پرداخت، و در دوازده سالگی در درس شرح لمعه آقا شیخ محمد تقی، (که بزرگترین مدرّس شرح لمعه در شیراز بود) شرکت می جست، و تمامی عبارات مشکل را قبل از حضور در جلسه درس حل می نمود، و نظرات خودش را می نوشت و پس از مدتی به استاد عرضه می کرد، مرحوم آقا شیخ محمد تقی

ص: ۵۸۸

-
- ۱- مجله حوزه، شماره ۵۰ - ۵۱، ۱۳۷۱ شمسی، صفحه ۴۲، به نقل از مرحوم آیه الله میرزا علی آقا نائینی، به نقل از پدرشان، مرحوم آیه الله العظمی میرزا حسین نائینی، (از شاگردان میرزای شیرازی)
 - ۲- مرحوم میرزا، دقیقاً چهار سال و پانزده روز داشته، که شروع به تحصیل نموده است، (میرزای شیرازی، صفحه ۳۰)

(استاد میرزا) پس از بررسی و دقت در نوشته ها ، چنین گفت :

شیراز دیگر کسی را ندارد که تو از او استفاده بری لازم است به اصفهان ، که امروز دار العلم است مهاجرت کنی زیرا استادانی همچون ، آقا شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه بر معالم) و حجه الاسلام ، آقا سید محمد باقر (صاحب مطالع الأنوار) و حاجی کرباسی صاحب الإشارات و المنهاج) در آنجا به تدریس اشتغال دارند(۱).

میرزای شیرازی ، در اثر این راهنمایی بزرگ و خیرخواهانه ، به اصفهان هجرت نمود، و در مدرسه صدر اقامت جست(۲) و در محضر اعلام فقه و اصول همانند : آقا شیخ محمد تقی رازی و آقا سید حسن مدرس و حاج محمد ابراهیم کرباسی (کلباسی) به کسب علم پرداخت ، و به مراحل عالیّه فقه و اجتهاد نائل گردید و سپس به حوزه کربلا و نجف هجرت نمود، و از محضر آقا سید ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط الاصول) و آقا شیخ حسن آل کاشف الغطاء ، و صاحب جواهر الکلام، و شیخ اعظم أنصاری و دیگران بر کمالات علمی و معنوی خود افزود ، و در حال استقرار بر قلّه رفیع علم و تقوی و معنویت ،

بر کرسی زعامت و مرجعیت عامّه شیعه ، تکیه زد آثار فقهی و علمی میرزای شیرازی ، اعم از تألیفات خود ایشان ، یا تقریرات درسهای آن بزرگوار ، و تعلیقات و حاشیه هائی که بر کتب دیگران داشته اند ، و نیز رساله های عملیه و مجموعه هائی که از فتاوی آن بزرگمرد ، گرد آوری

ص: ۵۸۹

۱- میرزای شیرازی ، صفحه ۳۰ - ۳۱ و مجله حوزه ، شمار؛ ۵۰ - ۵۱ ، صفحه ۳۵۸

۲- میرزای شیرازی ، صفحه ۳۲

شده ، به پنجاه و دو عنوان می رسد(۱).

شمار شاگردان و بهره جویندگان از دریای مَوَاج علم و دانش آن فقیه و مرجع بزرگ ، که در حوزه های علمیّه نجف و سامراء ، به کسب علم و اجتهاد مفتخر گردیده اند ، و عدّه ای از آنها در شمار بزرگترین مراجع تقلید و رهبران دینی ، در بلاد شیعه (اعمّ از ایران و عراق و ...) قرار گرفته اند ، قابل إحصاء دقیق نمی باشد ، و تنها مرحوم علامه ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، شرح حال ۳۷۲ نفر از آنها را بیان نموده است (۲) و در میان آنها چهره های درخشانی همانند : حاج آقا رضا همدانی ، آخوند ملاّ محمد کاظم خراسانی ، آقا سیّد محمد کاظم طباطبائی یزدی ، آقا سیّد محمد فشارکی ، آقا شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی اصفهانی) میرزا محمد تقی شیرازی ، میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک الوسائل) ، میرزا أبو الفضل کلانتر ، میرزا ابراهیم محلاّتی ، ملاّ فتحعلی سلطان آبادی ، حاج شیخ فضل الله نوری (شهید) ، سیّد میرزا علی آقا شیرازی (فرزند میرزای شیرازی) و ... ، که از مفاخر علمی شیعه و از مراجع بزرگ بوده اند ، فراوان می باشد .

در هر کدام از کتب تراجم ، همانند : اعیان الشّیعه ، تکمله مرحوم صدر ، نقباء البشر ، ریحانه الأدب ، فوائد الرّضویّه و ... با عبارات زیبا و فصیح و بلیغ ، از عظمت آن بزرگ مرجع عالیقدر ، تجلیل شده ، که به دو نمونه اکتفا می نمائیم :

علامه امین در اعیان الشّیعه می نویسد:

كَانَ إِمَامًا عَالِمًا فَقِيهَا مَاهِرًا ، مُحَقِّقًا ، مُدَقِّقًا ، رَئِيسًا دِينِيًّا عَامًّا ، وَرِعًا تَقِيًّا ، رَاجِحَ الْعَقْلِ ، ثَاقِبَ الْفِكْرِ ، بَعِيدَ النَّظْرِ ، مُصِيبَ الرَّأْيِ ، حَسَنَ التَّدْبِيرِ ، وَاسِعَ الصَّدْرِ ، مُنِيرَ الْحُلُقِ ،

ص: ۵۹۰

۱- مجله حوزه ، شماره ۵۰ - ۵۱ ، از صفحه ۳۸۵ تا ۳۹۶

۲- میرزای شیرازی ، (ترجمه هدیه الرّازی) از صفحه ۹۱ تا ۲۱۳

طَلِيقَ الْوَجْهِ ، صَادِقَ النَّظَرِ ، أَصِيلَ الرَّأْيِ ، صَائِبَ الْفِرَاسَةِ ، قَوِيَّ الْحِفْظِ ، ... بَلَغَ مِنَ الرَّئَاسَةِ ، وَ جَلَالِهِ الشَّانِ مَبْلَغًا لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَمْرَاءِ وَ الْمُلُوكِ فِي أَيَّامِهِ ... (۱).

و محدث قمی، به نقل از علامه بزرگ ، سید حسن صدر در تکلمه می نویسد :

رَئِيسُ الْإِسْلَامِ وَ نَائِبُ الْإِمَامِ ، مُجَدِّدُ الْأَحْكَامِ ، أُسْتَاذُ حُجَجِ الْإِسْلَامِ ، آيَةُ اللَّهِ عَلَى الْأَنْبَاءِ ، مُحْيِي شَرِيعَةِ سَيِّدِ الْأَنْبَاءِ ، قَائِدُ الْمِلَّةِ وَ الْمَذْهَبِ وَ الدِّينِ بِأَقْوَمِ نِظَامٍ ، تَعَجُّزٌ عَنِ إِحْصَاءِ مَزَايَاهِ الْأَقْلَامِ ، وَ يَضِيقُ عَنْ شَرْحِهَا فَمُ الْكَلَامِ ... وَ لَهُ فِي تَفَرُّسَاتِهِ حِكَايَاتٌ تَجْرِي مَجْرَى الْكِرَامَاتِ ، وَ كَانَ الْعَقْلُ يُحَيِّرُ مِنْ سَيِّعِهِ بِالْهَيْبَةِ ، وَ شِدَّةِ حَافِظَتِهِ ... وَ كَانَ يُحْفَظُ أَكْثَرَ الْقُرْآنِ ، وَ جَمِيعَ أَدْعِيَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَ جَمِيعَ مَا كَانَ يَقْرَأُهُ مِنَ الْأَدْعِيَةِ فِي سَائِرِ الْأَوْقَاتِ ، وَ كَذَلِكَ الزِّيَارَاتِ جَمِيعًا فِي جَمِيعِ الْمَشَاهِدِ ... ، وَ كَانَ يُطِيلُ فِي أَدْعِيَتِهِ وَ زِيَارَتِهِ ، وَ كَانَ كَثِيرَ الْبُكَاءِ ، رَفِيقَ الْقَلْبِ ، غَزِيرَ الدَّمْعِ ، كَانَ يَبْكِي بُكَاءً عَالِيًا ، لَمْ تَكُنْ

خَصِيْلَهُ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ إِلَّا - وَ قَدْ حَازَهَا ، وَ كَانَ لَهُ هَيْبَةٌ وَ وَقَارٌ عَظِيمٌ ... كَانَ أَبًا رَوْفًا وَ بَرًّا عَطُوفًا ... يُعْطِي كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ وَ يُخَاطِبُهُمْ بِكَمَالِ الْأَدَبِ وَ التَّعْظِيمِ ، وَلَوْ كَانَ مِنْ صِغَارِ الْمُشْتَغَلِينَ (۲).

۵- آیه الله، آقا سید محمد فشارکی

فقیه اصولی و محقق مدقق ، آقا سید محمد طباطبائی فشارکی اصفهانی ، متوفای ۱۳۱۶ قمری . وی از چهره های علمی حوزه های سامراء و نجف اشرف به شمار می رود ، و از شاگردان برجسته میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) می باشد ، و به جهت موقعیت ممتاز علمی او ، در زمان حیات استاد بزرگ خود (میرزای شیرازی) در حوزه علمیه سامراء ، مرجع تدریس

ص: ۵۹۱

۱- أعيان الشَّيخة ، جلد ۵ ، صفحه ۳۰۴ - ۳۰۵

۲- فوائد الرِّضويَّة ، جلد ۲ ، صفحه ۴۸۲

بوده است (۱). این بزرگمرد پس از ارتحال میرزای شیرازی قُدسُ سرّه ، به حوزه علمیه نجف هجرت نمود ، و مورد توجه قرار گرفت . در حوزه درسی او بزرگانی از علماء و محققین ، همانند : میرزا محمّد حسین نائینی ، و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی و ... شرکت می نمودند (۲). در مورد مرحوم فشارکی ، جمعی از علماء شبیهه اعلیّت داشتند ، و به ایشان پیشنهاد قبول مرجعیّت نمودند ، ولی آن بزرگوار نپذیرفتند (۳) و صرفاً به تدریس و تحقیق و تألیف اشتغال داشتند .

مرحوم فشارکی ، مردی با مهابت بوده (۴) و در کلمات بعضی از بزرگان ، با عنوان « استاد کبیر » مورد تجلیل قرار گرفته ، و با همه اهمیت و عظمت علمی و معنوی ، تنها به فعّالیّت علمی و تکمیل نفس اشتغال داشته (۵) و به همین جهت مینویسند : ریاست تدریس در زمان استادش (میرزای شیرازی) منحصر به او بوده است (۶).

۶- آیه الله العظمی ، آقا سید محمّد کاظم یزدی

فقیه نامدار و محقق ، و مرجع عالیقدر شیعه ، آیه الله العظمی آقا سید محمّد کاظم طباطبائی یزدی ، متوفای ۱۳۳۷ قمری ، که از چهره های مبرّز فقه و اجتهاد در قرن چهاردهم بوده ، و از استوانه های برجسته مرجعیّت و زعامت

ص: ۵۹۲

-
- ۱- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۳۴۲
 - ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۶
 - ۳- فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۵۹۴
 - ۴- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۹ ، صفحه ۱۲۵
 - ۵- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۳۴۲
 - ۶- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۶ ، به نقل از أحسن الودیعه

در حوزه علمیه نجف اشرف به شمار می رود .

آن بزرگمرد، سرآمد فقهای عصر، و از مفاخر عالم تحقیق و اجتهاد فقهی بوده، و به مناسبت إحاطه ای که بر فروع فقهی داشته، به راحتی مشکلات آن علم شریف را حل می نموده است(۱).

کتاب عروه الوثقی، که مشهورترین اثر فقهی آن فقیه بزرگ می باشد، مشتمل بر فروع فقهیه فراوان، و دقت و جامعیت بسیار جالب می باشد، و لذا عموم فقهاء و مراجع تقلید، پس از آن مرجع عظیم الشان، حاشیه بر آن نوشته اند، و بسیاری از فقهای عالی مقام، کتب مفصّله فقهیه خود را، به عنوان شرح بر عروه الوثقی، تألیف نموده اند، همانند: مستمسک العروه الوثقی از مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید محسن طباطبائی حکیم، و التَّنْقِیحُ فی شرح العروه الوثقی و مستند العروه الوثقی که تقریرات درس مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید أبو القاسم موسوی خوئی می باشد، و کتاب مبسوط «آلفقه» که شرح استدلالی بر عروه الوثقی، و نیز شرایع الإسلام می باشد(۲) و اثر آیه الله العظمی حاج سید محمد شیرازی مدّ ظلّه العالی است(۳)، و هم چنین دهها شرح استدلالی و حاشیه غیر استدلالی و یا نیمه استدلالی دیگر، که در حوزه های علمیه نجف و قم و... تألیف گردیده، و منتشر شده است .

مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی، علاوه بر کتاب عروه الوثقی، آثار علمی و تحقیقی دیگر داشته اند، همانند: حاشیه بر مکاسب شیخ اعظم أنصاری، که از

ص: ۵۹۳

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۹۱

۲- در ابوابی از فقه، که در کتاب عروه الوثقی مطرح نگردیده، آیه الله شیرازی کتاب خود را، به عنوان شرح شرائع الإسلام، تألیف نموده اند

۳- چاپ دوم این کتاب، در یکصد و ده جلد، در بیروت لبنان، منتشر گردیده است

بهترین حاشیه های مکاسب می باشد، و تعادل و تراجیح، که بسیار مفصل می باشد و به چاپ رسیده است و... (۱).

مرحوم یزدی، در حوزه علمیه اصفهان، در محضر بزرگانی همچون: آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی، و صاحب روضات الجنات (آقا سید محمد باقر چهارسوقی) و عده دیگری از علماء و مدرّسین این حوزه، مراحل علمی را پیموده، و به مرحله اجتهاد نائل گردیدند (۲)، و سپس به حوزه علمیه نجف هجرت نموده، و به تکامل علمی پرداخته، و به مرجعیت تقلید جهان شیعه و زعامت علمی در حوزه نجف اشرف نائل آمدند، و پس از ارتحال مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قدس سره (در سال ۱۳۲۹ قمری) مرجعیت و زعامت آن بزرگمرد، گسترش و نفوذ بیشتری یافت.

عموم صاحبان تراجم، در تجلیل از این فقیه بزرگ، قلم فرسایی نموده اند، و با عباراتی زیبا، از مقام علمی و مرجعیت آن پیشوای دینی ستایش کرده اند، مثلاً: مرحوم محدث قمی با عناوین: سَيِّدُ عُلَمَاءِ الْأُمَّةِ وَشَيْخُ طَائِفَتِهَا، حَامِلُ لُؤَاءِ الشَّيْعَةِ وَمُخْتَلَفُهَا، وَقُطْبُ رَحَى الشَّرِيعَةِ وَ مُؤْتَلَفُهَا، فَقِيهُ بَيْتِ الْعِضِيْمَةِ وَكَاطِمُهُمْ... فَقِيهٌ عَصِيْرِنَا وَبَرَكَهٌ دَهْرِنَا... وَسَيِّدُ الْفُقَهَاءِ الْعِظَامِ وَ آيَةُ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، ستوده است (۳).

و صاحب ریحانه الأدب، آن فقیه نامدار را، با ألقاب: محقق مدقق، و حامل لوای شریعت، و از مفاخر شیعه و رئیس مذهبی فرقه محقه، علامه وقت و سرآمد فقهای عصر و.. ستوده، و حوزه درسی او را، در نجف اشرف، آنفع

ص: ۵۹۴

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۹۲

۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۹۱

۳- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۵۹۶ - ۵۹۷

حوزه های علمی، و مرجع استفاده بزرگان و فحول آساتید، به شمار آورده است

۷- آیه الله العظمی، شیخ الشریعہ اصفهانی

فقیه اصولی و حکیم متکلم و مفسر جامع، آیه الله العظمی، ملا فتح الله نمازی اصفهانی، مشهور به « شیخ الشریعہ » و « شریعت اصفهانی » و متوفای ۱۳۳۹ قمری.

این بزرگمرد در اصل شیرازی بوده، و در اصفهان متولد گردیده و نشو و نمو علمی یافته، و مراحل عمده تکامل علمی را در حوزه علمی اصفهان، و در نزد جمعی از بزرگان طی نموده است.

مرحوم شیخ الشریعہ، در اصفهان مورد توجه فضلاء و طلاب قرار گرفت، و موافق اصول شیخ اعظم انصاری، بنای تدریس گذاشت (۱) و سپس در سال ۱۲۹۵ یا ۱۲۹۶ به حوزه علمی نجف اشرف هجرت نمود، و پس از کسب فیض علمی بیشتر از بزرگان آن حوزه مقدسه، شخصاً به تدریس و تألیف و افتاء پرداخت، و به عنوان مرجع تقلید بسیاری از شیعیان امامیه، مورد توجه قرار گرفت، و حوزه درسی بسیار شکوهمندی تشکیل داد، که مجمع برجسته ترین فضلاء و علمای عرب و عجم گردید (۲).

آن بزرگمرد، در اکثر علوم عقلی و نقلیه، بر معاصرین خود ممتاز بوده، و بالخصوص در علم رجال و حدیث و علوم قرآن، گوی سبقت از دیگران ربوده، و دارای قوه حافظه ای در حد خارق عادت، بوده است (۳).

ص: ۵۹۵

۱- اعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۸، صفحه ۳۹۲

۲- اعیان الشیعه، جلد ۸، صفحه ۳۹۲

۳- ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۲۰۶ - ۲۰۷

فقیه محقق و اصولی مدقق و مرجع عالیقدر شیعه، آیه الله العظمی، آقای حاج میرزا محمد حسین غروی نائینی اصفهانی، متوفای ۱۳۵۵ قمری (۱) معظم له، از یک خاندان علمی و معروف نائین بوده، و پدر ایشان شیخ الاسلام زمان خود بوده، و تحصیلات مقدماتی آن بزرگمرد در نائین شروع گردیده، و در اصفهان ادامه یافته است. مرحوم آیه الله نائینی، از محضر علماء بزرگ اصفهان، همانند: آقا شیخ محمد باقر اصفهانی، آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی، جهانگیرخان قشقائی، آقا شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی اصفهانی) و آقا شیخ محمد حسن نجفی، بهره های بزرگ علمی گرفتند (۲) و به درجات بلندی از علم و فضیلت نائل گشتند، و سپس به حوزه های علمیّه سامراء و کربلاء و نجف هجرت نموده، و از محضر بزرگانی، همچون: میرزا حبیب الله رشتی، آقا سید اسماعیل صدر، آقا سید محمد فشارکی اصفهانی، میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، بهره مند گردیدند، و در قلّه رفیع علم و تقوی و فضیلت قرار گرفتند.

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، در ضمن بر شمردن آثار و عظمت عجیب و شگفت انگیز علمی مرحوم نائینی، از تقوی و ورع و زهد آن بزرگوار یاد نموده و نوشته است: هرگاه به نماز می ایستاد بدنش می لرزید و محاسن شریفش از اشک چشمانش تر می گردید (۳).

ص: ۵۹۶

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۲۷

۲- نقباء البشر، جلد ۲، صفحه ۵۹۳

۳- نقباء البشر، صفحه ۵۹۴

آیه الله نائینی، از بزرگترین چهره های علمی شیعه در حوزه علمیه نجف بوده، و حوزه درسی او، مجمع برجسته ترین فضلاء و محققین به شمار می رفته، و عمده مراجع تقلید دوره بعد، از شاگردان آن بزرگوار بوده اند، و تحقیقات علمی و فصاحت و بلاغت آن فقیه و اصولی محقق، عامل رشد علمی فضلاء، و جاذبه نیرومندی برای تشکیل یک حوزه درسی بسیار قوی و کار آمد، به شمار می آمده است.

مرحوم آیه الله، آقا شیخ محمد علی کاظمینی، که یکی از برجسته ترین شاگردان مرحوم نائینی است، درباره آن بزرگمرد می نویسد: *الإمامُ الفقيهُ وَ عَلمُ العِلمِ وَ بَدْرُ سَمائِهِ وَ مَشْكُوهُ نُورِهِ، مَفْصَلُ الصَّوَابِ وَ فَصْلُ الخِطَابِ، مَنْ قَدْ أُسْتَبْطِنَ مِنْ أُسْرَارِ العُلُومِ وَ اسْتَجَلَى غَوَامِضِهَا وَ مَحَصَّ حَقَائِقِهَا وَ أَحْصَى مَسَائِلَهَا وَ أَحَاطَ بِفُرُوعِهَا وَ أَصُولِهَا وَ مَعْقُولِهَا وَ مَنْقُولِهَا، صَيَّرَ دُرَّ العُلَمَاءِ وَ عَيْنَ الفُقَهَاءِ، قَبْلَهُ المُسْتَعْلِينَ وَ خَاتِمَهُ المُجْتَهِدِينَ، آيَةُ اللهِ فِي العَالَمِينَ، مَنْ قَدْ أَلْقَتْ إِلَيْهِ الرِّيَاسَةَ الدِّينِيَّةَ أَرَمَتْهَا فِي أَوَاسِطِ القُرُونِ الرَّابِعِ عَشَرَ، حَضَرَهُ المِيرْزَا مُحَمَّدُ حُسَيْنِ العُرْوَى النَّائِنِي (1)*

چنانچه ملاحظه می نمائید، محقق کاظمینی، مرحوم نائینی را، امام فقیه، و عَلمِ عِلمِ، و ماه شب چهارده دانش، و چراغ نورانی علم دانسته، و او را در برگیرنده اسرار علوم، و آشکار کننده پیچیدگی های دانش، و خالص کننده حقایق علوم، و إحصاگر مسائل، و محیط به فروع و اصول و معقول و منقول دانشها شمرده، و آن بزرگوار را صدر علماء، و چشم فقهاء، و قبله طالبین علم، و خاتم مجتهدین و ... محسوب داشته است.

و همچنین مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید ابو القاسم خوئی قُدسُ سِرِّهِ که از

ص: ۵۹۷

شاگردان برجسته و ممتاز مرحوم نائینی بوده اند ، می نویسند : عَلَّمَ التَّحْقِيقَ وَ مَتَّبِعَ الْفَضِيلَةَ وَ التَّدْقِيقَ ، مَنْ إِلَيْهِ أَلْقَتِ الرِّيَاسَةُ الْعِلْمِيَّةُ زِمَامَهَا وَبِفَضْلِ أبحاثِهِ الْعِلْمِيَّةِ تَمَّ لِلْعُلُومِ الدِّيْنِيَّةِ نِظَامُهَا ... (۱)

آیه الله خوئی قُدسُ سِرُّهُ ، در عبارت فوق ، استاد خود را عَلَّمَ تحقیق ، و سرچشمه فضیلت و تدقیق معرّفی نموده ، و زمام ریاست علمی را بر دوش او دانسته ، و نظام یافتن علوم دینی را ، مرهون بحثهای علمی آن بزرگمرد شمرده است .

و هم چنین محقق عالیقدر ، آیه الله ، آقا شیخ موسی نجفی ، در مقدمه کتاب منیه الطالب که تقریرات مرحوم نائینی است ، استاد خود را ، خورشید آسمان تحقیق ، و قطب آسیای تدقیق ، و شیخ الفقهاء و المجتهدين ، و استاد الجهابذہ الأساطین بر شمرده است (۲).

۹- آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی

فقیه متکلم ، و اصولی محقق ، و حکیم مفسّر ، و ادیب شاعر ، و مرجع عالیقدر آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی غروی ، معروف به « کمپانی » ، متوفای ۱۳۶۱ قمری به این بزرگمرد از مفاخر شیعه و حوزه های علمیّه ، و نیز شهر اصفهان به شمار می رود ، و در جامعیت در علوم و فنون مختلف ، از قبیل : فقه و اصول و حکمت و کلام و عرفان و تفسیر و اخلاق و تاریخ و ادب عربی و فارسی و شعر ، به مرتبه ای رسیده ، که به معنی واقعی کلمه ، علاّمه به شمار می رود (۳) و حقیقه از نوابغ برجسته روزگار می باشد (۴) ، و به درستی و در حدّ

ص: ۵۹۸

۱- أجود التقریرات ، صفحه ۲

۲- منیه الطالب ، جلد ۱ ، صفحه ۲

۳- مجله حوزه ، سال دوم ، شماره ۸ ، صفحه ۷۱

۴- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۵۶۱

کمال ، جامع المعقول و المنقول بوده (۱) و دریائی مَوّاج و بی پایان ، در علم و کمال روحی و اخلاقی و معنوی ، به حساب می رود .

کتابهای آن نابغه بزرگ ، مشتمل بر تحقیقات برجسته و دُرّ و گهرهای شاهوار ، از علوم عقلی و نقلی می باشد ، و شمار آنها به ۲۵ عنوان می رسد (۲) همانند : نهایه الدرایه فی شرح الکفایه ، و حاشیه مکاسب شیخ انصاری و حاشیه بر مبحث حجّیه قطع ، و دیوان شعر فارسی ، و دیوان غزلیات حکمی و عرفانی و ...

حالات روحی ، ملکات اخلاقی ، سوز و شور و شوق معنوی ، ارادت عمیق و متّکی به علم و ایمان ، نسبت به پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت صدیقه کبری ، فاطمه زهراء علیها السلام ، در این بزرگمرد ، به عالی ترین درجات رسیده بوده ، و موج احساسات لطیف آن بزرگ مرجع دینی ، در سروده ها و اشعار عربی و فارسی او ، تا حدود زیادی قابل درک می باشد ، و تأثیر فراوانی بر دلها می گذارد .

اشک جاری آن بزرگمرد علم و کمال ، در اوج حالات معنوی ، و در هنگام توجه به عظمت پروردگار ، و نیز در هنگام التفات به مقامات پیشوایان معصوم علیهم السلام ، و مصائب و مظلومیت آنها ، از ویژگی های روشن در زندگی سراسر حقیقت و پاکی و فضیلت آن فقیه و مرجع بزرگ می باشد .

آیه الله کمپانی ، از شاگردان برجسته آیات بزرگوار و عظیم الشان : آقا میرزا محمد باقر اصطهباناتی ، آقا سید محمد فشارکی اصفهانی ، حاج آقا رضا همدانی ، و آخوند

ص: ۵۹۹

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۵، صفحه ۹۱

۲- شرح حال آیه الله العظمی کمپانی ، به قلم محقق عالیقدر ، آقا شیخ محمد رضا مظفر (مقدمه حاشیه مکاسب) ، صفحه « د

خراسانی و ... بوده ، و در هنگام مرجعیت علمی و دینی ، حوزه درسی آن نابغه علم و تحقیق ، مجمع اهل فضل و کمال ، و چهره های برجسته عائم تحقیق و اجتهاد به شمار می رفته ، و شاگردان آن بزرگ نابغه فقه و حکمت و ایمان و اخلاق ، در عشق و علاقه به استاد خود ، به مرز تقدیس رسیده بودند ، و خود را فانی در دوستی و محبت آن پدر روحانی و مهربان می دیدند(۱).

بسیاری از مراجع بزرگ شیعه ، و استوانه های علم و تحقیق ، در حوزه های علمیّه ، در شمار شاگردان آیه الله العظمی اصفهانی (کمپانی) می باشند ، و با بهره برداری از افکار و اندیشه های نو و ابتکاری و برخاسته از أمواج فکر خروشان آن دریای مواج ، به تکامل علمی و صعود بر مدارج تحقیق و تدقیق ، نائل گردیده اند .

۱۰- آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی

فقیه اصولی ، و مرجع عالیقدر جهان تشیع ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی ، متوفای ۱۳۶۵ قمری ، که جامع علوم عقلی و نقلی بوده ، و در إحاطه به فروع فقهی ، و بهره گیری از ابعاد وسیع آن ، در اداره امور دین و دنیای مردم ، و استفاده از مزایای گسترده آن در هدایت و ارشاد جامعه ، از چهره های میزز تاریخ زعامت شیعه به شمار می رود .

آن بزرگمرد ، در سخت ترین دوره ها ، « و در زمان جنگ جهانی دوّم » زعامت و رهبری و مرجعیت شیعه را بر عهده داشتند ، و در دوره ای که انگلیسی ها در صدد وارد کردن ضربه های مهلک بر حوزه علمیّه شیعه و اساس روحانیت بودند ، با بهترین اسلوبها ، حوزه علمیّه نجف و سایر مراکز علمی و دینی شیعه را ،

ص: ۶۰۰

۱- شرح حال آیه الله العظمی کمپانی ، به قلم آیه الله مظفر ، صفحه « د »

از خطر نابودی نجات دادند، و تهاجمات قدرتهای شیطانی کفار را دفع نمودند.

سخاوت، اَبْهَتْ، کظم غیظ، شرح صدر و سایر اخلاق فاضله، و فضائل نفسانیّه آن بزرگمرد، موجب موفقیت در هدایت جامعه، و زعامت جامعه شیعه، و اداره حوزه علمیه به شمار می رود.

دوست و دشمن، عالم و جاهل، وضع و شریف و ...، همه و همه، در برابر عظمت روح، و بلندی طبع، و قدرت زعامت معجزه آسای آن بزرگ مرجع عالیقدر، سر تسلیم فرود آورده، و انگشت حیرت به دندان گزیده اند. نصف نامه هائی که در اداره پست نجف وارد می گردید، به آدرس و به نام آن بزرگمرد بوده، و به همین نسبت، از شهر نجف، نامه ها و جوابهائی به وسیله پست، به شهرها و کشورها فرستاده می شده، و همه آن نامه ها و جواب ها، به دست مبارک آن بزرگ مرجع عالیقدر، نوشته می شده، بدون این که کسی کمک آن بزرگمرد باشد، در حالی که بسیاری از نامه ها و جوابها، نیازمند اندیشه و تدبیر و احاطه علمی، و بینش اجتماعی بوده است (۱). هر کدام از نویسندگان کتب تراجم، و مقاله های مندرج در مجله های علمی و دینی، و دائره المعارف ها (۲) درباره این بزرگمرد، قلم فرسائی هائی نموده اند، که فقط به عبارت مرحوم آیه الله، آقای سید محسن امین شامی، که معاصر آن بزرگمرد بوده، و از نزدیک فضائل آن مرجع عالیقدر را درک نموده، اکتفا می نمائیم: نَظَرْتُهٔ عَامَ سَفَرِي لِلْعِرَاقِ سَنَهٔ ۱۳۵۲ وَ مَارَسْتُهُ فَرَأَيْتُ فِيهِ رَجُلًا كَبِيرَ الْعَقْلِ، وَاسِعَ الْعِلْمِ وَ الْفِقْهِ، بَعِيدَ النَّظَرِ وَ دَقِيقَهُ،

ص: ۶۰۱

۱- اعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۲، صفحه ۳۳۲ «پاورقی»

۲- همانند ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۱۴۲ - دائره المعارف تشیع، جلد ۲، صفحه ۲۲۰-۲۲۲ - دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۸ - ۴۰ - اعیان الشیعه، جلد ۲، صفحه ۳۳۱ - ۳۳۵، فرهنگ معین، جلد ۵، صفحه ۱۵۴ و ...

صَائِبَ الرَّأْيِ ، عَمِيقَ الْفِكْرِ ، حَسَنَ التَّدْبِيرِ ، وَاسِعَ التَّفْكِيرِ ، عَارِفًا بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ ، جَاهِدًا فِي إِصْلَاحِ الْمُجْتَمَعِ .. شَفِيقًا عَلَى عُمُومِ النَّاسِ ، عَالِي الْهَمِّ ، سَخِيَّ النَّفْسِ ، جَلِيلَ الْمَقْدَرِ ، عَظِيمَ السِّيَاسَةِ ، مُضَافًا إِلَى مَكَانَتِهِ الْعِلْمِيَّةِ فِي الْفِقْهِ وَ الْإِجْتِهَادِ ، وَأَنَّ مَا حَازَهُ مِنَ الرِّيَاسَةِ الْعَامَّةِ ، كَانَ عَنْ جِدَارِهِ وَ اسْتِحْقَاقٍ ... (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، مرحوم امین عاملی ، این بزرگمرد را دارای عقلی بزرگ ، علم و فقهی وسیع دانسته ، و رأی و نظر و فکر او را دقیق و عمیق و صائب شمرده ، و آن بزرگ مرجع را ، آشنای به مواقع امور ، و جهادگر در راه اصلاح اجتماع ، و مهربان به عموم مردم ، و بلند همت ، و با سخاوت محسوب داشته ، و توانائی او را ، بزرگ ، و سیاست او را ، عظیم ، و جایگاه او را در علم و فقه و اجتهاد ، بلند ، و ریاست عامه او را ، از روی حق و درستی دانسته است .

مرحوم آیه الله اصفهانی ، در چهارده سالگی از روستای (مدیسه) واقع در جنوب غربی فلاورجان (از توابع اصفهان) ، به حوزه علمیه اصفهان هجرت نمودند ، و دوره های درسی مقدمات و سطح و خارج را ، در محضر مدرّسین و علمای بزرگ این حوزه ، همانند : آیه الله چهارسوقی ، آقا میرزا أبو المعالی کلباسی ، آقا سید محمّد باقر درچه ای ، و دو حکیم بزرگ ، جهانگیرخان قشقائی و آخوند کاشی و ... ، گذراندند (۲) ، و سالهای اقامت خود را در اصفهان ، در مدارس علمیه گوناگون سپری نمودند ، و سپس به حوزه علمیه نجف اشرف هجرت نموده ، و با بهره مندی از محضر زعماء بزرگ و چهره های درخشان آن

ص: ۶۰۲

۱- أعيان الشّيعه ، جلد ۲ ، چاپ جدید ، صفحه ۳۳۲

۲- مجله نور علم ، شماره مسلسل ۲۸ ، (مهرماه ۱۳۶۷) ، صفحه ۹۵

حوزه مقدّسه ، و استفاده از عنایات خاصّه حضرت بقیه الله الأعظم (عج) [\(۱\)](#) به زعامت عالیه ، و مرجعیّت مطلقه عالم تشیّع نائل گردیدند .

۱۱- آیه الله العظمی بروجردی

فقیه و اصولی عظیم الشان ، محدّث و رجالی محقّق ، ادیب و حکیم جامع ، مرجع جهانی عالم تشیّع ، و زعیم حوزه های علمیّه ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدّس سرّه ، متوفّای ۱۳۸۰ قمری ، که علاوه بر فقه و اصول ، دارای علوم گوناگون ، همانند : حکمت ، هیئت و ریاضیات ، رجال ، حدیث ، تراجم بزرگان ، ادبیات عرب و فارسی ، شعر و ... بوده [\(۲\)](#)، و در تمامی این رشته ها مجتهد و صاحب رأی بودند [\(۳\)](#)، و در دقّت و تحقیق و موشکافی ، از چهره های کم نظیر تاریخ تشیّع ، به شمار رفته اند .

مرحوم آیه الله بروجردی ، با استعداد و حافظه عجیب و کم نظیر خود، و نیز با دقّت و پشتکار علمی ، قله های رفیع فقه و اجتهاد را فتح نمودند ، و مورد توجه علماء و مجتهدین بزرگ قرار گرفته ، و حوزه درسی کم نظیری را شکل بخشیدند ، که روزانه بیش از یکهزار نفر ، در جلسه درس آن بزرگوار شرکت می جستند [\(۴\)](#)، که جمعی از آنها ، از فقهاء و مجتهدین و مدرّسین دوره خارج فقه و اصول حوزه علمیّه به شمار می رفتند .

ص: ۶۰۳

۱- به وسیله شیخ محمّد کوفی ، که از چهره های برجسته معنوی بوده ، و مشمول عنایات خاصّه حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار می گرفته ، دستور العملی خاص ، برای مرحوم آیه الله اصفهانی رسیده ، که در آخر آن آمده است : نحن ننصرک

۲- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۶، صفحه ۹۲ و ۹۴

۳- زندگانی آیه الله بروجردی ، چاپ دوّم ، صفحه ۱۸۸

۴- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۶، صفحه ۹۴

مرحوم آیه الله بروجردی، مراحل اولیّه تحصیل را در شهر بروجرد، و زیر نظر پدر بزرگوارشان سپری نمودند، و سپس به حوزه علمیه اصفهان (که محلّ فعالیت علمی بزرگان فقه و اصول و حکمت و ریاضی و ادبیات و ... بود) هجرت نمودند، و از محضر بزرگانی، همانند: آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی، آقا سید محمد تقی مدرّس، آقا سید محمد باقر درچه ای، آخوند ملاّ محمّد کاشانی (آخوند کاشی)، و مرحوم جهانگیرخان قشقائی و ...، بهره علمی گرفتند^(۱)، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند، و در ضمن، به تدریس و تربیت طلاب پرداختند. آن بزرگمرد، در سنّ ۲۷ سالگی (در سال ۱۳۱۹ قمری) به نجف اشرف هجرت نمودند، و از درس بزرگان آن حوزه علمیه، همانند: شیخ الشریعه اصفهانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و بالأخص، مرحوم آخوند خراسانی، بهره علمی گرفتند، و به مدارج عالیّه اجتهاد نائل گردیدند.

آیه الله بروجردی، ۳۳ سال در شهر بروجرد به تدریس و تحقیق و تألیف و مرجعیت دینی اشتغال داشتند، تا آن که به دعوت علماء وزعماء حوزه علمیه قم، به این شهر مقدّس هجرت نموده، و عهده دار مرجعیت جهانی عالم تشیع گردیدند، و در نشر علم و دانش و تربیت فضلاء و نویسندگان، و علماء و مجتهدین، و رشد کمی و کیفی حوزه علمیه، و رساندن ندای اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السلام، به تمام نقاط عالم، (اروپا و آمریکا و آفریقا و آسیا و استرالیا) و تأسیس مساجد و مدارس و کتابخانه ها، و تعمیر و راه اندازی مراکز علمی و دینی، و احیاء حوزه های علمیه در شهرهای گوناگون، و ترویج و تقویت علماء و پیشوایان دین در شهرها و ...، گام های بلندی برداشتند، و به راستی

ص: ۶۰۴

مکتب تشیع و حوزه های علمیّه و جامعه روحانیت را، عزّت و عظمت بخشیدند

مرحوم آیه الله بروجردی، علاوه بر مقامات بلند علمی و تقوائی، دارای شخصیتی جذّاب، چهره ای نورانی و با ابّهت بودند، و سخاوت و کرم و تواضع و عزّت نفس و مهر و غیرت و جدیّت، از صفات روشن آن بزرگمرد بود، و از نظر تهجد و تلاوت آیات الهی، و توسّل به اهل بیت نبوّت و رسالت علیهم السلام، و سایر مظاهر عبودیت در پیشگاه حق، و إخلاص نسبت به اولیاء خدا، دارای امتیاز خاص به شمار می رفتند، و همین مزایای روحی و اخلاقی بود که، تأثیر عمل و کلام آن بزرگمرد را، عمیق و وسیع و مستدام قرار می داد، و علاوه بر دوستان و علاقه مندان، در بسیاری از موارد، دشمنان و مخالفان را به تجدید نظر و تغییر اراده، وادار می نمود.

آیه الله بروجردی، به نقلی بیش از بیست کتاب و رساله تحقیقی در زمینه های فقه و اصول و حدیث و رجال از خود به جای گذاردند، که نمونه آن یک دوره فقه، از اول طهارت تا دیات می باشد، و کتاب بزرگی است، و از مهمترین آثار تألیفی آن بزرگمرد می باشد (۱)، و به نقلی دیگر، پنجاه اثر قلمی از آن مرجع عالیقدر به یادگار مانده است (۲)، و نیز جمعی برجسته از شاگردان و یاران خود را با نظارت کامل، به تألیف کتاب ارزشمند «جامع أحادیث الشّیعه» (در ۲۵ جلد) تشویق نمودند، که به چاپ رسیده است.

و هم چنین آن بزرگ مرجع عالیقدر، هزاران نفر را پرورش دادند، که در عالم مرجعیّت، تدریس، تألیف، خطابه، پیشوائی دینی در بلاد، امامت

ص: ۶۰۵

۱- أعيان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۶، صفحه ۹۴

۲- مجلّه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، صفحه ۲۸۷ تا ۳۰۳

جماعت و ارشاد مردم ، به فعالیت علمی و دینی اشتغال یافتند ، و در حفظ و حراست از ارزشهای اسلامی ، خدمات ارزشمندی را عرضه داشتند .

در عموم کتب تراجم و دائره المعارف ها ، و نیز مجلات و روزنامه ها (در فرصتهای مناسب) از شخصیت و آثار آیه الله بروجردی ، تجلیل بعمل آمده ، و کتابهای مستقلی نیز در این زمینه به چاپ رسیده ، که نمونه آن « زندگانی آیه الله بروجردی » از نویسنده محقق و معاصر ، آقای علی دوانی می باشد ، که چاپ دوم آن در ۴۷۵ صفحه ، منتشر گردیده ، و نیز « ویژه نامه سی امین سال درگذشت آیه الله العظمی بروجردی » که به شکل اختصاصی ، در شماره ۴۳ و ۴۴ مجله حوزه در سال ۱۳۷۰ شمسی ، در ۴۰۰ صفحه ، به چاپ رسیده است .

۱۲- آیه الله العظمی خوانساری

فقیه و مجتهد عظیم الشأن ، و زعیم و مرجع عالیقدر تقلید ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سید احمد موسوی خوانساری ، متوفای ربیع الثانی ۱۴۰۵ قمری . معظّم له ، نه تنها در عالم فقه و اجتهاد درخشیدند ، و از اعلام بزرگ جهان علم و فقه به شمار آمدند ، بلکه در متانت و صلابت و زهد و ورع و تقوی و سایر فضائل اخلاقی و نفسانی ، از مفاخر نیمه دوم قرن چهاردهم به شمار می روند، و تالی تلو معصوم ، و اسوای زهد و تقوی

و از ارکان بزرگ فضائل و مکارم اخلاقی و معنوی

محسوب گردیده اند . آیه الله خوانساری ، در خاندان علم و سیادت ظهور یافتند ، و نسب آن بزرگمرد ، با بیست و نه واسطه ، به امام موسی بن جعفر علیه السلام منتهی می شود ، و در میان سلسله پدران و اجداد ایشان ، عده ای از علمای عالیقدر درخشیده اند ، همانند : پدرشان ، علامه ، حاج میرزا یوسف ، بن العلامة

آقا سید میرزا بابا (امام جمعه) و جدّشان، علامه بزرگوار، آقا سید مهدی

(صاحب رساله ابو بصیر) و جدّ اعلی‌شان، حاج سید حسین (صاحب حاشیه بر شرح لمعه، و جدّ بزرگوار آیه الله العظمی، آقا سید محمد تقی خوانساری) و نیز جدّ دیگرشان، میرزا أبو القاسم، جعفر، معروف به امیر و مدفون در قودجان (۱).

مرحوم آیه الله العظمی خوانساری، در سال ۱۳۰۹ قمری در خوانسار متولد گردیدند، و پس از طیّ مراحل از تحصیل علوم حوزه ای در زادگاهشان، به حوزه علمیه اصفهان هجرت نمودند، و از محضر فقهاء و علماء بزرگوار همانند: آقا میرزا محمّد صادق خاتون آبادی، و مرحوم آخوند ملا عبد الکریم گزی، و آقا میرزا محمّد علی تویسرکانی، کسب علم نمودند (۲)، و پس از آن، در حوزه بزرگ نجف اشرف، از محضر اعلام عالم تشیع، مرحوم آخوند خراسانی و آقا سید محمّد کاظم یزدی و آقا ضیاء الدین عراقی، کسب علم و کمال نمودند، و آنگاه به حوزه علمیه اراک مهاجرت نموده، و نه تنها از فیض علمی مرحوم آیه الله العظمی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره می گرفتند، بلکه از یاران و معتمدین آن بزرگمرد بودند، و سپس در سال ۱۳۴۲ قمری، به حوزه علمیه قم هجرت نمودند، و تا سال ۱۳۶۹ قمری، به تدریس و تحقیق اشتغال داشتند، و مورد توجه و عنایت مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سرّه بودند، و آنگاه رحل اقامت در تهران افکندند، و تا آخر عمر پر برکتشان، در آن شهر عظیم، به تدریس و زعامت دینی می پرداختند.

ص: ۶۰۷

۱- آثار الحجّه، جلد ۲، صفحه ۲۴۰

۲- گنجینه دانشمندان، جلد ۲، صفحه ۱۰ - آیه الله خوانساری، مدّتی در مدرسه چهارباغ (سلطانی) اقامت داشته اند

آیه الله خوانساری ، پس از فوت آیه الله العظمی بروجردی ، در شمار مراجع بزرگ تقلید شیعه قرار گرفتند ، و از اعلام بزرگ عالم فقه و اجتهاد و تقوی و زهد به شمار آمدند .

از آثار علمی آن بزرگمرد ، یک دوره فقه استدلالی می باشد ، در شرح مختصر النافع ، که به نام « جامع المدارك » در هفت جلد به چاپ رسیده است .

اصفهان ای باره پروازها *** از تو در گوش فلک آوازا

ای کرامت را جهانی ساخته *** بر چکاد حق علم افراخته

با فروغی همکاب آفتاب *** همچنان، بر پهنه گیتی بتاب

در تو بینم تابش خورشید را *** جلوه های روشن امید را

خاک پاکت توتیای دیده هاست *** روشنی بخش دل مشتاق ماست

عالمانت را سریر سروری *** زبید شاید به کار رهبری

پاس ایمان را مسیحائی دهند *** در حریم حرمت حق محرمند

عباس کی منش (مشفق کاشانی)

ص: ۶۰۸

چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر

در دوره حکومت خفقانی رضا شاه « پهلوی اول » ، (در سالهای ۱۳۰۴، تا ۱۳۲۰ شمسی) مدارس علمیه به تعطیلی کشیده شد ، و بسیاری از آنها غصب گردید ، و یا به ویرانی دچار گردید ، و علماء و بزرگان دینی منزوی گردیدند ، و چه بسا از شدت فشار روحی جان سپردند ، و سخت ترین شرایط بر حوزه علمیه و علماء گذشت ، تا آن که این دوره سپری گردید و مجدداً مساجد و مدارس احیاء و راه اندازی شده ، و علماء دینی از انزواء خارج گردیدند ، و مدارس و مراکز ویران شده ، تعمیر و یا بازسازی گردید، و حوزه علمیه رونقی دوباره یافت ، تا آنجا که در حال حاضر ، در حدود چهار هزار نفر اعم از فقیه و مجتهد و مدرّس و طلبه و واعظ و امام جماعت و ... ، در شهر و حوزه اصفهان و حومه نزدیک ، مشغول فعالیت حوزه ای و تبلیغی هستند ، و در این دوره اخیر ، چهره های علمی برجسته ای در حوزه اصفهان فعالیت علمی و یا زعامت حوزه ای داشته اند ، که به چند چهره برجسته آنها ، به ترتیب زمان ارتحال و وفاتشان ، اشاره می نمائیم:

۱- آیه الله العظمی بهبهانی

فقیه عالیقدر و مرجع عظیم الشأن ، آیه الله العظمی ، حاج سید علی بهبهانی، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از چهره های برجسته روحانیت و مرجعیت در ایران به شمار می رفتند ، و در علم و تقوی و فضائل اخلاقی و جهاد و تلاش در راه

إحياء مجدّد حوزه های علمیّه ، شخصیتی برجسته محسوب میشوند . معظّم له در حوزه های بهبهان و سپس نجف اشرف ، در محضر آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی و آقا سیّد محسن کوه کمری ، به تحصیل علم پرداختند ، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند(۱) و سپس به بهبهان مراجعت نموده ، و به تدریس پرداختند ، و پس از آن در شهر رامهرمز اقامت جسته ، و تأسیس مدرسه و حوزه علمیّه نمودند ، و بعد از آن در شهر اهواز اقامت جسته ، و مدرسه عظیم (دار العلم آیه الله بهبهانی) را تأسیس کردند . آن بزرگوار ، در بیست سال اخیر عمرشان ، تابستانها به اصفهان و حوزه علمیّه آن وارد می شدند ، و حوزه درسی مهمی را تشکیل می دادند ، که از اهمیّت ویژه ای برخوردار بود ، و در ایجاد حرکت حوزه ای و تشکّل یافتن روحانیت ، نقش بسیار جالبی ایفاء نمود .

مرحوم آیه الله بهبهانی ، در سالهای اخیر عمر مبارکشان ، شش ماه در اهواز و شش ماه در اصفهان اقامت داشتند ، و نه تنها حوزه درسی برجسته ای داشتند ، بلکه نماز جماعت ایشان در مسجد امام (مسجد شاه سابق) و مسجد مرحوم سیّد شفقی ، در آن زمان بی نظیر بود .

بیش از ده تألیف برجسته و محققانه ، همانند : مصباح الهدایه ، أساس النّحو ، الإشتقاق ، حواشی عروه الوثقی و وسیله النّجاه و ... از خود به جای گذاردند و با تأسیس مدرسه علمیّه اهواز و رامهرمز و مساجد و اماکن عمومی عام المنفعه ، یاد خود را باقی گذاردند ، و خاندان علمی ارزشمندی را از نسل خود عرضه نمودند ، و مرجعیّت ایشان ، نه تنها برای حوزه های علمیّه برکت داشت ، که در جامعه شیعه و بالخصوص استان خوزستان و اصفهان ، سرچشمه فیض معنوی

ص: ۶۱۲

۲- آیه الله شهید شمس آبادی

فقیه و مجتهد زاهد ، و عالم ریّانی مجاهد، آیه الله ، آقا سیّد أبو الحسن شمس آبادی (آل رسول) (شهید در سال ۱۳۹۶ قمری).

ایشان از چهره های مبرز در حوزه علمیّه اصفهان ، به شمار می رفتند و در تشویق و حمایت از طلاب حوزه علمیّه اصفهان و نیز کمک رساندن به فضلاء و علماء حوزه مقدّسه نجف اشرف و ترغیب و تشویق آنها به سیر تکاملی در مسیر تحقیق و اجتهاد، نقش فعّالی داشتند .

مرحوم شهید شمس آبادی ، نه تنها عالمی متنفّذ در حوزه علمیّه و شخصیتی مورد احترام در میان علماء و فضلاء و طلاب بودند ، بلکه به مناسبت حالات روحی و خدمات اجتماعی و دینی فراوان مورد توجه شدید عموم مردم و نیز مراجع عالیقدر تقلید قرار گرفته بودند ، که به عنوان نمونه برای مزایای روحی و اجتماعی آن بزرگمرد، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- محبّت شدید نسبت به أهل البیت علیهم السلام و بالأخص سیّد الشهداء علیه السلام ۲- تأکید بر مزایای اخلاقی و روحی و معنوی

۳- مبارزه با مخالفین مکتب ولایت ، و مروّجین افکار پلید و هائیت ، و نیز مبارزه با سایر فرقه های ضالّه ، همانند بهائی ها و ...

۴- اقدام در تأسیس و یا توسعه مؤسسه های خیریه و عام المنفعه ، با رعایت ضوابط دینی و مذهبی ، همانند : سازمان وسیع و گسترده أبابصیر (برای حمایت

ص: ۶۱۳

۱- شرح حال مفصّل و جامع آیه الله بهبهانی در کتاب (أرمغان اصفهان ، در شرح حال علامه بهبهان) به قلم آقای سیّد مصلح الدّین مهدوی ، آمده است

و اداره امور تحصیلی و زندگی نابینایان) و مؤسسه عظیم و پر اثر انجمن مددکاری امام زمان علیه السلام (برای کمک و اداره امور ایتم)، و حسینیّه اصفهانیه در کربلای معلی، و حسینیّه اصفهانیه در مشهد مقدّس، و هم چنین کمک به فقراء و نیازمندان، از طرق خصوصی و مخفی.

۵- اعزام مبلغ به مناطق گوناگون و روستاهای چندین استان، در سطحی وسیع و با حمایتی همه جانبه از مبلغین اعزامی، تا جایی که در مناطق خطرناک که تحت نفوذ فرقه های گمراه بودند، شخصاً به همراهی جمعی از علماء و فضلاء، تشریف می بردند و دشمنان و معاندین را مرعوب، و مؤمنین را تقویت روحی می نمودند.

و لذا در هنگام انتشار خبر شهادت آن بزرگمرد (به دست یک گروه منحرف و معاند و مخالف مکتب ولایت) آن چنان هیجانی به وجود آمد، که در شهر با ولایت و عالم دوست و مجتهد پرور اصفهان، بزرگترین تشییع جنازه، در طول چهل سال، انجام گرفت، و تا چهل روز جلسات بزرگداشت شهادت این مجتهد عظیم الشان، همراه با عزاداری و حرکت دسته جات سینه زنی، برقرار گردید، و در حوزه های علمیه و سایر شهرها همانند: نجف اشرف - قم - تهران - مشهد مقدّس - شیراز - کاشان - کرمانشاه و دهها شهر بزرگ و کوچک دیگر (در داخل و خارج ایران) مجالس سوگواری از طرف مراجع بزرگ شیعه و علماء و مؤمنین منعقد گردید، و خون این شهید بزرگوار همانند خون مقدّس مولا- و پیشوای بزرگوارش، حضرت سید الشهداء علیه السلام، جوشید، و نه تنها قاتلین و گروه و افکار و روش آنها را به رسوائی کشانید، بلکه آنها را به دست انتقام سپرد، و از صفحه تاریخ برانداخت.

مردم با ایمان و دلباخته اهل البیت علیهم السلام، بر مرقد مطهر آن شهید راه ولایت

و امام حسین علیه السلام، بقعه و گنبدی بسیار شکوهمند و زیبا ساختند، و مزار این شهید عظیم الشان، شمع جمع شهداء گردید، و هم اکنون یکی از مشهورترین و پرجمعیت ترین زیارتگاه های اصفهان به شمار می رود(۱).

۳- آیه الله خراسانی

فقیه و مجتهد عظیم الشان و زعیم حوزه علمیه اصفهان، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۲۹ رجب ۱۳۹۷ قمری، که از چهره های مبرز و موثر حوزه علمیه اصفهان در نیمه دوم قرن چهاردهم به شمار می رفتند، و نقش بسیار مؤثری در احیاء مجدد حوزه علمیه اصفهان، پس از سقوط حکومت پهلوی اول، ایفاء نمودند، و در مدرسه صدر بازار و نیز مدرسه چهارباغ (سلطانی)، تدریس دوره خارج می نمودند.

در باره این بزرگمرد و آثار و خدمات حوزه های ایشان در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » و نیز در بخش « مدارس علمیه اصفهان » بحث و بررسی داریم

۴- آیه الله خادمی

زعیم و رئیس حوزه علمیه اصفهان، فقیه و اصولی محقق، آیه الله، حاج آقا حسین خادمی قدس سره، متوفای ۱۴۰۵ قمری، که از بزرگترین مدرّسین دوره خارج فقه و اصول در اصفهان، در اواخر قرن چهاردهم، به شمار می رفتند، و در مبارزه با حکومت پهلوی و فعالیت های اجتماعی و دینی و حمایت و تربیت طلاب حوزه علمیه، نقشی مؤثر و اساسی داشتند، و در مراحل گوناگون حرکت انقلاب اسلامی، شخصیت ایشان مورد توجه علماء و مردم با ایمان

ص: ۶۱۵

۱- درباره آیه الله شهید شمس آبادی، و اساتید و اجازات اجتهادی ایشان، در بخش « خاندانهای علمی » و نیز بخش « بقعه های علمی و تخت فولاد » بررسی و توضیح داریم

بود، و منزل ایشان مرکزی بزرگ برای فعالیت های مختلف دینی و مبارزاتی محسوب می گردید .

شرح حال و فعالیت ها و آثار علمی ایشان را ، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان « خاندان خادمی ») و نیز در بخش « مدارس علمی اصفهان » ذکر نموده ایم .

۵-آیه الله لنکرانی

فقیه مجتهد ، و اصولی جامع ، و ادیب شاعر ، حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۴۰۶ قمری .

وی در حوزه نجف از محضر بزرگانی همانند آیات عظام : میرزا محمد حسین نائینی ، آقا ضیاء الدین عراقی ، آقا شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) ، آقا شیخ محمد جواد بلاغی ، آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره مند گردید ، و به مقام اجتهاد رسید^(۱) و در علوم عقلی و نقلی ، از قبیل : فقه ، اصول ، حکمت ، کلام ، تفسیر ، رجال ، ادب و شعر ، به مقام بلندی دست یافت ، و در حوزه نجف به تدریس و تربیت طلاب اشتغال جست ، و چندین سال در حوزه سامراء تدریس می فرمود، و در سال ۱۳۹۱ قمری به اصفهان هجرت نمود، و در این حوزه کهن به تدریس فقه و اصول پرداخت .

مرحوم لنکرانی ، دارای پشتکاری عجیب ، ذوقی لطیف ، روحی بلند ، سرعت انتقالی شگفت بودند، و از چهره های مبرز در تربیت علماء و فضلاء ، در حوزه های علمیه ، به شمار می رفتند ، و أخلاق و زهد و محسن معاشرت ایشان ، جاذبه ای شدید ایجاد کرده بود، و علماء و فضلاء و طلاب ، علاقه مند به محضر

ص: ۶۱۶

۱- أرمغان اصفهان ، صفحه ۹۰ و گنجینه دانشمندان ، جلد ۳، صفحه ۱۰۶

و مجالست این بزرگمرد بودند .

معظم له ، در دوّم شعبان ۱۴۰۶ قمری ، در شهر اصفهان وفات یافتند ، و جنازه ایشان به قم منتقل و مدفون گردید .

۶- آیه الله فیاض

فقیه اصولی ، و مجتهد محقق، آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، ایشان مقداری از مقدمات را در سیده (خمینی شهر) تحصیل نموده ، و سپس به اصفهان هجرت نمودند، و در محضر بزرگانی همانند : آقا سید محمد نجف آبادی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی ، به کسب علم پرداختند و آنگاه به حوزه نجف هجرت کردند، و از محضر آیات عظام : آقا سید عبد الهادی شیرازی و آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و حاج سید جمال الدین گلپایگانی و عدّه دیگری از بزرگان ، کسب علم نموده و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند(۱) و از عدّه ای از بزرگان و مراجع تقلید و زعماء عالیقدر ، همانند : مرحوم آقا سید عبد الهادی شیرازی و آقا سید جمال الدین گلپایگانی و حاج سید محمد نجف آبادی و ... به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیدند .

مرحوم آیه الله فیاض ، پس از مراجعت به اصفهان ، در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ (مدرسه امام صادق علیه السلام) به تدریس پرداختند، و در تربیت طلاب و کوشش در تدریس فقه و اصول ، از چهره های برجسته حوزه علمیّه اصفهان محسوب گردیدند ، و به جهت تحقیقات ارزشمند و دقت نظر و تقوی و فضیلت روحی و اخلاقی که در این بزرگمرد تحقق یافته بود، حوزه درسی پربرکتی را شکل بخشیده بودند ، که مجمع بسیاری از فضلاء و طالبان علم

ص: ۶۱۷

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، ج ۲، ص ۲۸۶ و گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۲۲۵

و کمال و تحقیق گردیده بود، و به همین جهت، بسیاری از علماء و فضلاء اصفهان و شهرهای اطراف، در زمره شاگردان ایشان به شمار می روند.

از نکات جالب و مهم، در زندگی این بزرگمرد، توجه ایشان به مقام منیع أهل البیت علیهم السلام و بالأخص، سید الشهداء علیه السلام است، تا آنجا که، وقتی با ایشان مصاحبه شد و سؤال گردید: حضرتعالی از کدام یک از اعمالتان بهره بیشتری برده اید؟، ایشان در جواب فرمودند: از زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام بیش از اعمال دیگر بهره برده ام (۱).

۷- آیه الله علامه فانی

فقیه اصولی و مجتهد محقق، مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید علی علامه فانی، متوفای ۱۴۰۹ قمری، که از چهره های مبرز علمی و تحقیقی در حوزه های علمیه، به شمار می رفتند.

آیه الله فانی، در یک خانواده علمی ظهور یافتند، و در حوزه اصفهان مراحل از تحصیل علوم مقدماتی و فقه و اصول و فلسفه و تفسیر را طی نمودند، و از محضر بزرگانی همانند: مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی، و آقا میر سید علی نجف آبادی، و آقا سید محمد نجف آبادی، و دیگر بزرگان، بهره علمی گرفتند، و پس از سالها تحصیل خارج فقه و اصول در اصفهان، به حوزه علمی نجف اشرف هجرت نمودند (۲) و از محضر شخصیتهای برجسته ای همانند: آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید جمال الدین گلپایگانی و آقا شیخ محمد کاظم شیرازی بهره گرفتند، و به تدریس فقه و اصول و تفسیر و کلام،

ص: ۶۱۸

۱- مجله حوزه، شماره ۱۸، صفحه ۳۸

۲- زندگینامه آیه الله فانی، صفحه ۱۲ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۲۹-۳۳۱

اشتغال یافتند، و تألیفاتی فراوان، از خود به جای گذاردند.

معظم له در اثر فشارهای دولت بعثی عراق بر حوزه نجف، به حوزه قم و اصفهان مهاجرت نمودند، و تابستانها و ماه رمضانها در شهر اصفهان، و در بقیه سال، در حوزه علمیه قم به تدریس فقه و اصول و تفسیر و کلام استدلالی می پرداختند، و پاسخگوی سؤالات و نیازهای فکری جامعه و طلاب حوزه علمیه بودند.

مرحوم علامه فانی، علاقه ای شدید نسبت به اهل بیت علیهم السلام (عموماً) و امام حسین (خصوصاً) داشتند، و لذا ذوق لطیف و هنر ظریف خود را، در زمینه شعر و ادب، در خدمت معصومین علیهم السلام قرار داده بودند، و از شعرای لطیف گو، و سنجیده گوی خاندان عصمت و طهارت، به شمار می رفتند.

تالیفات مرحوم علامه فانی، در زمینه های فقه و اصول و کلام و عقاید و اخلاق و تفسیر و علوم قرآن و رجال، می باشد و شمار آنها به پنجاه و نه عدد می رسد، که بعضی از آنها در ضمن چندین مجلد می باشد، و از جمله آنها، رساله عملیه و مناسک حج است، که به زبانهای فارسی - عربی - انگلیسی، اردو و فرانسوی می باشد، و نیز بخشی از این آثار، تقریرات دروس فقه و اصول و کلام این بزرگمرد می باشد، که به وسیله شاگردانشان تنظیم گردیده است (۱). از میان شاگردان فراوان معظم له، از آیه الله، آقا سید محمد علی میر محمد صادقی و آیه الله، آقا شیخ محمد تقی مجلسی، و نیز نایب رئیس مجلس

ص: ۶۱۹

۱- فهرست کامل تألیفات مرحوم علامه فانی، در جزوه زندگینامه ایشان، که به وسیله بیت معظم له منتشر گردیده، چاپ شده است، و در گنجینه دانشمندان، جلد ۲، صفحه ۲۱۰ - ۲۱۲، بخشی از آنها، یاد شده است

۸- آیه الله مهدوی هرستانی

عالم ربّانی و فقیه زاهد ، آیه الله ، حاج سیّد مصطفی مهدوی هرستانی، متوفای ۱۴۰۹ قمری . معظم له ، در حوزه علمیه اصفهان دوره مقدمات و سطح و خارج فقه و اصول را طی نمودند ، و از محضر بزرگانی همانند : آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی و آقا سیّد مهدی در چه ای و آقا سیّد محمد نجف آبادی و آقا سید علی نجف آبادی و حاج شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، بهره گرفتند ، و سپس در حوزه علمیه قم، از محضر آیات عظام : حائری یزدی ، صدر ، خوانساری و حجه کوه کمری ، بهره مند گردیدند ، و آنگاه به نجف رفته ، و در محضر اعلام و آیات الهی : آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی ، حاج شیخ محمد علی کاظمینی ، حاج شیخ موسی خوانساری ، حاج سیّد جمال گلپایگانی ، آقا سیّد عبد الهادی شیرازی و دیگر بزرگان ، به تکامل علمی پرداختند ، و مدّتی در جلسه استفتاء مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سیّد أبو الحسن اصفهانی شرکت می نمودند ، و از آن بزرگ مرجع دینی ، به کسب اجازه اجتهاد نائل گردیدند(۱) و پس از مراجعت به اصفهان ، در مدرسه جدّه بزرگ حوزه درسی تشکیل دادند .

مرحوم آیه الله مهدوی ، تسلّط و تبخّر کاملی در مسائل و مباحث فقهی و اقوال بزرگان داشتند و حاضر لدّهن بودند ، و فتاواى مراجع معاصر را همانند اقوال گذشتگان ، در ذهن داشتند و به همین جهت ، نه تنها عموم مردم مستفید

ص: ۶۲۰

۱- مرحوم آیه الله مهدوی ، علاوه بر اجازه یاد شده ، به اجازه اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی ، حاج شیخ کاظم شیرازی ، و آیه الله العظمی ، حاج سیّد علی بهبهانی ، مفتخر گردیدند (گنجینه دانشمندان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷۴)

می گشتند ، بلکه فضلاء و مبلغین و ائمه جماعات ، در حل مشکلات خود ، از محضر ایشان بهره مند می گردیدند .

از خصوصیات مرحوم آیه الله مهدوی این بود که ، برای حل مشکلات مالی و اجتماعی علماء و بزرگان معاصر خود ، (در اصفهان و دیگر حوزه ها) همت می گماردند ، و به شکلی کاملاً محرمانه ، به یاری بزرگان می شتافتند ، و همیشه در تأیید و حمایت از فضلاء و طلاب نقش فعالی داشتند ، و در کمک به مستمندان و مؤسسات خیریه بسیار کوشا بودند ، و در همه موارد ، از حالت محرمانه و مخفی بودن ، استفاده می نمودند .

و در یک کلام ، مرحوم آیه الله مهدوی ، فقیهی متبحر و حاضر الذهن ، پیشوائی متنقد و محبوب ، یاور و پشتیبانی تلاشگر و فعال (برای علماء و بزرگان دین) ، نماینده های مورد توجه و علاقه (برای مراجع تقلید) ، و چهره ای شاخص در حوزه علمیه اصفهان بودند .

۹- آیه الله طیب

فقیه مفسر و اصولی متکلم ، آیه الله ، آقا سید عبدالحسین طیب ، متولد هفتم محرم ۱۳۱۲ ، و متوفای عصر هشتم محرم (شب تاسوعا) ۱۴۱۲ قمری .

وی ، از خانواده علمی میر محمد صادقی می باشد ، و در کودکی پدر را از دست داد ، و دوران قحطی بزرگ بعد از جنگ جهانی اول را (که جنازه ها بر روی هم انباشته می شده) پشت سر گذاشته و در حوزه های اصفهان و قم و نجف ، به تحصیل علم پرداخته است .

آیه الله طیب ، استادهائی همانند : آقا میر محمد صادق خاتون آبادی (مدرّس) و آقا سید محمد باقر درچه ای و ... ، در اصفهان ، و آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی

در قم، و میرزا حسین نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا شیخ جواد بلاغی (استاد بزرگ علم کلام)، در نجف، داشته اند، و اجازه اجتهاد از مرحوم درچه ای و حائری یزدی و نائینی و عراقی و اصفهانی، و نیز از مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) و آقا شیخ محمد حسین فشارکی، دریافت نموده اند.

معظم له، پس از مراجعت به حوزه علمیّه اصفهان، به تدریس سطح عالی (مکاسب و رسائل و کفایه) و دوره خارج فقه و اصول در حوزه علمیه، و تدریس منظم علم تفسیر و عقاید و اخلاق برای دیگر طالبان علم (و از جمله پزشکان)، اشتغال داشتند.

مرحوم آیه الله طیب، در دوره خفقانی حکومت رضاشاه پهلوی، فعالیت درسی را تعطیل نمودند، و جلسه درس تفسیر را نیمه های شب جمعه تشکیل می دادند، و به خاطر روح پشتکاری که داشتند موفق شدند جلسات درس تفسیر را پنجاه سال بدون وقفه، ادامه دهند، و بیست و پنج سال درس عقاید را مستمر نگهدارند، و بیست سال درس اخلاق را در تمامی هفته ها ادامه دهند.

آقای طیب، تمامی درسهای اساتید مهم خود را در اصفهان و نجف، تقریر نموده و نوشته اند، که مجموعاً رقم قابل توجهی می باشد، و در طول هجده سال کار علمی مستمر، چهارده جلد تفسیر قرآن، به نام، اُطیب البیان، تألیف کرده اند (1) و همچنین سه جلد کتاب (کلم الطیب) در عقاید، و کتاب (عمل صالح) در اخلاق، از آثار قلمی و چاپ شده آن بزرگمرد می باشد.

ص: ۶۲۲

۱- تفسیر اُطیب البیان، مورد عنایت حضرت بقیّه الله الأعظم (عج) قرار گرفته، و داستان جالب و مفصل عنایت آن حضرت، در آخر جلد ۱۴ اُطیب البیان، نقل شده است

مرحوم آیه الله طیب ، در هر سال چهارده نوبت ختم قرآن می نمودند ، و بر زیارت عاشوراء با صد لعن و سلام با تمامی آداب (در تمامی ماههای محرم و صفر) در دوره ای نزدیک به تمام عمر ، و نیز تهجد و نماز شب ، و هم چنین بر زیارت چهارده معصوم علیهم السلام (قبل از نماز شب) ، مداومت داشتند .

و در یک کلام ، آیه الله طیب ، مرد علم و عمل ، تقوی و نظم ، بیان و قلم بودند ، و از چهره های ارزشمند حوزه علمیه اصفهان در قرن چهاردهم ، به شمار می روند (۱).

از آرزوهای دیرینه مرحوم آقای طیب ، این بوده که در تاسوعای حسینی از دنیا بروند ، و به آرزوی خود رسیدند ، و پس از مدتی کسالت و مرض ، عصر هشتم محرم وفات یافتند ، و جنازه آن بزرگمرد ، صبح تاسوعا ، بر روی دستهای عزاداران حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام ، تشییع گردید ، و در کتابخانه مسجدشان ، در خیابان میر ، به خاک سپرده شد . نویسنده کمترین این سطور ، مدتی در درس فقه (مکاسب) آن بزرگ استاد منظم و متقی شرکت می جستیم ، و از برکات علمی و روحی ایشان ، بهره می گرفتیم .

۱۰- آیه الله ادیب

فقیه و اصولی حکیم ، و ادیب و شاعر ریاضی ، و منجم محقق ، شیخ العلماء ، آیه الله ، حاج شیخ عباسعلی ادیب ، متوفای ذی الحجه ۱۴۱۲ قمری .

وی ، از چهره های مبرز و جامع در حوزه علمیه اصفهان ، در نیمه دوم قرن چهاردهم می باشد ، و نزدیک به یکصد سال در این جهان زیست نموده است .

ص: ۶۲۳

۱- علاوه بر کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد سوم ، در مجله حوزه ، شماره ۳۳ مرداد و شهریور ۱۳۶۸ شمسی ، شرح زندگی مفصل و بسیار آموزنده ای از این بزرگمرد ، منتشر شده است

آن بزرگمرد، از اساتید بزرگی، همانند: آقا سید مهدی درچه‌ای، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی (نجفی)، حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، آقا سید محمد نجف آبادی، آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و... بهره گرفته، و در حدود هفتاد سال، تدریس علوم حوزه ای از قبیل: نحو، صرف، معانی و بیان، منطق، حکمت، اصول فقه، فقه، کلام، هیئت، و... داشته، و در اکثر مواقع، شمار درس‌هایی که برای طلاب حوزه علمیه می‌گفته‌اند، زیاد بوده، و گاهی به سیزده درس در روز، می‌رسیده است.

اجازات اجتهادی ایشان، از علماء بزرگی همانند آیات عظام: آقا سید أبو الحسن اصفهانی، و آقا سید محمد حجّت کوه کمری، و آقا سید محمد نجف آبادی و آقا شیخ محمد رضا نجفی، و آقا شیخ محمد حسین فشارکی و... بوده است.

آیه الله اُدیب، تألیفاتی متعدّد و متنوّع از خود به جای گذارده‌اند، همانند: ۱- إرث الشّیعه ۲ - مناسک الشّیعه ۳ - أحسن التّقویم (که بارها چاپ شده و عموم مردم اصفهان و اطراف، برای تعیین اوقات شرعی دوره سال و بالأخص ماه مبارک رمضان، از آن استفاده می‌نمایند و در برنامه های رسمی رادیو و تلویزیون «مرکز اصفهان» برای تعیین وقت اذان صبح و ظهر و مغرب، از این کتاب بهره می‌گیرند) ۴ - هدیه العباد (در شرح حال صاحب بن عبّاد) ۵ - وظایف الشّیعه (در شرح دعای ندبه) ۶- کتاب تطبیق، ۷- الرّساله القطیبه، و شمار دیگری جزوه و رساله، که در زمینه های مختلف می‌باشد، و سندی بر جامعیت و تبّخر و دقّت اندیشه این بزرگمرد محسوب می‌گردد.

عده زیادی از علماء و فضلاء در زمره شاگردان این بزرگمرد می‌باشند و این

نویسنده کمترین نیز، مدتها در درس حکمت ایشان که به نحو خصوصی،

تدریس می‌نمودند، شرکت می‌نمودم

مرحوم آیه الله اَدیب ، شخصیتی مقاوم ، صبور ، پرتلاش ، زاهد، محقق ، جامع و ... بودند ، و از مفاخر حوزه علمیه اصفهان به شمار می روند، و در این هنگام (۱۹ ذی الحجه ۱۴۱۲ قمری) که این مطالب را می نویسم ، شهر و حوزه اصفهان به مصیبت فقدان این بزرگمرد ، دچار گردیده است(۱).

جنازه مرحوم آیه الله اَدیب قُدسُ سِرّه در جوار مرقد صاحب بن عبّاد و در داخل بقعه آن بزرگمرد به خاک سپرده شد ، و در باره آثار و خدمات ایشان در بخش « بقعه های علمی اصفهان » نیز مطالبی را بیان داشته ایم .

۱۱- آیه الله موحّد ابطحی

فقیه مفسّر ، و مدرّس جامع ، و طبیب روح و جسم ، مرحوم آیه الله ، حاج سید مرتضی موحّد ابطحی ، متوفای دهم جمادی الثانیة ۱۴۱۳ قمری ، که نه تنها مدرّسی پرتلاش در حوزه علمیه و عالمی پراثر و فعال در سنگر محراب و منبر بودند ، بلکه در مبارزه منفی با سیاست ضدّ دینی و ضدّ حوزه های پهلوی اول ، از چهره های برجسته به شمار می روند .

این بزرگمرد، تمامی هفت فرزند پسر خود را در زمره سربازان بقیه الله الأعظم ، امام زمان (عج) قرار دادند ، و همه آنها را مفتخر به پوشیدن لباس مقدّس روحانیت نمودند ، و در اوج قدرت خفقانی حکومت پهلوی (که عمّامه از سر علماء بزرگ و روحانیین عالیقدر بر می داشتند) ایشان فرزند اول و دوّم خود را (در همان زمان) ملبّس به لباس روحانیت نمودند .

ص: ۶۲۵

۱- برای تفصیل بیشتر ، در مورد زندگی و آثار و خدمات مرحوم آیه الله اَدیب ، به مجلّه حوزه شماره مسلسل ۲۶ سال ۱۳۶۷ شمسی ، و گنجینه دانشمندان ، جلد ۸ صفحه ۹۴ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، جلد ۲، صفحه ۳۲۲ مراجعه شود

ایشان در تعلیم و تربیت فرزندان خود، و نیز در خدمت به آستان مقدّس أهل البيت عليهم السلام و بالأخص حضرت بقیه الله الأَعْظَم (عج)، تا آنجا فداکاری و ایثار نمودند، که تدریس برای همه فرزندان را، از مراحل مقدماتی تا درور سطح، شخصاً به عهده گرفتند، و با آن همه فعالیت های درسی حوزه ای و خدمات اجتماعی، تعلیم و تربیت فرزندان خویش را، در اولویّت قطعی برنامه های خود قرار دادند.

و در نتیجه آن همه پشتکار و جدیّت و حُسن نیت و خلوص، در میان فرزندان ایشان، چهره های برجسته ای در حوزه های قم و نجف و اصفهان، درخشیدند که در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) « خاندان علمی موحد ابطحی» به آنها اشاره نموده ایم.

برای آشنائی بیشتر با شخصیت و آثار و خدمات این بزرگمرد، به مجلّه حوزه، شماره ۵۸، و گنجینه دانشمندان، جلد ۸، صفحه ۲۴۵ به بعد، و کتاب البیان الأکمل فی شرح حال الوالد الأمثل، تالیف این نویسنده کمتین، و نیز به بخش « علم طب در اصفهان » در همین کتاب، مراجعه گردد.

۱۲- علامه میرجهانی

أدیب أریب، و محدّث خیر، جامع المعقول و المنقول، علامه متّبع، آقا سیّد محمّد حسن میرجهانی جرقویه ای، متولّد ۱۳۱۹ و متوفای بیستم جمادی الثانیة ۱۴۱۳ قمری.

آن بزرگمرد، در حوزه اصفهان، در محضر بزرگانی همانند: آقا شیخ علی یزدی، آقا میرزا احمد اصفهانی، حاج شیخ محمّد علی دزفولی، آقا سیّد أبو القاسم دهکردی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی، آخوند ملا حسین فشارکی،

و دیگر مدرّسین ، دوره مقدمات و سطح و خارج را گذرانده ، و در حوزه علمیّه نجف اشرف ، از محضر بزرگان فقه و اجتهاد همانند : مرحوم آقا ضیاء الدّین عراقی ، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و مرحوم مامقانی بهره علمی گرفته ، و مورد عنایت خاصّ مرحوم آیه الله ، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بوده است .

معظم له ، پس از تکمیل تحصیلات ، در شهرهای اصفهان و مشهد مقدّس و تهران ، هر کدام ، سالها اقامت و فعالیت علمی و دینی داشتند ، و از طریق بیان و قلم ، در نشر مکتب اهل البیت علیهم السلام می کوشیدند ، و در سالهای آخر عمر ، برای سوّمین بار ، در اصفهان اقامت گزیدند ، و با کهولت و کبر سنّ ، در ترویج دین و مذهب اهل البیت علیهم السلام ، کوشش و فعالیت می نمودند .

آیه الله میر جهانی ، به خاطر جامعیت در علوم عقلی و نقلی ، و تبخّر در علوم ادبی ، و داشتن ذوق لطیف و آشنائی با علوم غریبه (جفر ، رمل ، اُسطرلاب) (۱) تألیفاتی مؤثّر ، و خطابه هائی جامع و نافذ ، و سروده ها و دیوانی پربرکت دارند ، و اشعار ایشان (که فراوان هم هست ، و بخشی از آن در دیوان حیران به چاپ رسیده) ، عموماً در مسیر توحید و عقاید حقّه ، و مکتب ولایت ، و مدائح و مرثیاتی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ، می باشد .

آقای میر جهانی ، در اثر تلاش و کوشش فراوان در زمینه خدمت به آستان مقدّس اهل البیت علیهم السلام ، موفق به دیدار و لقای حضرت بقیّه الله الأعظم ، حجّه بن الحسن العسکری (عج) گردیده اند (۲) و در زمینه توجّه به اهل البیت علیهم السلام

ص: ۶۲۷

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۲ ، صفحه ۴۱۱

۲- گنجینه دانشمندان ، جلد ۲ ، صفحه ۴۱۵ و جلد ۸ ، صفحه ۳۷۶ و مجله حوزه ، شماره ۵۸ ، صفحه ۳۸

و کسب فیض از ارواح مقدّسه صاحبان ولایت ، دارای موقعیتی شایسته و برجسته و ممتاز بودند (۱).

تألیفات علامه میرجهانی ، متعدّد و متنوّع می باشد ، و شمار عناوین آنها به بیش از بیست عدد می رسد، همانند :

۱- مستدرک نهج البلاغه به نام مصباح البلاغه ، در چهار جزء (دو مجلد) .

۲- نوائب الدهور ، در علائم ظهور (در چهار جلد) .

۳- جُنه العاصمه ، درباره صدیقه طاهره ، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام ...

۴- کنوز الحکم و فنون الکلم ، در خطب و کلمات امام حسن مجتهدی علیه السلام .

۵- الدر المکنون ، دو هزار بیت عربی ، در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم السلام .

۶- ولایت کلیه (در دو جلد) .

۷- و ۸- ذخیره المعاد و مقلاد الجنان (در زمینه ادعیه و زیارات) . بسیاری از تألیفات آقای میرجهانی ، به چاپ رسیده ، و بعضی از آنها چندین بار چاپ شده است .

آقای میرجهانی و خاندانشان ، در زئی غیر سادات بودند ، تا آنکه در زمان مرجعیت عاظمه مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره ، نسب شریف ایشان (که از سادات طباطبائی هستند و با سلسله

ص: ۶۲۸

۱- مرحوم آیه الله میرجهانی ، از رفقای پدر من (مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره) بودند ، و ایشان در مصاحبه با مجله حوزه ، فرموده‌اند : ایشان (آیه الله میرجهانی) مرد عجیبی است ، مطالبی را می داند ، که به هر کس نمیگوید ... ، ایشان اهل ریاضت بود، و با مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ارتباط داشت . « مجله حوزه ، شماره ۵۸ ، مهر و آبان ۱۳۷۲ صفحه ۳۸

نسب آیه الله بروجردی و آیه الله العظمی، آقا سید محسن طباطبایی حکیم وابسته می باشد (کشف گردید ، و مورد تأیید نسابه بزرگ قرن اخیر ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی قرار گرفت ، و پس از آن که سالهای متمادی ، عمامه سفید داشتند، و به عنوان آقا شیخ محمد حسن میرجهانی ، شناخته می شدند ، به دست مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قُدس سِرّه ، عمامه سیاه (که نشانه سیادت و انتساب به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، در زمان معاصر می باشد) بر سر ایشان گذارده شد، و بدین مناسبت ، جشن مفصلی در مدرسه فیضیه برقرار گردید .

آقای میرجهانی ، رساله ای در نسب خویش نوشتند ، که مورد تأیید مراجع نجف و ایران قرار گرفت ، و در آن ، علت و کیفیت اختفاء نسب سلسله میرجهانی ، بررسی و شرح داده شده ، و این رساله به چاپ رسیده است (۱).

در بخش « بقعه های علمی اصفهان » ، « بقعه علامه مجلسی » نیز ، درباره آیه الله میرجهانی ، بحث و بررسی داریم .

۱۳- آیه الله امامی

عالم مجاهد و جامع ، استاد عظیم الشأن و کامل ، مدافع حریم مقدس مکتب ولایت و امامت ، مرحوم آیه الله ، حاج سید احمد فقیه امامی ، متولد هفدهم ربیع الأول ۱۳۵۲ و متوفای ایام فاطمیّه (۱۰ جمادی الثانیه) ۱۴۱۴ قمری .

این بزرگمرد، که از خاندان ریشه دار امامی، و فرزند آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی می باشند ، با تحصیلات عالیه ، و تقریر دروس اساتید بزرگ فقه و اصول و حکمت و ... (در حوزه علمیه اصفهان و قم) ، و تألیف بیش از هفتاد و پنج کتاب و رساله ، و تدریس فقه و اصول و تفسیر و حکمت و حدیث

ص: ۶۲۹

وَأَخْلَاقٍ وَ... (روزی هفت یا هشت درس، برای شاگردانی زیاد) و نیز مبارزات طولانی بر علیه حکومت جبار و ستمگر پهلوی، و مجاهدات گسترده در سنگر محراب و منبر، و هم چنین دفاعی قاطع و فراگیر، از حریم ولایت اهل البیت علیهم السلام و ساحت مقدّس مرجعیت شیعه، و فعّالیت های چشم گیر و کم نظیر در خدمت به مردم با ایمان، و حلّ مشکلات گوناگون اجتماعی و...، از چهره های درخشان حوزه علمیّه اصفهان در نیم قرن اخیر به شمار می روند، و ما در بخشهای گوناگون این کتاب، همانند: (امامزادگان اصفهان «امامزاده أبو العباس») و «خاندهای علمی اصفهان» و «مدارس علمیّه» و «مساجد محلّ فعّالیت علمی» و...، و نیز در کتاب «یادواره آیه الله، فقیه امامی»، از فعّالیت های علمی و درسی و اجتماعی این شخصیت عظیم الشان، یاد نموده ایم.

۱۴- آیه الله صافی اصفهانی

فقیه مجتهد و اصولی متّقی و زاهد، آیه الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، متولّد ۱۲۹۸ شمسی و متوفّای جمادی الاولی ۱۴۱۶ قمری (۱۳۷۴ شمسی)

معظم له، در حوزه اصفهان مقداری تحصیل علم نمودند، و در حوزه قم، مراحل دیگر از تحصیل علوم را پیمودند، و سپس در حوزه علمیّه نجف، از محضر بزرگانی همانند آیات عظام: مرحوم آقا سید عبد الهادی شیرازی و مرحوم آقا سید محسن طباطبائی حکیم و آقا شیخ محمّد علی کاظمینی (صاحب تقریرات) و مرحوم آقا شیخ کاظم شیرازی و مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید ابوالقاسم خوئی بهره مند شده، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند، و نیز از درس مرحوم آقا شیخ صدرا بادکوبه ای (در حکمت و فلسفه) بهره جستند.

آیه الله صافی ، در حوزه نجف اشرف ، به تدریس دوره سطح و سپس خارج فقه و اصول ، اشتغال جستند، و سپس در سال ۱۳۵۰ شمسی ، به اصفهان مراجعت نموده و بیست و پنج سال ، در مدرسه صدر بازار به تدریس فقه و اصول استدلالی اشتغال داشتند ، و حوزه درسی ایشان از رونق و اهمیت قابل توجهی برخوردار بود، و از نقاط قوت حوزه علمی اصفهان به شمار می رفت .

آیه الله صافی ، از چهره های مبرز دوره اخیر اصفهان به شمار می روند ، و از نظر اخلاقی و معنوی و تقوی و فضائل روحی ، دارای برجستگی و امتیاز ویژه ، بودند ، و از آثار قلمی ایشان، یک دوره کامل تقریرات درس اصول آیه الله العظمی ، خوئی (در چهار جلد ، که بخش اول آن به چاپ رسیده است) و نیز تقریرات چندین کتاب فقهی می باشد . در سالهای آخر عمر آیه الله صافی ، مدتی زعامت حوزه علمی اصفهان ، به عهده این بزرگمرد بود، و حوزه درسی استدلالی ایشان ، مهمترین جلسه درس در حوزه علمی اصفهان به شمار می رفت . از نکات جالب در زندگی این بزرگمرد، این بوده است که ، در دوره اقامتشان در نجف اشرف ، یک دفعه موفق گردیدند که ، در یک شب ، هزار رکعت نماز بخوانند ، و به فیض این عمل ارزشمندی که مولای متقیان امیر المؤمنین علی علیه السلام پیوسته انجام می دادند ، در یک نوبت نائل گردیدند (۱).

۱۵- آیه الله صادقی

فقیه اصولی و مجتهد محقق ، آقای حاج سید محمد علی میر محمد صادقی ، متولد ۱۳۴۶ و متوفای ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۱۷ قمری .

ص: ۶۳۱

۱- در بخش (بقعه های علمی اصفهان) « بقعه علامه مجلسی » و در بخش (مدارس علمی اصفهان) « مدرسه صدر بازار » نیز ، از آیه الله صافی یاد نموده ایم

ایشان، در حوزه علمیّه اصفهان، به تحصیل علم پرداختند، و سپس به حوزه علمیّه نجف هجرت نموده، و از محضر بزرگان آن حوزه مقدّسه، همانند: آیه الله العظمی، حاج سید محمود شاهرودی و آیه الله العظمی، حاج شیخ حسین حلّی، و بالأخص مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید علی علامه فانی، بهره گرفتند و به مقام اجتهاد نائل گردیدند.

معظم له تقریرات درسهای مرحوم علامه فانی را از فقه و اصول به رشته تحریر در آوردند، بدین ترتیب:

۱- تقریرات اصول (در ۴ جلد) ۲- تقریرات فقه (کتاب الطّهارة در ۵ جلد) ۳- تقریرات فقه (کتاب الصیلموه در ۷ جلد) ۴- تقریرات فقه (کتاب الزکوة و الخمس و الصّوم) ۵- تقریرات فقه (کتاب الحج و الإجاره) (۱)

و نیز کتابها و رساله های دیگری در بحث جبر و اختیار، و عدم تحریف قرآن و تفسیر سور [جمع] و .. تألیف نمودند.

آیه الله صادقی، در سال ۱۳۹۰ قمری، به اصفهان مراجعت نمودند، و در مدرسه صدر بازار، به تدریس دوره خارج فقه و اصول پرداختند، و حوزه درسی ایشان، از رونق و اهمیّت بسزایی برخوردار گردید، و با توجه به نظم و اخلاق و حسن معاشرت ایشان، موقعیّت شایسته ای را در حوزه علمیّه اصفهان، و در میان مردم إحراز نمودند، و از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان به شمار می آمدند.

در بخش (خاندانهای علمی اصفهان «خاندان میر محمد صادقی») و نیز در بخش «بقعه های علمی و تخت فولاد اصفهان»، از این بزرگمرد یاد نموده ایم.

ص: ۶۳۲

فقیه اصولی و مجتهد محقق، آیه الله، حاج شیخ مرتضی اردکانی، متولد ۱۳۲۶ و متوفای جمادی الأولى ۱۴۱۷ قمری، (۱۳۷۵ شمسی) فرزند مرحوم آقا میرزا محمد اردکانی، و سبط آقا شیخ محمد رضا مجتهد اردکانی.

او در شهر اردکان و یزد، مقدمات علوم را تحصیل نمود و به اصفهان که مرکز بزرگ علمی بود هجرت فرمود، و در محضر آقا شیخ علی یزدی و آقا میرزا احمد مدرس و آقا شیخ محمود مفید و .. دوره سطوح را به پایان رسانید، و به درس خارج فقه و اصول آیات عظیم الشان: آقا سید محمد نجف آبادی، آقا میر سید علی نجف آبادی، آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی، و ... راه یافت، و در محضر و درس آن بزرگان، به درجه اجتهاد نائل گردید، و مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد از مراجع عظیم الشان و فقهاء عالی مقام: آقا ضیاء الدین عراقی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید محمد نجف آبادی و آقا شیخ محمد حسین فشارکی، گردید.

مرحوم آیه الله العظمی، آقا ضیاء الدین عراقی، در ضمن اجازه اجتهاد این بزرگمرد نوشته اند:

... عَلَى عَلِيٍّ أَعْلَى مِرْقَاةِ الرَّشَادِ وَ خَرَجَ عَنْ حَضِيضِ التَّقْلِيدِ إِلَى ذُرْوَةِ الْأَجْتِهَادِ وَ صَارَ بِحَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْعُلَمَاءِ الْأَعْيَانِ الَّذِينَ يُشَارُ إِلَيْهِمْ بِالْبَنَانِ... (۱)

و مرحوم آیه الله، آقا سید محمد نجف آبادی، استاد عالیقدر ایشان، در ضمن اجازه اجتهادی که نوشته اند، مرقوم فرموده اند:

ص: ۶۳۳

وَلَقَدْ اسْتَفَادَ مِنِّي وَاسْتَفَدْتُ مِنْهُ بُرْهَةً مِنَ الزَّمَانِ ... (۱) مرحوم آیه الله اردکانی، تألیفاتی داشتند از قبیل: ۱- غنیه الطالب (حاشیه ای بر مکاسب مرحوم شیخ انصاری در پنج جلد) ۲- کتاب القضاء ۳- رساله ای در اجتهاد و تقلید (که آثار یاد شده، به چاپ رسیده است) ۴- کتاب الدیات ۵- کتاب الصوم ۶- کتاب الاعتکاف ۷- حاشیه بر عروه الوثقی ۸- کتاب الزکوه ۹- کتاب الخمس ۱۰- کتاب الحج، و بیش از پانزده کتاب و رساله دیگر.

آیه الله اردکانی، در اصفهان، حوزه درسی قابل توجهی در فقه اجتهادی داشتند، که این نویسنده کمترین هم، چندین سال در درس فقه استدلالی ایشان در بحث مکاسب، شرکت می نمودم. معظم له، دارای استعدادی قوی، بیانی جذاب، قدرت استدلال، و تسلط بر جدل و مناظره بودند، و در اندیشه و تفکر و تبحر در مباحث کلام و اعتقادات و تفسیر و حدیث، دارای شخصیتی ممتاز بودند، و در سالهای آخر عمرشان (متجاوز از پانزده سال) در تهران اقامت نمودند، و به تدریس و تحقیق و تألیف، اشتغال داشتند (۲).

چند چهره دیگر

در حال حاضر چهره های بزرگ دیگری در حوزه علمی اصفهان، مورد توجه می باشند، که آثار و برکات آنها باقی است، و امید است که عمر پر برکت

ص: ۶۳۴

-
- ۱- غروب خورشید، (یادواره چهلمین روز ارتحال آیه الله اردکانی) صفحه ۱۲
 - ۲- شرح حال مفصل این بزرگمرد را، می توانید در کتاب تاریخ اردکان، جلد ۱، صفحه ۲۸۷ تا ۲۹۱ و غروب خورشید، (یادواره چهلمین روز ارتحال آیه الله اردکانی) و گنجینه دانشمندان، جلد ۳، صفحه ۸۴-۸۵ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۲، صفحه ۳۴۰ - ۳۴۱، مطالعه نمائید

آنها مستدام بماند، و ذیلاً به سه نمونه اشاره می‌نمائیم.

۱- آیه الله موحد ابطحی

فقیه اصولی و مجتهد عالیقدر، و مفسّر و متکلم و رجالی عظیم الشان، جامع المعقول و المنقول، آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد علی موحد ابطحی دامت برکاته، متولد ۱۳۴۹ قمری.

ایشان، در حوزه های علمیّه اصفهان و قم و نجف، تحصیل علم نموده، و به مقام منیع اجتهاد، نائل گردیدند و در حوزه علمیّه نجف اشرف، و سپس در حوزه قم و اصفهان، به تدریس درس خارج فقه و اصول و کلام و تفسیر اشتغال یافتند. معظم له، در تمامی مراحل تحصیل علم، مورد توجه اساتید عظیم الشان خود، که از برجسته ترین مراجع عالیقدر و فقهاء و محققین حوزه های علمیّه بوده اند، قرار گرفته بودند، و از چهره های برجسته تحقیق و تألیف و تدریس، در حوزه علمیّه نجف، به شمار می آمدند.

ایشان، در سال ۱۳۹۴ قمری، به حوزه علمیّه اصفهان مراجعت نمودند، و در مدرسه صدر بازار، و مدتی در مدرسه چهارباغ، به تدریس فقه و اصول و تفسیر و کلام استدلالی پرداختند، و اکنون چند سالی است که در حوزه قم، به درس و بحث و تألیف اشتغال دارند، و فقط تابستانها در حوزه علمیّه اصفهان، تدریس می نمایند. آثار تألیفی این بزرگمرد، در زمینه های فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن و رجال و حدیث و کلام و تاریخ و ... فراوان می باشد، همانند: الطبقات الکبری و شرح رجال نجاشی و شرح رجال کثی و أخبار الزّواه و شرح عروه الوثقی و شرح وسائل الشّیعه و ... که شماری از آنها در ضمن مجلّات زیاد می باشد، و برخی از آنها به چاپ رسیده است، همانند:

از ویژگی های جالب در فعالیت های اجتماعی این بزرگوار ، تعظیم شعائر اهل البیت علیهم السلام از طریق تشکیل مجالس پرشور و سوز می باشد، که این برنامه را نه تنها در قم و اصفهان در منزل شخصی ، و در مدرسهٔ صدر و مسجد حضرت بقیه الله (عج) و... انجام می داده و می دهند، بلکه در هنگام سفر به مشهد مقدس، در این زمینه اقدام می نمایند و جلساتی که بدین منظور تشکیل می دهند مورد توجه و علاقهٔ عموم مؤمنین و علماء اعلام و دلباختگان اهل البیت علیهم السلام می باشد ، و گاهی در مناسبت های بسیار حساس همانند : روز تاسوعا و عاشوراء و ... خود شخصاً سخنرانی بسیار مفصل و استدلالی و عمیق و پرشوری ، ایراد می نمایند ، که نقش بسیار مؤثری در توجه به مکتب نورانی اهل البیت علیهم السلام ایفاء می نماید .

در بارهٔ این بزرگوار ، در بخش های « خاندان علمی اصفهان » و (مدارس علمیّهٔ اصفهان « مدرسهٔ صدر و مدرسهٔ چهارباغ ») بحث و بررسی داریم .

۲- آیه الله مجلسی

فقیه مجتهد و مدرّس مؤلف ، آیه الله ، حاج شیخ محمد تقی مجلسی دامت برکاته، متولّد ۱۳۰۷ شمسی (حدود ۱۳۴۸ قمری).

معظم له ، در اصفهان تحصیلات حوزه ای را شروع نموده ، و سپس در قم و پس از آن در حوزهٔ نجف ، ادامهٔ تحصیل علم دادند ، و از محضر بزرگانی ، همانند : حاج سید علی اصغر برزانی ، آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی و آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی (در حوزهٔ اصفهان) و نیز از محضر و درس آیات عظام

ص: ۶۳۶

و مراجع عالیقدر شیعه ، : آقا سید عبد الهادی شیرازی ، آقا سید محسن طباطبائی حکیم ، آقا سید محمود شاهرودی و آقا سید علی علامه فانی و نیز ، آقا سید ابوالقاسم خوئی و آقا میرزا هاشم آملی (در نجف) بهره علمی گرفتند ، و به مقام اجتهاد ، نائل گردیدند .

آیه الله مجلسی ، پس از مراجعت از نجف و مدتی اقامت در حوزه علمیّه و شهر قم ، از سال ۱۳۶۱ شمسی در اصفهان اقامت جستند ، و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف و تحقیق ، اشتغال دارند .

از تألیفات ایشان که به ۲۵ عنوان کتاب میرسد ، و در زمینه فقه و اصول و حدیث و اخلاق می باشد ، چند عدد به چاپ رسیده است ، همانند :

۱- المنتقی فی شرح العروه الوثقی (مبحث اجتهاد و تقلید) ۲- تقریرات درس اصول آیه الله آملی ۳- ولایت الأولیاء ۴- درّه البهیة ۵- رساله ای در نماز جمعه

۳- آیه الله امامی

استاد عظیم الشان و محقق ، و عالم جامع کامل ، آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، متولّد ۱۳۵۴ قمری به این بزرگمرد ، از خاندان علمی و ریشه دار امامی و فرزند مرحوم آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی قدس سرّه می باشند ، و به علّت خدمات علمی و حوزه ای و اجتماعی طولانی و گسترده ، از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان ، به شمار می روند .

آیه الله امامی ، در محضر پدر بزرگوارشان ، و نیز اساتید و آیات و علماء بزرگی ، همانند : آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی ، و آقا شیخ محمد علی (معلّم حبیب آبادی) و آقا شیخ علی مشکوه سدهی و آقا شیخ علی قدیری کفرانی و آقا سید مرتضی موحد ابطحی و آقا شیخ عباسعلی ادیب و حاج سید علی اصغر برزانی و حاج

ص: ۶۳۷

شیخ احمد فیاض سدهی و حاج آقا حسین خادمی و آقا سید علی موسوی بهبهانی، قدس سرهم، به کسب علم و طی مراحل تکاملی پرداختند و در ضمن تحصیل، به تدریس و تحقیق، اشتغال یافتند و پس از تکمیل تحصیلات، فعالیت های خود را در تدریس دروس زیاد و متنوع، در زمینه علوم ادبی و فقه و اصول و تفسیر و حدیث و درایه و عقائد و کلام و اخلاق، و نیز تربیت و سرپرستی طلاب حوزه علمیه، و تأسیس مدارس علمیه و خدمات دینی و علمی و اجتماعی در شهر تاریخی و باایمان و ولایت اصفهان، افزایش دادند و هم اکنون از میرزترین چهره های عالم روحانیت، و حوزه علمیه، و جامعه دینی ما، می باشند. و ما، در بخشهای گوناگون این کتاب، همانند: «مدارس علمیه اصفهان»، «برنامه گسترده مدرسه علمیه ذوالفقار و مدارس وابسته»، «خاندانهای علمی اصفهان» و نیز در کتاب «یادواره آیه الله، فقیه امامی» از آثار و خدمات این بزرگمرد، یاد نموده ایم

اعتذار

علاوه بر شخصیت های یاد شده، دهها مدرّس دیگر در حوزه علمیه اصفهان، در دوره اخیر اشتغال به تدریس و تربیت طلاب داشته و دارند و در زمینه های مختلف علوم اسلامی، در دوره مقدمات و سطح و خارج، کوشش درسی می نمایند، و در بخش «مدارس اصفهان» به برخی از آنها اشاره می نمائیم، و معرّفی همه آنها، از حوصله این بررسی خارج می باشد، و درباره شخصیت های یاد شده نیز، از بررسی و ذکر همه آثار علمی و خدمات و زحمات آنان (به علت پرهیز از طولانی شدن بحث و بررسی) صرف نظر می نمائیم.

از بخشهای جالب توجه، در بررسی ابعاد حوزه علمیة اصفهان، بخش مربوط به تعلیم و تعلّم دینی بانوان، و رسیدن آنها به مقامات بلند، در مسیر تحقیق و تألیف و تدریس و ارشاد دینی می باشد، و در این قسمت باید توجه داشته باشیم که، در دوره های رونق علم و دین در اصفهان، بانوان و دختران فاضله ای در صحنه علم و دانش پیدا شده اند، که از افتخارات مکتب تشیع می باشند و ذیلاً به برخی از آنها، به ترتیب تقریبی زمان زندگی و فعالیت علمی آنان، اشاره می نمائیم:

۱- دختر صاحب بن عبّاد

صاحب بن عبّاد، چهره مبرز و مشهور شیعه در دوران حاکمیت آل بویه، دختری عالمه و آدیبه داشته که، در کتاب نفیس ریاحین الشریعه، درباره او چنین آمده است:

این دختر، فاضله و آدیبه بوده، و جای تعجب نیست دختری که در دامان صاحب بن عبّاد، که زبان از فصاحت و علم و ادب او قاصر است، چنین باشد، فضل و دانش را از پدر میراث گرفته بود(۱).

صاحب بن عبّاد، از کثرت علاقه اش به این دختر از یک طرف، و علاقه اش به ذراری و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم و از طرف دیگر، این دختر را به ازدواج

ص: ۶۴۱

أبو الحسين علي بن الحسين ، معروف به أخى مسمعى، در آورد و از او پسری به دنیا آمد و صاحب بن عبّاد ، بسیار خوشنود شد و قصیده ای سرود که این دو بیت از آن قصیده است: (۱)

أَحْمَدُ اللَّهِ لِبُشْرَى أَقْبَلْتُ عِنْدَ الْفَتَى *** إِذْ حَبَانِي اللَّهُ سَبْطًا هُوَ سَبْطُ النَّبِيِّ

مَرْحَبًا ثَمَّةَ أَهْلًا بِغُلَامِ هَاشِمِي *** نَبَوِيَّ عَلَوِيَّ حَسَنِيَّ صَاحِبِي

۲- آمنه بنت عبّاد

وی دختر عبّاد بن علی بن حمزه طباطبائی علوی ، می باشد و از دانشمندان و محدّثه های قرن پنجم و ششم هجری در اصفهان بوده ، و از ابو محمّد ، رزق الله تمیمی، أخذ حدیث کرده است (۲).

۳- آمنه بنت عبد الکریم

وی ، دختر عبد الکریم بن عبد الرزاق حسن آبادی بوده، و از دانشمندان و محدّثه های قرن پنجم و ششم هجری ، در اصفهان به شمار رفته ، و زنی صالحه و دیندار بوده ، و عبد الکریم بن محمّد سمعانی ، از او أخذ حدیث کرده است (۳).

در کتاب ریاحین الشریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۳۲۳ ، از همین بانوی بزرگوار یاد نموده ولی به جای حسن آبادی ، جُنَائِدِي ، ذکر کرده است.

ص: ۶۴۲

۱- ریاحین الشریعه ، جلد ۴ ، صفحه ۲۲۹

۲- أعلام النّساء ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

۳- أعلام النّساء ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

وی ، دختر فقیه و عالم بزرگوار، شیخ علی منشار (شیخ الإسلام اصفهان)

و همسر عالیقدر نابغه روزگار، شیخ بهائی رحمه الله علیه بوده، و به نوشته میرزا عبد الله أفندی اصفهانی ، فاضله عالمه و فقیه محدثه ، بوده (۱) و در فقه و حدیث و امثال آن ، تدریس می نموده ، و زنها در درس او شرکت می کردند و پس از وفات پدرش ، چهار هزار جلد کتاب به او ارث رسید .

مقام علمی او تا جایی رسیده ، که مرحوم أفندی درباره او می نویسد:

وَ ذَكَرْنَا لَنَا بَعْضُ الْأَفْضَالِ أَنَّهَا وَافِرَةٌ الْعِلْمِ ، كَثِيرَةٌ الْفَضْلِ (۲) و علامه آمین ، در أعيان الشَّيْعَةِ نوشته است: وَقَدْ كَانَتْ هَذِهِ الْبِنْتُ (بِنْتُ الشَّيْخِ عَلِيِّ الْمُنْشَارِ) فَاضِلَةً ، عَالِمَةً ، فَقِيهَةً ، مُدْرَسَةً (۳)

۵ تا ۹- چند بانوی دانشمند از خاندان مجلسی

در خاندان برجسته و عظیم الشان مجلسی ، علاوه بر چهره های بزرگ علمی ، همانند : ملا محمد تقی و ملا محمد باقر مجلسی و ... ، که در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » از آنها یاد نمودیم ، چندین بانوی بزرگ و دانشمند تجلی یافتند ، که وسیله افتخار این خاندان بزرگ و شهر اصفهان و ملت شیعه می باشند ، و ذیلاً به نام و شخصیت آنها اشاره می نمائیم :

الف- آمنه بنت المجلسی

وی دختر علامه فقیه و محدث ، ملا محمد تقی مجلسی و همسر ملا صالح

ص: ۶۴۳

۱- ریاض العلماء، جلد ۵، صفحه ۴۰۷

۲- ریاض العلماء ، جلد ۵، صفحه ۴۰۷ و أعيان الشَّيْعَةِ چاپ جدید ، جلد ۳، صفحه ۲۷۵

۳- أعيان الشَّيْعَةِ، چاپ جدید ، جلد ۳، صفحه ۶۰۷

مازندرانی ، می باشد و شرح حال او را در بخش (خاندان علمی مجلسی) ، ذکر کرده ایم و علامه امین در باره او نوشته است:

مِنَ النِّسَاءِ الْفَاضِلَاتِ ، لَهَا شَرْحٌ عَلَى الْأَلْفِيِّهِ وَ شَوَاهِدِ الشُّيُوطِيِّ وَ قَبْرُهَا ... وَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ شَعْرِهَا ، يَظْهَرُ مِنْهُ وَفُورٌ أَدْبِهَا(۱).

ب- زینب بیگم

وی ، دختر مولی محمد سعید اشرف بن ملا محمد صالح مازندرانی می باشد ، که زنی معروف به علم و فضل و زهد و تقوی ، بوده است(۲).

ج- مریم بیگم

وی ، دختر زینب بیگم و میرزا محمد تقی بن ملا عبد الله بن ملا محمد تقی مجلسی ، و همسر میرزا محمد تقی الماسی بوده ، و به علم و تقوی و زهد، شناخته شده بوده است(۳).

د- دختر ملا عزیز الله مجلسی

وی ، از صاحبان کمال بوده ، و در شمار علماء مورد توجه قرار گرفته ، و رساله های متعدد در مسائل فقهیه و نیز حاشیه ای بر من لایحضره الفقیه ، به او نسبت داده اند(۴). در کتاب اعیان الشیعه ، او را با عنوان : (مِنَ النِّسَاءِ الْفَاضِلَاتِ) توصیف نموده ، و نوشته است: لَهَا تَعَالِيقٌ عَلَى كِتَابِ مَنْ لَا يَخْضُرُهُ الْفَقِيهُ

ص: ۶۴۴

۱- اعیان الشیعه، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۶۰۷

۲- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۵

۳- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۵

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۹

ه- مادر میرزا حیدر علی ، دختر آقا بزرگ مازندرانی

که از جمله زنانی است که ، از خاندان علامه مجلسی ، به علم و زهد و فضل و تقوی معروف بوده اند (٢).

١٠- حمیده رویدشتی اصفهانی

عالمه فاضله ، حمیده ، دختر مولی محمد شریف بن شمس الدین محمد رویدشتی (٣) اصفهانی ، متوفای در حدود ١٠٨٧ هجری.

وی ، مقامی بلند در علم و دانش و معرفت داشته ، و معلمه زنهای دوران خود بوده است . میرزا عبدالله آفندی ، درباره او می نویسد: .

فَاضِلَةٌ عَالِمَةٌ عَارِفَةٌ ، مُعَلِّمَةٌ لِنِسَاءِ عَضْرِهَا ، بَصِيرَةٌ بِعِلْمِ الرِّجَالِ ، نَقِيَّةٌ الْكَلَامِ ، بَقِيَّةُ الْفَضْلِ الْأَعْلَامِ ، تَقِيَّةٌ مِنَ الْأَنَامِ (٤).

او حواشی بر کتب حدیث داشته ، و مطالب دقیقه ای در ذیل احادیث کتاب استبصار و غیر آن، نوشته ، که نشانه منتهای فهم و دقت و اطلاع او ، در زمینه های مختلف ، بالأخص مطالب علم رجال ، می باشد (٥).

مولی محمد شریف (پدر این بانوی بزرگ) ، از شاگردان شیخ بهائی و از مشایخ اجازه علامه مجلسی ، بوده است.

ص: ٦٤٥

١- أعيان الشَّيْخِ ، چاپ جدید ، جلد ٣ ، صفحه ٦٠٧

٢- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ١ ، صفحه ٣٣٥ ٣٣٦

٣- رویدشت از توابع اصفهان است و در زبان عامه ، رودشت گفته می شود

٤- ریاض العلماء ، جلد ٥ ، صفحه ٤٠٤ و أعيان الشَّيْخِ ، چاپ جدید ، جلد ٦ ، صفحه ٢٥٥

٥- رياحين الشَّرِيعِ ، جلد ٤ ، صفحه ١٨٥

۱۱- فاطمه رویدشتی

دختر این بانوی بزرگوار (حمیده رویدشتی)، به نام فاطمه بوده و با اوصافی از قبیل فاضله عالمه، عابده و رعه، مورد ستایش قرار گرفته است. زنها در محضر او تحصیل علم میکرده اند، و بیشتر اوقات در خانه خاندان فقیه نامدار مرحوم خلیفه السلطان، زندگی می کرده است (۱).

۱۲- خواهر ملا رحیم

به نوشته میرزا عبدالله أفندی، در زمان ایشان، خواهر مولی رحیم اصفهانی ساکن محله کزان، از دانشمندان و کتّاب، بوده و بعضی فوائد را ضبط نموده، و خطی بسیار نیکو داشته و از جمله، شرح لمعه را با خطی زیبا نوشته است. میرزا عبدالله أفندی، از شاگردان پدر و برادر او بوده است (۲).

در فضیلت او همین بس که، نوشته اند: هِيَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْكَتَّابِ

۱۳- شهربانو

وی، دختر محتسب الممالک، وزنی عالمه و شاعره بوده، و صاحب دیوان اشعار می باشد، و در سال ۱۱۲۰ قمری از دنیا رفته و در تکیه خرابه، جنب تکیه میرزا رفیعا نائینی (در تخت فولاد) مدفون گشته است (۳).

۱۴- مریم بیگم

وی، دختر شاه سلیمان صفوی می باشد، و زنی بلند نظر و اندیشمند بوده،

ص: ۶۴۶

۱- ریاض العلماء، جلد ۵، صفحه ۴۰۵

۲- ریاض العلماء، جلد ۵، صفحه ۴۰۹ و ریاحین الشریعه، جلد ۴، صفحه ۱۹۵

۳- رجال اصفهان، صفحه ۲۱۷

و او را از دانشمندان خاندان صفویّه به شمار آورده اند(۱).

مریم بیگم، مدرسه ای با اهمیّت و بزرگ برای طلاب علوم دینیّه ساخت، و موقوفه های بسیاری برای آن در شهرهای اصفهان و تبریز و بسطام و قزوین و غیر آنها، در نظر گرفت و وقف نمود. تأسیس این مدرسه، از نشانه های بارز برای دانش و بینش این بانوی دانشمند می باشد (۲).

۱۵- آغا سلطان

وی، دختر طهماسب قلی بیگ (از امراء حکومت صفویّه) زنی عالمه و فاضله و خیراندیش بوده، و پس از وفات، در بقعه علی بن سهل، مدفون گردیده است (۳).

۱۶- سلطان بیگم

نوّابه سلطان بیگم، دختر میرزا محمد صالح حسینی خلیفه سلطانی، زنی شاعره و آدیبه و عالمه بوده، و در سال ۱۱۴۶ وفات یافته و در جوار امامزاده اسماعیل، و در نزدیکی قبر حضرت شعیای نبی علیه السلام، مدفون گشته است (۴).

۱۷- نسمة خاتون

وی، دختر آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) و همسر آقا شیخ محمد تقی مسجد شاهی (صاحب حاشیه بر معالم) و مادر، حاج شیخ محمد باقر مسجد

ص: ۶۴۷

۱- ریاحین الشریعه، جلد ۵، صفحه ۷۴

۲- درباره مدرسه مریم بیگم در بخش (مدارس علمیّه اصفهان) بررسی داریم

۳- رجال اصفهان، صفحه ۲۰۰

۴- رجال اصفهان، صفحه ۱۷۹ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۴

شاهی بوده ، و زنی دانشمند و با فضیلت و تقوی به شمار آمده ، و با عنوان عالمه فاضله زاهده ، ستایش شده ، و در سال ۱۲۹۵ وفات یافته(۱)، و در بقعه مادر شاهزاده (تکیه آقا شیخ محمد تقی) مدفون گشته است(۲).

۱۸- فاطمه بیگم

وی ، دارای لقب خان آغا بیگم، و دختر نواب محمد تقی میرزا خلیفه سلطانی بوده ، و به نوشته آیه الله ، مرعشی نجفی ، از زنان شاعره و عالمه و فاضله بوده ، و در محله گلپهار سکونت داشته ، و در سال ۱۳۴۲ قمری وفات یافته ، و در جوار قبر نواب محمد حسن میرزا ، در تخت فولاد مدفون گشته است(۳).

۱۹- بانو عفت الزمان امین

علویّه هاشمیّه ، عالمه فاضله ، حاجیه عفت الزمان امین ، فرزند مرحوم حاج میرزا احمد افتخار التجار ، فرزند مرحوم حاج سید محمد تقی امین التجار اصفهانی ، وی در سال ۱۳۳۱ قمری ، در خاندانی اصیل و شریف ، متولد گردید، و در خدمت عده ای از علماء ، همانند : میرزا علی اصغر شریف (مدرّس مدرسه در بکوشک) و آیه الله ، حاج شیخ مرتضی مظاهری ، و نیز در محضر بانوی مجتهدة ایرانی (بانو امین) ، به کسب علم و کمال معنوی پرداخت ، و دارای شخصیتی با فضیلت و علم گردید ، و از عالمه های نیمه دوّم قرن چهاردهم هجری به شمار آمد . از آثار بانو عفت الزمان امین ، کتاب چهل حدیث امین یا هشتصد و بیست موعظه است ، که دو بار به چاپ رسیده ، یکی در نجف

ص: ۶۴۸

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۷

۲- سیری در تخت فولاد، صفحه ۹۶ و رجال اصفهان ، صفحه ۷۳

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۳

أشرف در سال ۱۳۸۶، و دیگری در اصفهان در سال ۱۳۹۸ قمری .

بانو أمین ، در سال ۱۳۹۷ قمری بدرود حیات گفت ، و برادرش (حاج آقا مهدی أمین) در مرثیه او چنین سروده است : (۱)

در زنان گر رهبری چون دخت پیغمبر نبود *** حجت داور ، رسا ، در عرصه محشر نبود

عفت ماهم ، در این دوران وانفسای زن *** از حکیمی هوشمند و رهنما ، کمتر نبود

ای ستمگر چرخ غارتگر ، نمیگویی به خویش *** وقت پرپر کردن ، این لاله احمر نبود ! .

۲۰- بانوی مجتهده ایرانی

فقیهه مجتهده ، مفسیره عارفه ، حکیمه محققه ، آیه الله علی الأنام ، و حجه الإسلام و المسلمین ، حاجیه نصرت خانم أمین ، معروفه به بانوی ایرانی و علویه أمیّته ، متولده ۱۲۶۵ و متوفاه ۱۳۶۲ هجری شمسی (۱۴۰۳ قمری).

درباره این شخصیت یگانه و بی نظیر ، در جلد اول کتاب آشنائی با حوزه های علمیه شیعه ، و نیز در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) « خاندان علمی خاتون آبادی » و بخش (بقعه های علمی اصفهان) بررسی داریم ، و در این فصل نیز ، با نگرشی دیگر ، مطالبی را در مورد این افتخار ایران و عالم تشیع ، عرضه می داریم .

شخصیت و روش و آثار بانوی أمین ایرانی

این مجتهده بزرگ ، که با سی واسطه ، نسب مبارکشان به أمير المؤمنين علیه السلام

ص: ۶۴۹

می‌رسد، در یک عمر نود و هفت ساله، در بحرانی‌ترین دوره‌ها و در زیر شدیدترین فشارها و تهاجم‌های ضد دینی حکومت پهلوی، تحصیلاتی عمیق، و تحقیقاتی وسیع، و تألیفاتی متین و گسترده، و تدریس و تربیت‌های إعجاب‌انگیز و افتخار آفرین، و خدماتی شایسته و بی‌نظیر، در زمینه علوم دینی و نشر و ترویج افکار اسلامی، عرضه نمودند که نمونه آن تدریس برای صدها زن و دختر علاقه‌مند، و سخنرانی و ارشاد برای هزاران بانو و دوشیزه شیعه، می‌باشد و نیز از آثار آن، ارائه طریق و راهنمایی عموم طبقه نسون در شهر اصفهان، و همه کشور ایران، و جامعه شیعه می‌باشد، که به نحو مستقیم یا غیر مستقیم، از شخصیت علمی و معنوی این بزرگ افتخار عالم نسون، إلهام گرفتند و خود به تحصیل علم و کمال و درس و بحث و تحقیق و تألیف و وعظ و ارشاد، پرداختند.

بانوی مجتهدۀ آمین، با احساس مسئولیتی که نسبت به جامعه داشتند، سعی نمودند که با نوشتن کتابهای متعدد و مقالات گوناگون، و نیز به وسیله تأسیس مدرسه و مکتب علمی و اسلامی (مکتب فاطمیّه و دبیرستان دخترانۀ آمین)، و هم‌چنین با برگزاری جلسات تفسیر و تدریس معارف اسلامی، و پاسخگویی کتبی و شفاهی به پرسشهای علمی و دینی بانوان و دختران، و راهنمایی طالبان علم و فضیلت (بالأخص طبقه زنان)، گامهای مؤثری در تربیت و تهذیب روحی شاگردان، (خصوصاً)، و مردم مسلمان و متدین (عموماً)، بردارند، آنهم در زمانی که (در اثر سیاست استعماری حکومت پهلوی) نه تنها فعالیت‌های دینی و علمی زنان، دچار مشکل اساسی یا غیر ممکن بود، بلکه حوزه‌های علمیّه و مراکز علمی برای مردان نیز، حالت رکود بخود گرفته بود.

و به همین جهت است که، به عنوان یک واقعیت بزرگ و افتخار آفرین،

باید اعلام گردد:

بانوی مجتهدۀ آمین ، پرچمدار یگانه و بی نظیر حرکت علمی و دینی بانوان ایران در قرن چهاردهم بوده اند

بانوی ایرانی از دیدگاه فقهاء و اعلام دین

شخصیتهای بزرگی از فقهاء، حکماء ، مفسرین و ... در مورد این مجتهدۀ بینظیر ، اظهار نظرهای جالبی داشته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- مرحوم آیه الله ، آقا شیخ محمد کاظم شیرازی قُدُس سِرّه ، در اجازه اجتهادی که در تاریخ ۱۳۵۴ قمری ، برای این بانوی مجتهدۀ نوشته اند و بزبان عربی میباشد ، و مرحوم آیه الله العظمی ، آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی ، (مؤسس حوزه علمیه قم در دورۀ اخیر) آن را تأیید نموده اند، عباراتی مرقوم داشته اند که ترجمۀ بخشی از آن چنین است:

سید بزرگوار و شریفه و با شخصیت ، عالم فاضله و چهرۀ درخشان زنان زمان، و اعجوبه و مایۀ شگفتی دوران ، حاجیه خانم ... دختر مرحوم حاج سید محمد علی امین التّجار اصفهانی ، از من اجازه خواسته است و بعضی از آثار و نوشته های خود را در زمینۀ فقه و اصول و شرح بعض اخبار عرضه کرده است ... که پرده از مراتب فضل و یدِ طولای او در معقول و منقول بر می دارد و نشان میدهد که به مرتبه ای از مراتب اجتهاد نائل گردیده و لذا برای او است که به آنچه از احکام ، استنباط می نماید عمل نماید ...

۲- مرحوم آیه الله ، آقا سید ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی قُدُس سِرّه ، نیز در اجازه اجتهادی که برای حاجیه خانم آمین در تاریخ ۱۳۵۴ قمری نوشته اند ، این بزرگ بانوی عالمه را دارای قوۀ استنباط و مجاز در عمل به اجتهادات خود

ص: ۶۵۱

دانسته اند و در ضمن آن اجازه نوشته اند : فَإِنَّ السَّيِّدَةَ الْجَلِيلَةَ النَّبِيلَةَ ، الْحَسْبِيَةَ النَّسِيبَةَ الْعَالِمَةَ ، الْجَامِعَةَ لِلْمَعْقُولِ وَالْمُنْقُولِ ، فَرِيدَةَ الدَّهْرِ وَحُجَّةَ نِسَاءِ الْعَصْرِ ، الْحَاجَّةَ خَائِمَ دَامَتْ تَأْيِيدَاتُهَا ... حَتَّى فَازَتْ بِالْمَرَاتِبِ الْعَالِيَةِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْفَضْلِ الْعَيَانِ ، وَ صَارَتْ مَمَّنْ يُشَارُ إِلَيْهَا بِالْبَنَانِ ، وَقَدْ اسْتِجَارَتْ مِنَ الْأُخْقَرِ فَاخْتَبَرْتُهَا فِي مَسَائِلِ أَصُولِيهِ وَفَقْهِيهِ ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهَا بِأَجْوِبَتِهَا وَ هِيَ ... كَاشِفَةٌ عَنْ طُولِ بَاعِهَا وَوُفْرٍ إِطْلَاعِهَا وَوَاجِدِيَّتِهَا لِقَوْلِ الْأَسْتِثْبَاتِ وَبُلُوغِهَا إِلَى دَرَجَةِ مِنَ الاجْتِهَادِ ، فَلَهَا الْعَمَلُ بِمَا اسْتِثْبَطَتْهُ مِنَ الْأَحْكَامِ عَلَى النَّهْجِ الْمَأْلُوفِ بَيْنَ الْأَعْلَامِ ... وَ لِنِعْمَ مَا قَالَ :

فَلَوْ كُنَّ النِّسَاءُ بِمِثْلِ هَذِي *** لَفُضِّلَتِ النِّسَاءُ عَلَى الرِّجَالِ

۳- مرحوم آیه الله ، آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی ، (مسجد شاهی) که خود از اعجوبه های زمان ، و شیخ بهائی عصر خود ، و جامع المعقول و الممنقول بودند ، در ضمن اجازه ای که به بانوی ایرانی داده اند ، مطالب جالبی مرقوم داشته اند که ، ترجمه بخشی از آن چنین است:

... همانا سیده شریفه بلند مرتبه ، و گوهر گرانقدر مستور ، میوه درختی که ریشه اش ثابت ، و شاخه اش در آسمان است ، گل سرسبد باغ فرزندان زهراى أظهر علیها السلام ، صاحب افتخارات بزرگ و منقبت های برجسته ، عقیده خاندان ابی طالب ، که پیرو آثار پدران و اجداد خود می باشد ..

و بخش دیگری از آن بدین قرار است :

الْجَامِعَةُ بَيْنَ طَرِيفِ الْمَكَارِمِ وَ تِلَادِهَا وَ الْأَخْذَةَ بِطَرْفَى الْمَجِيدِ مِنَ الْحَسْبِ وَ النَّسَبِ وَ الْبَالِغَةَ مِنْهُ بِأَعْلَى الرُّتَبِ ، الْعَالِمَةُ الْفَاضِلَةُ ، الْفَقِيهَةُ الْحَكِيمَةُ ، الْعَارِفَةُ الْكَامِلَةُ ، ذَاتُ الشَّرَفِ الْبَادِخِ ، أُمُّ الْفَضْلِ ، سِتُّ (۱) الْمَشَايِخِ

ص: ۶۵۲

۱- ست یعنی سیده

و در بخش دیگری از همین اجازه ، که در باره کتاب اربعین الهاشمیه تألیف بانوی ایرانی ، سخن به میان آمده ، چنین مرقوم داشته اند :

أَهْدَتْ إِلَى كِتَابِهَا الْكَرِيمِ ، الَّذِي سَمَّيْتُهُ بِ (الأربعين الهاشميه) ... فَوَجَدْتُهُ عِقْدًا مُنْتَظَمًا مِنْ غَوَالِي الْفَرَايِدِ ... وَ هُوَ مُصَنَّفٌ يَشْهَدُ كُلُّ مُنْصِفٍ أَنَّهُ حَاوٍ لِأَصْنَافِ الْعُلُومِ وَمَجِدِّدٌ مِنَ الْأَثَارِ الْمَعَاهِدِ وَالرُّسُومِ ... فَكَمْ كَنْزٍ خَفِيٍّ مِنَ الْأَشْرَارِ أَظْهَرْتَهُ وَ مُشْكِلٍ مِنَ الْأَخْبَارِ فَسَيَّرْتَهُ وَ مُعْضَلٍ أَرَاخَتْ عَنْهُ الْأَعْضَالُ وَ أَصَابَتْ الصَّوَابَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الْأَقْوَالُ ... إِنَّهَا أُمُّ الْكِتَابِ الَّذِي لَوْ صَدَرَ مِنْ رِخْلِهِ يَخْتَرِقُ الْأَفَاقَ وَ يَحُوبُ الْبِلَادَ مِنَ الشَّامِ وَ الْعِرَاقِ ، وَ يَخْتَلِفُ إِلَى مَدَارِسِ الْعِلْمِ وَ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ ، لَحَقَّ لَهُ التَّقْرِيزُ وَالْإِطْرَاءُ ، فَكَيْفَ بِمَنْ أَرْحَتْ سَتْرَهَا ، وَ لَمْ تُبَارِحْ خُدْرَهَا ، فَيَحِقُّ أَنْ يَفْتَخِرَ بِهَا رَبَاتُ الْخُمْرِ وَ الْحِجَالِ ، عَلَى لَابِسِ الْعَمَائِمِ مِنَ الرِّجَالِ (۱).

۴- مرحوم آیه الله العظمی ، آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی ، درباره این بانوی بزرگ ، اظهار نظر نموده اند ، با این عبارت :

وَ أَمْرٌ هَذِهِ الشَّرِيفَةِ مَا يَقْضِي مِنْهُ الْعَجَبَ فِي هَذَا الْعَصْرِ ، مُصَدِّقَهُ فِي حُصُولِ الْإِجْتِهَادِ لَهَا عَنْ جَمِّ كَشَيْخِنَا ، الشَّيْخِ عَبْدِ الْكَرِيمِ الْحَائِرِيِّ وَ غَيْرِهِ ، فَهِيَ فَرِيدَةُ الْعُصُورِ وَ نَادِرَةُ الدُّهُورِ ، أَلْحَجَّجُهُ عَلَى نِسَاءِ الْعَصْرِ وَ الْأَيَّةِ لِبادِيءِ الدَّهْرِ ...

و در جمله ای کوتاه مرقوم داشته اند :

العالمه الْمُجْتَهِدَةُ ، الصَّالِحَةُ الْأَدِيبَةُ ، الْمُؤْتَاضَةُ السَّالِكَةُ الْعَارِفَةُ (۲) ۵- محقق عالیقدر و فیلسوف عظیم الشان معاصر ، استاد شیخ محمد تقی جعفری ،

ص: ۶۵۳

۱- تمامی متن این اجازه شریفه ، که مشتمل بر مطالب جالب و عبارات بسیار لطیف است ، در کتاب علماء معاصرین ، تألیف مرحوم خیابانی ، صفحه ۳۱۵ و ۳۱۶ نقل شده است

۲- أعيان الشیعه چاپ قدیم ، جلد ۱۳ ، صفحه ۴۴ - ۴۵ و ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۴۹۹

در ضمن مصاحبه ای درباره شخصیت بانوی مجتهدۀ آمین، چنین اظهار نظر نموده اند: ... با نظر به آثار قلمی که از خانم آمین در دسترس ما قرار گرفته است، به طور قطع می توان ایشان را یکی از علمای برجستۀ عالم تشیع معرّفی نمود، و روش علمی ایشان هم، کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، بلکه با نظر به مقامات عالیۀ روحی ایشان، باید ایشان را از گروه نخبه ای از دانشمندان به شمار آورد که، به اضافه فراگرفتن دانش، به (تولّد جدید) در زندگی نیز نائل می شوند. کتاب سیر و سلوک، تألیف آن عالمۀ معظّمه، شاهد روشنی است به این که، معارف و فلسفه های حرفه ای روح ایشان را نسائیده است ... اشراف و آگاهی خانم آمین، در کتاب سیر و سلوک، به واقعیات قابل اهمّیت، توأم با نوعی وجدان علمی (که متأسّی فانه افراد کمی از دانشمندان، موفق به داشتن آن می شوند) به خوبی آشکار است ...

استاد جعفری، در بخش دیگری از مصاحبه، برداشت خودشان را از شخصیت والای بانوی ایرانی که در یک ملاقات حضوری، حاصل شده است، چنین توضیح میدهند: ... با این که مسائل بسیار محدودی در آن جلسه مطرح شد، ولی طرز گفتارشان، از یک سلطه و اشراف عالی، به مغز آن مسائل حکایت می کرد، که به خوبی نشان دهندۀ اعتلای روحی ایشان بود.

این یکی از خواصّ ارواح رشد یافته است که، در میان طوفانی از اندیشه های مطرح شده، با به کار بردن جمله بسیار کوتاهی می توانند برتر قرار گرفتن خود را از آن طوفان اثبات کنند به علاوه اینکه در چنان موقعیتهای پرنوسان و متلاطم، که مقتضی تقلای سخت روانی و ابراز مقصود با حماسه پرهیا هو است، آرامش روانی و ابراز معتدلانۀ مطلب، فوق العاده با اهمّیت بوده و بهترین دلیل برای طیّ مراحل

کمالات علمی و وجدانی است(۱).

۶- فقیه و اصولی و حکیم محقق آیه الله، آقا سید علی نجف آبادی قدس سره، مهمترین استاد و مربی حاجیه خانم امین، که نقش اساسی در ساختن شخصیت علمی و اجتهاد این بانوی بزرگ، داشته اند، اظهار نظری شایسته دارند، که به عنوان (ختام مسک)، در پایان این قسمت می آوریم :

حکمت را دایم ام، به من درس داد، و یکی نیست که من به او درس بدهم، من می خواهم به این خانم درس بدهم که از من یادگاری باقی مانده باشد(۲).

و در هنگامی که کتاب « اربعین الهاشمیه » بانوی ایرانی به حوزه نجف رسید، و علمای بزرگ آن حوزه عظیم الشان، با محتوای کتاب آشنائی یافتند، و همه را به إعجاب واداشت، و مقدمات امتحانات دقیق علمی از این بانو فراهم گردید و زمینه برای تصمیم گیری علماء نجف، برای دادن إجازة إجتهد به ایشان، آماده گردید، آیه الله، آقا سید علی نجف آبادی، (استاد اعظم خانم امین) فرمودند: بانو امین، هرچه در این کتاب نوشته اند، از تراوشات فکری خودشان بوده است، و ربطی به تعلیمات من ندارد(۳)، و بدین وسیله قدرت تحقیق و اندیشه و افکار بلند خانم علویّه امین را، مورد تأیید قرار دادند.

خلاصه ای از صفات و روحیات بانوی امین

شاگردان و ارادتمندان نزدیک به این بانوی مجتهده، صفات و کمالات

ص: ۶۵۵

۱- متن این مصاحبه را می توانید در یادنامه بانوی مجتهده امین، منتشر شده از طرف وزارت ارشاد اسلامی، ملاحظه فرمائید، در صفحه ۴۲-۴۳

۲- یادنامه بانوی مجتهده امین صفحه ۱۴

۳- یادنامه بانوی مجتهده امین، صفحه ۱۴

روحی این بزرگ افتخار عالم علم و روحانیت را ، در مقالات و سخنرانیها و مصاحبه های مختلف ، بازگو نموده اند ، که فشرده ای از آن را در این بخش ، نقل می نمائیم :

« ایشان کم سخن می گفتند و از دهانشان حکمت و اوصاف حق شنیده می شد . « خیلی منظم بودند . « ساعت نماز و خوابشان نظم داشت . « می دانستیم الان که می رویم خدمتشان ، مشغول به چه کاری هستند . « از وقت خود زیاد استفاده می نمودند . « روی تعاون و همکاری با یکدیگر خیلی مقید بودند . « معاشرین خود را بسیار تحمّل می کردند . « أخلاق و رفتارشان بسیار سازنده بود و سعی می نمودند که به دختران جوان خلوص نیت را تلقین کنند . « زندگی ایشان طبیعی بود و افراط و تفریط در آن راه نداشت . « طرز گفتارشان از یک سلطه و اشراف عالی به مغز مسائل حکایت میکرد که به خوبی نشان دهنده اِعتلای روحی ایشان بود . « با این که همسرشان عالم و هم سطح ایشان نبود ، اما هیچ وقت نشد که این بانوی بزرگ به شوهر خود تَفَرُّعُنْ بفروشد ، بلکه همیشه می فرمود زن بایستی حقوق شوهر خود را به طور کامل رعایت نماید ، و هیچ حقی از شوهر نباید تَضییع شود . « به قدری متواضع بودند که کسی موفق نمیشد از وضعیت ظاهری ، ایشان را بشناسد . « زندگی متعادلی داشتند و به نحو متعادل لباس می پوشیدند و مهمانی میرفتند ، منتها در همه این برخوردها همیشه در فکر این بودند که ، تقوایشان را حفظ نمایند . • « خودشان را مسؤل دینی میدانستند و لذا هر کاری از دستشان بر می آمد از تألیف کتاب ، تأسیس مدرسه علمیه طلبگی برای زنان و دختران ، تأسیس دبیرستان با حفظ شئون دینی ، تدریس و تشکیل جلسه اخلاق و ... انجام می دادند . « آنقدر مُهَدَّبْ و جدی بودند که هیچ

کسی جرأت لغوگوئی و یا غیبت کردن در حضور ایشان نداشت . «با این که دریای علم و بحث بودند ، هرگاه مسئله ای از ایشان سؤال می شد و نمی دانستند، به راحتی می فرمودند (نمیدانم)»

«ایشان نمی خواستند اسمشان برده شود ، و لذا کتابهایشان به نام (بانوی ایرانی) است و حتی اجازه نمی دادند به نام بانوی اصفهانی منتشر شود . «در حین درس ، هر حادثه ای پیش می آمد (به علت توجه کامل به درس) متوجه نمی شدند . «وقتی به منزلشان می رفتیم اهل خانه می گفتند : خانم تا صبح در حال گریه و دعاء است .»

و این بود نمونه ای از صفات و اخلاقیات این افتخار عالم زنان ، که می تواند راهگشای همگان باشد .

جمله هائی برجسته و راهگشا، از بانوی مجتهدۀ آمین

به خواندن کتاب از کودکی عشق می ورزیدم ، اما نه هر کتابی ، بلکه کتابهایی که جنبه معنویت آنها زیاد بود .

در اوقاتی که با بچه های هم سنّ بودم مثل آنها تفریح و گردش نمی کردم ، بلکه مشتاق بودم بیشتر تنها باشم ، تا بهتر بتوانم فکر کنم ، زیرا گم شده ای در وجود خود داشتم ، و اگر به مجالس عمومی هم می رفتم باز در حال تفکر بودم، و در این اندیشه و مقام ، که پا از جادۀ شریعت بیرون نگذارم .

در میان علوم ، به خداشناسی و علومی که مربوط به خداوند بود، بیشتر علاقه داشتم... تا سرانجام در صدد برآمدن زبان عربی را بیاموزم، شاید از این راه، گم شده خود را پیدا کنم و به خدا نزدیک شوم .

همواره لطف پروردگار بدرقه راهم بود ، و حین تحصیل هم گاهی حالات خوش و نورانی نصیب می شد ، تا این که موفق به نوشتن کتاب اربعین شدم ،

علمای نجف که از نوشتن اربعین اطلاع حاصل کردند، کتباً سؤالهایی راجع به (فقه) برایم فرستادند، و پس از آن که جواب ایشان را دادم (درجهٔ اجتهاد) به من عطا فرمودند، از آن به بعد، مشغول تألیف کتاب بوده ام.

در تمام این مراحل، از تفضّلات و اَطاف الهی برخوردار بوده ام و گاه به گاه، جرّقه های نورانی نصیبم می گردد، و محظوظم می کند

آنچه در علوم و معنویات غیر از بحث اَلفاظ فهمیده ام، بیشتر از همین راهها بوده و در نوشته هایم کمتر از امور خارجی کمک گرفته ام، نمیگویم از غیب خبر دارم و از حال و باطن کسی، اما اغلب معنویات و معارف خود را از استاد فرا نگرفته ام، بلکه از همین حالات به دست آورده ام، و غالب نوشته هایم با ارشاد خداوند و کمک او بوده است. من مخالف تحصیل کردن خانمها نیستم، تحصیل کنند و علم بیاموزند لکن با حفظ نفس و آبروی اسلام. پاره کردن حجاب، در حقیقت پاره کردن اوراق قرآن است، چون قرآن به حجاب حکم میکند و خلاف آن را عمل کردن، حکم خدا و پیامبر را زیر پا گذاشتن است. هیچ خوشبختی به قدر آرامش دل نیست، و سعادت حقیقی بر روی فضیلت بنا شده است. من به جهت اشتیاق شدیدی که به مطالعه داشتم، سخنان ناروا و ملامتها و استهزاهای آنها (بستگان و نزدیکان) را تحمل می کردم، و خود را چنان می یافتم که، گویا از امور لهُو و مزخرفات دنیا اعراض دارد، و دلم به اینها انس نمی گیرد، بلکه به چیز دیگری بستگی دارد، با این که گم شده و محبوب دلم برایم مشخص نبود. و هرگاه از یک عالم یا واعظی، مطلبی در اوصاف حق تعالی می شنیدم، قلبم به سخن او میل مفرطی پیدا می کرد و گویا از سر تا پا گوش می شدم، که سخن او را بشنوم و برای استماع صفات حق تعالی حریص بودم، و پیوسته این چنین بودم، تا این که به تحصیل علوم عربی راغب شدم و به

تحصیل مقدمات از صرف و نحو و غیرهما از مقدمات فقه و اصول و منطق و حکمت مشغول شدم و خدا می داند که این راه را به چه سختی و اضطرابی گذراندم

و چگونه مشقت هائی را که از زخم زبان دوستان

و استهزاء آنها به من وارد می شد، تحمّل کردم

و ملامتی هم بر آنها نیست، زیرا در آن زمان، مشغول شدن فردی مثل من، به تحصیل، برای آنها عجیب بود، و عجیب تر از آن، این بود که، من مضرّ به تحصیل بودم به گونه ای که:

در غالب اوقات قلبم مشغول به تحصیل علم بود و از ملامت هیچ ملامت کننده ای، از مرد و زن، نمی ترسیدم (بخش اخیر سخنان بانوی مجتهدۀ آمین، به نقل از مقاله عالمۀ فاضله، و مدرّسۀ محقّقه، خانم فردوس مدرّس هاشمی، بنت حجّه الإسلام و المسلمین آقای حاج سید حسین مدرّس هاشمی، می باشد (۱)).

ص: ۶۵۹

۱- خانم فردوس مدرّس هاشمی، از خاندان علمی مجتهد و مرجع نامدار اصفهان، مرحوم آقا سید حسن مدرّس، می باشند و خود ایشان در تحصیل علوم حوزه ای و نیل به کمالات علمی و روحی و معنوی، به توفیق شایانی دست یافته اند و دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی را با دقت و جدّیت طی نموده اند، و در زمینه تدریس دروس ادبی و سطوح فقه و اصول و درس اخلاق و تفسیر قرآن و حدیث...، دارای موفقیت شایسته می باشند، و مقالات و رساله هائی نوشته اند که بعضاً به چاپ رسیده، و مجموعاً در حدود ۱۰۰۰ صفحه می باشد. خانم مدرّس هاشمی، از شاگردان آیه الله، حاج آقا حسن فقیه امامی، آیه الله حاج شیخ محمود شریعت ریزی، و عموی بزرگوارشان، آیه الله، حاج آقا حسن مدرّس می باشند، و چند سالی نیز، در درسهای این کمترین (حاج سید حجّه موحد ابطحی شرکت می نمودند، و از جدّی ترین و مؤفق ترین شرکت کنندگان در درس بودند. «وَفَقَّهَا اللهُ لِمَا يُحِبُّ وَيَرْضَى»

ملاقات‌های علمی بزرگ، با، بانوی ایرانی

علاوه بر اساتید بزرگ و مشایخ اجازة این بانوی مجتهده، که با ایشان ملاقات و گفتگو داشته‌اند، شخصیت‌های بزرگی از حوزه‌های علمیة نجف و قم و مشهد و شیراز و... و نیز بزرگانی از مراکز علمی دانشگاهی، به دیدار ایشان می‌آمدند، که به عنوان نمونه، می‌توان از مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی و نیز از مفسر بزرگ قرن، صاحب تفسیر المیزان، علامه نامدار مرحوم آیه الله، آقا سید محمد حسین طباطبائی، یاد نمود.

تألیفات بانوی ایرانی

آثار تألیفی این بانوی بزرگ، متعدد و متنوع بوده، که ذیلاً اشاره مینمائیم.

۱- اربعین الهاشمیه، که اولین اثر تألیفی آن بزرگ بانو می‌باشد، و حوزه‌های علمیة را متوجه علم و قدرت تحقیق و تفکر ایشان، نموده است.

۲- جامع الشتات، که مشتمل بر پرسشهای متنوع و متعددی است که، علماء بزرگوار، از ایشان نموده‌اند، و آن بزرگ بانوی عالمه، به آنها، پاسخ مبسوط و عالمانه داده‌اند.

۳- معاد یا آخرین سیر بشر، که مطالب آن در نه بخش، در زمینه معاد، تقسیم و تنظیم شده است.

۴- أَلْفَحَاتُ الرَّحْمَانِيَّةِ، فِي الْوَارِدَاتِ الْقَلْبِيَّةِ

۵- أخلاق، که اقتباسی است از کتاب طهاره الأعراف ابن مسکویه و اندیشه‌های بانوی مجتهده نیز، بر آن اضافه شده است.

۶- روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، که سعی شده است معنای سعادت و خوشبختی و راه رسیدن به آن، با زبانی ساده و همراه با اندرزهای

نیکو، به خواهران دینی ابلاغ شود.

۷- مَخَزَنُ اللَّئَالِي، در مناقب مولی الموالی علی علیه السلام، که مشتمل بر فضائل أمير المؤمنين علیه السلام علت است.

۸- سیر و سلوک، در روش اولیاء و طریق سعداء، که راهنمای انسان در زمینه سیر الی الله می باشد.

۹- مَخَزَنُ الْعُرْفَانُ (در پانزده جلد)، که یک دوره کامل تفسیر قرآن می باشد و بدین وسیله خانم امین موفق گردیده که تنها مفسره قرآن از طبقه زنان باشد، که تمامی قرآن را تفسیر نموده است.

کتابهای یاد شده، مکرراً به چاپ رسیده، و برخی از آنها چهار یا پنج نوبت، به زیور طبع آراسته شده است.

بانوی امین، از مشایخ اجازه حدیث

بانوی مجتهدة امین، علاوه بر فعالیتهای درسی و تألیفی، و نشر علوم اسلامی از طریق بیان و قلم، موفق گردیدند که در میان سلسله حاملان حدیث، جایی مناسب احراز نمایند، و از مجتهدین بزرگ و شخصیت‌های برجسته علمی، اجازه روایتی دریافت نمایند، و شخصاً به عده ای از علماء و بزرگان، اجازه روایتی بدهند.

بانوی امین، از بزرگانی همانند آیات عظیم الشان: آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آقا سید ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی و آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی (مسجد شاهی) و آیه الله، مرعشی نجفی، اجازه روایت گرفته اند، و از طرف دیگر، به مرجع عالیقدر، ناشر علوم أهل البيت عليهم السلام، آیه الله العظمی، آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی (مذکور در فوق)، و علامه محقق، آیه الله،

آقای حاج سید محمد علی روضاتی ، و آقای ظهیر الحسون ، و نیز یکی از شاگردانشان ، عالمه فاضله ، علویه حاجیه خانم همایونی (صاحب ترجمه اربعین الهاشمیه و ترجمه بخشی از اسرار الایات ملاًصدرا شیرازی) و ...، اجازه روایتی داده اند و بدین وسیله ، عنوان شیخه الحدیث یافته ، و از مشایخ اجازه ، به شمار می روند .

مکتب فاطمه علیها السلام ، از آثار بانوی ایرانی

مکتب فاطمه علیها السلام ، در سال ۱۳۴۴ شمسی ، به دستور بانوی مجتهده امین ، و با همت و مدیریت عالمه فاضله ، حاجیه علویه ، زینت خانم همایونی (۱) تأسیس گشته ، و تاکنون بسیاری از بانوان و دوشیزگان علاقمند ، حرکت علمی و تحصیلی دینی خود را ، در آن آغاز نموده ، و بعضاً ادامه داده اند . بسیاری از مدرسه های طلبگی برای طبقه نسوان ، در اصفهان و دیگر شهرها ، همانند : قم ، نجف آباد ، خمینی شهر ، از این پایگاه علمی نشأت گرفته است .

مکتب فاطمه علیها السلام ، که از آثار باقیه بانوی ایرانی به حساب می آید ، در اثر خلوص نیت آن بزرگ بانوی مجتهده ، نقش مهمی در حفظ و گسترش ارزشهای معنوی و علمی ، و عفت و تقوای زنان و دختران مسلمان داشته است ، و ما ، در بخش « مدارس علمیه اصفهان » نیز ، در باره این مرکز علمی و دینی ، بحث و بررسی داریم .

ص: ۶۶۲

۱- خانم همایونی از شاگردان بانوی ایرانی می باشند ، و آثار قلمی متعددی دارند ، از قبیل : ترجمه اربعین الهاشمیه و ترجمه بخشی از اسرار الایات ملاًصدرا شیرازی ، و کتابی به نام (زن مظهر خلاقیت الله) و نیز مقالاتی متعدد و متنوع ، که بعضاً در نشریات عمومی ، به چاپ رسیده است ، و ایشان از دوستان و یاران قدیمی و صمیمی بانوی مجتهده امین ، می باشند

دعوت رسمی برای همکاری

اینجانب (نویسنده این سطور) چندین سال در مکتب فاطمه علیها السلام موفق به تدریس علوم حوزه ای از قبیل : نحو، منطق ، اصول فقه ، عقائد و کلام ، بودم ، ولی در اثر کثرت دروس حوزه ای که در حوزه علمیه ، عهده دار تحصیل یا تدریس آن بودم ، از ادامه تدریس در مکتب فاطمه علیها السلام ، خودداری نمودم ، تا این که بانوی مجتهدۀ آمین ، اظهار لطف نمودند ، و در نامه ای افتخار آفرین (در سال ۱۳۵۳ شمسی) اینجانب را دعوت به ادامۀ همکاری و تدریس در مکتب فاطمه علیها السلام نمودند ، و شخصیت و عظمت و معنویت ایشان ، مرا موظف ساخت که دعوت ایشان را اجابت نموده ، و مجدداً ، چند سالی به تدریس در آن پایگاه علم و تقوی ، ادامه دهم .

سروده های شعراء ، درباره بانوی آمین

شعرای علاقمند ، در بارۀ بانوی مجتهدۀ آمین ، و نیز در زمینه تجلیل از آثار و تألیفات این نابغه دوران ، اشعاری سروده اند ، که به عنوان نمونه از سروده های مرحوم آیه الله ، حاج شیخ مجتبی لنکرانی (که از مجتهدین و مدرّسین عالیقدر و مشهور ، در حوزه های علمیه نجف و اصفهان و ... بودند) . و نیز از سروده های : « خطیب » و « شهیر اصفهانی » و نیز « سپیده کاشانی » و « خالصی » و « حجازی » و « حسامی » و « نصر » و « نامی » و « سیفی » و « فروتن » و « خادم » و « طالب » (از شعرای اصفهانی) و ... می توان یاد نمود ، و ذیلاً از شعر برخی از شعراء یاد شده ، چند بیتی نقل میگردد .

۱- مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی لنکرانی ، متخلص به « حاتمی » ، در ضمن سروده ای مفصل ، چنین آورده اند:

جز مخزن لثالی و راه سعادت***حاشا به لوح نفس ، نگاری مصور است
کان دفتر نخست ، ز آغاز تاختم***یک سر مناقبی است که در شان حیدر است
مخزن و راست نام، که از بدو تا به ختم***درجی ز لؤلؤ است و ، سماطی ز گوهر است
نظم بدیع و دلکش و ، اسلوب روح بخش***حیرت فزا،چوخطبه زهرای اطهر است
از گلشن ارم ، نفحات دگر وزید***از نو،به بزم،روتق و،عودی به مجمر است
یارب مسوز بال ، زبانوی محترم***بالی که بر عموم بشر،سایه گستر است
اکنون به خامه و به کتاب است نشر دین***نی با سنان و تیغ و به ژوبین(۱) و خنجر است
ای طالب حقیقت عرفان ، ز روی فکر***بنگر بر این کتاب ، که هادی و رهبر است
دانی که بنت فاطمه از ابن مسکویه***همچون سماک ، از سمک أعلا و برتر است

ص: ۶۶۴

۱- ژوبین یا ژوبین ، نیزه کوچکی است که سر آن دو شاخه بوده ، و در جنگهای قدیم آن را به روی دشمن پرتاب می کرده اند

شد اصفهان ز نصف جهانی ، تمام آن***تا این سرای قدس ، به چهرش منور است
که مجلسی تراود و ، گه شیخ عاملی(۱)***آکنده (دار ضرب) زهر نقره و زر است
چون هاشمیّه ، دختر زهراست ، لاجرم***مأمول من، شفاعت او روز محشر است
گر نظم نغز نیست ، بخوانش تبرّکی***مرسوله ای(۲)، ز مرقد مولای قنبر است
ران ملخ به نزد سلیمان ز (حاتمی) است***چون بنگری،زقبرهای نیز ، کمتر است

ص: ۶۶۵

۱- منظور شیخ بهاء الدّین عاملی معروف به شیخ بهائی است

۲- این اشعار را مرحوم آیه الله لنکرانی ، از نجف اشرف ارسال داشته اند

و آقای مصطفی هادوی متخلص به (شهیر) ، در ضمن اشعاری ، چنین سروده است:

افتخار عالم نسوان بود ، بانو امین*** آن که عمری داشت کوشش در ره ترویج دین

بانوی نیکو خصال ، آن اسوۀ فضل و کمال*** اهل تقوی ، آیت حق ، صاحب علم الیقین

رهرو راه خدا ، آئینه ایزد نما*** آن گل باغ شریعت ، حامی احکام دین

بود سیمایش تجلی گاه نور کبریا*** مادر گیتی کجا آرد ، دگر دختی چنین

آسمان معرفت ، خورشید عالمتاب علم*** صاحب تفسیر قرآن و کتاب اربعین

روح اخلاص و صفا پیداست در سیر و سلوک*** راه خوشبختی او ، دارد نکات دلنشین

گوهر دریای معنی ، مخزن العرفان اوست*** هست تفسیر گرانقدری زقرآن مبین

گفت در وصفش (شهیر) از روی اخلاص و صفا*** آفرین بر روح پاکش ، صد هزاران آفرین

و شاعر دیگری متخلص به (خطیب) در ضمن سرودهای چنین آورده است:

فخر نسوان بر رجال این بس که بانوئی چنین***داده داد علم و فضل ، از دوده فخر آنان

مادر ایام باشد از چنین بنتی عقیم***که از او ماند به جا، در صفحه ایام ، نام

می سزد زین سیده، سادات جویند افتخار***شاید از تمجید وی، یابد دواوین ارتسام

سترعلیا، ز اصل طه ، بضعه پاک امین***که روانش کرده جا، در غرفه دارالسلام

بخ از آن نخل شرف ، کاینگونه ، ماند از وی ثمر***اصل پاک اینگونه ریزد شربت شیرین ، به کام

آفرین بر عنصر پاکی، کزو ماند این سلیل***که به نشر شرع أظهر ، کرده در عمرش قیام

مرحبا ، أهلاً و سهلاً ، حبذا ، طوبی لها***بارسول الله جدش ، حشر یابد مستدام

أجرت ای صدیقه ، باجدت رسول هاشمی***در بهشت حق دهد در جنه المأوی مقام

کس نداند حق تو ، جز مالک الملک قدیم***از کرم داند چه بخشاید مقامت در قیام

و خانم سپیده کاشانی ، شاعره نامدار و عالیقدر معاصر ، که از مفاخر عالم شعر و ادب عصر حاضر ، و از چهره های مورد توجه در دوره اخیر شعر مذهبی می باشد ، در رثای این مجتهدۀ عظیم الشان، چنین سروده:

بانگ رحیل ، خاک وطن را فرا گرفت***اسلام شد به ماتم و ، رنگ عزا گرفت

ماهی که نور معرفتش ، رشک مهر بود***دامن کشان به کنگره عرش ، جاگرفت

آیات را نماز بخوانیم ، دوستان***زیرا خسوف هجر ، رخ ماه ماگرفت

رخشنده اخترش بشد از کهکشانش علم***در عرش ، جابه بارگه انبیا گرفت

می رفت و ، داغ لاله فراوان بسینه داشت***زین خاکدان ، که مرتبه نینوا گرفت

گلچین ز شاخه چید بسی گل ، در این دیار***فقدان این گل ، از چه چمن را فراگرفت

فخر زنان ، آمینه ما، درس عاشقی***از مکتب امین خدا ، مصطفی گرفت

آن مرجع فضیلت و تقوا، به راه علم***بر راهوار عشق ، مدد از خدا گرفت

بانوی بانوان جهان شد شفیع او***گر در کنار کوثر میعاد ، جاگرفت

جاوید خانه باد ، مبارک بر او، که خاک***از آن گل معطر عصمت ، صفا گرفت

شخصیت بانوی ایرانی، در منابع و مآخذ گوناگون

از آن هنگام که آثار قلمی بانوی امین منشر گردید، و در حوزه های علمی و دینی، نام و شخصیت آن بزرگ بانوی مجتهده مطرح گردید، به تدریج، در کتابهای تراجم و مجله ها و ...، نام ایشان به میان آمد، و به تفصیل یا اجمال، از عظمت این بانوی نمونه یاد گردید، که ذیلاً به نمونه هائی، اشاره می نمائیم:

۱- علماء معاصرین، از نویسندۀ محقق و عظیم الشان، حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی، از صفحۀ ۳۱۱ تا ۳۲۵، و ظاهراً اولین کتابی که شرح حال بانوی ایرانی را به تفصیل و با تجلیل کامل، مطرح نموده، همین کتاب می باشد

۲- ریاحین الشریعه، جلد ۳، صفحۀ ۴۳۱ - ۴۳۲

۳- أعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۳ صفحۀ ۴۹۹ و چاپ قدیم، جلد ۱۳، صفحۀ ۴۴ - ۴۵

۴- نقباء البشر، جلد ۱، صفحۀ ۱۸۳

۵- ألدریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۱۲، صفحۀ ۲۸۵ - و جلد ۲۰ صفحۀ ۲۲۹ - و جلد ۲۱ صفحۀ ۱۷۵ - و جلد ۲۴ صفحۀ ۲۴۸ و جلد ۲۶ صفحۀ ۱۴۶

۶- گنجینه دانشمندان، جلد ۳، صفحۀ ۱۱۴ تا ۱۱۶

۷- آشنائی با حوزه های علمی شیعه، ج ۱، ص ۷۶ - ۷۸، از نویسندۀ کمترین

۸- مجله مکتب اسلام، سال ۲۳، شماره ۱۵ مرداد ۱۳۶۲ شمسی) صفحۀ ۶۲

۹- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، از نویسندۀ معاصر، سید مصلح الدین مهدوی، جلد ۲، صفحۀ ۳۴۸ - ۳۵۱

۱۰- أعلام النساء، از عمر رضا کخاله، جلد ۱، صفحۀ ۹۵

ص: ۶۶۹

۱۱ - سیری در تخت فولاد اصفهان ، از سید مصلح الدین مهدوی ص ۶۸ - ۷۰

۱۲ - یادنامه عالمه مجتهده ، حاجیه خانم امین (بانوی ایرانی) ، به اهتمام مصطفی هادوی « شهیر اصفهانی » در ۱۸۳ صفحه

۱۳ - مقدمه ترجمه اربعین الهاشمیه ، به قلم حاجیه خانم همایونی .

۱۴ - نمونه هائی از زنان دانشمند ، محمد الحسون ، انتشارات نمایشگاه تشخص و منزلت زن در نظام اسلامی ، دیماه ۱۳۶۹

۱۵ - نگرشی کوتاه به زندگی ، مرحومه ، آیه الله یگانه ، بانوی ایرانی ، حاجیه خانم امین ، نوشته عالمه فاضله ، خانم فردوس مدرّس هاشمی

۱۶ - نشریه معراج (مصاحبه با خانم همایونی) سال اول ، شماره ۶

۱۷ - مجله جوانان امروز ، مقاله (این زن اصفهانی چگونه اجازه اجتهاد گرفت) شماره ۱۸۵۱ تیرماه ۱۳۶۲) صفحه ۵

۱۸ - مجله زن روز شماره ۱۹۲۶ مرداد ۱۳۶۲ صفحه ۴

۱۹ - مجله زن روز (نگاهی گذرا ، بر حیات پر بار حجه الاسلام و المسلمین ، بانو امین) شماره ۱۱۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۶ ، صفحه ۶

۲۰ - مقدمه کتاب اخلاق بانوی ایرانی ، از انتشارات نهضت زنان مسلمان ، مصاحبه با بانوی ایرانی ، از صفحه یازده تا شانزده

۲۱ - مقدمه کتاب النّفحات الرّحماتیّه ، (تألیف بانوی ایرانی) ، به قلم عبد الله السبیتی ، از صفحه ۱ - ۱۲

۲۲ - مقدمه جامع الشّتات (نامه ای از سید محمد سعید حسینی حلّی نجفی)

۲۳ - یادنامه بانوی مجتهده حجه الاسلام و المسلمین ، سیده نصرت امین ، که به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت بانوی مجتهده امین (اصفهان ۲۳ تا

ص: ۶۷۰

۲۵ خردادماه ۱۳۷۱) از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفتاد صفحه منتشر گردیده است و حاوی ابعاد گوناگون شخصیت و عظمت بانوی ایرانی، می باشد.

۲۴- و ... نوشته های مطبوع یا مخطوط در مجله ها، روزنامه ها، تألیفات نویسندگان، که حاکی از شخصیت مشهور و مورد توجه این بانوی بزرگ و بی نظیر، می باشد.

بانوان دانشمند، در دوره معاصر

با توجه به کوشش های برجسته و اساسی آیت بزرگ حق، مرحومه حاجیه خانم امین (بانوی ایرانی)، در مورد توجه دادن طبقه نسوان به دانش و اندیشه دینی، و هم چنین با توجه به فراهم شدن زمینه های اجتماعی برای تحصیلات علمی و دینی بانوان و دوشیزگان (در اثر تبلیغات علماء و بزرگان دین و خطباء و وعیای دلسوز)، و نیز تأسیس مدارس متعدّد و مراکز گوناگون، برای دستیابی به تحصیلات بانوان و دوشیزگان شیعه، به خوبی می توان دریافت که دوره معاصر، دوره دانش دینی، برای طبقه نسوان می باشد، و نمودار این حقیقت، مدارس و مراکزی است که، شمار زیادی از دختران و زنان اصفهانی، در آنها به تحصیل علوم دینی، اشتغال دارند و در زمینه نحو، صرف، منطق، معانی و بیان و بدیع، فقه، اصول، اخلاق، عقائد، تفسیر و علوم قرآن، حدیث، رجال و درایه، تاریخ اسلام و ...، فعالیت درسی و تحصیلی دارند، و جالب این است که به تدریج، شمار قابل توجهی از آنها، شخصاً به تدریس و تألیف و تحقیق و سخنوری (برای بانوان و دوشیزگان) مشغول گشته اند، و علاوه بر اینکه عده ای از آنها، دوره سطح (شرح لمعه و اصول الفقه و رسائل و مکاسب) را به

خوبی تحصیل کرده اند، شخصاً مدرّسی محقّق، در زمینه کتب ادبی و منطق و نیز تفسیر و حدیث و اخلاق و عقائد و فقه و اصول (در مراحل پائین تر)، می باشند و ما در بخش «مدارس علمیّه اصفهان» اشاره ای به شمار طلاب زن، و مراحل تحصیلی آنها داریم.

عکس

قال رسول الله صلى الله عليه وآله

فلا طمّعتي
أمر الله بها

ص: ۶۷۲

از همه عزیزان و دوستانی که از علم و فضل ، تشویق و ترغیب ، ذوق و هنر خویش بهره گرفته ، و در تألیف کتاب و به ثمر رسیدن این کوشش علمی ، و در انجام مقابله مکرر، و نیز در تهیه فیلم و زینک و چاپ و تجلید کتاب ، همکاری و عنایت صمیمانه داشته اند ، مخصوصاً صدیق مکرم ، حجه الإسلام آقای سید محمد رضا ابطحی دام عزه و توفیقه ، که در مراحل گوناگون امور کامپیوتری و چاپ کتاب ، و دقت و زیبایی کار، و صفحه آرایی جالب و منسجم بخش های گوناگون کتاب ، عشق و علاقه و ذوق و ابتکار و حوصله و پشتکار

به کار گرفتند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم ، و از درگاه خداوند صاحبان ولایت (پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام) و بالأخص ،

صاحب العصر و الزمان ، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) رو پاداش و ثواب آخروی ، و عزت و سربلندی و شادکامی دنیوی برای آنها آرزو می نمایم .

میر سید حجه موحد ابطحی نجل مرحوم آیه الله ، سید مرتضی موحد ابطحی موسوی اصفهانی

يَا مَوْلَانِي

إِفَاطِي

أَعْتَبِي

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

